

در این کتاب که در دسترس است و در میان  
 طبیبان و دانشمندان و در میان  
 و در میان و در میان و در میان  
 و در میان و در میان و در میان

# طب آیات

المعروف  
 خانه شفا

حیدر آباد

حکیم و ڈاکٹر غلام سرور خان میثوی فیروز پوری

نعلت الرشید

حکیم حاکم علی خان مشہود علی دواخانہ صدیقہ پورہ کمری

ناشرین

شیخ غلام حسین اینڈ سنسز پشاور بازار لاہور



(جمہوری حقوق پر مبنی مضمون)

و توفیق ایزد سبحانی و تعالیٰ و عنایت شانی علیہ السلام

وین تحفہ لائانی مثل طلسم اسرار نہانی تجربات معالجات انسانی فیض رساں  
و یادگار طبیبان و حکماء ہندیان من تصنیف نامی حکماء تجربہ کاران  
حکیم سلیمان بخش شناسی المسمی بہ

# طِبُّ آبِ مَاشِی

المعروف

## خانہ شفا

حسب فرمائش

حکیم و ڈاکٹر غلام سرور خاں بھٹی فیروز پوری

خلف الرشید

حکیم حاکم علی خاں مشہود علی دو خانہ سد بازار شکرگڑی

ناشرین

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

قیمت ۱۰ روپے

لائف پرنٹنگ پریس لاہور سے طبع کرکے شائع کی

۱۹۸۵ء  
نور محمد



جملہ حقوق بحق مصنف محفوظ ہیں

# گنگو عنڈی الحسن جان

طب آزمائشی عکسی

تعداد

۱۰۰۰

قیمت

۱/-

عباس رضا اینڈ برادرز مالکان شیخ غلام حسین اینڈ ستر  
۳۶ - اردو بازار، لاہور نے میسرز طقس ستر پرنٹرز سے  
طبع کروایا۔ اور اردو بازار سے شائع کیا۔



۳

فهرست مضامین

Abgan  
Isaiah

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۶۰	سرسام سوداوی	۱۸	صفت باری تعالی
۶۳	ماشرا	۱۹	صفت سرور کائنات
۶۴	گنج	۱۹	سبب تالیف کتاب
۶۶	مالیخولیا	۲۱	بیان آغاز کتاب
۷۳	مالیخولیا مراقی	۲۳	شناخت علامات صفرا
۷۷	دیوانه عشق	۲۲	شناخت علامات خون
۷۸	مالیخولیا غمیه	۲۴	شناخت علامات بلغم
۷۹	شیان	۲۴	شناخت علامات سودا
۸۱	دوار	۲۵	بیان درد سر صفراوی
۸۵	سدر	۳۵	بیان درد سر دمی
۸۶	سهر	۳۷	بیان درد سر بلغمی
۸۶	سبات	۴۴	بیان درد سر سوداوی
۹۰	فالج	۳۲	بیان درد سر صفراوی مشاکل
۹۵	لقوه	۴۸	درد سر ریاحی
۹۸	تشنج	۵۰	درد شقیقه
۱۰۲	رعشه	۵۲	درد عصابه
۱۰۴	تمد گزاز	۵۴	سرسام دمی
۱۰۷	صرع	۵۶	سرسام صفراوی
۱۱۲	کابوس	۵۹	سرسام بلغمی



صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۱۵۳	ناسور چشم	۱۱۳	خدر
۱۵۴	ناسور جاڑیہ	۱۱۶	سکتہ
۱۵۸	درد گوش	۱۱۸	اختلاج
۱۵۹	درد گوش	۱۱۹	زکام
۱۶۳	قرح گوش	۱۲۱	تعریف چشم
۱۶۴	کرم گوش	۱۲۲	رمد صفراوی
۱۶۵	طنین گوش	۱۳۱	پھولا چشم
۱۶۶	خون آمدن از گوش	۱۳۲	نسخہ چا - پھولہ
۱۶۷	مرض رفاف	۱۳۴	نسخہ پھولا چشم و بیان مرض سلاق
۱۶۷	رفاف بینی	۱۳۶	سیل چشم
۱۶۷	درد بینی	۱۳۷	دمعہ چشم
۱۷۰	کرم بینی	۱۳۸	خارش چشم
۱۷۱	قرح بینی	۱۳۸	رمد الحقال
۱۷۲	میکہ بینی	۱۳۸	ناخود چشم
۱۷۳	خشم بینی	۱۴۰	ضعف بصر
۱۷۴	عطسه بینی	۱۴۲	سرفہ چشم
۱۷۴	امراض زبان	۱۴۲	دھند و غبار
۱۷۴	درد زبان	۱۴۵	اندھرتا چشم
۱۷۶	ثقل زبان	۱۴۶	روز کوری
۱۷۸	سوزش زبان	۱۴۶	پڑوال چشم
۱۸۰	تشقق زبان	۱۴۸	موتیا بند یعنی نزول الماء
۱۸۰	نقصان ذائقہ	۱۵۳	قرح چشم
۱۸۲			



صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۲۳۲	نفث المده	۱۸۲	قلاع
۲۳۴	مرض رسل	۱۸۴	آكله غم
۲۳۶	ذات الریه	۱۸۶	يخز النعم
۲۳۸	ذات الجنب	۱۸۸	سيلان النعم
۲۴۱	ذات الصدر	۱۹۰	تضيق لب
۲۴۲	ذات العرض	۱۹۰	ورم لب
۲۴۳	ورم پستان	۱۹۲	درد دندان
۲۴۵	قلعت لبین	۱۹۵	خون آمدن دندان
۲۴۷	امراض قلب	۱۹۷	ضرس دندان
۲۴۷	مرض خفقان	۱۹۷	مویبری مسورها
۲۵۶	غشی دل	۱۹۷	ناصور مسورها
۲۵۸	امراض معده	۱۹۸	حرکت دندان
۲۵۹	مرض اسهال	۱۹۹	خناق حلق
۲۶۲	سنگرینی کینه	۲۰۲	قرح حلق
۲۶۵	اسهال ریاحی	۲۰۳	ورم لبات
۲۶۶	اسهال معدی	۲۰۴	چرخنا جونک کا حلق میں
۲۶۸	اسهال اطفال	۲۰۴	بحة الصوت
۲۶۹	اسهال جگري	۲۰۶	امراض ششی
۲۶۹	اسهال رودی	۲۰۷	سرفه یعنی کھانسی
۲۷۰	ضعف جگر اسهالی	۲۱۸	سرفه اطفال
۲۷۱	اسهال بحرانی	۲۱۹	ضيق النفس
۲۷۵	بیضه	۲۲۸	نفث الدم



صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۲۰	استسقا سه قسم	۲۲۹	مرض قه
۳۲۴	ورم طحال	۲۸۳	مرض عطش مغرط
۳۲۸	برقان	۲۸۶	درد شکم
۳۵۰	بو اسیر	۲۹۱	درد شکم ورمی
۳۵۴	ربیع البواسیر	۲۹۲	قه الدم
۳۵۹	کاج نکلنا	۲۹۳	کرم شکم
۳۶۰	پهوره بنگندر	۳۰۰	ضعف معده
۳۶۱	خارش سفره	۳۰۲	اسهال ورمی
۳۶۲	ورم سفره	۳۰۵	ورم معده
۳۶۳	نواسیر سفره یعنی قرح سفره	۳۰۸	قروح معده
۳۶۳	درد گرده	۳۱۰	مرض ذکار
۳۶۴	مرض سنگریزه	۳۱۳	مرض بچکی
۳۶۹	ورم گرده	۳۱۶	مرض مروارید پیش
۳۷۱	قروح گرده و مثانه	۳۱۶	قبض دائمی
۳۷۳	ذیابیطس	۳۱۹	مرض قولنج هر قسم
۳۷۵	بول الدم	۳۲۱	قولنج غیر حقیقی
۳۷۶	تقطیر البول	۳۲۲	قولنج صفراوی
۳۸۱	سوزاک	۳۲۳	قولنج راجی
۳۸۴	سلس بول	۳۲۸	قولنج مرضی
۳۸۸	بندش بول	۳۳۰	ضعف جگر
۳۸۸	آتشک حقیقی	۳۳۲	ورم جگر
۳۹۵	آتشک غیر حقیقی	۳۳۴	سوء الفیه

جریا

ضعف

قروح

سوزاک

خارش

درد

بندش

بول

تقطیر

سوزاک

سلس

بندش

بول

تقطیر

بول

سوزاک

سلس

بندش

بول

تقطیر

بول



صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۳۹۶	سوزش رحم	۳۹۶	جریان منی
۳۹۹	احتقاق الرحم	۳۹۹	ضعف پاء
۳۸۲	وجع المفاصل	۳۸۲	قروح آتشکی
۴۰۸	در و پشت	۴۰۸	سرعت انزال
۴۱۴	وجع الورک	۴۱۴	خارش خصیه
۴۱۵	عرق النسا	۴۱۵	ورم خصیه
۴۱۶	نقرس	۴۱۶	فتق خصیه
۴۱۸	وجع الكتف	۴۱۸	فتق اطفال
۴۱۹	وجع العقب	۴۱۹	عسر الولادات
۴۲۱	داء الفیل	۴۲۱	سقط حمل و جنین
۴۲۲	دوال	۴۲۲	مرض استقاط حمل
۴۲۳	زالوداژ	۴۲۳	احتباس طمث
۴۲۵	حیات	۴۲۵	کثرت طمث
۴۲۹	نام و سبب حی یوم	۴۲۹	عقر عقیم
۴۳۱	علاج حی یوم	۴۳۱	درد رحم از پرسوتک
۴۳۸	تب خطی	۴۳۸	ورم رحم
۴۳۹	تب مطبقه	۴۳۹	قروح رحم
۴۴۱	تب غیب دانه خالص	۴۴۱	نفخ رحم
۴۴۲	تب غیب لازمه	۴۴۲	سیلان الرحم
۴۴۴	شطر الغیب	۴۴۴	خارش رحم
۴۴۵	تب محرقه	۴۴۵	سرطان رحم
۴۴۶	تب بلغمی	۴۴۶	مرض رجا

۳۴۰
۳۴۴
۳۴۸
۳۵۰
۳۵۴
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۹
۳۶۹
۳۷۱
۳۷۳
۳۷۵
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲



صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۵۵۱	چھپاکی	۴۹۹	تپ مرکب
۵۵۲	ورم طاعونی	۵۰۰	تپ بمع اسمال
۵۵۵	برص	۵۰۰	تپ سرفه بمع خون
۵۵۶	هسق	۴۹۹	تپ کمنه (پیمانا)
۵۵۸	عرق مدنی	۵۰۶	حلی سلج
۵۵۹	چندنا ناخن	۵۰۹	تپ اطفال بمع سرفه واسمال
۵۶۱	بال خوره یعنی بالچر	۵۰۹	تپ پیرسوتک
۵۶۳	شقوق الاطراف یعنی جهانجن	۵۰۹	حلی دق
۵۶۳	کلف یعنی چھائی	۵۱۲	تپ جدری
۵۶۴	عرق النار	۵۱۲	تپ حصبه
۵۶۴	ضربه و سقطه	۵۱۳	تپ وبائی
۵۶۴	جراحت	۵۱۵	بیان ورم هر قسم
۵۶۹	قروحات	۵۲۰	بیان دگل
۵۷۲	ناسور و گھنبر	۵۲۴	بثورات
۵۷۲	قره دگل کمنه	۵۲۶	بغات اللیل
۵۷۴	قره آتشکی	۵۲۷	مرض جذام
۵۷۶	زهر خورده	۵۳۰	مرض خنازیر
۵۷۷	افیون خورده	۵۳۴	سرخ باده
۵۷۹	زهر کشدم	۵۳۳	کچھالی
۵۷۹	مارگزیده	۵۳۵	چنبیل
۵۸۰	گزیدن زنبور	۵۳۹	قویا یعنی وھدر
۵۸۱	گزدیدن سگ دیوانه	۵۴۷	خارش بدن

بیان

آهن

انوشدا

اطریق

اطریق

انوش

اندر

اطریق

اطریق

آهن

پاش

پوش

پیش

پچکا

تند

تند

تند

صفحه	نام امراض	صفحه	نام امراض
۵۸۳	نسخه معمول مطب حکیم جگ شیر	۵۸۳	بیان شکسته استخوان

## فهرست ادویات مرکبه

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۳۱۹	جوارش دار چینی	۳۳۱	آهن اکسیر
۷۶	جوارش کونی	۲۵۴	انوشدارو سرد
۳۰۲	جوارش عود	۴۳۰	اثر یفل صغیر
۱۸۹	جوارش مصطکی	۳۵۸	اثر یفل مقل
۳۸۱	جو آتش	۷۵	انوشدارو گرم
۴۷	جوارش قمر هندی	۳۸۳	اندری جهاڑ
	جلاب گهوڑ	۵۳۰	اثر یفل شاه پره
۵۲۶	جلاب مطبوخ بلبله زرد	۳۴۷	اثر یفل کشینز
۴۰	حب ایارج	۵۷۷	آهن اکسیر
۲۱۴	حب سعال	۳۱	پاشویه درد سر
۱۳۳	حب رنگاری	۱۲۹	پوٹلی جوش چشم
۴۶۹	حب سم الفار	۴۰۶	پیش سستی قضیب
۲۸۶	حب عاصمه	۳۸۶	پچکاری سوزاک
۳۰۷	حب مسهل	۴۶۵	تدبیر گل دوائی
۳۱۹	حب چورن	۲۱۴	تریاق نزله
۳۹۱	حب آتشک	۷۳	تدبیر گل دوائی
۳۶۲	حب جو گراج	۵۳۲	تدبیر مقروح کردن



نام ادویات	صفحه	نام ادویات
دوائی دمه چشم	۲۶۸	حب اسهال اطفال
دوائی رمد اطفال	۲۵۳	حب سورنجاں
دوائی چشم برود	۲۵۴	حب کچله
دوائی سُرخی چشم	۲۶۵	حب اسهال ریاحی
دوائی دهنده غبار	۲۲۶	حب سم الفار
دوائی پرشوال	۲۸	حریره مقوی دماغ
دوائی پرسونک	۲۸	حریره مرطب دماغ
دوائی دھوڑہ باد فرنگ	۱۲۵	حریره خشک شش
دوائی دھونی باد فرنگ	۸۴	حریره مجربہ مقوی دماغ
دھونی مسہ بودا سیر	۳۹۱	حقہ فرنگ
روغن بنفشہ	۲۱۵	حریره سیوس گندم
روغن گرم	۳۱۲	چشمتی مقوی معده
روغن مجربہ گرم	۳۰۳	چورن باضمہ
روغن گل	۳۰۴	چورن اگن بیکہ
روغن کلیان	۳۰۴	چشمتی باضمہ
روغن نفث الدم	۳۱۲	چشمتی مزہ دار
روغن طلا	۵۴۲	خضاب موسے
قوت باہ	۵۴۵	خضاب موسے
روغن کانپھل	۱۲۴	دوائی پھول
روغن دعا توره	۱۳۸	دوائی غار ش چشم
روغن راج المفاصل	۱۳۹	دوائی دمه چشم
روغن عضو خشک	۱۳۷	دوائی سبل
روغن سداب		
روغن ادراق		
روغن کچله		
روغن فرنیون		
روغن سیر		
روغن خنظل		
روغن حب الملوک		
رُت انبلی		
رُت لیموں		
سفوف ملاب بلغمی		
سکنجبین سادہ		
سکنجبین بزوری		
سکنجبین بزوری گر		
سورنجاں کا نسو		
سفوف باضمہ		
سفوف کرم شکم		
سفوف اسهال		
سفوف کرم دراز		
سفوف ریح شکم		
شریت لیموں		
شریت انار		
شریت عناب		

صفر	نام ادویات	صفر	نام ادویات
۵۸	شربت نیلوفر	۲۵۷	روغن سداب
۷۱	شربت گاو زبان	۲۵۸	روغن ادراق
۷۰	شربت صندل	۲۵۸	روغن کچله
۵۸	شربت بنفشه	۲۵۷	روغن فرقیون
۷۲	شربت گل بلبل	۲۶۳	روغن سیر
۸۳	شربت تمر هندی	۲۶۳	روغن خنظل
۲۱۱	شربت بارد کوکناری	۲۶۳	روغن حب الملوک
۲۱۲	شربت اعجاز	۲۸۲	ربت انیل
۲۱۲	شربت خشنخاش ساده	۲۸۳	ربت لیون
۲۵۳	شربت مجرب خفکان	۲۷۱	سفوف جلاب بلقی
۲۳۱	شربت حب آلاس	۲۷۱	سکنجبین ساده
۲۳۱	شربت انجبار	۲۷۲	سکنجبین بزوری سرد
۲۹۳	شربت انجبار صندلی	۵۰۶	سکنجبین بزوری گرم
۳۱۸	شربت سنا	۱۸۶	سورنجان کانسو
۳۲۵	شربت دینار	۲۶۳	سفوف باضمه
۳۳۵	شربت بزوری گرم	۲۹۷	سفوف کرم شکم
۳۳۹	شربت افستین مسلی	۲۷۱	سفوف اسهال آور
۵۰۳	شربت بزوری سرد	۲۹۸	سفوف کرم دراز
۳۴۷	شربت ورد	۳۰۴	سفوف ریح شکن
۴۹۹	شربت گلو	۳۰۴	شربت لیون
۵۰۳	شربت بزوری	۷۶	شربت انار
۵۰۴	شربت افستین مسلی	۵۵	شربت عناب



نام ادویات	صفحه	نام ادویات
قیروطی ملین سینه	۲۶۵	شریت آلا بخارا
قرص کاکج	۱۳۰	شیاف بریوما
قرص بارد	۱۲۹	شیاف جوش چشم
کحل روشنائی	۲۲۵	ضماد محلل
کاغذی طلسمی درد بلغمی	۲۵۵	ضماد درد بلغمی هر قسم
کحل دوا درد هر قسم	۲۵۹	ضماد مخدر مسکن درد هر قسم
گلشنه کحل پهل	۲۶۱	ضماد جلد اثر درد بلغمی
کحل دوائی کنیچی	۵۰	طلا مجرب شناسی شقیقه بلغمی
گلکلاج سرد	۵۱	طلا درد شقیقه
نخله درد صفراوی سر	۲۲۰	طلا جسمی ذات الجنب
نخله سر سام	۵۲۱	عرق مصفا خون
لعوق بخته الصوت	۲۵۲	عرق شیر
لعوق ابتلا س	۵۱۱	عرق شیر
لعوق پوست خنکاش	۵۳۰	عرق عشب
لعوق بادام	۵۱	فرنی مقوی دماغ
لعوق پستالی	۱۸۵	فله فیدون
لعوق نفث الدم	۲۲	مقوی بلغمی
لعوقه منقشر	۳۰	مقوی صفراوی
لعوق تپ و کنگ	۵۴۴	مقوی بلغمی
لعوق تپ و سرفه خونی	۵۴۴	مقوی آدرنس
لعوق مسهل	۱۰۶	قیروطی مرطب
منضج صفراوی	۱۱۱	قوی درج

۵۱

✓

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
۳۴۴	معجون فحش الحید	۳۹	منفع بلغمی	۳۳۴
۴۰۲	معجون زردی	۴۵	منفع سودادی	۳۴۳
۳۶۳	معجون دمج المفاصل	۱۲۵	منفع مرکب	۲۱۲
۴۵۲	معجون سورنجان	۵۴	ملین نفوس	۱۹۲
۹۸	ماد العسل	۹۵	منفع باد الاصول	۳۹۱
۴۱	ماد الجبن	۳۳	سهل ملین صفراوی	۴۳
۱۹۹	منجن مجربه	۴۶	سهل سودادی ملین گهوٹ	۵۲
۲۳۴	مرهم مجربه قروح	۲۸	ملین مبارک	۱۵۰
۳۱۱	مرہ لیمون	۲۵۵	سهل ملین	۳۳۶
۴۵۵	معجون سیر	۳۱۸	ملین گهوٹ	۳۲
۳۳۶	ماد الاصول بزوری	۴۰	سهل مطبوخ بلیله زرد	۵۹
۴۲۹	معجون سائین بخش	۸۰	معجون نجات	۲۰۶
۴۸۹	مرهم آتشک	۸۰	معجون فلاسف	۲۱۳
۴۱۲	ماد الطم ذو آتش	۸۹	معجون کبیر	۲۱۳
۹۰	مطبوخ سورنجان	۲۱۴	معجون بر شعشا	۲۱۴
۵۴۲	مرهم دُنبِل کنه	۲۵۸	معجون غشی سرد	۲۱۹
۵۴۰	مرهم زنگاری	۳۲۶	معجون خیار شنبیر	۲۳۰
۵۳۲	مقدوحی نشو	۳۲۴	معجون پودینه	۲۱۴
۵۳۳	مرهم خوردنده ابخیراں	۳۲۸	معجون مشعل	۵۸۱
۵۳۶	مرهم جنبل	۳۲۵	معجون دافع باد قویخ	۵۰۲
۵۶۵	مرهم سفیده	۳۶۸	معجون عقرب	۵۰۲
۵۴۱	مرهم قرح گنج سر	۳۶۹	معجون جبر الیسود	۳۲۰



نام ادویات	صفحه	نام ادویات	صفحه
مرهم قرص کندن	۵۷۶	نسخه نسوار نزل	۱۲۳
مرهم قرص آتشک	۵۷۴	نسخه نسوار بلغمی گرم	۲۲۲
مرهم سندھوری	۵۲۱	نسخه مقوی دماغ	۱۵۱
مجون ریح شکم	۳۲۳	نسخه گل دماغ دوائی	۱۵۰
مرهم ناسور بگندار گھنیر	۵۷۶	نسخه ناسور چشم	۱۵۴
پلاس درد سر	۳۲	نسخه قی	۱۸۸
نقوع ملین	۳۴۹	نسخه ناسور مسوڑها	۱۹۷
نسخه عرق آدر	۲۸۰	نسخه ضرس دندان	۱۹۸
نسخه نشاسته مغزی	۱۰۳	نسخه مری مسوڑها	۱۹۷
نسخه مقوی	۵۳۱	نسخه مجرب اسهال صفراوی	۲۶۳
نسخه بال خوره	۱۳۵	اسهال غوثی	۲۶۳
نسخه مجرب گنج	۶۶	نسخه پیکاری سوزاک	۳۸۷
نسخه مجرب پھولا چشم	۱۳۳	نسخه مجرب خفقان سرد	۲۵۶
نسخه مجرب اندھراتا	۱۴۶	نسخه شش ناسی ضیق	۲۲۶
نسخه جوش آنکھ	۱۲۸	نسخه مجرب ضیق صدری	۲۲۵
نسخه نسوار کالوس	۱۱۱	نسخه دمه ریاحی	۲۲۵
نسوار نزل	۵۰	نسخه قرص سرطان	۲۲۵
نسخه پھولا چشم	۱۲۲	نسخه مجرب نفث الدم	۲۲۹
نسخه نسوار	۴۸	نسخه دمه کندن	۲۲۷
نقوع سرد	۴۰۵	نسخه مرهم بدله	۲۲۳
نسخه پھولا چشم	۱۳۲	نسخه دھقانی ضیق	۲۲۴
نسخه مصفا خون	۵۲۹	نسخه ضیق بلغمی	۲۲۴

صفحه	نام ادویات	صفحه	نام ادویات
۳۳۸	نسخه چشنی	۲۱۹	نسخه کورده کمانی
۳۳۹	نسخه ماء الاصول بزور	۲۱۹	نسخه حریره
۳۵۱	نسخه مجرب بواسیر	۲۱۲	نسخه حنوه پوست
۳۵۲	نسخه بواسیر	۲۳۲	نسخه قیر و طی
۳۸۵	نسخه سوزاک	۲۶۸	نسخه حب اسهال اطفال
۳۷۷	نسخه آهن اکیر	۳۸۳	نسخه سوزاک
۳۶۶	نسخه ریح شکن گرده	۲۷۰	نسخه مجرب ضعف جگر
۳۹۲	نسخه آتشک	۲۶۷	نسخه اسهال ریاحی
۳۹۹	نسخه جریان	۲۷۸	نسخه ریاح شکن
۳۸۹	نسخه باد فرنگ	۲۸۲	نسخه ترشش
۳۸۳	نسخه اندری جهاڑ	۲۸۶	نسخه صفراوی
۳۹۵	نسخه آتشک غیر حقیقی	۳۰۰	نسخه کرم خورد
۴۰۸	نسخه ملذذ	۲۹۹	نسخه مسهل کرم خورد
۴۰۱	نسخه مغلط منی	۲۹۸	نسخه کرم دراز
۴۰۲	نسخه قوت باه	۲۹۸	نسخه کرم شکم
۴۰۳	نسخه طلسمی قوت باه	۲۹۲	نسخه مجرب کرم شکم
۴۱۱	نسخه طلسمی قوت باه صدری	۲۹۱	نسخه قه یغنی
۴۱۲	نسخه قوت باه صدری	۲۹۶	نسخه مجرب کرم شکم
۴۱۰	نسخه سرعت ازال	۳۰۹	نسخه طین مبارک
۴۰۹	نسخه مجرب قوت باه	۳۵۶	نسخه خوراکی بواسیر
۴۳۷	نسخه درد پرسیوتک	۳۵۷	نسخه بواسیر
۴۱۹	نسخه تل بجا طفل	۳۵۳	نسخه بواسیر



صفر	نام ادویات	صفر	نام ادویات
۵۰۹	نسخه پرسوتک	۳۷۳	نسخه زیا بیطس
۵۰۷	نسخه شناسی تب ریح	۳۷۵	نسخه بول الدم
۵۲۹	نقوع مصفا خون	۴۶۱	نسخه لیپ مخدر هر قسم
۵۸۱	نسخه سگ دیوانه	۴۶۱	نسخه مجرب درد پشت
۴۹۱	نسخه شناسی مجرب تب کهنه	۱۵۶	نسخه گنطیا بلغمی
۵۶۲	نسخه مجرب بال خوره	۵۰۰	نسخه تب بعد اسهال
۵۵۶	نسخه خوراکی برص	۴۹۹	نسخه تب مرکب
۵۲۵	نسخه دھدری گنج	۵۵۰	نسخه خارش اطفال
۵۲۸	نسخه خارش	۴۲۱	نسخه ساقط حمل
۵۲۸	نسخه خارش اطفال	۴۹۹	نسخه شناسی تب کهنه
۵۲۰	نسخه داد	۴۵۲	نسخه معجون
۵۳۷	نسخه چنبیل	۵۰۴	سورنجان
۵۸۰	نسخه قے آور	۵۰۴	نقوع مسهل صفا
۵۸۱	نسخه قے آور	۵۰۸	نسخه شناسی تب ریح
۵۸۱	نسخه قے آور	۵۰۸	نسخه تب کهنه بلغمی و ریح
۵۸۳	نسخه درد دندان	۵۰۹	نسخه تب و اسهال و سرخ اطفال

ایں تحفہ برائے یادگار مشعل طلسم اسرار نہانی  
میں تصنیف حکیم سائین بخش صاحب مرحوم سنیاسی فیروز پوری

# طب آزمائشی

المعروف

## خانہ شفا

حسب فرمائش

حکیم دوا اکثر غلام سرور خاں سندھ سنہری تمغہ یافتہ

طبیہ کالج دہلی

خلف الرشید عاذق الحکما حکیم حاکم علی صاحب بھٹی پسر مصنف فیروز پوری

مالک مشہور دہلی دوا خانہ صد بازار غنیمتی

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پیلیٹرز اردو بازار لاہور



رَبِّ يَسِّرْ **بِإِفْتَاَحٍ** وَتَمِّمْ بِالْحَدِّ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خالق مالک بخشہارا  
 جس نے چوداں طبق بنائے  
 صفت نہ رب دی کیتی جائے  
 کیتی خواہش آپ الہی  
 تار ب بندیاں نول آزمائے  
 نیک نصیبیاں دالے بندے  
 ہودن نیک نصیب اونہانے  
 چھڈ دیون سب بُریائیاں  
 سمجھ اونہاں نول کل جگ فانی  
 یاد خدا وچ عمر لنگھاون  
 اوہودج بہشتاں جانے  
 الا اللہ دا ذکر کساون  
 جو بدبخت ہودن انسان  
 کم بُرے شیطان سکھاوے  
 بیٹے ہول بخت جہانڈے

جس پیدا کیتا عالم سارا  
 کتھاں باجھ آسمان ٹکائے  
 جے لکھ دریاں لکھدا جائے  
 موت جیساں خلق بنائی  
 کھڑا چنگے عمل کماوے  
 پاون راہ ہدایت سندے  
 جیڑے طرف اللہ دی جانے  
 کرن ہمیشہ نیک کمائیاں  
 وفانہ کرسی ایہہ زندگانی  
 اک دم نول نہ غفلت کھاون  
 جو رب اپنے واقرب پاندے  
 سدھی راہ شروع دی جادون  
 اوہ رستہ پکڑن شیطان  
 راہ بھلا کوراہیں لائے  
 چان چھڈ اندھیرے جانے

پجوری یاری اظلم کساون  
عمر ساری بریا تیاں کرے  
رب توں خوف نہ ہرگز کھاون  
آخر دوزخ دے وچ سڑے

## نعت سرور کائنات و اصحاب کبار

لکھ کروڑ درود سلام  
نام محمد نبی رسول  
جس دا شان بلند ذریار  
جس دی کیتی صفت الہی  
اوپر نبی علیہ السلام  
جیہڑا اللہ دا مقبول  
جیہڑا عالم دا سردار  
وچ قرآن مجید گواہی  
جس دے خاصے چارے یار  
صدیق - عمر - عثمان - کرار  
آل سنے اصحاباں تائیں  
یار ب بھیج درود اسائیں

## در سبب تالیف کتاب

کندا سائیں بخش حکیم  
تشریح الطب کتاب بنائی  
ہن خاطر حاکم علی تے دارا  
طب آزمائشی کراں تیار  
میں خاطر حاکم علی تے دارا  
بھانویں ہوں شناسی رنج  
سارا اس وچ کراں بیان  
میں حکمت کردیاں عمر گزاری  
دافع میرے کل شناسی  
تجربہ کار ولایت ہند  
میں خاطر حاکم علی تے دارا  
جس نوں پڑھدی عام لوکانی  
جگ شیر دل جان پیارا  
نسخے کل آزمودہ کار  
صدری حکمت واسے منج  
فائدہ پہنچے وچ جہان  
کیتا سیر ولایت ساری  
نسخے صدری تے آزمائشی  
ملک پہاڑ ولایت ہند



او نہاں تھیں جہیزے ہستہ آئے  
 سب سے اس وجہ کراں بیان  
 زندگی دا نہیں بھروسا  
 ہووے ایہ مشہور کتاب  
 خاص برادر اک حقیقی  
 راست دین مشہور اس نام  
 اُس بھی آن سفارش پائی  
 خاطر اینہاں برخورداراں  
 حاذقان دے مخفی اسرار  
 ہووے جو نسخے میرے پاس  
 اوہ بھی اس وجہ لکھو تمام  
 سب سفارش ایس فقیر  
 تجربہ کاراں دی کرامات  
 سائیں بخش حکیم شناسی  
 اس نوں پڑھ سکے خاص عمام  
 سنہ ہجری تیراں سو بانی  
 اکثر فانی ایہ جیاتی  
 ایہ گلدستہ فیض نشان  
 زب اربعہ عناصر بیت بنایا  
 آپے دیند از محنت لا  
 جس نوں رب نہ کرے شفا

ہووے جہیزے خود آزار بھادیر  
 یادگار وجہ رہے جسا آپے  
 اورک فنا ہے وار بہت  
 اندر سارے ملک پنجاب  
 حاذق بڑا حکیم رشیدی ہووے  
 واقع کار شناس تمام صدر  
 طب آزمائشی لکھو بھلا علم  
 نسخے کل تجربہ کاراں علم  
 اس دے وجہ کرو اطہار علیہ  
 ہفت پشت دی وجہ قیاس پیدا  
 تاں اُنہاں دے آون کام مہتر  
 نسخے مثل طلسم اکیہ رب  
 نسخے صدری تے مجربات اللہ  
 لکھ دتے وجہ طب آزمائشی جب  
 دنیا دے وجہ راہی نام جد  
 جدیدیں ایہ کتاب بنائی  
 حاصل ہونا نال مواتی  
 یادگار وجہ رہے جہان  
 قدرت تھیں روح اس وجہ پایا  
 آپے اس نوں کرے شفا  
 ہرگز

<p>تعلی حکم نہ مٹے قضا قدت دالکھ انت نہ آف حکمت کر کر ہو گئے فانی کل دلائل دے دانا کامل دانشمند - نسیم بسے کر کر مجھے قیاس سارا انت کسے نہ پایا حضرت آدم نون سکھایا دع قرآن اللہ فرمایا کل بیماری نال دوا ہو یا رشت رہے لاچار یا رب مینوں بخش شفا لکھنی ذابہ ذواہ آیا تب تک کرساں نہ شفا کرنا ہے دوا دوا فرض</p>	<p>بھادیں کرے لکھ ادیا آپے مارے آپے جوائے بہت حکیم طبیب یونانی اکڑی ہندی حکماء ہور شناسی بہت حکیم صدر بعدری علم شناس علم حکمت جو رب بنایا علم طبابت رب ادیایا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا پیدا کیے آپ خدا متر موسے ہوئے بیمار رب اگے رشت کرے دوا اللہ نے اس نون فرمایا جب تک کرسیں نہ دوا جد بندے نون ہووے مرض</p>
--	--

### در بیان آغاز کتاب

<p>پانی : مٹی - آگ - ہوا چار جہاں جو جادوں کے بلغم - دوجا صفرا پیدا آگ تین ہے صفرا</p>	<p>اربع عناصر کہیں حکا خلطوں چار ایہ نام سداں ترہ بجا خون چوتھا سودا مٹی تین ہوں سودا</p>
--	---



پانیوں بلغم ہووے پیدا  
جد ایہ رہن برابر چار  
ہک چوہاں تھیں ودھ گھٹ جلاوے  
جدوں بیمار ہووے انسان  
سر پیراں تک کرے شناس  
چونہ خلطوں دی کریں کچھان  
کس خلط تھیں ہو یا آزار  
کس سببوں ہوئی بیماری  
جد ہووے تشخیص مزاج  
صفراوی ہووے گرم مزاج  
جے بلغم کرے بدن وچ زور  
جے خون زیادہ نظری آ  
جیکر غلبہ کرے سودا  
کر خلط غالب مغلوب  
ہر جیلے نال دوا غذا

خون واڈ تھیں کرے ہو یا  
رہندی صحت بدن قرار  
اوے وقت بیمار ہو جاوے  
ساری اس دی کرے کچھان  
کر کے چنگی طرح قیاس  
کس خلط کیتا نقصان  
مادی یا سادہ بیگاڑ  
کر معلوم کیفیت ساری  
پھر توں اس دا کریں علاج  
کر توں اس دا سرد علاج  
دے کے مسہل کڈھ پنچوڑ  
جھبڈے اس دا فصد کرا  
رطوبت والی کریں دوا  
کر مغلوب نوں غالب خوب  
بہت عقل قیاس دوڑا

### در بیان شناخت علامات خون

کچھان خلط دے چار ہیں ڈھنگ  
جد گندہ ہو جاوے خون  
مارے وچ بدن دے جوش  
سر بھارا نئے گند حواس

نبض، قارورہ، ذائقہ، رنگ  
وچ بدن دے بہت زبون  
عقل، بدھ گھٹ جلاوے جوش  
رہے ہمیشہ طبع اداس

رہیں ہڈیں بہت خمار  
جد کرے عفونت لہو زلون  
درم تے سو جاں کرے پیدائش  
پھوڑے پھنسیاں کر سن تنگ  
نالقر بستھا منہ دا سواد  
چہرہ اکھیں سرخ ہو جادون  
سرخ قارورہ گاڑھا رنگ  
نوٹی ہووے نبض عظیم

سرنوں چڑھیا رہے بخار  
نک دندان تھیں آئے خون  
خونی مرضاں کرن رہائش  
خارش دھدر مارن ڈنگ  
کئی قسم دے کرے فساد  
اکڑ بہت ابا سیماں آون  
فساد خون ایہہ سمجھ رنگ  
علامتاں دموی غلط حکیم

### بیان شناخت علامات صفرا

صفرا ددھے وچ تن  
س تھیں پیدا ہون آزار  
بد صفرا کر جادے زور  
رنگ اکھیں دا زرد ہو جادے  
نبض تیز رفتار  
زبان کوڑا تے خشک زبان  
کھن جئے وچ تمام  
بہت تر یہ بیمار  
بت آون تے جی متلا فے  
س نون آوے قے زنگاری  
سول نہایت پا فے زور

زرد ہو جادے سب بدن  
کئی قسم دے سخت بخار  
وچ بدن دے پا فے شور  
چہرہ زردی رنگ وٹا فے  
زرد قارورہ بلدی سار  
دونویں ناساں خشک دہان  
گھٹ ہو جادے بھکھ طعام  
گھبراہٹ تلخی کرے خوار  
سبز زرد، کوڑی قے آوے  
ہوئی اوسدی موت تیاری  
بلغم سب ہو جادے شور



اوہ بلغم حکم رکھے صفرا ایہ صفرا خدا دا قہر کردا بہت جسم نول تنگ دین علامتاں ایہ صفرا	دیوے آتش بدن لگا دج جسم بن جادے زہر وانگ سپ دے مائے دنگ یاد رکھیں دل اندر لا
---	---

### بیان علامات بلغم

علامت بلغم کراں شمار بلغم دوس ہوئی دج جسم نیں در بستی سست حواس جستہ اُس دا کولا نرم بد ہضمی اُس نول کرے نمار کے گھٹ تر یہ رنجول پھل سست چلے اس ناڑ بچہ رنگ پیشاب سفید کتوں پتلا پانی آدے سست حواس کے بستی خواب علامتاں ایہ بلغم دیاں دین	جیڑے اس دے خاص نشان پیدا مرض کرنے کئی قسم تھوکاں بھتیاں ڈھلا ماس ٹھنڈا رہے نہ ہووے گرم آدن ککے بہت ڈکار جوڑیں درد شکم دج شول ہا حمر دے دج پورے بکار پھکا ذائقہ بڑے دا وید ریزش نزل بہت اکا دے موتہ بھیں بھتا آدے آب کل حکیم سیانے کمن
--	---

### بیان شناخت علامات سودا

علامت سب غلط سودا سودا بڑا جہت	سائیں بھن آکھ سٹنا پیدا کردا مرضاں سکت
-----------------------------------	---

مواد  
جد غلبہ  
جسم خشک  
منہ تک  
دل دج  
رستا  
رات  
اکھیں  
رنگ  
سخت  
جد معہ  
فکر دلیہ  
اضمہ  
جس  
جادے  
علامتاں

کرہیں  
سرما  
ذرا

مواد سودا خلطان دا ساڑ	کر دا بجتے دج بگاڑ
جد غلبہ کرے خلط سودا	خشکی بجتے جاوے کھا!
جسم خشک اکر سب جاوے	رات دھیں اس نیند نہ آوے
منہ تک خشک تے خشک زبان	سکا رہے سب حلق دہاں
دل دج کر رہے دسواں	اڈے ہوئے ہون حواس
رستا لاغر ، دُبلّا بجتے	جسم کرخت سیاہ رنگ بھٹتا
رات دھیں دل ہے اُداس	فکر اندیشہ ، غم دسواں
اکھیں چہرہ سیاہ ہو جاوے	سبزی مائل رنگ دٹاے
رنگ قارورہ سبز سیاہ	کیتا خشکی حال تباہ
سخت باریک ہووے اس نبض	رہے مدام شکم دج قبض
جد معدے دج کرے فساد	ذائقہ کھٹا تھنہ سودا
فکر دیلاں بہتیاں آدن	ضرباں چبکاں جسم اکاون
ماضمہ دے دج پوے بگاڑ	آدن بستے بھٹس دکار
جس تے آوے قمر خدا	ودھ جاوے خلط سودا
جاوے اس دی بگڑ مزاج	مشکل ہوندا اوس علاج
علامتاں سب خلط سودا	ہندی دج دتیاں سکھا

### بیان درد سر صفراوی

کرہن سائیں بخش عیاں	سر دیاں مرضاں الابیان
سر سارے دھڑدا سر پوش	ڈبا عقل جواہر ہوش
نردیمہ رنج پہنچے سر دج	حواس غمہ ہو جاوے دج



جیکر درد ہووے حل  
 سرنوں جددں ہوئے کوئی مرض  
 جے صفرا نوں سرتھیں پیڑ  
 بادی درد ہووے یا سادہ  
 دھیں تے رات نہ پچے آرام  
 یا کرے ہمیشہ دھوبی کار  
 یا اُس کھا دا گرم غذا  
 یا صفرا نے پایا زور  
 یا اُس کیتا تاپ بگاڑ  
 غلبہ خلط لٹیں پچھان  
 بہت کرے صفرا اس تنگ  
 سڑے دن تے دل گھبراوے  
 گرمی اُس نوں کرے خراب  
 تیز تواتر ہووے نبض  
 اُلی تو لے دو لے آ  
 خجریں تل کے صاف کرا  
 خرقہ کا سنی نت پلا  
 ترے تو لے سنبھیں ملائیں  
 متھے اُس لے لپ کرائیں  
 پاشویہ دو تے وار کرا  
 بنفشہ دھن آب بنا

عقل ہوش وچ پادے خلل  
 دارو جلد کرو یا لغرض  
 ہووے ادکھا بہت سریر  
 ہوندا جاوے روز زیادہ  
 تلخی سوزش بدن تمام  
 یا سرتے چکے بہتا بھار  
 یا کوئی گرم یا تیز دوا  
 سب بلغم بن جاوے شور  
 سرنوں استھوں چڑھے بخار  
 جو صفرا دی پین نشان  
 ہوس قارورہ آتش رنگ  
 مونہ دا ذائقہ تلخ ہو جاوے  
 کرو علاج اس مرد نشاب  
 زردی رنگ شکم وچ قبض  
 راتیں پانی گھت پکا  
 دد تو لے مصری گھول پلا  
 ڈنڈے کوئڈے وچ گھوٹا  
 دقت شام لے نت پلائیں  
 دھنیا منڈل خوب گھوٹائیں  
 دیوے سردی پیڑ دینا  
 لٹل جھٹے روز کرا

<p>جے صفرا دی گرم مزاج          کدے کدے اس تے کرائیں          کل صفرا خارج ہو جائے          غرغہ، کاسنی، تخم خیار          بنفشہ، دھنیا، صندل بور          رات پانی دے تہ کر چار          فہریں کل پن صاف کرا          جے کچھ باقی رہے قصور          ناساں دے جھڑا ہلاس          صندل بؤرا - انیون کافور          شربت لیہوں ترش انار</p>	<p>معدے دے دے دے کرے فساد          ہر ہفتہ تلپین دروائیں          مڑ کے درد نہ شکل دکھائے          گھوٹ شیر و دیر نت نہار          گاؤ زبان دے ڈال ضرور          پنج پنج ماشے دا مقدار          رنت پلا مصری دے پا          نخلوہ اس نوں کریں ضرور          سردی پیر کرے جھیناس          پیہ کے دیر نسوار ضرور          دے گون صفرا دی سا</p>
---	---

### صفت سنگبین سادہ

<p>سنگبین سادہ کرد تیار          محرقہ تاپ تلپ میرقان          ہر ہفتہ، بیضہ بڈ کے سول          ادھک سیر پانی دے ڈال          ایک دو اس نوں جوش دوا          ادھ سیر خالص عرق گلاب          پاک سر کر اس دے پا          جوں قوام پے اس آ</p>	<p>صفرا دی مرضاں دے درکار          سرکن تریہ تلپ خفقاں          رہن نہ استقوں ہرگز نول          ترے پاؤ خالص کھنڈ اوبال          لائی کے سیرا دے چھنڈا          داخل اس دے کریں شتاب          مڑ کے دیگی دے جوشا          اگ تھیں لاکے پیٹھ رکھا</p>
--	--



<p>بوتل چکی صاف کرا          طبع موافق رنت پلا          صفراوی سردی پیر بخار          ایہ صفراوی ہے تلوار          جس نون ریش کھنگ نزل</p>	<p>ٹھنڈا کر اُسل دے دھج پا          معدیوں کٹ سٹے صفرا          کٹ سٹے جڑ سردی گھار          معدیوں مرضاں کڈھے یار          اُس نون دیہ نہ ہرگز مول</p>
--	---

### صفت جلاب ملین مبارک

<p>اصلی سچے پھل گلاب          چنگے سُکھے نہیں کرا          بنفشہ گل تولے دو لیا          رائیلی تولے ڈالو ست          سیر یک پکا پانی پا          قلقل دار بہترین منگوا          دو تولے اُس نون دیہ اُبال          تل پُن اُس نون صاف کرا          پھٹاکی گودا امتس اس          چھاتی دے دھج لے کڈھا          جتے کر کے اس دے تڑے          دوما بعد دوپہروں پیوے          موکے گھینو نون گرم کرا          ایہ طریقہ پیر استاد</p>	<p>ادھ پا پکا پیا شتاب          گنڈھیاں مٹی روڑ کڈھا          کاسنی تڑے تولے کٹا          چال دانے آلو گھت          بھانڈے مٹی دچہ پوسا          فحری اس دھج گھت جوشا          ادھ ہے اتار سمھال          چار تولے دھج کھنڈ ملا          حل کر اس دھج عال قیاس          چنگا خوب صاف کرا          حصہ اک صبح پی لے          قریباً وقت دیگر جد تھیوے          تولہ بیون وقت ملا          دل دے اندر رکھیں یاد</p>
--	---

جے کوئی بکے دار پلاوے جے صفرا دا ایہہ جلاب ملین مبارک ہے اس دانام ملین دو تھوے دفعہ کرا بعض حکیم مجکم فرماون پنج تولے ترنجبین ملاون عوض گھیٹو روغن بادام جس نوں ہووے کھانسی نال استھیں آنسوں ہووے کھنگ	تے نال نکل سب جاوے دیویں حاجت وقت شتاب ایہہ نسخہ مشہور عام معدیوں کٹ سے صفرا مصری کھنڈ ہرگز نہ پادون تور شیر خشک وچ پادون ورتن وچ ملین عام آلو انبلی دیو نکال ہودے روگی ڈا ہڈا سنگ
--	--

### صفت ملین گھوٹ

ہک ہور ملین گھوٹے والی صفراوی تپ وچ قبض ہو جاوے سروں چڑھیا رہے بخار اس نوں دیویں گھوٹ پلا بنفشہ کاسنی پھل گلاب مغز کدو تولے دو پا نگدہ کپڑے وچ چھنا شیرہ اس دا سب کڈھا	دساں تینوں بہت سکھالی پنج ست روز نہ جھاڑا آئے روگی ہووے بہت لاچار کرے شتابی قبض کشا تولے دو دو لیٹن شتاب ڈنڈے کونڈے خوب گھٹا تھوڑا تھوڑا پانی پا مصری اس وچ ڈال پلا
---	--

ایہہ گھوٹ ہندی مشہور  
دیویں دو ترے دفعہ ضرور



## صفت قے صفراوی

نسخہ قے دا بہت آسان  
 جس نول صاف ہووے صفرا  
 صفراوی سڑیا ہو یا مواد  
 سرکن ترہید، تلخی، گھبرائی  
 تپ غب محرقہ، ہڈ کی سول  
 جیکر ہووے عرض دہائی  
 جیکر ذرا نہ ہووے کھنگ  
 صفراوی مرضاں دی تلوار  
 کئی دفعہ قے کرد ضرور  
 قے لاثانی ہے دوا  
 چادل دو ترے چار گواہ  
 جو آتش، جواں دی خوب پکا  
 پختوں اُس نول قے کر نہیں  
 یا پکا سکجیہیں سنا  
 ترے پیالے پانی گرم کر نہیں  
 قہوڑا جیہا تک کھورا  
 دج خلق دے کھن پھرائیں  
 مڑ دوجا پیار جا پلا  
 تری دفعہ ایہو دستور  
 سائیں بخش نول کریں بیان  
 اوس دے نال اوس قے کرا  
 کرے جے معدے دج فساد  
 پاوے اس تھیں جلد رہائی  
 سٹے پٹ اُنہاں دی مول  
 آوے مشکل نظر رہائی  
 قے کرن تھیں ذرا نہ سنگ  
 مُردیوں زندہ کرے بیمار  
 رہے نہ جھٹے دج قصور  
 کئی مرضاں تھیں کرنے شفا  
 پہلاں اس نول نہیں کھوا  
 یا اس پہلوں لے پلا  
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں  
 سرکہ ہک چھٹانک پلا  
 سکجیہیں دے نال پلائیں  
 ہک پیالہ دیہہ پلا  
 سارا پانی جا آٹائیں  
 نال تھیں کھن پھرا  
 قے اس طرح کرا ضرور

مڑ گرم پانی دی اعداد جو آتش یا چاول خوب پکا جیکر دیویں بابت سول	خارج ہووے گل مواد پہلاں تھوڑی جیسی کھوا حاجت اس دی ناہیں نول
---	--

### صفت پاشویہ درد سر صفراوی

پاشویہ ہک دوبار کرا بنفشہ تولے دو منگوا ادھ پالے کنک دا چھان گھت کڑا ہی وج جو شا اگوں لائیے ہیٹھ رکھا گرما گرم پاشویہ کر جلدی نال اس لنگ چھپا	دیوے سردا درد ونجا چار تولے گل خیرا پا ہنج سیر پانی گھتیں آن تا پک جاوے خوب دوا کپڑے وچدول صاف کرا گوڈیان تیک نہ ہرگز ڈر مت لگ جاوے سرد ہوا
---	---

### بیان صفت روغن بنفشہ

بنفشہ روغن لے بنا مالش کر ہر روز ضرور جاوے اس دے کھل ماس بنفشہ لے کے تولے چار نجر دیچی وج جو شا پاک لے کے مٹھاتیل ہیٹھ کڑا ہی دے آگ پا	جسم روگل دے بنت ملا خشک جسموں ہووے دُور نرم ہو جاوے بدن تمام رات پانی گھت رکھ سنوار گل کے پن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وج میل نرم نرم آگ نال پکا
--	---



جدول پانی جل جاوے سب شیشے دے ویج رکھ سمہال پنڈے مالش کرد سنوار	ہیٹھ کڑا ہی لائیں جھب دقت مالش دے لے نکال بکل جاوے سب باہر بخار
--	---

### صفت لکھنہ صفراوی

دھنیا کا ہوتو صندل بُوڑ خالص مُشک کا فور، انیم گلاب ادھ سیر شیشے ویج پا لکھنہ نال اس آدے خواب	ہک ہک تور ڈال ضرور ترے ترے ماشے میل حکیم لکھنہ دم دم نال سنگھا جاوے بردا درد شتاب
--	--

### صفت ہلاس وردس

نسخہ کراں بیان ہلاس کا فور، نوشادر، چونہ لے پیچھ کے میل شیشے ویج گھت نک اگے رکھ دیو ہلاس	جاوے سردی پیڑ خناس دھن برابر دارد ترے نال کاک منہ شیشے ڈٹا کرے شتاب درد داناں
---	--

### بیان درد ہر صفراوی مشار کی

سردا درد ہے ہودے آ ہودے درد شراکت نال جمع ہوئی کے صفراء مواد آوے اکثر دورے نال	نال شراکت کسے اعضا جیو مگر معدہ، جگر، طحال تم معدے ویج کرے فساد حالوں بہت کرے بد حال
---	---

معدیوں جافے سردے دھج بہت دیر تک بے آزار کئی دفعہ صفرا نکال اطریقہ بت کھوا کشتیر بر ہفتہ دیویں تلیں	کرے حواس دماغی زنج روگی ہووے بہت لاچار موافق منضج مسهل نال شانی ایس نہیں کوئی چیز منضج دے کے نال یقین
--	---

### بیان منضج صفراوی

بنفشہ پتے پھل گلاب نیلوفر پنج ماشے گھت کاسنی پنج ماشے مقدار سوریاں دس دانے کٹ ڈال کل پن اہس نوں صاف کرا چھ روز دیویں اس طور	پنج پنج ماشے قدر حساب میل عناب دانے دھج ست سیاہ آلو دانے گھت چار رات پوسائیگی فجر ابال دو توں مصری ڈال پلا ملین دیہ ستویں فی الفولہ
--	--

### بیان صفت ملین صفراوی

دھج ادھ سیر خالص عرق گلاب پنج توں ترنجبین ملا ابلتاس دا گودا تازہ دھج عرق دے دیویں گھول توہ یک بادامان تیل پھر گھتے اس دے ترے کرا	دس توں گھتند شتاب کپڑے دھج گھت صاف کرا کرے توں پنج اندازہ چھانسی دھج کٹھ اڈ دل تازہ کٹھ کے اس دھج میل فجری، پیشی، عصر پلا!
--	---

ب  
ل  
نار

نرد  
لمیم  
نگھا  
باب

ناس  
ترے  
ڈٹ  
ناس

مضا  
مال  
فساد  
بد حال



تربت و نجاے ایہ سب لکھ  
جاوے استخوانِ نفس تمام  
زیادہ استخوانِ نفع کا  
بجز سائیں بخش فقیر

صفت اطر یفل کشنیر

جیویں حکیم گئے فرما  
کابلی ہرٹاں دی چھل لاء  
دھنیا دے لے مغز کڈھا  
حمام دتے دے وچ کوٹا  
گھبگو کے وچ چرب کرائیں  
اٹریفل لے گشنیز بنا  
اس دا لے خمیر اکھا  
ہک ہک ٹولہ لائی کے چت  
مرضاں دور کمرے سب جسم  
برہمنی، قبض، شکم داسول  
دیوے مرضاں پیٹ دغا  
پھوڑے پھنسیاں چکنا چور  
اگرم دکھاں درج نفع اکھا دیں

تغریف شربت لیموں انار

<p>شریت یمنوں ترشش انار          شر یا ہو یا مواد سوداوی          ڈبڈب دج رہے صفراوی سول          شریت دونوں روز پلا          زیتو کا غدی سے منگا          سیر پکی دج مصری پا          دیگر قلعی دار منظور          ایہو قاعدہ ترشش انار          صاف شیشے دج رکھ ٹیکا          جیکر شر یا ہو یا سودا          استعمال کرو کچھ دیر          جو صفراوی ہیں آزار</p>	<p>ہتھیں اپنی کرد تیار          کہنے دو کہ دموی صفراوی          جیکر کھنگ نہ ہوئے سول          دیوے صحت جھب خدا          ادھ سیر پانی لے کڈھا          دیگر دج قوام پکا          باہج قلعی دے پورے قصور          ایس طرح کر نہیں تیار          دونوں دقت ہر روز پلا          رگن گوشت دج جاری دھا          خارج کرن مواد اکھیڑ          سب اونہاں نہیں ہوں نزار</p>
--	---

### بیان درد سردموی یعنی خونی

<p>خون نہیں ہووے جے سر پڑ          رنگ اکھیں چہرے دا لال          کھٹا ذائقہ گمنہ دا سواد          ہر دے گاڑھا سرخ قارورہ          کوئی چوڑی نبض عظیم          سرون چڑھیا رہے بخار          گندہ خون کرے جد زور</p>	<p>سرخ ہو جاوے رنگ سر پہ          گندا لٹو کرے بد حال          کرے تعفن خون مواد          نشان خلط خون دا پورا          دموی غالب خلط حکیم          بہت دیوے تکلیف آزار          پادے سر دج جائیکے شور</p>
---	--



سر بھارا درد تراٹاں مارے رووے روگی ڈھائیں مار جادے اس دی بگڑ مزاج سرا رو دا فصد کرا رو کٹاں پچھے سنگیاں لا موافق توت خون نکال پچھوں اس نوں دیہہ دوا	دیوے سردج خون ابھارے ہرگز کم نہ سو جھے کار جھدے اس دا کرد علاج متھے وچوں نارٹاں ٹکا استرے نال پہلاں پچھا تھوڑا تھوڑا فاصلے نال دیوے خون دا جوش بھٹا
---	---

### بیان نقوع سرد

کراں بیان ہک سرد نقوع نیلو فر تولہ منگوائیں دانے آٹو سیاہ دے ست کاسنی نو ماشے کٹ ڈال ستھے دارو لٹیں پلا فجریں تل پُن صاف کرا ترے ہفتے استعمال کرا	فصد بعد کرا اس شروع بنفشہ گل چھ ماشہ پائیں انبلی دو تولے وچ گھت دانے ست عناباں نال راتیں پانی گھت پلوا مصری ڈال دو دقت پلا دیوے خون دا جوش گھٹا
---	---

### نسخہ مجربہ مصفا خون

ہور ہک نسخہ بڑا عجیب گندہ خون کہے سب صاف جوش خون نل دیوے نفع	استعمال ہے کریں طیب کریے قصور خداوند معاف سردا درد ہو جائے دفع
--	--

مونڈی  
سفید  
عناب  
کر کے  
ہفتے  
برگ

سبب  
سرد  
سرد  
علامہ  
پھٹکا  
منہ  
تہرہ  
سفید  
ساد  
گرم  
کیس  
کچلا  
شامل

<p>مونڈی بوٹی تور لیا سفید صندل بورا وچ گھت غنا ب ولایتی آلو سیاہ کر کے پانی وچ نقوع ہفتے ترے چار بے پیوے برگ بکین یا نم گھوٹا</p>	<p>پا پڑہ پنچ ماشے وچ پا دھنیا ہرا ہک ماشے ست پنچ پنچ دانے کر ہمراہ قصا دوں بعد کراؤ شروع فضل خدا تھیں چنگا تھوے سر کے دے وچ کر د طلا</p>
--	---

### بیان درد سر بلغمی

<p>سبب بلغم سردی یا باد سرد چیز جد کھاے پیوے سردی تھیں اس پوے بگاڑ علامت بلغم ٹھیں پچھان پھکا ذائقہ بول سفید منہ تھیں تھکاں بہت آب تر یہ نہ لگے اس نوں مزل سفید اکھیں چہرے دارنگ سادہ جیکر ہووے درد گرم چیز اس پوے مفید کیسر سنڈھ افیم گھسا کچلا، مٹھا تیل یا شامل نال افیم وچ گھس</p>	<p>کرے جے سردا درد فساد سردا درد بہت ودھ جائے ہووے روگی بہت لاچار جیھڑی اس دی خاص نشان ڈھل نبض چلے اس وید جائے بہت آٹھ اس خواب رہے شکم وچ قبض رنجول غلبہ بلغم سمجھ سنگ طبع مزاج نہایت سرد کرو معالجہ نال تاکید منٹھے اُتے کر د طلا بول دپتے دے وچ گھسا جائے درد شستابی نس</p>
--	---

کار  
لاج  
مکا  
پچھا  
نال  
بٹھا

درد  
پائیں  
ست  
نال  
پوا  
ت پلا  
گھسا

لبیب  
حات  
دفع



اچھ کے کاغذی دانگ لگا  
 دودھ اک دا لے چوڑا  
 درد والی جگہ تے رکھ  
 فرنیون گھس وچ شراب  
 مصبر، رائی، مایوں لے  
 پیچہ سر کے وچ کرد طلا  
 رائی سرکہ گھوٹ لگا  
 گرم درا دی دیہ نسوار  
 سر مٹھتے تے لیپ کرا  
 ڈنڈے گونڈے وچ گھوٹا  
 اک تے رکھ کے گرم کرا  
 نیم گرم اس کرد ضمد  
 بذر البغ نون خوب گھوٹا  
 نوشادر ماشہ خوب پسا  
 خالص کیسر اصل انیم  
 پیچہ کے دے ناسیں نسوار  
 سرتے ماش روز کرا  
 سردا درد پورا نہ ہو  
 ہووے بلغمی خاص مزاج  
 پینے وچ دو تے کرا  
 بعد پختہ تک کرد علاج

دیوے فائدہ ترم لگا  
 پنہ روں دے نال لگا  
 ترم فائدہ لئیں پرکھ  
 لادیں پھوپھے فیض شتاب  
 ہر یک ہوون ماشے ترم  
 دیوے فوراً درد اڑا  
 پلستر بے ایہ عجیب ددا  
 برتھیں سردی کڈھے بار  
 حرمل - سُنڈھ - بابونہ پا  
 پانی تھوڑا تھوڑا پا  
 تیل مٹھا کچھ وچ ملا  
 ہووے دفع شتاب فساد  
 گھت سرکے وچ کرد طلا  
 مرچاں کالیاں چار ملا  
 ہک ہک رتی وزن حکیم  
 ہووے سردا درد فرار  
 گرم روغن کوئی آپ بنا  
 موت بہت بے رہ کھلو  
 منضج نسل اس علاج  
 دو جلاب ضرور دوا  
 دو جی تے کردا شتاب

ایہو  
 دو ترم  
 خوب  
 جوش  
 جب  
 منضج  
 طبیعت  
 ایہ  
 طریقہ  
 وچ

محکما  
 پچھور  
 ایہ  
 سولف  
 ملٹھی  
 منقہ  
 گافندہ  
 کل  
 ہفتہ

ایہو یاد رکھو دستور دو ترے چار جینے تیک خوب طرح تنقیہ کرو جوشاندہ دیہہ منضج کروا جب یک جادے خوب مواد منضج پنج ست روز کرا طبیعت اس دی کرد صفا ایہ اطرینل اس صغیر اطرینل اوس کھوا زمانی دع نتر ابادی کتاب	رہے نہ سبختے دج قصور استعمال کرا دیں ٹھیک حب ایارج نال نہ ڈر کچی بلغم خوب پکا مسهل دے کے کڑھ فساد مسهل جفتے بعد دوا دو ترے چار جلاب کرا ہے اس دے حق دج اکیر نہیں کوئی نسخہ اس دے ثانی اوتھوں دیکھ بنا شتاب
--	---

### صفت منضج بلغمی

ٹھکانا دل داسے دستور پچھوں اس تول جلاب یواؤن ایہ جوشاندہ کاہڑ پلا سولف نویں یک تول یا ملٹھی نو مانے کٹ ڈال منقہ وہ دانے دج پا گلقتند سوا سب رات پوسا مل اپن اس تول صاف کرا ہفتے پچھوں کرد جلاب	منضج پہلاں کرن ضرور بادی موزی دفع کراؤن دیوے بلغم خام پکا تولہ پر سیاہ شال پاء دانے پنج انجیراں نال پنج تولے گلقتند ملا نجریں گھت گلقتند جوشا ایہ منضج ست روز پلا حب ایارج نال شتاب
--	---

لگا  
لگا  
رکھ  
ب  
ے  
ڑا  
ددا  
یار  
پا  
پا  
پلا  
فساد  
وطلا  
لا  
حکیم  
قرار  
ہٹا  
کھلو  
علاج  
دوا  
شتاب



## صفت مطبوخ ہلیلہ زرد

جلد و بخار دے سردا درد اصلی پھل گلاب ملا بنفشہ یک تولے مقدار دو دو تولے کر ہمراہ پوسا، جوشنا ایدہ دوست چھٹا نی انبلس ملا فجری، پیشی، عصر، ملا ہر ہفتہ کر استعمال	جلاب مطبوخ ہلیلہ زرد چھل ہریٹاں زرد لیا ہر ایک ہودن تولے چار کاسنی، سونف ہریٹاں سیاہ سناکی تولہ یک گھت کل کے پٹن کے صاف کرا جھے اس دے ترے کرا وقت پیون دے گھیو کھنڈ ڈال
---	--

## صفت حب ایارج

بلغم خارج کرے سریر سقمونیا اصلی تولہ دید کر کے چھانسی دج صفا مصبر تولہ نال ملائیں مڑ کونڈے دج گھت گھوٹا دانے بانہ برابر سب میشے دے دج ڈال لیکا تازے پانی نال پھکا دیوے بلغم سب نکال	حب ایارج ہے اکسیر نردی تولے چار سفید تولہ فاریقون ملا رب السوس تولہ دج پائیں داند سٹ سب جمع کرا عرق سونف دج بھو حب گویاں دپے رکھ لیکا چھ ماشے دا وزن ملا ہر ہفتہ کر استعمال
---	---

جے مریض  
شقیقہ، خا  
کرے کرے  
ہودے رو  
بلغم تھیں  
چھ ماشے  
پنج چھ  
جے بلغم نال  
یا گنٹھیا  
ایہ گولیاں  
وڈھ وڈھ

پہلاں  
دیہ گولہ  
داسطے  
سائیں بخا  
جے مریض

نردی تو  
ماشہ دو  
پہلاں

جے مریض کم قوت ہو  
 شقیقہ، خدر، صرع، نسیان  
 کرے کے نون بلغم تنگ  
 ہووے روگی بہت لاچار  
 بلغم تھیں ہووے نقصان  
 چھ ماشے دا وزن پھکا  
 پنج چھ ست تنقیہ کر  
 جے بلغم نال بدن پھل جائے  
 یا گنٹھیا، بلغمی ہوس آزار  
 ایہہ گولیاں دیہہ ہر ہفتہ دار  
 ددھ ددھ بلغم لائے ڈھیر  
 پہلاں اندر نرم کرا  
 دیہہ گولیاں حب ایام نام  
 واسطے خارج بلغم کل  
 سائیں بخش کیتا کئی بار  
 جے مریض کم قوت ہو

فاصلہ دیوے ہفتے دو  
 رہن نہ دیوے نام نشان  
 درد جوڑاں دج مالک ڈنگ  
 چل نہ سکے ہوس نہ کار  
 آون ظاہر نظر نشان  
 ست ست دن دا فرق کرا  
 منضج دے کے ذرا زڈر  
 بھارا بہت جسم ہو جائے  
 درواں پیڑاں کرن لاچار  
 کٹ سے بلغم دا بھار  
 دے بلغم دی پنج اوکھیر  
 چانول گھیو کھنڈ ددھ پلا  
 مشہور حکیمان دج تمام  
 نہیں جلاب کوئی اسدے تل  
 ایہہ نسخہ آزمودہ کار  
 فاصلہ دیویں ہفتے دو

### سفوف جلاب بلغمی

تروی تول بہت مفید  
 ماشہ دوکٹ مسندھ پلا  
 پہلاں گھیو دج چرب کرا

عشق پیچہ چھ ماشہ دید  
 تازے پانی نال پھکا  
 مصطلک پیس ماشہ دج پا

درد  
 ملا  
 قدار  
 مراد  
 ست  
 ملا  
 پلا  
 محال

سریر  
 وید  
 صفا  
 ملائیں  
 گھوٹا  
 سب  
 مال  
 پھکا  
 محال



بلغم دا ایہ خاص جلاب

متفنج کر کے دیہو شتاب

## صفت قے بلغمی

قے کراون دی ترکیب  
قے جیہا نہیں کوئی دوا  
صفت نہ قے دی کیتی جاوے  
عکس ہند ورج نہیں رواج  
استقاء مرگی اسمہال  
تپ غیب بلغمی باد فرنگ  
ایہ جادون دکھ پڑانے ہو  
کئی دفعہ اس نون قے کر  
ہو دے ہر دا درد پڑانا  
ریزش نزلہ کھنگ نزل  
طبع موافق قے کردا  
موافق قوت طبع بیمار  
چا دل غصہ جیسے پکا  
پتھوں اس نون قے کراوین  
نغمہ مولیٰ قے سوئے یا  
مین پھل دا ڈوڈہ ہک یا  
ترے پیالے پانی مٹ ڈال  
مل چن اس نون صاف کرا

نال عقل دے سمجھ طبیب  
ہوئے مریض بہت شفا  
نویں پڑانے دکھ دنجاوے  
کرنا قے دے نال علاج  
بھادون ہودن کتنے سال  
پیڑاں درد کرن جس تنگ  
فائدہ کرے دوا نہ کو  
اندر اس دا کر کے تر  
رہے مدت تک مل ٹھکانا  
جیکر ذرہ نہ ہو دے مول  
دیوے اس نون رب شفا  
ہینے دے دو ترے دار  
پہلاں اس نون لئیں کھوا  
یاد رکھیں مت بھل نہ جاوین  
ہک ہک نول وزن کرا  
دیکھ کونڈے دے دروا  
نور دے دھگت اباں  
نور دا جیہا نمک کھورا

مرکہ  
بھڑکے  
جہ  
تربیع  
پانی  
مدد

اطریقہ  
چھل  
چھل  
پنج  
گھبوا  
بعد  
چاندی

روغن  
ترے  
کا شعل  
ترے

مرکہ تیز چھٹا کی گھست بھر کے پیالہ ترست پلا بد او پانی نکل جا تریجے دا ایہو دستور پانی اس نوں ہور پلا بد دیہہ پانی دی ہور	کھنڈ ملا وچ تولے مت وچ حلق دے کنب پھرا پیالہ دو جا جلد پلا تے کروا نہ رہے قصور دو ترے پیالے گرم کرا نمک حقوڑا جیہا وچ کھور
--	---

### تغریف اطریشل صغیر

اطریشل لے بنا صغیر چھل ہریڑاں زرد تہا چھل ہیڑہ ہریڑاں سیاہ پنج پنج تولے وزن تولا گھو گو کے وچ چرب کرا بعد مہینیوں شروع کرا چاندی ورق جے نال ملاویں	دماغی مرضاں نوں اکیر کابل ہریڑاں دی چھل پا آملہ صاف کرد ہمراہ کٹ چھان سب جمع کرا ترے جتے ماکھیوں وچ ملا دو دو تولے وزن دوا فائدہ بہت نہایت پاویں
--	--

### صفت روغن گرم

روغن گرم بنا ضرور تہے تولے کوڑی کھ ملا کاشپل ، مال کنگنی نال ترے اجونیاں تولے ترے	جیوں حکماواں دا دستور تور محل بابونہ ، پا اک اک تورے وچ ڈال تور دانے حرملے
--	---

اب

سیب

شفا

وے

علاج

سال

تنگ

نہ کو

تر

ٹھکانا

مول

ب شفا

رے دار

بیں کھوا

بہ جاویں

وزن کرا

وچ درٹا

ت آبال

کھورا



اک اک تولہ وزن کرا رات پانی گھت رکھ پوسا کل کے پٹن کے صاف کرا گھت کڑا ہی دے وچ میل جل جاوے پانی ہیٹھ لہا وقت حاجت کرا استعمال جوڑیں پیڑاں مارن ڈنگ جاوے لٹ پیڑاں چھڈ گھر	عقر قرچا کٹی لونگ ملا دارو چھو وچ کوٹا فجری دو ترے جوش دوا پاک پاک پکا مٹھائیل نرم نرم ہیٹھ آگ جلا کر کے صاف بوتل وچ ڈال گٹھیا واڈ، القوہ ادھرنگ پاک چلیہ مالش کر
---	--

### صفت نسوار گرم

گرم دوا دی دیہہ نسوار تولے دو کا پھل وچ گھت ترے ترے ماسے کر ہمراہ گٹ چھان کر سب نسوار دیوے جلدی نال آرام	سب سردی ہووے سرگھا تولے کشمیری پت سندھ لونگ لے مریج سیاہ تریان پوست ماسے چار نزلہ سردی پیڑا زکام
--	--

### بیان درد سوداوی

سودا تھیں پیڑے سردی ہو مادہ سٹریا ہو یا سودا جائیے سرد وچ مارے ڈنگ نکلی اس نوں کسے خراب	بہر سارے وچ رہے کھلو داخل ہووے بہر مریج جا بست کرے روگی نوں تنگ پونچے برنوں سخت عذاب
--	---

نشان  
ہود  
رنگ  
منہ  
دیکے  
مالش  
دو تر  
جد  
دو  
جد  
دو تر  
خرفہ  
دھنیہ  
رات  
فجری  
شامل

منضج  
کاسنی  
پا پڑا

<p>نشان جملط دا کریں معلوم          ہووے کرڑی نبض باریک          رنگ قارورہ سبز سیاہ          منہ دا کھٹا ترشش سواد          دیکے روغن دار غذا میں          مالش اس نون روز کریں          دو تھے دفعہ دماڑی دج          جد خشکی ہو جاوے دور          دو ہفتے منضج اس کرا          جد ہو جاوے نرم مواد          دو ترے چار جلاب کرا          غرہ کاسنی ، تخم حیار          دھنیاں ، موندی ، صندل بود          رات پانی دج تہ کر چار          فجری تل ، پن صافا کرا          شامل نال جیکہ صفرا</p>	<p>حکماواں دی جیویں رسوم          رنگ سیاہی اٹل ٹیک          علامت پختہ خاص سودا          جد معدے دج کرے فساد          خشکی اس دی دور کریں          گل روغن ، گوا گھیو ملا میں          مالش کریں نہ ہوویں زنج          منضج اس نون کریں ضرور          جاوے چنگا یک سودا          مشہل دے کے کڈھ شتاب          پہلا منضج ادس دیوا          گھوٹ شیرہ دے نت تہار          گاؤ زبان دج ڈال ضرور          پنج پنج ماشے دا مقدار          نت پہلا مصری دج پا          ہووے سرد نقوع پلا</p>
---	---

### صفت منضج سوداوی

<p>منضج کر سودا مزاج          کاسنی پر سیاہ نشان باد          پاڑا ، چھلی ہوئی لٹھ</p>	<p>حکماواں دا جیویں رواج          بنفشہ ، نیلوفر ، گاؤ زبان          پنج پنج ماشے دارو اٹھ</p>
--	--

کرا  
سا  
کرا  
بل  
لہا  
مال  
نگ  
گھر

سوار  
مت  
ہمراہ  
سوار  
گرام

کھلو  
سج جا  
تنگ  
مذاب



دیہہ سوڑیاں لے درڑا  
دارو سبھے رات پسا  
چار تولے خالص گلگند  
دے کے دو ترے چار اُبال  
دو ہفتے مُنضج کر اس طور  
شامل نال جے کر صغرا

دانے اٹھ عنا باں  
فجری چوٹھے چاہڑ جوش  
نال جو شاندرے کریں پیوند  
کر کے صاف کر استعمال  
پچھوں مُسہل دیہہ فی انفور  
مُنضج ہفتے تیک ردا

### صفت مُسہل سودا

ہر خلط دا ساڈ سودا  
جس خلط دا ساڈ شکایت  
پینج تولے اصلی پُحل گلاب  
بنفشہ کاسنی، سونف، ملٹھ  
دو تولے زرد ہرڈ دی چال  
ترے ماشے چنگی نویں سنا  
پاپڑا نو ماشے وچ پائیں  
پینج تولے گودا انبتاس  
تکھنڈ سفید چھٹا کی تول  
جھے اُس دے ترے کرا  
فجری پیشی، عصر ضرور  
دو ترے دفعہ چار یا پینج  
دفع کرا دیں سا رکھوٹ

آکھن اُس نوں کل حکماء  
دج مُسہل دے کریں فایت  
دیہہ سوڑیاں دہ عتاب  
ہک ہک تولہ کریں اکٹھ  
آلو دیہہ دانے دج ڈال  
چھ ماشے تروی کٹ ملا  
سبھے دارو رات پوسائیں  
تازہ لے کے نال شناس  
دج جو شاندرے دیویں گھول  
ترے دارو دن دج پلا  
کرے موزی سب دور  
کریں جلاب نہ ہوویں رخ  
مڑ کے پھیر نہ مارے چوٹ

ہور  
حکمت  
جیہڑا  
مرکب  
ہک  
مرکب  
بناؤ

گھوٹے  
کرے  
سونف  
تخم  
ڈنڈ  
تولے  
نگدہ  
بشیہ  
ایہہ  
سبب  
ایہہ  
خشیا

ہو رہی اوس دا کریں علاج حکمت ہے عقل دا کم جیہڑا آدے دج شعور مرکب مسلسل ایہہ جلاب ہک بلغم دوجا صفرا مرکب خلط عفونت دار بناؤندا ایویں دستور	موافق جیہڑا طبع مزاج اوپر عسل نہ ماریں دم دیویں موافق طبع ضرور ترے خلطان خارج کرے شتاب ترجہا سڑیا ہو یا سودا کڈھے باہر بدن تھیں بار پکچھے ہو یا جویں مذکور
---	--

### صفت جلاب گھوٹ

گھوٹے دا ہک عجیب جلاب کرے شتابی قبض کشا سونف، بنفشہ، مغز بادام تخم کاسنی لے دج پا ڈنڈے کوٹے دج گھوٹا تولے پنج خالص گلقد نگدہ کپڑے دج پھنسا شیرہ خوب صاف کروا ایہہ گھوٹے دا خوب جلاب سبب خشکی جیکر سر پیر ایہہ سرد سرد سودا دی سادہ خشکاش تے مغز بادام گھوٹا	سائیں بخن کر بیان شتاب دفع کرے مادہ سودا کدو مغز، سناء تمام ہک ہک تولہ سب دوا گھوڑا تھوڑا پانی پا گھوٹے نال کرد پیوند پانی ہتھاں نال ملا روگی تائیں تروت پلا صاف شکم نوں کرے شتاب دیوے سرونوں دکھ سریر ہو دے روز بروز زیادہ دیہہ شیرہ مصری صغ پا
--	---

اں یا  
جوشا

یا پیوند

بتعمال

فی انقور

ب روا

ن حکماء

ن مایت

عنا ب

ن اکٹھ

ج ڈال

کٹ ملا

پوسائیں

ن شناس

یوں گھول

دج پلا

ب دور

وویں رنج

رے چوٹ



مقوی مغز اس کر دوا حریرہ دیہ خشخاش پلا دیوے ہرنو

## صفت حریرہ مقوی دماغ

ترے توے خشخاش سفید  
ہک تور گھٹ مغز بادام  
شیرہ کڈھ کے صاف کرا  
چار توے مصری دج گھٹ  
ایہہ حریرہ نت پلا  
ردغن مغز کڈ بادام  
مصری مکھن فجر چٹا  
چار تولہ مغز ہک دیہ  
گھوٹ پانی دے دج مدام  
چار تولے گوکھ گھیو پاہ  
پتلی خوب پکا دیں پت  
دیوے خشکی مغز گوا  
ناسیں ادس چڑھا مدام  
بکھی دا دودھ شام پلا

سندھ گھار  
اک دا دودھ  
کوزے دج  
خوب طرح لے  
ایندیں اس  
مرگی رتج

## نسخہ مرطب دماغ

شیرہ مغز کڈ بادام  
مصری کچھ قدرے دج ڈال  
گلاہ شیر بلا دج عام  
کر کے گرم کر استعمال

جرڈ آک دی  
گل حکمت کوز  
سبب سردی  
دیہ اُس نوں  
بایوں گھوٹ  
ایہہ بھی ٹوٹکا  
یا لسن دا  
نرفیون دج

## بیان درد سر ریاحی

سبب رتج جیکر سر پیڑ  
سردی رتج گھٹے سر لاٹ  
جادے ہو پڑانی پیڑ  
روک ڈھانیں مابے نت  
عجائب اک نسخہ نسوار  
ہودے رہے روگی و لگیہ  
وانگ سمندر مارے ٹھانہ  
کوئی نہ چل سکے تدبیر  
رہے بیزار ہمیشہ چم  
سائیں بخش توں کر اظہار

دیوے سرنوں جلد آرام	توڑے سردی رتج تمام
نسخہ نسوار	
<p>سندھ، گمماں، مرچاں درڑا اک دا دودھ اتوں تروا کوزے وچ گل حکمت کر خوب طرح لے اس نوں ساڑ ایویں اس نوں دیہ نسوار مرگی رتج والی نیان</p>	<p>گھت کوزے وچ، اک چوا دھپے رکھ کے خشک کرا وچ انگلیٹھی اگ لے دھر پیہہ کے رکھ بل وچ نسوار رہے نہ سردی رتج آزار جاون استھوں چھوڑ مکان</p>
نسخہ نسوار	
<p>جڑ اک دی چھل لہا گل حکمت کوزے وچ ساڑ سبب سردی رتج بلغم باد دیہ اس نوں جلدی نسوار بلیوں گھوٹ کے لیپ کر ایہ بھی ٹوٹکا ہے آزمودہ یا لسن دا کرد طلا زفیون وچ رگڑ شراب</p>	<p>اک دا دودھ اس وچ پا پیہہ کے خوب بنا نسوار سردا درد جے کرے فساد ہوے رتج دا درد فرار ادرک دا پانی وچ پا درد رتج تھیں کرے آسودہ دیوے رتج دا درد گوا لاویں جاوے درد شتاب</p>
نسخہ نسوار مجربہ	

پکا

دید

مدام

پاء

بت

گوا

مدام

ام پلا

عام

متعال

ونگیر

ٹھاٹھ

تدبیر

چشم

راخا



تیریاں پوست کر ہمراہ شامل کر ادس نال حکیم ہر اک تیرے تیرے ماشے پورا رہے نہ سر دا ذرا آزار	دینج لونگ، پنج مرچ سیاہ کیسر خالص، اصل افیم کا پھل، کنڈش صندل بور پیہہ کے دیہہ اس نوں نسوا
--	---

### بیان درد شقیقہ

ادھے سر نوں رہندا سوگ ادھا رہے آسائش دینج دساں تیرے آدے کام ہک ہک ماشہ قدر حکیم پانی تھوڑا جیسا رلا رون ادھ کر چمڑا دیوے اُسے وقت آرام وقت حاجت دے کریں ضرور کیسر، مشک کا فود حکیم درو اُتے جھب کر د طلا	درد شقیقہ مندا روگ پیڑاں نال ادھا سر زنج لوٹنگ ہک عجب اقسام کیسر، سیکر گوند، افیم سندھ دی گندھی نال گھسا درد والی جگہ پچھوا عصابہ، ہلاں درد تمام کچی کاغذی ایہ مشہور کاہو، بذرا پنج، افیم سر کے دے دینج خوب گھسا
---	---

### نسخہ نسوار

تیریاں پوست کر ہمراہ پیہہ کے دسے ناسیں نسوار فائدہ بہت نہایت پایا	سندھ، نشادر، مرچ سیاہ وزن برابر دارو چار بہت دفعہ اس نوں آزمایا
---	---

## طلا مجربہ درد ہر قسم

<p>اگ دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ ہلاں سردا درد ریاچی نوشادر سیل تے رکھ گھسا چاہڑو ناسیں نال وقوف فرنی اُس نوں نت کھوا</p>	<p>پنبہ روں دے نال لگا فوراً فائدہ لیں پرکھ پادیں استھوں جلد رانی پینچ بوند پانی دج پا ہو دے فوراً درد موقوف نال شیرہ خشتاش پکا</p>
--	---

## نسخہ فرنی مفتوی مارغ

<p>ترے توے خشتاش سفید راتیں پانی دج پوسا کپڑے دے دج صاف کرا نشا ستہ لے چھٹا کی آن نشا ستہ جد ہو جاوے لال فرنی کہ اس طرح تیار جیکر کوئی ہو سبب سبب صفرا شقیقہ درد موافق خلط جلاب کرا</p>	<p>مغز بادام تولہ گھت وید فجری گھوٹ شیرہ کڈھوا ادھ پاؤ مصری نال بلا ادھ پاؤ گھیو دج کر بریان شیرہ جھب اس دے دج ڈال کھا دے نت نہ رہے آزار موافق طبع دارو کر جھب ہو دے رنگ ہو جائے سرد کل صفرا خارج کرا</p>
---	---

پچھوں اُس نوں سرد نقوع  
دو ترے ہفتے رکھ شروع



## صفت نقوع سرد

اصلی سچے پھل گلاب کاسنی، انبلی دارو چار بنفشہ چھ ماشے گھت رات پانی دج تر کر د ترے ہفتے ایہو کار	چھل زرد ہریاں میل شتاب ہر ہک تولے دا مقدار میل سیاہ آلو دج گھت فجری مصری ڈال پلا دیوے سرد دا درد آثار
---	---

## بیان درد عصابہ

درد عصابہ مرض خراب بھروٹے اُتے ہووے پیڑ شروع ہووے چڑھدے دینہ نال رہے آرام ساری دج رات مشہور ہندی دج دینہ بھارا سخت پیڑ ہوش برلاوے پیدا ہوندا بعد زکام حرارت فضلہ دج بل جاوے رینش گرم بھروٹے دج کر ددا درد نہایت تنگ دو ہفتے اس دی میعاد وانگوں داری دالے تاپ	دیوے سرنوں سخت عذاب پھونچے تنگی بہت سریر گھٹے سورج جد پھڑے زوال ہووے صبح شروع بد ذات نام اس دالیندا جگ سارا ڈھائیں مار روگی کرلاوے سڑکے فضلہ فاسد خام فاسد ہوکے شور مچاوے داخل ہوکے کر دی زنج وانگ اکھوئیں مارے ڈنگ وت ہو جاوے دفع فساد چلا جائے حملت تے آپ
---	--

دھنیا، کاسنی، نیلوفر  
 چھ چھ ماشے وزن تمام  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 کیسر، کیکر گوند، افیم  
 درد والی جگہ پچھوا  
 مُشک کافور افیم ملا  
 روگی دے وچ نک چڑھا  
 دھنیا، صندل، مُشک کافور  
 ڈنڈے کوٹھے وچ گھوٹا  
 متھے اوتے لیپ کرا  
 افیم بقدر مسور گھسا  
 کرے دفع جب سردی پڑ  
 سرکہ مُشک کافور ملا  
 گرم پانی دی کرو نطول  
 بسبب لہو بے ہووے پڑ  
 فاسد خون دی اے نشانی  
 ہر جیلے اُس کڈھو رت  
 شربت دیہہ عذاب پکا  
 گرم غذا نہ ہرگز کھاے  
 جیکر رت تھیں ہووے پڑ  
 دساں اک میں عجب دوا

بنفشہ گل نوں شامل کر  
 نفقوع پلا صبح تے شام  
 فجرے شام پلایا کر  
 پیہہ کے پانی وچ حکیم  
 رول آلودہ کر چمڑا  
 گل روغن دے وچ گھسا  
 دیوے جلدی نفع دکھا  
 تخم کاہو وچ میل ضرور  
 پوست دا پانی وچ پا  
 دیوے اُس نوں رب شفا  
 میل روغن گل کرو طلا  
 رکھے حکم وانگ اکسیر  
 شیشے دے وچ گھت سونگھا  
 فائدہ بخشتے بہت رنجول  
 متھے وچوں چھڈیں سیر  
 سوزش، سُرخ وچ پیشانی  
 عصابہ درد نہ ہووے وت  
 خون گندہ سب کرے صفا  
 گرم درد نوں ضرر پہنچاے  
 بادی بلغم وچ سریر  
 دیوے رت دا درد ونجا



اک دا دودھ افیم گھسا درد والی جگہ تے رکھ	آلودہ رُوں دے نال کرا فوراً فائدہ لئیں پرکھ
---	--

### صفت گل روغن

گل روغن دا کراں بیان ادھ پا سچے پھل گلاب فجرے دو ترے چار اُبال کپڑے دوج گھت صاف کرا پاک لے کے مٹھائیل نرم نرم بیٹھ اگ جلا کر کے صاف شیشے وچ ڈال مالش کر ہر روز ضرور آکھن ایس نوں روغن گل تازہ سچے پھل گلاب دھپے چالی روز رکھا	بناون جس دا بہت آسان رات پوسا وچ تر کر آب دے کے کل اوس خوب کھال وچ کڑا ہی پھیر جوش دونویں وچ کڑا ہی میل جل جاوے پانی ترت لما وقت حاجت کر استعمال خشکی کرے بدن دی دود روغن نہیں کوئی اس دے تل تیل مٹھے وچ ڈال شتاب آفتابی روغن کمں حکما
---	--

### بیان سرسام دموی

سخت مندی زحمت سرسام علامت دموی لئیں پچان اکھیں سرخ نہایت لال تاپ نہایت ہوئے زور	تاپاں اندر ہووے عام جھپڑے اس دے خاص نشان مطبقہ تاپ ہوئے اس نال دیوے قوت بدن ترور
--	---

<p>خون گندہ سر نہں چڑھیا جائے          قائم رہن نہ ہوش حواس          بھارا سر ہا سنا اس آدے          کرے بے ہودہ بات کلام          جھب دے اس دافصد کرا          دو کناں، موراں پلپیانوچ          پچھوں او س تلیین کرا          مادہ خارج کرے تمام          شربت رنت پلا عناب</p>	<p>پردہ مغز ورم کر جائے          دُور ہو جاوے فکر قیاس          دھج بے ہوشی تاپ بڑاے          دفع ہو جاوے عقل تمام          سرا رونوں نشتر لا          پچھاں والیاں سنگیاں کھج          دیوے دکھ سرسام و بجا          رفو چکر ہووے سرسام          کرے صفا سب خون خراب</p>
--	---

### ترکیب شربت عناب

<p>دس تولے آلو نویں سیاہ          بنفشہ، کاسنی، نیلو فر          دو سیر پکا پانی پا          فحری چوٹھے چاہڑ اُبال          نل کے پن کے صاف کرا          ترے پا مصری یا سفید          جد اوہ شربت چھڈے تار          دو ترے تولے صبح پلا          شربت چالی روز بے پیوے          صفرا دی خالص یرقان</p>	<p>عناب برابر کر ہمراہ          دو دو تولے شامل کر          رات دوا سب رکھ پوسا          ادھار ہے تاں لاء سمہال          مڑ دیگی دھج گھت جو شا          داخل کر اس دے دھج وید          اگ تھیں جلدی نال اُتار          وقت شام پانی دھج پا          گندہ خون صاف سب تھیوے          مطبقہ، محرقہ، دوکھ خفقان</p>
--	---



پھوڑے پھنسیاں گرم بخار	دفع کرے سب گرم آزار
پھیر بنا جے ہووے لوڑ	دیوے گرمی جگروں توڑ

### در بیان سرسام صفراوی

صفرا تمیں جو ہووے سرسام	فرانیطس خالص اس نام
محرقة تاپ چڑھے اس نال	حالوں بہت کرے بد حال
تاپ محرقة دال زہر	جاوے وج جسم دے ٹھہر
سرکن زرد اکھیں دارنگ	تلخی تریہہ کرے اس تنگ
صفرا بدن وج پلے شور	چڑھیا سرنوں دے کے زور
جامیکے سروج کرے جگاڑ	دیوے سردے پردے ساڑ
تیز بخار نہایت گرم	پیدا کرے مغز وج ورم
جدول خدا دا ہووے قہر	ایہہ صفرا بن جاے زہر
پیدا ہوندا معدے وج	کردا بہت طبیعت زچ
معدیوں سرنوں چڑھے بخار	پردے پردے لیندا مار
آچویں کھٹن کرے خوار	بہت طبیعت ہوس بیزار
ہووے زردی رنگ زبان	خشک ہو جاے حلق دمان
نیند نہ آوے دن تے رات	ہوش عقل دی کرے نہ بات
زور کرے موزی صفرا	دل نول ہووے بہت گھبرا
عقل ہوش نپ لیندا مار	اٹھ اٹھ نئے باہر وار
وج بے ہوشی کرے براٹ	موندہ پکے جھج جاے پاٹ
اکھیاں دی جد لگے تاڑی	کیستی اس نے موت تیاری

جو اس نون آن مہلا دے	بولیا اس تون مول نہ جہکے
دیہہ تون اس نون بکھدوا	بہتا قتل قیاس دوڑا
تلیین ادس نقوع پلا	خارج کر موڈی صفرا

### صفت ملیں نقوع

چالی دانے آلو سیاہ	ادھ انبلی کر ہمراہ
پانی وچ نقوع کرا	تل کے پانی صاف کرا
کاسنی دو تولے منگوا	بنفشہ گل تولہ یک پا
مغز کدو تولہ یک گھت	گھگھند ڈال تولے وچ ست
ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا	نقوع والا پانی وچ پا
کرکے اس نون خوب صفا	چھٹاکی انبلیتاس پلا
چھاننی وچ مڑ کرکے صاف	دیہہ تقصیر کرکے رب معاف
وچ بے ہوشی سپی نال	تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال
دن وچ دو تولے وار پلا	فاسلہ یک یک پھر کرا
جد اسہال ہودن اس جاری	زائل ہووے گل بیماری
رفع ہووے موڈی سرسام	جادے سر دا چھوڑ مقام
بید مشک تے عرق گلاب	مصری ڈال پلا شتاب
کاسنی خرفہ گھوٹ پلا	سکنجبین دے نال پلا
آلو، انبلی رات پوسا	فجری مصری ڈال پلا
بنفشہ، شربت نیلو فر	کیوڑہ پلا پلایا کر
آتش جواں دی دے ضرور	کرے جیکر روگی منظور



گل روغن گودا گھیٹو پا جے ہووے جھب فصد کرا کٹاں پچھے موران روچ دیہہ چادل کچھڑی تری پکا جیویں طبیبان دا دستور گھوٹ عناد کرا دیں دید	مالش برستے خوب کرا مرکب خون نال صفرا پچھاں دایاں سنگیاں کچھ جدادہ خواہش کرے غذا پاشویہ نخلخہ کریں ضرور بہر نول کر ہر وقت طلا
--	---

### ترکیب شربت بنفشہ

صفراوی مرضاں دے دیکار مصری خالص نوے سٹھ رات بنفشہ رکھ پوسا ادھا دہے کل صاف کرا میل اتوں شربت دے لاء کر استعمال صبح تے ختام ترہیہ موافق پانی پا	بنفشہ شربت کریں تیار بنفشہ گل لے تولے آٹھ دو سیر پچا پانی پا فجری اس نول خوب جوشنا مصری ڈال توام پکا پکے اس دا جدول توام شربت دونوں وقت پلا
--	---

ایہہ شربت ہر دل منظور  
دوچ ملکیمان دے دستور

### صفت شربت نیلوفر

شربت نیلوفر پکا ترے جھانک نیلوفر گل	جیویں حکیم گئے فرما باہجہ ڈوڈیاں ہون پھل
--	---

رات کرد پانی دج تر تل کے پن کے صاف کرا مڑ دوبارہ چوٹے چاہر جدوں کے توام اس آ ٹھنڈا کر بوتل دج ڈال تو لے ترے دو وقت پلا ایہ شربت دونوں اکسیر حکیم ادنیٰ نوتوں بہت کماؤں	خوب جو شا اس وقت فجر تو لے پا پکا مصری پا نال نرم آگ دے کاہر آگ تھیں لاه کے ہیٹھ دھرا حاجت وقت پلا فی الحال ترہ یہ موافق پانی پا استعمال پتیاں دج پیر تا پاں دے دج نفع دیکھاؤں
---	---

### صفت نخلخ

نخلخ فائدہ مند سرسام عرق گلاب تو لے دس بھال ہک چھٹائی سرکہ تیز دھنیا چٹا، صندل بوڑ چھ ہلٹے مشک کافور ملا شیشی دو ترے دار پلا	ورتن جویں طیب تمام موند چڑی شیشی دج ڈال دج عرق دے کریں آمیز ہک ہک تور میل ضرور موند شیشی سے ڈال چڑھا روگی نوں ہر وقت سونکھا
---	--

### بیان سرسام بلغمی

بلغمی جے ہو دے سرسام لازم تپ اس سے مام سر بھارا اس عقل زوال	یشترش آکھن اس نام اکو جیہا صبح تے شام رہے نہ ذرا شرت سمہال
---	--



گھوکی، کستی بہت بیہوشی  
نبض، قارورہ کریں شناس  
بلغم والے سب نشان!  
قارورہ ہوس رنگ سفید  
منفیع پنج ست روز پلا  
پتھوں دے مشہل داندور  
مرکتب نال جے کرے صفرا  
سرتے ردغن گرم ملا  
پک پائے روٹی خوب پکا  
گرم جگہ دھج ادس رکھا  
چوزہ مرغ پکا کے خوب  
زیرہ، دام چینی دھج ڈال  
سجوں فلا سفہ بنت کھوا

رہے حیران زبان خموشی  
بہت دوڑاویں عقل قیاس  
نال علامت کریں پہچان  
جے خالص بلغم ہودے دید  
کچی بلغم خوب پکا  
مادہ بلغم کدھ پخوڑ  
مرکتب مشہل ادس کرا  
دیوے سردا سرسام دغا  
تیل مٹھا گھت تڑت بنھا  
جتنے سرد نہ لگے وا  
دیہ جے کرے غذا مطلوب  
کھاڈے شورہ روٹی نال  
ہفتے تک رب کرے شفا

### بیان سرسام سوادی

سرسام سودا تھیں کرے ظہور  
ہوش عقل نہ رہے آسودہ  
ردوے بہت ڈربے دھج خواب  
صفرا جے نال ہوئے ہمراہ  
صفرا تھیں جو غلط سر جھاوے  
بدنوں سرنوں چڑھ کے ساڑ

اڈ جاوے پھرے دا نور  
سخن کلاماں کرے بے ہودہ  
دھج بے ہوشی کرے پیشاب  
کرے طبیعت بہت تباہ  
غیر طبعی سودا بن جائے  
دیوے سردی طبع بگاڑ

نشان  
موند  
نبض  
ایہ  
مرکتب  
شر  
شر  
بید  
جے  
جیکر  
آلو  
مالش  
گھاو  
مرکتب  
بید  
روغن  
سید  
کشمش  
کھاو  
جوس  
ہور

نشکی بہت کرے اُس زور  
 موندنیک تالو خشک ہو جائے  
 نبض سخت کرطی باریک  
 ایہ سودا بڑا کم بخت!  
 مرکب خون ہے نال سودا  
 شربت خالص گاؤ زبان  
 شربت نول کر خوشبودار  
 بید مشک دا عرق پلا  
 ہے اُس تلخی بہت تریہ  
 جیکر ذرا نہ آوے کھنگ  
 آؤ، انبلی، ترش نار  
 مالش کر روغن بادام  
 گاؤ زبان دا اصلی عرق  
 مرکب مسهل دیہ تیلین  
 بد دفع ہووے تپ تے سرسام  
 روغن دار کھوا غذا  
 سبب جیکر سٹریا سودا  
 کشمش سبز نارنج انگور  
 کھاوے کھنڈے ترش اچا  
 جوٹے پیدا کرے سودا  
 ہور گرم خشک جو ہووے تیز

وانگ سودا یاں پائے زور  
 رنگ سیاہ چہرے بدلائے  
 سبز سیاہ قارورہ ٹھیک  
 دیوے دکھ بدن نول سخت  
 سرارو دا قصد چھوڑا  
 نت پلا روگی نول آن  
 روح کیوڑے نال سنوار  
 خرق گلاب خالص روح پا  
 سکنجبین سادہ اُس دیہ  
 ترش نقوع پلا سنگ  
 نقوع کر کے دیہ نت نہار  
 گوکا گھیو ملا کے عام  
 کڈھ پلا جھب ہووے فرق  
 دو ترے داری نال یقین  
 مکھن دے صبح تے شام  
 فالودہ، سیویاں چرب پلا  
 انار، انبلی، سنگترے کھوا  
 دیہ ہو جائے سودا دور  
 کڈھن ہا بر سودا نول مار  
 نیرٹے اُس دے مول نہ جا  
 بالکل کر استھیں پر سبز



جیوں کہ باجرہ مٹر چرال  
جوار کی، جیوں مس اناج  
نیرے اُس دے مول نہ جاوے  
سکنجیں بزوری نت پلا  
ہتھیں آپ بنا ضرور

مسور وینگن جیوں مرچاں لال  
ہووے جس دا خشک مزاج  
کھن، گھیو گوکا نت کھاوے  
دیوے ساڑ سودا و نجا  
ہتی والے نہیں منظور

### صفت سکنجیں بزوری سرد

بنا سکنجیں بزوری سرد  
تخم خیسرہ خرپوزہ بیا  
تخم کھکھڑی نال پلا  
حسام دستے وچ خوب کٹا  
صبح اگ تے خوب جوشا  
ترے پا پکی مصری ڈال  
سرکہ پا پکا وچ پا  
پک توام ہووے جد تیار  
خوب طرح اس سرد کرا  
نت پلا پانی وچ گھول  
مادہ جگر کرے ادرار  
ضعف جگر، پیلاہترقان

ساڑ سودا و نجاوے جلد  
کاسنی، جرٹھ کاسنی کٹ پا  
پنج پنج تولے کل دوا  
رات پانی وچ تر کرا  
کل کے، پن کے صاف کرا  
مڑ کے دوترے دے آبال  
چنگی طرح توام پکا  
اگ تھیں جلدی نال اتار  
صاف بوتل وچ رکھ دیکھا  
دیوے سڈہ جگر کھول  
راہ بول دے کڈھ باہر  
نسن استھوں چھوڑ مکان

مرضاں واسطے جگری کل  
شریت نہیں کوئی اس دے ٹل

ماشرا  
خون گر  
رنگ  
بعضیا  
اصل  
تلمنی  
سرکین  
پہلاں  
چھڈیں  
پھر جے  
خارج کر  
بھرتوں  
بھٹشہ  
نو داے  
راتیں پا  
مصری  
جے قبض  
پلا اس  
گھیو گوکا

## بیان مرض ماشر

ماشر مرض بڑی ہلک سخت  
خون گندہ دج آوے جوش  
رنگ سُرخ لال ہو جائے  
بعضیاں نول ہووے تپ نال  
اصلی شکل چہرہ بدلاوے  
تلخی ہوس دل گھبراوے  
سُرکن بہت بدن فوج ساوے  
پہلاں چھبے کر تون فصد  
چھڈیں اس دی رگ قیظال  
پھر جے حاجت آوے آ  
خارج کر کے گندہ خون  
پھر تون اس نول کہ تبرید  
بخشہ ، کاسنی ، نیلوفر  
نودانے آوے ، آٹھ عتاب  
راتیں پانی دج پوسا  
مصری اس دے دج ملا  
جے قبض شکم دی کرے خراب  
پالا اس نول شربت عتاب  
گیو گوکا اس بہت کھوا

موت نہ ہر سوچ کرے یکنخت  
سردج جائیکے کرے خردش  
گردن چہرہ پھل جاوے  
حالت بہت کرے بد حال  
صورت نقش وضع بگڑاوے  
بھڑکے تریبہ آتش لگ جاوے  
عریاں چبکاں لین آجھاوے  
پھرتوں کریں دوا دا قصد  
ہلک دد دایں خون نکال  
جوکاں ہلک دد وار لگا  
جیہڑا بجھتے دج زبون  
سرد دوائیں نال تاکید  
چھ چھ ماشے وزن قدر  
سب دارو کر جمع شتاب  
فجرے کل کے صاف کرا  
شام صبح دو وقت پلا  
دیہ اس نول تلپین شتاب  
کرے صاف سب نکل غراب  
مت اس خشی جاوے دھا



## بیان مرض گنج سر

مشکل سخت بیماری گنج  
 اکثر لڑکے چھوٹے بال  
 گئے چھوٹے عمر آزار  
 مواد گندہ سر دھج جولاے  
 پاک و گے آدمے بدبو  
 خارش بہت پادے برلاٹ  
 پھنسیاں سر دھج کھکھر رنگ  
 گل گل جھڑ دا سردا ماس  
 دشاں میں ہک عجب دوا  
 ہندی گندر پھل انار  
 مردا سنگ، جیس کتہ نسیال  
 باجو نیلا تھوٹھا آن  
 وکھو وکھتی کھل کرا  
 کر کے سب دوا باریک  
 میل دوا کر کپڑ چھان  
 لے کے تھوڑا جیہا دوا  
 گنج اُتے نت کرد طلا  
 جیکر دموی ہووے گنج  
 جوکاں لا برتے بھر پور

کئی سالوں تک دیوے رنج  
 اُس دکھ نال ہوون بد حال  
 بہت مدت تک کرے خوار  
 خارش نال روگی کرلاے  
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو  
 سڑکن درد گھتے کھڑلاٹ  
 نرہاں چبکاں مارن ڈنگ  
 سر سارے دا ہووے ناس  
 دیوے سردا گنج و نجا  
 ہک ہک توے دا مقدار  
 چھ چھ ماشے لے وچ ڈال  
 ترے ترے ماشے کر بیان  
 سب دوائیں جمع کرا  
 مثل غبار ہو جاوون ٹھیک  
 خوب طرح کر کے ہک جان  
 محل روغن سر کے وچ پا  
 دیوے اُس نوں رب شفا  
 گندہ خون پہنچاے رنج  
 دو تن دفعہ نہ رہے قصور

پھل ہریڑاں زرد سیماہ  
 چرائستہ موندی انیروں  
 وزن برابر سب دو  
 چھ ماشے بنت پوسا نقوع  
 ترے ماہ تک کر استعمال  
 جے بلغم دا ہووے زور  
 موذی بلغم شور مواد  
 بلغم شور پھرے سروچ  
 مرکب مہل کر کے تیار  
 مادہ فاسد دور کرا  
 نپال، مسر، آملہ آن  
 سبز توتیا کر بریان  
 کیسلہ تول نال ملا  
 نقوڑا نیل کوڑا وچ ڈال  
 مواد سودادی جیکر آن  
 مادہ گنج دا ہووے خشک  
 ادھ پا گھیو اُس نت پلا  
 جست ساڑیا تولے چار  
 نیلہ نقوٹھا کر بریان  
 ترے چھٹا تک گری داتیل  
 مرہم گھوٹ مار بنا

پا پڑہ تم کریں ہمراہ  
 صندل بور غلاب اصل  
 درڑ کر کے رکھ ہک جا  
 مصری گھت کرائیں شروع  
 دیوے اُس نوں فیض کمال  
 صفرا نال رل ہووے شور  
 جامیکے سروچ کرے فساد  
 خارش کرے نہایت زچ  
 کر تنقے دو ترے چار  
 کر کے چنگی طرح صفا  
 ہک ہک تول کر بریان  
 ماشے چار ملاؤ آن  
 کھرے وٹے وچ خوب پسا  
 کرو گنج تے استعمال  
 سرے وچ کرے نقصان  
 پھلکے دچوں آدے مشک  
 خشکی اُس دی دور کرا  
 دو تولے گھت آملہ سار  
 ماشے ترے ملاؤ آن  
 پیس دوا سب اس وچ میل  
 دو ترے ہفتے بنت لگا



بہت گنج نون دیوے سوڈ چنبیل دھدر کرے نابود

### نسخہ مجربہ گنج کہنہ

دیا بلیا عجب دوا سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے منگوا لے کے وال بکری دے ساڑ پیہہ کے چارے جمع کرا شتم گھوڑے دا تو لے چار پہلاں تیل اسی والا	دساں دیوے رب شفا ساڑ پٹرا ناچم ملا گل حکمت دے نال سڑا وزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا گل حکمت کر اُسوں ساڑ اتوں اُس نون پیس لگا
--	---

### در بیان مایخولیا

مایخولیا مرض سودا مادہ سڑیا ہو یا سودا سردی جائیکے کرے فساد ساڑ سودا کرے جد زور رتخ دا رنگ پھردا سردی خشکی سردی کرے فتق آفت پیار، محبت بدھ نیک بدی نفع، نقصان پاک پلید، حرام حلال	عقل، فکر، بدھ رہے نہ کا داخل ہوندا سردی آ خانہ ہوش ہووے بریاد جاوے عقل ٹھکانہ چھوڑ کرے مغز نون ڈاڈا زج کرے دماغوں دانش دور ذرا نہ رہندی اُسوں سدھ برگز ذرہ نہ کرے پچھان آدے نہ اس صغ خیال
---	---

بعضے  
نسخن  
نال غف  
رو دکن  
اپنے  
بعضے  
بھوند  
علامہ  
جے  
بعضے  
بھڑکا  
حالوا  
بعضے  
بولن  
بہت  
جھٹکے  
مستے  
بلغی  
مزار  
چار  
جے

بعضے جوش غصے وچ آون  
 سخن کلام بے ہودہ کرے  
 نال غضب دے کدھن گالیں  
 روون پٹن تے کرلاون  
 اپنے آپ کرن بکواد  
 بعضے مارن ڈرن ڈراون  
 بھوندے پھرے دینہ تے راتل  
 علامت ہے صفرا دا ساڑ  
 جے دموی ہووے سودا  
 بعضے باتاں کر کر ہستن  
 بھڑکن کدن، پنجن گاون  
 حالوں بہت ہوون بدحال  
 بعضے رہندے وچ نموشی  
 بولن آپ نہ کسے بولاون  
 بہت کلام نہ ہرگز کرے  
 جتھے رات پورے ڈگ رہندے  
 تے گھوک رہن دن رات  
 بلغمی ایہ سودا ہے وید  
 مزاج طبع دی کریں شناس  
 چار علاج سوداوی کل  
 جے دموی ہووے سودا

مندا بولن چوٹ چلاون  
 مارن مرن توں مول نہ ڈرے  
 اکھ اکھ نسن مارن چھالیں  
 کپڑے پاڑ جنگل نوں دھاون  
 کر دے ہر اک نال فساد  
 نال دیسلاں جنگ مچاون  
 اپنے آپ کریندے باتاں  
 جا سردے وچ کرے بگاڑ  
 رنگ چہرے دا سُرخ سیاہ  
 چلن چال اوٹے نسن  
 موراں دانگوں پیلاں پاون  
 بہت طرح دے کرن پال  
 کدی ہوش تے کدی بے ہوشی  
 ہر یک پاسوں ڈر غم کھاون  
 کل تکلیفاں سرتے جردے  
 دھپاں، پالے سرتے سہندے  
 نال کسے دے کرن نہ بات  
 رنگ چہرے دا ہوس سفید  
 کر کے چنگی طرح قیاس  
 فصد، جلاب تراوت گل  
 بہت دفعہ اس فصد کرا



جے صفراوی ہووے مادہ  
 جے بلغم دا ہے سبب  
 جیکر ہووے خشک سوا  
 طبع موافق کریں علاج  
 چرنہ خلطوں دے خوب نشان  
 دوسری مادہ نظر جے آ  
 سرارو والے رگ چھڈ  
 مرط پیشی دے وقت کھلائیں  
 فاصد دے کے دو ترے وار  
 پچھوں اس نوں کر تبرید  
 عناب ولایتی آلو سیاہ  
 بنفشہ، صندل، نیلوفر  
 میلو ایہ دوائیں چار  
 کر کے پانی وچ نقوع  
 شربت صندل، گاو زبان  
 شربت زنت پلا عناب  
 جے صفراوی ہووے مادہ  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 خوب کلاں تے تخم بارنگ  
 شربت زنت انار پلا  
 بید مشک تے عرق گلاب

اس نوں کر تبرید زیادہ  
 کر تنقیہ اس نوں جھب  
 تراوت اس نوں بہت پہنچا  
 خوب کیفیت سمجھ مزاج  
 نال علامت لیں پچھان  
 اول اس دہ قصہ کرا  
 ترے یا قدر لو دا کدھ  
 اوے رگ نوں چا پلائیں  
 موافق طاقت چھڈو ناڑ  
 شربت سرو نقوع سفید  
 پنج تیغ دلے کر ہمراہ  
 گاؤ زبان وچ شامل کر  
 ترے ترے ماشے دامقدار  
 مصری ڈال کراؤ خردق  
 زنت پلا روگی نوں آن  
 کرے مصفا خون خراب  
 کرے بیہودہ گوئی زیادہ  
 زنت آٹھ صبح پلایا کر  
 شربت نال پچکا سنگ  
 گاؤ زبان دا عرق رلا  
 زنت آٹھ فجر پلا شتاب

وقت کیوڑہ شامل کر  
 سودا جیکر صفراوی ساڑ  
 ہر ہفتہ دیویں تلشیں  
 چالی روز کر استعمال  
 تراوت اُس نوں بہت پہنچا  
 بنفشہ روغن مالش کر  
 بنفشہ نیلو فر جوش  
 بکری دا دودھ پت پلا  
 تخم بنسگو، ایسیفول  
 شربت گل بلبل جے پیوے  
 مربہ آملہ ہرڈاں سید  
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال  
 آلو، انبل، تخم انار  
 مصری تھوڑی جہی ملا  
 گھنڈ جے گل بلبل دی کھاے  
 گل بلبل دا پیوے عرق  
 سہجے سہجے کریں دوائیں  
 پنج مہ ماہ تک کریں علاج  
 بلغنی جے ہووے سودا  
 سہ مریض مدام غموش  
 صفرا نال بلغنہ سڑ جاے

مصری ڈال پلایا کر  
 کرے نہایت بہت بگاڑ  
 ماء الجبن کر نال یقین  
 دیوے مرض سودا نکال  
 مصری مکھن میل چٹا  
 دن وچ دو ترے وفد مقرر  
 سرتے پت فطول کرا  
 مصری تھوڑی جہی ملا  
 دونویں اس وچ گھول  
 بہت شتابی چنگا تھیوے  
 کھاے ورق چاندی کر زیب  
 ترش چیزاں کر استعمال  
 آملہ دیہہ نقوع کر تیار  
 ایہہ نقوع اُس پت پلا  
 مرض سودا نوں نفع پہنچاے  
 بہت شتاب ہووے اُس فرق  
 نال شتابی ناہ گھبراہیں  
 ناں ہووے تند دست مزاج  
 دیوے عقل قیاس و نجا  
 کدے ہونی تے کدے بیہوش  
 بلغنی اوہ سودا سداوے



<p> سرد بلغم ہو جاوے شور  سودا سرد وچ جد کرے ظہور  دیوے جدوں سودا اُس زور  ہوش بید سبب جاوے ماری  گل ہر اس لے وچ لگا  جذب موافق طبع مزاج  ہفتے بعد ملین کر  گرم نہ اس نول کریں جلاب  رطوبت دار کھوا غذا  لسی مرچاں مس اناج  خشک چیز تھیں کر پرہیز  سرتے رت مالش کروا  سرتے ملیں بادا مال تیل  بنفشہ شربت رت پلا </p>	<p> جا سردے وچ آوے زور  اڈ جاوے چہرے دا نور  جاوے عقل ٹھکانہ چھوڑ  کردشتانی اُسدی کاری  جیو لوٹا پیچھ لوا  دے کے کر سودا اخراج  اندر اُس دا کر کے تر  مت ہو جاوے طبع خراب  مکھن دودھ مصری وچ پا  دیون بہت بگاڑ مزاج  بہت مدت تک رہے گریز  گل روغن، گوکا گھیو ملا  بنفشہ روغن لے وچ میل  نیلو فر دا نال ملا </p>
--	---

### صفت شربت صندل

<p> شربت صندل دی ترکیب  پندراں تولے صندل بُوڑ  خالص سیر گلاب دا عرق  فجے کل کے صاف کرا  دے کے پنج چھ ست اُبال </p>	<p> سمجھ عقل دے نال طیب  چنگا اصلی نہیں ضرور  بات بُوڑہ کر اُس وچ عرق  مُڑ پانی وچ گھست جو شا  اگ تھیں اُس نول لاء فی الحال </p>
--	--

مل کے کپڑے دج پھنا ترے پا پکا مصری گھت ٹھنڈا کر بوتل دج پا مایو لیس ، دکھ خفقان	دونوں پانی دیہہ ملا تار والی پکواویں پت وقت ضرورت کدھ پلا پیوسے جادون چھوڑ مکان
--	--

### صفت شربت گاؤ زبان

نئے دس تولے گاؤ زبان راتیں دو سیر پانی ڈال ادھا رہے مل صاف کرا چنگا خوب پکا توام خفقان ، غشی سودا مراقی شربت دونوں رت پلا	سُتھری کر کے نال دھیان فجری اٹھ کے خوب اُبال سٹھ تولے مصری دج پا پیوسے رت صبح تے شام جادون ہو علا جوں ساقی بخنے اُنہاں رب شفا
--	--

### صفت ماء الجبن

بکری لوسی جوان منگا سیر پکا ہک دودھ چوا دیویں ادھا دودھ کھیا دو تولے دج سرکہ ڈال جد پھتیاں بن جاوے دودھ پھتیاں بدن اُتے ملوا دودھ والا پانی سرد کرا	چارہ ٹھنڈا سرد کھوا دیچی دے دج گھت جوشا لکڑی نال انجیر پلا دیویں دو ترے ہو اُبال کپڑے دج صفا کر سُدھ گھیو تھوڑا جیہا دج ملا مصری اس دج ڈال پلا
---	--



ملیتین دیہہ ہر ہفتہ وار

چالی روز کر ایہو کار

## صفت شربت گل بہل

نہیں دوا کوئی ایسے تل  
بجربہ کاراں دا فرمایا  
بہد مشک دج ڈال شتاب  
ہک ہک سیر پکا مقدار  
عرقاں دج شربت پکوا  
شربت وانگ پکا دے پت  
مائیویا مرض دنجادے  
دوجی داری کرد تیار

مجبرب شربت گل بہل  
نسخہ یاد مجرب آیا  
عرق کیوڑہ ، عرق گلاب  
رس بنوا ایہہ دارد چار  
دو سو پھل بہل منگوا  
سیر پکا دج مصری گھت  
شربت دوڑیں وقت پلاے  
جیکر باقی رہے آزار

## صفت گلقد گل بہل

بہت نہایت فائدہ مند  
مائیویا مرض دنجادے  
دو سیر مصری گھٹ رلا  
دھپے ہفتہ رکھ سہماں  
دساں پورے جے حاجت آن  
کریں تلاش نہ ہودی زنج

بنا گل بہل پی گلقد  
وزن چھٹانک دو فنی کھاے  
پنج سو پھل بہل منگوا  
گل کے خوب پتھاں دے نال  
گل بہل دا پتہ نشان  
امرت سرے باغاں دج

ایہہ درخت دج ہندوستان  
بہت ہودے دج یاغستان

## صفت گل دوا

گل لگا دن دی تجویز جمال گوڑ دانے ترے چار تالو اُتے پیچھ لگا لے کے پھیر دھچھے دابول تیلی اُتے رُوں پیسٹ جدوں گل خشک ہو جا ست اٹھ دینہ تک تر کر دوا جیکر گل گرے ادہ ناہیں اکھویں نالویں نیس اُتار دو ترے پھاہ دن وچ لا	سائیں بخش ہن دس تمیز ہل تے گھس گوڑ وچ ڈار رُوں آلودہ کر چمڑا رکھ ٹکائیے اندر کول وچ بول فے دیویں پیسٹ نال تیلی دے تر کر دوا خوب طرح اُس لے گڑا دو جی واری پھیر لکائیں پھیر لگاؤ گکیو گوکا ساڑ دیوے جھیدے زخم چھوڑا
---	---

## بیان مایخو لیا مرقی

بک مایخو لیا مرقی پردہ شکم تھیں اٹھ بخار اوتھول جاوے سرے وچ یا کوئی کرے نہایت غم ایس سببوں اٹھے ساڑ سست طبیعت منو جھان اختلاف اُس ہودے نبض	پردے رہے شکم وچ عاتی چاول نوں دیوے پھر کار کرے حواس دماغی زچ یا پہنچے صدر سخت الم کرن حواس دماغ بگاڑ چپ چاپ تا رہے حیران کرے ہمیش شکایت قبض
--	---



خوشی نہ اُس نول آفے مول  
 گھاٹا دل نول پورے مدام  
 کردا رہے اندیشہ عشم  
 اڈے دل ہووے بدخو  
 دُکھا رہے غم وچ دن ات  
 علامت نال پچھان مزاج  
 قوت دل ، دماغ پہنچا  
 گرم پانی دی کرو نطول  
 بالون روغن رنت بلا  
 مرض جیکر صفرا سبب  
 ملین دو ترے کرو ضرور  
 دودھ بکری دا مصری پا  
 مکھن گوکا جے رنت کھاوے  
 بیدانے دا کڈھ لعاب  
 مالش کر روغن بادام  
 جو پچھے ، پچھے ہوئے مذکور  
 شربت رنت پلا انار  
 جے معدے وچ ہووے ریح  
 جیکر گرم طبیعت ہو  
 جیکر ہووے سرد مزاج  
 انوش دارو جیکر رنت کھاوے

رہے غمناک ہمیش رنجول  
 آدے نہ کسے وقت آرام  
 کوئی نہ اُس نول سوچھے کم  
 بھلا نہ اُس نول لگے کر  
 عقل ہوش ہو جاوے مات  
 طبع موافق کریں علاج  
 انوش دارو اس رنت کھوا  
 معدے اُتے رنت رنجول  
 بنفشہ روغن لے وچ پا  
 ہووے سرد دارو کر جھب  
 معدیوں سب صفرا کر دور  
 تازہ چوٹیکے رنت پلا  
 مایخولیا خشک و نجاوے  
 پیوے رنت گھت عرق گلاب  
 گل روغن مل گھبو گھت عام  
 اوہ بھی کرو علاج ضرور  
 معدیوں دفع کرے سب ساڑ  
 کہ نول چنگی طرح صبح  
 دارو گرم نہ نیڑے ڈھو  
 کہ نول اس دا گرم علاج  
 بہت نہایت فیض پہنچاوے

ہووے  
 جوا  
 جوہر  
 سکے

انوش  
 ایہ  
 خف  
 قوت

انوش  
 نہ  
 الا  
 مہ

کنگ  
 کہ  
 آ  
 فوج  
 ز  
 یہ  
 مہ

<p>ہور جو رتخ نوں دیوے توڑ جوارش کمونی روز کھوا جوین - پودنہ - سولف د ارق سکنجیں سادہ نال ملا انوش دارو اس نت کھوا ایں علاج جیہا نہیں ہور خفقان، سودا توں نفع پہنچا قوت دیوے، دل دماغ</p>	<p>کر توں بہتی اس دی لوڑ پچھوں ترے اس عرق پلا میل پلا ہودے بھبب فرق بعد معجونوں رنت پلا! دیوے معدیوں رتخ اڑا دیوے رتخ معدے دی توڑ دل نوں قوت خوشی دکھا کرے روشن رنگ مثل چراغ</p>
---	--

✓ صفت انوشدارو گرم

<p>انوشدارو نسخہ لاثانی نسخہ ایہ بنا ضرور الہی دانہ، نگہاں کچور مصطکی موختا، پھل گلاب نگر، جوتری کالی چھڈر کٹ، چھان کے سب دوا آملہ ادھک سیر منگا فجری دیگھی دھج جوشا زور لگا کل ہتھال نال سیر بک لے کے چٹی کھنڈ مڑ کے دیگھی دھج جوشا</p>	<p>قوت بخنے دانگ جوانی کرے سودا رتخ والا دور کیسر، جاثفل، لونگ کافور دار چینی دھج میل شتاب چھ چھ ماشے وزن قدر رکھ حفاظت نال نکال ترے سیر پانی گھت پوسا ادھا رہے تال سرد کرا گودا چھاننی دھج نکال کر توں گودے نال پیوند خوب طرح اس لیں پکا</p>
--	---



جد ادہ ہودے گا ہڑا آ راک وینہ روزہ خیر اٹھا وزن اس دا دو ترے شقل ماکیوں دج جے کرے قوام گرم انوس دارو اس نام دیوے معدیوں ضعف نکال زائل خوف کرے وسواس کرے نہایت قوت باہ قوت بخشے دل ارواح جان	لاہ دارو سب دج ملا بعد اکیسویں روز کھوا بہت کھائے گھیو روٹی نال نسن سرد آزار تمام فرحت بخشے بدن تمام ہضم طعام کرے فی الحال غم اندوہ کرے سب ناس دیوے دل دا ضعف و بجا دفع کرے غش دل خفقان
---	---

### صفت شربت انار

شربت کرو تیار انار زائل کرے معدے داساڑ سیر پچا منگوا انار نل کے پن کے صاف کرا خوب طرح جد پکے تار ٹھنڈا کر بوتل دج پا	دفع کرے سب گرم آزار ہور جو مرضاں جگر بگاڑ پانی گھت تل خوب سنوا ترے پا مصری ڈال پکا اگ تھیں جلدی نال آتار وقت ضرورت کڈھ پلا
---	---

### صفت جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے ریح شکم دی توڑ	دفع کرے چھب بھس ڈکار دارو اسدے جیہا نہ ہور
---	---

نسخ ایہ آزمودہ کار دار چینی، لنگ، مرج سیاہ پھل زرد ہرٹ، اجوین سدا ترے ترے تولے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت تنگنا خالص ماکھیوں ڈال دارو اس دے درٹہ کر جوارش کوئی اُس دانام	سائیں بخش کیتا کئی بار پودنہ سندھ کرد، ہمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے گلقتند ملا مدبرہ زیرہ تولے ست کٹ دوا ملا دوج مثال بہت بار یک نہ ہرگز کر رتج معدے دے آٹے کام
--	---

### صفت زیرہ مدبرہ

تے کے زیرہ خالص سیاہ راتیں سر کے دوج پوسا راتیں مڑ سر کے دوج گھت ایہ طریقہ کر ترے دار تولے اتے مڑ کر بریان	چھٹ پھوک کے صاف کر فجرے دھپے رکھ سکھا فجرے پھیر سکادیں دت چنگی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہ مدبرہ جان
--	--

### بیان دیوانہ عشق

ہم تم مایغولیا عشق فراق ادہ صورت ہوئے تاہ حصول کیتا اُس نوں عشق دیوانہ دہم دیلاں فکر اندیشہ	کوئی صورت دیکھے ہوئے مشتاق دل دوج مائے شوق ڈنڈول گئی دانائی چھوڑ رکھا نہ! مارے آپیں سرد ہمیشہ
--	--



دل وچ اگ عشق دی لاٹ کرے دیلاں تے غم کھا دے عشق دے وچ مارے ہوش دل تھوں سرنوں چڑھے بخار عقل ہوش جا دے اُس ماری جدناں معشوق ہو دے ملاقات	وانگ سمندر مائے ٹھاٹ مقصد اوسنوں ہتھ نہ آوے جا دے چھوڑ ٹھکانہ ہوش رطوبت دیوے سر دی سار باہج معشوق نہیں اس فی کاری دفع ہو جا دے مرض آفات
--	--

### مالیخولیا غمیہ

جے غم دا ہووے اسباب غم والے نوں خوشی دیکھا چنگے نویں لباس پہنائیں کسے شہرے وچ لے جا وچ عجائب چڑیا گھر عطر گلاب روئی باس سوہنے خوب عجیب مقام جنگل وچ لے جا کئی بار شادی اُس دی چا کروا سیر کراویں باغ بہار پھل چنبائے گل عباس نکھن تازہ فجر چوشت مقوی اوس کھوا غذا	مالیخولیا کرے خراب کرے خدا اُس جھب شفا رنگ برنگ اس راگ سنائیں تماشے نامک دے دکھا چیزاں عجیب دکھایا کر چھڑکیں اُس دے وچ باس شہراں وچ دکھا تمام کئی قسم دے کرے شکار بابجے رنگ برنگ بجا جتنے پھل پھڑے گلزار رکھ ہمیشہ اُس دے پاس وقت شام دودھ پلا گوشت چانول چرب پلا
---	---

کیوڑہ میل پلا شتاب  
ورق چاندی سے نال لگا

شرت صندل عرق گلاب  
مرہ آلا سیب کھوا

## بیان مرض نسیان

چیتا بھل جاوے انسان  
یاد نہ آوے دین خیال  
دین قیاس نہ آوے بات  
جادے اُس نوں بھل شتاب  
نسیان حکیم اکھن اس کل  
وانگ سودائیاں پھرے حیران  
پاٹے سرے دین خواری  
دیوے سردی توڑ  
آوے تیرے دین شعور  
سورج برابر دارو ترے  
چھست ماشے نت کھوا  
کر تنقہ خوب سنوار  
دے کے ادس معجون نجات  
معجون فلاسفہ نت کھوا  
اوٹھوں ہو جلدے نسیان  
نیلو فر بیسدا نہ آن  
خبرے بصری ڈال پلا!

نام اک مرض دا ہے نسیان  
سنیا، یولیا سخن مقال  
مغزوں قوت ہووے مات  
ہر مطلب دا سوال جواب  
بات کلام جد جاوے بھل  
پوے ذہن دے دین نقصان  
اکثر بلغم تھیں بیماری  
بلغم بادی پاوے زور  
جے بلغم دی خاص قصور  
عقر قرا دار چینی لے  
ماکیوں دین معجون بنا  
دین مہینے دو ترے وار  
ہٹاں کر سردی اصلاح  
کرے معدہ خوب صفا  
جیکر گرمی کرے زیان  
بخشہ خطی، گاد زبان  
تسے تسے ماشے رات پوسا



سبب ہے ہووے خشک مواد ظاہر باطن ترے پہنچا دماغ بدن اُس دا کر تر بنفشہ روغن مغز بادام دو ترے دفعہ کر د تلخین خشک چیزاں تھیں کرے کنارہ لستی مرج نہ ہرگز کھاوے	جاہرے دج کرے فساد مد مال دوا غذا کھاوے کھن وقت فجر سرتے مالش کرو ملام مادہ خارج کرو بعین نہیں باطل عمل ہو جائے سارا مرض نسیاں اس توں دھ جائے
--	--

### صفت معجون نجاح

کرے مغز دی جھب اصلاح چھل ہریڑاں نہ رد ملا آملہ مال کرو ہمراہ ہر یک دارو تولے دو ریوند مصطکی ڈالو دھید ہر یک تولہ وزن دوا ہر ہفتہ کر استعمال ہفتے بعد یک وار کھلا رہے نہ سرے دج قصور مڑ کے پھیر نہ پاؤں جھات	کر د تیسار معجون نجاح کالی ہریڑاں دی چھل لاه چھل بیڑہ ہریڑاں سیاہ اسطوخودوس بسفاج ہو سقمونیا ، غاریقون سفید تردی رب السوس ملا یگناں اس دچہ ماکھیوں ال دو تولہ بنت وزن دوا بلغم رضاں ہوں دور سردا درد نسیاں سبات
--	--

### صفت معجون فلاسفہ

<p>مجنون فلا سف عجیب دوا  نیسان دوار لقوہ ادھرنگ  دفع کرے تقطیر ابول  کر تنقیہ ہفتہ وار  دارچینی، مک، مرج لے آ  دراوند، مدرج، مغز نارگیل  چیتا، عقرقرح، سورنجان  دو دو تولے کل دوا  مویز منقے تولے ست  رنگناں ماکھیوں اس دج ڈال  تول، تول، وزن دوا  قوت باہ نون ہے اکیر  پھرے ریاح معدے دج عام  رینگن، گٹھیا، پٹھ دا درد  کچھ مدت کر استعمال</p>	<p>استعمال قلم حکم  صرع، کابوس، تشنج، کھنگ  تور دیوے رنج دل داخل  مڑ دیکھیں اس دا اسرار  چلغوزہ، سندھ، بابونہ پا  آملہ چھل، بیرہ میل  ثعلب، مغز اکھروت، خولنج  کٹ چھان، سب میل دوا  کر کے صاف دیویں دج گھت  ہک چلیہ رکھ کمال  بعد چلیوں بنت کھوا  دیوے مدد دج سریر  قبض شکم دج رہے مدام  ہورجو ہون بیماریاں سرد  جادن ہو سب خواب خیال</p>
--	---

### بیان مرض دوار سر

<p>بھویں نظر دج کل جہان  اوس مرض دا نام دوار  اندھیر اکھیں دج جائے چھا  قلم رہن نہ ہوش حواس</p>	<p>چرخے دانگ زمین آسمان  بھوندا نظر آدے سنسار  گریے زمین لے گردش کھا  کم ہو جادے فکر قیاس</p>
---	---



روگ اس دیکھ نال حیران  
 حواس خمسہ ہو جادون مست  
 اویٹ آدن تے جی متلائے  
 جے بلغم رتج کرے فساد  
 جن کے رتج جادے سر دوج  
 سرون چڑھے دیوے جھڑناٹ  
 مخالفین سر دوج سر لاوے  
 ایس سببوں چیزاں عام  
 بلغم والے کل نشان!  
 کر کے خوب شناس مزاج  
 بلغم منضج نال پکا  
 پینچ چھ دینہ منضج کردا  
 چار پینچ تیتھے کر!  
 فاصلہ ست ست روز دیوا  
 حب ایارج دا مہلاب  
 کر کے اُس دا بدن صفا  
 دو ترے دفعہ جے تے کراویں  
 ایس طور کر استعمال  
 جے مادہ دمی کرے جھاڑ

رہے ہمیشہ سرگردان  
 ہوو سریر رہے تندرست  
 کدے کدے اس قے بھی آئے  
 نم معدے دوج گرے مواد  
 رُوح نفسانی ہووے رتج  
 کناں لے دوج پوسے گھوکاٹ  
 رُوح استہیں حرکت دوج آوے  
 پھر دیاں آون نظر تمام  
 نال علامتاں خوب پچھان  
 پھرتوں اس دا کریں علاج  
 مسہل دیہہ خارج کردا  
 ستویں روز جلاب دیوا  
 منضج دے کے خوف نہ کر  
 اندر اوس دا تر کردا  
 دیویں اوس بنا شتاب  
 معجون فاسفہ رنت کھوا  
 بہت نہایت نفع اٹھا دیں  
 دوار مرض چھڈ جاوے خیال  
 پیدا ہووے مرض دوار

پاؤں گندہ خون فتور  
 سرارد رگ چھڈ ضرور

جیکر بہت  
 متھے دوج  
 کر کے خا  
 شربت  
 جے قبض  
 سبب  
 ٹھنڈے  
 دو ترے  
 جیکر  
 شربت  
 سرتے  
 سکجیہ  
 دو ترے  
 بہت  
 دس کلہ  
 ایہہ ترے  
 سبب  
 گولا  
 جد ماد  
 سرتے  
 ادھ

جیکر بہت لمو دا زور  
 مٹھے وچوں نار ٹوکا  
 کر کے خارج گندہ خون  
 شربت اس انار پلا  
 جے قبض شکم دی کرے خراب  
 سبب صفرا جے مرض دوار  
 ٹنڈے شربت سرد نقوع  
 دو ترے دفعہ تلیئن کر  
 جیکر تیز ہووے صفرا  
 شربت انبلی ترش انار  
 سرتے اس نوں ماش کر  
 سکھیں دی تے کرا دیں  
 دو ترے دفعہ مہینے وچ  
 بہت جیکر ہووے صفرا  
 دس کالے آلو ست غلاب  
 ایہ ترے دارد رات پوسا  
 مہلب جے ہووے خلط سوا  
 گولا کھن فخر کھوا  
 جد مادہ ہو جاوے تر  
 سرتے ماش کریں بادام  
 ادھ پا پکا گھیو بھنگار

پاوے وچ مغزے شور  
 دو کتاں پکھے جوکاں لا  
 جیہڑا جٹے وچ زبون  
 ہووے گندہ خون صفا  
 یک دو کر تلیئن شتاب  
 وچ بدن ہووے اظہار  
 کچھ مدت رکھ اس نوں شروع  
 منفع دے کے موٹل نہ ڈر  
 شربت ترش اس نت پلا  
 نت پلا اس کر کے تیار  
 روغن مغز کدو کدھ گھر  
 یاد رکھیں مت بھل نہ جاویں  
 قے کروا نہ ہو دیں زنج  
 ایہ نقوع اس نت پلا  
 پنج آلو ذرد ملا شتاب  
 فخرے مصری ڈال پلا  
 رطوبت اس نوں بہت پہنچا  
 دودھ مصری گھت شام پلا  
 مسهل دے کے خارج کر  
 بنفشہ روغن مغز بادام  
 پیوے نت نہ رہے آزار



کالی مرغ کٹ دو ترے گھت ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ حریرہ اس نول رت پلا	جر دوار دی سٹے پٹ ہک مثناسی دا فرمودہ دیوے خشکی مغز دغا
---	---

### بیان حریرہ

حریرہ کراں بیان عجب چار تولے کنک دا چھان دیگھی دے وچ گھت جوشا چار تولے گوکا گھیو گھت مٹ دیگھی وچ گھت پکا اگ تھیں لاکے ہیٹھ رکھا جو خشکی تھیں ہیں آزار ہو دے جے خشکی تھیں کھنگ حریرہ ایہ پلا ضرور موافق اس دے طبع مزاج حکمت ہے عقل دی کار یک من علم تے دہ من عقل	مرض دوار دنجادے جھب اگریاں ست باداماں آن کل کے پُن کے صاف کرا تولے دو مصری وچ سٹ تھوڑا جیہا جوش دوا کھنڈا کر کے تڑت پلا ہوون استقوں جلد فرار اس نول ایہ پلا لنگ ضعف دماغوں ہووے دور خوب سمجھ کے کریں علاج علم اُتے ناہیں مقدار باہجہ عقل دے حکمت نقل
--	---

### بیان شربت انبلی

شربت انبلی کرد تیار انبلی سیر پکا منگوا	دفع کرے کل گرم آزار دو سیر پانی وچ پلوا
--	--

فجرے  
چنگی ط  
سرد کن  
ہور جو

اٹھن وق  
سدر  
مد مع  
طبع مو  
جیکر ہر  
ہر جے  
جے صف  
کر اس  
سکینہ  
ہستیں  
آو  
سبب  
بلغم دا

فجرے تل پن صاف کرا چنگی طرح پکا قوام سردکن تریہ تلخی برقان ہور جو مرضاں جگر بگاڑ	مصری شہ تو روج پا پیوے رت صبح نے شام مرض دوار گرم خفقان دفعہ کرے معدے داساڑ
---	--

### ابیان مرض سدر یعنی اندھالی

آکھن وقت اندھالی آوے سدر بیماری اس دانام جد معدے روج پوسے قصود طبع موافق کرو صفائی جیکر ہووے خون زیادہ ہر چیلے اس فصد کرا جے صفرا تھیں ہووے پیدا کر اس نوں جلدی تبرید سکنجیں کر استعمال ہتھیں اپنی کر کے تیار آلو انبل رات پوسا سبب جے ہووے سرد مواد بلغم دا جے ہووے نور	چلے چکر بھولی کھاوے آکھن کل حکیم تمام ہووے ایہ دکھ آن ظہور دیوے جھبے مرض ربائی آوے نظر دہوی مادہ شربت رت عناب پلا ہودن خاص نشان ہویدا شربت شیرہ سرد مغید شیرہ کاسنی شامل نال شربت رت پلا آزار فجر پلا مصری دج پا معدے دے دج کرے فساد تنقیہ جیہا علاج نہ ہور
--	---

دو تہے دفعہ جے تے کراوے  
سدر بیماری رفع ہو جاوے

پیش  
فرمودہ  
ونجا

بھیب  
آن

ف کرا  
سٹ

دوا  
ت پلا

فرار  
سنگ

دور  
علاج

مقدار  
نقل

آزار  
چ پلا



## بیان مرض سہر

سہر مرض یک بہت خراب  
نہند والا اس مزہ نہ آوے  
لگا اس نون سخت آزار  
ہو وے باہجوں نہند ذلیل  
ہرگز اس نون نہند نہ آوے  
ودھے مواد سوداوی مام  
بدنوں سرنوں چڑھے بخار  
گرے سودا سرون مام  
مواد سوداوی بہت کخت  
کھاوے گھمن گھیر بخار  
روح نفسانی نون گھبراوے  
روغن کدو مغز بادام  
دودھ عورت لیں تریٹھا  
نخم کا ہو خشخاش سفید  
مغز بادام لیں دج پا  
پیوے شیرہ بنت نکال  
پلا شربت پوست خشخاش  
نخم کا ہو خشخاش منگا  
دارد چارے کر بریان

ہرگز ذرہ نہ آوے خواب  
بیٹھا دل دج غوطے کھاوے  
بہت طبیعت رہے میزار  
کئی طرح دی کرے دلیل  
دینہ راہیں بیٹھا برلاوے  
کرے رطوبت خشک تام  
دیوے سردی طبع بگاڑ  
سرے بند ہو جادون مسام  
کرے مغز دے پردے سخت  
سر تھیں نکل نہ سکے بار  
ایں سببوں نہند نہ آوے  
سرتے مالش کرو مام  
گل روغن گھت سرتے بلا  
مغز تخم کدوے دشیہ  
چھ چھ ماشے چار دوا  
کچھ قدرے مصری دج ڈال  
کرے مرض سہر داس  
دھنیاں سوئے نال بلا  
دھلی پوٹی بنھوں آن

تک اگے رکھت سوکھا دے  
 چوتھائی رتی قدر افیم  
 پانی دے دج بھنگ گھوٹا  
 بکری دا دودھ رت پلا  
 گوکا مکھن روغن گل  
 بابونہ سوکھے ہو ر افیم  
 مل اوسنوں روغن خشکاش  
 بنفشہ کا پوست ڈال  
 دال مونگی دی رت کھوا  
 جلد مواد ہو جاوے تر  
 افیم پانی دے دج گھسا  
 سر دی چوٹی تے کھوا  
 سبب تپ یا گرم بخار  
 جیکر ہووے ہو سبب  
 نال عقل دے کر کے دھیان  
 جس طرح ہووے طبع مزاج

بہت شتابی نیند زیادے  
 کھاوے، اوس نیند حکیم  
 ہتھیں پیریں لپ کر  
 دھاراں سر اُتے مروا  
 بنفشہ روغن مل ایہ کل  
 فائدہ بخشنے بہت عظیم  
 بادام روغن گھت دیہہ جواش  
 اس نول کریں نطول ابال  
 نال شیرہ خشکاش پکا  
 موافق طبع ملین کر  
 نال روغن خشکاش ملا  
 دیوے سہر دی مرض دنیا  
 نیند نہ آوے کرے بیزار  
 موافق اوس دوا کر جھب  
 گرمی سردی لٹیں پکھان  
 اوس موافق کریں علاج

### صفت جواش

راہ طریق جوہیں حکماء

آش جواں دی تے پکا



جو پُرانے خوب چھڑا گلیاں اُس دیاں لے کڈھا دس توے دیگی وچ ڈال جد اوہ دانے جاون پھٹ مصری تھوڑی جیسی پلا بادام روغن کچھ میلو نال	پانی تھوڑا جیہا پلا کر کے چنک طرح صفا دو سیر پانی گھت اوبال پانی رہے وچ دس گھٹ روگ نون ہر روز پلا کرد ہمیشہ استعمال
--	--

### صفت شربت پوست خشنکاش

وہیہ ڈوڈے پوست منگوا رات پانی وچ رکھ پوسا نل اس نون کر صاف ہمال چنک طرح پکا قوام بہت کسے نون ہووے کھنگ ایہ شربت دو دقت پلا	پاک کٹ خشنکاش پلا نجرے دیگی وچ جوشا ترے پا مصری گھت اوبال نت پلا صبح تے مشام نہندہ آوے ہووے تنگ دیوے اُس نون رب شفا
---	--

### بیان مرض سہات

سُتتا گھوک رہے دن رات مُشکل اُس نون کرن جگارا لگے اُس نون نیند پیاری بہت رطوبت وچ دماغ سبب جیکر بلغم تے باد	اوس مرض دا نام سہات گڈے دانگ رہے سر بھارا تھکاو آون بہت آزادی ایس سببوں آوے خواب سہات مرض دا پوسے فساد
---	--

بلغم  
تھکے  
نخل  
نت  
سہات  
بہت  
متھے  
تھوڑ  
تر بھا  
نے  
سر مخ  
سہات

دو  
بر  
مر  
سو

<p>بلغم منفع نال پکا!  تتے نال طبع کر صاف  نخلہ سرکہ لونگ بنا  نت کھوا معجون کبیر  سبات جے گندے خون سبب  بہت قوت جے دج بیمار  متھے وچوں چھڈیں نار  تھوڑا تھوڑا لہو کڈھا  تر پھلہ پا پڑا رات پوسا  نئے ہک کالی مرج منگا  سر جو نال اکھیں دج ڈال  سبب جے خشکی نظری آ</p>	<p>مہسل دو ترے چار کرا  کرسی رب تصور معاف  روگی نوں ہر وقت مونگھا  رہے نہ دکھ اس دج سریر  اوس دا فصد کراویں جھب  زور لہو دا کرے لاچار  جوکاں لا کتاں پکھوڑ  کئی دفعہ رب کرے شفا  فجری ماکھیوں ڈال پلا  گھوڑے دی لب نال گھسا  کہ کچھ مدت استعمال  سرتے روغن نت ملا!</p>
--	--

### صفت معجون کبیر

<p>کرد تیار معجون کبیر  کرے بلغھی مرضاں دور  رتج والی گردے دی پیڑ  درد پشت دا باد قویج  بد ہضمی رتج بادی داسول  مرچاں گھماں پاناں دی جڑ  موتھا تخم کرفس ایہہ ست</p>	<p>سر سبات دج مارے تیر  پیڑاں درد ہون سب دور  رہے نہ ذرہ دج سریر  رہن نہ دیوے ایہہ سب لک  معدیوں پٹ سے جڑ مول  الاچی دانہ کالی چھڑ  ہک ہک تول لے کے گھت</p>
---	---



پودن لے اجوین سداب  
 سورنجاں دارچینی سنڈلیا  
 جلد تری، جعفر، زیرہ سیام  
 چھ چھ ماشے پنج دوا  
 انیسوں، گل بابون پا  
 مغز اخروٹ، اندق نارجل  
 چلعوزہ - پیستہ - مغز بادام  
 ایہ بھی کٹ کے میلو تال  
 وچ تھال معجون بنا  
 مرتبان دے اندر ڈال  
 بعد چلیہوں کڈھ کھوا  
 کل آزار بدن دے سرد  
 ہیضہ - ہڈکی، بھس ڈکار  
 گنشیا واڈ - لقوہ، ادھرنگ  
 ایہ دوا کر استعمال  
 کر تھقیے دو ترے چار  
 سامیں بخش حکیم شناسی

زیرہ چٹا پھل گلاب  
 دو دو تو لے آٹھ دوا  
 قرضل عقرقرا، امراہ  
 کٹ چھان سب جمع کرا  
 نو نو ماشے کٹ ملا  
 مغز چار اس دے وچ میل  
 ترے ترے تو لے وزن تمام  
 خالص ماکھیوں تگنا ڈال  
 چھوٹی چیمچی، تال ملا  
 چلیہ رکھ حفاظت نال  
 دو مثقال ہے وزن دوا  
 بلغم دایاں پیڑاں درد  
 کڈھے باہر انہاں نوں مار  
 سبب بلغم دے کرے جی تنگ  
 دیوے مرضاں سرد نکال  
 کر کے منضج ہر ہر بار  
 ایہ نسخہ لکھیا آزمائشی

بیان مرض فاج یعنی ادھرنگ

فاج نام ادھرنگ سداے  
 سرخیں پیراں تیک آزار

ادھا پاسا سست ہو جان  
 ادھا پاسا لیندا مار

ادھا بدن ہو جائے سست  
 گھس دا پٹھیا دج مواد  
 سندھ پٹھیا دج پیوند  
 قوت روح اس طرف نہ جائے  
 جیکر سچی طرف آزار  
 کبھی طرف ہے پورے قصور  
 بڑھے نول ادھرنگ بیماری  
 نال علاج شفا ہے پائے  
 اکثر بلغم تھیں آزار  
 سخت تاب گرم دا ساڑ  
 جیکر بلغم کریں معلوم  
 بلغم چٹھے کرے ضعیف  
 جدول شروع ہووے ادھرنگ  
 لوکا ہووے بہت رنجول  
 جیکر تاب نہ ہووے نال  
 چار روز نہ دیہہ غذا  
 پانی ادس نہ دیویں مول  
 جیڑی بلغم ہووے خام  
 سولف تولہ پاکٹ جوش  
 یا پانی کر کے سنگ تا  
 بے متعل رہے بیمار

ادھا رہے صحیح تندرست  
 سندھ بن کے کرے قناد  
 راستہ روح دا کردا بند  
 جس حرکت باطل ہو جائے  
 ہووے مجھب شفا بیمار  
 مشکل ادس علاج ضرور  
 رکھے قبرائ تیک لاچاری  
 مڑ کے پھیر عود کر آوے  
 ادھا پاسا کرے بیکار  
 پٹھیاں دے دج کرے بیکار  
 نال علامت جیویں رسوم  
 سر دے نال ہو جان کثیف  
 بازو حرکت کرے نہ ٹنگ  
 گرم مزاج نہ ہووے مول  
 ایہہ دوا کر استعمال  
 ناء نہ کوئی دیویں سخت دوا  
 ماء العسل دیہہ روز معمول  
 یک جادے بھوکہ نال تمام  
 نت پلا دج شہد ملا  
 شہد میل کے روز پلا  
 کر ہفتے تک ایہوکار



سرد رطوبت پٹھیاں دوج  
 کرے جیکر اور طلب غذا  
 چڑھا، کبوتر رنت کھوا  
 عرق سونف تازہ کڈھوا  
 عوض پانی دے پیوے عرق  
 مُنفع ہفتے بعد کرا  
 ماء الاصول اس رنت پلا  
 شہل دو ترے چار دیوا  
 پچھوں دیہ معجون کبیر  
 دستان ہک نسخہ اکیر  
 راسن - سندا سنگند سورجیا  
 دو دو تولے دارو ست  
 رنگ - جھلے عاقر قرحا  
 مغز بادام - مغز نار جیل  
 گماناں لے ماکھیوں دوج ڈال  
 چھ چھ ماشے رنت کھوا  
 حب کو چلے اس بہت مفید  
 بقوہ استرغاء ادھر رنگ  
 ماش روغن گرم کرا  
 کانچل کوڑی گٹھ منکا  
 دوج پنج تولے دارو ڈال

اک معدے دی سب کچ  
 شوربا تتر مرغ پلا  
 لوا - بیٹر مصالح پا  
 پیوے رنت دوج شہد پلا  
 ہودس بہت شتابی فرق  
 کچی بلغم خوب پکا  
 عوض مُنفع دس خوب جوشا  
 کل بلغم خارج کرا  
 فاج بلغمی نوں اکیر  
 رہے نہ فاج دوج سریر  
 دار چینی - مکھ مرچ خونچال  
 ترے تولے گل بابونہ گھت  
 اک اک تور چار دوا  
 چار چار تولے دوج میل  
 کر معجون عقل دے نال  
 پچھوں سونف دا عرق پلا  
 دیہ رنت اس نوں نال تاکید  
 لہن نہ ہک ذرہ دوج انگ  
 دیوے فاج جلد دوجا  
 ترے اجوین ، بابونہ پا  
 رات پوسا عیکے فجر ابال

<p>             کل کے پُن کے صاف کرا              گھت کڑا ہی دے وچ چاہر              کر کے صاف پانی وچ پا              ایہ نسخہ، آزمودہ کار              ہم چکنی، کانچل، مرچ سیاہ              جیکر فالج سرد آزار              فالج نال جے استرخا              شامل نال رکھیں ایہ عرق              پودنہ سونف اجوین منگا              دار چینی ادھ پا وچ ڈال              ادھ پا اُس نوں رنت پلا              نقوہ فالج استرخا           </p>	<p>             ترے پا مٹھا تیل ملا              اک جلا پانی سب ساڑ              مالش اس نوں رنت کرا              کڈھن دکھ بدن تھیں مار              پت کنیر کرو ہمراہ              پیہ کے دیہ تاسیں نسوار              حب اذراقی رنت کھوا              ہوس بہت شتابی فرق              پا پا پکا ترے دوا              پنج چھ بوتل عرق نکال              چار تولے وچ شہد ملا              نس بدن نوں بھار اٹھا           </p>
---	--

### نسخہ روغن گرم

<p>             کانچل، کوڑی کٹھ منگا              دانے حرمل جوئیاں ترے              آٹا کچھ تولے ست              پٹھلے دارو سب کوٹا              ستویل روز اس خوب جوشا              سیر پکا ہک مٹھا تیل              جد سارا پانی جل جاوے           </p>	<p>             دار چینی، مالکنگنی پا              ہر ہک پنج پنج تولے              پنج دینہ رکھ پانی وچ گھت              چھویں رات اس نال پوسا              کل کے پُن کے صاف کرا              ڈال کڑا ہی نال اس میل              باقی خالص تیل رو جاوے           </p>
--	---



اگ تھیں جلدی نال اُتار  
 فالج، استرخاء آزار  
 ہے ایہ نسخہ پرتاثر  
 جیکر فالج ہووے گرم  
 ہفتے پچھوں وہ یک بار  
 دو ترے چار ملین کر  
 دھوی مادے تھیں ادھر تک  
 مطبقہ تاپ چڑھے اس نال  
 حالت دانگ ہووے سرسام  
 ساڑ تیز تاپ دا گرم  
 درم کرے راہ روح دا بند  
 نفسانی روح اس طرح نچاڑے  
 خونی مادہ کرے زیان  
 چہرہ سرخ نہایت لال  
 سر تحقیق جیکر ایہ مرض  
 ہووے اس دا گرم مزاج  
 کر تنقیہ گندہ خون  
 اطریش اس کشنیز کھوا  
 جو کاں یک دو دار لگا  
 سزارو رگ بھب پھٹ  
 کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق

ڈال بوتل وچ خوب تار  
 کر مالش ہو جان فرار  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 اس نوں دیہہ ملین نرم  
 ہووے دفع شتاب آزار  
 ہر ہر ہفتہ منضج کر  
 جیکر کرے کسے نوں تنگ  
 دیوے گندہ خون اُبال  
 ہوش سُر ت اُڈ جائے تمام  
 پیدا کرے پٹھیاں وچ درم  
 پاوے سدے دانگ کند  
 ایس سبب فالج ہو جاوے  
 ظاہر آون نظر نشان  
 رطوبت خون کرے بد حال  
 تاپوں بعد ہووے بالفرض  
 گرم نہ ہرگز کریں علاج  
 جتنا جتنے وچ زیون  
 کرے رطوبت خون صفا  
 کر توں گندہ خون صفا  
 گندہ خون درم دا کڈھ  
 پیسے نت اس ہووے فرق

اک  
گرم

کرفر  
ماٹ

سوا

چار

ایہ

بہ

حب

مریہ

بہ

علاق

حب

جسم

سند

گھوڑ

دو

اک دو دفعہ ملیں کر  
گرم نہ دہ کوئی اس نون چیز  
طبع موافق مول نہ ڈر  
ایہ بھی رکھیں یاد تیز

## نسخہ منضج ماء الاصول

کرفس تے جڑاں کرفس منگا  
ملٹی ماشے چار ملا  
سوف انیسوں جڑاں دیان  
چار تولے گلقد وچ ڈال  
ایہ منضج دیہ دیہاڑے ست  
بہت دفعہ تنقیہ کر  
جب ایارچ دا جلاب  
مرین ہے ہودے عرضیف  
بہت جلاب نہ اُس نون کر  
علاج استرخا ہے باقی  
جب اذراقی کرد تیار  
بسموں کل آزار ریاحی  
سندھ گھاں مرچاں منگوا  
گھوٹ پانی وچ بخوں حب  
دو دو حب دو دو حب کھاے

ترے ترے ماشے وزن تلا  
انجیراں دالے ترے وچ پا  
چھ چھ ماشے میلہ آن  
منقہ تولہ گھت اوبال  
مُسل پھیر کراویں دت  
منضج دے کے مول نہ ڈر  
منضج پچھوں کریں شتاب  
دیویں مُسل اوس خفیف  
مت خشکی تھیں جادے مر  
رہیں بدن وچ ہو کے عاتی  
کھاے ہودن دت آزار  
کھانڈیاں سارہو جاون راہی  
مدبر آٹا کچلہ پا  
قدر چنے دی گویاں سب  
عرق یا پانی نال نلکھاے

بیان مرض لقوہ



لقوہ بہت بیماری سخت  
 قسماں دو لگوے دیاں ہین  
 تشنج جس نوں لگے کھج  
 استرخاء دا ایہہ نشان  
 ذائقہ دج پوے نقصان  
 لقوے دا کر جلد دوا  
 علاج کرن دج کریں شتابی  
 چھ مہینے نیک جے ڈھل  
 بعد مہینے چھ تاخیر  
 کریں معلوم جے بغم باد  
 استرخاء لقوے دا ڈھنگ  
 ہووے مرض شروع جدا  
 نہ دیہ پانی قسم اناج  
 جے دیویں فاقہ ہفتہ وار  
 جیکر خواہش کرے غذا  
 زیرہ دار چینی دج ڈال  
 جیکر اس نوں لگے ترہیر  
 یا عرق سونف تازہ کڈھوا  
 دج اندھیرے اوس بٹھا  
 شیخہ چینی صاف منگا  
 جعفر منہ دے دج رکھا

چتا مکھ کرے یک لخت  
 تشنجی، استرخائی کس  
 ہووے بہت طبیعت زہ  
 ہووے ڈھیلا سست دمان  
 وقت بولن دے اٹے زبان  
 ہووے جھب بیمار شفا  
 بہت دیر دج پوے خرابی  
 پوے لگاؤ کتنا ٹل  
 کوئی نہ چل سکے تدبیر  
 کیتا چہرے دج فساد  
 کریں علاج مثل ادھرنگ  
 چار روز نہ دیہ غذا  
 نہ کر کوئی سخت علاج  
 ہووے جھب شفا بیمار  
 کبوتر - تتر، مرغ پکا  
 پیوے روگی گھٹاں نال  
 ماء العسل جیہا دیہ  
 دیہ نت اُسوں شہد بلا  
 جتھے سرد نہ لگے دا  
 رکھے اُس دے دج نگاہ  
 ذرہ ذرہ چتھہ لنگھا

بلغم

عقرا

سکھ

سکھ

تیل

مٹھ

پیر

نور

درا

بہت

دار

عقرا

بیر

گولا

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

ک

بلغم منضج نال پکا  
 عقرقرا، کھٹ، رائی لیا  
 کٹ پانی دے دج جوش  
 کھٹ، بابونہ، کانپھلے  
 تیل میٹھا گھت گرم کرا  
 میٹھا تیل شکر لے  
 پس میٹھے دج تیل رلا  
 نوشادر، دارچینی منگوا  
 وزن برابر دارو چار  
 بہت جے ہووس سرد مزاج  
 دارچینی، گھہ - مرچ سیاہ  
 عقرقرا ایہ دارو ست  
 بر برابر حب بنا  
 گولی نال زبان پپول  
 یک دو گولیاں منہ دج رکھ  
 گلن دت زبان دمان  
 جس نقوے نوں لگے کھج  
 تشخ دی ایہ خاص نشانی  
 باجیاں منہ دیاں آکر جان  
 کھٹ دا تیل ماش کردا  
 کالے تیل بابونہ لیا  
 دو تہے چار جلاب کرا  
 دارچینی، سنڈھ نال بلا  
 غارے اس نوں نت کرا  
 گھوٹ پانی دج دارو ترے  
 پٹا گرم گرم بنھا  
 سنڈھ برابر وزن ترے  
 نقوہ اُتے خوب ملا  
 عقرقرا سنڈھ لے دج پا  
 پیہ کے دیہ اس نوں سوا  
 دساں اس دا ہوو علاج  
 لونگ، جعفر سنڈھ کریمراہ  
 کٹ خالص ماکیوں دج گھت  
 مونہ روگی دے دج رکھا  
 ہولی ہولی مونہ دج گھول  
 فائدہ بہت شتاب پرکھ  
 رہے نہ یک نورا نقصان  
 ذیکھ علاج تشخ دج  
 مونہ کھپیا جاوے طرف پستانی  
 نال کھج دونوں بل جان  
 روغن نال ارند ملا  
 پانی ڈال کونڈے گھوٹا



<p>تیل مٹھا گھت کر کے گرم مالش کر کے دیہ مروڑہ دو جا ہتھ سرے رکھوا ایہو حکمت اس دی کر کرے جے گندہ خون بگاڑ جائز اس دا فصد ضرور دو کٹاں پچھے جوکاں لا موافق قوت لٹو کڈھ بنفشہ مغز کڈو دا تیل نقوہ بہت کرے جے رنج</p>	<p>بجھ پٹا مونہ ہودن نرم ہیٹھ باچی رکھ ہتھ تگورہ باچی دوجی طرف بھوا چالی روزاں زتیک مفر سرخ بہت چہرے دوج ساڑ گندہ خون کرو سب دور ری سنگی پیچھ لگا ہرگز گھٹ نہ ہووے ودھ مالش کریں دوہاں نوں میل کر دیکھ علاج تشنج دوج</p>
---	--

### صفت ماء العسل

<p>ماء العسل کر جمب تیار آدھ پا پکا شہد منکا تر بجا حصہ جد سڑ جاوے اگ بقیں دیگہ جلد لہا سڑ کے حاجت پوے جے آ</p>	<p>بلغی مرضاں دے درکار سیر پانی گھت خوب جوشا ترے پا قدر پانی رہ جاوے تھوڑا تھوڑا وزن پلا تازہ تازہ ہور بنا</p>
---	--

### بیان مرض تشنج

<p>مرض تشنج دے کئی قسم بدنوں گندی اٹھ ہواڑ</p>	<p>سردی کے کچھ جسم جا سرے دوج کرے بگاڑ</p>
--	--

بلغم تھیں ریح بن جائے  
 سپ یا بچھو مارے ڈنگ  
 چڑھ دے سرزوں دے کے زور  
 کرن پیٹھے اس نامنظور  
 اسے سبب خشکی ودھ جائے  
 تشنج خشک نہایت سخت  
 یا تپ تیز دا گرم بخار  
 پیٹھے اس تھیں ہودن زنج  
 کر تحقیق علامتاں نال  
 جے بلغم فاسد کرے زیان  
 جیکر تاپ نہ ہودے نال  
 بلغم منشیج نال پکا  
 سخت اس نول کریں جلاب  
 عرق سوخت ادھ سیر سنگا  
 ترنجبین لے تو لے چار  
 گودا انبتاس دا تازہ  
 دق عرق دے حل کرا  
 تولہ ہک روغن بادام  
 حق اس دے کر کے ترے  
 آون جد اس نول اسہال  
 مالش اس نول خوب کرا

سرے پٹھیاں دق گھس جائے  
 زہر کرے پٹھیاں نول تنگ  
 سردی نال کرے ربخور  
 ایس سببوں پوسے فتور  
 سر دیاں پٹھیاں نول سنگدے  
 پیدا آن ہودے یک سخت  
 جا پاوے پٹھیاں نول ساڑ  
 لگے ایس سببوں کھج!  
 پھیر معالجہ کرے فی الحال  
 کر دریافت نال نشان  
 گرم دوا کر استعمال  
 جو شانہ دے دو ترے چار پلا  
 مت ہو جاوے طبع خراب  
 گلقتند ادھ پا مل صاف کرا  
 حل کر اس دق صاف نتار  
 کر کے ہک جھٹاک اندازہ  
 چھاننی دے دق گھت چھنا  
 داخل کر اس دق تمام  
 فجر، پیشی، دیگر پے لے  
 تشنج دفعہ ہودے فی الحال  
 بابونہ روغن گرم کرا



نور آب اس کریں غذا  
 مرق سولف ماکھیوں دن گھٹ  
 ہور نالی والا کریں علاج  
 جیکر سخت تپ لے دن  
 ہے اوہ خاص تپ داحض  
 تپ نہایت ہووے گرم  
 شامل نال ہووے سرسام  
 لت یا ٹونہ لوں لگے کچھ  
 یا اوس ہر دن ہووے دم  
 مادہ جیکر ردی ہو  
 لگے اس نون تربہ نہایت  
 اکثر رڑکے بال انادان  
 جیکر مادہ ہووے سالم  
 ہر تون اس داکریں علاج  
 گرم خلک ہے ہوس مزاج  
 اوہ پا پچا پھل گلاب  
 دھبی دے دن گھٹ جوش  
 نچ توے گودا اہلساس  
 تڑکے چھاننی نال چھنا  
 مکی کھنڈ تھوڑا جیہا بلا  
 ہون جہ اس سال اس ہاکی

بیرا پٹوزہ مرغ  
 نت پلا دالے ست  
 سافق اس دے طبع مزاج  
 داک تشی لگے کچھ  
 اصل نہیں تشی مرض  
 پیدا کرے پھیپاں دن دم  
 رہے بے ہوش صبح تے شام  
 بہت کرے روگی نون رنج  
 شامل نال ہووے تپ گرم  
 نہیں امید خلاصی کو  
 ہر دن ہووے درد شکایت  
 پاوان اس مڈکھ نال زیان  
 نال ملاقات کر تون معلم  
 موافق جیہرا طبع مزاج  
 کر تون اس دا ایہہ علاج  
 اصل سچے لیا شستاب  
 ل کے تون کے صاف کرا  
 ل اس دے دن بے وسواس  
 لے اس دے تڑکے کرا  
 تڑکے داری دن دن پلا  
 ہاوسے ہونوں نس بیماری

ایہو ام  
 سنجی  
 ست  
 بنفش  
 خا ہر  
 گودا  
 صبح  
 شرج  
 تخم  
 سہ  
 فوج  
 رو  
 بنف  
 خر  
 بنف  
 پا  
 سر  
 تر  
 ک  
 ع  
 بی

ایہ اس نون کریں مجلاب  
 ستخیں سادہ دیہ بنا  
 بہت ہے اس دا خشک مزاج  
 بنفشہ روغن نیلو فر  
 ظاہر باطن تری پہنچا  
 گو کا مکھن فجر چٹا  
 دج تاپ دے گھیوتے دودھ  
 شربت گاو زبان منگا  
 تخم کنوچ ، تخم بارتنگ  
 سہوڑیاں ، بھیدانہ ، گاو زبان  
 فوری کل کے صاف کرا  
 روغن مغز کدو ، بادام  
 بنفشہ شربت ، نیلو فر  
 خرفہ ، کاسنی ، تخم خیار  
 بنفشہ ، خطمی ، نیلو فر  
 پانی دے دج گھت او بال  
 سپ یا بچھو مارے ڈنگ  
 تریاق اربعہ اس جلد کھیا  
 ہک دو دفعہ ملین کر  
 گل روغن دی مالش کر  
 بے مرگی دقت تشخ آدے

ہک دو ہفتے بعد شتاب  
 شیرہ کاسنی نال ملا  
 کرتوں اس دا ایہ علاج  
 بدن سارے پر مالش کر  
 تراوت نال دوا فدا  
 مصری گھت دودھ شام پلا  
 دیہ نہ ہرگز سنبھل بہہ  
 تخم بالنگو ڈال پلا  
 شربت نال پھکا سنگ  
 رات پوسا پانی دج آن  
 مصری ڈال اس نت پلا  
 مالش کرو صبح تے شام  
 نت اٹھ فجر پلایا کر  
 شیرہ کدھ پلا نتار  
 کدو چیر شامل دج کر  
 کرو نطول عقل دے نال  
 تشخ کرے کے نون تنگ  
 دیوے زہر دا اثر دنیا  
 زہر جسم تھیں جادے جھڑ  
 تشخ والے عضوے پر  
 دورے بعد نائل ہو جائے

پکا

صحت

مزاج

کھج

مرض

دوم

شام

نوع

گرم

سکو

یت

یان

لم

ج

ج

کے

ا

ا

ا

ا



جے کرم شکم تھیں کرے ظہور

نال علاج کرم کر دور

## بیان مرض رعشہ

رعشہ نام یک سخت آزار  
ہو دے روگی بہت ظہیر  
ایہہ دوکھ بہت بُرا بدقسم  
ہتھال نال نہ ہو دوس کار  
قابو دوج نہ رہے سر یہ  
جھولے حرکت کرے بیمار  
اکثر بلغم تھیں ایہہ مرض  
مادہ موذی پٹھیاں دوج  
پٹھے مادہ دفع کرا دن  
مادہ موذی دفع نہ ہوئے  
نبض قارورہ خوب پچھان  
سردی گرمی سمجھ مزاج  
کس سبب تھیں ہو یا نیاں  
یا کوئی پیوسے بہت شراب  
یا غم غصہ کرے اندہ  
یا صحبت کرے بے حد شمار  
یا کوئی سڑیا سخت مواد  
جے دموی مادہ پاؤے زور

کرے جسم نول بہت لاچار  
کنتن ہتھ سر پیر مرد  
جھولے باہجہ ارادے جسم  
کر دا ایہہ دُکھ بہت خار  
بہت بیمار ہو دے دیگر  
بہت طبیعت ہو دوس بزار  
پٹھیاں دوج ہو دے بالفرض  
داخل ہوئیے کر دا زنج  
بہت نہایت زور لگا دن  
نہ حرکت کرنوں بدن کھلوت  
کر کے چنگی طرح دھیان  
طبع موافق کر د علاج  
کس مادے کیتا نقصان  
یا کوئی سرد نہایت آب  
یا کوئی استفراغ انہو  
جاوے قوت مغزوں ہار  
جا پٹھیاں دوج کرے فاد  
تھوڑا تھوڑا خون پنور

کئی دفعہ کر فصد ضرور  
 شربت اوس پلا غناب  
 مصفا خون اس کرد علاج  
 سبب جماع یا استفراغ  
 ضعف ہے ہووے وچ سریر  
 جیکر ہووے خشک مزاج  
 جیکر خشکی کرے جسم وچ زور  
 گھیو دودھ کھن مصری نال  
 گل روغن مغز کدو بادام  
 نشاستہ مغزے نت کھوا  
 بہت دیر تک کریں علاج  
 جیکر زور ہووے صفرا  
 صفراوی قے جلاب کرا  
 جے بلغم تھیں ہووے ریح  
 کئی دفعہ تنقیہ کر  
 جد مادہ خارج ہو جائے  
 مالش کر نت کٹھ دانیل  
 دیویں اُس نوں چرب خوراک

ہووے خون گندہ سب دودھ  
 کرے صاف سب خون خراب  
 تا ہووے تندرست مزاج  
 پاوے قوت ضعف دماغ  
 نت پلا گھیو گھٹ وچ شیر  
 جھب دے کر مرطوب مزاج  
 باہج تراوت دیہ نہ ہو  
 رات دینہ کر استعمال  
 مالش کر گھیو گھٹ وچ عام  
 مغزیات گھیو کھنڈ ملا  
 تا ہووے تندرست مزاج  
 شربت شیرہ سرد پلا  
 بہت دفعہ رب کرے شفا  
 کر توں چنگی طرح صحیح  
 منضج دیہ مادہ تر کر  
 مرضوں بدن رہائی پاوے  
 روغن نال ارندھی میل  
 مت خشکی اس کرے ہلاک

### صفت نشاستہ مغزیات

ہووے ضعف دماغ فرار

نشاستہ مغزیات کرتیار



مغز فندق تے مغز نار جیل	مغز تخم خربوزہ میل
مغز پستہ چلغوزہ لیا	مغز تخم ہندواں پا
مغز کھیرہ کھکھڑی دھج ڈال	مغز اخروٹ کر شامل لال
مغز تخم کدو بادام	پنج پنج ترے وزن تمام
نشاستہ ترے پا پکا آن	پنج پا گھیو دھج کر بریان
نشاستہ کر چھی نال ہلا	بہت مٹھی ہیٹھ اگ جلا
تھوڑا جیہا جد ہووے لال	لاٹیکے ہیٹھ دوا کٹ ڈال
سیر پکا لے چٹی کھنڈ	دھج نشاستہ دیویں منڈ
ادھ پا قدر جیکر نت کھاے	ضعف دماغوں دور ہو جائے

### بیان مرض تمدد

جیکر آکرٹ جان پران	اس نون مرض تمدد جان
ہو جاوے لنگ سیدھا تیر	یا آکرٹ جاوے کل سریر
دوہیں طرفیں لگدی کھج	بہت کرے روگی نون رنج
جے گردن دھج ہے اکڑا	مرض کزاز آکھن حکماء
خفک مواد پٹھیاں دھج جا	کرکے سخت دیندا اکڑا
علاج دوٹاں دا کرکے غور	نال عقل دے کر فی القو
جے کرتاپ ہووے کھ نال	حالوں بہت کرے بد حال
تپ دا سڑیا ہو یا مواد	پٹھیاں دے دھج کرے فساد
مادہ سخت نہایت گرم	کرے جیکر مروتے دھج دم
شامل نال ہووے سرسام	دھج بے ہوشی رہے مدام

سخت  
جے جاوے  
تپ  
سڑیا  
کریں  
اکثر اس  
ظاہر  
جیکر تا  
بنفشہ  
ہور گا  
جیکر  
بنفشہ  
جیکر  
جیکر  
گرم  
نہ کر  
جب  
اگے  
تا پور  
تپ  
روغن

سخت علاج نہ اُس دا کر  
 جے جافے اٹھواں روز لنگھا  
 تپ والا بھرائی ساڑ  
 سڑیا ہو یا مادہ سخت  
 کریں نہ اس دا گرم دوا  
 اکثر اس دا خشک مزاج  
 ظاہر باطن تری پہنچا  
 جیکر تاپ ہو دے کچھ نال  
 بنفشہ شربت گاؤ زبان  
 ہو گاؤ زبان دا عرق پلا  
 جیکر ذرہ نہ ہو دے کھنگ  
 بنفشہ روغن مغز بادام  
 جیکر قبض شکم وچ ہو  
 جیکر مادہ سڑ گیا گرم  
 گرم دوا تپ وچ نہ دیہ  
 نہ کر کوئی گرم مکور  
 جب تک ہے بدن وچ تاپ  
 اگے گرم تاپ دا ساڑ  
 تاپوں بعد مالش کر گرم  
 تپ وچ مول نہ کریں مکور  
 روغن بابونہ کھلوا

چار روز تک بہت خطر  
 اُس دی رکھ امید شفا  
 جا سرے وچ کرے جھاڑ  
 سردی پٹے کرے کرخت  
 نہ کوئی دیویں خشک غذا  
 کر اس دا مطلوب علاج  
 دیوے رب اس جلد شفا  
 ایہ دوا کر استعمال  
 رت پلا روگی زوں آن  
 عرق سونف کچھ نال پلا  
 سکنجیں دے ذرہ نہ سنگ  
 مل روگی دے بدن تمام  
 دیہہ ملین اُسٹوں کو  
 دیویں سرد ملین نرم  
 یاد رکھیں مت ساڈی ایہ  
 مت دکھ بن جائے کوئی ہو  
 گرم چیز نہ کریں ملاپ  
 دے کے گرم دوا نہ مار  
 جاون ہو پٹے سب نرم  
 مالش پر رکھ بہتا زور  
 گل روغن اس نال رلا

میل

پا

لال

تمام

سریان

جلد

ڈال

منہ

جافے

جان

سر

بنفشہ

مکور

اکوا

عرق

مال

فساد

دور

رام



<p>             یک دن وچ کر دو ترے وار              جیکر تاپ نہ ہو دے نال              ستویں اکھویں دیہہ تلپین              ایس مرض دا خشک مزاج              بنفشہ، لسوڑیاں، گکاؤ زبان              رات پلوسا رکھ اندر آب              مصری پائیکے رنت پلا              گرم پانی دی کرو ٹکول              بدن جدول اس خشک ہو جا              حریرہ گندم چھان ملا              علا جوں مول نہ ہو دیں تنگ              ترے مہینے کریں علاج              لستی، مرجال، مسر، چرال              جدول بیمار شفا ہو جائے           </p>	<p>             مالش اس نول خوب سنوار              گھیو دودھ بہت کر استعمال              خارج کرد مواد لعین              ہر جیلے کر چرب علاج              رنیلوفر، پھیدا، آن              فجرے کل کے کڈھ لعاب              بخنے جلدی صحت خدا              طبع ہے اس دی کرے قبول              قیروطی اس نول جلد ملا              مصری گھیو گھت رنت پلا              صحت خداوند پاشوں منگ              تاں ہو دے تندرست مزاج              کرے نہ ہرگز استعمال              پھر بھی اپنا آپ بچا           </p>
---	---

### صفت قیروطی

<p>             قیروطی ایہ بنا ضرور              گل روغن یا گری داتیل              بنفشہ روغن کے وچ پا              چربی مرغ، روغن کتان              روغن مغز کدو بادام              کرے کزاز تمدد دور              روغن نال بابونہ میل              گھیو گوکا اس نال ملا              چربی بکرا میلو آن              پنج پنج تولے وزن تمام           </p>
--

میلو سب روغن کر گرم ایہ قیروطی ہے اکسیر ہودن جس دے خشک اعضا ایہ قیروطی فیض کمال گرم خشک ہے بہت اکڑا بنفشہ خطمی کڈھ لعاب	سخت اعضا کرے چھب نرم تجزیہ سائیں بخشی فقیر دیوے اس نوز فیض پہنچا بعد نطول کر استعمال میل لعاب طسا کرا میل قیروطی مال شتاب
--	--

### بیان صرع یعنی مرگی

مرگی والا سخت آزار ڈگے زمین تے گردش کھا جادے اڈ دماغوں ہوش ہتھ پیر ہو جادون ڈنگے آوے ایہ دورے نال مونہوں نکھن بھونے جھگ کے مکانون اٹھ مواد پاوے سڈے وانگ کند رُوح نفسانی ہودے زنج رُوح نہ ہرگز سکے تنگ سڈہ رُوح دل جنگ بچاون اوڑک سڈہ جاوے کھل سربھارا اس رہے ہمیشہ	بہت مدت تک کرے خوار ایس نوز صرع کہن حکماء سجن کلاموں رہے خاموش تشنج وانگ لگے کھج ٹنگے ذره رہے نہ سرت سمہال اکھن لوگ گیا جن لگ جا سر دے دج کرے فساد رستہ رُوح ہو جائے بند ایس سببوں لگے کھج ! سڈہ بہت کرے اس تنگ آپو اپنا زور لگادون عارضے دفع ہو جادون کل کردا رہے غم فکر اندیشہ
---	--



سست حواس طبع پریشان  
ایسا آوہ کم دل ہو جاوے  
اہل ہڈیں رہے اُداس  
دہم دیلاں بھیڑے خواب  
غصے نال رہے دل تنگ  
اکثر چھوٹے بال نادان  
جد لڑکا پیوے دودھ خراب  
فاسد دودھ جو غیر صحیح  
رتج جد سروج کرے خروش  
مزنوں جادون بھونے جھگ  
دورے نال کرے رتج زنج  
نام اُس دا اُم القبیان  
ہووے لڑکا جدوں جوان  
حاجت نہیں کوئی اوس علاج  
جیہڑی اوس پلاوے دودھ  
کر توں اُس دا بدن صفا  
فاسد دودھ ہووے جس نال  
چٹی مرچاں دودھ مسور  
بہت لطیف کھوا غذا  
کھینو ہک رپتی گرم کرا  
گوزہتی والا دیویں جھاڑ

وانگ سودائیاں رہے حیران  
ہر اک پاسوں غم ڈر کھائے  
کم ہو جاوے عقل قیاس  
کر دے اُس نوں بہت خراب  
ناحق کرے لڑائیاں جنگ  
ایہ دکھ بہت کرے حیران  
جاوے بگڑ مزاج شتاب  
پیدا کرے بدن وجہ بتک  
ہووے لڑکا ترت بیہوش  
جادون اکھیں تاڑے لگ  
ہتھیں پیریں لگے کچھ  
سارے مرگی وانگ نشان  
مرگی دا نہ رہے نشان  
اپے جاوے بدل مزاج  
اُس دا دودھ کراویں سدھ  
ملین دو ترے چار کرا  
ہرگز نہ کرے نہ مول خیال  
دیشگن خشک چیزوں ہے دد  
شام صبح دافر گھیبو پا  
لڑکے نوں ہر روز پلا  
وجہ مہینے ہک دو وار

سوف  
نجرے  
تدر  
دیویر  
اُس  
خاص  
سبب  
غالب  
نال  
کئی  
خون  
چھنا  
شر  
جے  
عصا  
روغن  
سر  
تراو  
گھینو  
ہو نہ  
جس

سونف بنفشہ پھل گلاب  
 فخرے دیگی دج جو شش  
 قدرے گودا ابلتا س  
 دیویں اس نون سپی نال  
 اس دی ماڈل دا کرو علاج  
 خاص علاج صرع دے چار  
 سبب صرع دا جیکر خون  
 غالب ہووے دموی مادہ  
 نال عقل دے کر کے دھیان  
 کئی دفعہ اس فصد کرا  
 خون گندہ جد ہووے صاف  
 چھنا نک مکھن اس فخر کھوا  
 شربت پیوے بت عناب  
 جے گرمی دا بہت سبب  
 عطر اوی تے ا جلاب کرا  
 روغن مغز سکدو کدھوا  
 سرتے بت مالش اس کر  
 توات اس نون بہت مفید  
 گھیو گوکا اس بہت کھوا  
 چونہ خلطال دی کریں پچیان  
 جس تھیں جادے بگڑ مزاج

موافق جسم پوسا شتاب  
 تل پن اس نون صاف کرا  
 حل کر اس دج نال قیاس  
 دن دج دو ترے دفعہ سہال  
 موافق جیہڑا طبع مزاج  
 تے - جلاب - مالش - نسوار  
 ہووے مجھے دج زبوں  
 سرخی چہرے دج زیادہ  
 دموی مادہ خوب پچیان  
 دے کے فاصلہ دو ترے ماہ  
 کرے تصور خدا معاف  
 سرتے مالش رنت کرا  
 شامل کر کے عرق گلاب  
 کر معلوم علامت سب  
 ماہ مرض خارج کردا  
 بنفشہ روغن نال ملا  
 خوب طرح رکھ سرنوں تر  
 شامل نال رکھیں تبرید  
 خشک چیزوں پر ہیز کرا  
 نال علامت کر کے دھیان  
 اس سبب دا کریں علاج

ہے حیران  
 ڈر کھا  
 نال قیاس  
 ست خراب  
 ماں جنگ  
 ہے حیران  
 شتاب  
 دج بت  
 بیہوش  
 لگ  
 کھج  
 نشان  
 نشان  
 مزاج  
 دیں سدھ  
 چار کرا  
 خیال  
 ہے دج  
 پیا  
 ز پلا  
 دو وار



سبب جیکر بلغم تے باد  
 کر تنقیہ تے جلاب  
 دو تے کروا مہینے دو  
 پہلے ہفتے تے کراویں  
 مڑ تریکے دو تے کروا  
 چھ مہینے تک ایہ کار  
 جے مریض کم قوت ہو  
 دو ہفتے پچھوں تے کروا  
 گھیو ہمیش اس بہت کھوا  
 مت خشکی کر جاوے زور  
 اندر اس دا کر کے تر  
 عطر قرما دار پینی لے  
 کٹ بگناں ماکھیلے ڈال  
 ہک دو ماشہ بنت کھوا  
 کریں جلاب ایارج حب  
 اکا دل دالی دیہ سنوار  
 اک دی جڑ دی چھل لہا  
 چل حکمت کر گزے دو ساڑ  
 عطر قرما تے موز سیاہ  
 اک جڑی اک دی لے سوکا  
 کھونجی کندش مریج سیاہ

بادے برگی آن فساد  
 بلغم خارج کریں شتاب  
 دو جلاب نہ ہمدیں نہ  
 دو جے دو جلاب دیواویں  
 چوتھے دو جلاب دیوا  
 کر تنقیہ خوب سنوار  
 فاسلہ دیوے ہفتے دو  
 چودھویں روز جلاب دوا  
 پنڈے سر مالش کروا  
 پیدا کرے مرض کوئی ہو  
 تنقیہ تے جلاب اس کر  
 سندھ برابر وزن ترے  
 کر اس نون بنت استعمال  
 پچھوں گھیو چھٹانک پلا  
 دفع کرے بلغم نون جھب  
 کرے بلغمی صرع فرار  
 اک دا دودھ گھٹ تر کروا  
 پیہ کے دیہ اس نون سنوار  
 قدرے کر اس دے ہمراہ  
 پیہ کے بنت سنوار چڑھا  
 مٹرنے دا کر ہمراہ

وزن  
سر  
کر

نسخہ

لے

گولی  
سنگ

پیال

ہک

ہے

جے

کوئی

پورا

چھ ما

جالیہ

ترے

کار

دزن برابر دارو چار سرکھیاں دے کر جدا کر باریک نہایت پیس	پیہ کے دیہ اس نول نوا ڈپتے اس نول رکھ سوکا دیہ نوار دیہاڑے پیس
---	--

### نسخہ فنی اور

نسخہ ہک عجب فنی والا لے ہک ماشہ درج کوٹا گولی پہلاں مہنہ درج پا سکنجیس پیچ تو لے تول پیالہ پانی گرم ملا ہک دو پیالے پانی ہو ہے ایہ فنی آزمودہ کا ہے مرگی دا سرد مزاج کوئی اس نول مدت تک کما پورانی بڑی سے انسان چھ ماشہ وزن پھکا جالینوس امر فرمایا ترے ماہ تک استعمال	دستاں تینوں بہت سکھلا گولی ماکھیوں درج بنا پچھول ایہ دو پلا ترے ماشہ رائی کٹ گھول پلا روگی نول فنی کروا پیوے گرم نمک درج کھو ہو دے بہت شفا بیمار اُس دا ہے اسے خوب علاج مرگی چاندی نظر آدے پیہ باریک کھول درج آن اوتوں ادھ پا گھیو پلا ایہ میری درج آزمائش آیا مرگی دفع ہووے فی الحال
--	---

### نسخہ ناسوار

دار چینی کشمیری پت	کانچل برگ تمباکو گھٹ
--------------------	----------------------



کندش کالی مرج بلا اک دی ٹڈی خشک کرا مرگی دالے نوں نسوار	ترے ترے ماشے سب دوا پہیہ کے سب نسوار بنا دیویں روز مرہ ہک وار
---	---

### بیان مرض کا بوس

کا بوس مرض مرگی دی بھین ایہ آوے دورے نال ستیا پیا ہووے انسان ایسا بوجھ کرے اوہ تنگ دج خواب دے کرے گمان ایسا زور دا دورہ آوے نکلے مٹھوں نہ صاف آوازہ زور دے خواب اندر گرلائے چیکاں مار کرے فریاد ردوے کرے دہائیاں کوک بہت نہایت زور لگائے بدنوں اٹھ غلیظ بخار گرمی سردی خشکی تر مرگی دا کریں علاج غلط غلط جو پوسے نظر کنہ مرض جیکر ہو جائے	طیب حکیم سیانے کن مرگی وانگ کرے بد حال بھار پوسے سینے تے آن جیونکر دشمن کردا جنگ مینوں کسے دبا یا آن ہووے تنگ اوکھا ساہ آئے زور لگادے بے اندازہ خوفوں ڈردے نال بڑا کرے میری کوئی امداد نکلے مٹھوں آوازہ ہوک بولیا اس توں مول نہ جاوے سینے سرتے پاوے بھار معلم کل کیفیت کر موافق جیڑا طبع مزاج نال عقل سے خارج کر خاص شکل مرگی بن جائے
--	--

غالب مادہ کریں شناس  
 تھے جلاب دے کدھ قصو  
 کٹ ادھ پا ماکھوں دج پا  
 اتوں پانی گرم پلا  
 دیوسے اس نوں رب شفا  
 قصد نال کر خارج مادہ  
 پچھوں کریں معالجہ ہو  
 ظاہر باطن تری پہنچا!  
 تنقیہ کر سوداوی شتم  
 ہووے جیڑی خلط زیادہ  
 موافق ادس دوا کر جھب  
 منفع دے کے مول نہ ڈر  
 نال شتابی ناہ گھبرا  
 کر اس دی نہ ہو دلگیر  
 ہووے مادہ دفع خراب  
 شامل کر اس نال سنا  
 یک یک تولہ وزن تمام  
 دھندے کوندے دج گھوٹا  
 ہر ہفتہ کر استعمال

بہت عقل دوڑا قیاس  
 جیکر بلغم کرے فتور  
 یک چھٹا نکی ورج یا  
 ترے ماشے دا وزن کھوا  
 ہر ہفتہ ایہ سقے کروا  
 سبب جے ہووے خون زیادہ  
 اول با سلیق رگ چھوڑ  
 کرے جے زور مواد سودا  
 روگی دا تر کرے جسم  
 ہر میلے کر خارج مادہ  
 جے صفرا دا ہے سبب  
 بہت دفعہ تنقیہ کر  
 سہجے سہجے کریں دوا  
 مرگی دالی کل تدبیر  
 ہر ہفتہ دیہ نہ جلاب  
 سونف کانسٹی لے منگوا  
 بنفشہ کدو مغز بادام  
 پنج تولے گلقتن ملا  
 صاف ریشہ کر مصری ڈال

بیان مرض خدر یعنی سن



بعد پیدا ہوئے خدر آزار  
 سوندے مڑیاں دانگ اعضا  
 مواد نلیط پٹھیں گھس جاوے  
 جس اعضا دوج خدر آزار  
 یا بہت اعضاواں دوج مواد  
 کر کے چنگی طرح دھیان  
 گرمی دا کر سرد دوا  
 کرے تراوت خشکی دفع  
 جیکر بلغم کرے بگاڑ  
 مادہ اس دا کر کے تر  
 کر کے خارج سارا گند  
 پھرتوں اس نوں مالش کر  
 طریقے جنتز نال پتال  
 مالش اس نوں رنت کرا  
 رائی سرکہ خوب گھوٹا  
 رائی کانچل زیرہ سیاہ  
 سرکے دیوچ گھوٹ لگا  
 جوائن دیسی دا کدھو تیل  
 مقام خدر تے کرو طلا  
 نوشادر طوطیا سبز منگا  
 بہت باریک اس پچھ لگا

دوج بدن دے پھڑے قرار  
 سن اس نوں آکھن حکما  
 جس اعضا باطل ہو جاوے  
 ہووے اوہ اعضا بے کار  
 داخل ہو کے کرے فساد  
 غالب نہیں مواد پہچان  
 سردی گرمی نال ونجا  
 خشک دوا تری نوں دفع  
 کر تنقیہ بہستی دار  
 ہر ہفتے دوج خارج کر  
 جیہڑا دوج اعضا داں بند  
 تیل اجوین مقطر کر  
 لے توں تیل اجوین نکال  
 روغن نال ارند طلا  
 تنقیہ پچھوں کرو طلا  
 نوشادر عقرقرحا ہمراہ  
 دیوے بلغمی خدر گوا  
 روغن دارچینی دوج میل  
 دیوے سن دی یخ اڈا  
 پانی نہو گھت جوشا  
 خدر آئے جھب کر طلا

ایک دے  
 اجوین  
 تنقیہ  
 عقرقرحا  
 ماکھیوں  
 ہر ہفتہ  
 سبب  
 کریں  
 مالش  
 مکھن  
 ظاہر  
 اندر  
 روغن  
 یا گل  
 کرے  
 صفراوی  
 بلا شریہ  
 کرے  
 ایسے  
 سج کوئی  
 کرے

اک ہے دودھ دینج مرغ سیاہ  
 اجڑیں ازندہی پنج لے آ  
 تنقیہ پھوں نت لگا ہے  
 عقرقرما دارچینی لے  
 ماکھوں دینج معجون بنا  
 ہر ہفتہ پک کریں جلاب  
 سبب ہے خاص سوداوی مادہ  
 کریں تراوت دینہ تے رات  
 مانس کر تر دیہہ غذا  
 مکھن گوکا خیر کھوا  
 ظاہر باطن کر مرطوب  
 اندر اس دا کر کے تر  
 ردغن مغز کدو بادام  
 یا غل ردغن رنت کلا  
 کرے جیکر صفرا زیان  
 صفرا دی نے کے قے جلاب  
 بلا شربت نت سرد فقورع  
 کرے بے گندہ خون خرابی  
 ایسے طور کچھ مدت تیک  
 ہے کوئی ہووے ہووے سبب  
 کر کے چنگی طرح قیاس

کر کے کھل فدر تے لا  
 پستال جنتز نال تیل کدھا  
 فدر مرض نوں جلد اڈا ہے  
 لکھاں تو لے پنج پنج ایہ ترے  
 چھ ست ماشے رنت لکھا  
 دفع ہو جاوے فدر شتاب  
 ہووے خشکی بہت زیادہ  
 ہر جیلے کر خشکی مات  
 خشکی اس دی دور کرا  
 دیہہ گاوا دودھ مصری پا  
 تا حاصل ہوون مطلوب  
 سودا والا تنقیہ کر  
 بنفشہ روغن کل نت عام  
 گھیو گوکا چرنی دینج پا  
 ظاہر آون نظر نشان  
 خارج مادہ کریں شتاب  
 طبع ہے اس دی کرے رجوع  
 کر توں اس ضد شتابی  
 کر توں بدن ہو جائے ٹھیک  
 دارو اس دا کر توں جھب  
 نال علامت کریں شناس



جس خلط دا ہووے زور طبع موافق کریں علاج جیویں طبییاں دا دستور	دیویں غلبہ اُس دا زور گرمی سردی کچھ مزاج کہ توں اُسے طرح ضرور
--	---

### بیان مرض سکتہ

سکتہ مرض ہووے جد آن تردا پھر داگم ہو جاوے مردیاں دانگ ہوئے بے جان بدنوں ردی اٹھ بخار خلیظ مواد سُتہ بن سخت مثل درم سُتہ بن جاوے کل رُوح طُف سِتے دی جاوے سُتہ رُوح نوں کرے تباہ سردی رُوح جا ہوندے بند سُتہ درمی سردے دج رُوح سُتے دج جذب ہو جائے ہووے سکتہ جدوں آزار جیکر مادہ سالم ہو آوے ساہ دم بہت باریک نال علامت خوب پہچان دُکھا رک طب دج عظیم	اچانک مر جائے انسان ساہ دم اُس نوں مول نہ آوے ہووے خلقت دیکھ حیران کرے حواس دماغ بگاڑ سردی پیٹھے کرے کرخت جس حرکت کل بدن و نجاوے دفع کرن نوں زور لگاوے قوت رُوح دی کرے قہار ہوون سُتے نال پیوند قوت رُوح دی لیندا رنج مڑ کے خالے دج نہ آوے ہووے ہوش حواس بیکار سُتہ رہے سردی کھل نال عقل کر معلم ٹھیک زندگانی دے سب نشان اکھیا جالینوس حکیم
---	--

کے  
مور  
پتہ  
جے  
دو جا  
جے  
بھان  
جے  
چوٹی  
تے  
مُرخ  
جداد  
نک  
دج  
کھنپ  
سبب  
دو  
جے  
سر  
مالش  
شور

تھکے روز تک دفن نہ کر  
 جیویں ٹیکھاں دا فرمودہ  
 ہلسی جد ساء اس نوں لگے  
 زندہ ہے اوہ مُردہ ناہیں  
 طرف دجیری دیں کریں جہاں  
 زندہ اس نوں جان مقرر  
 اوپر سینے ساء پرکھ!  
 مُردہ نہیں، زندہ ہے ٹھیک  
 رائی سرکہ گھوٹ لگا  
 دیوے سکتے ثروت و نجا  
 وزن رتی اک گھول پلا  
 ہووے سکتے دفع بیماری  
 ناساں دے دج پھوک چڑھا  
 مصبر پانی نال لگا  
 تا اس قے شستابی آوے  
 ہووے سکتے مرض صمغ  
 بخٹے اس نوں رب شفا  
 کیتا بلغم ٹھیک فتور  
 سندھ اجوائن قرنفل میل  
 زور ہتھال دا خوب لگا  
 دار چینی زیرہ روغ پا

سکتے نال ہاوے کوئی مر  
 موت جیاتی کر آزمودہ  
 پنہ رڈوں دا رکھ تک اگے  
 بے حرکت پنہ کرے کدائیں  
 دوجا پختہ ایہہ نشان  
 بے عکس چہرے پوے نظر  
 بھانڈا پانی دا بھر رکھ  
 بے اوہ پانی کرے تحریک  
 چوٹی سر دے وال مُٹنا  
 قے جیہا کوئی نہیں دوا  
 مُرخ کاہی دی قے کرا  
 جد اوسنوں قے ہووے جاری  
 تک چھکنی کالی مرچ پسا  
 دج حلق دے کھنکھیرا  
 کھنکھیرا دج حلق دے جاے  
 سبب جیکر بلغم قے رتج  
 دو تہے قے جلاب کرا  
 بے آوے تیرے دج شعور  
 سرتے نل اس کھڈ دا تیل  
 مالش سرتے خوب کرا  
 شوربا رتر مرغ پلا

دا توڑ  
 مزاج  
 ضرور

انسان  
 نہ آوے  
 حیران  
 باغ بگاڑ  
 کرخت  
 ن و نجا  
 لگاؤں  
 قے فہا  
 ل پیوند  
 پیدا  
 نہ آوے  
 س بیکار  
 دج کھڈ  
 ٹھیک  
 نشان  
 حکیم



سوف انیسوں زیرہ سیاہ  
ترے ترے ماشے سب دوا  
کا ہڑ کر کے روز پلا  
خون زیادہ نظر ہے آ  
سرا روگ نول جھب چھٹ  
جیکر بدن نفع کر جائے  
جسم وچوں آوے بدبو  
ہو جاوے عورت شکل خراب  
سبب جیکر اس ہوئے قبض  
حقنہ یا اس کر پیکاری  
جیکر خشک طبیعت گرم  
سرتے کل روغن بادام

پود نہ دار چینی اکراہ  
درڑہ کر کے رات پوسا  
قدرے شہد اس دوج ملا  
جلدی اس دی فصد کرا  
خون موافق قوت کدہ  
سبزی مائل رنگ دٹائے  
نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو  
نال علاج نہ کریں عذاب  
حرکت کرے ذرہ ہک نبض  
قبض شکم کھل جائے ساری  
دیہہ دواترہ سرد اس نرم  
گل روغن میسل گوکا گھیو عام

### بیان مرض اختلاج

جد پیدا ہووے مرض اختلاج  
بے مدت جتے دج کھلوے  
غیر طبعی مادہ ناکام  
بند ہو جاوے ریح بخار  
قوت دافع کردی دفع  
مادہ اپنا زور لگاے  
جد مادہ ہووے تحلیل

بہت شتابی کرد علاج  
مشکل پھیر خلاصی ہووے  
کردا سارے بند مسام  
ریح نہ سکے باہر وار  
ریح مواد نہ ہووے دفع  
گوشت پھلیاں دا پھڑکائے  
ہو جاوے تندرست علیل

جد مٹ پیر  
تنقیہ  
طبیعت  
جس خلط  
جے ادہ  
جے ادہ  
جے ادہ  
جد ہووے  
اٹھویں  
جد اس  
بدن  
بابو نہ  
موافق  
نال  
تازہ  
کریں  
سب  
جیکر  
جیکر خا

جد مڑ پیدا ہووے بخار  
تقیہ طبع موافق کر  
طبیعت دی کہ خوب صفائی  
جس خلط دا زور زیادہ  
جے ادہ لائق ہووے قے  
جے ادہ ہووے لائق قصد  
جے ادہ لائق ہے جلاب  
جد ہووے مادہ صاف تمام  
اکھویں نانویں دیویں بھانس  
جد اس دے کھل جان مسام  
بدن اُتے مالش کروا  
بابونہ روغن رنت ملا  
موافق طبع دوا غذا  
نال بیماریاں دیکر گھول  
تازہ مرض شتابی جائے  
کریں دوائیں استعمال  
سب قواعد رکھیں یاد  
جیکر سرد طبیعت ہو  
جیکر خشک طبیعت گرم

پوسے جسم دے دج پھر کار  
بہتی دفعہ نہ ہرگز ڈر  
مرضوں پاوے بدن رہائی  
کر توں اس دا خارج مادہ  
قے کرن دی دیویں دے  
قصد کھولن دا جھب کر قصد  
دو تہے داری دے شتاب  
نال بھانس دے کھول مسام  
بگل مار ننگا رکھ سانس  
بخشے اس نوں رب ارام  
بہت نہایت زور لگا  
انبرول دی بھانس دوا  
دیویں بخشے رب شفا  
تھل نال نہ ہرگز ڈول  
کنہ محنت بہت کراوے  
موسم قوت عمر سمبال  
طریقہ حکمت پیر استاد  
سرد دوا نہ دیویں کو  
دیہ دوا اس ٹھنڈا نرم

در بیان مرض زکام



مندا روگاں دج زکام  
 استھیں پیدا ہوں بگاڑ  
 غلبہ مرض کرے یکبار  
 نک تھیں پتلا پانی آئے  
 وگے جے نک تھیں فضلہ عام  
 جے طرف حلق دی گرے فضول  
 فاسد بدنوں اٹھ بخار  
 سردی طرف ہو دے جد دفع  
 مغز نہ اُس نوں کرے قبول  
 رہے رطوبت نک تھیں جاری  
 یا بد مضمی تھیں اٹھ رتخ  
 زکام جے سردیوں ہوئے پیدا  
 جب پکا جائے ریزش خام  
 سبب یا ہووے بلغم داد  
 نک تھیں ٹھنڈا پانی وگے  
 ڈھل سست چلے اس نبض  
 سرد دج سردی بہت نہایت  
 سرد چیز اُس ضرر پہنچائے  
 کچی بلغم کرے خراب  
 بلغم منصفج نال پکا  
 جلد بلغم ہو جائے دفع

کردا سرنوں جے آرام  
 کئی قسم دے سخت آزار  
 پنچھاں لین نہ دیوں وار  
 فضلہ بہت دگے برلائے  
 اُس نوں کہن حکیم زکام  
 اُس نوں ریزش کہن نزدل  
 جا سردے دج کرے بگاڑ  
 کرے طبیعت اس نوں دفع  
 طرف نک دی گرے نزدل  
 اوکھا ہووے بہت آزاری  
 دیوے جا سرنوں تصدیح  
 منصفج نال پکاویں ویدا  
 دفع ہو جادے جلد زکام  
 کرے ہمیش زکام فساد  
 سرد ہوا بُری اُس لگے  
 رہے شکم اس دے دج قبض  
 بد مضمی دی کرے شکایت  
 گرم غذا تھیں فائدہ پادے  
 منصفج دے کے کرو جلاب  
 دو ترے دفعہ جلاب کرا  
 مچوں فلاسفہ دیوے نفع

زکام  
 بر شعث  
 تخم  
 ادھ  
 سر اس  
 بر مٹھا  
 پوتلی  
 سرستے  
 گرم دو  
 جیکر  
 جد گرم  
 طے  
 ٹھنڈا  
 بنفشہ  
 جے  
 بنفشہ  
 رات  
 جو شہ  
 جاری  
 گوشت  
 اطر لعل

<p> زکام ہے ہودے بہت مطلوب  بر شمش دیہہ اس نون مجون  نغمہ اسی دے کر بریان  ادھ پا پکا وزن ملا  سر اس دے نون کرتوں گرم  بٹھا تیل توے پر گھٹ  پوٹی بھگ کنک دا چھان  سرتے کر ایہ گرم ٹکور  گرم دوا دی دیہہ نسوار  جیکو ہودے گرم زکام  جد گرمی کر جادے زور  طے ہے گرمی بلغم نال  ٹھنڈے شربت اوس پلائیں  نفسہ شربت نیلوفر  ہے گرمی دا بہت سبب  نفسہ گل تے نیلوفر  رات پانی دج تر کردا  جوشے بندش کرے زکام  جاری اس دا بڑا ثواب  گوشت - مچھی - مرغ نہ دیہہ  اطرافل نت کھوا زمانی </p>	<p> سرد طبیعت ہودے خوب  ہودے رفع زکام زبون  کٹ ملا ماکھیوں دج آن  ردگی نون ہر روز کھوا  نال ٹکور پوٹی نرم  اگ تے رکھ توے نون وت  کر توں گرم توے پر آن  اس دے جیہا دوا نہیں ہور  ہودے جلد زکام فرار  کرے مغز تھیں ریزش خام  بلغم خام ہو جادے شور  بلغم شور ہودے فی الحال  گرمی بدنوں دور کرائیں  دونویں وقت پلایا کر  ایہہ نفوع پلاویں جھب  ہمیدانہ وزن برابر کر  فجرے مہری ڈال پلا  کر استھیں پور ہیز تمام  بندش فصد کرے فراب  دج زکام ساڈی مت ایہہ  نہیں کوئی نسخہ ایس دے ثانی </p>
---	--



دیہہ اطریفل بنت صغیر  
 بنفشہ روغن بنت ملا  
 سر اس دے رکھیں گرم  
 جیکر خشک طبیعت ہو  
 دیہہ بنت اوس جو آتش پکا  
 فاقہ دو تیرے روز دیوا  
 ہو ر غذا نہ مول کھوا  
 مالش کر بنت روغن گرم  
 مالش اس نوں خوب کرا  
 جیکر قبض طبیعت ہو  
 بہت بے ہووے خشک کام  
 نک تھیں ٹول نہ آوے ساء  
 بنت پلا گھیو تے دودھ  
 روغن کدو مغز بادام  
 گھیو نہایت دافر کھاے  
 سبب زکام ہے ہووے کھنگ  
 یا شربت پوست خشناس  
 سر نزلہ دج مارے تیر  
 گھیو گوکے دے نال بنا  
 تاں مسام رہن اس نرم  
 حریرہ جیہا دوا نہیں کو  
 بادام روغن مصری دج پا  
 دیوے جھب زکام دجا  
 مصری گوکا دودھ پلا  
 مسام دماغ ہو جادن نرم  
 نال ہتھال دا زور لگا  
 بلین جیہا دوا نہیں کو  
 بند ہو جاوے مغز تمام  
 ہووے بند ناساں دا راہ  
 مصری ڈال جے ہووے بڈ  
 سرتے مالش کریں تمام  
 لستی دے نزدیک نہ جاے  
 خمیرہ دیہہ خشناس سنگ  
 کرے زکامی کھنگ داناس

### ترکیب حریرہ خشناس

حریرہ ۲ خشناس پکا	زکام دالے نوں بنت پلا
ترے توے خشناس سفید	چار مغز تول اک دید

ڈال توں ہک مغز بادام چار توں لے گھت بکا خشک زکام نوں دیوے نفع	گھوٹ پانی دے دج تمام دو توں لے مصری ڈال پلا ہووے صنف دماغی دفع
<b>ترکیب منضج بلغم</b>	
سونف تولہ مثقال ملٹھ بنفشہ گاؤ زبان دج ڈال رات پانی دج تر کردا جے کرتا پ ہووے کچھ نال	چار انجیر منقہ اکٹھ دونوں لے ہک ہک مثقال صبح جوشا دیہ سکھنڈ ملا گلو باشہ قدرے دج ڈال
<b>نسخہ ناسوار نزلہ بلغمی</b>	
تریاں پوست کیسر چھڑ پنج لونگ ترے مرج سیاہ صندل بُوڑ کچور انیم پیہہ یار یک دیہ نسوار دفع ہو جادے سردا درد	ترے ترے ماشے شامل کر چھ ماشے کانپمل کر ہمراہ ہک ہک ماشہ وزن حکیم ہووے نزلہ جلد فرار جیکر ہوس طبیعت سرد
<b>بیان تعریف چشم</b>	
اکھیں عجب نعمت جان چشماں شیشے زور رحمانی اکھیں بڑی نعمت بھاری	روشن جہاں نال جہان بخشش رحمت رب رحمان مزہ جیسا قی خلق ساری



چشماں شیشے دیوے نور	کیستی رحمت رب ظہور
چشماں دے دج نور خدا	کیستا رحمت رب عطا
چشماں جدوں مارن چمکارا	رودن نظر آدے جگ سارا
جد اکھیں ہو جاون بند	پادن آن اندھیر کند
ہر کوئی نال اکھیں دے شیر	باہجہ اکھیں دے پوسے اندھیر
جد اکھیں ہو جان تباہ	ہو دے کل جہان سیاہ
رب اگے نت کرو دعائیں	یا رب فضل کرم دے سائیں
بندے تیرے اسیں گناہیں	بخشیں ساڈیاں کل خطائیں
مردیاں تیک جیاتی تائیں	اکھیں دا دکھ نہ دکھائیں

### بیان رمہ صفاوی

جد اکھیں نوں آدے جوش	سوچن درد بھلا دے ہوش
لالی ہنجول کرن مسقیم	آکھن اُس نوں رمہ حکیم
گرمی تھیں ایہ موزی مرض	اکثر بہت ہو دے بالفرض
ضرر و ڈکاں کرن خوار	ہوون ردگی بہت لاچار
بدلوں موزی اُٹھ بچار	جا اکھیں نوں کردا مار
بچار دیوے جد سر نوں زرد	دل گھبرا دے پاوے شور
کوڑیاں اکھیں سر کن نال	ہو دے درد کرے بد حال
گیزی بہت ہو دے دھن بھن	سخت شام دج ہو دے قبض
اڈل قبض اوس دور کرا	نال ملین سرد دوا
رس پھکڑی ہر ڈا نیم	اکھیں تے کریپ حکیم

پین

کا  
بنف  
گھو

دو

تور

مصر

بنف

سے

ہور

جے

اسجور

ڈھاکہ

ہو

سیر

نیم

پت بکین اُتوں بنھوا جوش جے ہودے قبض سبب	ہودے اس نوں جھب شفا دیو ایہہ ملین جھب
نسخہ ملین قبض کشا	
کاسنی پتے پھل گلاب بنفشہ مغز کدو دج پا گھوٹ کونڈے شیرہ کڈھلے	دو دو تولے قدر حساب ہک ہک تولہ وزن تولہ پیوے نت دھاڑے ترے
نسخہ حریرہ	
دو تولے خستاس سفید تولہ مغز بادام ملا مصری گھت ہفتہ تک پیوے بنفشہ شربت نیلو فر لے کے مکھن گوکا عام بورٹھنڈے شربت مردنقوع جے خشکی تھیں اکھیں آدن انجوں چوک نہ آوے مول ڈھائیں مار روگی کرلاوے ہودے درم اکھ داسخت پڑیا ہویا باڈہ سودا م الی خطمی منگوا	تولہ مغز کدو گھت دید گھوٹ کونڈی شیر کڈھوا حکم خدا تھیں چنگا تھیوے پانی ڈال پلایا کر مالش کرد صبح تے شام رکھ ہمیشہ اس نوں شروع سخت دانگ پتھر ہو جاوے ہودے بہت اکھیں نول سول راتیں وہیں آرام نہ آوے کرڑہ پتھر دانگ کرخت کرے فساد اکھیں دج جا گٹ پوسا لعاب کڈھا



اسبغول لعاب ملا  
 روغن کدو مغز بادام  
 بنفشہ روغن آپ بنا  
 مالش کرد صبح تے شام  
 مکھن گوکا فجر کھوا  
 جیکر اس نول ہوئے قبض  
 بنفشہ گل تے سولف منگا  
 سنا کاسنی مغز بادام  
 گلقد ڈال تڑے وچ چار  
 بشیرہ کپڑے وچ پھنا  
 لعاب کدو کے اسبغول  
 دودھ عورت دے وچ ملا  
 شیان بریوما اکھیں ڈال  
 بنا پوٹلی پھیر ضرور  
 گرم خشک کوئی دیہ نہ چیز  
 گھیو کھنڈ کٹ پوری نت کھاوے  
 لسی انشہ ہوا غبار  
 گوشت صحبت اقوم پیاز  
 ایہ چیزاں سب اُسوں زہر  
 جے دیوے گندہ خون آبال  
 خون گندہ جد ہووے آ

اکھیں اُتے کرو طلا  
 سرتے مالش کرد مدام  
 کر مالش روغن گل پا  
 سارے جتے بدن تمام  
 گھیو چھٹانکی شام ملا  
 کرڑے سخت ہوئے اس نبض  
 مغز تخم کدو وچ پا  
 اک اک تولہ وزن تمام  
 گھوٹ گوندے وچ خوب سوار  
 پیوے ہووے قبض کُشا  
 وچ سفیدی بیضہ کھول  
 اکھیں اُتے کرو طلا  
 ہووے رد دفع فی الحال  
 ہووے جوش اکھیں دا دُور  
 ایہو رکھیں یاد نیمز  
 ٹون مرچ دے راہ نہ جائے  
 مصالحہ حقہ گرم آچار  
 بینگن تھیں کردا احتراز  
 استھیں جوش آدے وچ تہر  
 اکھیں شرح نہایت لال  
 دیوے جوش اکھیں نول جا

سر  
 جلد  
 سر  
 عن  
 را  
 جیک  
 ماج  
 شیا  
 یا  
 سب  
 طرد  
 خار  
 چرک  
 مرکت  
 بلغم  
 شیا  
 کرار  
 کرک  
 چوہن  
 خشک  
 وچ

سوزش ضرباں کرن حیران  
 کر کے چنگی طرح پکھان  
 متھے وچوں ناڑا مٹکا  
 آلو، انبل شامل کر  
 مصری ڈال کراؤ شروع  
 دیہہ ملیں اس نون کو  
 کرو اکھیں تے لپ حکیم  
 جاوے درد نہ ہو دے وت  
 کرو قصور خداوند معاف  
 آون اکھیں دے کے زور  
 پاوے بلغم شور فساد  
 ہنجوں دگن نہ سکھ کھل  
 رڈک پوے اکھ تے دج کار  
 بلغم خارج کرو شتاب  
 منضج نال جلاب کرا  
 جوش اکھ جاوے فی الحال  
 فائدہ کرے اکھ نون جھب  
 مثل غبار ہو دے جد ٹھیک  
 پت بکین اتوں بخوا  
 سائیں بخش توں کر اظہار  
 ہرگز کدی خطا نہیں پایا

سر بخارا دائم شبان  
 جلط خون دے سب نشان  
 سرارو دا قصد کرا  
 غناب، بنفشہ، نیلوفر  
 رات پانی دج کرو نقوع  
 جیکر قبض طبیعت ہو  
 ماجو پھٹکڑی رس انیم  
 شیاں امیض اکھیں دج گھٹ  
 یا بریوما ڈال شیاں  
 سبب جے ہو دے بلغم شور  
 طرف اکھیں دے گرے مواد  
 خارش نال جاوے اکھ پھل  
 چرک میل آوے بسیار  
 مرکب اس نون دیہہ جلاب  
 بلغم منضج نال پکاء  
 شیاں بریوما اکھ دج ڈال  
 کراں بیان دوا عجب  
 کرے چاکسو بہت باریک  
 چوہنڈی اکھیں دج پلوا  
 شو اک آزمودہ کار  
 دج عمر ساری آزمایا

طلا  
 مدام  
 پا  
 تمام  
 پلا  
 نبض  
 پا  
 تمام  
 سوار  
 کشا  
 کھول  
 طلا  
 الحال  
 دوا دور  
 تمیز  
 جاوے  
 آچار  
 احتراز  
 دج تہ  
 لال  
 نون جا



مڑ  
جد  
اگ  
بک  
ضعم

پھٹک  
انبل  
رات  
ترے  
گا ہڑ  
گھس  
ہے  
جوش

نسخہ  
دھنیہ  
انارہ  
ترے

نسن استقول گھت دیر  
افاقیا، جھگ سمندر آن  
ترے ترے ماشے ست دعا  
چھ ماشے تانبہ سڑیاے  
کر کھل شیاں بناویں وٹ  
دیوے اکھدا جوش و نجا  
جوش اکھ دا چاہرے سولی  
جوش اکھ دا ہودے دور  
مغز بادام تولے دیند  
پانی ڈال کونڈے گھوٹا  
مصری تولے چار بلا  
پتلی جیسی پکاویں پت  
پیوے ردگی سرکیاں نال

ضرباں رڑکاں ہنجواں پیڑ  
کندر کتھ ماجو بریان  
گوشت خورہ چاکسو پا  
پھٹکڑی گھت دج ماشے ترے  
پانی دھنیاں مہندی گھت  
وقت ضرورت اکھتیں پا  
جیکر ہودے رد نزدلی  
حریرہ ردہ بنا ضرور  
دو تولے خشخاس سفید  
چارے مغز تولہ بک پا  
کپڑے دج مڑ صاف کرا  
چار تولے گوکا گھیو گھت  
ترے ہفتے کر استعمال

### نسخہ مجربہ جوش آنکھ

بہت دیر تک رہے کھلو  
ہنجوں دگن کرن بے حال  
پاوے جوش بھیں اکھ رانی  
رات پانی گھت تر کردا  
خوب طرح مس لے اُبال  
سیر پکا گوہ گھیو پا

جیکر رد پڑانا ہو  
سُرخی اکھتیں رہے کمال  
کراں بیان عجیب دوانی  
تر پھلے لے ادھ سیر منگا  
فجرے دجی دے دج ڈال  
نل کے پن کے صاف کرا

ہولی ہولی اگ جلا گھٹوتنا باقی رہ جادے گھٹا کر کے خوب اُتار جوش اکھ تھیں چنگا تھیں دھر ہنچواں دیوے نفع	مڑا دیگی دج گھٹ پکا جد سارا پانی جل جائے اگ تھیں جلدی نال اُتار بک چھٹانکی جے نت پاسے ضعف دماغول ہودے دفع
---	---

### نشیاں مجربہ جوش چشم

دھنیا مہندی رس نپال ہر بک تولے دا مقدار فجری نل پُن صاف کرا کر دھپی دے دج کاہر حکیم اس دے رکھ شیاں بنا کر کچھ مدت استعمال آئی اکھ نوں ہے مفید لالی ہنچواں ہودن دفع	پیشکری لے ہرڑ دی چھال انہی پوست دانہ اُتار رات پانی دج رکھ پوسا ترے ماشے دج ڈال انیم گاہڑہ قوام ہودے جدا گس پانی دج اکھیں ڈال ہے ایہ نسخہ پُر تاثیر جوش اکھ نول دیویں دفع
---	--

### پوٹلی مجربہ جوش آنکھ

آدے جوش اکھ دے درکار چاکسو زرد ہرڑ دی چھال پیشکری چٹی پوست آن پوٹلی بٹھ درڑہ کردا	نسخہ پوٹلی کرو تیار! دھنیا مہندی رس نپال انار دانہ ماجو بریان ترے ماشے سب دوا
--	--

دوسرے  
آن  
نہ دوا  
لے  
وت  
ونجا  
سولی  
دور  
وید  
موٹوا  
بلا  
پست  
نال

کھل  
حال  
رانی  
کر دا  
آبال  
پا



نم نے پانی روج پر سا جوش اکھ جے دیوے دگھ	اکھیں اُتے رت پھیر پوٹلی ہودے دگھ
---	--------------------------------------

### نسخہ شیا ف بریو ما

بریو ما کرو شیا ف تیار میل چاندی ترے ماشے لے گوند لکڑی ماشے ترے کھیر گوشت خورہ افیم سفیدی انڈا ہودے صاف وقت حاجت اکھیں روج پا	کرے رمد ہک دن روج صاف تانا سٹیا ماشے ترے کتیرا قاقیا دو دو ہر ماشہ ماشہ وزن حکیم گھت کھل روج بنھ شیا ف دیوے اکھ دا جوش بنجا
--	--

### صفت شیا ف ابیض

شیا ف ابیض نسخہ مشہور ضعف بھرنوں دیوے نفع ترے ماشے قلعی سفیدہ یا کتیرا ترے ماشے روج گھت لے نشاستہ ہور افیم گوشت خورہ ماشے ترے نقاب کڈھ کے اسبغول وقت ضرورت اکھیں ماشے لال ہنجوں رڑکاں غسل	کرے شتاب جوش اکھ ددر ہنجوں پیڑ کرے سب دفع ترے ماشے گوند لکڑی روج پا کندر پادیں ماشے ست ماشہ ماشہ وزن حکیم دارو سب کھل کرے بنھ شیا ف اسدے روج گھول مڑکے جوش نہ شکل دکھا رہن نہ روج اکھیں لے ٹول
---	--

پھول

مادہ

بہت

گاہڑہ

کراں

نیلہ

نیلہ

نمک

رس

جدوں

دو حصہ

مصری

فاصلے

ناخنہ

جالا

سائیں

بختر

ہور ہک

اس

نوں

## بیان پھولہ چشم

پھولہ پوے کسی دی اکھ	کرے لکھ دی قیمت سکھ
مادہ تیز گرم ساڑ	جوش دیوے اکھ کرے جگاڑ
بہت دیر اکھ رہے جے بند	چڑھدا جالا وانگ کند
گاہڑہ سخت یا پتلا ہو	رگال اکھیں دچ رہے کھلو
کراں بیان دوا عجب	پھولہ دور کرے ادہ جھب
نیلہ تھوٹھا کج رنگار	پس کھل دچ وانگ غبار
نیلہ تھوٹھا کر بریان	تا ہو جاوے بے نقصان
تمک شیشہ شورہ کچلون	ہک ہک ماشہ کل موزون
رس نہو دا اس دچ پا	ترے روز تمک کھل کرا
جدوں دوا ہو جادے خشک	رہے نہ پانی دا دچ مشک
دو حصہ مصری اس دچ گھت	نال سلائی پادیں دت
مصری ہووے بیکائیری	رکھیں یاد نصیحت میری
ناصلے دیکے اکھیں ڈال	کچھ مدت کر استعمال
ناخنہ جالا پھولا چھوڑ	چھوڑ اکھیں نوں جانوں دور
سائیں بخش حکیم شناسی	ایہ نسخہ لکھیا آزمائشی

## نسخہ پھولہ چشم

ہور ہک نسخہ بڑا عجیب	استعمال کرا طبیب
اس نوں لے بنا ضرور	پھولا چٹا ہووے دور



سبز توتیا ناخن ہاتھی  
پھٹکڑی نمک شیشہ رنگار  
توتیا ناخن کرے بریان  
کھل کرادے دارو ست  
پانی سارا خشک کرا  
نال سلائی اکھیں ڈال  
چالی روز اکھیں دج گھت  
مصری کوزہ نال بٹلا  
روز اکھیں دے دج نہ پاویں

تخم شرنہہ شورہ کرساقی  
ہر ہک ماشے دا مقدار  
دو لوں پھیر ملاو آن  
پانی پت شرنہہ دا گھت  
ڈال اکھیں مصری دج پا  
کر کچھ مدت استعمال  
پھولے دی جڑ سے پت  
سرچو نال اکھیں دج پا  
فاصلہ دو ترے روز کرا دیں

### نسخہ چشمہ نادان بال

چشمہ پوسے جیکر اکھ بال  
پھٹکڑی نمک شیشہ منگوا  
ترے ترے ماشے ڈال حکیم  
رسونت ہندی دی پت نیپال  
فجری اس توں کر کے صاف  
دودھ عورت دے نال گھسا  
کچھ مدت کر استعمال

ایہہ دوا کر استعمال  
چاکسو، جھگ سمندر پا  
ماشے ہک ملا انیم  
رات پوسا رکھ پانی ڈال  
میل دوا سمجھ بنھ شیان  
نال سلائی اکھیں پا  
کرے شغارب ذوا بجلال

### نسخہ پھولہ مجربہ

سچا تانبہ  
نیتو دا  
اکھویں رو  
سرچو نال

کاپی مصر  
ایہہ بھی نسخہ

بیٹ مرغ  
سرچو نال

شورہ نمک  
کھل کراتا  
جدادہ ہود

حب زنگاری  
غنیہ کلا

<p>تپا تانبہ جست منگا          زنبو دا پانی وچ گھت          اٹھویں روز کراویں خشک          سرچو نال اکھیں وچ گھت</p>	<p>چھنے کانی وچ گھسا          کھل کرا دھاڑے ست          رہے نہ پانی دا وچ مشک          جال پھول رہے نہ کت</p>
نسخہ چٹہ	
<p>کاپی مصری سبز کیس!          ایہ بھی نسخہ ہے آزمودہ</p>	<p>پیشہ کے ڈال دھاڑے بین          بزرگ شناسی دا فرمودہ</p>
نسخہ چٹہ	
<p>بیٹ مرغ دی خشک لیا          سرچو نال اکھیں نت پامے</p>	<p>عرق بیہوں گھت کھل کرا          چٹہ پتلا دت و نجادے</p>
نسخہ چٹہ و پھولا	
<p>شورہ نمک سبز کچ لے          کھل کرا تانبے دے نال          جدا وہ ہموے گا ہڑا آ</p>	<p>دزن برابر دارو ترے          عرق بتو چھنے وچ ڈال          رکھ ڈبی وچ اکھیں پا</p>
نسخہ حب زنگاری	
<p>حب زنگاری عجب دوا          سفیدہ کلر گوند زنگاری</p>	<p>دیوے پھولا سخت دغا          کیٹ سونے دی دارو چار</p>



عرق لیموں وچ کھل کرا	کر کے کھل شیاف بنا
گھس پانی وچ اکھیں ڈال	کر کچھ مدت استعمال

### نسخہ مجربہ پھولہ چشم

بُورہ جنت تانبے دا بُورہ	ہو دے چھ چھ ماشے پُورا
پُچی چینی سبز کچے	ہر یک ہوون ماشے تری
سبز توتیا لے رنگار	ہر یک ماشے دا مقدار
عرق زہو گھت شیشے ڈال	چار مہینے رکھ سمہال
اوسنوں پھیر کھل وچ گھت	کھل کرا دیہاڑے ست
کر کے اُس نوں مشل غبار	ڈبئی دے وچ رکھ سنوار
مصری کا پی نال رلا	سُرچو نال اکھیں وچ پا
جالا پھولا دَمَعہ سَبَل	ڈال اکھیں ہو جاون حل
خارش چھو ہووے دُور	رہے نہ اکھیاں وچ قصور
ضعف اکھ نوں دیوے نفع	دھند غبار ہو جائے رفع

### بیان مرض سلاق یعنی خورہ بال چشم

بال خورہ جد کرے ظہور	پادے اکھیں وچ فتور
کنارے چشم سخت ہو جاون	لالی جھمنیاں جھڑ جاون
بہن ہمیشہ آنکھوں جاری	وچ نظر دے پوے خواری
نسخہ ہر یک لکھاں لاثانی	مغرب میرے پاس نشانی
لے کے کانواں ٹوٹیاں میں	ساڑ چھنے کا نسی وچ پیس

کھن  
روز  
ترت  
اکھڑ

نسخہ  
کا نہ  
تانبہ  
مدبر  
سب  
ریت  
لد لے  
چھنے  
تانبے  
سُرچو

دو چھ  
اول  
اک

مکھن کچھ قدر قدرے دج پا روز چالی تک کھل کرا ترے ماہ استعماں کرا اکھڑے جھنپیاں دے وال	دستے تانبے نال گھسا مڑ ڈبی دج رکھ رکھا دیوے خورہ مرض دجیا اگن حکم خدا دے نال
---	---

### نسخہ مجربہ خورہ بال حشم

نسخہ بیان کراں ہک ہور کانہ پر دل توے پر ساڑ تانبہ سڑیا نال رلا مدبر چاکسو کتھ سفید سب دوا کر کے باریک ریت کورے بھانڈے لیا لد لیڈیاں دالے دھماٹاں چنے کانی دے دج گھت تانبے دے دستے دے نال مڑ مچو نال اکھیں نت پائے	جادے دکھ ٹھکانہ پھوڑ دو ترے تولے دا مقدار جست ساڑ کے لے دج پا ترے ترے ماشے ہراک دید دانگ غبار ہو جائے ٹھیک دو ترے ماشے پلے رلا چھ ست ماشے میلو ٹاٹاں کھل کرا دھارے ست گوکا گھوٹھوٹھا جیہا ڈال خورہ اکھ دا دکھ دجیا دے
--	--

### تعریف دھماٹاں لد خرو لیڈی شمشیر

دھج یا اٹھانڈے لیڈے اول تھاپیاں دے انگار اک چھ لد گدوں دی گھت	گلے مٹکے ہودن جیڈے ہاری دے دج کر تیار لیڈے ڈال اٹھانڈے وقت
---	--



مکھن نال بائی چوڑا چمڑے سیاہی بائی نال گنوں کر جاندے کانشی نال سب دوا اس دے وچ پا مڑا اس نوں اکھیں وچ ڈال جھنڈیاں دے اکھڑے وال ایہ نسخہ آزمودہ کار	باری نے موندلی مردا سرد ہووے تال لاه سمبال تھوڑا جیہا مکھن وچ ڈال اک ہفتہ تک کھل کر کر کچھ مدت استعمال مگن حکم خدا دے نال سائیں بخش کیتا کئی وار
--	--

### بیان مرض سبل

رگلاں اکھیں دیاں جاوون پھل رہے ہمیشہ پانی جاری دو ترے دفعہ مجلاب کرا اطریفل بنت کھوا صغیر تانیا سڑیا ماشے ست سفیدہ قلعی سمندر جھگ کالی چھڑ کیسر زنگار بک مگ نے ترے مریج سیاہ ست جوین ماشے ترے پا نال سلائی اکھیں ڈال دمعہ سبل بنجواں بال خودہ نظر آوے غلبہ خون	ہوون مریخ نہ سکن کھل آکھن اس نوں سبل بیماری ست ست دن دا فرق کرا سبل چشم نوں ہے اکیر میل پاندی ترے ماشے گھت ترے ترے ماشے پس الگ ترے ترے ماشے دامقدار ترے لونگ کر کے ہمراہ ترے روز تک کھل کرا کریں چلیہ استعمال دھن نہ اکھیں دے صبح بھورا مادہ خارج کرو زبون
---	---

نسخہ  
سڑیا  
اتاقیا  
سپا  
کامند  
تانبا  
سب  
کڈھ عرق  
عرق ل  
جد گاپ  
اکھیں  
مگ پیپ  
استعمال  
ناخوئے  
کمال بیار  
سڑیا تان  
ہرڈ سا

## نسخہ مجرب سبل و دمعہ چشم

نسخہ یاد مجرب آیا سڑیا جست ماجو بریان اقاقیا چاکسو کتھ سفید سپاری سڑی ہوئی زنگار کامنہ پردل توے پر ساڑ تانبا سڑیا لے دچ ڈال سب دوا کر کے باریک کڈھ عرق مقطر گدوں لہ عرق لہ اس سے دچ پا جد گا ہڑہ ہو جائے دوا اکھیں ڈال پانی دچ گھس مگ پیل نون خوب گھسا استعمال کرو اکھ دچ ناخنوں نون دیوے نفع	جس نون بہت دفعہ آزمایا پھٹکڑی پھل کرا دیں آن دانے بابرنگ گھت وید ہر ہک ترے ماشے مقدار تول وزن وچ تولے چار چھ ست ماشے کر کے خیال دانگ غبار کھل دچ ٹھیک نال پتال جنتڑے مبدھ ترے روز تک کھل کرا اس سے رکھ شیاف بنا سینوں دفعہ جادون سب نس وانگ سُرچو صاف کرا پانی نے سبل دا کھچ اندراتا ہو جادے دفع
--	---

## نسخہ مجرب دمعہ چشم

کراں بیان ہک عجب شیاف سڑیا تانبا جست لیا ہرڈ ساڑ ایہہ دارو چار	اکھیں کریں دمعہ تھیں صاف پھل پھٹکڑی نال ملا چھ چھ ماشے دا مقدار
--	---



گھت پوست پانی کھل کرا نال سلائی اکھیں ڈال	تریجے روز شیاف بنا کرو چلیہ استعمال
--	--

### نسخہ خارش چشم

جے اکھیں نوں خارش ہو ڈال اکھیں دھج جت گھسا یا ڈالو سرخ بھتل دا پانی	بہت دیر تک رہے کھلو یا قلعی شورہ دھج پا نہیں دوا کوئی اُس داثانی
---	--

### نسخہ رد اطفال

نسخہ کراں بیان یک ہو جیکر جوش آوے اکھ بال دو دانے گنک ہریڑ سڑا یک ما جو کر کے بریان پھنکڑی سڑی سمندر جھگ کتھ چاکسو نال ملا چونڈی اکھیں دھج گھتا لالی ہنچوں پیڑاں جوش	جوش دمہ جادون سب چھوڑ ایہ دوا اُس دے اکھ ڈال دھج کڑا ہی ریت سٹا سڑیا جت ماسخے ترے آن ترے ترے ماشے پیس الگ ترے ترے ماشے وزن تلا اوپر پت بکین بنھا راک دن ہو جادون غموش
---	--

### بیان ناخونہ چشم

ناخونہ جیکر پیدا ہوا شیشہ نوں پھنکڑی شورہ	دھج اکھ دے رہے کھلو لے دوا ترے بھورا بھورا
--	---

<p>نال سلائی اکھیں پا کر استعمال نہ رہے قصور اکھ وچ پھیر ناخون جا ہودے بہت پورا نہ سخت کٹ کیچنی دے نال پلا</p>	<p>س نبو وچ کھل کرا ناخون چٹے خارش دور سُرچو شیشہ نمک بنا ناخون کا ہڑہ بہت کرخت لکڑ کنڈے دے نال اکھا</p>
--	--

### بیان دَمعہ چشم

<p>آکھن اس نوں دَمعہ بیماری ماشہ دو کیس رطا اُس دے نال ملاؤ آن ترے ترے رتی میل حکیم فانگ بھار ہو جائے ٹھیک ہنجوں بند کرے فی الحال رتی نال رطا کیس دیوے ہنجوں دَمعہ دنجا</p>	<p>رہن ہمیشہ ہنجوں جاری دو ترے گشک ہر پڑھڑا ہک دانہ ماجو بریان خالص کیسر اصل اقیم پیہ توں اُس نوں خوب باریک نال سلائی اکھیں ڈال پچی چینی ماشہ رپیس کر باریک اکھیں نت پا</p>
---	---

### نسخہ دَمعہ چشم

<p>ہنجواں دَمعہ دنجاوے جب سنگ بصری اس نال رطا چار دوا ہک ہک شقال اکھیں ڈال نہ رہے آزار</p>	<p>نسخہ ہو ر ہک بڑا عجیب میل چاندی تانبہ سڑا پھٹکڑی سڑی ہوئی وچ ڈال کر کے اینوں مثل غبار</p>
--	--



## نسخہ دمعہ چشم

دیوے جلدی نفع خدا ترے ترے ماشے دامقدار نمک شیشہ تھوڑا جیہا پا ہنجوں دفع کرے تت کال پوست دا پانی وچ پا دمعہ اکھ نوں فیض پہنچاے	کراں بیان ہک ہور دوا جست ساڑیا پھل انار نخم ہریڑاں ترے سڑا کر باریک اکھیں وچ ڈال سیل تے زرد ہریڑا گھسا نال انگل اکھ تے نت لاسے
--	---

## بیان ضعف بصر

بہت نظر جاوے کم ہو ضعف بصر ایہہ جان آزار سُرخی اکھیں رہے کھلو سرور رہے منہ نمک پیشانی وچ عقل دے پوے زبان جو کال الا کتال پکھواڑ کر سب گندہ خون صفا پیوے قصدوں بعد شتاب پاپڑا دھنیا میل ضرور مصری ڈال کر استعمال دیہہ ملین اُس نوں کو	جیکر ضعف اکھیں نوں ہو نظر آوے سب دھند غبار ضعف بصر جے دموی ہو بہت رہے سرور وچ گرانی چیتا پھل بادے نیسان مٹھے دچوں چھڈیں نار سرور دا قصد کرا شریت کرو تیار غلاب مونڈی بوٹی صندل پور بنفشہ نیلوفر وچ ڈال جیکر قبض بخم وچ ہو
--	---

سفیدی پھٹکڑی پھل کرا  
 زرد ہرڑتے چھل انار  
 دو ماشے نئے مشک کافور  
 ترے رتی کیسر پنج افیم  
 بے دارو کھل کرا  
 انار دانہ ہندی رس لیا  
 رات پانی دج رکھ پوسا  
 سب دارو اس سے دج ڈال  
 لپ پین کر ڈبی دج رکھ  
 پانی ضعیف ہووے سب دوا  
 جے گرمیوں ضعیف اکھیں نوں آوے  
 پیلا چہرہ تلخ دہان!  
 قبض ہے معدے دے دج  
 نال ملیں سرد جلاب  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 بکری دا دودھ لے کے تازہ  
 پیوے مصری ڈال نہار  
 چھٹی پھٹکڑی قلمی شورہ  
 سرد چینی لے کے دج پا  
 لے کچلون چنگا دج گھت  
 ہودنے داست مشک کافور

چاکسو، جھگ سمندر پا  
 چھ ماشے دا مقدار  
 ترے ماشے دج ڈال کپور  
 شامل کر اس نال حکیم  
 گھت کپڑے دے دج چھنا  
 تول تول وزن تول  
 فحری کل پین صاف کرا  
 کرتوں اس نوں کھل کال  
 گھس پانی دج پانویں اکھ  
 ہے نہ اکھیں دج قصور  
 رنگ اکھیں دا زرد ہو جاوے  
 سکی خشک نال زبان  
 گرمی کرے اکھیں نوں بھ  
 خارج کر صفرا شتاب  
 روز ہمیش پلایا کر  
 ادھ سیر پکا دج اندازہ  
 گھیو گو کا کھاوے بیار  
 جھگ سمندر گوشت خون  
 تانبہ سڑیا نال رلا  
 ترے ترے ماشے دا دست  
 پنج پنج رتی ڈال ضرور



انار دانہ لے تو لے چار  
فجری کل پُن صاف کرا  
جد پانی تولہ رہ جا  
کر کے کھل بنا شیاں  
سبب برودت بلغم باد  
سرد دماغ جدوں ہو جاوے  
ضعف سبب مواد فضول  
ہنجوں رہن ہمیشہ جاری  
بلغم مُنضِج نال پکا  
معجون فلاسفہ جے نت کھاوے  
کحل روشنائی اکھیں ڈال

پانی دج گھت رات گزار  
دیگی دے دج ڈال جوش  
گھت دوا سب کھل کرا  
کرے نظر اک دن صبح صاف  
ضعف بصر دا پوے فساد  
ضعف قوت مغز نزل آئے  
طرف اکھیں دی کرے نزل  
پوے نظر دے دج خواری  
دو ترے چار جلاب کرا  
ضعف بصر نوں فیض پہنچاوے  
ضعف بصر جاوے فی الحال

### صفت کحل روشنائی

شادخ تانبہ سڑیا لے  
شحم حنظل مگ مرج سیاہ  
مصبر میل چاندی رنگار  
کیسر چار رقی دج پا  
کرو نہایت بہت باریک  
نال سلائی اکھیں ڈال  
ضعف بصر نوں دیوے نفع  
اندھراتا اچھہ، خارش جھاڑے

ہر یک ہون ماشے ترے  
بورہ ارمنی کر ہمراہ  
ہر اک ماشے دا مقدار  
دارو بستے کھل کرا  
کچھ دانگ ہو جاوے ٹھیک  
کچھ مدت کر استعمال  
اکھیں تھیں کرے سب دفع  
اکھیں تھیں کر جان کنارہ

نسخہ کر

اُس

ضعف

سکے

پھٹکے

سرد

کافور

کھل

تر پھل

ایہہ

فجری

گھس

نیپال

چھ

نیلا

پیس

انار دا

## نسخہ برود چشم

نسخہ کران بیان ہک میت اُس دا نام برودہ کافور ضغف بصر نون دیوے نفع سکہ! جھگ سمندر لیا پیشکڑی دج بلا سفید سرد چینی تے شورہ لے کافور، نیلا تھو تھا بریان کھل وے دج خوب لپسا ترچلہ پوست برگ حنا ایہ پنج دارو رات پوسا نخری تل پن صاف کرا گھس دستے جست لے نال	کرے گرم اکھ توں میت ضغف کرے صفراوی دُور سجوں دھند کرے سب رفع تانبہ سڑیا نال ملا! چمٹہ سرمہ ڈالو وید ہراک ہودن ماشے ترے پنج پنج رقی میلو آن کپڑے دے دج گھت چھنا انار دانہ دھنیا دج پا چھ چھ ماشے وزن تولہ میل دارو سب کھل کرا کر کے خشک اکھیں دج ڈال
---	--

## نسخہ سُرخی چشم

نپال ہلد پیشکڑی بریان چھ چھ ماشے سب دوا نیلا تھو تھا کر بریان پیس دوا سب کر باریک انار دانہ تے برگ حنا	رسوت، چاکسو میلو آن افیم ترے ماشے دج پا ماشہ ہک ملا ڈ آن سرمے دانگ ہر جادون ٹھیک اک اک تولہ رات پوسا
--	--



فجری تل پن کر کے صاف گھس پانی دج اکھیں پاے اس دا نام شیاف رمانی	میل توام کر بنھ شیاف لالی ہنوں جوش دنگاے لے نہ ضعف دی ذرہ نشانی
---	---

### نسخہ دھند و غبار چشم

سبب جے ضعف بصر آزار سرمہ مکھی سرمہ سیاه میل سونے دی لے دج ڈال سنگ بصری سچی چینی لے کیسر پنج رتی دج پا گاہڑہ کر کے بنھ شیاف	ہو دے اکھیں دھند غبار سٹریا جست کرو ہمراہ شادنج تانبہ سٹریا نال ہر یک ہوون ماشے ترے عرق گلاب دج کھل کرا ڈال اکھیں رب کرے معاف
---	--

### نسخہ مجربہ سرخی چشم

دھنیاں ہندی دانے انار پھٹکڑی رس اُس نال ملا رات پانی دج تر کروا ترے ماشے دج ڈال ایم ہو دے گاہڑہ جدوں توام پانی نال شیاف گھسا جیکر مرض پورانی ہو ڈالو ایہہ شیاف جزورہ	دو دو تولے دا مقدار چھ چھ ماشے وزن تولہ فجری تل پن صاف کرا کراچھی دے دج کاہڑ حکیم اُس دے بنھ شیاف تمام سرمہ نال اکھیں نت پا سرخی اکھیں رہے کھلو سرخی جوش ہو دے سب دور
---	--

## بیان مرض اندھرتا

اندھرتا مرض اک بُری آفات  
 دینہ اس سب کچھ نظری آفے  
 رطوبت دھیری وچہ لطیف  
 کثافت دھیری وچہ جد آوے  
 حرارت سُورج والی گرم  
 رطوبت جد پتی ہو جائے  
 کلیجی بکرے دی منگوا  
 گھیو دے نال توا چو پڑا  
 نرم نرم ہیٹھ اگ جلا  
 کلیجی خوب جدوں پک جائے  
 مگ نون پیہ کے کھل کر  
 ڈالو اکھیں رنت ضرور  
 کلیجی بکرا کر بیان  
 روغن سونف اکھیں رنت پا  
 کر رنت ایس نون استعمال  
 صابن کالی مرچ گھسا  
 عرق پیاز دھ شہد ملا  
 دو ہفتے کر استعمال  
 سیاہی نیچہ حقہ لیا  
 نظر بند ہو جاوے رات  
 رات ہووے اندھا ہو جائے  
 سردی اُس نون کرے کثیف  
 رات نظر بند ہو جائے  
 کرے رطوبت گاہڑی نرم  
 سب کچھ اس نون نظری آفے  
 چیر اس دے وچ مگ پک پا  
 کلیجی اُدپر توے دیکا  
 دونوں طرفاں خوب پکا  
 پانی اُس دا مگ پی جاوے  
 چار رتی کیسر دھ پا  
 مرض ہووے اندھرتا نقد  
 اُس نون رنت کھواڈ آن  
 پتال جنترے نال کڈھا  
 کرے شفا رب ذدا بجلال  
 پانی رنت اکھیں دھ پا  
 سُرمو نال اکھیں رنت پا  
 شکوری جاوے فی الحال  
 سُرمو نال اکھیں دھ پا

بیات  
 ہاے  
 نشان

غبار  
 سمراہ  
 یا نال  
 نے ترے  
 کرل کر  
 معان

مقدار  
 ن تولا  
 صاف کر  
 ہر حکیم  
 تمام  
 رنت پا  
 سب دور



## نسخہ مجربہ اندھراتا

مغرب ایہ نسخہ لاثانی	دج قرا بادین یونانی
چھ ماشے سونف سداب	گھوٹ پانی دے دج شتاب
کپڑے دج گھت صاف کرا	کڑھی دے دج خوب جوشا
جد گاہڑ ہو جاوے دوا	ترے ماشے لگ پیس بلا
پنج ست روز ڈالو دج اکھر	جلدی فائدہ لیں پرکھ

## در بیان روز کوری

اندھا دینہ سو جا کا شام	کہن دوندی اس دا نام
دینہ نظر بند ہو جاوے	رائیں سب کچھ نظری آئے
گریوں سر نوں چڑھے بخار	نظر آوے سب دھندو کار
کڑھو مغز کدو دا تیل	سر توں لہو گوکا گکیو میل
بھٹانکی مکھن فجر کھوا	شام پلا دودھ مصری پا
بنفشہ شربت رب انار	نت پلاؤ وقت نہار
ترے ماشے سرد چینی منگوا	چھ ماشے قلعی شورہ پا
ہک ماشے لے مشک کافور	پیہ سب ڈال ہووے دکھ دور
بنفشہ ، نیسلوفر منگوا	نقوع کر مصری ڈال پلا

## بیان پڑوال چشم

جے پیدا ہوں اکھیں دج وال	کہن حکیم اس نوں پڑوال
--------------------------	-----------------------

پانی و  
دائیں  
سبب  
نل  
سبب  
نسخہ  
حکیم  
کارش  
کہے  
چام  
ناخن  
مردار  
دو ترے  
پیس  
موجے  
کر

نسخہ  
سونا  
تانا

سوتیاں دانگ چمن پڑوال  
کرن اکھیں نول ڈا ہڈا تنگ  
اکثر مرض ہودے ایہ عام  
طرف پلک مے گردا جا  
کرن تباہ اکھیں بد حال  
بزرگ شناسی دا فرمودہ  
مشہور شناسیاں دیج تمام  
ایہ نسخہ اس دی بخشیش  
دفع ہو جادون سب پڑوال  
بگل حکمت کر اس نول ساڑ  
بگل حکمت کرو ساڑ وادونیں  
پچھ چھ ماشے سب دوا  
ساڑ توے پر کرو سواہ  
کر نول اس نول دانگ غبار  
نال سلائی اکھیں ڈال  
دفع ہو جادون سب پڑوال

پانی دگے ہودے اکھ لال  
دانگ اکھوئیں مارن ڈانگ  
سبب رطوبت فاسد خام  
زل کے بلغم نال سودا  
سبب سودا چمن پڑوال  
نسخہ پک رکھاں آزمودہ  
حکیم گھنڈی اس دانام  
کار شناسیاں دیج رئیس  
کے کوئی ایسنوں استعمال  
چام چٹھ پک بیاؤ مار  
ناخن گدوں گھوڑا دونوں  
مردار سنگ بھی نال ملا  
دو تریے پرے زانغ سیاہ  
پیس کھل دیج خوب سنوار  
پوچنے نال پٹو پڑوال  
کر کچھ مدت استعمال

### نسخہ پڑوال چشم

ہندوستانوں لکھیا آیا  
نیلا تھوٹھا ساڑ نیارہ  
بجست ساڑیا لے دیج ڈال

نسخہ ہیر لکھاں آزمایا  
سونا کھتی سونا پارہ  
تانبہ ساڑ و گندھک نال

یو تانی  
شتاب  
بجوشا  
پیس بلا  
پرکھ

نام  
آئے  
ندوکار  
میل  
سی پا  
تہار  
رہ پا  
دکھ دور  
ن پلا

پڑوال



وزن برابر چھ دوا  
سبز توتیا کر بریان  
تورل ہک اجواٹن پوسا  
سکہ پارہ سبز توتیا  
پانی سب جوین ونج ڈال  
جد گا ہڑھا ہو جاوے صاف  
پہلاں پٹ سٹوپڑوال

ہر اک ترے ترے ماشے پا  
ماشے ہک بلاؤ آن  
فجر می کل کے صاف کرا  
پہلاں ایہ ترے کھل کرا  
کرو دوا سب کھل کمال  
رکھو اس سے بندہ شیاف  
گھس پانی دے اکتیں ڈال

نسخہ پرڑ وال حتم

نسخہ ہموں آزمودہ کار  
گٹھ ٹاکی ممل منگوا  
دو تولے گندھک آملہ سار  
ہک پاسے ٹاکی گندھک دھوٹ  
بتی دیوے روج جلا  
کلی محوک دھکن لٹکا  
سماہی نال تے سرپوش  
پہلاں لے پڑواں پٹا  
کیسر رتی چار یا  
کرو طلا پٹ کے پڑواں

پڑ وال واسطے کرو تیار  
تیل کوڑے وچ تر کروا  
وچ کھرل گھت پس سنوار  
بٹی وانگ پلیٹ ضرور  
تیل تھوڑا جیہا وچ پا  
سیاہی ڈھکن نال لگا  
نال عقل دے نیں غروش  
ادہ سیاہی اکھتیں پا  
رتی دو کافور ملا  
مڑ کے پھیر نہ جمن وال

بیان موتیباہشتم

موتیا بند مرض دا نام  
 اُس نوں کمین نزول الملو  
 موتیا بند جاں کرے ظہور  
 جد قوت قائم رہے دماغ  
 جد ضعف قوت مغز نوں آئے  
 پردے ست اکھیں دے پین  
 چوتھے پردے اُتے تُوڑ  
 جد پلوے عفونت سرے فرج  
 قوت کرے اکھیں دی مات  
 پانی موتیا کرے نزول  
 جے پانی ردی اُتر آئے  
 چمداں قسماں موتیا بند  
 نیلا زرد یا سبز سیاہ  
 نشتر اوس نہ ہرگز لا  
 جیکر مادہ سالم ہو  
 ہودے اس دا رنگ سفید  
 دستکاری اس دیوے نفع  
 سفید پانی جے ہودے کچا  
 جب تک نظر نہ ہودے بند  
 نشتر اس نوں کرے زیان  
 سفید موتیا جد پک جاوے

بند کرے اوہ نظر تمام  
 طبیاں دے وسیع کل حکماء  
 گم ہو جاوے اکھیں دا نور  
 نظر اکھیں رہے مثل چراغ  
 نور اکھیں والا کلاوے  
 کل حکیم سیانے کمین  
 موتیا اوتھے کرے ظہور  
 مغز نہایت ہودے رنج  
 دفع نہ کر سکتی فضلات  
 سبب ضعف اکھ کرے قبول  
 نور اکھیں دے نوں کھا جاوے  
 سب بیمار اک دے دینج جند  
 کرن اکھیں دا نور تباہ  
 نیڑے اُس دے مول نہ جا  
 دھیری تے چڑھ رہے کھلو  
 دستکاری اس دی کر دید  
 کرے مواد فاسد سب دفع  
 چنگی طرح نہ ہودے پکا  
 رکھیں یاد نصیحت پند  
 ہو جاوے اکھ دا نقصان  
 دستکاری بھین دفع ہو جاوے



موتیا شروع ہوتے جد آ  
جیکر اس دا کریں علاج  
سبب ضعف دا کرد معلوم  
طبع موافق کرد دوا  
کرد عفونت مغزوں دور  
توت اس دی مغز پہنچا  
دیہ بنت سیویاں چرب پلا  
دارو سخت نہ اکھیں گھت  
جاہل لوگ عوام الناس  
آکھن ہوئی دھند غباری  
دھند غبار نہ ہوسے دفع  
دارو گھت گھت کرن خراب  
موتیا بند جد ہوسے شروع  
داغ کرد کنپٹیاں روچ  
رکھ کنڈی نون اوپر آگ  
چگل طرح پکاؤ داغ  
یا نال دوائی ڈالو محل

اُس دا جھبڈے کردوا  
پہلے اس دی سمجھ مزاج  
نال علامت جیویں رسوم  
دیوے جلدی رب شفا  
خلط موافق نال شعور  
مقوی مغز دوا کھوا  
گیو دودھ حلوا خوب پکا  
رکھیں یاد اسادی مت  
موتیا بند نہ کرن شناس  
نہیں کوئی سانون ہور بہاوی  
کوئی دوا نہ دیوے نفع  
آخر اکھیں دین جواب  
کنپٹیاں نون کر مقروح  
ے شروع پانی نون رچ  
داغ کرد دو طرف الگ  
قائم اس دے رہن چراغ  
دفع مواد ہو جائے کل

### تعریف گل دوائی

نصف دانہ لے جو لوٹا  
سل تے کوڑ گھت گھسا

ہوسے تازہ فریہ موٹا  
بم سبز توتیا نال پلا

کنپٹیاں  
کنار  
پنجویں  
دن

نسخہ  
شروع  
جیکر  
سر  
دل  
ش  
ریز  
ضعف  
دکھ  
صفرا  
چٹا  
مغز  
مغز  
پست  
تور

کپٹیاں گوہے نال ادچھا سناریاں تے گل گھس لا پنجویں، چھبویں لے اتار دن وچ دوتے پھاپے لگا	رُوس آلودہ کرے چھڑا چار روز تک تھوک لگا زنت لگا گوکا گھیبو ساڑ دیوے جھبے زخم چھڑا
---	--

### نسخہ مجربہ مقوی دماغ جگر

نسخہ کراں بیاں لاثانی شروع موتیا دیوے روک جیکر ایہ دوا کوئی کھائے سرے سارے دکھ تمام دل گردیاں نوں دیوے نفع شناسی ایستوں بہت کماؤ ریزش نزلہ کھنک نزل ضعف دماغوں ہووے دوا دکھ پُرانے جاوَن ہو مغزادی، دموں مرضاں سب پٹا زہرہ سونف مٹکا مغز اکھروٹ فندق ناریل مغز تخم غریبوزہ لیا ہستہ مغز کدو بادام لڑا لاپٹی دانہ ڈال	تازہ پیدا کرے جوانی دوتن بہت شناسی روک موتیا نیڑے مول نہ آئے نسن استھوں چھڑ مقام کرے جگر دیاں مرضاں دفع ہر یک دکھ وچ نفع اٹھاؤن سے پٹ اد نہاندی مول رہے نہ سر وچ ذرا قصور رہن بدن سے وچ کھلو جاوَن ہو مسافر جھب دھنیاں دے لے مغز کڈھا چلنوزہ مغز، سندوانہ میل مغز کھیرے کھمڑی وچ پا پنج پنج تو لے وزن تمام سٹ دوا سب رکھ دے تھال
--	--



کشتہ منگا موتی سیم  
 جڑ مونگا لا جورد عیق  
 کشتہ سونا لے وچ ڈال  
 ترے ترے ماشے کشتے سب  
 سیر پکا مصری منگوا  
 سیر پکا لے ماہاں دی ڈال  
 فجری ہستیاں نال ہلا  
 ڈنڈے کونڈے وچ گھت  
 سیر پک پکا گھیسو لے آن  
 سمٹی سمٹی اگ جلا  
 رنگ اس دا جب ہونے لال  
 کراہی دے وچ سب دوا  
 بھانڈے چینی دے وچ ڈال  
 وزن اسدا ہے تو لے پنج  
 جدوں کوئی ایہہ نسخہ کھاے  
 فاصلہ دے کے وچ دوا  
 جس خلط دا زور زیادہ  
 کر ایہہ نسخہ استعمال  
 جگر ناتھ حکیم شناسی  
 ادو حکیم نامی مشہور  
 ملک وطن اس دا کشمیر

فولاد ماریا میل حکیم  
 چند روزہ وچ ڈال تحقیق  
 سرد بھنگ بھی ہووے نال  
 وچ دوا ہلاڈ بھب  
 گٹ کے مصری نال ہلا  
 رات پوسا پانی وچ ڈال  
 چھلکے اس دے ددر کرا  
 بہت باریک گھوٹا دیں وت  
 دال اس دے وچ کر بریان  
 دال نوں چچی نال ہلا  
 جلد اوتار دوا سب ڈال  
 گھت کر چھی دے نال ہلا  
 نال حفاظت رکھ سمہال  
 ترے سو سٹھ دنجاے سنخ  
 دوترے چار جلاب کراے  
 چودھویں روز جلاب کرا  
 خارج کر کے اس دا مادہ  
 ہون سب دکھ خواب خیال  
 ایہہ نسخہ اس دا آزمائشی  
 علم شناس اندر بھر پور  
 شناسیاں حکمت وچ پیر

ایہہ  
 نسخہ  
 لے  
 کرے

چھ ما  
 نشا  
 دو

زخم  
 ریم  
 مرہم  
 پھوڑا  
 پیپ  
 ایہہ  
 شمس  
 تونہ  
 سڑی  
 نیل

ایہ نسخہ اس تھیں مظهر نسخہ ہور مثال طلسم لے کے تخم دھتورہ سیاہ کر کے کھل اکتیں وچ پا	کرے پڑائے دکھ سب دھ سفید نرول الماء ہر قسم تخم نیل کر کے ہمراہ دیوسے فوراً نفع دیکھا
---	---

### بیان قرحہ چشم

چھ ماشے قلعی سفیدہ یا نشاہتہ کلر گوند افیم دو ماشے تانبہ سڑیا ڈال	میل چاندی ترے ماشے پا دو دو ماشے میل حکیم پیہ کر رت استعمال
---	---

### بیان ناسور چشم

زخم قرحہ اک نام ناسور ریم رہے اس تھیں رت جاری مرہم کراں بیان آزمودہ پھوڑا کنہ زخم گھنیر پیپ رہے جس تھیں رت جاری ایہ مرہم کوئی روز کماے سکھ گدوں دا تولے دو تور بڈی گاندی ساڑ سڑی سی، چم کن سواہ نیل تھوٹھا کر بریان	پاس کو آ اکھ کرے ظہور کاگ نہند اس کن بیماری خاص شناسی دا فرمودہ پورا نا قرحہ ناسور شریر ہوں طبیب علاجوں عاری ہوس فضل رانی پادے گل حکمت کر ساڑیا ہو زرد کوڈیاں ساڑو چار چھ چھ ماشے کہ ہمراہ کندر گوشت خورہ آن
--	---



مردہ سنگ کتھ پھل انار ہر اک ترے ماشے مقدار کہ بار یک کھل دج پا دارو سب اس دے دج میل پنڈ دوا اس دے دج ڈال خوب ہتھاں دے نال گھا کر کے جدا ڈپی دج ڈال پاک ریم ساری کر دور آلودہ مرہم کر چمڑا ٹماکی تازہ ہور لگا کرے شفا رب جل جلال	صبر سفیدہ کنکن کھار پھٹکڑی رسپور زنگار اسٹھی کر کے سب دوا دس تولے رٹھائے نیل سیر پانی گھت اندر تھال تیل پانی دے دج رٹلا چمڑے تیل ہتھاں دے نال دب انگل دے نال ناصوہ ٹماکی مہل دی کترا اٹھویں پھر پکھوں بدلا ایسے طور کر استعمال
---	--

### نسخہ ناصور چشم

گوشت خورہ صبر زنگار کوار گندل دج بنہ شیاف گھس پانی دج ڈال ضرور پھلاں دے ناصور دھوا نر شادر صابن پانی ڈال	دم الاغویں کندر گلنار کر کے پانی اس دا صاف دو ترے قطرے دج ناصور کہ پچکاری صاف کرا کہ پچکاری استعمال
--	---

### بیان ناصور جاڑیہ

سفیدہ قلعی مردہ سنگ بیا چونہ سپنی ساڑ رٹلا
---

چھٹ

کن  
نعم  
فائدہ  
عاجز  
بخش  
رنگباہج  
کن  
بول  
بجے  
بجے  
بالکل  
پکڑدہ  
سدہ

ہک ہک تولہ دارو تھ  
روغن السی دج جلا  
پیہ سب دوا دج میل  
جاڑیے پر ہر روز لگا  
پٹن جیہا علاج نہ کو

چھٹانک تیل السی دالے  
بر آدمی دے بال منگا  
سپ گنج نول ساڑ دج تیل  
گھونہ کر مرہم دانگ بنا  
زرد داہڑے دج بے ہو

### بیان امراض گوش

یعنی کان

پیدا کیتے رب لطیف  
دیون لطف حیاتی ساری  
آون ناہیں دج شمار  
باہجہ کتاں دے مثل حیوان  
سمجھن، سخن کلام زبان  
دیون خوشی ہووے روح تازہ  
دانگ سودائیاں پھرے حیران  
بندہ مثل ہو جاوے کندہ  
طرش، وقرتے صمم ہے  
اس نول بولا طرش پچان  
اس دا نام دقر مشہور  
کن صمم اس دانشمند  
سدہ اس نول کرے کشیف  
دج سنائی پوسے نعل

کن اعضاواں دج شریف  
نعمت بخشش رب دی بھاری  
فائدہ کتاں دج ہزار  
عاجز ہو جاوے انسان  
بخشیا رب کتاں نول شان  
رنگ برنگی سنن آوازہ  
باہجوں کتاں دے انسان  
کن جدوں ہو جاوے بند  
لول کتاں دے درجے ترے  
جے تھوڑا جیہا ہووے نقصان  
جے دج سنائی بہت قصور  
بالکل کن جے ہووے بند  
پرودہ کن دا بہت لطیف  
سدہ لے پردے نول کل

انار  
مقدار  
دج پا  
میل  
ڈال  
گسا  
ڈال  
دور  
چمڑا  
لگا  
جلال

گلنار  
صاف  
صوبہ  
کرا  
تعال



یا ہووے مادہ خاص سودا  
 سوداوی خشک مواد کرخت  
 سودا سدہ یا سرد ریا  
 کدھ عرق مقطر گدوں لہ  
 بابونہ، ردغن میلونال  
 بول کتاں نوں دیوے نفع  
 روغن ہرمل ردغن سیر  
 گلیاں تھوم دیاں پنج ست  
 ڈال کتاں دے دھج ضرور  
 تازہ دانے ہرمل لیا  
 کپڑے دھج گھت صاف کرا  
 گھٹن مصری فجر چٹا  
 نشاستہ ترے تولے منگوا  
 پنج تولے گوکا گھیٹو ڈال  
 ایہ حریرہ روز پکا  
 بے بول کتاں دا ہووے تازہ  
 ہووے اس دا گرم مزاج  
 شربت شیرہ سرد دوا  
 ردغن کدھ مغز بادام  
 قطرہ قطرہ کن دھج ڈال  
 سرتے مالش خوب کرا

کرے فساد کتاں دھج آ  
 پرے کرے کتاں دے سخت  
 گرم ردغن گھت کر اصل  
 نال پیتال جنتر دی بدھ  
 قطرہ قطر کن دھج ڈال  
 گھٹن کن ہووے ریک دفع  
 بول کتاں نوں ہے اکیر  
 ساڑو تیل مسھے دھج گھت  
 ہووے بول کتاں دے دور  
 تیل مسھے دھج گھت سڑا  
 قطرہ کتاں دھج چوا  
 گھیٹو دووہ اس نوں شام  
 پانی دے دھج خوب پکا  
 مصری گھت کر استعمال  
 کر کے ٹھنڈا سرد پلا  
 تھوڑا بہتا سنے آواز  
 کر توں اس دا سرد علاج  
 طبع موافق روز پلا  
 سرکہ اس دھج ساڑ تمام  
 کریں جب استعمال  
 بنفشہ ردغن آپ پلا

پرا  
 کتاں  
 گرم  
 تنقیہ  
 بدھا  
 اس

جیکر  
 سبب  
 سبب  
 جے  
 ردغن  
 ردغن  
 روغن  
 ہوو  
 رقی  
 دووہ  
 یا  
 سبب  
 دھج

پُرانا سرکه تیز مٹکا کٹاں دھج بنت کرد قطور گرم خشک نہ دیہ کوئی چیز تنقیہ طبع موافق کر بڈھا ہووے یا مولود اس دا مٹول نہ کریں دوا	مٹل روغن دھج گھت سڑا ہووے بول کٹاں دا دور ایہہ رکھیں یاد تیز دو ترے دفع نہ ہرگز ڈر کرے دوا نہ اُس نوں سود ضائع محنت نہ ہو دنیا
--	---

### بیان درد گوش کان

جیکر درد کٹاں دے دھج سبب درد دا کرد صحیح سبب صفرا یا دموی مادہ جے سادہ گرمی دیوے زور روغن ڈال کٹاں دھج سرد روغن مغز کدو بادام لو لکھ آیا یاد عجیب ہووے درد نہایت سخت رقی قدر افیم گھسا دودھ عورت دے دھج ملا یا چاول قدر افیم ضرر سبب درد دا جیکر رتخ دورہ کرے ریاحی مادہ	ہووے کرے نہایت زح پھوڑا پھنسی درد یا رتخ درد گوش یا ہووے سادہ پاوسے درد نہایت شور ہووے دفع کٹاں دا درد بنفشہ روغن ڈال تمام دیوے لفع درد نوں مجب اُس نوں دفع کرے بکھت ساڑ توے پر کرد سواہ قطرہ ہک کٹاں دھج پا دودھ عورت دھج کرد قطور کرتوں چنگی طرح صحیح ہووے تھوڑا کدے زیادہ
--	--



شعلہ مار کرے جھڑناٹ  
 ہودے خاص ہے سرد ریاہ  
 شراب روغن گل وچ ملا  
 دانے حریل تخم سداب  
 قطرہ کٹاں وچ چوا  
 دو ترے قطرے ڈال شراب  
 درد گوش ہے خاص ریاہ  
 تیل مسھے وچ عقوم جلا  
 پانی مولی دا کدھوا  
 جد سارا پانی سڑ جاوے  
 ایہ روغن تڑت کٹاں وچ ڈال  
 باہونہ گل پوست خشخاش  
 جیکر پھنسی کرے آغاز  
 درد کرے کٹاں ہے وچ  
 جب تک مادہ پھنسی خام  
 جب پھنسی پک کے پھٹ جائے  
 گل روغن سرکہ میل سڑا  
 سبب درد دا جیکر مادہ  
 مادہ فاسد دودھ کرا  
 سبب درد ہے خون کثیر  
 بنی جیکر ہوس مزاج

کٹاں ہے وچ پوسے گھولناٹ  
 گرم روغن گھت کراصلار  
 قطرہ کٹاں وچ چوا  
 تیل مسھے وچ سار شتاب  
 گرد کٹاں مالش کرد  
 دیوے فائدہ بہت شتاب  
 ہودے جلدی مال رانی  
 دو ترے قطرے کن وچ پا  
 تیل مسھا گھت کے پکوا  
 دو ترے قطرے کن وچ پا  
 درد گوش جاوے فی الحال  
 جوشا شکور کرے دوساں  
 مشکل جاوے سنی آواز  
 ہودے بہت طبیعت زہ  
 آدے کے نہ وقت آرام  
 درد تھیں جلد آرام اس آئے  
 قطرہ کٹاں وچ چوا  
 ہوندا جاوے بہت زیادہ  
 جیہڑ غالب نظری آ  
 مسھے وچوں چھٹو سیر  
 تنقیہ جہا نہیں ہو رعنا

سبب  
 درد  
 اول  
 پچھوں

پیدا ورم  
 طرف باہ  
 ورم زور  
 روگی رو  
 صفرا یا  
 سبب  
 سر بھارا  
 صفرا مو  
 کرے طب  
 جیکر  
 جد دیوے  
 گوہر یاں  
 بہت  
 مسھے

سبب صفرا ہے ہوسے درد	شریت اوس پلا رت مرد
درد مواد سودا سبب	کر مرطوب طبیعت جھب
اول خارج کر مواد	جس دا وچ مزاج فساد
پچھوں اس دی کر تعدیل	طبع موافق مرض علیل

## بیان ورم گوش

پیدا ورم ہوسے وچ گوش	جاوے بھل دماغ ہوش
طرف باہر یا کتال وچ	کرے روگی نوں ڈاڈا نیچ
ورم زور کر سر نوں پاڑے	مارے موذی درد کوڑے
روگی رو رو حال وچلے	راتیں دینہیں آرام نہ آسے
صفرا یا دوسری مادہ گرم	پیدا کرے کتال وچ ورم
سبب ورم دا جیکر خول	نال ہوسے صفرا زبون
سر بھارا درد تراٹا مارے	رل صفرا لہو نوں ساڑے
صفرا موذی جد کڑا زور	بلغم خون ہو جاوے شور
کرے طبیعت اس نوں دفع	طرف گوش دی ہوسے دفع
جیکر مادہ سالم ہو	خول ورم بن رہے کھلو
جد دیوے گندہ خون ابال	چہرہ سرخ ہو جاسے لال
گوہریاں سرخ اکھیں ہو جاون	نشان خول دی نظری آملن
بہت لہو دا جیکر زور	کھول سراوہ فصد پنوڑ
سٹے وچوں مارا کھکا	کتال تپکے جوکاں لاء



کر توں اس دی قبض کشا  
 کدو مغز بادام ملا  
 تول تول دزن تول  
 شامل اس ہے کرد پیوند  
 کر کے صاف شتاب ملا  
 دھنیاں صندل بُو ملا  
 دارو سب اکٹھے کر  
 دانے اٹھ آلودج گھت  
 فجری مصری ڈال ملا  
 جوش خون جادے فی الحال  
 زائل کرے اُنہاں نوں مجب  
 یک یک رتی وزن حکیم  
 کشاں پچھے کرو طلا  
 تول گل روغن روچ پا  
 سڑ سرکہ رہ جائے تیل  
 قطرہ قطرہ کن روچ پا  
 ہے کن دے روچ کرے فساد  
 کچا مادہ خوب پکا  
 بلغم خارج کرو شتاب  
 کر رہ سخت نہ ہو دے نرم  
 ڈال بادام روغن روچ میل

ملین گھوٹ گھوٹ ملا  
 بنفشہ کاسنی سونف منکا  
 سناہ کئی پنج ایہ دوا  
 تول پنج خالص مخلقتند  
 گھوٹ کوٹھے شیرہ کدھوا  
 مونڈی بوٹی برگ خا  
 بنفشہ انبل نیلوفر  
 ترے ترے ماشے دادرست  
 رات پانی روچ رکھ پوسا  
 ترے ہفتے کر استعمال  
 صفراوی خونی مرضاں سب  
 کیسر مشک کافور انیم  
 گل روغن دے روچ ملا  
 تول سرکہ تیز منکا  
 آگ تے رکھ دوں نوں میل  
 شیشی دے روچ گھت رکھا  
 کچا مادہ بلغم باد  
 پہلاں اوس منفعی کروا  
 دو ترے دار اس کرو جلاب  
 سوادی مادے دا ہے ورم  
 گل روغن باجونہ تیل

کرمانش تیل رستھا کر گرم  
 سبب دم بے خاص ریاح  
 کالی زیری یب کرا  
 کچلہ پانی دے دج گھس  
 ایک دی جڑھ دی چھل یا  
 تخم اسی میتھی منگوا  
 ایہ دوا پکا دے دم  
 بے باہر طرف کتاں دے دم  
 طرف دم دی کرو دھیان  
 کس مادے تھیں پیا فساد  
 جیکر مادہ خونی ہو  
 رنگ دم دا ہوئے لال  
 شربت روز غناب پلا  
 پاپڑ، دھنیاں، صندل، بڑ  
 غناب، ہریٹیاں زرد سیاہ  
 کر کے پانی دج نقوع  
 بے صفرا دی ہووے مادہ  
 رنگ دم دا ہووے زرد  
 دھنیاں، پیسک، آٹا جو  
 گھوٹ پانی دج کر ضاد  
 پڑ بنھ جواہری باٹ

سخت دم ہو جائے نرم  
 گرم پڑ بنھ کر اصلاح  
 سرکے دے دج خوب گھوٹا  
 کرو طلا رتج جائے نس  
 گھوٹ کونڈے دج یب کرا  
 کڈھ لعاب کتاں دج پا  
 پیسہ پوسے ہو جائے نرم  
 ہووے یا کوئی پھوڑہ گرم  
 کرو تمام معلوم نشان  
 داخل اس دج کون مواد  
 جوہاں باہجہ علاج نہ کو  
 دیوے گندہ خون ابال  
 خون گندہ سب کرے صفا  
 مونڈی، بوٹی، ڈال ضرور  
 بنفشہ، نیلوفر، سمراہ  
 دو تھوے ہفتے رکھ شرع  
 سرکن سوزش بہت زیادہ  
 مارے سخت تراٹاں درد  
 بنفشہ وزن برابر ہو  
 کرے خداوند دج فساد  
 پک دم جادے جھب پاٹ



ہووے جیکر مادہ سرد  
 رنگ سفیدی مائل درم  
 پردے لے کتاں دے کل  
 جے بلغم دا ہووے زور  
 نمک کٹ درڑا کروا  
 مٹھا تیل پوسے پر پا  
 پوٹلی بنھ کر گرم ٹکڑ  
 نمک چھکنی کا پھل پت کیر  
 ست لونگ پنج مرچ سیاہ  
 کٹ پیس کر دیہ فسوار  
 اسی تخم بابونہ گل  
 گھوٹ پانی دج کر منہاد  
 جے صفرا بلغم دل خون  
 کالی زیری سرک لیا  
 پانی آٹا گھیو ملا  
 گھت کر چھی دے دج پکا  
 جیکر درم کتاں دے دج  
 میتھی اسی کڈھ لعاب  
 طرف باہر دی سخت جے درم  
 اسی میتھی خوب گھوٹا  
 پانی گھت پٹلس پکوا

پھوڑہ درم کرے کم درد  
 ہووے بہت نہایت درم  
 دج سنائی پوسے غل  
 اُس نوں مسہل نال توڑ  
 چھان کنک دا نال بلا  
 ہیٹھ توے دے اگ رکھا  
 دیوے درد ریاحی توڑ  
 یک یک تولہ لے دج گیر  
 نال اُنہاں دے کر ہمراہ  
 ہووے سرد ریاح فرار  
 میتھی وزن برابر کل  
 جاوے ہو تحلیل مواد  
 کرن پیدائش درم زبون  
 گھوٹ درم دے اوپر لا  
 نمک تھوڑا جیہا دج پا  
 ایہ پولش نت بنھا  
 طرف اندر دی دیوے کچھ  
 نیم گرم کر ڈال شتاب  
 پٹلس بنھ کر اس نرم  
 آٹا دج کنک دا پا  
 پٹہ درم آتے بنھوا

ج  
 ت  
 م  
 ج  
 م

کن  
 ریم  
 کن  
 ماہ  
 کن  
 پچھوا  
 اینو  
 جے  
 مجرب  
 کنڈر  
 کرے  
 توڑ

جب یک جادے مادہ خام ترے دن خلف کنوار بٹھا تا پھٹ جائے دم شریہ گر صابن تے لون ملا موند زخم دا جادے کھل جد خارج ہودے ریم تمام مڑ گولا گھیسو ساڑ لگا	بن جادے کل ریم تمام چونہ سبکی لون ملا نہیں تاں نال نشترے پیر موند زخم دے اوپر لا نکلے فاسد مادہ کل اوسے اوسے وقت آرام دیوے جھبے زخم چھوڑا
---	---

### بیان قرح گوش

کن تھیں پیپ دسگے تے ریم ریم رہے کن تھیں نت جاری کن دچوں آدے بدبو ماء العسل تے گوشت خورہ کن دے دچ پیکاری لا پھول گھت روغن بادام ایویں روز قرح کر صاف جے کر قرح پورانہ ہو مغرب نسخہ کھاں لاثانی کنڈر اتر روت زنگار ترے ترے ماشے سرکہ شہد تور گل روغن دچ پا	قرح گوش اس کن حکیم دچ سنائی پوسے خواری! نیرے دھک نہ بیٹھے کو کر کے نیم گرم اودھ تھوڑا موندھا کر سر نول اٹا جس دچ سرکہ سرطیا عام کرے قصور خداوند صاف بہت مدت تک رہے کھلو بہت پسند مفید یونانی ہر اک ماشے دا مقدار ترے ماشے گھت موم سفید پیہ کر چھی دچ گرم کرا
---	---



مرہم بٹی نال لگا لے سواگر ساڑ سفید قطرہ قطرہ کن دھج ڈال گوشت خورہ شہد ملا ریم کن دی کرو صفائی قرحہ گندہ حد ہووے صاف اس تھیں بعد روغن بادام	قرحہ کن دے دھج لگا حل کر بس بنو دھج وید کرے صفا قرحہ فی الحال بٹی کن دے دھج لگا ہودے جلدی نال پائی کرے قصور خداوند معاف کناں دے دھج ڈال مام
--	---

### بیان کرم گوش

جد گندہ ہووے درم قرحہ حرکت کرن کیرٹے بد ذات درد نہایت پاوے زور پت آڑو دے خوب گھوٹا قطرہ قطرہ کن دھج ڈال مصبر سرکے دھج گھسا ایہ نسخہ ہے بڑا مفید پانی تھیں افسستین ڈنڈے گوندے دھج گھوٹا کرکے صاف کناں دھج گھست نخل جاوون جد کرم تمام جے ڈالیں تازہ پودہ پانی	ہوون کرم کناں دھج شرمہ کناں دھج پاوون سرلاٹ کیرٹے کرن کناں دھج شور کرکے کیرٹے دھج صفا مرن کیرٹے ہوئی کے بد حال قطرہ قطرہ کن دھج پا کیرٹے اس تھیں مرن پلید گھست کناں دھج نال یقین پانی تھوڑا جیہا ملا کیرٹیاں دی جڑ دیوے پٹ پکھول گھست روغن بادام نہیں دوا کوئی ایس دانتانی
--	---

۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲- ۱۳- ۱۴- ۱۵- ۱۶- ۱۷- ۱۸- ۱۹- ۲۰- ۲۱- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶- ۲۷- ۲۸- ۲۹- ۳۰- ۳۱- ۳۲- ۳۳- ۳۴- ۳۵- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۳- ۴۴- ۴۵- ۴۶- ۴۷- ۴۸- ۴۹- ۵۰- ۵۱- ۵۲- ۵۳- ۵۴- ۵۵- ۵۶- ۵۷- ۵۸- ۵۹- ۶۰- ۶۱- ۶۲- ۶۳- ۶۴- ۶۵- ۶۶- ۶۷- ۶۸- ۶۹- ۷۰- ۷۱- ۷۲- ۷۳- ۷۴- ۷۵- ۷۶- ۷۷- ۷۸- ۷۹- ۸۰- ۸۱- ۸۲- ۸۳- ۸۴- ۸۵- ۸۶- ۸۷- ۸۸- ۸۹- ۹۰- ۹۱- ۹۲- ۹۳- ۹۴- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹- ۱۰۰-

دیون چاہڑ کیڑیاں سولی  
ایلو میل پنہ روں بوڑ  
کیڑے باہر آون تہ کال

شیرہ پیاز تے مشیرہ مولی  
آڑو دے پت گھوٹ پھوڑ  
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال

## بیان طنین گوش

کھنسی، پھڑ وائگ دراز  
اُس نوں کن طنین حکیم  
دوی اس نوں کن سیانے  
یا ریح کن دھ کرے فساد  
کر کے حل کناں دھ پا!  
گل روغن دے نال ملا  
کہ کچھ مدت استعمال  
رات پوسا دھ رکھ خراب  
گل روغن دے دھ ملا  
ہو دے زائل سرد طنین  
نہیں دوا کوئی اُس دے تل  
ہو دے دفع مراد شتاب  
جا کناں دھ کرے فساد  
مالش مرتے کر دھام  
بہت مدت کر استعمال  
استعمال کراویں ٹیک

کناں دے دھ نئے آواز  
ہو دے سخت آواز مہین  
گھراٹ چکی جیون پس دانے  
جیکر ہو دے سرد مراد  
کیسر دھ شراب ملا  
شیرہ کٹ پیاز کٹھا  
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال  
بوندہ افستین سداب  
غری مل پُن صاف کرا  
ڈال کناں دھ نال یقین  
کر مالش تیل بابہ گل  
طبع مرافق کرو جلاب  
بے صراوی خاص مراد  
روغن مغز کدو بادام  
قطرہ قطرہ کن دھ ڈال  
دو تکرے چار چھینے تیک



ہودے زائل مرض کینین دور ہودے موزی صفرا کرد رطوبت نال تعدیل ڈالو کتاں دج مدام شام پلا دودھ مصری پا رہے نہ کتاں دج قصور گریاں پنچ بادا ماں دید فجرے کوٹے دج گھوٹا نت کھواؤ ہفتے ست تنقیہ کرو موافق مادہ	ہفتہ وار کرو تیلین بزوری شربت سرد پلا بخشک مزاج بہت علیل بنفشہ روغن یا بادام کھن گوکا فجر کھوا خشکی مغزوں ہودے دور دو توے نشی سس سفید رات پانی دج رکھ پوسا ہک چھٹانک کھن دج گھت جے کر ہودے غلط زیادہ
--	---

### بیان خون گوش

یا کوئی ہور مواد زبون قطرہ قطرہ کن دج پا! سر کے دے دج گھت پکا ہودے خون بند فی الحال نال قصد کڈھ خون زبون انہی کا سنی کر ہمراہ مصری ڈال پلا شتاب	جے کتاں تھیں آدے خون مازو سر کے دج گھسا تازہ چھل انار منگا قطرہ قطرہ کن دج ڈال نظر جے آدے فاسد خون نیلو فرتے آلو سیاہ بنفشہ دانے میل غلاب
---	---

### بیان تعریف بینی

<p>بینی ہے چہرے دا نشان  بینی ہے اعضاء لاثانی  بینی دے وچ خاص تیز  خوشبو ہووے یا بدبو  بند جے ہووے بینی دارا  بینی سر دی خدمت گار  راہ بینی دے سرد ہوا  جدوں ہوا مغز نوں جلا  ہون سوراخ جے بینی راس  جے سوراخ نہ رہن درست  کرو دُعا اگے رب باری  یا رب کریں گناہ معاف</p>	<p>زینت کل انسان حیوان  بخشش فضل کرم سبحانی  بو تھیں کرے شناخت چیز  بینی باہجہ نہ سمجھے کو  فعل مغز سب ہون تباہ  کڈھے مغزوں باہر بخار  طرف مغز دی پہنچے جا  روح نفسانی فرحت پائے  قوت قائم رہے حواس  کل حواس ہو جادون سُست  جس پیدا کیتی خلقت ساری  راہ بینی دے رکھیں صاف</p>
---	---

### بیان مرض رُعاف نکیر

<p>نک تھیں خون چلے یا سیر  گندہ خون آوے یا صاف  خون نال تیزی صفرا  سر وچ خون ہو جالے شور  پھٹ جادے رگ چلے سیر  روز بکراں چلے جے خون  تپ والے نوں دیوے نفع</p>	<p>کہن حکیم ہندی نکیر  حکیم یونانی کہن رُعاف  جدوں سڑے سر دے وچ جا  دیوے باہر طرف دی زد  طاقت بدنی کرے ظہیر  ہودے گندہ بہت زبون  کرے مادہ موزی اوہ نفع</p>
---	--



اس نون ہرگز بند نہ کر  
 اکثر دھچ تپ دے بھراں  
 جیکر خون بہت گھٹ جائے  
 بیشک اس دا کرو دوا  
 نسخہ خوب لکھاں نکیر  
 سفید پھٹکڑی پھل کرا  
 کالا سرمہ دارد چار  
 جیکر ہووے خون زیادہ  
 پچھوں شربت دیہہ عناب  
 پا پڑا صندل بڑ سفید  
 رات پانی دھچ کرد فقور  
 جے صفرا کرے اس تنگ  
 خرف کاسنی گھوٹ پلا  
 جے خشکی کر جادے زور  
 مکھن گوکا فجر کھوا  
 جے بہت کرے نکیر فساد  
 پھل کلاب تے صندل بڑ  
 گھٹ پانی گوندے دھچ گھوٹلا  
 دساں نسخہ فائدہ مند  
 کافور افیم مابو گھٹا  
 دسمہ پانی دھچ گھوٹا

بند کرنا دھچ بہت ضرر  
 ہووے تک بھیس خون دھچ  
 ضعف طبیعت بھٹکڑی آئے  
 دیوے اس نون رب شفا  
 مارے دھچ نشاے تیر  
 مابو پھل انار ملا  
 پیہہ کے دے ناسیں نسوار  
 قصد نال کر خارج مادہ  
 صاف ہو جائے خون خراب  
 مسندی دے پت ہونڈی دید  
 مسری ڈال کراؤ شروع  
 ہووے زرد چہرے دارنگ  
 سیکنجیں نون نال بلا  
 دساں دارو اس دا ہور  
 بکری دا دودھ شام پلا  
 سبز مسٹے تے کرو ضماد  
 دھنیاں کاسنی مشک کافور  
 مسٹے چوٹی لیپ کرا  
 کرے خون ساعت دھچ بندلا  
 پیہہ کے پھونک ناسیں نسوار  
 سبز مسٹے تے مسوار کرا

نسخہ  
 نکیر  
 کافور  
 کندر  
 پانی  
 قطر  
 پلایا  
 گوما  
 تاسا  
 تخم  
 صفت  
 رات  
 پا پڑ  
 جھ  
 کر  
 افیم  
 پھل  
 تاسا  
 سر  
 پانی

نسخہ ہور نکھان نسوار  
 نکسیر نہایت دیوے نور  
 کاغذ پھٹکڑی، ہرے دال  
 کندر، مارجو، پھل انار  
 پانی بہ گدوں دا کڈھ  
 نظرہ تاساں دج چڑھا  
 پلایاں بازو گھٹ بھاؤ  
 گوا، مارجو، لے پخوڑ  
 تاساں دے دج بت چڑھا  
 تم کدو، خشخاش سفید  
 صندل بوریہ، سرسہ سیاہ  
 راتیں بت نسوار چڑھا  
 پاڑا، دھنیاں، نیلوفر  
 بچہ چھ مائے دا مقدار  
 کر کے پانی دج لتورج  
 انیم چوتھائی رتی کھا  
 پھل پھٹکڑی لے کرا  
 تاساں دج نسوار چڑھا  
 برتے پانی سرد دگاؤ  
 پانی دے دج نیل گھسا  
 سرد پانی دج غوطے دے

کئی دفعہ آزمودہ کار  
 فائدہ کرے دوا نہ ہور  
 ساڑو ترے توے پر ڈال  
 کر باریک دیوہ نسوار  
 مشک کا فور دیوہ دج مدھ  
 ہودے اُسے وقت شفا  
 برتے پانی سرد دگاؤ  
 پیسہ رول اس دج بوڑ  
 دیوے دھک نکسیر دجا  
 شیرہ کڈھ پلاؤ دید  
 مشک کا فور کرد ہمارہ  
 مر کے خون نہ ہرگز آوے  
 بوریہ صندل شامل کر  
 وقت رات ایسہ داند چار  
 مصری ڈال رکھو بت شروع  
 ایسہ بھی فائدہ ترے پہنچے  
 قدرے نال انیم ہا  
 دیوے جلدی اثر دکھا  
 گاجنی مٹی لپ کر  
 مٹے چوبی لپ کر  
 دگدی ترے نکسیر ہٹکے



اٹھاں دی جت لے توں ساڑ جالا لکڑی، مٹرمہ سیباہ ایہہ بھی پیہہ کے دیہہ نسوار اسبقول مہر کے دج تہ	چنگی بھر ناساں دج چاہڑ سیباہی توہا کرو ہمراہ فائدہ بخشے بے شمار کر کے یسپ مسٹھے دج کر
--	--

### بیان ورم بینی

ورم بینی جد کرے قیروطی ہودے بند بینی دا راہ مواد بے ہودے دموی گرم سراو دا فصد کرا سیباہ سوداوی ورم کرخت صفرا نال سڑکے سودا قیروطی جلدی نال بنا حل روغن دج موم گلا لعاب بنفشہ خطمی ڈال گرم خشک بے ہودے ورم ورم گوش دا جیویں علاج نفع اخراج ضماد طلا	بدل جاوے چہرے دا نور فعل دماغی ہون تباہ مارے سخت تراٹاں ورم ورم بینی تے جوکاں لا ہودے پتھر دانگ بے سخت ورم کرے بینی دج جا ورم بینی تے روز لگا چربی بکرا نال طلا کرے قیروطی استعمال کرے قیروطی اس نوں نیم کرد اٹھائیں سمجھ مزاج جس لائق اودہ کردا راہ
---	---

### نسخہ قیروطی مرطبہ

بنفشہ خطمی تخم کتان	پھل گلاب نیلوفر آن
---------------------	--------------------

دو دو  
فجرے  
پا  
لے  
مسطی  
قوام  
ایہہ

رطوبت  
حرکت  
دگے  
درد  
مجرّب  
آرود  
چاہڑ  
ملون  
دونوں  
دو تہ  
تھاں  
مصیبت

رات پانی گھٹ رکھ پوسا  
نیل پین صاف لعاب کڈھا  
گھٹ کر ڈا ہی شہ دھج میل  
کر کے گرم میلو دھج وید  
چھوٹی چھوٹی نال ہلا  
جلدی نال کر ڈا ہی لہوے  
سخت ورم نرم ہو جاوے

دودھ تولے قدر دوا  
بجے دیگی دھج جو شہا  
پاک پکتا مٹھا تیل  
لے دودھ تولے موم سفید  
مٹھی مٹھی اگ جلا  
قوام قیرو ملی تے جد آوے  
ایہ قیرو ملی جے نت لاشے

### بیان کرم بینی

پیدا ہوں کرم زبون  
بینی دھج پورے سرلاٹ  
ہو دے بدبودار زبون  
اوکھا ہو دے بہت بیمار  
مر کے ہوں کرم سب نانی  
پنبہ رول دا اس دھج روڑ  
کرم بینی دے ہوں فنا  
بینی دھج نسوار چڑھا  
تیل مٹی رول نال لگا  
مر کے کرم آون سب باہر  
گھوٹ پانی دھج دارقین  
قطرہ ناساں دھج چڑھا

رطوبت بینی کرے عفون  
حرکت کرے کیرے دن رات  
دگے بینی تھیں گندہ خون  
درد نہایت کرے لاچار  
جرب نسخہ رکھاں یونانی  
آڑو دے پت گھوٹ پچوڑ  
چاہڑ ناسیں ہنگ کر ہمراہ  
لمون ترسا کو ہنگ پسا  
دونوں ناساں بند کرا  
دو تہے روز کرو ایہ کار  
نمال پودنہ افسنتین  
مکتر خور ا جیہا ملا



ناسیں پھونکو ہنگ کا فور  
 ایلا ہنگ تماکو لیا  
 گھوٹ پانی دج کر پچکاری  
 یا پانی دے تال رطا  
 مڑکے ہمدون کیڑے مڑدار  
 ایرنا گوبا خوب گھوٹا  
 تاسیں دیہ اس دی نسا  
 لہ گدوں دا پانی ڈال  
 ایلا خوب باریک کرا  
 پیہہ روں سے تال لگا  
 مشک بری سے پت سنگھاڑ  
 ایہ بھی کرم کرے قلام  
 جد کیڑے نک سے مر جادون  
 گل روغن کر استعمال  
 دیوی اس نوں نرم غذا

ہمدون کرم بینی سے ددر  
 ماشہ ماشہ وزن سکا  
 اسدے جیہ نہیں کوئی کاری  
 بشی تاساں دج چڑھا  
 آون جلدی باہر دار  
 پیہہ کے کیڑ چھان کرا  
 دیوے کرم بینی سے مار  
 کیڑے باہر آون تت کال  
 پانی پت میم دج بلا  
 دواں تاساں دج چڑھا  
 یا پانی کڈھ کے ناسیں لاڈ  
 باون کیڑے پھوڑ تمام  
 مڑکے باہر نکل سدھا دن  
 مشک کا فور بلاٹیکے تال  
 گھنٹہ گوکا دج بہت رطا

### بیان قرح بینی

بے بینی قہیں چھوڑ جائے  
 جادے قرح پراتا ہو  
 آزمایا ہوا عجب دوا  
 چار توڑے گل روغن لیا

قرح بینی ادھ مرض سداے  
 نک دچوں آوے بدو  
 دساں بننے رب شنا  
 موم تور گھت گرم کلا

ڈال  
 بادام  
 بنفشہ  
 گوکا  
 تراوت  
 چربی  
 قدرے

سبب  
 پیدا  
 دوسرے  
 طرف منہ  
 ہونہ پھل  
 دارو پہنچ  
 دو ہفتہ  
 اور کچھ  
 بکری کا  
 کائو سدا

چھ ماہ تک کر استعمال کر استعمال دوہاں نوں میل ترے ماہ استعمال کرا سرے مالش بنت کرا جاوے چھوڑا چھوڑ مقام گھٹیو گوکا وچ ڈالو دید نال بٹی کر استعمال	ڈال ڈٹی وچ رکھ کمال بادام روغن تے کوڑا تیل بنفشہ روغن موم ملا گوکا مکتن فخر چٹا تراوت اس نوں کرو ملا چربی بکرا موم سفید قدرے گوشت خورہ ڈال
---	--

### بیان مہکے بینی

مہکے تک وچ کرن فساد فعل دماغی ہوون وچ کرن سوراخ بینی سے بند روح نفسانی غوطے کھاسے میل بھی وچ کنگن کھار بٹی ناساں وچ چڑھا دفع کرے مہکے سب گال کرے مہکے بینی سے دور دو ترے دفع اس نوں آریا جمال گوڑ دا پچھ لگا	سبب خون یا ہور مواد پیدا ہوون بینی وچ دوسے جہوں انہاں وچ گند طرف مغز دی ساہ نہ جاسے چونہ پھٹکڑی تک زنگار دارو پیہ سب شہد ملا دو ہفتے کر استعمال ہور پک کرو علاج ضرور بکرہ کار حکماء فرمایا تاو اُتے گل لگا
---	---

گل گڑے تاو سے وچ  
مہکے نے بینی سے کھج!



## بیان خشم بینی

خشم مرض پیدا جد ہو  
 ہو دے جس بینی معدوم  
 شامہ قوت وچ نقصان  
 سڑ خلط کوئی رہے کھلو  
 یا کوئی بحرانی گند  
 یا سوداوی خشک مواد  
 سڑ یا ہو یا سودا کرخت  
 یا خون گندا بینی صفرا  
 سبب سڈے دا کر دریافت  
 سڈہ خون جے نظری  
 سبب جیکر سڑ یا سودا  
 بنفشہ روغن دی نسوا  
 مادہ موزی کر مطلوب  
 سرتے مالش بنت کرا  
 سبب غلیظ جے بلغم ہو  
 سبب جے مویکے ویم خراج

بینی سونگہ نہ سکے بو  
 بو ہر چیز نہ کرے معلوم  
 غلطی سڈہ کرے زبان  
 ایس سبب نہ آوے بو  
 کرے جس بینی دن بند  
 بینی دے وچ کرے فساد  
 کرے بینی دے پٹھے سخت  
 یا بلغم کرے غلیظ جما  
 کر کے چنگی طرح شناخت  
 اول اس دا قصد کرا  
 یا سبب موزی صفرا  
 دیہودینہ وچ دو ترے وار  
 تا حاصل ہووے مطلوب  
 روغن کدو مغز کدوا  
 تنقیہ جیہا علاج نہ کو  
 مرض مطابق کرو علاج

## بیان مرض عطشہ

عطشہ مرض ہاں کرے ظہور

بینی دے وچ پوسے قوت

چمڑ  
 سبب  
 مجر  
 دو  
 رات  
 کمقن  
 مصر  
 کچھ  
 محل  
 قطرہ  
 گرم  
 جے  
 نشا  
 تولہ  
 نشا  
 مصری  
 کر کے  
 اطرینیل  
 دلیہ  
 لکھی  
 بنفٹہ

چڑھے مغز جد گرد غیا  
 سبب ہے ہودے نزلہ شود  
 مجرب کراں بیان دوا  
 دو تولے خشکاش سفید  
 رات پانی دج تر کروا  
 کفن ڈالو تولے چار  
 مصری دو تولے دج سٹ  
 کھمدت کر استعمال  
 کھل روغن دی مالش کر  
 قطره ناساں دج چڑھا  
 گرم پانی دے کرو فطول  
 بے کر تینوں ہودے لوٹ  
 نشاستہ تازہ تولے ترے  
 تولے مغز بادام لیا  
 نشاستہ پانی دج پکا  
 مصری ڈال تولے دج چار  
 کسے سرد ہریرہ سرک  
 ارفعل بنت کھوا کشنیز  
 دلیہ گندم سرکے غذا  
 کھنکھریاں گرد غبار  
 روغن مغز بادام

پچھل لین نہ دیون وار  
 آون پچھاں دے کے زور  
 دیوے عطسہ مرض و غبا  
 مغز بادام تولے گھت دید  
 فخرے کونڈے دج گھوٹا  
 رگڑو ڈنڈے نال سنوار  
 وقت نہار صبح اٹھ چٹ  
 دیوے عطسہ مرض نکال  
 دن دج دو ترے دفعہ نہ ڈر  
 نیم گرم کتاں دج پا  
 طبع ہے اس دی کرے قبول  
 دساں عجیب ہریرہ ہور  
 چار مغز تولے ہک لے  
 گھوٹ نشاستہ دج بلا  
 ڈیڈھ چھٹانک گوکا گھو پا  
 کاہڑ ہریرہ کرو تیار  
 دفع کرے نزلے دی کھرک  
 اسدے جیہ نہ کوئی چیز  
 گھیو وافر اس دے دج پا  
 سرد ہوا تھیں رہے فرار  
 مالش سرتے کرو بادام



## بیان صفت زبان

<p>واہ قدرت خالق سبحان          ہر ہر عضوے دج خدا          صفات جہڑیاں دج زبان          ہر اک مطلب کار جہان          کل احکام جو دین اسلام          لذت لطف سواد ہر چیز          زبان عطا کیتی رب باری          سوال جواب آواز کلام          ہنر فن کل علم جہان          لکھ لکھ شکر کرد رب باری</p>	<p>افضل عضو کیتی زبان          پیدا کیتا فعل جدا          تاہیں اس دا حد بیان          پورے ہووے نال زبان          دیوے خبر زبان تمام          ہووے نال زبان تمیز          ہر حاجت دج دیوے یاری          رنگ برنگی مزہ طعام          تاج سارے بین زبان          جس ایہ نعمت بخشی بھاری</p>
--	--

## بیان ورم زبان

<p>سون پوے جے دج زبان          پہنچے وقت غذا تکلیف          طرف درم دی کرو دھیان          کہ معلوم ہے ورم زبان          سرخ ہووے چہرے ارنگ          قصد چار بند دا چھوڑ          رس ہرڈ دا کریں غرارہ</p>	<p>آکھن اُمس نوں ورم سان          قوت کرے زبان ضعیف          کس مادے دا ہے نقصان          دسوی آون نظر نشان          قصد کرن تھیں ذرا نہ سنگ          پچھوں کریں معالجہ ہو          ورم زبانوں کرے کنارہ</p>
---	--

پا پڑا  
 دو تر  
 جے ص  
 سوز  
 دھنیا  
 کرے  
 بنفشہ  
 اسبغ  
 کاسنی  
 ساعت  
 ہو ر  
 جے بل  
 منہ  
 میٹھی

کپڑے  
 ڈالو  
 دو تر  
 کرے  
 خشکی  
 تازہ  
 غرارے

گھوٹ پانی وچ شیشی گھٹ  
 غرارے کرو درم دے کھج  
 چہرہ زرد نہایت گرم  
 تلمنی سکتے حلق دہن  
 سرکہ مُشک کافور ملا  
 وضع ہو جاوے درم زبان  
 بہیدانہ میل لعاب کدھا  
 گھٹ گھٹ منہ دے دھج رکھا  
 دھنیاں میل شیرہ کدھوا  
 گھٹ گھٹ ایسے طرح ملا  
 دفع ہووے موزی منقرا  
 پولا بہت نہایت نرم  
 لگے تریہ نہ ہرگز آب  
 گل بابونہ گھٹ جوشا  
 گودا انبلس ملا  
 کرو غرارے فجرے شام  
 بلغم بادی ہووے دور  
 ہووے کرڑی سخت زبان  
 ہرگز میل نہ آوے ٹھک  
 گودا انبلس ملا  
 دیوے درم زبان آتا

پا پڑا ہندی نم دے پت  
 دو ترے دفعہ دھاڑی دج  
 جے صفراوی ہووے دم  
 سوزش خشی وچ زبان  
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا  
 کرے غرارے دارو چھان  
 بنفشہ خطمی تخم پوسا  
 اسبغول لعاب ملا  
 کاسنی کا ہو خرنہ لیا  
 ساعت مونہ دے وچ رکھا  
 ہور شربت شیرہ سرد پلا  
 جے بلغم تھیں ہووے دم  
 منہ تھیں جاری ہے لعاب  
 میسقی اسی تخم کدھا  
 کپڑے دے وچ صاف کرا  
 ڈالو وچ روغن بادام  
 دو ترے کرو جلاب ضرور  
 کرے سودا جبکہ نقصان  
 خشکی تھیں منہ جاے سُک  
 تازہ گوکا دودھ چڑا  
 غرارے کرو ترے دینہ چار

زبان  
 مجدا  
 بیان  
 زبان  
 تمام  
 تمیز  
 یاری  
 طعام  
 زبان  
 جاری

سان  
 ضعیف  
 نقصان  
 نشان  
 سنگ  
 ہور  
 کنارہ



<p> بہنفشہ روغن مغز بادام  مکھن گوکا فجر چٹا  جد خشکی ہو جائے دُور  کدھ پیلک الی دالاب  مغز فلوں عرق بادیان  سرکہ میل گلاب داعرق  سرکہ عرق گلاب ملا  کرد غارے دینہ تے رات  نوشادر مازد کرد باریک  اُتے کو زبان مام  بہیدانہ تے اسبقول  غارے ہر دم کرد ضرور </p>	<p> مٹنہ وچ رکھ صبح تے شام  مصری کھوڑی جیہی ملا  رہے نہ وچ زبان قصو  کر لیاں کر اس نال شتاب  مل کے کرد غارے چھان  کر لیاں کر جھب ہو دے فرق  کھوڑا جیہا نوشادر پا  درم زبان جھب ہو دے بات  سرکہ نال ملاؤ ٹھیک  آوے اُسے دقت آرام  کدھ لعاب مصری وچ گول  درم زبانوں ہو دے دُور </p>
---	---

### بیان ثقل زبان

<p> زبان کسے دی ہوئے بھاری  مشکل ہووے پیون کھاون  صاف نہ نکلے سخن کلام  اکثر وچ بیماریاں سخت  وچ فالج بقوہ استرخاء  تمدد مرض تشنج وچ  مادہ انتقالی بحران </p>	<p> بولن وچ نہ دیوے یاری  دقت بولی دے اڑے زبان  ثقل لسان مرض دانام  ایہہ آزار ہو بے کم بخت  یا وچ تاپ طاعون دبا  یا گھ اس نوں گئے کھج  داخل ہووے وچ زبان </p>
---	---

جس مرض دا ایہ دوکھ عرض  
 سبب موافق کرو دوا  
 کرد شناخت طبع مزاج  
 مادہ گرم یا خشک مواد  
 خشک رہے یا علق دبان  
 مادہ خشک جے ہووے گرم  
 بنفشہ روغن کلو مدام  
 ہر جیلے اس کر تبرید  
 خرف کا ہو تخم خیار  
 گھوٹ پانی دج مصری ڈال  
 شربت نیلوفر دا لیا  
 میل دونوں ہر روز پلا  
 شیرہ مغز کدو بادام  
 آتش جواں دی بنت پلا  
 سرد مواد جے بلغم باد  
 ہووے ڈھلی سست زبان  
 منہ تھیں دگدا ایہ لعاب  
 دوترے اس نوں کرو جلاب  
 عطر قرا سنڈھ مرچ سیاہ  
 رائی پودن لے دج ڈال  
 کرد غرائے دینہ تے رات

کرنا اس دا دارد فرض  
 دج علاج نہ پوسے خطا  
 نال علامت جیویں رواج  
 بلغم خون یا کرے فساد  
 ہووے کرڑی سخت زبان  
 نال مالش روغن کرزم  
 یا کل بنت روغن بادام  
 شربت شیرہ سرد مفید  
 دھنیاں کاسنی داروچار  
 کرد غزائے استعمال  
 استعول دا لعاب کڈھا  
 صفراوی دیوے مرض دجا  
 مصری گھت صبح دیہ شام  
 بادام روغن مصری دج پا  
 دج زبان جے کرے فساد  
 بولن دا نہ ہوس تران  
 دارد اس دا کرد شتاب  
 ہووے بلغم دفع شتاب  
 لونگ جعفر مک کر ہمراہ  
 ترے ترے ماشے مک آبال  
 ثقل زبان ہووے جھب مات

م  
 ملا  
 مو  
 ب  
 ان  
 ق  
 پا  
 ت  
 ب  
 ام  
 بول  
 دور  
 ری  
 بان  
 نام  
 بخت  
 ن دیا  
 سمجھ  
 زبان



دستاں نسنہ ہورامول دار چینی مگھ مرچ سیاہ عقتر قرحا گھٹ کٹ دوا ڈال ماکھیوں وچ جب بنا زرہ زرہ کر چتھ لنگھاوے سونف انیسوں تخم کتان تخم کرفس ماشے دو گھٹ ماشے پنچ ملٹھی ڈال نل کے پن کے عصار کرا ہفتے دو جوشاندہ پیوے ماء العسل اس بنت پلا یا حلوا بیضہ کرے غذا گندہ خون جے کرے زبان دونوں ناڈاں زیر زبان	دل زبان دے دیوے کھول لونگ جعفر سُنڈھ کریمہ دو دو توے دزن کٹا گولی مٹہ وچ بنت رکھا ہودس صحت رمانی پائے چھ چھ ماشے میلو آن مویز منقیا واسے ست کٹ دوا سب خوب ابال دو توے وچ شہد پلا فضل خدا تھیں چکا تھیوے کیوترہ تتر سرخ کھوا تھیو گوکا دافر وچ پا ہودس بھاری سرخ زبان جائز اس وہ فصہ پچان
--	---

### بیان سوزش زبان

کڑا لے ہمیش وہان گھٹ گھٹ مٹہ دے وچ رکھا تخم کھیرہ خرفہ گھٹ عام دودھ بکری وچ گھٹ پلا بھو قدرے مصری وچ کھول	مڑکن جیکر وچ زبان دھنیاں گھوٹ کافور پلا مغز تخم کدو بادام صاف شیرہ کر مصری پا لعب ملاؤ اس بخول
---	--

سکے  
گوک  
ہود

جیک  
لعا  
ریش  
غوا  
لعا  
جیک  
بنف  
کھٹ  
جو

چالی  
کاہ  
نیر  
کھٹ  
گوک  
نیلو  
لسو

کنجیں اس رت پلا	شیرہ کاسنی نال پلا
گوکی لسی بہت پلا	بکری دا دودھ مصری پا
ہور شربت شیرہ سرد نقوع	رکھ ہمیشہ اس نول شروع

## بیان عشق زبان

جیکر جاوے پاٹ زبان	مشکل ہووے پیون کھان
لعاب بہیدانہ اسبغول	رت پلا مصری دچ گھول
ریشہ خطمی کڈھ لعاب	خطمی تخم بلا شتاب
غارے کر کر مٹھ دچ بکھ	بہت شتابی نفع پرکھ
لعاب بہیدانہ نیلو فر	مصری ڈال پلا یا کر
جیکر جاوے پاٹ زبان	رے ہمیشہ خشک دان
بنفشہ روغن موم ملا	اڈھکل نال جھتے لا
کھن مصری فخر چٹا	بکری دا دودھ شام پلا
جو آتش جواں دی خوب پکا	بادام روغن مصری دچ پا
چالی روز پلا ضرور	رے نہ دچ زبان قصور
کاہو دھنیاں کاسنی لیا	چار مغز گھت گھوٹ پلا
شیرہ مغز کدو بادام	مزد گھوٹ پلا تمام
کھن مٹھ تھیں پرہیز	نوں برج تھیں کرے گریز
گوڈ کتیرا رات پوسا	نجر پلا مصری دودھ پا
نیلو فر دے پھل سنگا	ریشہ خطمی نال ملا
سوڈیاں گٹ کے شامل کر	نقوع کر رت پلا یا کر



## بیان نقصان ذائقہ

<p>مزہ نہ آوے پیون کھان لذت مزہ زبان نہ پائے داخل ہوئی کے کرے زبان پھکا ذائقہ موندہ داسواد پودنہ دار چینی وچ پا کر کے صاف شیشی ذائقہ ڈال بلغم باد کڈھے سب مار وچ جھجھ دے کرے فساد سکجییں گھت کرے غارے آٹو، انبلی، ترشش آچار رستھا ذائقہ منہ داسواد جلدی اس دا فصد کرا غزارے کرو اُبال شتاب کرو غزارے رنت اُبال وچ زبان کرنے نقصان گوکا ٹھکن رنت کھوا</p>	<p>ذائقہ وچ پوے نقصان کے قسم دا کھانا کھاے فاسد مادہ وچ زبان بلغم باد جے کرے فساد عقر قرما سنڈھ رائی لیا کٹ سب پائی وچ اُبال کرو غزارے رنت نہار جیکر کوئی گرم مواد کابجی پیوے رنت دماڑی بہت کھاے سنگترے انار گندہ خون جے کرے فساد چہرہ سُرخ جے نظری آ پاپڑا دھنیاں پھل گلاب مہندی رس ہرٹاں وچ ڈال سوداوی مادہ جیکر آن تراوت اس نوں بہت پہنچا</p>
--	--

## بیان قلاع یعنی مُنہ پکنا

<p>جے مُنہ پک کے داباے</p>	<p>مشکل نال غذا اودہ کھاے</p>
----------------------------	-------------------------------

ایس مرض نام قلاع  
 جیکر ہودے گرم مواد  
 کا ہو خرفہ گھوٹ پلا  
 بہیدانہ دا کڈھ لعاب  
 لعاب نیلوفر اسبغول  
 لسوڑیاں ریشہ خطمی لیا  
 غارے کر بت سرد دوا  
 ہندی پھل انار اُبال  
 کرو غارے نال تاکید  
 طباشیر الاچی کتھ سفید  
 طباشیر الاچی پھل گلاب  
 سنگ جراثیم کتھ منگا  
 یک یک پیہ کے مُندج دھوڑ  
 گُٹار تر پھلہ کرو نقوع  
 ما جو ہرڑ ہندی نیپال  
 کر کے صاف شیشی دج ڈال  
 مونہ دج خون جوش جے مائے  
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا  
 مُشک کا نور ملائی کے نال  
 پھٹکڑی رس پانی دج گھول  
 دھنیاں ہندی پھل گلاب  
 طبع موافق کر اصلاح  
 مُنہ دے اندر کرے فساد  
 مصری تھوڑی جیہی پلا  
 مصری ڈال پلا شتاب  
 رت پلا مصری دج گھول  
 کڈھ لعاب ہر روز پلا  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 مُشک کا نور داخل کر نال  
 مُنہ پکے لُٹا بڑا مفید  
 کباب چینی پیہ چھڑ کو وید  
 پھل اناراں میل شتاب  
 پھٹکڑی دھنیاں ساڑ پلا  
 کرے پکے مُنہ دا سب دور  
 کرو غارے اس دے شروع  
 سرکہ پانی گھت ادبال  
 کرو غارے استعمال  
 رس ہندی دے کرو غارے  
 کپڑے وچدوں صاف کرا  
 غارے کر کر باہر ڈال  
 غارے کر دھرتی تے ڈاہل  
 رات پوسا رکھ اندر آب

کھان  
 پاؤے  
 زبان  
 اسود  
 دج پا  
 ج ڈال  
 ب مار  
 ے فساد  
 زارے  
 آچار  
 سواد  
 کرا  
 شتاب  
 اُبال  
 قصان  
 کھوا  
 کھانے



فجری تل کے صاف کرا  
الاچی دانہ اکٹھ سفید  
کر باریک مُنہ دے دج دھو  
گھاؤ زبان توے پر ساڑ  
نال پھٹکڑی کر کے پھل  
سبب بلغم جے کر مُنہ پکے  
دو ترے کرو جلاب ضرور  
عقر قرعہ دار چینی لیا  
گھت شیشی دج کرو غارہ  
سرکہ شہد نمک دج پا  
نوشادر پھٹکڑی نمک اوبال  
جیکر ہووے خشک مواد  
گھیو گوکے دج دودھ بلا  
فجر گوکا مکھن بنت کھاوے

غزارے کر کافور ملا  
پھل انار ملاؤ دید  
کرے پکے مُنہ داسب دور  
نالی ملاؤ پھل انار  
دھوڑہ نہیں کوئی اس دے تل  
ہرگز کھانا کھا نہ سکے  
بلغم باد ہووے سب دور  
کٹ سرکے دے دج جوشا  
مُنہ تھیں کرے پکا کنارہ  
غارہ کر مُنہ دج رکھا  
کر غزارے توتیا ڈال  
مُنہ دے اندر کرے نسا  
غزارے کر کرے نگھا  
خشک قلاع نول ترے دج

### مرض آکلہ قم یعنی موہری مُنہ کی

جیکر موہری پیدا ہووے  
مادہ موہری دانگوں سم  
ایہ خراب بڑا دکھ بھارا  
تیزی نال نہ بزیلا مادہ  
ماجو منہ ہی کتھ نسیال

مُنہ دج گھیرا گھت کھلوے  
کھا جاوے گوشت رگ چم  
بہت مشتابی کرے کھلارا  
گھاؤ زخم دا کرے زیادہ  
کرے پھل پھٹکڑی ڈال

سما  
چھ  
رات  
کرے  
ترک  
کندر  
دزن  
پورا  
جاوے  
فلہ  
پچھا

چوڑہ  
نال  
اقاقیا  
پینچے  
قرص  
عاجت  
روز  
سب کو

ساق، نوشادر، پھل انار چھ چھ ماشے سب دوا رات پانی دج رکھ پوسا کر کے صاف شیشی دج ڈال گنک ہریٹ سپاری ساڑ کندر نمک ماجر بریان وزن برابر سب دوا پُرانا قرعہ جے بہت عظیم جادے بہت پُرانا ہو فلہ فیوں کر استعمال پتھان سورتیجان لگا	عقرقرما کاغذ گھت ساڑ تنبے تنبے ماشہ نمک ملا فجرے سرکہ گھت جوشا کر د غرارے استعمال سرری پھنکڑی کتھ گھنار عقرقرما ملاؤ آن! کر باریک موہری تے لا دگے ہمیشہ استھیں ریم خائہ کرے دوا نہ کو قرعہ صفا کرے فی الحال موہری قرعہ دفع ہو جا
--	--

### نسخہ فلہ فیون

بغنے آب نادیدہ بیا نال بلاؤ زرد ہر تال آفتابا سچی کنگن کھار پنچے دارو کھل کرا قرعہ بنائیکے رکھ سمبال عاجت دقت باریک کرا معد ہر دوز موہری تے دھوڑ سب گوشت گندہ کھا جادے	دو تولے دا وزن توہ ہڑتال سرخ شامل کرتال ہر یک تولے دا مقدار انگوری سرکہ نال ملا کر کے خشک حفاظت نال تھوڑا جیہا قرعہ تے لا ریم قرعہ تھیں ہووے دور قرعہ ریم تھیں صاف ہو جائے
---	---



پانی سرکہ، شہد ملا اس نسخے دا آکھن نام باہجہ ہتھیار لوہے دی چاس قرحہ جدوں ہو جائے صاف پچھوں نسخہ سورتیجان	زخم قرحہ دار روز دہی فلہ فیدون حکیم تمام کٹ کٹ سے گندہ ماس کرے قصور خداوند معاف کر استعمال نہ رہے نشان
---	--

### نسخہ سورتیجان

بیج تولے چھل ترش انار گٹک ہریڑاں ساڑ ملا خامل کر سماق وچ گھت نمک نوشادر داخل کر سرکے وچ سب کھل کرا گولہ پانی وچ گھسنا نام اس دا ہے سورتیجان	پیشکشی عقر قرحہ گھٹار سبز کیسیں مابو بیج پا نو نو ماشے دارو ست ترے ترے ماشے وزن قد گولہ اس دا بنھ رکھا قرحہ موہری تے نت لگا دفع موہری دا کرے نشان
---	---

### بیان بختر یعنی بدلوئے منہ کے

بختر مرض جد پیدا ہو سبب بدلو قرحہ دا گند یا کوئی ادہ گندہ ہو جیکر چیز غذائی کو فجری نت کرے مسواک	منہ دچوں آدے بدلو یا پھپھر وچ ریش بند معدے دچوں دیوے بدلو دنداں وچ کرے بدلو کہ دنداں نول دائم پاک
--	---

سبب موافق کرو علاج  
 سبب قرحہ دا جیکر ہو  
 بکری دا دودھ نت پلا  
 ہن جوائندی کرے غذا  
 نفث مے دا دیکھو باب  
 غلیظ ریش بے گندی ہو  
 شربت رشت اعجاز پلا  
 گھیو ساڑ وچ مصری پا  
 صفرا جیکر تیزی وچ ہو  
 سکجییں کر استعمال  
 کاخی اس نوں ترش پلا  
 آٹو انہلی رات پوسا  
 سبب بدلو بے بلغم باد  
 دو ترے کرو جلاب ضرور  
 عقرقرا دارچینی لیا  
 بلوتری مصطکی کالی چھڑ  
 یک ہک تور سب دوا  
 قدر بیر گولی بنھوا  
 ٹھوڑا ٹھوڑا چھتہ لنگھا  
 دتاں نسخہ ہوو عجیب  
 دور ہودے ساری بدلو

تال ہودے تندرست مزاج  
 مونہ وچوں آدے بدلو  
 شہد ٹھوڑا جیہا نال پلا  
 بادام روغن مصری وچ پا  
 اوہ سب دارو کرو شتاب  
 رہے پھپھرے دے وچ کھلو  
 سینہ اس دا کرے صفا  
 رشت اس روٹی نال کھوا  
 معدیوں آدے بہت بدلو  
 دیوے سب صفرا نکال  
 کٹ سے موزی صفرا  
 فجر پلا ، مصری وچ پا  
 معدے دے وچ کرے فساد  
 کرو عفونت معدیوں دور  
 بالونہ الاچی مونتھ پایا  
 جھل ، لونگ پاناں دی جڑ  
 کوٹ پیس وچ شہد پلا  
 سواک پچھوں منہ وچ رکھا  
 رہے نہ بلغم باد ہوا  
 نفع بخور نوں دیوے جھب  
 مونہ وچوں آدے خوشبو

عوا  
 م  
 س  
 ف  
 مان

تار  
 پا  
 ست  
 قدر  
 رکھا  
 رگا  
 شان

بدلو  
 بند  
 بو  
 بدلو  
 پاک



پہلاں خوب کرو مسواک کبابہ ، لاپچی خورد ، پکچور پیشہ کے دندیں رت پلا	دند گندہ تھیں کر کے صاف دوڑی لاپچی مُشک کافور بدبو مُنہ تھیں دُور ہو جا
---	---

### مرضِ سیلانِ لعاب یعنی مُنہ سے پانی بہنا

مُنہ تھیں بہت بے پانی جاے دُن دی جڑھ دی کر مسواک اطریفِ رت کھوا صغیر پک دو اُس نوں کرو جلاب سبب جیکر بلغم اس باد اول اُس نوں فصد کرا اس تھیں بعد کمونی کھاے جوارش مصطلکی بہت مفید	دارچینی رت چتھہ لنگھاے رکھ ہمیش دنداں نوں پاک ایہ بھی نہتے نسخہ اکسیر بلغم خارج کرد شتاب پایا معدے وچ فساد ہفتے بعد جلاب دیوا پانی مُنہ تھیں مول نہ آوے کھوا اُس نوں رت نال تاکید
--	--

### نسخہ قے

قے کرن دا دساں ڈھب پہلاں قے توں اٹیں کھوا سوئے بیج مولی لے یا تور تور دارو جار مین پھل دا ڈوڈہ پک ڈال ترے سیر پانی وچ جوشا	بلغم معدیوں کڈھے بھب چااول بیج چھ ست گراہ منٹھی تخم خر بوزہ یا نمک چھ ماشے دا مقدار کٹ سب پانی وچ ابال ترے پیالے لے تاں پیٹھ لیا
---	---

<p>کپڑے وچدوں صاف کرا          پیار بھر کے جلد پلا          جلد اوہ پانی نکل جا          تریجے دا ایہو دستور          ہور گرم پانی دی کر امداد</p>	<p>سکنجیں ادھ پا وچ پا!          وچ خلق دے کھنپ پھرا          دوجا جلدی نال پلا          قے اس طرح کرا ضرور          کڈھے گندھ باہر مواد</p>
--	--

### جوارش مصطکی

<p>جوارش مصطکی کرو تیار          بد ہضمی نوں دیوے نفع          دہ تولے لے کھنڈ سفید          ادھ پا گھت وچ عرق گلاب          بہت گاہڑہ جد ہووے توام          تھوڑا تھوڑا جے نت کھائے</p>	<p>ضعف معدے دے ہے درکار          اسہال گرمی دے کرے دفع          تولے ترے مصطکی وٹید          دیگی وچ کر توام شتاب          وچ تھال دے ڈال تمام          ضعف معیوں ترے وچ بجائے</p>
--	--

### نشہ جلاب

<p>زرد ہریڑاں پھیل گلاب          نوں انبل دا دارو چار          آلو سیاہ لے دانے ست          بنفشہ یک تولہ وچ ڈال          کل پن اس نوں صاف کرا          یک دو داری کرو جلاب</p>	<p>نیم کاسنی ڈال شتاب          پنج پنج تولے دا مقدار          سناکی تولہ وچ گھت          رات پوسائیکے فجر ابال          دو داری دن وچ پلا          ہووے دفع آزار شتاب</p>
---	---



## بیان تشقق لب

<p>معلم اس دا کرو سبب سڑکن درد پاوے جھڑناٹ تراوت باہجھ علاج نہ ہو چربی روغن موم ملا شریت شیرہ شام پلا گوکا گھی ڈالو دج دھید تھوڑا مُشک کافور ملا لباں اُتے دیویں چمڑا بالکل اس تھیں کر پیمیز گوکے مکھن نال لگا مُشک کافور ماشہ گھت دید ہر اک ہووے ماشہ ترے کرو قیردلی استعمال</p>	<p>جاون پاٹ کے دے لب سوج پوے لب جاون پاٹ خشل بہت ہووے دج زور قیردلی لب تے نت لگا مکھن مصری فجر کھوا چربی بکرا موم سفید کرچھی دے دج گرم کرا پُردہ انڈے نال لگا گرم غذا جو ہووے تیز ریہہ کے نال باریک کرا چھ ماشے لے کتھ سفید موم سفید چربی بُز لے گھنٹو گوکا تولے دو ڈال</p>
---	---

## بیان ورم لب

<p>مادہ اُس دا ہووے گرم گندہ خون کرو سب دور جو کال ہیٹھ لبیاں تے لا ہووے ورم لبیاں دا دور</p>	<p>پوے لبیاں اُتے جے ورم سبب ہووے پوے قصور چار بند دا قصد کرا پیلک دا کر لیپ ضرور</p>
---	---

جے صفراوی ہووے مادہ دھنیاں پیک صندل پور ڈنڈے کوئٹے روج گھوٹا جے بلغم دا ہووے زور جیکر ہووے ہور سبب جیکر ہووے ورم ریاہ	سرکن سوزش بہت زیادہ میل تھوڑا جیہا مشک کاٹو ورم ہاں تے لپ بکرا مسل دے کڈھ پنچوڑ کہ توں دا دواس دا جھب موافق اس دے کر اصلاح
--	---

### در بیان تعریف دندان امراض دندان

منہ وچ رب نے بٹی دند دند عجائب نعمت اعلیٰ دنداں دا اوپر انسان قادر قدرت نال پروتے دنداں باہجہ حیاتی خام دند لذتیاں دا ہے دروازہ جے کوئی لکھ نعمت کھائے کھائے جو انسان غذا دنداں ہیٹھ جو آئے چیز سخت چیز نوں کھا دن توڑ دنداں باہجہ بے مزہ طعام دند جنہا نہ ہور اعضا نہیں موندھ دی دنداں نال	کیتے حکمت نال پیوند بخشنے رحمت نال تعالیٰ کیتا رب بڑا احسان حاضر خدمت رہن کھلوتے مزہ نہ آوے ہرگز طعام دیون لطف ہوئے دمع آذہ دنداں باہجہ نہ لذت آئے آوے دنداں نال مزا چھٹن اس نوں نال تیز کڈھن لذت اثر پنچوڑ جیون دنداں باہجہ حرام مزہ دکھا دن وقت غذا دنداں باہجہ جیون بد حال
---	---



فائدہ بہت دندان سے وچ  
ایسی نعمت فائدہ مند

دندان باہجہ روح ہوئے وچ  
رکھے رب سلامت دند

### بیان درد دندان

جد دندان نول ہووے پیڑ  
درد کرے یا گندہ خون  
سبب یا ہووے بلغم باد  
یا صفرا دا ہووے زو  
سبب درد دا کر دشناس  
سبب جے ہوئے خون زیادہ  
کرے مسوڑیاں سے وچ دم  
رگ اس دی قیصال چھڑا  
جیکر ہووے حاجت ہو  
یا اس سسگی رمتی لا  
گھوٹ پانی وچ نیم دے پت  
غارہ کر گھت مشک کافور  
پا پڑا دھنیاں، برگ حنا  
نجرے کل کے صاف کرا  
کرے غارے دینہ تے رات  
پوست دھنیاں پیلک لیا  
نیم گرم دے کرو غارے

ہووے بے آرام سریر  
فاسد سڑیا ہو یا زبون  
یا ریح مٹنہ وچ کرے فاسد  
یا دندان وچ ہوئے کھوڑ  
سوچ سمجھ کے کر د قیاس  
گندہ ہووے خونی مادہ  
ہووے بہت نہایت گرم  
چار بند دا فصد کرا  
جو کال لائے کے خون پخوڑ  
خون گندہ سب دور کرا  
چھان رسونت ملاؤ وٹ  
جوش خون دا ہووے دور  
رات پانی وچ رکھ پوسا  
سر کر مشک کافور ملا  
جوش خون دا ہووے مات  
پانی دیگی گھت جوش  
لوٹے ہین مجرب سائے

دھنیا  
جے  
نسخہ  
بکر  
پانی  
جیکر  
دھنیا  
کرے  
سبب  
نسخہ  
پوست  
دزن  
کرے  
دھنیا  
کٹ  
نسخہ  
درد  
خاص  
لوٹکے  
اک  
دا  
پڑا

دھنیاں ہندی رس نپال	کرو غارے خوب اُبال
جے گرمی تھیں ہو دے پیڑ	بہت نہایت کرے ظہیر
نسخہ یک مجرب ہے	لے ڈوڈے پوست سے ترے
بکر دی چھل ، پھل انار	درخت خربزہ دی چھل انار
پانی گھت ہانڈی دج کاہڑ	یک جادے کر صاف سنوار
جیکر درد تراٹاں مارے	نیم گرم دے کرو غارے
دھنیاں دا بشیرہ کدھوا	سرکہ مشک کا فور ملا
کرے غارے تال دقوت	درد دندان داکرے دقوت
سبب صغرا دے جیکر مادہ	درد دندان دا بہت زیادہ
نسخہ بیان کراں یک سرد	کرے موتق دندان دار درد
پوست دھنیاں چھل انار	چھل ہرٹاں دی چھل انار
وزن برابر پنج دوا	کٹ پانی دے دج جوشا
کر کے صاف شیشی دج ڈال	کر کچھ مدت استعمال
دھنیاں پیک اسی لے	وزن برابر دارد ترے
کٹ جوشا کر کرد غارہ	درد دندان تھیں کرے کنارہ
نسخہ ایہ غارے سرد	دفع کرن گرمی دا درد
درد جے ہو دے بلغم باد	یا ریح منہ دج کرے فاد
خاص سرد جے ہو دے مادہ	سرد پانی تھیں ہو دے زیادہ
ٹوٹکہ یک شناس عجب	دساں درد و نجادے جھب
اک وا دودھ انیم گسا	طرف باہر دی کاغذ لا
پھڑا گو ہے بال ادچھا	روں آلودہ کر چھڑا



رنج باد تھیں ہووے پیڑ  
 دساں ہووے عجیب دوا  
 عقرقرما سنڈھ مرچ سیاہ  
 دسج شراب دارو سب گھول  
 جے کوئی ایہ دوا کماے  
 مجرب ایہ نسخے آزماشی  
 آون لوکان دے درکار  
 با تھو چیر ہانڈی دسج ڈال  
 دو ترے دے کے جوش اُبال  
 سوچ سبب جے ہووے رنج  
 ہووے سخت دندانوں درد  
 کالی زیرہ گھوٹ لگا  
 پنج ست روز ایہ کروضہ  
 تیزاب گندھک منگوا  
 دندان دسج جے ہووے کھوٹ  
 سوئی نال کھوٹ دسج رکھ  
 درد دندان دا جیکر رنج  
 اجوان خراسانی منگوا  
 دار چینی سنڈھ لگ اجوان  
 نسخہ کراں بیان اکیر  
 چھٹا نک شراب مشکافی الحال

جاوے استھیں گھت دسج  
 دیوے منہ دی پیڑ وچ  
 انیم تھوڑی جیہی کر ہمراہ  
 بونہ بھر کے رکھ اندر دل  
 درد دندان اترت و نجات  
 لکھے سائیں بخش شناسی  
 یادگار دسج رہے سنار  
 شامل کرد دھماں نال  
 کرد غرارے استعمال  
 کر کے اس نوں خوب صحیح  
 پوے مخالف پانی سرد  
 غل بالونہ نال ملا  
 ہووے رنج دا دور فساد  
 تھوڑی نال انیم ملا  
 پیہہ روں دا اس دسج پور  
 تیرت فائدہ نہیں پرکھ  
 ہووے نال قیاس صحیح  
 عقرقرما مرچاں کٹ پا  
 او بال غرارے کردن دین  
 زائل کرے دندان دی پیڑ  
 غرارے کر کر اندر ڈال

اوسے وقت اوسے اُس خواب  
 ہالوں، عقرقرھا، اجوبین  
 سبب رنج ہے ہودے پیڑ  
 نرشارد چونہ مشک کا فوڑ  
 وزن برابر ترے دوا  
 ہے کوئی اُس دی لے ہلا س  
 سبب کرم دند کرے ہے پیڑ  
 تے دی جڑھ دی مسواک  
 پیس تماکو نال گکا  
 درد دندان نوں دیوے نفع  
 نے کے ون دی جڑھ مسواک  
 جیکر ون دی جڑھ لے نال  
 زائل درد ہودے یکھنت  
 درد داہڑ دا کرے ہے تنگ  
 کھانا کھا نہ سکے مول  
 جاوے درد پرازا ہو  
 اوس داہڑ نوں جھب اکھیڑ  
 اوہ داہڑ ہو گئی بے کار

ہودے درد موقوف شتاب  
 ادبال غارے کردن رین  
 ایہ نسخہ اُس نوں اکیر  
 شیشی دے دین گھت کرد  
 منہ شیشی دے ڈاٹ چڑھا  
 ہودے درد پیڑ سب ناس  
 نسخہ بیان کراں اکیر  
 کرم دندان لے کرے ہلاک  
 دقت صبح مسواک کرا  
 بلغم باد کرے سب دفع  
 کرتوں نت دندان نوں پاک  
 کرے ہمیشہ دند خلال  
 جڑھاں دندان دیاں ہون سخت  
 پنج ست جان مینے ننگ  
 ہلے بہت کرے نت سول  
 فائدہ کرے دوا نہ کو  
 ہرگز ذرا نہ لاؤ دیر  
 رکھن دے ناہیں درکار

۱۹۵

### بیان مرض خون دندان

ہودے گند شور زبون

دگے دندان تھیں جیکر خون



<p> خون و چوں آوے بد بو  چار بندہ کر کے قصد  سرارد دا قصد کرا  خون گندہ جد ہوئے دفع  چراغ پاپڑا دھنیا ڈال  لے چھل زرد ہریڑ سیاہ  ترے ترے مائے سب دوا  فجرے کل پُرن صاف کرا  چھل ہریڑاں کتہ سفید  سماں اقا قبا پھل انار  ساڑ سپاری صندل بوردہ  نیلہ تھوٹھا کر بریان  پہرے کے منجن کرد تیار  یا کر لیاں کر پانی دھو گول  کندر ماجو پھشکڑی ساڑ  وزن برابر پیس باریک </p>	<p> ذائقہ دانگ نمک دے ہو  کر تول پھیر دارد دا قصد  سنگیاں، رُمیاں جو کالہ  پھیر دوا دیوے اس نفع  دہمانہ موندی بوئی گھت نل  نیم دے پت کرو ہمراہ  رات پانی دھو گھت پوسا  غزائے کر کر لے لنگھا  پھل گلاب ملاؤ دید  پھشکڑی نالی گھت دھو ساڑ  ہر یک تول تول پورا  مائے چھ ملاؤ آن  نل دندیں نہ رہے آزار  بے ایہ نسخہ بڑا امول  ساڑ سپاری لے گلنار  لو دندیں ایہ نسخہ ٹھیک </p>
---	---

### نسخہ منجن دندان

<p> دور کرے کل دکھ دندان  سونا مکھی مائیں ڈال  پھل پھشکڑی کر ہمراہ </p>	<p> بستی نہیں یک کراں بیان  کتہ سفید ماجو نپال  بوردہ آہن ہرڑ سیاہ </p>
---	---

کیس نیلہ تھوٹھا بریان پہرے کے مستی کرو تیار بند کرے دندان دا خون	دارو وزن برابر آن دندان تلے کل بنت نہار ہودے موہری دفع زبون
--	---

### بیان موہری مسوڑہ

موہری جدول مسوڑہ کھا کے دارو اس دا کرو شتاب دساں تینوں عجب دوا ماجو مائیں پھل انار عقر قرحا نمک نسیال نیلہ تھوٹھا کر بریان کرد غرارے بنت نہار	ماس مسوڑہیاں اجھڑ جا کے مت موہری اس کرے خواب دیوے موہری جھب و نجا پھٹکڑی نال ملاڈ ساڈ ترے ترے ماشے دندان کمال رقی چار ملاڈ آن ہودے موہری دفع آزار
---	---

### نسخہ ناصور مسوڑہ

چھل ہریڈاں چھل انار چھل ماجو دج گھت نیلہ تھوٹھا کر بریان ادبال غرارے کرد ضرور	پھٹکڑی نال ملاڈ ساڈ ہر یک ہودن ماشے مت مسوڑہیاں دج نہ رہے نقصان مسوڑہیاں دج نہ رہے قصور
--	--

### بیان مرض ضررس دندان

طاقت دندان دی گھٹ جا کے	ضررس بیماری نام سدا کے
-------------------------	------------------------



دند سست ہو جاوے تمام بلغم باد یا ہوس رتخ ون دی جڑھ دی کرسواک	لکھا دا مول نہ جائے طام کر توں اس نوں خوب صبح کر نت خوب دندان نوں پاک
--	---

### نسخہ مجربہ ضرر

مجبب کراں بیان دوا عقرقرا سنڈھ مرچ سیاہ سورنجاں چھڑتے نمک ملا پیپہ کے دندیں رنت ملا	دنداں اُٹے رنت ملا موٹھا لونگ کرد ہمراہ وزن برابر سب دوا دیوے سستی ضعف و نجا
--	---

### بیان حرکت دندان

سبب رطوبت فاسد خام گندہ خون یا کرے فساد اول کر مسواک ضرور پچھوں تل منجن یکلخت سبب بے ہوئے فاسد خون سبب بے ہوئے بلغم باد عقرقرا سنڈھ زیرہ سیاہ دار چینی نمک مرچاں ڈال سبب گرمی بے ہوئے مرض ماجو مائیں پھل انار	پلن منہ ویج دند تمام یا نزلہ یا بلغم باد ہووے سبب الاثش دور دند تمام ہو جاوے سخت چار نکالو خون نہ بولنا تنقیہ خارج کرے مواد پودن لونگ کرد ہمراہ کرد غرارے رنت ابال ایہ دوا کرد بالفرض سفید پھٹکری اگ ویج ساڈ
--	---

آہ چل ہرڑ نسیال ڈنڈے کونڈے دج ٹھوٹا مجن کلو صبح تے شام	بورہ نمک بلاؤ آن دنداں اُتے رت کلا دند سخت ہو جان تمام
--	--

### بیان مرض خناق

مندا سخت خناق آزار بند کرے او گل دا راہ جدول درم بہت دودھ جاسے دج خلق دے درم خبیث ساہ دم اس نوں مشکل آسے فاسد خون نہایت گرم یا کوئی سٹریا ہو یا مواد یا کوئی بحرانی مادہ شامل تاپ جے ہوئے مال نال نقل دے کر کے دھیان کچھ کیفیت خوب مزاج پہرہ اکھیں ہون جے لال سرکھن ہو دے گل دے دج خارج گندہ خون کرا جوکال لا گل تے بھرور سراو دا فصد کرا	گل دے اندر کرے بگاڑ نال تکلیف آدے ساہ ٹھک نہ ہرگز نکلیا جاسے درد کرے تے ماسے چیت ہرگز مول نہ کھاسے پوسے پیدا کرے خلق دج درم کرے خلق دے دج فساد طرف خلق دی کرے آمادہ مواد بحران کرے انتقال فاسد لے مواد پہچان طبع موافق کرد علاج خونی مادہ کریں خیال درم کرے روگی نوں دج ذره نہ ہرگز دیر لگا کر مادہ موزی سب دور ریشی ٹھوڈی ہیٹھ لگا
--	--



خارج کر گندہ سب خون  
چارے بند لبان سے چھٹ  
فاسد مادہ ہووے دور  
بنفشہ پانی دج گھوٹا  
ملین دا دیہہ سرد جلاب  
عاجت ہووے جدول غذا  
بادام روغن اس سے دج ڈال  
نشاستہ تولے ترے منگوا  
چار تولے گھت روغن زرد  
جیکر بہت ہووے صفرا  
بنفشہ شربت نیلوفر  
گھوٹے والی سے تلین  
سوزش بے ہووے دج دم  
دھنیاں پیلاک خوب گھوٹا  
خرفہ کاسنی مشک کافور  
گھت گوندے دج خوب گھوٹا  
کڈھ شیرہ کر کپڑ چھان  
لعاب بیدانہ اسبغول  
سبب بے ہووے بلغم خور

جھڑا گل دے دج زبون  
خون زبان رگاں دا کڈھ  
رہے نہ گل دے دج قصور  
گل روغن اس نال ملا  
شریت روز پلا عتاب  
جو آتش جواں دی نت پلا  
مصری گھت کر استعمال  
حریرہ پانی دج پکا  
مصری ڈال پیوے کر سرد  
شامل نال ہووے تب آ  
بزدوری سرد پلایا کر  
دفع کرے صفرا لعین  
مادہ بہت نہایت گرم  
ورم موزی تے لپ کر  
کاہو دھنیاں صندل بو  
سرکہ عرق گلاب منگا  
کریاں کر رکھ دج دان  
نت پلا مصری دج گھول  
یا صفرا دا ہووے زور

جے کر گھٹ نہ ہووے نال  
نرخ چیزاں کر استعمال

سبب  
بنفشہ  
لعاب  
شیرہ  
مصری  
روغن  
بہ  
بنفشہ  
دودھ  
کرے  
تازہ  
جیکر  
خشکی  
علاقہ  
جس  
قار  
تپ  
اصل  
دھن

سر کے دھج ملا گلاب  
 سنبھیں گھت پانی دھج  
 دھنیاں پیک مشک کا فور  
 اصلی تاپ ہے ہووے مرض  
 تپ دا بھی کچھ کرو علاج  
 قارورہ رنگ دلالت نبض  
 جس عارضے دی سخت شکایت  
 علاج اس دا کر نال تاکید  
 خشکی بہت کرے بے تنگ  
 جیکر تاپ نہ ہووے نال  
 تازہ گوکا دودھ چوا  
 کرے غرارے بہتی دار  
 دودھ گوکے دھج گھیو ملا  
 بنفشہ کدو مغز گھوٹا  
 بنھ حلق تے گرما گرم  
 روغن کدو مغز بادام  
 مصری تھوڑی جیہی ملا  
 شیر چارے مغز نکال  
 لعاب بنفشہ نیلو فر  
 بنفشہ مغز کدو بادام  
 سبب ہے ہووے بخم باد

کرو غرارے بہت شتاب  
 غرارے کر کر اندر کچھ  
 گھوٹ غرارے کرو ضرور  
 درم تاپ دا ہووے عرض  
 نال علامت سمجھ مزاج  
 قوت ضعیف شکایت قبض  
 اس دی کر تشخیص نہایت  
 جیہڑا اس نوں بہت مفید  
 سخت خشک ہو جاوے سنگ  
 ایہ دوا کر استعمال  
 گوکا انبلس ملا  
 مکھن کھاوے رنت نہار  
 تھوڑا تھوڑا کرے غذا  
 گھیو گوکا گھت گرم کرا  
 سخت درم ہو جاوے نرم  
 گوکا گھیو ملا کے عام  
 روگی نوں دینہ رات چٹا  
 دودھ دھج گھت کر استعمال  
 مصری ڈال پلایا کر  
 شیر کدو ملا مدام  
 ہووے اہل سرد نواد



سوئے گل بابونہ یا  
گھوٹ پانی دج کر دھما د  
یا ہو جادے جلد تحلیل  
جیکر ورم ہو دے ادھ شور  
پٹھ پٹھس بنھ یا باٹ  
جاری اس تھیں ہوئے ریم  
غرارے ماء العسل کرا  
دودھ گوکا گھت انبلس  
دودھ گوکے دج شہد ملا  
جو آتش جو اندی نت پلا  
اسی میٹھی کٹ ملا  
چربی بکرا موم سفید  
میل قیروٹی جلد بنا  
سخت گرم ہے ہو دے ورم

اسی تم میٹھی دج پا  
ہو دے جلد تحلیل مراد  
یا پاک جادے ورم تحلیل  
دیوے طرف اندر دی نند  
پک ورم حبیب جاشے پاٹ  
ایہ دافع ہیں گرد حکیم  
شہد پانی دے دج ملا  
کر دے بے وسواس  
روگی نول ہر روز پلا  
روغن دج بادام ملا  
غرارے کر دلعاب کڈھا  
گوکا گھیو ملا دید  
ورم اُتے نت کر د ملا  
بہت شتاب ہو جادے ورم

### بیان قروح خلق

جیکر ورم ریم کر جادے  
حق دچوں نت آوے ریم  
کراں بیان عجیب دوا  
آریاں اس دیاں کر د ضرور  
ماجو کندر برگ حنا

اندر خلق قروح بن جاشے  
ادکھا ہو دے بہت مقیم  
کرے قروح نول جلد شفا  
ہو دے سب الاٹش دور  
پھٹکڑی ترے ترے مٹے پا

جیکر پور  
لعاب  
نم خطم  
رات پور  
لعاب ر

نمک نوشادر شامل ہو	ہر یک ہودن ماشے دو
سیر کے پانی دھج اُبال	کر لیاں کرو عقل دے نل
پیشکڑی نمک نوشادر سے	ہر یک ہک ماشہ دارو ترے
پیہ کے ماکھیوں دھج رلا	انگل نال قرہ ستے لا
جدوں قرہ ہو جاوے صاف	کرے قصور خداوند معاف
کریں قرہ دی بہت صفائی	ہودے جلدی نال ربائی
شہد گوکا گھیو پانی گرم	کرن صفا قرہ جھب نرم
جے صفرا دا بہت سبب	ایہہ نقوع پلاؤ جھب
بہیدانہ تے اسبغول	کڈھ لعاب مصری دھج گھول
روٹی نوں ہر روز پلا	بنفشہ شربت نال پلا
سوڑیاں دھنیاں نیلو فر	عقاب بنفشہ شامل کر
کر کے پانی دھج نقوع	مصری ڈال کر او شروع
لے گوکا دودھ نال شناس	گھول گودا دھج انبلس
کر غرارے گرم کرا	کرے قرہ نوں جلد شفا

### علاج ورم لہات یعنی سوج گھنڈی

جیکر پوے گھنڈی نوں ورم	ہودے بہت نہایت گرم
لعاب بہیدانہ اسبغول	رنت پلا مصری دھج گھول
نم خطمی تے نیلو فر	بنفشہ اس دے شامل کر
رات پوسائیکے کڈھ لعاب	مصری ڈال پلا شتاب
لعاب ریشہ خطمی ہے پیوے	بہت شتابی چٹا تھیوے



پلیک دھنیاں سرکہ ڈال  
جے بلغم تھیں ہووے ورم  
دار چینی تے سُتھہ اُبال  
ورم سبب سودا کرخت  
دودھ گوکا وچ گھیو ملا  
مالش کرو ارندھی تیل

کرو غارے رنت اُبال  
یولا بہت نہایت نرم  
کرو غارے لکھیوں ڈال  
ہووے پتھر دانگ جے سخت  
غارے کر کے لنگھا  
روغن نال بالونہ میل

### بیان چمڑا جانا جونک خلق میں

جونکس کے زوں نال قضا  
کالی مٹی تے منگوا  
لنبا موٹا بنھ شیا ف  
چمڑا جونک جاسے جد نال  
تنباکو سرکے وچ گھوٹا  
غارے کرو خلق وچ ڈال  
ہک دو اس نوں تے کروا  
بوئی تازہ گوشت لیا  
دھاگا پکڑ خلق وچ ڈال

چمڑے وچ خلق دے جا  
کر کے سخت شیا ف بنا  
داخل کرو خلق وچ صاف  
کھج کے جلدی نال نکال  
گھت کپڑے وچ صاف کرا  
مڑکے ڈگے جونک فی الحال  
ہو دس اُسے وقت شفا  
دھاگا سوئی نال لنگھا  
چمڑے جونک تاں باہر نکال

### بیان بحکۃ الصوت

گھٹا ہووے جدوں آواز  
بول نہ سکے سخن کلام

جادے بگڑ خلق ساز  
بحکۃ الصوت مرض دانا م

بویا اس  
دوسرے  
ریزش  
خشی  
یا کوئی  
یا گرمی  
مغز نہ  
یا کوئی  
توت کر  
سبب ہے  
چار اب  
ماشے پنج  
دو تہے  
سبب ہے  
شریت خشنا  
بہت پان  
بہت ہے  
زرد سیہ  
نقاب بیہ  
آتش جوا  
مکھن مو

بریا استخوان مول نہ جلے  
 دے قوت بہت تران  
 ریزش گرم خشک داساڑ  
 یا خشکی یا بلغم خام  
 یا کوئی کرے بولارہ سخت  
 یا گرمی دا سر وچ زوہ  
 مغز نہ اس نوں کرے قبول  
 یا کوئی فاسد ہوو مواد  
 قوت کرے خلق دی مات  
 سبب جے ہووے بلغم خام  
 چار انجیر منقہ ست  
 ماشے پنج ملعشی ڈال  
 دو تہے تولے ماکھیوں اصل  
 سبب جے ہووے گرم زکام  
 شربت خنکاش اس دیوے نفع  
 بہت پانی وچ جوشا  
 بہت جے ہووے گرم مزاج  
 زرد سیاہی مائل رنگ  
 لعاب ہیدانہ اسبغول  
 جو آتش جو اندی دیویں شام  
 کھن مصری بنت نہار  
 صاف بلند آواز نہ آوے  
 ہرگز بات نہ کرے زبان  
 وچ خلق نے کرے بگاڑ  
 یا ریزش یا گرم زکام  
 ساز خلق ہو جان کرخت  
 کرے رطوبت سردی شود  
 طرف خلق دی گرے نزول  
 خلق اندر جا کرے فساد  
 ایس سبب نہ ہووے بات  
 منضج نال پکاڑ تمام  
 تولہ سو نف کٹ کے گھٹ  
 پیوے بنت نہار اُبال  
 نال جو شانڈے کر تو وصل  
 گرے خلق تے ریزش خام  
 نزول گرم کرے سب دفع  
 کرو غرارے صاف کرا  
 کہ توں اس داسر علاج  
 خشکی بہت کرے جس تنگ  
 صبح پلا مصری وچ گھول  
 مصری ڈال، روغن بادام  
 پچے۔ ہووے دفع آزار



گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے لعاب بے پیدائہ ، نیلو فر بنفشہ روغن نال رملہ مصری کچھ قدرے دھج ڈال بہت مدت تک گرم مطوب مغز تخم کدو بادام پانی گرم روغن بادام	نقہ گھیو گھنڈ نال لنگھا بنفشہ نعلی شامل کر گھیو گو کے دے نال بنا پیوسے روگی سرکیاں نال! تاں حاصل ہووے مطوب گھوٹ پلا مصری گھت عام کریاں کرے صبح تے شام
--	---

### نسخہ لعوق انجیر

کراں بیسان لعوق انجیر یا یک زرد انجیر سگکا کل کے پن کے صاف کرا گاہڑہ خوب قوام پکا رب السوس دو تولے بھر ڈال چھٹانک روغن بادام	بجٹہ الفتوں نول ہے اکیر ڈال پانی دھج خوب جو شہ مصری ادھ پیر نال رملہ کر کے سرد بھانڈے دھج پا دھج لعوق اضافہ کر پچھتے رت صبح تے شام
---	---

### بیان تعریف شان پھیر

پھیر دل دا خدمت گار باہروں تازہ بھج ہوا دھج حکم دل تابعدار کل اعضا وال دے دھج چست	خارج دل دا کرے بخار دیوسے دل دی طرف پہنچا ہر دم رات دینہیں ہر شیار اک دم ذرا نہ ہووے رست
--	---

<p>پھپر تھیں روح کرے غذا          کرے پھپر اس سے اصلاح          زندگانی ہووے بریاد          کمن طبیب حکیم تمام          دیوے خوشی ہووے روح تازہ          نہیں اعضا کوئی اُسدا ثنائی          حاجت دقت جسم لے کھج          مت رک جاوے اس روح ماد          عیش سریروں ہووے دور          بہت نہایت زور لگاوے          مت پھر جاوے بگڑ مزاج</p>	<p>ہر دم تازہ سرد ہوا          دل دج طیش، تیز ارواح          پھپر کرے جے نہ امداد          باب مبداء الحیات اس نام          خاص جیساتی دروازہ          پھپر لطف بہشت نشانی          بلغم جمع جو پھپر دج          کرو حفاظت اس دی زیادہ          جد پھپر دج پوسے قصور          مرض پھپر دی مشکل جاد          کرو پھپر دا جلد علاج</p>
---	--

### بیان مرض کھانسی

<p>پاوسے پھپر دج تصور          اس نون کمن حکیم سعال          پھپر اس نہ کرے قبول          دفع کرے باہر دی طرف          ایس سببوں آوے کھنگ          ہوون کھانسی نال جیران          ہووے حالت کرے تباہ          پھپر نال مچاوے جنگ</p>	<p>کھانسی روگاں دج مشہور          حالوں بہت کرے بد حال          ہر تھیں فاسد گرم نزل          نال زور پھپر دا طرف          رستہ دم دا ہووے تنگ          اکثر کئی دفعہ انسان          بہتیاں مرضاں دے ہمراہ          بگڑ زکاموں ہووے کھنگ</p>
--	--



شامل تاپ جے ہووے نال  
 پتلی بنم ریزش خام  
 منضج نال پکا ضرور  
 بنفشہ گل ماشے پنج لیا  
 چار ابغیر منقہ ست  
 دانے چار عناباں لے  
 کاہڑ جو شانہ کرد تیار  
 دو ترے ہفتے دیو ضرور  
 جیکر خالص ہووے کھنگ  
 دیوے کھنگ نہایت زور  
 بھانویں ہووے لڑکا بال  
 آزمایا ہو یا عجب دوا  
 وہیہ تو لے خشاش سفید  
 نجرے کوندے دج گھوٹا  
 ادھ پاگھو دج کر بریان  
 مغز کھیرے کھکھڑی ناچیل  
 مغز تخم کدو بادام  
 پوست ڈوڈے میں منگا  
 نجرے دو ترے دیر آبال  
 ترے پا پکا کھنڈ ملا  
 کر کے صاف کر اسی گھت

کرد جو شانہ استعمال  
 جاوے جھبے پک تمام  
 ہووے کھنگ تاپ سب دور  
 سونف تولہ کٹ قال ہلا  
 گاؤ زبان ماشے پنج گھت  
 کٹ ملٹھی ماشے ترے  
 داخل کر کھنڈ دیو نہار  
 ہووے تاپ کھنگ سب دور  
 دوجی مرض نہ ہووے سنگ  
 ریزش گرم ہووے یا شور  
 ریزش کھنگ کرے بد حال  
 دساں دیوے رب شفا  
 رات پوسا پانی دج وید  
 بہت نہایت زور لگا  
 پانی دا نہ رہے نشان  
 مغز تخم ہندوانہ میل  
 دو دو تولے وزن تمام  
 رات پانی دج تر کردا  
 خوب طرح کل ہستاق نال  
 کپڑے دے دج صاف کرا  
 کاہڑی خوب پکاویں پت

ما  
 تو  
 ج  
 تا  
 کر  
 بھا  
 جی  
 او  
 مرض  
 عرض  
 ہرگز  
 جیک  
 شر  
 مونہ  
 بنفشہ  
 تخم  
 لعاب  
 بنفشہ  
 شر  
 لہو  
 بے

ماکھیوں مانگ جلد ہووے تو ام  
 تول دونویں وقت نہار  
 جیکر نزولی ہووے کھنگ  
 تاپ نہ جیکر ہووے نال  
 کر کے اس دی خوب شناس  
 بھائے کھنگ ہووے مچ نور  
 جیکر ہووے کوئی مرض  
 اوس مرض دا کرد علاج  
 مرض اصلی جلد دور ہو جائے  
 عرض کھانسی مثل بجران  
 ہرگز اس نول بند نہ کر  
 جیکر کھانسی گرم آزار  
 شربت اعجاز اس دیوے نفع  
 مونہ وچ رکھت حب سعال  
 بنفشہ گل تے نیلو فر  
 تخم خطمی گھت کڈھ لعاب  
 لعاب بہیدانہ اسبغول  
 بنفشہ شربت رنت پلا  
 شربت دیہہ سادہ خشتاش  
 لعوق انبتاس دا بے حقے  
 بے ہووے کھنگ سبب و کام

کٹ دوا ملا تمام  
 کھائے رہے نہ ذرا آزار  
 بہت کرے روگی نول تنگ  
 ریزش بہت کرے بد حال  
 شربت دیہہ پوست خشتاش  
 جاوے جلد پھپھروں چھوڑ  
 کھانسی ہووے اس دا عرض  
 ناں ہووے تندرست مزاج  
 کھانسی نظر عرض نہ آدے  
 دفع مواد کرے ہر آن  
 بند کرن دج سخت خطر  
 آدے سینوں پک کھنگار  
 کرے کھنگ گرم نول دفع  
 شام صبح کر استعمال  
 عناب سوڑیاں شامل کر  
 مصری ڈال پلا شتاب  
 بنت پلا مصری دج گھول  
 نیلو فر دا نال ملا  
 کرے گرم کھنگ داناس  
 بیج گرم کھانسی دی پتے  
 کرے سینے تے ریزش خام

حال  
 تمام  
 سبب  
 ال  
 گھت  
 ترے  
 د نہار  
 سبب  
 سنگ  
 یا شور  
 بد حال  
 ب شفا  
 دج وید  
 نور  
 نشان  
 میل  
 وزن تمام  
 تر کردا  
 نال  
 سبب  
 ج صاف  
 کر



حلوہ پوست دابہ کھائے  
 قریاق نزل کر استعمال  
 سرخس جیکر گرے فضول  
 کچی ریزش کرے خوار  
 آوے کسے نہ وقت آرام  
 لعوق پوست خشک بنا  
 سبب خشکی دی جیکر کھنگ  
 ٹھک کھنگار نہ آوے نول  
 خشکی کرے پھیر وچ زور  
 لعوق بادام اس رت چٹا  
 لعوق خشک پستان  
 حریرہ چھان کنگ داپوے  
 حریرہ دے وچ خشک پکا  
 بنفشہ روغن رت ملا  
 ماش رت بدن تے کر  
 مکھن گوکا رت کھوا  
 روٹی گھوٹال رت کھائے  
 بنفشہ نیلوفر دالاب  
 لعاب ہیدانہ خطمی پوے  
 کھنگ بلغمی جیکر ہو  
 منضج بلغم دی کر تیار

کھنگ زکامی تر ت و نجاس  
 زکامی کھنگ جاتے فی الحال  
 سینے اُتے گرے نزول  
 کھنگ آوے بے حد شمار  
 لگا رہے ہمیش زکام  
 دیہ اس نول رب کرے شفا  
 ہووے کرے روگی نول تنگ  
 کھنگیاں پوے شکم دے سول  
 تراوت باہجہ علاج نہ ہو  
 گھٹو گوکا ہر طور کھوا  
 چٹا لعوق بنفشہ آن  
 بہت شتابی چنگا تھیوے  
 ہووے جلدی نال شفا  
 گھٹو گوکا دے نال بنا  
 سر سینہ رکھ ہر دم تر  
 مصری تھوڑی جیہی ملا  
 خشک کھنگ نول فیض پہچا  
 پیوے پہنچے فیض شتاب  
 خشک کھنگ تھیں چنگا تھیوے  
 بر شفا جیہا دوا نہیں کو  
 پیوے روگی رت نہار

ج  
 کا  
 تو  
 ا  
 ج  
 تو  
 د  
 ت  
 س  
 د  
 با  
 را

ے  
 بنفشہ  
 دو  
 رات  
 سل  
 کپڑے  
 جد

جس نوں کھانسی ہے مدام کاہڑ جوشاندہ روز پلا تور سونف، سوڑیاں، انجیراں چار، منقہ ست بنفشہ پنج ماشے دج ڈال توے دو ترے ماکھیوں گھت دے کے اٹھویں روز جلاب ترے جلاب مہینے دج سونف ہرڑ گھیو دج بریان دائم استعمال کرا بانسا زوفا، سونف منگا رات پوسائیکے رکھ رکھا	نیکے ریزش پتلی خام دیوے ریزش خام پکا ڈالو ماشے پنج ملٹھ زوفا ترے ماشے دج گھت پیوے نت نہار ادبال استعمال کرے دن ست بلغم خارج کرو شتاب کر منضج نال نہ ہوویں نہج کر کے کھنڈ ملاؤ آن دیوے کھنگ دا زور و بجا چھ چھ ماشے ترے دوا فجر ادبال پیوے کھنڈ پا
---	--

### صفت شربت پوست خشتاش

لے دو ڈبے پوست دے وینہ بنفشہ، خطی، گگاؤ زبان دو دو توے سب دوا رات پوسا پانی دج ڈال نل کے پن کے صاف کرا کپڑے دج کر صاف تمام جد شربت دی پکی تار	سوڑیاں سمٹ عذاب تیرینہ بہیدانہ، نیلوفر، بادیاں پاک کٹ خشتاش ملا فجری دو ترے دیہ ادبال سیر پتے کھنڈ دج پا دیگی گھت پکاؤ قوام جلدی اس نوں بیٹھ اوتار
---	--



دو ترے تو لے رت پلا	دیوے کھانسی جلد و نجا
ریزش خام زکامی کھنگ	رہن نہ ہک ذرہ دج انگ

### صفت شربت اعجاز

شربت کرو اعجاز تیار	گرم کھانسی دے رہے درکار
طیب حکماء سب دانشمند	شربت کرن اعجاز پسند
کھنگ تاپ وچ خشک مزاج	اس شربت دا بڑا رواج
بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر	تخم خیاری شامل کر
گاڈ زبان ، ملٹھ ، بہید ان گھت	دو دو تو لے دارو ست
سودیاں شٹھ ، ترہہ عباب	چھٹانک بانسہ وچ میل شتاب
رات پانی گھت ، رکھ پوسا	فجر جوشا مل صاف کرا
سیر کھنڈ گھت کرد توام	دو دو وقت پلا صبح تے شام

### صفت شربت خشتاس سادہ

پا پکا خشتاس سفید	رات پانی وچ تر کر دید
نجرے اس توں خوب گھوٹا	شیرہ اس دا لے کڈھا
ترے پا گھنڈ دا کر کے توام	شیرہ اس وچ ڈال تمام
مڑ کے دو ترے جوش دیا	شربت دانگ توام پکا
ایہہ شربت سادہ خشتاس	کرے گرم کھنگ دا ناس

### صفت حلوہ خشتاس پوست

<p>ہک دودا پوست دا لیا  دو تو لے خشتاس گھوٹا  شیرہ لے خشتاس نکال  آٹا دو تو لے کر چھان  جد آٹا ہو جلے لال  حلوا اس دا کر کے تیار  ہک خوراک ایہہ مرد جوان</p>	<p>پا ہک پانی دج پوسا  پوست والا پانی پا!  دو تو لے مصری دج ڈال  چار تو لے گھیٹ دج بریان  شیرہ پکڑ اس لے دج ڈال  کھائے روگی رنت نہار  چوتھا حصہ بال نادان</p>
--	---

### لعوق انبلساس

<p>لکھاں لعوق ہک فائدہ مند  کر ڈی سخت ہوئے جس نبض  اسنوں بہت پہنچا دے نفع  بنفشہ خطمی سونف عتاب  عتاب تربیہ لسوڑیاں شہ  راتیں پانی دج پوسا  نل کے پن کے صاف کرا  دہیہ تو لے کڈھ مغز فلوں  دو نویں پانی دج بلا  کر کے جمع کھاہرہ کر توام</p>	<p>جس نول کرن حکیم پسند  رہے شکم دے اندر قبض  کھانسی قبض ہوئے سب دفع  دو دو تو لے قدر حساب  کر کے دارو سب اکٹھ  فجری دیگی دج جو شا  ترے پا مصری نال بلا  دو تو لے گھت رب السوس  نال چھاننی صاف کرا  چھتے رنت صبح تے شام</p>
---	---

صفت لعوق پوست خشتاس



دیوے کھنگ نزول دیا پھٹ ڈوڈے بیس بلا سوٹھیاں دانہ سو شمار دو دو توے شامل کر فجرے دیگی دوج ادبال مصری سیربک ڈال پکا ایہہ دوا کٹ میل تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا بک بک تولہ وزن تمام کھنگ نزول دی جرہ پٹے	لعوق پڑست خشتا جس بنا پا پکا خشتا س کوٹا ریشہ خطمی تولے چار بیدانہ خطمی نیلوفر رات پوسارکھ پانی ڈال کل کے، پٹن کے، صاف کرا پکے جدوں گاہڑہ قوام نشاستہ کیکر گوند کتیرا مغز تخم کدو بادام ایہہ لعوق جیکر کوئی چٹے
---	--

### صفت لعوق بادام

خشک کھانسی نوں کرے آرام مغز تخم کھکھڑی، کھیرا دو دو تولے وزن تمام کٹ سب چرب روغن دوج کر دوج دوا ملا تمام جڑاں کھنگ دیاں سے پیٹ	نسخہ بک لعوق بادام نشاستہ، رگڑ گوند، کتیرا چلغوزہ، کدو، مغز بادام روغن کدو بادام گھر ادھ سیر مصری کر کے قوام رات نہار صبح اٹھ پٹ
---	---

### صفت تریاق نزول

ایہہ تریاق بنا ضرور گرم نزول کرے سب دور
--

تریاق  
 جس  
 ہود  
 ہے  
 مجرب  
 دوج  
 دس  
 بند  
 حب  
 دھنیا  
 درڑ  
 فجرے  
 ماکھیو  
 دو  
 وزن  
 جیکر

لکھار  
 دو  
 نصف

تقاطع مرض نزول تمام کرے نزول ہمیشہ تنگ دیوے اس نون جھب آرام مارے وچ نشانہ کھنگ لکھاں طبیاں وچ یونانی ریزش خام کرے سب دود کا ہو ڈال چھٹاکی وید ہر یک ہووے توے ست پھل کلاب تے اصل السوس دو دو توے ہودن کل رات پانی وچ تر کروا سیر پکا بصری وچ پا رکتر گوند کتیرا گھت کر کے بہت باریک ملا کھاے اس نون انگل مال چوتھا حصہ وزن سمھال	تریاق التزلہ اس دانام جس نون گرم ذکامی کھنگ ہووے ریزش پتلی خام ہے ایہ نسخہ مثل تغنگ مغرب ایہ تریاق لاثانی وچ حکیمان دے مشہور دس توے خشتا س سفید بذر البنج پوست وچ گھت حب آلاس اسطو خود دس دھنیاں گاؤ زبان دے پھل درڑہ کر کے سب دوا فجرے مل پن صاف کرا ماکھیوں دانگ پکاؤ پت دو دو توے وزن توللا وزن خوراک ترے مشعال جیکر کھاے لڑکا بال
--	--

### عربہ سبوس گندم

کرے خشک کھانسی اون دور ادھ سیر پانی گھت جوشا چار توے گوکا تھیو پار	لکھاں عربہ یک ضرور دو مٹھ چھان کنک دا بیا نصف رہے تاں صاف کرا
--	---



دو پون دو ترے ہو رہا ہاں  
خشک کھانسی بھین مویا جیسے

دو تولے مصری وچ ڈال  
شکر کیاں نال حریرہ پیوے

## حب سعال

حب سعال بہا ضرور  
کھانسی خشک ہوئے سب دفع  
مغز تخم کھکھڑی کھیرا  
مغز تخم غرلوزہ دید  
ہر یک تولہ وزن تمام  
لعاب بہیدانہ وچ بنھ حب  
ہولی ہولی چھتہ لنگھا

کھانسی گرم جے کرے فتور  
بہت نہایت دیوے نفع  
نشاستہ رگبر گوند کتیرا  
رب الیتوس خشک سفید  
مغز تخم کدو بادام  
کٹ چھان کے دارو سب  
مونہ دے وچ بہت حب کھا

## حریرہ خشکاش

گرمیاں ست باجوا ماں دید  
فجرے کوندے وچ گھوٹا  
دیگی رنج پکاڈ آن  
پتلا جیہا قوام پکا  
پیوے فائدہ کرے کمال

ترے تولے خشکاش سفید  
رات پانی وچ تر کر دا  
صاف شیرہ کر کپڑ چھان  
چار تولے گولا گھیٹو یا  
تولے دو مصری وچ ڈال

## لعوق لسوڑیاں

ہودے کھانسی گرم فرار

لعوق لسوڑیاں کر دیار

نجر جو شا کر صاف کرا گاہڑہ بہت قوام پکا اگ تھیں جلدی نال آثار خشک کھانسی نول فیض پہنچاے	لٹریاں ادھ سیر کٹ پوسا ادھ سیر مصری ڈال جو شا ماکیوں دانگ پکے جدتار دو تولے دو دقتی کھانے
--	--

### لعوق بنفشہ

مغز تخم کدو گھت دید ہر یک دو تولے مقدار کٹ دوا ملاؤ تمام میل دوا لعوق بنا خشک کھانسی تھیں پے آرام	بنفشہ گل خنکاس سفید بادام مغزے تخم خیار تولے چار روغن بادام ادھ سیر مصری قوام کرا پختے رات صبح تے شام
---	---

### صفت معجون بر شعثاء

نسن مستحقوں دکھ ہزار اس دابے ایہہ بڑا علاج دو ہو جو جادے کھانڈیاں سار ضیق النفس زکامی کھنگ دیوے جسموں تروت نکال بذر ابجہ کرد ہمراہ خالص تور یک انیم پودنہ دار چینی، مک پا	معجون بر شعثاء کرد تیار ہودے جس دا سرد مزاج بلغنی رنج والا آزار ریشہ، استرخا، ادھرنگ گنٹیا، صرع، سرعت انزال برچاں لے سفید سیاہ دو دو تولے وزن حکیم عز قرعہ، چھڑ، کیسر یا
--	---



فریون گرس دج گھت  
کٹ دوا رلا دج تھال  
ہینے ترے جواں دج رکھ  
دزن خوراک رتیاں چار  
جیکر دزن زیادہ کھاے  
پیڑاں درد کرن جس تنگ  
معدہ ہووے بہت ضعیف  
چار رتی برشعشا کھاے  
ہور بیماریاں سرد تمام

ہر یک ہوون ماشے ست  
ہنگناں خالص ماکھیوں ڈال  
لے دوا ماکھیوں سب چکھ  
اوڑک ماشے تنگ درکار  
مرض مزاج بگڑ سب جاے  
رتج گردے دج مائے دنگ  
ایتسار دیون تکلیف  
یک ساعت دج نفع دکھاے  
نسن استھوں چھوڑ مقام

### بیان سرفہ اطفال

جیکر کھانسی ہووے بال  
کوکر کھانسی کالی کھنگ  
کھنگ نال ہووے منہ لال  
چنچ مار غوط دم کھاے  
ہوون چھوٹے بال نادان  
بہت مجرب نکھاں حب  
گوند بکھر خشخاش سفید  
نشاستہ کا ہو نال پلا  
کیسر بذر البیج انیم  
حب برابر مرج سیاہ

کمن اس نون سرفہ اطفال  
کرے ایانے لڑکے تنگ  
حالوں بہت ہوون بد حال  
شدت کھنگ نال تے آوے  
کالی کھانسی نال حیران  
دور کرے کھانسی نون جب  
رب السوس کتیرا دیہ  
نو نو ماشے سب دوا  
ترے ترے ماشے وزن حکیم  
بغھ پانی پوست دا پانہ

رط

کرا

کھنگ

چھ

سو

ڈو

تھو

ای

ستی

چرنا

ضیق

حر

نال

آو

حرکت

کو

ایر

رہے نون گولی کچھ گھول

پستی نال پلاؤ اندول

### نسخہ جو شانده کو کرکھانشی

کراں بیان ہک عجب دوا  
کھنگ بے ہووے لڑکا بال  
چھ ماشے کٹ سوئف پوسا  
سوڑیاں کٹ گھت دانے ست  
ڈوڈہ پوست ماشہ ڈال  
تھوڑا جد پانی رہ جاوے  
ایسے طور کر استعمال  
ستی دودھ نہ ہرگز پیوے  
چرنی تیل تھیں کر پرہیز

دیوے کالی کھنگ ونجا  
کالی کھنگ کرے بد حال  
دانے چار منقہ پا!  
کٹ ملٹی ماشہ گھت  
دیگی دے وچ گھت لو بال  
ڈھا پستی دے نال پلاوے  
جاوے کالی کھنگ چنڈال  
تاں اوہ لڑکا چنگا بھوے  
ٹرش چیز تھیں رہے گریز

### بیان مرض ضیق النفس

ضیق النفس ہک سخت آزار  
جہر تھیں موذی گرے مواد  
نال مواد پچھر بھل جاوے  
اوسے دورے نال بیماری  
حرکت کرے یا قدم اٹھاوے  
کو تاہ دی پٹیاں وچ نام  
ایہ کوتاہ دی بیا۔ سی ساہ

پچھر دے وچ کرے دگاڑ  
جا پچھر وچ کرے فساد  
مشکل تنگ اوکھا ساہ آوے  
ساہ دم دے وچ پوسے خواری  
چڑھے ہوکنی دم گھراوے  
مرض ساہ اس کمں عوام  
کرے روگی دا حال تباہ



دیوے پھانسی دانگ عذاب  
خوب کیفیت کر دریافت  
مادہ خون کرے جے زور  
چہرہ سُرخ جے ہوئے لال  
باسلیق رگ چھڈ ضرور  
پچھوں شربت دیمہ عناب  
جے صفرا دی ہو دے ضیق  
بنفشہ ، خطمی ، نیلوفر  
سُڑیاں ، گاوزبان چ گھت  
رات پانی دج رکھ پوسا  
دو توے مصری دج پا  
گھبو گوکا نیت مالش کر  
ردنی کھیوئے نال کھڑا  
ایسے طور کر استعمال  
سبب جے ہو دے بلغم شور  
سرمقوں اترے گرم مواد  
نال مواد پھپر پھل جائے  
بہت ہو دے خشکی دا زور  
مُذی بلغم شور آفات  
اوہ بلغم حکم رکھے صفرا  
ظاہر باطن سکر ترتیب

دارو اس دا کرو شتاب  
کس مواد تھیں ہے ایہ آفت  
پھپر دے دج پاوے شور  
کر توں چنگی طرح خیال  
گندہ خون کر دسب دُور  
سرد چیزاں دا ڈال لعاب  
ہو دے ریزش گرم رقیق  
عناب ، بیدانہ شامل کر  
ترے ترے ماشے داروست  
نجر جوشا ، تل صاف کرا  
روگی نوں ہر روز پلا  
سر سینہ رکھ ہر دم تر  
مصری گٹھ پھوڑی دج پا  
گرم حنیق جاوے چھڈ خیال  
طرف پھپر دی دیوے زور  
جا پھپر دج کرے فساد  
ساہ دم اس دا اکھڑ جائے  
دیوے پھپر دج مروڑ  
کرے قوت پھپر دی مات  
دیوے آتش جسم لگا  
نال دوا غذا طلیب

شامل نال رکھو تبرید  
 دے شربت اعجاز بنا  
 لعوق چھتے نت انبتاس  
 لعوق سوریاں دانت چھتے  
 جے خشکی دا ہووے زور  
 حب سعال، لعوق بادام  
 کھن مصری نت چٹا  
 بنفشہ روغن، نت ملا  
 سرسینہ تر رکھ دن رات  
 جو آتش جواں دی نت پلا  
 حریرہ روز پلا خشکاس  
 حریرہ چھان کنک جے پیوے  
 دورہ جدوں ضیق دا آئے  
 مشکل نال آوے دم کھچ  
 شامل ہووے خشکی نال  
 اسی تولہ ڈیڑھ جوشا  
 ادھ رہے تال صاف کرا  
 سخت دورے دے وچ ملاوے  
 بادے ضیق پرانی ہو  
 دساں میں یک عجیب دوا  
 مغز یک لے بکری دا آن

شربت سرد نقوع مفید  
 دودقت پیوے پانی وچ پا  
 کرے گرم ضیق دا تاس  
 جڑاں ضیق گرم دیاں پے  
 لعوق بنفشہ جہا نہ ہو  
 خشک ضیق لے آون کام  
 دیوے خشکی ضیق و نجا  
 گھیو گوکے لے نال بنا  
 ہووے خشک ضیق جھب مات  
 بادام روغن مصری وچ پا  
 ہووے خشک ضیق دا تاس  
 فائدہ بہت نہایت تھیوے  
 اوکھا بہت بیمار ہو جائے  
 ہووے سخت طبیعت زنج  
 ایہ دوا کر استعمال  
 درڑھ کر پا پانی پا  
 دو تولے وچ شہد ملا  
 اوے وقت آرام ہو جائے  
 فائدہ کرے دوا نہ کو  
 دیوے جھبے نفع دکھا  
 ادھ پا گھیو وچ کر بریان



دو تولے مصری وچ گھت  
 فاصلے نال دوا کما ہے  
 ست دن چھوڑے ست دن کھا ہے  
 گھبو چھٹانکی گرم کرا  
 کھاوے روگی روٹی نال  
 بلغنی جیکر ہووے ضیق  
 بلغم کاہڑیاں نال پکا  
 حب ایارج کر کے تیار  
 معجون فلاسفہ دیوے نفع  
 تریاق نزلہ ہر شعلہ دوریا  
 مجرب نسخہ لکھاں یونانی  
 جس دا ہودے سرد مزاج  
 کئی دفعہ اُس نوں آزمایا  
 حبل دار چینی ، بادیاں  
 بالوں ، تخم کرفس ، ملٹھ  
 ادھ سیر خالص شہد ملا  
 تولہ زیت نہار جے کھا ہے  
 اس تھیں فائدہ جیکر پا ہے  
 پہنچ تولے اسی بریان  
 پا پکا وچ شہد ملا  
 کھروڑے بکرے دے منگوا

کھا ہے روگی ہفتے ست  
 خشکی والی ضیق و نجا ہے  
 ست ہفتے اس طرح کما ہے  
 دو تولے وچ شہد ملا  
 کوٹہ دمی جاوے فی الحال  
 نکلے بلغم خام رقیق  
 مسہل دو ترے چار کرا  
 وچ مینے دے دو بار  
 کرے ضیق بلغنی دفع  
 دیون نفع ضیق نوں ادویں  
 ضیق واسطے بہت لاثانی  
 اُس اے ایہ خوب علاج  
 بہت نہایت نفع پایا  
 پودبہ ، میتھی ، تخم کتان  
 ہر ایک تولہ کرو اکٹھ  
 دارو سجھ کٹھ ملا  
 بلغنی ضیق النفس نجا ہے  
 ہک دو داری پھیرنا ہے  
 رب السوس تولے دو آن  
 روگی نوں ہر روز پچا  
 گھبو گوکا گھت خوب پکا

جیکر  
 ندو  
 اسی  
 چار  
 رات  
 ست  
 کٹ  
 دو  
 سیر  
 ادھ  
 جے  
 مصر  
 گھبو  
 چربی  
 اسی

نسخہ  
 لکھ  
 دے  
 رات

جیکر ضیق دالانت کھاے  
 زونا، سونف، پودنے لے  
 اسی، میتھی، شامل کر  
 پار، انجیر، منقہ ست  
 رات پوسا رکھ پانی ڈال  
 سندھ، پودنے، ہرڑ، ملٹھ  
 کٹ چھان وچ شہد ملا  
 دو وقتے حب چتھ لگھاے  
 سیرک پکا لے بادیان  
 ادھ سیر کھنڈ اس سے وچ ڈال  
 بے خشکی وچ بہت مزاج  
 مصری مکھن شہد ملا  
 گھو چھٹانک شام بے چوے  
 چربی تیل نہ ہرگز کھاے  
 لسی حقہ مریج ہو رخشک

بلغمی ضیق النفس و نفاہ  
 بانسہ ہر یک ماشہ ترے  
 منہشی ترے ترے ماشہ بحر  
 گناؤ زبان ماشہ ترے گھت  
 فجر پلا کھنڈ گھت اویال  
 بک بک تول کرہ اکٹھ  
 سیر برابر حب بنا  
 شانی رب تھیں صحت پانی  
 گھو گو کے وچ کر بریان  
 شام صبح کر استعمال  
 نال تراوت کرد علاج  
 روگی نون ہر روز پٹھا  
 فضل خدا تھیں چنگا قیوے  
 ترش چیز دے راہ نہ جائے  
 بیڑے اوس نہ آئے مشک

### ٹوٹکہ ضیق دہقان

نسخہ ہو رہکھاں دہقانی  
 لکڑ دی لے چھل لٹا  
 لے ملٹھ دارو ایہ چار  
 رات پانی سے وچ پوسا  
 نہیں دوا کوئی اس آثانی  
 پوست تلخ تمباکو پا  
 دس دس تولے دا مقدار  
 فحری دو ترے جوش دوا



<p>ماکھیوں سیر بہک نال ما          چٹے رت صبح تے شام          دو گنا گھیو گوکا روچ پا          چربی نیل دے راہ نہ جاوے          کئی سالوں تک ہے فرار          فائدہ کرے دوا نہ کو          دورہ ضیق جاکے چھڈ خیال          ماشہ قلمی شورہ کھاوے          کرے موقوف دورہ فی الحال</p>	<p>مل پن کے صاف کرا          کر کے ماکھیوں وانگ قوام          روٹی ماکھیوں نال کھوا          چیزاں ترش نہ ہرگز کھاے          مرجاں سستی ترش آچار          جاوے ضیق پُرانی ہو          کہ ایہ نسخہ استعمال          شدت نال جے دورہ آوے          مصری نال تھوڑی جیہی ڈال</p>
--	---

### نسخہ مجربہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>کئی دفعہ اُس نوں آزمایا          کرے خراب ہمیشہ کھانسی          فائدہ بخشے بہت عجیب          پا پا پکا کر ہمراہ          ہر اک ہو دن ماشہ ست          گل حکمت کر خوب جلا          بلغمی ضیق النفس و نجاوے</p>	<p>ہک نسخہ صدری ہتھ آیا          دورہ ضیق آدے جیوں پھاسی          استعمال جے کریں طبیب          تمباکو کوڑا قند سیاہ          نوشادر، نمک سوہاگر گھٹ          دودھ اک دے وچ تر کر دوا          کھنڈ وچ میل رتی ترے کھاوے</p>
--	--

### نسخہ صدری ضیق النفس بلغمی

<p>ہر ہک ہووے تو لے ترے</p>	<p>نمک لاہوری شورہ لے</p>
-----------------------------	---------------------------

تو  
جا  
شور  
چار

نسخہ

پا

سینہ

دو

نید

ادھ

بھان

رکھ

تھوڑ

بلغمی

نوشا

لکھ

نوشادر ہودے ماشے ست	نہاگہ گھت
دودھ اک دے وچ ترکوا	تو دو سٹ درٹا کروا
وچ انگلیٹھی اک دے دھر	توڑے وچ بگل حکمت کر
روگی نوں ہر روز پلا	چار رتی وچ کھنڈ بلا

### نسخہ مجربہ صدری ضیق کہنہ بلغمی

لگے وچ نشانہ تیر	نہ کران بیان اکیر
دیوے ضیق دی بیخ اکھیر	استعمال کرو کچھ دیر
تھباکو پاؤ پکا ہمراہ	پا پکا لے قند سیاہ
نوشادر نال سہاگہ پا	سیندھا نمک سوچر لے آ
کٹ کے کر سب جمع سنوار	دو دو تولے دارو چار
گھوٹ پانی وچ سارے گھت	نید تھوٹھا ماشے ست
لیپ اُنہاں اُتے کر جلد	ادھ بیرے پت اک دے زرد
وچ انگلیٹھی اک دے دھر	بھانڈے وچ بگل حکمت کر
ہک رتی کر استعمال	رک سواہ حفاظت نال
ضیق والے نوں نت کھوا	تھوڑی جیہی کھنڈ بلا
ضیق پُرانی ہودے دفع	بلغمی کھنگ نوں دیوے نفع

### نسخہ صدری دمہ بلغمی ریاحی

ہنگ برابر کر ہمراہ	نوشادر پودنہ مرچ سیاہ
بیر برابر گولیاں سب	اک کنوار وچ بھو حب



یک ہک حب بنت منہ دج رکھا کرے خداوند لکھ تھیں لکھ

## نسخہ ضیق النفس صدری مجربہ شناسی

دساں ہو رہی عجب علاج  
اس نون بہت پہنچاے نفع  
گنٹھیا، استسقاء، ادھرنگ  
ہور جو ہو دن سرد آزار  
شنگرف رومی تولد لیا  
رگڑو گھٹ کھل دے دج  
اس نے گھولے دانگ بنا  
گولہ پیالے دج رکھا  
رکھ پیالہ اس مکان  
جد سوتر سارا سڑ جائے  
گولے نون ہتھ نال اٹھا  
شنگرف جائے ہو سفید  
وزن یک نصف رتی دا کھائے  
جیہڑا شنگرف دے دج پارہ  
ایس سبب وزن گھٹ جائے

ہو دے ضیق جے سرد مزاج  
کرے پیرانیاں مرضاں دفع  
بلخی ریح پرائی کھنگ  
بدنوں باہر کڈھے مارا  
ترے تولے اک دا دودھ پا  
شنگرف دودھ جدوں لے کچ  
سوتر تولے چار دلا  
سرتے کوئلہ اک ٹکا  
ہتھ داؤ نہ لگے آن  
گولہ دانگ سواہ ہو جائے  
سواہ سوتر دی جدا کرا  
درتن کل شناسی دید  
گھٹ منقہ دج لنگھائے  
شنگرف تھیں کر جائے کنارہ  
شنگرف دج سفیدی آوے

## نسخہ حب سم الفار

نسخہ ایہ صدری آزمائشی

مجربہ سائیں بخش شناسی

نام اس دا حب سم الفار	کے مشکل سخت آزار
جادے ضیق پُرانی ہو	نفع نہ بخشے دارو کو
اس نول مدت تیک کما دے	ضیق النفس دفع ہو جاوے
نقص گنٹھیا برص جسام	جادن اس توں نہ تمام
سندھ ونگ، نگ مرغ سیاہ	جفضل دار یعنی ہمراہ
دبڑ کچلے، عفسر قرچا	چھ چھ ماشہ قدر تولا
کیر، سم الفار، ایلم	ترے ترے ماشے وزن حلیم
ادرک دا پانی دج پا!	سب دارو گھت کھل کرا
حب برابر دانہ جوار	بعضوں پنج سو نال شمار
یک یک گولی دا مقدار	کھا دے گھیو دے نال بیمار
گولی کھا دے وقت نہار	ادھ پا پیوے گھیو پنگھار
اک راک گولی ہفتے توڑ	کھا دے دیوے ہفتے چھوڑ
مڑ یک ہفتہ شروع کرا	مڑ ست روزاں تیک چھوڑا
تسے چار ہفتے اس طور	کھا دے دکھ جاوے فی الفور
مدتی کھا دے ماکھیوں نال	دو گنا گھیو اس دے دج ڈال

### لوٹکے د مہ ضیق

ماشہ خراسانی اجوین	جے کھا دے کوئی تربہ رین
اوتول پیوے گھیو پنگھار	گوکا ادھ پاؤ دا مقدار
بلغمی کھنگ توں دیوے نفع	
ضیق پُرانی ہودے دفع	



## بیان نفث الدم

نفث الدم ہک مرض زبون  
شامل کھانسی دینہ تے رات  
بہت دیر جے رہے آزار  
جد صغرا دی ددھے مواد  
خون رگال دینج ہوئے شور  
پھٹ جادے رگ چلے خون  
نالی علامت سمجھ مزاج  
چہرہ سُرخ جے نظری آ  
پھٹول شربت دیہو غلاب  
نسخہ ہک لکھاں لاثانی  
پھل گلاب کندر گھنار  
وزن برابر چار دوا  
چار ماشے تک وزن پھکا  
دو تولے شربت انجبار  
کھامے نال قرص سرطان  
پوست دا پوسے نت گھٹ  
جے صفرا دا بہت قصور  
شربت دیہہ پوست خشناس  
گورکھ پانی ، بوئی اکسیر

نال تھک رل آوے خون  
کرے بدن دی قوت مات  
وانگ رل دے کرے خوار  
نال خون رل کرے فساد  
دیوے طرف باہر دی زور  
ہوئے کے گندہ بہت زبون  
سویج سمجھ کے کرد علاج  
اول باسلیق چھڑا  
صاف کرے سب خون خراب  
تجربہ حکمت دینج یونانی  
پھٹکڑی نال ملاؤ سار  
کٹ باریک سفوف بنا  
آٹوں حزنہ گھوٹ پلا  
پیوسے روگی نت نہار  
بخنے صحت رب رحمان  
جڑاں مرض دیاں شے پٹ  
آوے تیرے دینج شعور  
شام شربت دیہہ حب آلاس  
تجربہ سائیں بخن فقیر

رات پانی  
ہور  
نفث الدم  
پہلوں  
غوارے

تولے  
نشت  
سنگ  
سہاگر  
چھ  
افیم  
بہیدان  
شیرہ  
کھوئی  
جے کرکھ  
شربت  
رات

رات پانی دج رکھ پوسا ہور مجرب عجب دوا نفت الدم دا قصہ کرنا پہلوں قصہ نہ دیہ کوئی چیز غارے کرے مابو گلنار	وقت صبح دے چھان پلا اندرونی بوٹی گھوٹ پلا پچھوں دارو شروع کرا ایہو رکھیں یاد تیز پھٹکڑی نال ملاڈ سار
--	--

### قرص سرطان

توے پنج سواہ سرطان نشاہتہ رلکر گوند کتیرا سنگ جراح خستاش سفید سہاگہ پھٹکڑی کر بریان چھ چھ ماشے سب دوا انیم ترے ماشے دج گھت بہیدانہ دے دج لعاب شیرہ خرفہ دے ہمراہ کھوتی دا رنت پیوے دودھ جے کر کھنگ نہ ہو دس نال شریت رنت پیوے خستاش رات کتیرا گوند پوسا	کر توں پیہہ کے کپڑ چھان مغز تخم کھٹکڑی کھیرا گل ارمنی کر یا میلو دید رب السوس ملاڈ آن کٹ چھان سب جمع کرا خرفہ ڈالو ماشے ست ترے ماشے قرص بنا شتاب ہک ہک قرص ہر روز کھوا مصری ڈال جے ہوس بڑھ دودھ بکری کر استعمال نفت الدم دج بے دسواس مجر پیوے دودھ دج ملا
--	--

لو مکہ شناسی مجربہ نفت الدم



شناسی ٹوٹکے لکھاں ضرور کوہن چم دی کرے سواہ عدسی شاد نہ پتھر لے ترے ماشے دیہ بے دسواس مٹھا مریج نہ ہرگز کھاے	نفت الدم کرے مجب دود کالا سرمہ کرے ہمراہ کٹ دوا باریک ترے دیہ شیرہ پتھوں خشناس گرم چیزے راہ نہ جائے
---	---

### لحوق مجربہ نفت الدم

لشہ بیان کراں یونانی رنت نہار روگی کوئی کھاے سحاب تریتہ لسوڑیاں شہ ریشہ خطمی تولے ترے ہک چھٹانک پوست خشناس مجرے دیگی دوج جوشا مصری ادھ سیر دوج گھٹ ایہ دوا دوج کٹ ملا ادھ پاڈے خشناس سفید نشا سیدہ لکڑ گوند کتیرا مغز تخم کدو بادام کٹ دوا ملا دوج رنت	مجرّب فرمودہ ارزانی نفت الدم نون تریت ونبجے دو تولے دوج ڈال ملے دوج اس سے داخل کرے رکھ پوسا پانی دوج پاس مل کے چمن کے صاف کرا ماکیو دانگ پکاڈ پت شام فجر اس رنت چٹا کٹ ملا اس سے دوج دید مغز تخم کھکھڑی کھیرا دو دو تولے وزن تمام رنت نہار صبح اٹھ چٹ
---	--

جے کچھ باقی رہے قصور  
پھیر بنا اس طرح ضرور

پانی  
تور  
گھٹ  
ہک  
جے  
نفت

شریر  
پا  
فجری  
کرے  
ٹھنڈ  
نفت

شریر  
چار

## حَبِ مَجَرَبَہِ نَفَثِ الدَّمِ

پانی دج رس تولے چار تور پشکڑی پھل کرا گھت کر گھی دج قوام بکا ہک گولی بنت منہ دج ڈال ہے ایہ نسخہ دانگ اکیر نفث الدم دا فصد کرا	رات پوسا رکھ فجر ستار پیہہ کے دج رسوت بلا گولی رتی چار بنا کھائے شیرہ دھنیا نال بخٹے فائدہ بے نظیر پچھوں استعمال کرا
--	---

## صِفَتِ شَرِبَتِ حَبِ آلاس

شربت حَبِ آلاس بنا یا ہک دانے حَبِ آلاس نجرى اس نوں خوب اُبال کر کے اس دا خوب قوام ٹھنڈا کر بوتل دج پیا نفث الدم نوں دیوے نفع	جیویں حکیم گئے فرما کٹ گھت رکھ پانی دج پاس وزن برابر مصری ڈال بنت پلا صبح تے شام حاجت دیلے کدھ پلا دست کرے گرمی تے دفع
--	---

## صِفَتِ شَرِبَتِ انجبار

شربت انجبار کر تیار چار تولے انجبار مٹکا نجرى دیکھی دج جوش	نفث الدم نہ سہے آزار پانی دج کٹ رات پوسا کپڑے دج گھت صاف کرا
--	--



مصری ادھ سیر اس دوج ڈال	کر کے قوام عقل سے نال
ہک ہک تول روز پلا	پانی تازہ سرد پلا
ایہہ شربت انجبار پسند	دگدا خون کرے مجھ بند

### بیان نفث المدہ

منہ تھیں جاری ہووے ریم	نفث المدہ کہن حکیم
پھوڑہ یا کوئی درم گھمبیر	آوے اس تھیں ریم کثیر
گندی بدلو استھیں آوے	نیڑے ڈھک نہ بیٹھا جاک
ہے ایہہ مرض رسل داقتم	لاغر کرے نہاشت جسم
شامل تاپ جے ہووے نال	حالوں بہت کرے بد حال
کر تول اس دا جلد دوا	بخشے اس نوں رب شفا
گودا انہلتاس مٹھ	دو دو تولے کر داکھ
تولے دو بہیدانہ لے	بنفشہ گل تولے ترے
سوریاں تنوعناب ترنیر	انجیراں دو منقے دیہ
رات پوسا پانی دوج ڈال	فجرے دو ترے دیہ ابال
کل کے پن کے صاف کرا	ادھ سیر پکا مصری پا
حکا ہڑہ بہت قوام پکا	ایہہ دوا دوج کٹ پلا
مغز تخم کدو بادام	رب السوس کتیرا تام
ہر ہک تولہ وزن دوا	سجے دارو کٹ پلا
گھٹ چھٹانک روغن بادام	پچھے رت صبح تے شام
جیکر پیپ ہے رت جاری	رے توقف دوج جاری

گئے چمچی وانگ کند  
 احتقان المدہ اُس دانام  
 غش پورے ہووے لاچار  
 دیوے کھول درم نول مجب  
 زردنا ترے ماشے دج گھت  
 میٹھی ڈالو ماشے اٹھ  
 پیسے شہد تھو اجہا ڈال  
 دیوے مجب درم نول کھول  
 تولہ شہد ملا وچ سدھ  
 روگی نول ہر روز پلا  
 دیہ بادام روغن وچ پا  
 ایہو رکھیں یاد تیز  
 پاوے ملک الموت کند  
 فالودہ سیویاں دودھ گھیو پا

جیکر ریم ہو جادے بند  
 جد بند ہو جائے ریم تمام  
 اٹکھا ہووے بہت بیمار  
 کہ توں اس دا اوہ سبب  
 دو ابغیر منقہ ست  
 لے توں ماشے پنج ملٹھ  
 پانی دے وچ گھت او بال  
 بنفشہ روغن لے وچ کھول  
 تازہ بکری واسے دودھ  
 بنفشہ روغن نال ملا  
 پانی وچ جو آتش پکا  
 ہرگز خشک نہ دیہ کوئی چیز  
 شاید ریم ہو جادے بند  
 دیویں اُس نول نرم غذا

### بیان روغن مجربہ سائیں بخش

رات پانی وچ تر کردا  
 کل کے پین کے صاف کرا  
 بکری دا گھیو تولے ست  
 تولے چار چار وچ میل  
 مٹھی مٹھی آگ جلا

بنفشہ کل چھٹانکی لیا  
 تجرے دیگی وچ جو شہا  
 ادھ پا گھیو گوکا وچ گھت  
 مغز کد باداماں تیل  
 دیگی دے وچ گھت پکا

نال  
 ملا  
 بند

حکیم  
 یوم کثیر  
 جاتے  
 جسم  
 بد حال  
 شفا  
 رو اکٹھ  
 ترب  
 وینہ

یہ ابال  
 سری  
 ملا  
 نام  
 ملا  
 شام  
 حادی



جد سارا پانی جل جادے کر کے سرد شیشے دوج ڈال ایہ گھیو دوج جو آتش بلا یا دوج ڈال کھوتی دے دودھ یا دودھ بکری دے دوج سیل	روغن گھیو باقی رہ جادے حاجت وقت کر استعمال روغن نول ہر روز پلا دیہ اس نول جے ہودے ہر دیہ رت صبح ملا ایہ تیل
--	---

### صفت فیروٹی ملین سینہ

چرنی بکرا مٹھا تیل روغن مغز کدو بادام بنفشہ روغن نال ملا	کر کے گرم، موم، دوج سیل سب دوا ملا تمام سینے تے کر د پلا
--	--

### بیان مرض سل

مشکل سخت ہک سل آزار لازم تاپ ہووے اس نال قرچ پھیر سینے دے دوج لاغر جسم ہوندا اُس جاسے خاص سبب سل دے چار کیے نزول نیز یا شور کنہ نسیق یا کھنگ شدید ایہ دکھ بہت کوبہ نقصان جیکر اس نول آئے خون	پاک آوے نال دل کھنگار دانگ دق تپ ہووے حال درد کرے تے لگے کھج رنگ بدن چہرہ بدلا دے ذات الجنب یا کرے بگاڑ ضرب سٹ یا لگے زور ہووے اس بقیں سل پدید ورلانے کوئی انسان ہووے گندہ بہت نزلون
--	--

جگر تاپ نہ ہووے نال  
 اسلیق دا فصد کرا  
 جے کوئی ہووے منع سبب  
 پچھوں شربت دیہہ عناب  
 دیہہ توں اس نوں قرص کاغذ  
 گلقد تازہ رشت اوں کھوا  
 ہو راک نسخہ آب حیات  
 ے کے تیل مچھی دا سُندھ  
 لعاب بہیدانہ دا وچ ڈال  
 سفوف سرطان جے نال پھکاوے  
 نسخہ ایہہ عجیب یونانی  
 ے پندراں سولان سرطان  
 پانی نال دھوا رڈدھ پاڑ  
 نشاستہ رکھر گوند کیترا  
 مغز تخم کدو بادام  
 کُت پیس دارد ست  
 دزن خوراک ہے ماشے چار  
 کیترا پانی وچ بوسا  
 مصری تھوڑی جیہی وچ ڈال  
 ٹوٹک ایہہ بڑا آزمودہ  
 دودھ بکری دا وچ رلا

ہرگز سیل نہ کریں خیال  
 خون گندہ سب دودھ کرا  
 سنگی جوک۔ مری لا جھب  
 صاف کرے سب خون خراب  
 خرفہ گھوٹ پلا ضرور  
 نہیں کوئی اُس ے جیہا دوا  
 کرے مرض سیل دی مات  
 وچ رلا کھوئی دا دودھ  
 پیوے روگی سُریاں نال  
 فائدہ بہت نہایت پاوے  
 کن سفوف اس نوں سرطان  
 کر کے صاف جلاؤ آن  
 ساری گل حکمت کر ساڑ  
 مغز تخم کھکھڑی کھیرا  
 تول تول وزن تمام  
 وچ سواہ سرطان ے گھت  
 کھاوے روگی رشت نہار  
 بکری دے دودھ وچ گھوٹا  
 پیوے نت گھٹان دے نال  
 پانی وچ پکاؤ فالودہ  
 پیوے روگی مصری پا



<p>             عرق گلو کھج نیلو فر              دج جو آتش پکا سرطان              ہے ایہ ٹوٹکے خاص یونانی              مغز کچھو کچھ دا آن              شیرہ دھنیا دج پکا ہے              کھا ہے رسل والا بیمار              ہو ر شربت شیرہ سرد نفور              خرفہ کا ہو گھوٹ پلا              گوا دودھ تازہ نت پیوے              لعاب بنفشہ نیلو فر              سوڑیاں کٹ کے نال پلا           </p>	<p>             دج شربت میل پلا یا کر              پیوے رسل والا نت آن              نہیں دوا کوئی اس داثانی              گھینو گو کے دج کر بریان              مرج مصالح نمک نہ پاوے              فائدہ بخشنے بے شمار              رکھ ہمیشہ اس نول شروع              کھوتی دا دودھ مصری پا              فضل خدا تھیں چنگا تھوے              بہیدانہ خطمی شامل کر              مصری ڈال ہر روز پلا           </p>
--	--

### بیان ذات الریہ یعنی آماش شمش

<p>             ذات الریہ مرض ہو جا              اکھڑے دم اوکھا ساہ آئے              شدت تاپ کرے بد حال              ہوندا جادے درم زیادہ              ہووے زندگانی برباد              ہے پھپھرے دج کھلو              دیوے صحت شافی رب              پازے جلد شفا غلیل           </p>	<p>             جس تے آوے قبر خدا              پھپھر سخت درم کر جاے              ہووے کھانسی شامل نال              جیکر ہووے ردی مادہ              اٹھ روز دیوے میعاد              جیکر مادہ سالم ہو              کر توں اس دا وارو جھب              تا ہو جادے درم تخمیل           </p>
--	--

کرڈہ پتھر دانگ کرخت  
 فضل خدا تھیں صحت پائے  
 چا پھیر دے دج کرے بگاڑ  
 پھیر دے دج پائے دم  
 طرٹ پھیر دے کرے ارادہ  
 حاضر آن ہووے بالقرض  
 چھوڑ مسافر لد سدھائے  
 ہووے گندہ بہت زبون  
 اکھیں چہرہ سُرخ کمال  
 قدر موافق ہو کدھ  
 دو ترے دقت پلایا کر  
 کرڑی صحت ہوئے اس قبض  
 جیہڑا ہووے قبض ش  
 ادھ یا پکا دج اندازہ  
 داخل کر اُس دے دج دید  
 خوب طرح مل ہتھال نال  
 دیکھی دج توام پکا!  
 ایہہ دوا دج کٹ ملا  
 دو دو تولے وزن تمام  
 چنے بت صبح تے شام  
 رنت پلا مصری دج گھول

یا ادھ درم ہو جادے سخت  
 یا ادھ درم ریم کر جائے  
 تیز مواد گرم دا ساڑ  
 بلغم شور یا ریزش گرم  
 یا تب دا بحرانی مادہ  
 اکثر دقت نزع ایہہ مرض  
 دانگ وحی جد حاضر آدے  
 کرے معلوم ہے مادہ خون  
 گوہڑہ سُرخ ہوئے رنگ لال  
 باسلیق دیویں رگ پچھڑ  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 جیکر بہت شکم دج قبض  
 اس نوں دیہہ لعوق بنا  
 گودا انبلاکس دا تازہ  
 پاک پکا کھنڈ سفید  
 ادھ سیر پانی دے دج ڈال  
 چھاننی دج گھٹ صاف کرا  
 جد ادھ ہووے گاہڑہ آ  
 کیترا مغز کدو بادام  
 دو تولے ڈال روغن بادام  
 لعاب رہیسدانہ اسبغول



<p>گرم پانی دا کر جل دھارا  سکنجیس دے نال تاکید  آٹھ جواں بنفشہ پا  درم پھپھرتے کرد طلا  پھپھر نول پہنچے تصدیق  سندھ حقوڑی جیہی نال رلا  دیوے رتخ دا درد ونجا  ایتم طلا کر دارو ترے</p>	<p>کرے درم جے سینہ بھارا  شریت اوس اعجاز مفید  گل بابونہ خطمی لیا  گھت سرکے دج خوب گھٹا  سبب یا بغم باد یا رتخ  مصبتر مالولی رائی لیا  گھوٹ پانی دج کرد طلا  کچلہ رستھا تیلپا لے</p>
---	--

### بیان ذات الجنب

<p>دیکھ حالت دل جاے کنب  لین نہ دیوے ساہ بیماری  اوکھا ہووے بہت سریر  اوسے تنگ نہایت ساہ  حقیقی غیر حقیقی جان  خالص ذات الجنب حقیقی  غیر حقیقی کریں خیال  ہیٹھ پسلی پاوے درم  ہیٹھ پسلی دے کرے نساد  بابھ فصد نہ دارو کو  کرناں اس دج فصد مناہی</p>	<p>مندا دکھ ہے ذات الجنب  ردوے ڈھائیں مار آزاری  ہیٹھ پسلی ہووے پیڑ  کھنگ تاپ ہووے ہمراہ  ذات الجنب دو قسم بھجان  درد درم تپ نال رقیقی  جیکر تاپ نہ ہووے نال  مادہ تیز نہایت گرم  یا کوئی رتخ یا سرد مواد  ذات الجنب جے خالص ہو  غیر خالص جے پیڑ ریامی</p>
---	--

جس  
سر  
کر  
فار  
گند  
جیکر  
جیکر  
فاصلہ  
جیکر  
جے  
اصلی  
شاید  
بنفشہ  
گل  
کرد  
انگریزی  
بابھ  
رتی  
گو بیاں  
پانی دے  
پھسکڑی

جس دا ہودے گرم مزاج  
 سرد طبیعت جس دی ہو  
 کر کے چنگی طرح دھیان  
 فاسد خون جے کرے فتور  
 گندہ خون نکال تمام  
 جیکر بہت خون دا زور  
 جیکر درد باقی رہ جا  
 ناصلہ دے کے فصد کرائیں  
 جیکر باقی رہے قصور  
 جے مادہ صفرا سودا  
 اصل فصد بچی دا ٹھیک  
 شاید رُوح خارج ہو جائے  
 بنفشہ شربت یا عتاب  
 گل ردغن وچ موم گلا  
 کو طلا ترے کر کے گرم  
 انگریزی نسخہ ہک ہنڈ آیا  
 باہنڈ فصد دے دیوے نفع  
 تکی ہک افیم منگا  
 گولیاں اسدیاں بہنو ترے  
 پانی دے گھٹ نال لنگھا دے  
 پٹکڑی ماشے چار پھکا

گرم نہ ہرگز کریں علاج  
 دارو سرد نہ پڑے دھو  
 غالب دے مواد پکھان  
 باسلیق رگ چھڈ ضرور  
 آوے اُسے وقت آرام  
 فصد مخالف طرفوں چھوڑ  
 طرف موافق فصد کرا  
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں  
 سنگی رُمی لا ضرور  
 فصد موافق طرف کرا  
 طرف بھی ول رُوح نزدیک  
 قوت بہت جسم گھٹ جاوے  
 پچھوں فصد پلا شتاب  
 چربی بکرا نال ملا  
 سخت درم ہو جاوے نرم  
 ڈاکٹر صاحب نے فرمایا  
 ذات الجنب ہو جاوے دفع  
 کیلو مل وچ نصف ملا  
 ہک دن وچ ترے داری لے  
 ذات الجنب موقوف ہو جاوے  
 ادتوں پانی گرم پلا



ایہ بھی ہے نسخہ دہقانی  
 دھینا پیلک خوب گھٹا  
 کرے جیکر اوہ طلب غذا  
 درد بے ہووے خاص ریاحی  
 اک دی جڑھ دی چھل لٹا  
 بے اوکھا ہووے بہت رنجول  
 چھل ہریٹھ خوب پسا  
 باراں سنگھا گھس لگاؤ  
 عرق سونف ادھ سیر سنگا  
 ڈال اس دج روغن باہام  
 بہت شتانی دھوے نفع  
 درد بے ہووے بلغم رنج  
 نہ کر قصد بے درد ریاح  
 رنج تھیں درد کسے نوں ہو  
 ٹمکے یک طلسم شناسی  
 رنج تھیں ہووے جیکر پیر  
 مٹھا تیلیا کچھ لیا  
 درد رنج تے کرد طلا  
 کچھ لگا بے کاغذی لادیں  
 وساں ٹمکے ہووے آزمودہ  
 بلوں رانی سندھ ایم

واسطے ذات الجنب لاثانی  
 ورم گرم تے لیب کرا  
 مونگی دال جو آشپ کپا  
 کرے پسلی وچ تباہی  
 گھوٹ درو تے کرد طلا  
 گرم پانی دے کرد نطول  
 گھوٹ پانی وچ کرد طلا  
 یا تنہا مصبر لاؤ  
 مغز قلوں چھٹانک بلا  
 دو تہے دفع پلا تمام  
 درد سینے دا ہووے دفع  
 کر توں چنگی طرح صبح  
 مال دوا کروا اصل  
 دارد سرد نہ دیویں کو  
 بہت دفع ہووے آزمائشی  
 حق امس دے دج ہے اکبر  
 دونوں گوتر دج گسا  
 دیوے فوراً درد گوا  
 دو چند استعیں نفع اٹھادیں  
 درد رنج تھیں کرے آسندہ  
 دو دو ماسے وزن حکیم

گھوٹ پانی وچ کرو طلا ہور لکھاں ہک لیپ لاثانی سجی، گوگل، سندھ ایلوا درد رتج تے کرو طلا ہور محل لکھاں ضما بابونہ، اسی، میتھی لیا گھوٹ پانی وچ کرو ضما چونہ مرغ نخود آب پکا کھاوے روئی نال بیمار انتقال کر مودی مادہ سڑیا ہو یا گرم مواد ساہ دم اس دا اکھڑ جاوے یا ہو جٹے رسل آزار	درد پیڑ رتج رہے نہ کا مغرب ہے نسخہ دہقانی زردی بیضہ وچ طلا دیوے جلدی رب شفا کرے تخیل ریاح مواد نظمی جو بنفشہ پا ہووے رتج دا دفع فساد دار چینی زیرہ وچ پا ہووے رتج دا دور آزار طرف پھیر جے کرے آمادہ جا پھیر وچ کرے فساد مرض ذات الریہ ہو جائے قرعہ پوے پھیر وچکار
---	---

### بیان ذات الصدہ

ذات الصدہ، شوصہ، برسام ورم ہووے سینے دے وچ ہووے مادہ گرم کمال جے اوہ ہووے ردی مادہ ہو جاوے اس نوں سرسام کہ مادے دی خوب شناس	ہے ہک مرض تے اس نام درد کرے تے لگے کھج اکثر تاپ ہووے اس نال ہوندا جاوے ورم زیادہ کرے نہ ہرگز بایت کلام بہت فکر دوڑا قیاس
--	---



نظر جے آوے غلبہ خون  
جے غلبہ ہووے صفرا  
نال علامت سمجھ ضرور  
کر توں نال تراوت خوب  
بنفشہ روغن، نیلوفر  
روغن مغز کدو بادام  
جیکر قبض شکم وچ ہو  
وچ بے ہوشی، پستی نال  
دست جدوں ہوون اس جاری  
کر اس توں تبرید طیب  
سبب جے بندش رخ دا ہو  
تاپ نہ ہرگز ہووے نال  
عرق اجوین پودن لے  
خالص ماکھیوں نال ملا  
روغن کھٹ بابونہ لیا  
طلب جے روگی کرے غذا  
جیکر دم پیپ کر جائے  
ریم دم تھیں ہووے جاری  
نفث المدہ دا کرد دوا

خارج کر سب خون زبول  
یا سٹیا ہو یا سودا  
جیویں طیبیاں دا دستور  
سر سینہ اس دا مرطوب  
سر سینے تے مالش کر  
مالش کرو صبح تے شام  
دہہ ملین اس نوں! کو  
تھوڑا تھوڑا منہ وچ ڈال  
زائل ہووے جھب بیماری  
شامل نال رکھیں ترطیب  
درد سینے وچ زے کھلو  
ایہ دوا کر استعمال  
عرق سونف ایہ داروتزے  
روگی نوں ہر روز پلا  
سینے تے مالش کردا  
طبع موافق سمجھ کھوا  
نفث المدہ مرض ہو جائے  
نفث المدہ خاص بیماری  
جیویں حکیم گئے فرما

بیان ذات العرض

پیلیاں  
درد کر  
آکھن  
ذات الہ  
لیپ کر  
کریں  
جیکر ہو  
تعم کا  
مغز  
پنج تو  
بابونہ  
ماشے تر  
ہور ذات

جے مٹے نور  
دم سرخ  
باسلیق  
یا اس  
تنگ نہایت  
پھسکری پا

<p>پیلیاں دے گرد نواح          درد کے تے پھرے چو پھر          آکھن اس نوں ذات العرض          ذات الصدر دا جیویں علاج          یپ کرو دوستانہ دوج          کریں علاج اس نال شعور          جیکر ہووے درد نہایت          تخم کاسنی برگ سنا          مغز تخم کدو بادیاں          پنج تولے گلقد ملا          بابونہ، اسی، میسقی لے          ماشے ترے افیم ملا          ہور ذات الجنب دا جو دستور</p>	<p>اگے پچھے پھرے ریاہ          شانہ سینہ لے سب گھیر          سخت عذاب دیوے اس مرض          کرتوں اس دا سمجھ مزاج          درد پیڑ لے سب کچھ          ذات الصدر جیوں دستور          کرے قبض دی سخت شکایت          مغز بادام اس نال ملا          بنفشہ ہر ہک تولہ آن          گھوٹ پانی دوج تڑت پلا          رائی ہر راک ماشے ترے          شانہ اُتے کرد ملا          اوہ بھی ایٹھے کرو ضرور</p>
---	--

### بیان ورم پستان

<p>جے مخے نوں ہووے ورم          ورم سُرخ جے ہووے لال          باسلیق دا فصد کرا          یا اُس نوں جوکاں لگوا          تنگ نہایت کرے جے پیڑ          پھنکری پانی دوج گھسا</p>	<p>کرۓ سخت نہایت گرم          دیوے گندہ خون اُبال          خون گندہ سب دور کرا          ہووے گندہ خون صفا          اوکھا ہووے بہت سریر          شامل نال افیم ملا</p>
--	---



<p>ورم مٹے تے کرد طلاء پت بکین تے نم گھوٹا بہت نہایت دیوے نفع جے ہووے صفراوی مادہ دھنیا پیلک خوب گھوٹا جے بلغم خون مرکب ہو پیش اوتھے روز بنھا جد ساری بن جائے ریم ہفتہ تک نہ تم رکھ جاری کر کے ساری ریم صفا پیلک پانی دھو جوشا گل خیرے دے پت گھوٹا قیروٹی اُس تے نت لگا</p>	<p>دیوے فوراً ورم اٹھا ورم مٹے تے لیپ کرا جوش خون دا ہووے دفع ہووے سڑکن درد زیادہ مٹے اُتے لیپ کرا ورم مٹے تے رہے کھلو کچا خوب مواد پکا نشر نال نکال حکیم ریم دفع ہو جائے ساری مرہم لائے کے زخم چھڑا سوچ مٹے دی بنت دھوا پانی دے دھو لیپ کرا گل روغن چربی موسم ملا</p>
---	--

### نسخہ مرہم مجربہ

<p>جیکر ورم ریم کر جائے وگے ہمیشہ استہیں ریم سفیدہ مصطکی لے زنگار صابن دیسی موم سفید ہک ہک تور پیچے ہو نید کھوتھا کر بیان</p>	<p>گندہ پیپ اس ج بھر جائے ایہ مرہم اس لاؤ حکیم چھ چھ ماشے دا مقدار مردا سنگ رال کتھ دید خشک بروڑہ تولے دو ماشے ترے ملاؤ آن</p>
---	--

تیر  
مر  
سر  
مختل  
جیک  
بابو  
پانی  
سخت

جد ہو  
جے ایو  
مردہ  
تور  
تیل  
آلودہ

مردہ تھنا  
نمایاں  
کے

<p>پہرہ کے سب دوا دینے میں          زخم قرحہ سے رنت لگا          کرے جے مجھے دینے فساد          ہو جادے تحلیل مواد          دیہہ اس نون دو دفع شتاب          اسی، میسقی نال بلا          گھت گل روغن گرم کرا          ہو جادے تحلیل مواد</p>	<p>ترے چھٹانک مٹھالے تیل          مرہم گھوٹ مار بنا          سرد ریاچ یا بلغم باد          محفل اس تے کرد ضما          جیکر حاجت ہو س جلاب          بابونے دے پھل منگا          پانی دے دینے خوب گھوٹا          سخت وزم تے کرو ضما</p>
--	--

### مرہم مد ملہ

<p>جد ہو جادے قرحہ صفا          جے ایہہ مرہم روز لگا دے          مردہ سنگ سفیدہ رال          تول تول سب دوا          تیل مٹھے دے دینے بلا          آلودہ ٹاکی کر چھڑا</p>	<p>بنا مرہم اس رنت لگا          بہت شتابی زخم چھڑا دے          مصطلک موم کتھ دینے ڈال          ادھ پا مٹھا تیل لیا          مرہم گھوٹ مار بنا          دیوے جھب دے زخم چھڑا</p>
---	---

### بیان قلت لبن یعنی کم شیر

<p>دودھ تھناں دینے گھٹ جے ہو دے          میاں وچوں دودھ نہ آ دے          کرے جیکر صفرا بگاڑ</p>	<p>بھوکا بال ایانا رودے          پچہ لاغر ہوندا جلدے          دیوے دودھ تھناں داساڑ</p>
---	---



<p>پائے دودھ وچ آن فاد پانی وچ گھوٹا تمام مصری گھت ہر روز پلا مصری ڈال پلاؤ دھند باد تھتاں وچ رہے کھلو دافر گھيو مصالح پا کر بریان دافر گھيو پا نال روٹی کر استعمال میوہ مغزیات وچ پا دودھ چلے اس وانگ نثار دونویں وقت پھکا یا کر گوشت سیویاں چرب پلا ست ست دینہ دافر کر ایہو رکھیں یاد تیز</p>	<p>یا کوئی سر یا خشک مواد چار مغز، تے مغز بادام گوکا دودھ اس وچ پا خرفہ زیرہ گھوٹ سفید سبب جے ضعف معدے آہو جانوراں دا ماس کھوا بیضہ مرغی دا منگوا زیرہ دار چینی وچ ڈال نشاہتہ گھيو کھنڈ نال پکا کھاوے عورت رت نہار سونف کھنڈ گٹ پھکی کر متنجن، پھرنی لوز کھوا دو ترے اوس جلاب کر ہرگز خشک نہ کھاوے چیز</p>
---	--

### بیان تعریف شان قلب یعنی دل

<p>دل اعضاء لائق تعریف کل اعضاء دا سردار دل اعضاء دا بادشاہ سب اعضاء اس خدمتگار جن اعضاء تے حکم چلاوے</p>	<p>شان اعضاء وچ شریف حاکم بدن فعل ممتاز ہور اعضاء تمام سپاہ وچ حکم دل تابعدار ذرا نہ ہرگز عذر یادے</p>
---	--

دل پیدائش رُوح حیوانی	جس نول نشان بقا زندگانی
دل مبدا ہے فعل قوے	دل تھیں شروع قوت اوج
جو اعضاء باطن تے ظاہر	دل دے حکموں نہیں کوئی باہر
دل دے دج جیہڑا اوج	کرے بدن دی بہت اصلاح
دج رگاں پھیاں شریان	چرخ و انگ کرے دوران
رکھو اس دا بہت خیال	مت کوئی ایس نول پوے نوال

### بیان مرض خفقان

بد پہنچے دل نول نقصان	پیدا مرض ہووے خفقان
طیش کرے دل رُوح گھبراوے	چنگا کچھ نہ دل نول بھارے
گھٹا دل نول پوے مدام	آوے کسے نہ وقت آرام
لگے دل نول ڈاڈی کھج	ہووے بہت طبیعت زہج
پہنچے دل نول سخت الم	ڈوبا رُوح رہے دج غم
کدے کدے ہووے غش آن	دیوے دل نول ضعف زیان
دل نول بہت پوے پھر کاں	ہرگز کم نہ سو جھے کار
خوشی نہ ہرگز اس نول آوے	رُوح غوطے غم دے دج کھارے
فکر اندیشہ، بھیڑی خراب	آون سُفنے بہت خراب
کرے دیلاں تے وہمات	نہند نہ آوے دینہ تے دات
رہے طبیعت منو جھسان	وانگ سودائیاں پھرے حیران
دل نقول سر نول چڑھے بخار	عقل فکر دج پوے بگاڑ
دل دے آمد پوے غماری	ہوش بُدھ جاوے سب ماری



تنگ ہووے دل پٹے رے  
 رہے ہمیشہ غم اندوہ  
 اُودے دل ہووے نسیان  
 سبب مرض دا کرو معلوم  
 نال عقل دے سمجھ مزاج  
 سبب ضعف دا جے صفرا  
 داخل دل وچ ہووے آن  
 سڑکن تلخی کرے خواہ  
 اکھیں چہرہ زرد زبان  
 مجرب نسخہ لکھاں عجیب  
 گرم جیکر ہووے خفقان  
 گھاؤ زبان دے پھل منگلا  
 پھل گلاب تے مندل بوڑا  
 رات پانی وچ تر کردا  
 نل کے پُن کے صاف کرا  
 جد شربت دی کے تار  
 منڈا کر بوتل وچ پا  
 بیدار تے عرق گھاؤ زبان  
 عرق کیوڑہ عرق گلاب  
 نسخہ ایہہ بڑا اکسیر  
 آملہ وحنیاں نیلوفر

سرے دال غصے تھیں کھوے  
 دل نوں بھلا نہ لگے کو  
 پلوے عقل دے وچ زبان  
 نال علامت جیویں رسوم  
 کر توں اس دا پھیر علاج  
 یا سڑیا ہو یا سودا  
 دیوے دل نوں بہت زبان  
 ہر دم رُوح رہے بیزار  
 کوڑا رہے ہمیشہ دان  
 کرے جے استعمال طیب  
 جاوے دل دا چھوڑ مکان  
 گھاؤ زبان بھی نال ملا  
 ہر یک لے پیچ تو لے پورا  
 فخرے دو ترے جوش دا  
 سیر پکا وچ مصری پا  
 آگ تھیں اس نوں ہیہہ آثار  
 نت پلا وچ عرق ملا  
 فخرے نال ملا آن  
 وقت شام دے میل شتاب  
 تجرہ سائیں بخش نقر  
 گھاؤ زبان وچ شامل کر

نفقوع کر کے ہر روز پلا  
 ماء الجبن جیہا نہیں علاج  
 ترے ترے ماشے دا دوتے  
 ماء الجبن نال رکھو شروع  
 حق اس دے وچ ہے اکیر  
 بہت شتابی چنگا تھیوے  
 پیوے روگی رت نہار  
 اوہ بھی دیویں نال ملا  
 دور کرے دل دا وہمات  
 غم اندوہ سب کرے دفع  
 فائدہ بخش بے شمار  
 بکری دا دودھ شام پلا  
 رت پلا مصری وچ گھول  
 نال لعاب ملاؤ شتاب  
 لکھاں طبیعت کرے آسودہ  
 کھادے فحری مصری نال  
 فائدہ بہت نہایت پایا  
 نال پانی دھو صاف کرا  
 چھلکا چنگی طرح خراش  
 مصری ترے پا نال ملا  
 گاجراں ہرگز رہن نہ خام

بڑہ حسد نال ملا  
 جے اس ہودے خشک مزاج  
 انقیمول پا پرہ دھنیاں لے  
 کر کے پانی وچ نفقوع  
 عرق پیوے کڈھ تازہ شیر  
 عرق نیلوفر جیکر پیوے  
 شربت گل پھل کر تیار  
 گل پھل دا عرق کھینچا  
 مجرب ایہ نسخہ کرامات  
 گلقد پھل دی دیوے نفع  
 ترلوز زنبو سنگترہ آنا  
 گولا مکھن فخر چٹا  
 لعاب بہیدانہ اسبقول  
 روح کیورہ تے عرق گلاب  
 دہقانی لوطکے ہور آزمودہ  
 گاجراں راتیں رکھ او بال  
 مرتبہ گاجراں دا آزمایا  
 گاجراں سیر پکا سنگوا  
 نال چاقو دے خوب تراش  
 کڑا ہی دے وچ گھت جوشا  
 لکھیوں دانگ کے جد قوام

دے ہرگز رہن نہ خام



ایہ مرتہ روز کھوا	اگ تھیں لاه بھانڈے مچ پا
عرق گاجر ڈٹھا اکیر	ہک شناسی کیہا فقیر
دفع کرے سب صفرا دا ساڑ	شریت روز پلا انار
چھ چھ ماشے وزن تولہ	انقیموں دھنیاں رات پوسا
پیوے روگی مصری پا	نجرى تل پٹن صاف کرا
دفع کرے صفرا زبول	جے دیویں سنگھیں لیوں
دفع کرے سوداوی مادہ	سنگھیں جے پیوے سادہ
سونا چاندی ورق لگا	مرتہ بیہی تے سیب کھوا
دل دے ضعف نوں ہے اکیر	مرتہ آملہ زرد ہریٹ
ہووے روگی بہت بیمار	دل نوں بہت پوے پھرکا
گلاب ادھ پا دھج تر کردا	کشمش سبز دانہ پنجاہ
کھادے سوئی تال چھو	دانہ پک پک یا دودھ
جادے ضعف ہووے جھب زرق	پچھوں اودہ پلاؤ عرق
دفع کرے خفقان بعین	ترے ہفتے دیہہ نفعہ تلین
بنفشہ روغن لے دھج میل	کدھو مغز کدہ دا تیل
روغن نال ملاؤ ضرور	شیرہ دھنیاں مشک کافور
تلخی دفع ہووے گھبرا	سینے اُتے کرو طلا
خفقان گرم نوں جلد و نجات	سرد انوشد اوو جے کھائے
ہر ہفتہ دیویں ہک بار	ملین مسہل کر کے تیار
ہووے سرکن دور فساد	دساں میں ہک ہووے منہاد
پچھل گلاب تے صندل بود	کاسنی دھنیاں مشک کافور

گھوٹ پانی دج کرو طلا  
 جے دھوی ہووے خفقان  
 پیتا بھل جائے سر بھارا  
 باسلیق دی چھڈو رت  
 آو انبلی رات پوسا  
 شربت نت پلا عتاب  
 گرم غذا نہ ہرگز کھائے  
 جیٹری پچھے لکھی دوا  
 حاجت ہووے پوسے جدا  
 مایخولیا دا جو باب  
 یعنی جے ہووے خفقان  
 رتج سرد یا بھغم باد  
 ڈھلی نبض سفید پیشاب  
 ہووے خاص جے سرد مزاج  
 گرم مہجون اس دیوے نفع  
 روغن دار چینی لے آ  
 دل سینے تے کرد طلا  
 کٹھ لونگ سوکھا چھڑ لیا  
 گوشت جانوراں دا کھائے

دیوے فوراً ساڑ دجا  
 اکھیں چہرہ سرخ دان  
 تلخی تریبہ لگے بھڑکارا  
 شربت سرد پلاؤ دت  
 فجر پلا نت مصری پا  
 صاف کرے سب خون خراب  
 ٹون مریج لے راہ نہ جائے  
 اوہ بھی استعمال کرا  
 دج مایخولیا دیکھن جا  
 لکھیا اندر ایس کتاب  
 آون نظر جے سرد نشان  
 پاوے دل دج بہت فساد  
 پھٹکا ذائقہ بہتی خواب  
 کر توں اس دا گرم علاج  
 خفقان سرد ہو جائے دفع  
 بابونہ روغن مال  
 دیوے دل دی رتج دجا  
 گھوٹ پانی دج کرو طلا  
 رول مال وافر گھیم پاوے

بیضہ مرغی دا بریان  
 کر کے نت کھواڈ آن



## نسخہ عرق شیر

کرال بیان اس دی تدبیر میل دوا ترے عرق کو بوروہ صندل شامل کر پنج سیر پانی گھت پوسا پنج چھ بوتل عرق نکال رہے نہ اس دانام نشان مصری تھوڑی جیہی ملا	جیکر عرق نکالو شیر دو سیر گوکا دودھ منگا گاؤ زبان تے نیلوفر دس دس تولے وزن تولا فجر رلائی کے دودھ لے مال گرم جیکر ہو دے خفقان ادھ پا پکا نت پلا
---	---

## بیان نفقوع بلین

کرال بیان نفقوع بلین محرزہ تاپ اہیضہ طاعون یا کوئی ہو دے مرض دبائی گرم خفقان زردیرقان جیکر کھنگ نہ ہو دے مال ابلی لے نت تولے اکھ دانے دیہہ زرد آکھ لیا فجرے کل پھن صاف کرا ایہ نفقوع پیوے بیمار دل دا دور کرے دوسا	کرال بیان نفقوع بلین محرزہ تاپ اہیضہ طاعون یا کوئی ہو دے مرض دبائی گرم خفقان زردیرقان جیکر کھنگ نہ ہو دے مال ابلی لے نت تولے اکھ دانے دیہہ زرد آکھ لیا فجرے کل پھن صاف کرا ایہ نفقوع پیوے بیمار دل دا دور کرے دوسا
---	---

خانہ

نسخہ

محرزہ

ہیضہ

دس

سیر

سیر

بوروہ

سیر

بوروہ

نیل

دو

پا

پانی

مصری

تھوڑی

عرق

ایہ

خارج کرے موزی صفرا

تلخی دور کرے گھبرا

## شربت مجربہ سائیں بخش

تجربہ کیتا ہو یا لاشانی  
سرکن ترہہ تلخی برقان  
پیوسے دیوسے رب شفا  
عقلی ہودے باہجہ قصور  
دیہہ دیہہ تولے قدر حساب  
مشی دے برتن وچ پا  
فجرے مل پن صاف کرا  
ڈھک پیالے دے وچ رکھ  
قلعی دار بھانڈے وچ پا!  
دونویں پاڈ پاڈ کر ہمراہ  
چنگی طرح دوا صب گال  
سیر بہک پکا نظری آئے  
سرکہ عرق گلاب ملا  
میسو پاڈ پاڈ مقدار  
شربت وانگ پکاؤ پت  
روگی نول دو وقت پلا  
فائدہ بہت نہایت پادیں  
ہووسے بہت شفا بیمار

نسخہ کراں بیان یونانی  
محرقة تاپ غشی خفقان  
میضہ ڈالی مرض ویا  
دس تولے سے صندل پور  
سرکہ خالص عرق گلاب  
سرکہ عرق گلاب ملا  
بورہ اس وچ رات پوسا  
سرکہ عرق دونویں کر دکھ  
بورے سرکیوں جدا کرا  
نیں انہلی آلو سیاہ  
دو سیر پکا پانی ڈال  
بد پانی ادھا جل جادے  
کے آس نول صاف کرا  
پانی تپو ترشش انار  
صری سیر پکا وچ گھت  
گھنڈا کر بوتل وچ پا  
عرق سردجے نال پلاویں  
ایہ نسخہ آزمودہ کار

تدبیر

کڑھا

کر

پوسا

نکال

نشان

ملا

یقین

خون

بائی

نشان

تعال

نشان

پوسا

نشان

پاچار



# صفت نوشدارو سرد

نوشہ کراں بیان عجیب  
کھاوے نت صبح تے شام  
ڈھٹی اس دی عجب تاثیر  
سرد نوشدارو اس نام  
کئی دفعہ اس نوں آزمایا  
سفید ہمن طباشیر لیا  
بورہ صندل سرخ سفید  
مغز کدو تے جوند کثیرا  
چھوٹی الاچی بھل گاؤ زبان  
بھل گلاب اصلی وچ پا  
خالص کیسر مشک کا فور  
آملہ ادھک سیر منگا  
فجری دیکھی دے وچ ڈال  
تل کے خوب ہتھاں ڈال  
عرق کیوڑہ عرق گلاب  
عرق گاؤ زبان گھت نال  
پانی سیمب نے آب انار  
سیر پکا مصری وچ گھت  
ماکھیوں وانگ کچے جد توام

استعمال جے کریں طیب  
آوے جلدی نال آرام  
وچ تقویت دل اکیر  
وچ مشہور طبیبان عام  
فائدہ بہت نہایت پایا  
دھنیاں دے بھن مغز کڈھا  
زرشک صاف لے غزوید  
مغز تخم کھکھڑی کھیرا  
گاؤ زبان بھی ڈالو آن  
ہر ہک تولہ وزن دوا  
ترے ترے ماشے میل ضرور  
رات پانی وچ تر کر دوا  
چنگی نال طرح دے نکال  
چھانسی وچ دواں مغز نکال  
بید مشک وچ ڈال شتاب  
سنگتیاں دا پانی ڈال  
ہر ہک پاؤ پاؤ دا مقدار  
آملہ سنے پکاؤ پست  
کٹ دوا ملاؤ تمام

ایہ  
ونک  
جو

جیکر

سبب

ایہو

چھل

بنفش

بھل

سولفت

تل کے

تازہ

وچ ج

تولہ

حقے

جے کو

دست

ہر ہفت

ایہو

ایہ مفرح سرد دوا وہن اس دا مثقالاں چار جو شربت ہوئے مذکور	روگی نوں ہر روز کھا کھاے دو نویں وقت نہار ادہ بھی نال پلاڈ ضرور
---	---

### صفت مسہل ملین

جیکہ ہوئے قبض کمال سبب معدے جے پوسے بگاڑ ایہ جو شانده دیہو ضرور چھل ہریاں تولے چار بنفشہ تولہ یک ملا پھل گلاب چھٹانکی ڈال سونف تولے دو کٹ ملا کل کے پُن کے صاف کرا تازہ گودا انبلساس دوچ جو شانده حل کرا تولہ یک روغن بادام حقے اس دے ترے کرا جے کوئی ہکے وار پلاڈے دست جددوں ہو چاون جاری ہر ہفتہ دیویں اسہال ایہ جو شانده مسہل خوب	نسخہ کراں بیان اسہال کدھے باہر معدیوں ساڑ سہے نہ بجھے دوچ قصور انبلی پنج تولے مقدار مینگ تولہ نال سنا کاسنی دو تولے گھت نال رات پوسا سب فجر جوشا کھنڈ سفید چھٹانکی پا ہک چھٹانکی کر کے قیاس نال چھانسی صاف کرا دوچ جو شانده میل تمام فجرے پیشی عصر پلا قے دے نال نکل سب جاڈے قطع ہو جاڈے کل بیماری قوت موسم عمر سہال دیویں جددوں ہوئے مطلوب
---	--



## نسخہ مجربہ خفقان سرد

<p>دفع کرے ٹھنڈا خفقان          رنج جوڑاں دینے مارے دنگ          کڈھے باہر جسم تھیں مار          دار چینی چھڑ کر ہمراہ          الاچی دانہ مصطکی دید          بادرنجبویہ ڈال ضرور          جلتوری پودنے، سندھ بادیان          گٹ دوگنا ماکھیوں دینے پا          ہو جاوے معجون تیار          دیوے سرد آزار دغا          پچھوں روز پیوسے دن رین          بہت نہایت فیض پہنچاوے          کہتے ایہ نسخے آزمائشی</p>	<p>مُجرب نسخہ کراں بیان          گنٹھیا داؤ مرگی ادھرنگ          ہو رہو ہوں سرد آزار          لونگ بالونہ زیرہ سیاہ          موتھا بہمن سرخ سفید          عود الاچی خورد پچور          گھاں خونجاں بھنگ بریان          ہک ہک تولہ سب دوا          میل دو ہفتے رکھ سنوار          چھ چھ ماشے رنت کھوا          عرق پودنے سونف اجوین          ماکھیوں دو تولہ رنت کھاوے          سائیں بخش حکیم شناسی</p>
---	---

## بیان مرض غشی

<p>جدول غشی دی ہو دے مرض          رنگ اکھیں چہرے دا زرد          ہو دے بغض ضعیف باریک          کریں معلوم ہے گرم سبب</p>	<p>خاص علامت ایہہ بالفرض          ہتھ پیر ہو جاوے سرد          سکتے دانگ ہو جاوے ٹھیک          ایہہ علاج کریں اس مجرب</p>
--	---

بید مشک تے عرق گلاب  
 شربت نال انار ملا  
 مندل مُشک کافور گلاب  
 بابجھ پچھاں دے موراں دج  
 خالص عرق گلاب منگا  
 جدوں بیمار آوے دج ہوش  
 مُرتے بھی تے سبب کھوا  
 سبب ضعف دل جے غش کھاے  
 میل گاؤ زبان دا عرق  
 سنگتیاں دا پانی پیوے  
 مُرتے آملہ دا نت کھاے  
 جیکر خشکی ہوس کمال  
 جیکر ہووے سرد سبب  
 دیویں گرم کوئی نسوار  
 کانپھل کندشس مرچ سیاہ  
 پیہہ باریک ناسا نوچ پھوک  
 جے دھک بہت پُرانا ہو  
 ہووے اس دا سرد مزاج  
 سرنوں چڑھی رہے نت کھاے  
 معدیوں رنج اکھ سرنوں جاے  
 ہتھ پیر ہو جادن سرد

روح کیوڑہ دج ڈال شتاب  
 دج خلق قطرہ ٹپکا  
 شیشی گھت سنگھا شتاب  
 پنڈلیاں تے سنگیاں کچھ  
 چہرے اُتے کر چھڑکا  
 سُنے آوازہ کر کے گوش  
 تال چاندی دے ورق لگا  
 شربت نت انار پلاوے  
 پیوے نت ہووے تھب فرق  
 بہت شتابی چنگا تھپوے  
 ایہ بھی دل دا ضعف دجائے  
 گھو دودھ دیہہ مصری دج ڈال  
 جعفل سنگرف دیویں تھب  
 ہووے زائل غشی آزار  
 لونگ تھوڑا جیہا کر ہمراہ  
 مار آوازہ ادھی کوک  
 رہے جسم دے دج کھلو  
 دل نوں رنج دیوے اختلاج  
 دل دے دج پوے پھرکار  
 پھرکے دل روح نوے کھاے  
 معدہ جگر کرے نت درد



<p>آوے دل نول سخت آزار          ایس سببوں غش اس آئے          دیوے جیہڑا رتج و نجا          ردگی نول ہر روز کھوا          تیل مٹھے دی ذرا نہ ڈر          جیویں طیبیاں دا دستویہ          الاچی دانہ نال ملا          سمجھ مزاج کرد اس آن          طبع موافق کرد علاج</p>	<p>بہت رتج جد دیوے زور          ضعت ہووے گھاو ل کھاوے          دہ اس نول معجون بنا          منقہ دھوے کے گرم کرا          ہتھیں پیریں مالش کرا          پاشویہ بھی سکرو ضرور          گلقد تازہ اس روز کھوا          ہور علاج جیہڑے خفقات          گرمی سر دی سمجھ مزاج</p>
---	---

### بیان معجون مجربہ غشی سرد کہنہ

<p>رہے نہ رتج دا نام نشان          سندھ، جلد تری لوگ تگر          چھوٹی الاچی کر ہمراہ          خولنجاں نال چھڑیلہ گھت          ہر یک تولہ وزن دوا          ماکھیوں دج معجون بنا          موسم عمر مزاج سہماں          دفع کرے دکھ درد تمام</p>	<p>مُجرب کراں معجون بیان          مرچاں گھاں مصطکی چھڑ          الاچی دانہ، زیرہ سیاہ          دارچینی، جعفر تیز پت          چھل ہریڑاں پودنہ پا          دارو سبھے کٹ پھننا          وزن خوراک اس دا انتقال          معجون ارسطو اس دا نام</p>
---	---

### بیان تعریف شان معده

معدہ  
فیض بد  
پٹھ  
گوشت  
سب  
معدہ  
معدہ  
جدوں  
جد معده  
جاد

پیٹ  
کچا کھا  
خون  
جاد  
حکیم  
معدہ  
توت  
کھڑ  
کہ نور

معدہ حوض بدن دا جان فیض بدن نوں بہت پہنچا دے پہلے پٹھے ناراں ششریاں گوشت پوست کل اعضا سب اعضا معدے دے سوا معدے دا کل جسم محتاج معدہ نہ غذا پہنچا دے جدوں اعضا ہوں بیمار جد معدے ویچ پوے قساد جادے جد اس بگڑ مزاج	رتبہ اس دا عالی شان ہرگز ویچ شمار نہ آوے بھلے پردے دل رُوح جان معدے وچوں کرن غذا جدوں غذاؤں ہوں خالی ہر یک عضوے نوں احتیاج طاقت کل جسم گھٹ جاوے معدہ ہووے خدمت گار دیوے کوئی نہیں امداد جھبڈے اس دا کرد علاج
---	---

### بیان مرض اسہال

پیٹ کسے دا ہووے جاری کچا کھانا باہر آوے خون آئے سلی دستاں نال جاوے مرض پُرانی ہو حکیم ہندی سنگرہنی کہن معدہ ہضم نہ کرے غذا قوت بدنوں گھٹدی جاوے کھٹھرے کچھ نہ معدے ویچ کرتوں اس دی خوب شناس	پوے شکم دے ویچ خواری سول نال روگی کرلاوے کہن حکیم اس نوں اسہال مدت تک بے رہے کھلو بہت دیر تک دست بے رن لاغر ہوندے جان اعضا روگی فکر کرے غم کھاوے وقت مردے گئے بچ! کر کے ماتاں فکر قیاس
---	--



گرمی سردی سمجھ مزاج  
 ہے صفرا دا ہودے زور  
 رنگ دست دا ہودے زور  
 گرم چیز اس رنج پہنچا ہے  
 رنگ آنکھیں چہرے دا زور  
 سرکن تریہ تلخی گھبرا  
 مادی مرض ہودے یا سادہ  
 اول اُس نون تے کردا  
 دو ترے چارے کے تلئیں  
 قطع ہودے مودی صفرا  
 ہر ہفتے دینج ہک دو بار  
 پکڑے معدہ جلدوں صفائی  
 فاسد مواد نکل سب جادے  
 پھیر طبع دی کراصلاح  
 مواد جے نہ ہودے اخراج  
 مت مواد ہو جادے بند  
 قابض سخت نہ دیویں چیز  
 جے کچھ باقی رہے مواد  
 یقین سہل ہو دیوا  
 سخت تیز جیکر صفرا  
 معدے تے دینج کرے بگاڑ

نال عقل دے کرد علاج  
 آون معدیوں دست مرد  
 ہودے سخت شکم دینج درد  
 سرد چیز تھیں فائدہ پادے  
 سفرہ کرے نہایت درد  
 ہین نشانیاں ایہ صفرا  
 تے نال خارج کر بادہ  
 نہیں کوئی اُس تے جیہا دوا  
 خارج کرد مواد تعین  
 تلخی دُور ہودے گھبرا  
 دیویں تے تلئیں بیمار  
 آون کھلے دہست غذائی  
 مادیوں معدہ صاف ہو جادے  
 دے کے قابض سرد دوا  
 قابض کریں نہ کوئی علاج  
 پادے جھبے اجل کنہ  
 ایہو رکھیں یاد تمیز  
 کرے شکم دے دینج فساد  
 کر معدہ اس خوب صفا  
 تلخی بہت کرے گھبرا  
 درد شکم سفرے دینج ساڑ

دہیہ  
 لکھا  
 نوا  
 زرش  
 ران  
 چاد  
 اچار  
 اچار  
 گوئی  
 مرتی  
 چانو  
 کھاو  
 آہا  
 روگی  
 کنگہ  
 خوب  
 فوری  
 گاہڑ  
 ساگر  
 یا کھا  
 رشتا

دیہ توں اس نوں ترش دوا  
 لکھاں عجائب اک نقوع  
 نواں انار دانہ منگوا  
 زرشک سہاق ایہ داروچار  
 رات پانی دق تر کروا  
 چاول مونگ پکاؤ رات  
 اچار نبو سنگترہ انار  
 اچار گاجر دا دیوے نفع  
 گوئی لستی بہت پلا  
 مرتہ بھی دا گھوٹ پلا  
 چانول بھن کونڈی گھوٹوا  
 کھاوے روگی چچے نال  
 آٹا باجرے دا منگوا  
 روگی نوں ہر روز کھوا  
 کنگنی دے چاول پکواوے  
 خوب دیوے معدے نوں گھوٹ  
 غری دہی چاول بت کھاوے  
 گاہڑی بہت لستی بت پیوے  
 ساگ سر ہوندا کھن پا  
 یا کھاوے مچھی بت اباں  
 رٹھا مریج نہ ہرگز کھاوے

معدیوں کٹ سڈ صفرا  
 ہک دو ہفتے رکھ شروع  
 آملہ اس دے نال پلا  
 ہک ہک توے دا مقدار  
 فجرے مصری ڈال پلا  
 کھاوے فجرے گھت جفرا  
 دفع کرن معدے دا ساڑ  
 گرمی کرے معدے دی دفع  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 طباشیر کچھ نال پلا  
 فرنی دیگی دق پکا  
 دست بند ہوون فی الحال  
 رابڑی لستی دق پکا  
 لستی گاہڑی بہت پلا  
 گھت چک دی نت کھاوے  
 ذرہ مرض دا رہے نہ کھوٹ  
 رات ندی دودھ نال لنگھاوے  
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے  
 جے روگی بت کرے غذا  
 دفع ہوون معدی اسہال  
 تاں اوہ روگی صحت پاوے



ہر ہفتہ دیوے تلئین  
تے جیہا نہیں کوئی دوا  
یاد رکھیں مت نال یقین  
دیوے مرض اسہال و نجاس

### بیان مرض سنگرہنی کہنہ

جیکر مرض پُرانی ہو  
معدیوں بہت آدن اسہال  
جیکر مرض پُرانی ہو  
جیکر تپ نہ ہووے نال  
پہلاں دو ترے کر تلئین  
کر کے معدہ خوب صفا  
مغرب جہاں ایہہ آزمودہ  
پاوے معدے وچ کمنہ  
ماجو مائیں پھل انار  
سماق مصطکی لے وچ گھت  
سپاری ارگر گوند افیم  
دندے کوندے وچ گھوٹا  
گولی ہک ہک ماشہ مقدار  
جے معدی ہوون اسہال  
ہک گولی پانی شے نال  
کرتنہ چانول مسرجوار  
گوکا دہی رنت نال ملا  
رہے جسم دے وچ کھلو  
حالوں بہت کرن بد حال  
دشال حب آزمودہ کو  
کر توں اس نوں استعمال  
خارج کرد مواد لعین  
مڑ ایہہ نسخہ شروع کرا  
سفاہ ارزانی دامنہ بودہ  
فوراً دست ہو جاوون بند  
حب آلاس کند گلنار  
ہر ہک ہوون ماشہ ست  
ترے ترے ماشہ وزن حکیم  
پانی تھوڑا جیہا ملا  
بمقول شتر وچ شمار  
تپ نہ ہووے ہرگز نال  
کھاوے رنت نہ رہن اسہال  
کھاوے جو آوے درکار  
نستی گاڑی کرے غذا

گرم

نسخہ

مص

ہر

چھ

کھوڑ

پھر

جیکر

بہت

پھل

دند

چھ

کھوڑ

یا

گا

رنت

کہا

گرم چیز دے راہ نہ جائے | گوشت، مٹھا، امرت نہ کھائے

### نسخہ مجربہ اسہال صفراوی

نسخہ کہاں بہک بہت پسند  
مصطکی بل کتھ پوست رال  
ہر بہک تولہ وزن دوا  
چھ ماشے نت وزن کھوا  
پچھڑی چاول امر پکا  
معدی دست کرے جھب بند  
موچرس گوند بکھر دج ڈال  
پیہ کے سارے جمع کرا  
کھائے دج گلقد رلا  
نت کھوا دج دہی رلا

### نسخہ مجرب اسہال معدی خونی

جیکر تینوں ہودے لوڑ  
بہت بیماریاں تے آزمایا  
پھل دھادا بھنگ پھل اند  
ڈنڈے گوند سے دج گھوٹا  
چھ ماشے نت وزن خوراک  
پچھڑی چاول نت پکا  
یا گاہڑی لستی سے نال  
نت روٹی کھوا جوار  
لکھاں مجرب نسخہ ہوو  
ہرگز کدے خطا نہیں پایا  
مصطکی ہر بہک تولے چار  
ماکھوں بخوڑا جیہا رلا  
کھائے صحت کرے رب پاک  
کھائے گوکا دہی رلا  
کھائے دفع ہودن اسہال  
لستی نال نہ رہے آزار

### بیان نسخہ مجرب اسہال خونی

کہاں بہک فقیر شناسی | ایہ نسخہ میرا آناہشی

نہیں  
دو بخا

کھلو  
حال  
کو  
حال  
بین  
کرا

مردہ

بند

لنار

ست

طکیم

رلا

شمار

نال

سہال

رکار

غذا



<p>جے خونی ہودن اسہال  ہرڑاں زنگ چھٹانکی آن  چھل بیڑہ پھل انار  چھ ماشے روگی نت کھائے  دودھ چاول دہی لسی نال  عوض پانی دے لسی پیوے  جے پیوے شربت انجیار  پلا شربت نت حب آلاس</p>	<p>کرد اتھائیں استعمال  گھیو گوکے وچ کر بریان  دو دو تولے دا مقدار  لوئن مریج دے راہ نہ جائے  کرے غذا نت استعمال  کھاہڑے پانی باہجھ جو تھیوے  خونی دست ہو جان فرار  کیے اسہال خونی داناس</p>
--	--

### نسخہ مجربہ اسہال

<p>سوفت ہریڑاں زنگ لیا  دو دو تولے دا مقدار  سوفت ہریڑاں کر بریان  گھوٹ کوندے وچ چار دوا  زرشک سماق دانہ انار  کرکے پانی وچ نقوع!  تالبعض اس لوں دیہ غذا  میل انار دانہ وچ گھوٹ</p>	<p>زیرہ نال سفید ملا  بھنگ ملا وچ تولے چار  گھیو دے وچ بلادت آن  چھ ماشے تک روز پھکا  آلہ وزن برابر چار  پھکی نال رکھو نت شروع  ترشی شامل نال ملا  دفع کرے صفراوی گھوٹ</p>
---	--

گلگل نتو ترش آچار  
وچ غذا میلو ہر بار

## بیان اسہال ریاحی

جیکر ہودن دست ریاحی	رتج معدے دج کرے تباہی
قرقر ہودے معدے دج	بولے پیٹ دیوے رتج بھج
چھل ہریٹاں پودنہ لیا	دو دو تولے وزن تولا
زیرہ بھجن سفید سیاہ	سونف انیسوں کر ہمارہ
تخم کرفس بالوں بریان	بذر البتج مرچاں احوان
ہر یک تولہ وزن دوا	کٹ چھان دج شہد بلا
کھاوے چھ ماشے مقدار	صبح شام رت دقت نہار
جیکر سرد ہودے اس ریح	کریں عقل مے مال صحیح
قبض محکم دج کرے زیان	سرد چیز دیوے نقصان
گرم دوا اس دیوے نفع	کرے ریح سردوں دفع
جانوراں دا ماس کھوا	دار چینی زیرہ دج پا
جس دا ہودے سرد مزاج	اس دا ہے ایہ خوب علاج

## نسخہ شناسی مجربہ اسہال ریاحی

نسخہ بڑا عجیب آزمائشی	اکھیا راست دین شناسی
کرے کوئی ایس نوں استعمال	دفع ہودن رتج دے اسہال
فشارک جعقل لوگم انیم	ترے ترے ماشے وزن حکیم
چارے ڈال کھل دج پیس	منقہ دج بنہ حب چابیس
گل مال پانی دے کھائے	دست ریاحی ترے دنجائے



## نسخہ آزمودہ سائین بخش اسہال ریح

نسخہ یاد مینوں ہک آیا ادہ بھی نسخہ کرتوں جھب پودنہ باغی زیرہ سیاہ زلف ہریٹاں دانہ انار سہرکہ تیز چھٹانک منگا فجرے دھوپے کرتوں خشک دوٹاں نوں کر کے بریان کٹ چھان کے کر سفوف	دو ترے چار دفع آزمایا بخشے صحت شانی رب دھنیاں آملہ کر ہمراہ ہر ہک دو تولے مقدار دھنیاں زیرہ رات پوسا رہے نہ پانی دا دج مشک دج دوا ملاؤ آن چھ ماشے دیہ نال دقوف
---	---

## نسخہ اسہال ریح

مصطل زیرہ لے سفید آملہ چھل بیڑہ لیا ہر ہک تولہ دا مقدار چھ ماشے دیہ رت سفوف	ہر رٹاں سیاہ ملاؤ دید دار چینی دج سونف ملا پودنہ ڈال تولے دج چار دست ریاجی کرے موقوف
--	---

## نسخہ اسہال ریاجی

ہر ہک کراں بیان دوائی ترے اجوین لے زیرہ سیاہ پودنہ دار چینی دج گھست	دفع کرے اسہال ریاجی انیسوں تخم کرنس ہمراہ وزن برابر دارد آٹھ
---	--

کٹ چھان کر بھکی تیار  
ہک دو ہفتے جے نت کھاے  
چھ ماٹھے دیہہ وقت نہار  
دست سول رتخ لفع دنجادے

### نسخہ اسہال ریاحی

صدری نسخہ کراں بیان  
استعمال جے کریں طبیب  
گوگل بھینسیا تولے چار  
منقہ گھیو وچ کرہ بیان  
ماٹھے ترے افیم ملا  
حمام دستے لوہے وچ گھت  
گولی ماٹھے دا مقدار  
ہک ہک حب دو وقتی کھاے  
جاکے رتخ معدے نول چھوڑ  
جو گراج حب اس دا نام  
رہے نہ رتخ دا تام نشان  
ہے ایہہ نسخہ بڑا عجیب  
منقہ دو تولے مقدار  
دانے سب نکالو آن  
ایہہ ترے دارو جمع کرا  
کٹ سوا لکھ لاؤ سٹ  
بٹھوں ستر وچ شمار  
گرم پانی دے نال لٹکھاے  
اسدے جیہا دوا نہیں ہو  
مشہور وچ طبیبیاں عام

### شناسی لٹمکہ مجرب اسہال

لٹمکہ کراں بیان آزمودہ  
کریں جے ایس نول استعمال  
رتی ترے افیم لے آ  
بارال وزن بناؤ سب  
نہی لسی دودھ کرے غذا  
بزرگ شناسی دا فرمودہ  
رائل مرض کرے فی الحال  
توتیا رتی ڈیڑھ ملا  
دیہہ دو وقتی ہک ہک حب  
ترے ماہ استعمال کرا



دو ہفتے بعد دوائی چھوڑ کرے دوا نہ ہرگز ہو

## علاج اسہال اطفال

دست جیکر آدن اطفال رنگ دست دا کرو معلوم رنگ دست دا جیکر زرد پہلاں اس نوں دیہہ تلئیں کر کے معدہ خوب صفا یک تولہ لے کے نپال ہر ڈال سیاہ گھیو دج بریان چار رتی دج ڈال انیم ادھی جب ایاناں بال نیک دو حب خوراک جوان کنگنی دے چانڈل دے نال پوست بھنگ کر کے بریان بھنگ یا پوست دا گھٹ پیوے لڑکا شیر خوارہ جو ہو ماڈل اس دی دا کرو دوا خراب ہووے جیکر اس دودھ	نہالوں بہت کرن بد حال نال علامت جیویں رسوم ہووے سخت شکم دج درد خارج کرو مواد لعین پچھوں اس دا کرو دوا چھ ماشے مائیں وچ ڈال کر کے تولہ میلو آن حب اکیس بنا حکیم کھاوے دست جاوے فی الحال دافر وزن دیوے نقصان دہی لسی کر استعمال دیہہ ذرہ یک پونڈی آن حکم خدا تھیں چنگا تھیوے دارو کھا نہ سکے کو دیوے اس نوں رب شفا نال دوا کراویں شدہ
---	--

گرمی سردی سمجھ مزاج  
طبع موافق کرو علاج

ذرہ ذ

رودیا

جگر یا

مودی

رودیا

چار

ریشہ

عاب

سوریا

گوند

دومالی

دیویں

قابض

بے جگ

درد

سکے زر

ضعف

## بیان اسہال رودی

ذره ذرہ آدن اسہال رودیاں دے وچ ہونے پیر جگر یا معدیوں گرے مو موزی مرض دیوے جد زور رودیاں دے وچ کرے خراش چار تخم کر کے بریان ریشہ خطمی کڈھ لعاب لعاب کڈھ کے اسغول سوڑیاں خطمی نیلوفر گوند کتیرا رات پوسا مدامی سیویاں نت کھوا دیویں نت غذا فالودہ قالبض کوئی نہ دیویں چیز	خون یا پوں آفے اس نال اس نول کن اسہال ذخیر پادے رودیاں وچ فساد مادہ گرم ہونے یا شور محل گل نکلے باہر ماس اس نول نت پھکاؤ آن پچھوں اوس پلا شتاب نت پلاؤ مصری وچ گھول کڈھ لعاب پلایا کر فجر پلاؤ دودھ مصری پا ہے آزمودہ عجب دوا ایہ بھی بہت دفعہ آزمودہ ایہو رکھیں یاد تیز
--	--

## بیان اسہال جگری

بے جگری ہون اسہال درد پیر نہ ہونے مول پیلے زرد یا ہون لال ضعف جگر دے سب نشان	اکثر آدن دورے نال نہ کوئی دچ شکم دے سول شامل خون ہونے اس نال چہرے دچوں ہون عیان
---	--

ہور

حال

سوم

درد

لعین

دوا

ڈال

آن

حکیم

ن الحال

قصان

ستعمال

طری آن

قیوے

لے کو

ب شفا

مدہ



لاغر بدن اس ہوندا جائے  
 رنگ بدن دا زرد سفید  
 وقت چلن دے دم پڑھ جائے  
 جے ہووے گرمی دا زور  
 دینہ اس نوں کوئی ادب  
 کاسی خرفہ گھوٹ پلا  
 انار دانہ دھنیاں بادیاں  
 مرتبہ ہی دا روز گھوٹا  
 روگی نوں ہر روز پلا  
 شیرہ چار مغز کڈھوا  
 جے دیویں سنگترے انار  
 پہلاں دست اس بند کرا  
 چاول دہی لسی بنت کھاے  
 کنگنی دے چاول پکوا  
 دو تریے ماہ کراستھال  
 گوشت مٹھے تھیں پرہیز

چہرہ دھج سفیدی آدے  
 ہے ایہہ خاص علامت  
 دھڑکے دل روح غوطہ کھٹ  
 آون جگروں دست مرد  
 گرمی جگروں کڈھے مار  
 کاہو مصری نال ملا  
 ایہہ بھی گھوٹ پلاؤ آن  
 رب انار اس دھج ملا  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 مصری ڈال ہر روز پلا  
 جگروں گرمی کرے فراہ  
 دے کے قابض سرد دوا  
 غیر چیز دے راہ نہ جائے  
 کھاوے چک دہی ملا  
 تاناوس طبع ہووے بر حال  
 لوں مرنج تھیں ہے گرید

### نسخہ مجرب اسہال ضعیف جگر

جادے مرض پرانی ہو  
 خون جسم دھج نظر نہ آوے  
 دل نوں بہت پورے دھڑکا

فائدہ کرے دوا نہ کہ  
 چہرہ رنگ سفید ہو جادے  
 ہرگز کم نہ سوچھے کار

دس  
ہفت  
کہ  
پہلا  
آملہ  
پنج  
ترہ  
چار  
نوں  
نال

جے  
اکثر  
اصلی  
تب  
سبب  
پھر  
جے او  
دیوے  
جے ا

دیوے جگری ضعف دنیا  
ہرگز کدے خطا نہیں پایا  
سفید رنگ ہو جادے لال  
کر ایہ نسخہ استعمال  
چھل ہر بڑاں زرد ملا  
ٹٹ ملا دارو ایہ تیرے  
اس دے نال ملا ضرور  
کھیو گوکے دج چرب کرا  
دیوے جگروں ضعف دنیا  
فضل خدا تھیں جنگا تھیوے

دساں ہک اکیر دوا  
ہفت پشت اس نوں آویا  
کہ توں اس نوں استعمال  
پہلاں بند کر کے اسہال  
آبلہ چھل بہیرہ بیا  
پنج پنج تودے دارو لے  
ترے پاؤ ماریا ہو یا منور  
چارے دارو جمع کرا  
تو دس ماشے نت کھوا  
نال گوکا ادھر ٹکا پیوے

### بیان اسہال بھرائی

جید اس دی ایہ نشانی  
دست بھرائی کریں خیال  
دست تاپ دا ہووے عرض  
ہو اسہال جادوں سب دور  
سادہ ہے یا مادی آفت  
ردی سالم نال قیاس  
ہوندی جادے مرض زیادہ  
کرے حیاتی ختم تمام  
ٹٹ جادے ہلتے آپ

جے اسہال ہووے بھرائی  
اکثر تاپ ہووے اس نال  
اصلی تاپ ہووے اس مرض  
تپ دائرہ علاج ضرور  
سبب تاپ دا کر دریافت  
پھر مادے دی کرد شناس  
جے اوہ ہووے ردی مادہ  
دیوے کسے نہ وقت آرام  
جے اوہ سادہ ہووے تاپ

ری آفے  
علامت وید  
نوسٹ کھٹ  
ت مرد  
ٹٹ مار  
نال ملا  
ن پلاؤ آن  
ن دج ملا  
ن رب شفا  
ن ہر روز پلا  
ن کرے فرار  
ن سرد دوا  
ن نہ جائے  
ن دہی ملا  
ن دے بر حال  
ن ہے گریہ  
ن دوا نہ کر  
ن ہو جادے  
ن جو جے کا



طبع جدول ہودے بر حال دفع ہودن عرضی اسہال

## بیان اسہال ورمی

سبب ہے ہودے ورم گھنیر  
آدن ذرہ ذرہ اسہال  
میلے زرد یا سبز سیاہ  
لازم تپ تے ہر دم پیڑ  
یا کوئی اندر پھوڑہ ورم  
معدے درج کرے انتقال  
دست وچوں بدبوئی آوے  
دن دن کھانا تھوڑا کھاوے  
سوج ہتھیں پیریں جد آوے  
جیکر پھوڑہ ورم گھنیر  
یا اس آدن دست زنگاری  
ہر دم تاپ رہے اس نال  
جے ادہ ہودے ردی مادہ  
جیکر تاپ نہ ہودے نال  
جادے مرض پُرانی ہو  
ہرگز ودھے نہ گئے آوار  
دیہو طبیعت نول امداد  
طبع موافق کرد علاج

دست آدن جیول مرض زحیر  
ریلم آوے رل دستاں نال  
ہر دم تاپ رہے ہمراہ  
خاص نشانی ورم گھنیر  
یا مواد کوئی سڑیا گرم  
ایس سبب آدن اسہال  
نیرے ڈھک نہ بیٹھا جاوے  
قوت بدلوں گھٹ دی جاوے  
آخر اس نول موت لے جاوے  
آوے اس تھیں ریلم کثیر  
کیتی اس نے موت تیاری  
لازم درد آدن اسہال  
ہوندی جادے مرض زیادہ  
سالم مادہ کریں خیال  
رہے شکم دے درج کھلو  
بہت موت تک بے بیمار  
نال طریقے پیر مستاد  
گرمی سردی سمجھ مزاج

تاپ  
کر  
ماد  
نال  
جے  
جے  
پھر  
کر  
ہنغ  
دو  
شی  
پیو  
شیر  
رو  
ایہ  
جیک  
ماد  
اب  
اول  
ماد  
ادہ

قابض چیز نہ ہرگز کھائے  
 کہ اس نون ہر دم مرطوب  
 مادہ سرد ہووے یا گرم  
 نال عقل دے کہ اخراج  
 جے لائق ہووے تلثین  
 جے مادہ ہووے صفرا  
 پھرتوں اس دی کہ تبرید  
 کہ توں اس دا ادہ دوا  
 بنفشہ کاسنی سونف منگا  
 دد دو تولے دا مقدار  
 شیرہ اس دا لے کڈھا  
 پیوے روگی مصری گھول  
 شیرہ کاسنی گھوٹ نکال  
 روغن نال بادام بلا  
 ایہ بھی بہت چنگی تلثین  
 جیکر مادہ ہووے سرد  
 مادا اس دا سالم ہوا  
 اب حیات مثال علاج  
 اول نفع دوجا تلثین  
 مادہ مرض کرد اخراج  
 ادہ میر عرق سونف منگا

مت زندگانی ختم ہو جائے  
 تا حاصل ہووے مطلوب  
 رکھ ہمیشہ اس نون نرم  
 پھتوں اس دا کریں علاج  
 دیہہ بلین نال یقین  
 کہ توں اس دا سرد دوا  
 جیہڑی اس نون پوسے مفید  
 جیہڑا ہووے قبض کشا  
 منفر تخم کدو دوج پا  
 کلقتند میل تولے دوج چار  
 گھت کپڑے دوج صاف کرا  
 قبض مشکم دی دیوے کھول  
 منفر فلوس دیوے دوج ڈال  
 دیہہ روگی نون مصری پا  
 مادہ خارج کرے لعین  
 کرے گھنیر شکم دوج دد  
 رہے شکم دے دوج کھلو  
 دساں کہ توں سمجھ مزاج  
 تریجا ترے چوتھا تسکین  
 ایہ نے بڑا عجیب علاج  
 چھٹاکی انبتاس بلا



بادام روغن مصری دج ڈال  
 جیکر ہودے سرد گھنیر  
 عرق سونف اس نت پلا  
 کر رہ سخت ہے ہودے دم  
 کریں جے یڑے لپ لکوم  
 دیہہ جوائن پودنہ عرق  
 جیکر ہودے خام آماں  
 میتھی اسی خوب گھوٹا  
 تھوڑا تھوڑا پانی پا  
 دم خام تے کرو ضماد  
 دیویں جے پیٹ تے گل  
 زخم گل جد ہودے جاری  
 اندرون جیکر آفے ریم  
 ماکھوں دیہہ دج دودھ ملا  
 کدے کدے دیویں تلین  
 جے ہو جاوے دکھ پُرانا  
 دوترے چار دے پکے تلین  
 مواد ہے نہ ہوئے اخراج  
 غلبہ مرض ہے بہت عظیم  
 رکھیں توصلہ دانگول شیر  
 مخالف قوت مرض مزاج  
 کرد ملین استعمال  
 عرق قبول اس نون اکیر  
 ہک رتی کونین بلا  
 روغن نال کرو اس زم  
 جاوے دکھ ٹھکانہ چھوڑ  
 عرق سونف دیہہ سے فرق  
 نال عقل دے کریں قیاس  
 گل بالونہ نال بلا  
 رکھ اگ تے گرم کرا  
 جاوے اس دا پک مواد  
 بہت شتابی جاوے گل  
 خارج ہودے کل بیماری  
 ایہ تدبیر اس کرد حکیم  
 روگی نون ہر روز پلا  
 ہوئے مادہ دفع بعین  
 نیٹھے محکم بل ٹھکانا  
 مادہ خارج کرو بعین  
 فائدہ کرے نہ کوئی علاج  
 ہرگز خوف نہ کریں حکیم  
 جو نکر مرد میدان دلیر  
 ہرگز ذرہ نہ کریں علاج

جگر

ہیپ

جگر

محر

دیو

رج

نبض

کر

جد

اکثر

مادہ

میک

دودھ

اس

دست

اول

قابض

اکثر

اول

طبع موافق ہر تدبیر  
حق اس نے دج ہے اکیر

## بیان ہیضہ و بانی و غذائی

ہیضہ ہک بیماری سخت  
جیکر ہو دے مرض و بانی  
محرقة تاپ ہو دے ہمراہ  
دیوے زور موزی صفرا  
رنگ اکھتیں چہرے دا زرد  
نبض ضعیف باریک ہو جائے  
کرے طبیعت بے قراری  
ہد صفرا زور کر جائے  
اکثر موسم دج دبا  
مادہ موزی کرے بگاڑ  
سکے مونہ زبان کرخت  
دو تہے اس نوں تے کروا  
اس نوں ہیضہ کن بجرانی  
دست تے اس بند نہ کر  
اول تاپ دا کرد علاج  
قالبض کوئی نہ دیویں چیز  
اکثر ادہ و بانی تاپ  
اول مادہ کر اخراج

ڈاکی دست لگن یک لخت  
ہوندی چاہے دون سوانی  
کرے جسم دا حال تباہ  
تلخی طیش ہو دے گھبرا  
ہستہ پیر ہو جادن سرد  
مردیاں دانگ شکل بدلاکے  
ترپے چمچی دانگ آزاری  
تلخ زرد کوڑی تے آئے  
پیدا مرض ہو دے ایہ آ  
پوے جسم ساڑے دچہ ساڑ  
لگے تر یہ نہایت سخت  
تا خارج ہو دے صفراء  
سخت تاپ اس خاص نشانی  
بند کرن دج بہت خطر  
چنگل طرح پہچان مزاج  
یاد رکھیں ایہ عقل تیز  
دیکھ جائے مہلت تے آپ  
بعد صفائی کریں علاج



جیکر کھنگ نہ ہووے نال  
 دیہہ بہتو سنگترے انار  
 سکنبین یا کاجی پیوے  
 کاسنی خرد گھوٹ پلا  
 جیکر نال نہ ہووے تاپ  
 پانی ٹھنڈے نال نہوا  
 بنفشہ روغن تیلوفر  
 پوٹلی ہک بنا ضرور  
 جیکر تاپ نہ ہووے نل  
 کاسنی پھل گلاب کاذور  
 ڈنڈے کونڈے دج گھوٹا  
 پوٹلی بنھ گھت عرق گلاب  
 حد مادہ خارج ہو جائے  
 ہے طبیعت دج نہ کھوٹ  
 جے کھافے سنگترے انار  
 ست پودنہ دا پانی ڈال  
 لعاب بہیدانہ اسبقول  
 جیکر ہیضہ خاص غذائی  
 بد ہضمی تھیں پوسے بگاڑ  
 ہضم نہ کریاں پانی آفے  
 اکھیں چہرہ رنگ سفید

ترش چیزاں کر استعمال  
 آلو انبلی ترش انار  
 قائمہ بہت نہایت تھوے  
 کہکے صاف مصری وچ پا  
 تلخی نال کہے درلاپ  
 مالش گل روغن کڑا  
 بدن سارے تے مالش کر  
 سڑکن بدن کرے سب دور  
 کرو اتھائیں استعمال  
 دھنیاں کا ہو صندل پور  
 تھوڑا تھوڑا پانی پا  
 بدن سارے تے ملو شتاب  
 ضعف طبیعت دے دج آفے  
 انار دانہ پیوے جھب گھوٹ  
 دست تے ہو جان فرار  
 پیوے تے ہافے نت کال  
 نت پلا مصری دج گھول  
 پائے معدے دج تباہی  
 آون بہتے بھس ڈکار  
 درد شکم تے جی متلا فے  
 ضعف قوت دج آفے دید

معدہ  
 جیکر  
 دست  
 تے کر  
 جیکر  
 جے او  
 جد  
 تے ار  
 بے شہ  
 درد  
 ماشہ  
 چھ چھ  
 گویاں  
 بہت  
 معدہ  
 الاچی  
 دارہینو  
 کٹ  
 سکنبین  
 جے مہ  
 نسخہ

معدہ ہضم نہ کرے غذا  
 جیکر تپ نہ ہوئے نال  
 دست تے جے ہوں جاری  
 تے کرن دج دے اہاد  
 جیکر حاجت ہوں جلاب  
 جے اوہ ہیضہ خاص غذائی  
 جد معدہ ہو جادے صاف  
 تے اسہال جے کرن تباہی  
 بے شمار آون اسہال  
 درد نال روگی کرلاوے  
 ماشہ یک افیم شگاہ  
 چھ چھ ماشہ وزن تولا  
 گولیاں اس دیاں بنھ سنوار  
 بہت اسہال جے کرن ظہیر  
 معدے تے مانس کردا  
 الاچی دانہ زیرہ سیاہ  
 دارچینی سنڈھ مکھ دچ گھت  
 کٹ چھان ماکھوں دج پا  
 سکنجین اس بہت پلا  
 جے معدے دج ہوئے پیر  
 نسخہ یاد مینوں یک آیا

دج شکم دے پھرے ریاہ  
 ایہ دارو کر استعمال  
 پوے شکم دے دچ خواری  
 جادے معدیوں نکل خاد  
 دیو ملیں ادس شتاب  
 بعد فراغت کرے رائی  
 کرے تصور خداوند معاف  
 ہوئے ہیضہ خاص ریاہی  
 کرن روگی دامنہ حال  
 ضعف طبیعت دے دج آئے  
 جعفل لونگ چوہارے پا  
 گھت منٹے دج گھوٹا  
 پندراں سولان دچ شمار  
 ایہ گولی اس نوں اکیر  
 لونگ جعفل سنڈھ تیل ملا  
 پودنہ مصطکی کر ہمراہ  
 وزن برابر دارو ست  
 روگی نوں ہر روز کھوا  
 عرق پودینہ سونف ملا  
 دیو مرہ زرد ہریڑ  
 کئی دفعہ اس نوں آزمایا



جیکر ہیضہ خاص غذائی ست پودنہ ست لے بادیاں لے کے خالص ایہ ست چار میل دج گلقد جے کھائے بہت نہایت دیوے نفع جوارش کوئی دیوے نفع	دیوے اس تھیں جلد رانی دار چینی ست لاپچی کن ہک ہک رتی دا مقدار غذائی ہیضہ تروت و نجلے تے ادبت ہو جاون دفع کرے ریاہ باد سب دفع
--	---

### نسخہ ریاہ شکن

منقہ دانے ترش انار سندھ مصطکی لے دج گھت الچی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولے دا مقدار ماکھوں خالص نال ملا چھ ست ماشے نال وقوف جیکر ورم اندر کوئی سخت سخت تاپ ہووے اس نال ردی اس دا ہووے مادہ سب ہر وقت معدے دے دج درد ردی خاص زہریلا مادہ نسخہ امضاواں دے گھس جلف مادہ نہ ہووے اخراج	ہر ہک ہوون تولے چار ہر ہک ہووے ماشے ست پودنہ دار چینی ہمراہ کٹ ملا سب کرد تیار روگی نول ہر روز چٹا کھائے ہیضہ کرے موقوف اوس سبب آون تے دست ردگی بہت ہووے بد حال ہوندی جاوے مرض زیادہ رنگ سیاہی مائل زرد طرف باطن دی کرے آمادہ ڈاکا دست نہ ہرگز آوے جاوے اس دا بگرہ مزاج
--	---

کرے خراب مادہ بدکار دست تے ہو جادون بند ہر جیلے ہیضہ رکھ جاری ضعف طبیعت دینج جد آوے	ہووے روگی بہت لاچار پاوے جھبڈے اجل کمند ہووے موذی دفع بیامی تدوول طیب اس بند کرافے
--	---

### در بیان مرض تے

جعتے نت کے نوں آوے خون نہ ہرگز آوے نال لاغر جسم ہوندا اُس جاوے معدے دینج نہ ٹھہرے طعام گرے معدے دینج فاسد مواد یا معدے دینج ہووے دم سرد مواد یا بلغم رتج چنگی طرح پہچان مزاج سبب جے خاص ہووے صفرا سکنجیں دی تے کردائیں پچھے جیویں ہوئے مذکور دے کے سرد کوئی تلمین جے معدے دینج ہووے کھوٹ شیرہ اس دا نے کٹھا چھٹانکی گودا انبتاس	معدیوں نکل غذا سب جاوے دیوے معدہ رت ادچھال ضعف طبیعت دے دینج آوے نکل جاوے تے نال تمام دینج ہضم دے پوے فساد یا صفرا نہایت گرم کرتوں اس نوں خوب ریح طبع موافق کرو علاج ہر ہفتہ اس تے کردا سرد کہ پانی گرم ملائیں یاد رکھیں ادویں دستور خارج مادہ کرد یعین کاسنی ہک چھٹانکی گھوٹ نکل پُن اُس نوں صاف کرا حل اس دچہ بے وسواس
---	--

دائی  
آل  
تھار  
بلے  
دفع  
ب دفع

لے چار  
ست  
ہمراہ  
و تیار  
وز چٹا  
موتون  
تے دست  
بد حال  
رض زیادہ  
نل زرد  
آوے آمادہ  
آوے  
بکڑ مزاج



ترے تے کھنڈ اس وچ ڈال  
 انہی دا رُب روز چٹا  
 رُب لیموں تے ترش انار  
 جوارش انہی جے نت کھاے  
 ترش نقور جیکر نت پیوے  
 سبب گرمی جیکر متلاے  
 اول اُس نوں تے دوا  
 غلبہ جیکر بہت صفرا  
 پھل الاچی چھوٹی لے  
 پانی دیگی ڈال جو شا  
 منہ لگی خورد الاچی گلقد  
 منقہ زبرہ لے سفید  
 نمک تھوڑا جیہا نال بلا  
 مریج سیاہ کھ میلو نال  
 ایہ چھنی اس نت چٹا  
 خربت لیموں ترش انار  
 رُب سیب دا نال بلا  
 پستہ دی چھل لے منگوا  
 زرشک سماق پودینہ لے  
 سفید الاچی دو سٹ ڈال  
 صفا کر کے رُب سیب بلا

پیوے شروع ہودن اسہال  
 معدیوں کٹ سٹے صفرا  
 صفرا دی تے نوں کرن فرار  
 تے صفرا دی مرض دنجائے  
 فضل خدا تھیں چنگا تھوے  
 تے اوت معدہ ادجھلاے  
 تلہین لے کے صاف کرا  
 خربت نت انار پلا  
 انار دانہ آملہ ترے  
 مل پُن کر کے صاف پلا  
 کھاوے ترے کر کے پیوے  
 انار دانہ دیج میلو دید  
 کوندے دی گھت خوب گھونا  
 بنا چٹنی پانی دیج ڈال  
 دیوے تے دی مرض دنجائے  
 دیہ روگی نوں نت نہار  
 دیوے اُس نوں صحت خدا  
 چھ ست ماشے وزن تولا  
 ہک ہک ماشہ دارو ترے  
 گھت پانی دیج خوب ادبال  
 تے دالے نوں نت پلا

نہ ہر  
 سبب  
 ورق  
 پلا اس  
 مرتبہ  
 سبب  
 اکثر  
 درم  
 جے  
 ہرگز  
 غب  
 روز  
 تے جس  
 جے

دساں  
 جوارش  
 انہی  
 جو  
 پانی

<p>نہر مہرہ نار جیل دریا  سبب بادی بلغم یا رتخ  عرق اجوین پودینہ لے  پلا اس نول ماکھوں دھج ڈال  مرہ سندھ دلہے نت کھاے  سبب یا پھوڑہ درم گھنیر  اکثر تاپ ہووے اس نال  درم معدے دا جیویں علاج  جے تے ہووے مرض پُرانی  ہرگز اس نول کریں نہ بند  غیب یا محرقہ تپ دا ساڑ  دودھ بھران شروع ہو جائے  تے جس دی مرض دی ہووے عرض  جے تے آوے رنگ رنگاری</p>	<p>گھس پانی دے دھج پلا  تے جے کر دیوے تصدیح  خالص ہوون عرق ترے  زائل تے کرے فی الحال  بلغمی تے دی مرض دنجائے  تے طبیعت کرے ظہیر  مہلک ہے ایہ مرض خینڈال  اوہ اُس دا سمجھ رواج  شامل تاپ اس خاص نشانی  رکھیں یاد نصیحت پند  معدے لے دھج کرے بگاڑ  بعد بھران نہ ہرگز آدے  کرنا دارو اس دارو فرض  مشکل ہوندی اس دی کاری</p>
--	--

### بیان جوارش انبلی

<p>دساں میں ہک عجب دوائی  جوارش انبلی اُس دانام  انبلی سیر پکا منگوا  نچرے مل کر کپڑ چھان  پانی زنبو سرکہ تیز</p>	<p>دیوے تے تھیں جھب رمانی  تکے مرضاں گرم تمام  رات پانی دھج ترہ کردا  سیر پکا کھنڈ میلو آن  دیہ دیہ تولے کرد آمیز</p>
---	---



تقلی دار دیگی وچ پا گاہڑہ خوب ہومے جد آ منقہ دانہ ترش انار الایچی دانہ مرچ سیاہ ایہ بھی میلو دارد چار ایہ دوا سب کٹ بلا ایہ جوارش کر کے تیار قے دے نول رنت کھوا	گاہڑہ خوب قوام پکا اگ تھیں لاسکے پیٹھ رکھا ہک ہک پا پکا مقدار زیرہ ہلا چینی ہمراہ ہک ہک نولے دا مقدار چھوٹی چھچی مال ہلا دیہ روگی نول رنت نہار دیوے جلدی رب شفاء
--	---

### بیان نقوع ترش

آلو انبلی دارد چار رات پانی گھت رکھ پوسا رنت پیوے اوہ ہفتے رت ہومے قے دا دفع آزار	آلو دانے نویں انار تولہ تولہ وزن تولہ خمر بلاؤ مصری گھت ایہ نقوع آزمودہ کار
--	--

### بیان رب انبلی

رب انبلی دا کرد تیار معدیں دفع کرے صفرا انبلی دو سیرے منگوا سیر پکا مصری وچ گھت چٹے ایہ رنت بیمار	چٹے روگی رنت نہار دیوے قے دی مرض دغا نل پانی وچ صاف کرا گاہڑی بہت پکاویں پت ہے نہ قے دا ذرہ آزار
---	--

رب  
زیتون  
سیر  
رنت  
رب  
ایہ  
ترش  
نقوع  
بعد  
دیویں

لگے تر  
مال  
گردیاں  
نال  
کس  
اس  
سبب

## بیان رُب لیموں

<p>دلو سے دی مرض دنیا چر پانی کٹھ صاف کرا مکارھی خوب پکا دیں پست تے صفراوی دی جڑھ پٹے مصری سیر، دو سیر انار بنادن دا ہکو دستور زرشک آملہ نال ملا حکم خدا تھیں چنگا تھیوے شریت لیموں فیض پہنچا دے ملین جیڑی سرد کمال</p>	<p>رُب لیموں دا عجب دوا زبویے دو سیر جنگا سیر پکا مصری وچ گھت نت نہار صبح اٹھ پختے رُب انار بے کریں تیار ایہ رُب ہین دونوں مشہور ترش انار دانہ منگوا نقوع کر پانی دے وچ پیوے بعد غذا دے بے تے آوے دیویں ہر ہفتہ اسہال</p>
---	---

## بیان عیش مفراط

<p>کر دریافت موزی مادہ کس اعضا وچ داخل آفت یا وچ معدے قلب جگر کس اعضا وچ ہے آفات کس سببوں پیا بگاڑ طبع موافق سمجھ مزاج یا سڑیا ہو یا سودا</p>	<p>لگے ترہیہ بے حدوں زیادہ نال دانائی کر دریافت گردیاں وچ یا تلی پھیر نال عقل کر تحقیقات کس عضو وچ داخل ساڑ اس اعضا دا کرو علاج سبب ترہیہ دا بے صفرا</p>
---	--



کوڑا ذائقہ تلخ دمان  
 بہت ہودے صفرا دا زور  
 ادہ بلغم حکم رکھے صفرا  
 یا سڑیا مادہ احتراقی  
 دھج اعضا کرے سڑکارا  
 پوسے جدول چیتے دھج ساڑ  
 بہتی وار قارورہ آدے  
 آدے بہت قارورہ گرم  
 دافع قوت ہودے تیز  
 اول دو تہے قے کروا  
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا  
 نسخہ ایہ پلا ضرور  
 دھنیا کاسنی نیلو فر  
 انہلی دوتولے دھج گھت  
 کر کے نت نقد دھج پلا  
 کرے حرارت جگر دھج دور  
 دیہہ نت شربت ترش انار  
 لعاب ہیدانہ ایسغول  
 بنفشہ قطعی نیلو فر  
 کاہو کاسنی گھوٹ پلا  
 گوزہ مصری لے دھج ڈال

ہے صفرا دا خاص نشان  
 سب بلغم بن جائے شور  
 دیوے آتش بدن لگا  
 کسے اعضا دھج ہونے عاتی  
 ایس سبب لگے بھڑکارا  
 پانی پیوے بہتی وار  
 ضعف مٹانے نوں ہو جائے  
 قوت ماسکے ہودے نرم  
 ماسکے قوت کرے گرم  
 دفع ہو جائے موزی صفرا  
 شربت لیموں نال پلا  
 کرے پھیردی سڑکن دور  
 چھ چھ ماسکے وزن قدر  
 دانے آلو ڈالو ست  
 جسموں کٹ سٹے صفرا  
 رہے نہ دھج طحال قصور  
 خرفہ گھوٹ پلا نہار  
 نت پلا مصری دھج گھول  
 کڑھ لعاب پلایا کر  
 بھکھڑا خرفہ نال پلا  
 کر کچھ مدت استعمال

مکتن مصری رنت چٹا  
 مرچاں لوک نہ ہرگز کھا دے  
 بید مشک تے عرق گلاب  
 کاسنی دھنیاں مشک کافور  
 گھوٹ سینے تے لپ کر  
 جیکر بغم ہووے شور  
 سنجھین کر استعمال  
 شربت انہلی کر کے تیار  
 بے صفرا لے دج خون  
 خون گرم ہو کرے خروش  
 دچ اعضا کرے اریہ  
 کوڑیاں چیزاں دیون نفع  
 پانی پتر رنم کدھا  
 پیوے اودہ گھیو رنت بیمار  
 شربت آلو اتے عناب  
 کوڑیاں چیزاں دا کدھ عرق  
 پاڑ موندی برل خا  
 رات پانی دج کرو نفور  
 جیکر ہووے سرد مزاج  
 کچلے تے کونین فولاد  
 مبر آما سچلے لیا

آلوں سرد نفور پلا  
 گرم چیز دے راہ نہ ہاے  
 پیوے مصری ڈال شتاب  
 پھل گلاب تے صندل پور  
 دیوے فوراً ساڑ و نجا  
 دیوے دج بدن لے نور  
 شیرہ کاسنی دا دج ڈال  
 دیہ روگی نوں رنت نہار  
 تیز نہایت بہت زبون  
 مارے دج بدن لے جوش  
 ایس سببوں لگے تر یہ  
 جوش خون ہو جائے دج  
 جیو گو کے دے دچ سڑا  
 ہووے جلدی دج آزار  
 قاندہ بخش بہت شتاب  
 پیوے ہوس شتابی فرق  
 دھنیاں پت رنم لے پا  
 فجے رنت کدھ اس شروع  
 پوے موافق گرم علاج  
 جھبے نائل کرن فساد  
 کونین فولاد اس نال پلا



چھ مائے ترے دوا پانی ڈال حب کر دیار گلی دونوں وقت کھوا عرق سونف داجے نت پیوے	گھٹ کھل وچ جمع کرا دو دو رتی دا مقدار ادوں گھیو کر گرم پلا عوض پانی سے چنگا تھیوے
---	--

### بیان درد شکم

درد شکم وچ پیدا ہووے اُوٹھے اندر پیٹ ڈنڈول اوکھا بہت کرے آزار سرد ریاچ یا گرم مواد یا کوئی خشک سودا دی ساڑ جیکر خاص ہووے صفرا جے خشکی تھیں ہووے پیر جیکر ہووے درد ریاچی جے آزار ہووے اودہ سادہ ترش چیزاں کر استعمال سکنجبین دی تے کرائیں پانی گرم اس سے وچ ڈال	روگی ڈھائیں مائے رووے ٹھاٹھاں لہراں مائے سول ترپھے مچھی دانگ بیمار پاوے معدے وچ فساد کرے شکم سے وچ بگاڑ تے جیہا کوئی نہیں دوا تازہ دودھ بڑا اکیر دیوے جلد خراب مائی یا کوئی گرم نہایت مادہ دیویں سب صفرا نکال سرکہ رائی نال ملائیں کر دشتابی استعمال!
---	--

### نسخہ فی صفراوی

سکنجبین توے دینیہ تے	پانی گرم پیالے ترے
----------------------	--------------------

سرکہ  
ترم  
قبض  
عرق  
مل  
کسر  
یا تو  
انہی  
دو تو  
جے گرم  
پیوے  
ترش  
نہو گلگل  
آچار  
آب  
مصری  
انار  
ڈنڈے  
پہلی  
جاوے  
کدے

رانی کٹ رلا شقال  
 خارج ہووے سب مواد  
 ملین جیہا دوا نہیں کوئے  
 مغز فلوس پھٹانک رلا  
 ترے توئے کھنڈے جچ پا  
 دیہہ پاک دن وچ دوئے وار  
 پیوے ادھ سیر دو دھ وچ میل  
 فخرے مل چن صاف کرا  
 گھت مہری کر استعمال  
 جاوے اس تھوں گھت دیہہ  
 فائدہ بخشے بے حساب  
 درد شکم تھیں مویا جیوے  
 وچ غذا میلو ہر بار  
 فائدہ بہت نہایت تھوے  
 جے پیوے ہر روز بیمار  
 دیوے شکم درد اڑا  
 نمک تھوڑا جیہا کر ہمراہ  
 پانی تھوڑا جیہا رلا  
 چنے روگی رت نہار  
 درد شکم وچ رہے کھلو  
 پاوے پیش سخت مردڑ

سرکہ پنج توئے وچ ڈال  
 گرم پانی دی کر امداد  
 قبض شکم دچ بہت جے ہوئے  
 عرق سولف ادھ سیر منگا  
 مل چھاننی وچ صاف کرا  
 کٹر امل گھت توئے چار  
 یا توئے چار انڈا نیل  
 انبی رات پھٹانک پوسا  
 دو توئے سرکہ وچ ڈال  
 جے گرمی خشکی دی پیڑ  
 پیوے سنگتیاں دا آب  
 ترن گوکی تسی جے پیوے  
 رتو گلگل دا آچار  
 آچار گاجر دی کاخی پیوے  
 آب لیموں سنگترہ انار  
 مہری تھوڑی جیہی رلا  
 انار دانے تے مرج سیاہ  
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا  
 پتل چٹنی کر کے تیار  
 جاوے مرض پرانی ہو  
 کدے کدائیں دیوے زور



دو ترے چارے کے تئیں  
 زرشک ترچہ برگ مغیل  
 چالی دانے آلو سیاہ  
 انار دانے تو لے ست  
 بھانڈے مٹی سے دھج ڈال  
 پاہک پانی بت پلائے  
 رہہ نسخہ آزمودہ کار  
 تازہ گوکا دودھ بت پیوے  
 نسخہ ہک عجیب ہتھ آیا  
 بہت شتابی دیوے نفع  
 تیزاب گندھک منگوا  
 قلمی شورہ تو لے ست  
 دھج پیالے چینی ڈال  
 جے دھواں تیزاب لگ جائے  
 دھوپے اس نول رکھ سوکھا  
 شیشی دے دھج رکھ سمہال  
 وزن خوراک ماشہ ہک تول  
 ہک دو قاری بت پلائے  
 درد شکم جے کرے لاچار  
 سخت جلابوں جیکر پیڑ  
 شیرہ پیوے مغز بادام

خارج کرد مواد یلین  
 پنج پنج تو لے قدر تعلیل  
 انبلی پاہک کر ہمراہ  
 سرکہ پاہکا دھج گھت  
 نقوع کر ترے سیر پانی نال  
 نواں پُرانا سول دنجائے  
 سائیں بخش کیتا کئی بار  
 فصل خدا تھیں چنگا تھیوے  
 درد شکم اُتے آزمایا  
 درد شکم ہو جائے دفع  
 نصف چھٹانکی وزن تول  
 تیزاب گندھک دھج گھت  
 کپڑیاں دی کریں سمہال  
 سوتر کپڑا سب سڑ جائے  
 تیزاب سب خشک ہو جا  
 وقت حاجت کر استعمال  
 سکنجبین سادہ دھج گھول  
 فائدہ بہت نہایت پائے  
 معدے وچوں کڈھے مار  
 ہموے اوکھا بہت سرے  
 مصری گھت اس دے دھج عام

شیر  
 بکر  
 خیر  
 جیکر  
 عجب  
 بہت  
 عرق  
 دو د  
 دو ترے  
 وانگ  
 سائیں  
 رمی  
 گرم  
 رونی  
 سبب  
 سبب  
 مادی  
 دساں  
 دار چینی  
 مرچاں  
 منقہ

شیرہ چار مغز کڈھوا  
 بکری گال دا دودھ پلا  
 شیرہ خرد کاسنی پیوے  
 جیکر ہودے درد ریاجی  
 عجب لوطک دساں ہور  
 بہت شتابی دیوے نفع  
 عرق اجوین پودینہ یا  
 دو دو تولے عرق ترے گھت  
 دو ترے دفعہ دو دو گھٹ پیوے  
 وانگ طلسم ایہ عجب دوا  
 سامیں بخش سمیتا سئی بار  
 رمی سنگی لا گلاس  
 گرم پانی دی کرد لکور  
 روئی یک طرفہ پکرا  
 بنر پودنہ مقوم گھوٹا  
 سبب رنج یا بلغم باد  
 مادی ہودے بھانویں سادہ  
 دساں ہور عجیب دوا  
 دارچینی، لک، مرچ سیاہ  
 مرچاں تخم کرفس وچ گھت  
 منقہ ادھ پا نال ملا

پیوے دیوے درد دینجا  
 گوکی لسی خوب دوا  
 فضل خدا تھیں چنگا تھیں  
 دیوے قرقر نفع گواہی  
 دیوے رنج شکم دی توڑ  
 درد شکم عجب ہودے دفع  
 عرق سولف داناں ملا  
 ڈال شراب تولے دینج ست  
 سول شکم تھیں مویا جیوے  
 دیوے فوٹا درد آڑا  
 ایہ نسخہ آزمودہ کار  
 کرے درد رنج دا ناس  
 جاوے درد ٹھکانہ چھوڑ  
 تیل مٹھا گھت شکم بنجا  
 گوکی کر کے جلد گھوا  
 درد معدے وچ کرے فساد  
 ہودے روز بردن زیادہ  
 دیوے رنج دا درد دینجا  
 پودنہ سندھ کرد ہمراہ  
 ترے ترے تولے دایست  
 ڈنڈے کونڈے وچ گھوٹا

عین  
 لیل  
 ہمراہ  
 ہمت  
 نال  
 ف  
 بار  
 ہودے  
 نر یا یا  
 دفع  
 تولا  
 ہمت  
 سال  
 جاتے  
 ہودے جا  
 متعال  
 گھول  
 پاتے  
 مار  
 سر  
 ج عام



تولے تولے دا مقدار  
 پکھوں ایہ ترے عرق پلا  
 عرق پودنہ عرق اجوین  
 علامتاں رتج شکم دیاں چار  
 پختہ اس دا ایہ نشان  
 مجرب نسخہ لکھاں کتابی  
 مگ مرچاں سنڈھ زیرہ سیاہ  
 مصطکی دارچینی دج ڈال  
 گھت منقہ دج گھوٹا  
 بلغم باد یا سرد مواد  
 حب ایانج دیہو جلاب  
 دیہو اس نوں تے ضرور  
 مجرب کراں بیان دوا  
 پودنہ زیرہ سولف لیا  
 چھ چھ ماشے پنج دوا  
 کل پن اس نوں صاف کرا  
 ست اجوین پودنہ داست  
 سنڈھ داست اس نال پلا  
 بک بک رتی دا مقدار  
 فستاں نسخہ ہور عجیب  
 درد رتج نوں دیوے نفع

کھاوے روگی نت نہار  
 سکنجین دے تال پلا  
 عرق سولف دا ایہ ترے بین  
 نفع قراقر درد ڈکار  
 سرد چیزوں پاوے نقصان  
 زائل رتج دی کرے خرابی  
 لونگ الاچی کر ہمراہ  
 پودنہ ہر بک دو مثقال  
 چھ ماشے ہر روز کھوا  
 جے معدے دج کرے فساد  
 مادہ خالص کرو شتاب  
 مادہ فاسد ہووے دور  
 بلغمی دیوے درد دنجا  
 دارچینی اجوین رلاء  
 گٹ پانی گھت خوب جوشا  
 ماکھوں ڈال ہر روز پلا  
 روغن دارچینی دج گھت  
 کھنڈ دج ڈال ہر روز کھوا  
 ہودن ایہ دوائیں چار  
 استعمال جے کریں طبیب  
 پٹ جڑاں کر دیوے نفع

جے عرق  
 بک  
 سائبر

نسخہ  
 تخم  
 مین  
 درد  
 سرکہ  
 روگی  
 گرم  
 دال

سبب  
 لازم  
 جاد  
 طبع  
 درم

اس نون قائمہ بہت پہنچا دے توئل ہک مشقال کونین مرض رتخ ہو جاوے مات ایہ نسخہ ڈٹھا اکسیر	ہے تے معدیوں رتخ تھیں آوے عرق پودنہ سولف اجوین ہک ہک گھٹ پلا دن رات سائیں بخش حکیم فقیر
--	--

### نسخہ تے بلغمی

دسماں تے یابے جھب چھ ماشے رائی گٹ گھت ترے سیر پانی گھتہ ابال تل کے پُرن گے صاف کرا پنج پنج تولے وزن قدر کھنڈ نال اس تے کروا ہووے جلدی دفع نساد پہلاں اس نون لے کھوا	نسخہ تے وا بہت عجیب نغم موٹی لے ماشے ست مین پھل دا ڈوڈہ ہک ڈال دو ترے اس نون جوش دیوا سرکہ ماکھوں شامل کر ردگی نون ترے دار پلا گرم پانی دی کر اداد دال موٹی دی خوب پکا
--	---

### درد شکم و رمی

ہے ہمیش معدے دج پیڑ ردی مادہ کریں خیال مشکل ہوندا اوس علاج شاید رب کرے شفا حق اس دے دج ہے اکسیر	سبب ہے ہووے دم گھنیر لازم تاپ ہے اُس نال جاوے اس دی بگڑ مزاج طبع موافق کرو دوا دم معدے دی جو تدبیر
---	--



ملین مالش یپ مکور	موافق طبع علاج جو ہو
تقویت دیرہ دوا غذا	دیوے اس نون رب شفا

## بیان مرض فی الدم

<p>فی الدم ہک مرض زبون خون مری یا سر تھیں آئے یا معدیوں یا جگر طحال جیکر تاپ ہووے ہمراہ بہت دیر جے رہے آزار دارو اس دا کرو شتاب اول باسلیق چھڑا جیکر تاپ نہ ہوئے نال سرمہ سیباہ کندر گنار خم حماض بگل ارنی ڈال اقاقیا ماجو اصل انیم گوبیاں دج رسونت تیار ایہ گولی ہک ہک نت کھائے نال پیوے شربت انجبار بکری کھوتی گادہ شیر گلقدن تازہ اوس کھوا شربت حب آلاس پلا</p>	<p>نال تے دے آئے خون یا کوئی رگ سینہ پھٹ جاک آوے خون کرے بد حال کرے روگی دا حال تباہ وانگہ سل دے کرے خوار فی الدم ایہ مرض خراب پچھوں اس دا کریں دوا کرو دوا ایہ استعمال شادہ پنھر پھنگڑی ساڑ ہر ہک تولہ وزن سمبال ترے ترے ماشے وزن حکیم بٹھ پنجاہ ٹٹھ دج شمار فی الدم نون ترے ونبجے فی الدم نہ رہے آزار فی الدم نون ہے اکیر شیرہ خرفہ گھوٹ پلا فی الدم دا خوب دوا</p>
--	---

خونے دا  
جے شربت  
پلوے ضرور

شربت انج  
دو دو تو  
ترک رات  
مل کے پو  
فی الدم  
جے خونی  
پیوے عو  
لول الدم

کریم شکم  
رات سویر  
کے تالو  
بدویں رہ  
خالی اندر  
حرکت کرن

خوفے دانت ساگ کھوا جے شربت پوست خشنش پولے ضرورت ہو رہے آ	ہے ایہ بہت اکیر دوا پیوے کرے مرض داناس نفث الدم دھج دیکھیں جا
--	---

## شربت انجبار صندلی

شربت انجبار سن وید دو دو تولے وزن تول تر کر رات پانی دھج ڈال تل کے پُن کے صاف کرا قے الدم نول ہے اکیر جے خونی ہوون اسہال پیوے عورت مدت چند لول الدم نول دیوے نفع	بورہ صندل سرخ سفید انجبار پنج تولے پاء نجرے دو ترے دیہ اہال ترے پا مصری گھت پکا نک دی بند کرے نکیر پیوے روگی پانی ڈال کرے خون حیض دا بند نفث الدم کرے جھب دفع
---	--

## بیان کرم شکم

کرم شکم جد ہوون پیدا رات سو میں مکھ پانی آدے لگے تالو حلق زبان ردویں رہن ٹھکانہ سہل خالی اندر دیون کچھ حرکت کرن کیڑے دن رات	ایہ علامتاں ہون ہویدا جاگے منہ ب خشک ہو جاوے کرم شکم دے خاص نشان وقت مجھک پاوون تھقل ہووے بہت طبیعت زچ ردویاں دھج پولے سرلاٹ
--	---

جو ہوو  
رب شفاء

خون  
شربت  
بد حال  
مال تباہ  
سے خوار  
خراب  
ریں دوا  
ستعمال  
طری ساڑ  
سمہال  
زن حکیم  
ج شمار  
ونجلی  
آزار  
اکیر  
پلا  
دوا



ضعف طبیعت دے دج آوے  
 حب القرع حیات صغیر  
 اس نوں کن حکیم ملہپ  
 تریجے کدو دانے ہین  
 اثنا عشری دج مقام  
 دج دقاق پاؤں تھقل  
 مستقیم دج رہن مدام  
 ہاضمے دج پوسے نقصان  
 آدن سفریلوں باہر وار  
 ایہ دکھ مودی آن کھلوے  
 رکن یاہر جھاڑے نال  
 دارو اس دا کرد شتاب

بہت مدت جیکر ہو جاوے  
 کرم شکم تریجے قسم شریر  
 کرم لمبے کپ دانگوں سپ  
 دوجی قسم چنونی کہن  
 کرم ملہپ پنہاں دا نام  
 کدو دانیالہ والی ول  
 چھوٹے کرم چنونی نام  
 کرم شکم دج کرن زیان  
 جد ہو جادو کرم بسیار  
 جدوں رطوبت گندی ہووے  
 گزر جادو جد ہک دو سال  
 بہت پلید ایہ مرض خراب

### نسخہ مجربہ کرم شکم

ریزہ ریزہ کٹ کترا  
 مصری تھوڑی نال ملا  
 سرے وانگ ہو جائے ٹھیک  
 باقی رہے مڑ رگڑو آن  
 خوب باریک مہین کرا  
 کٹ قلعی دے نال ملا  
 ہک پڑی دیہ وقت نہار

قلعی تولے دو لے منگوا  
 رسل پتھر تے گھت پسا  
 کہ تو اس نوں خوب باریک  
 کہ پھر اس نوں کپڑ چھان  
 مصری تھوڑی جیسی ملا  
 عشق پیچا دو تولے لیا  
 پڑیاں اس دیاں بنھو چار

<p>پچھوں کھٹی لستی پیوے          پہلاں ترے دینہ دودھ پلا          ادھ پا گوڑ نل خوب کوٹا          صبح نہار مغز نار جیل          پڑی کھوا مڑ لستی نال          پڑی دوجی مڑ پھیر کھوا          دو ترے روز مٹھا کھیو دودھ          ساری دل نکل جد جاے          جے قصور رہ جاے باقی          دو پڑیاں مڑ پھیر کھوا          ایس طور کر استعمال</p>	<p>فضل خدا تھیں چنگا تھیں          کھیو شکر ورج بہت ملا          دیویں سوتے وقت کھوا          کھائے گوڑ اس دے ورج میل          دیوے کیرٹے ترے نکال          چار روز دا فرق کرا          پہلی دیہ جے ہوئے مبدھ          پھیر دوا خہ ہرگز کھاے          کرم شکم رہ تھاون باقی          پنج پنج دینہ دا فرق کرا          فضل کرے رب ذوالجلال</p>
--	---

### نسخہ کرم شکم

<p>تلخ تو لے دوئے منگوا          تھوڑی تھوڑی لستی پا          میلو کھٹی لستی نال          عشق پیجا چھ ماشے لیا          تازے پانی نال لنگھاے          جد اسمال ہوون اس جاری          گرٹ نل پنج پنج تو لے لیا          گری کھوپا گرٹ نال ملا</p>	<p>سل پتھر تے گھت گھسا          چھ ماشے دا وزن گھسا          وقت فجر کر استعمال          وقت پیشی دے کٹ پھکا          کرم شکم سب باہر آوے          باہر نکل جاے دل ساری          کٹ کے سوتے وقت کھوا          پہلاں اس نوں لے کھوا</p>
--	--



وقت فجر کر استعمال چاول گھیو دودھ مٹھا ڈال پنجویں دارو شروع کرا ایہو قاعدہ پیر استاد	دارو کھٹی لسی نال چار روزہ کر استعمال فاصلہ پنج پنج روزہ دیوا کرم شکم دا رکھیں یاد
---	---

### نسخہ مجربہ کرم شکم

<p>ہک عجب نسخہ ہتھ آیا! کدو کیڑیاں دے درکار جاوے کدھ پڑانا ہو کرہ اٹھائیں استعمال تروی تول خاص سفید ترے ماشے دیسی صابن لے ہک دن دھو ترے واری کھاو ادھا حصہ وقت فجر چاول شکر گھیو ملا بوٹی زخم حیات پلا گوڑا تل پہلاں خوب کھانا صبح نہار مغز نازیل بوٹی زخم حیات گھوٹا کدو کیڑے کرم ملہپ نظر بے آدے سخت جھال</p>	<p>کئی دفعہ اس نون آزمایا دفع ہو جاون کھاندیاں سار رہے شکم دے وچ کھلو رکھل جاون کیڑے فی الحال بابڑنگ چھ ماشے دئید کھٹ ملاؤ دوا ترے کھٹی لسی نال نگھاوے ادھا وقت نماز ظہر پہلاں ترے دن کریں غذا دیویں ہفتے بعد دوا دیویں سوتے وقت کھوا کھاوے گرہ اس دے وچ میل پہلے پنج ست روز پلا رہن نہ وچ شکم دے چھپ ترے ہفتے کر استعمال</p>
---	---

دوسرے نسخہ

ہنگ  
ج  
دو

ہک  
دو  
ہک  
کے  
تر  
پانی  
سر  
دوا

انار  
ہک  
پیر  
پہلا  
چوڑ  
باقی

ہفتے بعد ہر روز کھوا جے کچھ باقی رہے قصور دو ترے دفعہ کر استعمال	اس نول استعمال کرا ایہو یاد رکھیں دستور دیوسے کیڑے سب نکال
--	--

### نسخہ کرم شکم

ہر شناسی کیا فقیر درتیا میں ادھ عمر تمام ہر چھٹانکی گری داتیل لے جدول نہایت مجھکھ ترش کا بنی جیکرنت پیوسے پانی کشتہ ترش نتار سرکہ تیز چھٹانکی گھست دونویں وقت کر استعمال	لوٹکھ پاس میرے اکیر کیڑے شکم کرے قتل عام سخت دینہ دیہو مٹھاچ میل تدول پلا نا رہی دوکھ فائدہ بہت زیادہ تھیوسے پیوسے رہے نہ ذرہ آزار پیوسے رت دھاڑے ست مرن کیڑے موزی بدحال
---	---

### نسخہ کرم شکم

انار ترش دی چھل لیا ہر چھٹانکی قند سیاہ پیوسے صاف کر وقت نہال پہلاں ترے دن دودھ پلاٹیں چوتھے دینہ کر استعمال باقی پھیر جے ہے فساد	ہر چھٹانکی کٹ جوشا اس دے نال کرد ہمارا دفع ہودن کیڑے بدکار گھینو شکر وچ بہت ملاٹیں مرن کیڑے موزی بدحال ایہو قاعدہ رکھیں یاد
--	--



## نسخہ کرم شکم مجربہ

نسخہ بیان کراں آزمایا کریں جے اس نوں استعمال بوٹی پک گندھوک نام اکثر جنگل دے وچ پیدا دوروں اس مارے بدبو ماشے ترے یا چار گھوٹا دو ترے دفعہ کرے ایہ کام ملہپ چٹونی کدو دل	صدر بصدی تریا آیا مرن کیڑے ہوئی کے بدحال گندھی بوٹی کمن عوام ہو دے موسم نال ہویدا نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو کھا دے گڑ دے نال ملا کیڑے کل کرے قتل عام مڑ کے پھیر نہ کرن خلل
--	--

## نسخہ کرم دراز

جیکر ہون کرم ملہپ نسخہ ایہ بنا ضرور تروی ماشے چھ سفید دونوں ترے ماشے پا اوتوں کھٹی لستی پیوے دو ترے دفعہ کرے استعمال ترے ماشے قلعی جے گھوٹ پلاوے	شکل جہاندی دانگوں سپ کرم ملہپ ہو جادون دور کمیلہ بابرنگ لے دید میل دوا ترے گھوٹ پھکا کیڑیوں معدہ فارغ تھیوے ہودن دفع ملہپ چنڈال بہت شتابی نفع اٹھاویں
--	---

## نسخہ کرم شکم

کمیلہ صابن دیسی لیا بابرنگ ایہ دارو چار	عشق پیچہ کٹ تروی یا ترے ترے ماشے دامقار
--	--

گھوٹ  
دو تر  
پا پانی  
دے  
گھوٹ تیا  
دقت

کرم یا  
خارش  
دساں  
چرا کرت  
چھ ما  
ہفتے

مسئل  
تروی  
افستہ  
دے  
گھوٹ

گھٹ کوٹے دے دج ملا دو ترے دفعہ دوا کما دے پا پانی دے دج گھوٹا دانے مانہ برابر سب گوڑ تیل پنج پنج تولے لے وقت فجر کر استعمال	کھٹی لسی نال ملا کرم شکم مڑ نظر نہ آدے گولیاں اس دیاں لے بنا نال عقل دے بنھو جب کٹ کے وقت سوتے کھائے دارو کھٹی لسی نال
--	---

### نسخہ کرم خورد

کرم باریک کرن جے تنگ خارش ہووے سفرے دج دساں میں یک سہل دوا چراغہ پا پڑا افسنتین چھ ماشے نت رات پوسا ہفتے بعد دیویں اسہال	سفرے دج جے مارن ڈنگ سخت طبیعت ہووے دج سیونک چوڑے رہے نہ کا وزن برابر دارو تین فجرے مل کر صاف پلا مرن کیڑے ہوئی کے بد حال
---	---

### نسخہ مسہل کرم خورد

مسہل کراں بیان عجب تروی تولے دو سفید افسنتین دج ہنگ ملا کوٹے کوٹے دج گھوٹا گھوڑا جیہا پانی دج پا	کرم دفع ہو جاوے سب گودا خشک تماں یک وید ترے ترے ماشے وزن تلا چھانٹی دج گھٹ صاف کرا مانہ برابر جب بنا
--	--



ہفتے بعد بچہ ماشہ کھائے تازے پانی نال لنگھائے

### لشخہ گرم خورد

رکرم خورد جے کرن خوار دساں ہک عجب پچکاری آڑو دے پت لے منگوا نگدہ پانی دے دج گھول ترے ترے ماشے مٹھائیل کر سفرے دے وچ پچکاری اکثر لڑکے بال نادان بوٹی زخم حیات پلا پانی پت آڑو دج بوڑ	ہو دے روگی بہت لاچار کر استعمال نہ رہے بیماری ڈنڈے کونڈے دج گھول کپڑے دج کر صاف انڈ دل ماشہ ہک مصبر میل اس دے جیسی نہیں کوئی کاری ہوون اس دکھ نال حیران دیوے جھبڈے صحت خدا روں سفرے دے دج پخوڑ
---	--

### بیان مرض ضعفِ معدہ

ہو دے خوب نہ ہضم طعام غذا معدے دج رہے کھلو رہے شکم دے دج گرانی بد ہضمی دی بہت نہایت ادب آون تے جی منلاوے آون گندے بھس ڈکار معدہ ہضم نہ کرے غذا	ضعف معدہ اس آکھن نام بہت دیر تک ہضم نہ ہو ضعف معدے دی خاص نشانی کرے ہمیش بیمار شکایت منہ بھر کر لیاں پانی آوے رہے ہمیش طبع بے زار لاغر ہوندے جان اعضا
--	---

مہکے تھوڑے  
جذہ معدہ  
گرم یا  
دیوے  
معدہ  
سبب  
غیر طبعی  
مادی مرد  
مرد چیز  
رنگ  
کدی کدی  
کوڑا  
دیوے  
ترش  
جوارش  
جوارش  
مریہ  
ضعف مرض  
جیکر  
چہرہ  
گرم چیز

خواہش نال نہ پیوے کھانے  
 ہووے سرخوں درد ضرور  
 گرمے معدے دھچ پوے فساد  
 گرمے معدے دا حال تباہ  
 بے شکم دھچ قبض مدام  
 نبض قارورہ کرو شناخت  
 بے معدے دھچ کرے بگاڑ  
 گرم چیزیں ہووے زیادہ  
 گرم مرض ادہ نال یقین  
 سرخ بدن شکم دھچ درد  
 تریہ لکھن خشک ہو جائے  
 ایہ صفراوی ہے نشان  
 رہے نہ معدے دھچ قصور  
 دیون سب صفرا نکال  
 ضعف کرے صفراوی دفع  
 گرم دکھاں لے آوے کام  
 ضعف معدے نوں ہے اکیر  
 حاجت وقت اوتھوں لکھنے  
 کرے قوت معدے برباد  
 سمجھ علامت اس دی دید  
 سردیوں ہووے دکھ مزید

بھکھ تھوڑی ہندی اس جاوے  
 جذبہ معدے دھچ پوے قصور  
 گرم یا سرد یا خشک مواد  
 دیوے ضعف معدے نوں جا  
 معدہ ہضم نہ کرے طعام  
 سبب ضعف دا کرد ریافت  
 غیر طبعی صفرا دا ساڑ  
 ادی مرض ہووے یا سادہ  
 سرد چیز دیوے تسکین  
 رنگ اکھیں چہرے دا زرد  
 کدی کدی کوڑی تے آوے  
 گوڑا رہے ہمیشہ دمان  
 دیوے تے تلمٹیں ضرور  
 ترش چیزاں کر استعمال  
 جوارش اہلی دیوے نفع  
 جوارش تھرہندی اس نام  
 مربہ آملہ زرد ہریڑ  
 دھچ مرض صفراوی تے  
 جیکر رتج یا سرد مواد  
 چہرہ اکھیں رنگ سفید  
 گرم چیزاں اس پون مفید

لکھاں

ت لاچار  
 بے بیماری  
 بچ تھوڑا  
 بے اندول  
 بے میل  
 کوئی کاری  
 ل جبران  
 ت خدا  
 بچ پخوڑ

آکھن نام  
 ہضم نہ ہو  
 خاص نشانی  
 شکایت  
 بانی آوے  
 بے تار  
 بان اعضا



<p>دھلی نبض پیشاب سفید گرم جوارشاں دیوں نفع کر استعمال جوارش عود پہلاں دیہہ مسهل اس قے انوشدارو اس فیض پہنچاے</p>	<p>اکھ علامتاں بلغم دید معدیوں کرن ریاہ سب دفع معدیوں ضعف کرے نابود دفع مادہ موزی کرے ضعف معدیوں جلد و نجاے</p>
---	---

### جوارش عود

<p>کرو تیار جوارش عود ایہ نسخہ حکماء قدیم دع طبیبان دے مشہور قوت گرہ کرے صبح مگ مرچاں سندھ زیرہ سیاہ خولنجاں دارچینی دھ ڈال آلہ دانے میل انار نخم کرفس کبابہ لیا کیسر خالص مشک کافور ادھ سیر پکا کھنڈ ملا کر کے خوب دواندا قوام دزن اس داماشے پنج چار کھا دے نت صبح تے شام رتع معدے نول دیوے نفع</p>	<p>ضعف معدے نول دیوے سود بہت پسند اس کرن حکیم کرے پرائیاں مرصاں دود معدیوں دود کرے سب رتج مصطفی پودنہ کر ہمراہ چھوٹی دڈنی الاچی نال ہر یک تولے دا مقدار جعفل لونگ جلوتی پا ترے ترے ماشے ڈال ضرور سرکہ ادھ سیر نال منگا کٹ دوا ملاڈ تمام معدیوں زائل کرے آزار کرے شتابی مضہم طعام کرے شکم دیاں مرصاں دفع</p>
--	---

ہور جو

صدری

گولیاں

دار چینی

پودنہ

چونھا

رس کن

ہور دہ

آلہ

پودنہ

زیرہ

کٹ

چوندرن

تر بیل

چھانک

تر بیل

ہو جو ہودن سرد آزار	کڑے باہر بدن تھیں مار
حَبِ ہاضمہ	
صدری ہک نسخہ لاثانی گولیاں ایہ بنا ضرور دار چینی گھم مرق سیمہ پودنہ سندھ ہنگ دھ گھت چوتھا حصہ ہنگ دھ ڈال رس کنوار دھ بنھوں حب بہت مدت دی پاس نشانی ہاضمہ دھ نہ رہے قصور سو پھر نمک کرو ہمراہ وزن برابر دار و دست کٹ حمام دستے سے نال دور کرے بد ہضمی جھب	
سفوف ہاضمہ	
ہو دساں ہک عجب سفوف آملہ دانے ترش انار پودنہ دار چینی بادیاں زہرہ نمک سو پھر دھ گھت کٹ کے کرو سفوف تیار بد ہضمی جھب کرے موقوف دو دو تولے دا مقدار الاچی دانہ ہر ڈال کن ہک ہک تولہ دار و دست پھکے روگی رنت نہار	
پُورن ہاضمہ	
پُورن ایہ بنا ضرور تر پھلہ تر کٹ پودنہ کے چھٹا نمک انار دانہ وچ ڈال ہوتے ضعیف معدیوں دور ہر یک ہودن تولے ترے نمک ترے تولے نال	

ترکٹا - سوٹھ - ہالی مرچ - سیل

ترکٹا - آملہ - پھر - اور پھر - کوکتے ہیں - کوکتے ہیں -

بلغم وید  
 ح سب دفع  
 سے نابود  
 کرے  
 رو نجات

یوے سود  
 کرن حکیم  
 رضاں دور  
 سب رت  
 کر ہمراہ  
 پیچی نال  
 دا مقدار  
 جلوتی پا  
 ڈال ضرور  
 نال منگا  
 لاڈ تمام  
 سے آزار  
 ہضم طعام  
 رضاں دفع



الاجی دانہ زیرہ سیاہ ہک ہک تولہ چار دوا عرق نبو وچ گھوٹ تمام	دار چینی اجوین ہمراہ کٹ چھان سب جمع کرا چورن باضمہ کرے طعام
--	---

### نسخہ مجربہ ریح مشکین

کرفس اجوین زیرہ منگوا ترہ نیمہ دن سرکے وچ پوسا نمک سو پھر سنڈھ میلونا کٹ بچھ ماشے نت پھکا پودنہ سونف دار چینی لے	ترے ترے تولہ وزن تولہ کر کے خشک باریک گھوٹا ہک ہک تولہ لے وچ ڈال ایہ جو شانہ کاہٹر پلا ترے ترے ماشے دار و ترے
--	---

### چٹنی باضمہ

سرکہ کشمش قند سیاہ منقہ ادراک دانے انار دار چینی تے مرچاں سیاہ دو دو تولے وزن تولہ گھوٹ کونڈے چٹنی کرتیار کچھ مدت کر استعمال	دس دس تولے کر ہمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دھنیاں زیرہ کر ہمراہ سبھے دار و جمع کرا ضعف معدے نول ہے درکار چٹے اس نول لذت نال
---	---

### چورن اگن بھکا

جیکر ضعف معدے نول ہے	انار دانہ پنج تولے لے
----------------------	-----------------------

پودہ رنگ ترے اجیرن سوچرا سانہر نمک اندوان دار چینی سب کٹ دوا رس زہر دج بھون تیار اگن بھکھ چورن دانا نام	مک مرچاں سنڈھ زیرہ لین آملہ الاچی دانہ آن اک ایک تولہ وزن تولہ کر کے کھاوے وقت تیار جلدی باضم کرے تیار
---	--

### بیان ورم معدہ

جے معدے نوں ہووے ورم رہے ہمیش معدے نوں پیڑ نم معدے یا معدے دج معدہ بہت ہو جائے سخت ہضمے دے دج پوے قصور ہووے حالت سخت تباہ ردی سالم کریں شناخت ہووے خاص جے ردی مادہ فدا دوا جو کچھ اوہ کھاوے لازم تاپ رہے ہمراہ جیکر مادہ ہووے سالم شامل تاپ نہ ہرگز ہو چنگی طرح پچھان مزاج جیکر دموی ہووے ورم	کرڑہ سخت نہایت گرم طاقت بدنی کرے ظہیر ورم کرے روگی نوں دج کرڑہ پتھر دانگ کرخت طاقت ہوندی جائے دور کر توں اس دی طرف نگاہ دائر لازم کر دریافت ہوندا جادے ورم زیادہ تھے نال نکل سب جائے اکثر اس نوں کرے فناء نال عقل کر اس نوں معلم ورم معدے دج ہے کھا طبع موافق کریں علاج کرڑہ سخت یا پولا نرم
--	---



سرکن تلخی کرے خوار  
 لال سُرخ ورم دا رنگ  
 باسلیق رگ کھول دوبار  
 ورم معدے تے لیسپ کرا  
 دھنیاں پیلک خوب گھوٹا  
 سرکہ تھوڑا جیہا ملا  
 جیکر زور ہووے صفرا  
 عرق کاسنی سونف پلا  
 ملین دے اس انبتاس  
 پیلک دی اس کرد نطول  
 بنفشہ اسی پُھل گلاب  
 تخم خطمی بابونہ گل  
 کرے قبض دی بہت شکایت  
 بنفشہ کاسنی سونف منگا  
 لے توں ایہ دوائیں چار  
 پنج تولے خالص گلقد  
 ڈنڈے گوندے وچ گھوٹا  
 ہک بچھنا کی انبتاس  
 گودا چھاننی نال چھنا  
 مٹھے اس دے کر کے تھے  
 ہک تولہ روغن بادام

ہر دم رہے طبع بیزار  
 ضرباں چیکاں مارن ڈنگ  
 قوت طاقت سمجھ بیمار  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 آٹا دج جواں دا پا  
 ورم معدے تے لیسپ کرا  
 یا سٹریا ہو یا سودا  
 سکنجبین دے وچ بلا  
 عرق گلاب کر کے وچ راس  
 موافق قوت طبع رنجول  
 سبز پیلک وچ ڈال شتاب  
 لیسپ نہیں کوئی اس دے تل  
 ہووے معدہ سخت نہایت  
 مغز تخم کدو وچ پا  
 دو دو تولے دا مقدار  
 اس دے نال کرد پیوند  
 شیرہ کپڑے وچ پھنا  
 گھول دیو دچ بے وسواس  
 چار تولے وچ کھنڈ ملا  
 صبح پیشی دیگر پی لے  
 داخل کرن حکیم تمام

<p>دہودو ترے دفعہ ضرور          ہے پیوے نت شربت دینا رکی          شربت استین بزور          معدے نول رکھ ہر دم تر          شدت درد ہے کرے دم          پوست ڈوڈے ترے منگا          ایسبغول اس نے منج گھول          ہے دھنیاں پلک گھوٹ نکا          طبع موافق دیہ غذا          سرد مواد ہے بلغم باد          فائدہ دیون چیزاں گرم          درد پیڑ تپ ذرہ نہ ہو          استسقادے وانگ بیمار          پود نہ سولف اجین داعرق          ہک ہک رتی اصل کونین          دیویں ایہ بنا اس حب</p>	<p>معدیوں قبض ہوئے سب دور          معدیوں کٹ سٹے بیماری          یا دیہ درد نہ رہے قصور          روغناں نال نہ ہرگز ڈر          ہووے مادہ بہت ہے گرم          مل پانی دچ صاف کرا          درم آتے کر لپ اندول          گرم درم دچہ فائدہ پادیں          خشک چیزوں پر ہیز کرا          معدے نے دچ کرے فساد          سرد چیزوں پاشے رنج درم          درم معدے دچ رہے کھو          دچ شکم دے رکھے بھار          شروع کرا ہووے جب فرق          عرق نال بلا دن رین          کرے شفا اس خالق رب</p>
---	---

### حب مسہل بلغمی

<p>تروی توے دو سفید          گدا خشک تھے دا پا          سکیںچ گوگل ریوند گھت</p>	<p>غار یقون مصبر دید          سقمونیا اصل نال ملا          نو نو ماشے دارد ست</p>
--	---



<p>             کٹ کے دائرہ سب چھنا              عرق سولف دج بھول جب              ڈبے یا بوتل دج ڈال              ہفتے بعد ہک روز کھوا              اس دا ہے ایہ خوب علاج              پانی تھیں پر ہیز کرا              سخت جلاب نہ نیرے ڈھو              کاسنی سولف سنا تمام              پنج تولے گلقد ملا              حل کر اس دج نال قیاس              شکموں باہر نکلے بھار              خارج کرو مواد بعین              بابونہ اسی میتھی پا              نیل مسٹھا کر گرم کرا              کر توں درم ہو جاکے نرم           </p>	<p>             سقمونیا ترے ماشے دج پا              دانے مانہ برابر سب              گویاں رکھ حفاظت نال              چھ ماشے دا وزن تولا              جیکر بلغھی سرد مزاج              عرق سولف اس بہت پلا              جیکر درم مرکب ہو              بنفشہ مغز کدو بادام              تول تول وزن گھوٹا              پنج تولے گودا ابلتاس              کھنڈ پلا پلا دو بار              ہر ہفتہ دے کے تلیں              کالے تیل اس گھوٹ لگا              یا پلٹس بنھ درم پکا              ہور علاج جیٹرا تر گرم           </p>
---	--

### بیان قروح معدہ

<p>             قروح معدہ ادھ مرض سداے              اوکھا ہووے بہت آزادی              نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو              کرے روگی دامندہ حال           </p>	<p>             درم معدہ جیکر ہیٹ جاوے              معدیوں ریم رہے نت جاری              تمنہ دجوں آدے بدبو              اکثر تاپ ہووے اس نال           </p>
--	---

ط  
 پا  
 د  
 تا  
 نق  
 قر  
 ۳

ملی  
 ادھ  
 کل  
 تاز  
 خور  
 میا  
 بنف  
 پنج  
 قروح  
 تر  
 ایہ  
 ہور

<p>ملاقات جسم بہت گھٹ جائے پاک آوے زل قے نال درد معدے دا کرے خراب تازہ دیہ بکری دا شیر تھوڑا جیہا شہد ملا قرع معدہ جد ہووے صاف آش جواں دی دیہ غذا</p>	<p>ضعف طبیعت دے دج آف یا زل آفے نال اسہال دارو اس دا کرد شتاب قرع معدے نوں ہے اکیر روگی نوں ہر روزہ ملا کرے قصور خداوند معاف دج روغن یا دام ملا</p>
---	---

### نسخہ ملیتن

<p>ملتن اس نوں دیہ ضرور ادھ سیر خالص عرق گلاب مل عرق دج ہتھاں نال تازہ گودا انبلساس خوب طرح مل ہتھاں نال میل چٹانک اس وچہ ترنجبین بنفشہ گل نے نیلو فر ہنچ ہنچ تولے وزن دوا تجرے دیگی وچہ جوشا تورے پا پکا مصری گھت ایہ شربت روگی بت پیوے ہور بے پورے ضرورت آ</p>	<p>ریم قرع تھیں ہووے ددر ادھ پاگھت گلقد شتاب کپڑے دج کر صاف نکال ڈال چٹانکی نال تیس چھانسی دے دج لے نکال ایہ اس نوں دیویں ملیتن نال ملٹی شامل کر رات پانی دج تر کر دا مل پن کپڑے دج کرد صفا تار والی پکڑاویں پت فائدہ بہت نہایت تھیوے نفث مدھ دج دیکھیں جا</p>
--	--



## بیان مرض ڈکار

<p>معدے کے دوج پوسے وگاڑ آدن کھٹے بھس ڈکار نال علامت کرو صبح ایہ دوا کر اس دا جھب کہ ٹھن معدیوں گرم آزار سکجبین دیوسے اصلاح معدیوں جھب صفرا دجاڑے معدے کے دوج کرے فساد مصطکی نال کرو پیوند پیہ کے دوج گلقد بلا دفعہ ہو جاوے بھس ڈکار ایہ ترے عرق بلا دن رین بھس ڈکار کرے جھب بند طبع موافق کریں شتاب گھیو مصالحہ گھت گھیرا کھاوے نت کھنڈ دوج گھت</p>	<p>جیکر آدن بہت ڈکار گرے سودا معدے دچکار یا صفرا یا بلغم رتج جے صفرا دا ہے سبب رُب سنگترہ ترنج انار جیکر ہووے گرم ریاچ مرتبہ زبوتو جیکر کھاوے ہووے جیکر بلغم باد سولف الاچی دانہ گلقد ترے ترے ماشے ترے دوا کھاوے روگی رت نہار عرق پودنہ سولف اجوین کونی کرن حکیم پسند ماجت بقی ہوس جلاب ترتر ماس کھوا بیڑا تیسپر منٹ دار چینی ست</p>
--	--

## چوڑن ہاضمہ

چوڑن ہاضمہ کرو تیار	بہت دفعہ آزمودہ کار
---------------------	---------------------

بد  
دار  
ہر  
پود  
انار  
دند  
چھا  
کھا  
جے  
اول  
منف  
کرا  
مرتب  
ترا  
آدن  
مص  
ماکھو

<p>             بہ ہضمی رتخ سبب ڈکار              دار چینی سندھ زیرہ سیاہ              ہرٹاں دی چھل مرچاں یا              پودنہ مصطکی لکھاں سداب              انار دانہ پنج تولے آن              دہلے کوٹھڑے دھج گھوٹا              چھاویں رکھ سوکھا وچ تھال              کھاوے بہت لگاوے جھکھ              جے ہو جاوے دُکھ پُرانا              اول دے کے تے تلئیں              ہفتے تیک دوا کھاوے              کر استعمال ہفتے پنج چار           </p>	<p>             ہودن معدیوں جلد فرار              الاچی دانہ کر ہمراہ              آملہ نمک سوچر دھج پا              ہر ایک تولہ وزن حساب              کٹ سبھ چھاننی وچ چھان              زنبو دا پانی دھج پاء              حاجت وقت کر استعمال              دفع کرے معدے دا دُکھ              ہرگز ہضم نہ ہووے کھانا              استعمال کر نال یقین              مرطاب تے تلئیں دیواوے              رہے نہ معدے دھج آزار           </p>
--	--

### نسخہ مرتبہ لیموں وغیرہ

<p>             مرتبہ لیموں عجب دوا              تراش زنبو چھل دُور کرا              آون جدوں دو ترے اُبال              مصری یا کھنڈ پانی پا              ماکھوں دانگ ہووے جدا           </p>	<p>             مرصاں دفع کرے صفرا              پانی دھج گھت جوش دیوا              پانی دھج توت نکال              زنبو گھت توام پکا              مرتبان وچ رکھ دُکا           </p>
---	--

ایہ مرتبہ جے نت کھاوے  
 قطع کرے دُکھ جھکھ ددھاوے



## نسخہ چٹنی باضمہ

۷۰

نسخہ چٹنی دا آزمایا کرے جے ایسنوں استعمال الاجی دانہ مرچ سیاہ ادھرک نمک دانے امار چھوٹے کشمش نال ملا سرکہ کھنڈ یا یا منگوا انبلی ہک پھٹاکی تول چھاننی دچہ گھت صاف کرا کے گاہڑہ جدوں قوام ہت نہار جیکر کوئی کھلے	ہندوستانوں لکھیا پایا ہضم طعام کرے فی الحال زیرہ دارچینی سمراہ پنج پنج تولے دا مقدار دس دس تولے وزن تول کر کے صاف قوام پکا تھوڑے جیسے پانی دچہ گھول سرکہ کھنڈ دے نالی ملا کٹ ملاؤ دوا تمام کر کے باضمہ بھکھ لگا دے
--	---

## جوارش کمونی

جوارش کمونی کرو تیار دیوے رتج شکم دی توڑ دفع دیوے کر ٹھس ڈکار دار چینی سنڈھ مرچاں سیاہ چھل ہریڑ اجوین سداب ترے ترے تولے وزن دوا بورہ ارمنی تولہ گھت	ایہہ نسخہ آزمودہ کار دارد اس دے جیہا نہ ہو رہے نہ معدے دچہ آزاد پودنہ گھماں کر دے سمراہ ڈالو اصلی پھل گلاب پنج تولے شکم قند ملا مدتر زیرہ تولے ست
---	---

نگنا نا  
جوارش  
دارد

نے ز  
راتیں  
راتیں  
ایہہ ط  
تولے

پہلی  
مادہ  
سبب  
تاپ  
شامل  
جیکر  
معدے  
باسلیو  
کاسنی

گٹ دوا ملا دھتتہ قال دفع معدے دفع آفے کام بہت باریک نہ ہرگز کر	گٹا خالص ماکھیوں ڈال جوارش کوئی اس دانام دارد اس سے درٹھ کر
--	---

### بیان مدبر زیرہ سیاہ

چھنڈ پھوک کے صاف کرا نجرے دھتے رکھ سوکھا نجرے پھیر سوکادیں وت چنگلی طرح سوکھا ہر بار زیرہ ایہ مدبر جان	زیرہ خالص سیاہ راتیں سر کے دھتے پوسا راتیں مٹ سر کے دھتے گھت ایہ طریقہ کر ترے دار ترے اُتے کر بریان
--	---

### بیان ہچکی

معدیوں دفع کرے نقصان ایس سببوں ہچکی آدے پھوڑہ قرعہ یا پھنسی گرم ردی مادہ کریں خیال مرض ہچکی دی رہے کھلو سوزش تنہی تے گھبرا بادہ خون نہایت گرم یا جو کاں معدے تے لا ڈنڈے کوندے دھت گھوٹا	ہچکی حرکت معدہ جان مادہ موڈی باہر نہ جاوے سبب ہچکی دا جیکر ورم تاپ پڑانا جیکر نال شامل جیکر تاپ نہ ہو جیکر بہت ہووے صفرا معدے دے دفع ہووے ورم باسلیق دا قصد کرا کاسنی دھنیاں پیسک لیا
---	---



سرکہ تھوڑا جیہا ملا  
 سبب ہچکی دا جے صفرا  
 یا کوئی تیز غذا دوا  
 سنگبین دی قے کردا  
 ترش چیزاں کر استعمال  
 نہو دی سنگبین پلا  
 نہو گھٹل دا آچار  
 سنگبین پانی دچہ ڈال  
 آلو انہلی ترش انار  
 شربت لیموں نت نہار  
 رب اناساں دا جے چٹے  
 جے خشک دا ہووے زور  
 معدہ ہووے کرڑہ سخت  
 لعاب بہیدانہ ایسغول  
 پیوے روگ نت نہار  
 بنفشہ روغن آپ بنا  
 آتش جواں دی نت پلا  
 شیرہ مغز کدو بادام  
 گوکا مکھن مصری گھت  
 دودھ بکری دا روز پلا  
 شیرہ کاسنی گھوٹ پلا

درم معدے تے یپ کرا  
 یا شریا ہو یا سودا  
 پوے مخالف معدے جا  
 گرم پانی دے دچ ملا  
 دیون سب صفرا نکال  
 دیوے ہچکی ترش دغا  
 ہووے ہچکی دیکھ فرار  
 دفع ہووے ہچکی فی الحال  
 ہچکی گرم نکالن مار  
 پیوے ذرہ نہ رہے آزاد  
 ہچکی گرمی دی جرٹھ پے  
 دیوے ہچکی نت مروڑ  
 مسکے منہ زبان کرخت  
 بنفشہ روغن مصری گھول  
 ہچکی دا رہے نہ آزاد  
 گھیو گوکا اس دے دچ پا  
 روغن دچ بادام ملا  
 شام پلا مصری گھت عام  
 چٹے فجر داڑے ست  
 تازہ مصری دچ ملا  
 گودا انہلتا سس ملا

دودھ  
 جیکر ہچکی  
 مصطکی  
 پیہ ملا  
 عرق پلوہ  
 سونف  
 دانے  
 کٹ جوش  
 زیرہ  
 ایہ بھی  
 دار چین  
 کھاوے  
 ہچکی بعد  
 پچے است  
 ضعف طبیب  
 ادہ ہچکی  
 طبع موافق  
 شاید رب  
 جیکر ہچکی  
 قل ڈوڈہ  
 وزن برا

و دتہ داری سے تلشیں  
 جیکر ہچکی خاص ریاجی  
 مصطلکی دار چینی گلقد  
 پیہ ملا جیکر کوئی کھارے  
 عرق پلودنہ سولف اجوین  
 سولف زیرہ منگوا سفید  
 دانے چھوٹی لاپچی تے  
 ٹک جو شا پیوے کر صاف  
 زیرہ پلودنہ خوب گھوٹا  
 ایہ بھی نسخہ کرو ضرور  
 دار چینی باریک کرا  
 کھارے نال میل گلقد  
 ہچکی بعد جے تے اسہال  
 پچے استفراغ یا خون  
 ضعف طبیعت سے وجہ آئے  
 اوہ ہچکی ہووے بحرائی  
 طبع موافق کرد علاج  
 شاید رب اس رحم کماے  
 جیکر ہچکی رط کا بال  
 قول ڈودہ طباشیر یا  
 وزن برابر دارو چار

ہووے ہچکی دفع لعین  
 معدے سے دچ کرے تباہی  
 لاپچی دانہ کرد پیوند  
 ہچکی فوراً دفع ہو جائے  
 ڈال سکنجین دیہ دن لین  
 چھل لاپچی چھوٹی دئید  
 ہر یک ہووے ماشہ تریہ  
 کرے قصور خداوند صاف  
 سرکے سے دچ میل چٹا  
 ہڈکی معدیوں ہووے دور  
 لاپچی دانہ نال ملا  
 ہڈکی جلد ہو جائے بند  
 آوے بہت کرے بد حال  
 آوے اس نول سمجھ نولون  
 مردیاں دانگ جسم ہو جائے  
 سخت تاپ اس خاص نشانی  
 کر اس دامرطوب مزاج  
 اپنے فضلاں نال بچاے  
 ہووے بہت کرے بد حال  
 لاپچی مصطلکی نال ملا  
 مکش نال چٹاؤ نہار



## بیان مرض منقوص

مرض منقوص جد ہووے پیدا وج شکم دے وٹ مروڑ اٹھے اندر پیٹ ڈنڈ دل ہر ہفتہ یک دیہ تلکین گوک تازہ دودھ اکیسر یا بکری دا رنت پلا جے گرمی اس بہت نہایت چیزاں ترش نقوع پلا خرفہ کاسنی تخم خیار آلو انہلی ترش انار سبب جے ہووے بلغم باد اگن بھکھ چوڑن جے کھائے جواڑش کوئی دیوے نفع دوتڑے اس نوں مہل کر رتج بلغم جد ہووے دور سجوں پودینہ بڑا مفید	بکھ علامت اس دی دیا ہووے پیش سخت کھروڑ دیوے رتج نہایت سول ایہ رنت رکھیں نال یقین وج آزمائش ایس فقیر مصری بخوڑی جیہی ملا کرے قبض دی سخت شکایت معدیوں دفع ہووے صفرا بیہوش گھوٹ نہ ہے آزار شریت لبموں رنت نہار رتج معدے وج کرے فساد وٹ مروڑ رتج ونجاوے کرے مروڑہ پیش دفع طبع موافق ذرہ نہ ڈر رہے نہ معدے وج قصد دیہ توں اس نوں نال تاکہ
---	---

## بیان قبض دائمی

قبض شکم وج جیکر دائم	ہے دن رات برابر قائم
----------------------	----------------------

جادے مر  
جد معدے  
سبب یہو  
جھاڑہ سخت  
شال نال  
کھن گوک  
تازہ جگا  
سکینین  
ماہ الجین  
روغن بی  
عین دو  
شریت من  
سبب قبض  
کرتوں اس  
سبب یا ہو  
ہرے ریا  
دود پیٹ  
معدیوں سر  
جے ہو جاوے  
آدن بہت  
جھاڑش دارچہ

وجع شکم دے رہے کھلو  
 بہتیاں مرضاں ہوں ظہور  
 کر ڈی سخت ہوئے اس مرض  
 آدے بہت وچوں بد منگ  
 یا سٹریا ہو یا سودا  
 مصری تھوڑی جیہی ملا  
 خشک قبض نوں ہے اکیر  
 ترش چیزاں رکھ شامل نال  
 کہ توں چالی روزہ طیب  
 گو کے دودھ دے وجع ملا  
 دے کے گھوٹا قبض کش  
 کرے شتابی قبض کش  
 ہووے کرتوں خوب صحیح  
 جیہڑا دیوے رتخ نوں توڑ  
 قبض معدے وجع کرے فساد  
 ہووے بہت طبیعت زچ  
 رہے شکم وجع قبض کھلو  
 جی متلائے سرون گھار  
 لاغر ہوندے جان اندام  
 دارو اس دا کرو شتاب  
 معدیوں رتخ دی قبض اٹھاے

جادے مرض پُرانی ہو  
 جد معدے وجع پورے فتور  
 سبب بیوست جیکر قبض  
 جھاڑہ سخت نہایت خشک  
 شامل نال ہووے صفرا  
 مکھن گوکا خجر کھوا  
 تازہ گادہ بکری شیر  
 سکجین کر استعمال  
 باد الجین والی ترکیب  
 روغن بید انجیر پلا  
 ملین دو ترے چار کروا  
 شربت منت پلا سنا  
 سبب قبض دا جیکر ریح  
 کرتوں اس دوا دی توڑ  
 سبب یا ہووے بلغم باد  
 پھرے ریح شکم دے وجع  
 درد پیٹ وجع پیدا ہوا  
 معدیوں سرون چڑھے بخار  
 جے ہو جادے جھکھ طعام  
 آدن بہت ڈکار خراب  
 جمارش دار چینی جے کھاے

دی دیدار  
 ت کھروڑ  
 ت سول  
 ال یقین  
 س فقیر  
 بی ملا  
 ت شکایت  
 ت صفرا  
 ت ہے آزار  
 ت نہار  
 ت فساد  
 ت نجاوے  
 ت دفع  
 ت نہ ڈر  
 ت وجع قصو  
 ت نال تاکہ  
 ت بار قائم



حب چورن اس نت کھوا ہینے دے دج ہک دو بار	دیوے معدیوں قبض و نجا حب مہل اس دے درکار
--	---

### ملین گھوٹ

بنفشہ کاسنی سوئف سنا ہک ہک تولہ وزن دوا ڈنڈے دج گھوٹ گودا انبلس دا تازہ خیرے دے دج حل کرا ایہ دارد دو حصے کر	مغز تخم کدو دج پاء پنج تولے گلفند ملا مل پن دور کرو سب گھوٹ کرے تولے پنج اندازہ چھاننی دج گھت صاف کرا پیوے فحری وقت ظہر
---	--

### صفت شربت سنا

شربت کرد سنا تیار بہت مجرب ایہ دوائی کاسنی پھل گلاب سنا پا ہک پکا انبلی ہور دو سو دانہ آٹو سیاہ کر کے شربت وانگ تیار شربت ایہ بڑا اکیر	صفراوی مرضاں دے درکار دیوے مرضوں جھب رانی پنج پنج تولے وزن ملا بنفشہ گلے تولے دو مصری ترے پا کر ہمراہ تولے پنج پلاؤ نہاد تجربہ سائیں بخش فقیر
--	---

مرضاں کرے معدے دیاں دفع  
یرقان نرد نول دیوے نفع

حب چورن  
سرد آزا  
دار چینی  
ہنگ نمک  
عرق نہو  
بیر ہما  
دیوے رتر

جوارش  
دار چینی  
مرچاں گم  
راس  
گمناں خالہ  
ڈال مرتبہ  
درد معد  
دیوے معد

# صفت حب چورن

حب چورن نوں کرد تیار سرد آزار معدے سے سب دار چینی گھڑ مرچ سیاہ ہنگ نمک سو پھر دھ گھٹ عرق زیتو گھٹ کھل کرا بیر برابر ہنصوں حب دیوے ریح شکم دی توڑ	آوے قبض شکم درکار دور ہو جادون کھا دیاں سب پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ دارو تول تول ست دھٹے کونڈے دھ گھوٹا کھائے ریح آڑا دے جعب دارو اس سے جیہا نہ ہو
--	--

## جوارش دار چینی

جوارش دار چینی کرد تیار دار چینی سنڈھ پودنہ عود مرچاں گھٹاں مصطلک چھڑ راس ، بچ ، انیسوں پا گٹناں خالص ماکھیوں ڈال ڈال مرتبان دھ رکھ درد معدہ ریح بلغم باد دیوے معدیوں ریح اڑا	معدیوں ریح نوں کرے فرار دو دو تولے کر موجود لوتنگ ، الاچی ، سونف تکر ہک ہک تول وزن تول گٹ دوا بلا دھ تھال دیوے سرد آزار پرکھ شکموں نفخ کرے برباد درد پیڑ ریح رہے نہ کا
--	---

## بیان مرض قویج



مشکل مندی درد قولنج  
 جھاڑہ بول نہ ہرگز آئے  
 دفع شکم رودے قولون  
 ایہ حقیقی خاص قولنج  
 درد شکم دا کرے لاچار  
 جیکر اس دا گرم مزاج  
 گرم جلاب نہ نیڑے ڈھو  
 خشکی جیکر بہت اس ہوئے  
 ادھ پا پکا گھیو کر گرم  
 پچھول اس نوں دیہ تلمین  
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب  
 مغز کدو بادام سنا  
 ڈنڈے کوڑے دفع گھوٹا  
 گودا انبتاس دا تازہ  
 چار تولے دفع کھنڈ ملا  
 حقے اس دے کر کے ترے  
 گرم پانی دی کرد نطول  
 ایہ پکاری کرد ضرور  
 سیر بہک پانی گرم کرا  
 کٹر ائل تولے گھت پنج  
 جے ادھ سُدھ خاص فذائی

سخت عذاب پہنچائے سنج  
 سول نال روگی کر لادے  
 ہوئے سُدھ سخت تریون  
 دیوے بہت نہایت سنج  
 آوے کسے نہ وقت قرار  
 کر تول اس دا سرد علاج  
 دیہ تلمین اس نوں کو  
 روویں سُدھ بدھ کھلوٹ  
 پیوے شکم ہو جائے نرم  
 ہووے دفع قولنج لعین  
 دو دو تولے قدر حب  
 بہک بہک تول نال ملا  
 سخیہ کپڑ چھان کرا  
 ڈال چھٹانکی کر اندازہ  
 تولے دو گوکا گھیو پا  
 صبح پیشی دیگر پی لے  
 دیوے جب خلاصی سول  
 خشک قولنج ہوئے جب دور  
 تول صابن حل کرا  
 کر پکاری خشک قولنج  
 پاوے استھیں جب رمانی

تاز  
 آدھ  
 اش  
 دو  
 چالی  
 ہر

غیر  
 درم  
 سب  
 رنگ  
 خلط  
 با  
 درم  
 با  
 گرم  
 پچھو  
 شراب  
 شمش  
 جلد

نارہ گوکا دودھ پورا ادھ پاگھو گوکا دھج گھت اٹھویں داڑے دیہہ تلپین دوسے والا خشک قولنج چالی روز کر استعمال ہر ہفتہ ایہو دستور	کھنڈ تھوڑی جیسی دھج پا نت پلاڈ داڑے ست خیار شنبڑے نال یقین مڑ کے پھیر نہ دیوے ریج جادے چھوڑ قولنج خیال کر توں استعمال ضرور
---	---

### بیان قولنج غیر حقیقی

غیر حقیقی مرض قولنج درمی ماوے عرضی رتج سبب قولنج دا جیکر درم رنگ چہرہ اکھیں منہ لال خلط خون دے سب نشان باسلیق دا قصہ کرا درم اُتے جوکاں لگوا باسلیق دا قصہ ضرور گرم نہ ہرگز دیویں چیز بچوں اس نوں دیہہ تلپین شریت آو خاص عناب شمش چیزاں کر استعمال جلد اسہال ہون اس جاری	کس حکیم طبیب دھج تیج التوی ایہہ تیج کھج ہودے ادھ دھوی گرم سڑکن تلپی سخت کمال چہرے دھوں ہون عیان سبھی طرفوں دیر نہ دیوے اس نوں رب شفا ہک دو دفع نکال ضرور ایہو رکھیں یاد نیر سرد چیزاں دی نال یقین دیہہ ہرقت اس نوں گھت آب خیار شنبڑے شامل نال مردے دفع قولنج بیماری
--	---

سرخ  
بلوے  
تربون  
سرخ  
قرار  
دعلاج  
زوں کو  
دے  
نرم  
لعین  
صاب  
ل بلا  
کرا  
اندازہ  
پا  
نے  
شکل  
ب دور  
کرا  
قولنج  
رانی



دھنیاں پیک خوب گھوٹا صندل گھس دج عرق گلاب گل روغن سرکے دج ملا جیکر ورمی سخت قولنج اکثر تپ ہووے اس نال گرم یا سرد دوا جو کھاوے دیوے زور نہ ہر بلا مادہ تھوڑے کچھ نہ معدے فرج جاوے پھیل شکم وچ سارے قولنج درمی ایہہ خطرناک قولنج ایلاوس اس دا نام	ورم اُتے جھب کر دلا ورم اُتے کر لپ شتاب ورم گرم تے کر دلا دیوے بہت نہایت دج روگی بہت ہووے بد حال تے دے نال بکل سب جاوے ہوندا جاوے ورم زیادہ دیوے ورم اوپر نول کھج سول شکم دج ٹھاٹھال مارے کرے بیمار شتاب ہلاک جھب بیمار کرے قتل نام
---	---

### قولنج صفراوی

جے قولنج ہووے صفراوی جھاڑہ بول ہو جھاڑے قبض چہرہ اکھیں ہوون زرد سڑکن تر یہ تلخ گھبرا سخت تیز موزمی صفرا ہووے معدہ بہت گرفت پاوے معدے دج کمنہ کرے قولنج نہایت سول	یا مادہ سڑیا سوداوی تیز تر اتہ ہووے قبض بہت لاچار کرے اس درد نظر نشان آون صفرا جمع ہووے معدے دج جا کرڑہ خشک نہایت سخت جھاڑہ بول ہو جاوے بند اٹکے اندر پیٹ ڈنڈول
---	--

سببیں  
ترش  
ہر ہفتہ  
خیار  
جیکر عا  
مادہ خا  
چھٹانکی  
ہر ہفتہ  
بنفشہ  
دو دو  
ترنجبین  
شیرہ  
پیوے  
حتے اس  
جے خشکی  
بکری عمار  
صابن گر  
تیل مٹھا  
سبب  
آلوہ  
چھٹانکی

سنجیں دی تے کروا  
 ترش چیزاں اس بہت پلا  
 ہر ہفتہ یک تے تلئیں  
 خیار شبنر معجون کھوا  
 جیکر عادت ہوس تو لےج  
 مادہ خاص ہووے صفرا  
 چھٹانکی مکھن فخر کھوا  
 ہر ہفتہ دے کے تلئیں  
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب  
 دو دو تولے وزن تولا  
 ترنجبین تے املتاس  
 شیرہ کپڑے دھچ چھنا  
 پیوے ڈال روغن بادام  
 جتے اس دے ترے کروا  
 بے خشکی دا بہت سبب  
 بکری نکاں دا تازہ دودھ  
 صابن گرم پانی دچ گھول  
 نیل مٹھا گھت کر پکاری  
 سبب صفرا جیکر تو لےج  
 آلو انبلی ترش امار  
 چھٹانکی گودا املتاس  
 گرم پانی دے نال پلا  
 معدیوں قطع کرے صفرا  
 دیوے اس نوں نال یقین  
 دیوے سخت تو لےج دھجا  
 دورے نال پہنچا دے رنج  
 شامل نال ہووے سودا  
 مکیو دودھ گوکا شام پلا  
 خارج کرو مواد لعین  
 مغز کدو دھچ ڈال شتاب  
 ڈنڈے کونڈے دھچ گھوٹا  
 پنج پنج تولے کر کے قیاس  
 مغز خلوس مڑ حل کرا  
 یا گوکا گھیٹو ڈالو عام  
 ترے داری دن دھچ پلا  
 کر پکاری اس نوں جھب  
 نت پلا بے ہووے بھہ  
 چھ ست ماشے ہووے تول  
 اس دے جی نہیں کوئی کاری  
 دیوے سخت کے نوں رنج  
 شربت یمنوں دیہہ نہار  
 ادھ سیر دودھ دھچ کرے اس



ترے تو لے روغن بید انجیر  
دیویں اس وچ گلقتند ملا  
بنفشہ مغز کدو بادیاں  
پنج تو لے گلقتند ملا  
شیرہ اس دا کر کے صاف  
قوی کرنا ہے ہو منظور  
سنگترہ نبو اس بہت کھوا  
تو لے چار ارنڈ دا تیل  
دیویں یک دو دفعہ پلا  
آلو اسیلی ہے غلاب  
جیکر سخت ہووے اس سول  
کھٹی گوکی لسی پیوے  
مرتبہ بیموں دا ہے کھاے  
غلغل نبو دا آچار

ڈال پلا اس نول اکیر  
تو لے دو ترے چار تولا  
سنا ہر یک تولے آن  
ڈنڈے کوئلے گھت گھرا  
دیہہ تصور کرے رب موان  
انبلس ملاؤ ضرور  
معدیوں قطع کرے صفرا  
ادھ سیرگاسے دودھ دچ میل  
دیوے اس نول صحت خدا  
نقوش کر کے اس یو شتاب  
گرم پانی دی کرو نطول  
فضل خدا تھیں چنگا تھوے  
تو پنج صفراوی وور ہو جاے  
کھاوے بنت نہ رہے آزار

### بیان تو پنج ریاحی

جیکر سرد تو پنج ریاحی  
آکھن اس نول باد تو پنج  
پیٹ تمام نفخ کر جاوے  
ہووے قرقر رودیاں وچ  
جھاڑہ بول نہ آوے مول

کے شکم دے وچ تباہی  
دورے نال پہنچے رنج  
وانگوں ڈھول آوازہ آوے  
نفخ شکم نول دیوے رنج  
کھاٹھاں لہراں مائے سول

عرق  
پھر  
زیرہ  
تیل  
دیو  
معدی  
پود  
شور  
ساگ  
اجیر  
سند  
گھوٹ  
گوشہ  
شور  
سرکہ  
کرو  
بابون  
کھٹی  
یک  
کھٹ  
باد

عرق پودنہ سونف اجوین  
 پھرے جے رتج شکم دے منج  
 زیرہ سونف جوین کوٹا  
 تیل مٹھا گھت کرو ٹکور  
 دیو نیچار شنبہر معجون  
 معجون پودنہ ریت کھوا  
 پودنہ دار چینی اجوین  
 شورہ ترتر مرغ شیرا  
 ساگ ہاتھو دا جے نت کھادے  
 اجوین پودنہ زیرہ سیاہ  
 سنڈھ گھاں دچ دیویں گھت  
 گھوٹ منقے دتج ملا  
 گوشت ادرک ڈال پکا  
 شورہ پیوے سرکیاں نال  
 سرکہ نمک دی کرو ٹکور  
 کرد محلل جلد نطول  
 بالونہ اسی مینتی لیا  
 کٹی کے پانی دتج اباں  
 یک طرفہ روٹی لے پکوا  
 کھٹ سورنجاں سنڈھ جوین  
 باد تو لچ جے بہت پڑانا

میل شراب پلا دن رین  
 گلاس رمی دی جوین کھج  
 پوٹلی کپڑے منج بٹھا  
 جلدے رتج ٹھکانہ چھوڑ  
 ہووے دفع تو لچ زبون  
 درد نفع رتج رہے نہ کا  
 دیو انہاں داست دن رین  
 دیو مصالحہ ڈال گھنیرا  
 معدیوں یک دا تخم و نجاں  
 مصطکی دار چینی ہمراہ  
 ترے ترے ماشے داروشت  
 روگ نول ہر روز کھوا  
 گرم مصلح نال ملا  
 دفع تو لچ ہووے فی الحال  
 نفع رتج جاتے سب چھوڑ  
 ہووے دفع تو لچ سول  
 بنفشہ خطی نال ملا  
 کرے نطول روٹے دے نال  
 تیل مٹھا گھت کے بخوا  
 گھوٹ ضماد کرو دن رین  
 دتج شکم دے کرے ٹھکانا



نسخہ ایک رکھاں اکسیر کالی زیری تولے چار پودنہ ہنگ ترے اجوین رس کنوارہ دج بنھو جب ایک دو گویاں نت کھوا عرق پودنہ سولف اجوین باد قونج دست رتخ سول	بحرہ سائیں بخش فقیر زیرہ سیاہ تولہ مقدار ایک ایک تولہ ایہ پنج لین چنے برابر گویاں سب آٹوں ایہ ترے عرق پلا عرق ترے ایہ کافی ہیں سٹے پٹ انہاندی مول
---	---

### مجموع خیار شنبہ

بنا خیار شنبہ مجموع نفسہ چلے کے ادھ پا فجرے دیچی دے دج ڈال نل کپڑے دج صاف کیا کر کے چھاننی دج صفا گاہڑہ ہودے جدوں توام ستھوینیا رب السوس سنگا مصطکی نمک لاہوری ڈال تردی اٹھ تولے دج گھٹ وزن خوراک تولے رہے چار دست جلدوں ہودن اس جاری وزن تولہ جیکر نت کھاے	دفع قونج کرے ملقون رات پانی دج تر کردا دو ترے اس نون دیہا پایاں پا ایک انبلساں پا پا پا ماکھیوں کھنڈ رلا کھٹ میل ایہ دوا تمام سولف انیسوں نال پلا ایک ایک تولہ وزن سمبال بادام روغن وچہ تولے رشت ہر ہفتہ کھاے ایک بار زائل ہودے کل بیماری قبض شکم دی دور ہو جاے
--	--

کمر مع  
جیکر  
اجوین  
سولف  
دار چینی  
ہنگنا خا  
نو دس  
جس نو  
اس نو  
باضمہ

چٹنی  
کشمش  
پودنہ  
ہر  
نمک  
گھوٹ  
چٹنی

## معجون پلودینہ

کہ معجون پلودنہ تیسار  
 جیکر خاص قولنج ریاجی  
 اجوین پلودنہ زیرہ سیاہ  
 سولف، مصطکی، حاقرقعہ  
 دارچینی مگ مرغ سداب  
 گٹنا خالص باکھوں ڈال  
 نو دس ماشے وزن خوراک  
 جس نول ہوئے باد قولنج  
 اس نول تریٹ دکھائے نفع  
 باضمہ صعب سے کرے طعام  
 شکموں رتج نکالے مار  
 پائے استھوں جلدہ رائی  
 شندھ کرفس کرو ہمراہ  
 الاچی دانہ لے وچ پا  
 دو دو تولے قدر حساب  
 کٹ ۱۰۱ ملا وچ تھال  
 کرے پیٹ رتج دا چاک  
 دورے نال پہنچائے رتج  
 پیٹر سول رتج ہوئے دفع  
 معجون پلودینہ اس دانام

## نسخہ چٹنی

چٹنی میں ہک کراں بیان  
 کشمش اورک انہلی لے  
 پلودنہ زیرہ مرغ سیاہ  
 ہر ہک تولے دا مقدار  
 نمک لاہوری تولے دو  
 گھوٹ کونڈے پیالی وچ رکھ  
 چٹنی ایہہ بڑی مزے دار  
 ذائقہ عمدہ کرے دہان  
 پنج پنج تولے دارد ترے  
 الاچی دانہ کہ ہمراہ  
 قند پشادری تولے چار  
 سرکہ حسب ضرورت ہو  
 دقت ضرورت ذائقہ چکھ  
 پائے جلدی نال ڈکار



## معجون مسہلی

معجون مسہلی کر تیار مزور قبض شدہ رتج بنغم باد فالج، گنٹھیا، واؤنسیان تروی توئے چار سفید دار چینی سنڈھ جفضل بیا آملہ صاف کر کے وچ گھت آملہ چھل ہریڑن ڈال کٹ چھان دج شہد ملا وزن خوراک اس توئے دو دیویں نرم لطیف غذا جد اسہال ہو دن اس جاری	کرے شکم دیاں مرضاں دود درو شکم ہو سرد مواد رہے نہ جئے وج نشان ستونیا اصلی تولہ دید مصطکی مگ جلوتری پا مک یک تولہ داروشت پنج پنج توئے وزن سمہال ستویں دینہ یک وار رکھا دودھ گھٹ کر دمناسب جو خشک چیزاں پر ہیز کرا ہوئے بدنوں قطع بیماری
---	--

## بیان قویج عرضی

قویج عرضی دا کراں بیان دوم شانہ گردہ رتج گردہ جودوں دوم کر جائے سخت ہو دے گردے رتج سول سنگین دی تے کرا انبتاسا دی کر تلپین	ہو دے تال شراکت آن پیدا عرضی کرے قویج جھاڑہ بول نہ ہرگز آوے جھاڑہ بول نہ آوے مول دیوے اس نوں رب شفا ہو دے دھ قویج لعین
---	---

جیک  
گیو  
مالش  
تویج  
سکھ  
تازہ  
بنفش  
مغز  
شیر  
انبت  
چھان  
حصے  
کرو  
رتی  
قویج  
یا دو

کراں  
دودھ  
دیویں

گھیو دودھ کر استعمال  
 دیویں جھب قبضوں کھول  
 جاوے درم ٹھکانہ چھوڑ  
 مرضاں دھج عارض ہو جائے  
 گوکے دودھ دھج دیہہ ہک ار  
 گھیو کھنڈ اس دے دھج ملا  
 دو دو تولے میل شتاب  
 ڈنڈے کونڈے دھج گھوٹا  
 کپڑے دھج گھت صاف کرا  
 شیرے دے دھج دیویں کھول  
 کھنڈ ملا دھج تولے چار  
 فجر پیشی دیگر پی لے  
 ہودے دفع عارضی سول  
 درد گرے نوں ترے دنجائے  
 دیوے مالش نال ربائی  
 دیہہ جھولارے ادھر ادھر

جیک تاپ نہ ہودے نال  
 گھیو دودھ دا دیویں جھول  
 مالش پڑے کرو ٹھکور  
 توج عارضی ایہ نام سدا ہے  
 کسٹائل لے تولے چار  
 تازہ گوکا دودھ ملا  
 بنفشہ کاسنی پھل گلاب  
 مغز کدو دو تولے پاء  
 شیرہ اس دارے کٹھا  
 انبتاس پھٹانکی تول  
 چھاننی دھج کر صاف نتار  
 صحتے اس دے کرو ترے  
 کرو محل یب لٹول  
 رتی ترے برشعشا کھائے  
 قلعج جے کر ہودے التوائی  
 یا دونوں ہنٹھ قدم پکڑ

### بیان معجون سائین بخش

دیوے مرضاں یس دیاں توڑ  
 لسن اس تھیں گھت دیہاں  
 بذر البنج کرد ہمراہ

کراں بیان معجون ہک ہور  
 درد شکم جوڑاں دیاں پڑاں  
 الزیم پلودنہ زیرہ سیاہ



مک مرچاں سنڈھ ڈال شتاب  
ترے مائے افیون بلا  
دزن خوراک اس مائے شتاب  
ترپیچے مچھی دانگ بیمار  
درد پیٹ رتخ ہووے دفع

سقمونیا غقر قرحا سداب  
دو دو تولے سب دوا  
کٹ چھان ماکھوں دچ گھت  
درد رتخ جس کرے لاچار  
فوراً اس لوں دیوے نفع

### بیان ضعف جگر

اڈ جاوے چہرے دا نور  
ضعف طبیعت دے دچ آئے  
ہرگز کم نہ ہووے کار  
وقت چلن دے دم جڑو جائے  
دھڑکا دل دیوے تکلیف  
کرے جگر دے دچا بگاڑ  
ضعف بگر او تھوں ہو جائے  
لگے ضعف جگر ہو جا  
سرد ہوا جگر دچ دھاکے  
دارو اس دا کرد شتاب  
دیوے ضعف بدن نل جب  
اکھیں چہرہ رنگ دٹا دے  
شامل نال ہووے سودا  
کر توں اس دا سرد علان

ضعف جگر جد کرے ظہور  
رنگ سفید بگا ہو جائے  
دل نوں بہت پوس دھڑکا  
اٹھے جدول اندھالی آوے  
طاقت ہووے بہت ضعیف  
یا کوئی سخت تاپ دا ساڑ  
یا کوئی کچی مٹی کھاے  
یا گندی روڑی دی دا  
یا جد مڑ بکا بہتا آوے  
موزی مرض ایہ بہت خراب  
ضعف جگر جے تاپ سبب  
پہلاں زرد رنگ ہو جائے  
زور کرے موزی صفرا  
ہووے اس دا گرم مزاج

کاسی  
گودا  
نل  
ہر  
مکھ  
مکھ

آلو

بزدلی

بغنی

رنگ

چہرے

یا

پھرے

دیہ

کئی ہزار

ضعف

جگر

بہت

کچھ

اس نوں

دھ پا

<p>کاسنی بک چھٹانک گھوٹا          عودا ابلتاس داتانہ          کل کے چھاننی دج چھنا          ہر ہفتہ دیویں تنہیں          سنگھیں اُس رت پلا          آلو اہلی کردہ نقوع          بندری شربت بہت مفید          بقی ضعف جگر دا دید          رنگ اکھیں چہرہ بدلائے          چہرے دج دے ابھرن          یا مٹی بھس ہو جائے          پھر کے دل کر کے رفتار          دیہ اس نوں فغنوش معون          کئی ہزار دفعہ آرمایا</p>	<p>شیرہ کپڑے دج چھنا          ڈال چھٹانکی کر اندازہ          ترے واری دینہ دج پلا          قطع ہودے صفرا بعین          شیرہ کاسنی نال پلا          مصری ڈال رت کرد شروع          دیہ توں اُس نوں نال تاکیہ          رنگ ہو جائے بہت سفید          قوت بدن ضعف کھا جائے          نظر نہ آوے ہرگز خون          رنگ سفیدی دے دج آئے          ادھکا ہودے بہت بیمار          پیدا کرے بدن دج خون          ہرگز کدے خطا نہیں پایا</p>
--	---

### نسخہ آہن اکسیر

<p>ضعف جگر بہت پرانہ          بہے جسم دج عاقی ہو          نسخہ بک آہن اکسیر          اس نوں نے بنا ضرور          ادھ پا رگڑ لوہے دا بورہ</p>	<p>رہے بدن دج کل ٹھکانہ          فائدہ کرے دوانہ کو          بخوبی سائیں بخش فقیر          ہودے ضعف جگر دا دورہ          ادھ سیر پچا سرکہ پورہ</p>
--	--



دج سفید بوتل دے پا  
 بعد چلیوں شروع کرا  
 دو تول تر پھلا روز پوسا  
 یا ماریا ہو یا منور کھوا  
 یا لوہے دا رگڑ کھوا  
 یا دیویں آہن اکیر  
 کشتہ جے دیویں فولاد  
 وزن فولاد وا رتی ترے  
 ایہ نسخہ آزمودہ کار  
 نجث الحدید کر استعمال  
 دھڑکا ضعف ہوئے سب دود  
 ادھر ٹکا گوکا نال جے ہوئے  
 گھیر مٹھا گھت روئی ٹکھا  
 استعمال چالی دینہ کر  
 ضعف جگر جیکر یرقانی  
 جیکر ضعف سبب طحال  
 ضعف جگر جس مرض داعن  
 ضعف جگر دا کرد علاج

ہک چلیہ روز ملا  
 پانی تر پھلا نال ملا  
 اکیر آہن دج ڈال ملا  
 تر پھلا کٹ اس نال ملا  
 ماریا ہو یا کھن دج پا  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 پٹے ضعف دالی بنیاد  
 وزن لوہے دا ماشہ ہے  
 سائیں بخش کیتے کئی بار  
 رنگ بدن ہو جاوے لال  
 رہے نہ جتے دج قصور  
 فائدہ بہت نہایت تھیوے  
 گرم چیز دے راہ نہ جاوے  
 رہے نشان نہ ضعف جگر  
 پیلا رنگ اس خاص نشانی  
 کرد علاج اس دانی الحال  
 کرد دوا اس دا بالغرض  
 گرم سردی سمجھ مزاج

### بیان ورم جگر

ورم جگر جد پیدا ہوئے  
 طرف سجی ادہ مل کھلوئے

لازم تار  
 جے ہو ج  
 ہے ایہ  
 جیکر ما  
 رنگ بد  
 باسلیق  
 زرد خون  
 جیکر و  
 رنگ ہو ج  
 سوزش  
 ہضم غذا  
 نکل غذا  
 ہووے لا  
 توت بدن  
 ہووے انا  
 ہضم کدو  
 ہک  
 زردی  
 دوتو  
 جیکر ہووے  
 چہرہ

لازم تاپ رہے ہے نال  
 ہے ہر جاوے رومی مادہ  
 ہے ایسے دکھ بڑا ناپاک  
 جیکر مادہ دھوی درم  
 رنگ بدن دا ہوئے لال  
 باسلیق رگ کھول ضرور  
 زرد خون ہے نظری آ  
 جیکر درم ہووے صفراوی  
 رنگ ہو جاوے زرد سیاہ  
 سوزش تریہ تلخی گھبرا  
 ہضم غذا نہ ہووے مول  
 نکل غذا جاوے قے نال  
 ہووے لاغر بدن ضعیف  
 توت بدنوں گھٹ دی جائے  
 ہووے اندر خشک نہایت  
 ہنشتہ کدو مضر بادبان  
 ہر یک تول وزن دوا  
 زندے کو نڈے چپ گھوٹا  
 دو تولے شربت دینار  
 جیکر ہووے درم کینخت  
 گوگل چربی مٹھا تیل

کرے روگی دا مندا حال  
 ہوندی جاوے درم زیادہ  
 کرے روگی نول جلد ہلاک  
 ہووے بہت نہایت گرم  
 اکھیں چہرہ سرخ کمال  
 گندہ خون کرو سب دور  
 درم جگر تے جوکاں لا  
 یا مادہ سٹریا سوداوی  
 ضعف جگر ہووے ہمراہ  
 نظر نشان آدن صفرا  
 لازم رہے جگر وچ سبول  
 بعضیاں نول آدن اسہال  
 ہر دم ورد دیوے تکیف  
 دن دن کھانا تھوڑا کھائے  
 کرے قبض دی بہت شکایت  
 کاسنی نال ملاؤ آن  
 پنج تولے گلقد ملا  
 شیرہ کڈھ ہر روز ملا  
 پیوے نال ملا تھار  
 سرورہ بہت نہایت سخت  
 کرے گرم موم وچ بیل



نت لگاؤ کر کے گرم  
 طہریت نہ پلا دینا  
 عرق کاسنی عرق ککو  
 جیکر ہووے گرم مزاج  
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا  
 تخم کاسنی صندل بور  
 پانی سرکہ گھٹ گھوٹا  
 جیکر حاجت ہوں جلاب  
 سولف کاسنی خوب گھوٹا  
 تول تول وزن تول  
 ہک چھٹا کی انبتاس  
 چار تولے دج کھنڈ پلا  
 جسے اس سے کرے ترے  
 سہ گرم یا خشک مواد  
 جیکر تاپ نہ ہووے نال  
 ورم نال تب لازم ہو  
 سہ خشک یا ہووے گرم  
 بنفشہ مغز کدو بادام  
 جیکر تاپ نہ ہووے نال  
 پختوں اس نول سے تلہین  
 بنفشہ روغن مالش کر

سخت ورم ہو جائے زم  
 کرے جگر دی قطع ازار  
 شامل اس سے نال ہے ہو  
 ہرگز گرم نہ کریں علاج  
 مصری کھنڈی جیسی پلا  
 دھنیاں پھل گلاب کافور  
 ورم جگر تے کرے طلا  
 نرم ملین دیہو شتاب  
 مغز تخم کدو دج پا  
 پنج تولے گلقد پلا  
 کرو اضافہ بے دسواس  
 ترے واری دن دج پلا  
 صبح پیشی، دیگر لی لے  
 کرے جگر دے عرق لباد  
 ورم نہ ہرگز کریں خیال  
 سہ نال نہ ہرگز ہو  
 پہلاں کرو طبیعت نرم  
 گھٹ گلقد پلا و شام  
 گھیو دودھ صبح کر استعمال  
 ہر ہفتہ ہک نال یقین  
 نت داڑے ذرہ نہ ذرہ

<p>بلغم باد یا سرد ریاح          تاب نہ اس توں ہوئے مول          عرق سولف دا شہد ملا          گرم بزوری دیوے نفع          معجون کمونی رنت کھوا          جوارش دار چینی جے کھاے          جیکر کھنگ نہ ہوئے نال          کنبیں بزوری منگوا</p>	<p>پھرے جگر دے گرد نواح          رہے ہمیش جگر دے سول          کڈھ تازہ ہر روز پلا          کرے ریاح جگر دی دفع          دیوے جگر دی رت دنج          بلغم رت دا نم اٹھاے          ترش چیزاں کراستعمال          فجرے رت نہار پلا</p>
--	--

### شربت بزوری گرم

<p>بنا بزوری شربت گرم          کاسنی چھ تولے منگوا          نم کرنس تولے ترے گھت          چھ تولے جڑھ سونفاں لے          پلوئی تخم کشوت بنھا          دارو کٹ سب رات لوسا          کل پٹن کپڑے دے تمام          سرد آزار جگر دے کل</p>	<p>زائل کرے جگر دا درم          چھ تولے دے سونف ملا          چھل جڑھ کاسنی تولے مت          جڑھ کرنس گھت تولے ترے          ڈیڑھ تولے دا وزن تولا          فوج دیگی دے جوشا          ترے پاکھنڈ گھت کرو تمام          پیوے رت جاے جب کھل</p>
--	---

### شربت دینار

شربت کرد تیار دینار	جگری مرضاں دے درکار
---------------------	---------------------



ریوند تخم کثوث منگا ریوند نون درڑہ کردا چھل جڑہ کاسنی پھل گلاب ست ست تو لے وزن ٹولا فجرے دیگی دے دچ ڈال کل کے پن کے صاف کرا دو ترے تو لے نت ہلا پیلک سونف کاسنی داعر ماء الاصول پلاڈ ضرور	دو دو تو لے وزن ٹولا یوٹی تخم کثوث بنھا تخم کاسنی ڈال شتاب رات پانی دچ تر کردا دو ترے اس نون دیہہ ابال ترے پا مصری گھت پکا تازہ پانی ڈال ملا پیوے پیوے شتانی فرق کرے جگر دیاں مرضاں د
---	---

### ماء الاصول بزور

ماء الاصول بزور بنا تخم کاسنی سونف منگا جڑاں سونف کاسنی دچ گھت گلقتند میل تو لے دچ چار روگی نون ہر روز پلا جیکر ہودے سرد مزاج کرے چنگی طرح خیال نال عقل دے سمجھ و توف	دیوے مرضاں جگر دغا تخم کھکھڑی کھیرے دچ پا ہرک ہودن ماشے ست کاڑہ جوشاندہ کرو تیار دیوے سدہ جگر دغا کر توں اس دا گرم علاج کرنس جڑاں کرنس دچ ڈال کاسنی کرنس خیال موقوف
--	--

منقہ پنج تو لے دچ پا  
عوض گلقتند دچ شہد ملا

## سوء القنیہ

جدول جگڑ جگر وچ ہودے	رنگ زرد پیلا ہو جاے
ہتھان پیراں تے ابرہون	ہودے نظر نہ آوے خون
ضعف جگر تے وچہ نشان	چہرے وچوں ہون عیان
سوء القنیہ مرض دا نام	کس حکیم طیب تمام
ایہ پہلا درجہ استقا	لکھیا طبائ وچہ حکماء
تپ تے بعد جے ہوئے آن	تپ دا اوہ احتراق بچیان
ہے اوہ مرض مادہ بحرانی	لازم تپ اس خاص نشانی
سبب تاپ بحرانی ساڑ	دج جگر دے کرے جگڑ
ہے ایہ خاص حقیقی مرض	تپ تے بعد ہودے بانوٹ
ہودے اس دا گرم مزاج	کرنا جائز سرد علاج
نبض قارویوں لے بچیان	گرمی والے تب نشان
شریت خاص سرد بخوری	پیوے نت نہ سار ضروری
دیوہ شریت درد مدام	ہودے قطع آزاد تمام
جے پیوے شریت دیتار	ہودے دفع شتاب آزار
برہنئے دج یک تلمین	دیویں اُس نوں نال یقین
شریت افسنین پلا	عرق کاسنی سو ف بلا
ہمت کھلے سنگترے انار	کدھن باہر جگر دا ساڑ
لکھنچین سادہ بت پلا	شیرہ کاسنی نال ملا
بلغم خام یا سرد مواد	کرے جگر تے دج فساد



سوء القیئہ مرض ہو جائے  
 کدے قبض تے گدی مروڑا  
 وجہ منجم دے پوے تصور  
 لاغر بہت بدن ہو جائے  
 جادے مرض پرانی ہو  
 ہتھ پیر کر جادوں درم  
 بل جادے استسقاء نال  
 استسقا دا کرد علاج  
 منفع ماء الاصول دیہ گرم  
 گولیاں حب ایارج نال  
 عوض پانی دے عرق پلا  
 جیکر اس دا سرد مزاج  
 کھادے سرد نہ کوئی چیز  
 عرق سونف دا استعمال  
 ڈاجی دا پیوے دودھ تازہ  
 قسم اناج نہ ہرگز کھاوے  
 جیکر تاپ ہووے اس نال  
 سوء القیئہ جیکر مرض  
 درم طحال دا کرد علاج

رنگ اکھیں چہرہ بدلاوے  
 جھکھ بند تے کھاوے تھوڑا  
 بگڑے خواب والا دستور  
 ضعیف طبیعت دے وجہ آوے  
 رہے جسم دے وجہ کھلو  
 پولا جسم ہو جادے نرم  
 کرے روگی دا مذا حال  
 پہلاں منفع دیہ شتاب  
 جادے ہو طبیعت نرم  
 کرد صفائی بدن سہماں  
 تازہ سونف دا شہد ملا  
 اس دا ہے ایہ خوب علاج  
 اتنی رکھیں یاد بتیسز  
 پانی ترک کریں ہر حال  
 موافق قوت سمجھ اندازہ  
 سرد پانی دے راہ نہ جادے  
 کر کوزین دی استعمال  
 درم طحال دا ہووے عرض  
 تا ہووے تندرست مزاج

جیکر رنج دا ہووے زور  
 نکھان مجرب نسخہ ہووے

دا  
 عا  
 ہ  
 رس  
 کھا  
 پانی  
 بابونہ  
 کرے  
 اس  
 کر دوا  
 رات  
 ہر ہفتہ

پا ہلک  
 زردی  
 کالی چھ  
 جڑ جوش  
 کر کے

دار چینی گمہ مرغ سیاہ	پودنہ سنڈھ کردہ ہمراہ
ماقرقا تینوں اجوین	اصلی ہنگ برابر لین
ہک ہک تولہ وزن تولہ	سو نجر نمک تولے دد پا
رس کنوار دج بنھول حب	کھادے نفع دکھائے جھب
کھادے جانوراں دا ماس	گھت مصالحہ بے دسواس
پانی سرد نہ لستی پیوے	جب تک خوب نہ چنگا تھیوے
بابونہ روغن مالش کر	بنت دھاڑے ذرہ نہ ڈر
کرے ریاضت بہت علیل	تا مادہ ہودے تحلیل
اس دارو دی کرتوں لوڑ	جیہڑا ریح نوں دیوے تولہ
کڑوا چراستہ افسنطین	ترے ترے ماشے دارو تین
رات پانی دج تر کردا	فجر جوشاندہ کاہڑ پلا
ہر ہفتہ دیویں تلٹین	طبع موافق نال یقین

### شربت افسنطین مسہلی

پاک پکتا پھل گلاب	افسنطین چھٹانک شتاب
تروی غار یقون سفید	ہک ہک تولہ ڈالو دید
کالی چھڑ چھ ماشے پا	رات پانی دج رکھ پھرا
فجر جوش کر صاف کرا	ترے پا کھنڈ سفید ملا
کر کے شربت دانگ تیار	پیویں دونوں وقت نہا

عرق سونف دا نال ملا  
دیوے اس نوں رب شفا



## بیان استقا بیٹ

استقا یک سخت آزار  
 حدوں باہر پیٹ وودھ جاے  
 جگر وں موذی کرے مواد  
 پردیاں دج شکم گس جاے  
 مادہ فاسد کرے نزول  
 ہاضمے دج بگاڑ ہو جاے  
 استقا دے ترے اقسام  
 خاص لمی دی ایہ شناس  
 چہرہ شکم دوم کر جاے  
 جد انگل دی دیوے دب  
 جائے جُستہ پُھل تمام  
 طبل جیہڑا استقا  
 بہت شکم نوں دیوے کچ  
 تال انگل جد چوٹ چلاے  
 تئیاں جاوے شکم نہایت  
 زرق استقا خراب  
 خاص زرق دی ایہ نشانی

بہت نہایت کرے خوار  
 بہت انسان تکلیف پائے  
 دج شکم جا کرے فساد  
 سخت شکم نوں ضرر پہنچاے  
 پردے کرے صفات قبل  
 ضعف طبیعت دے دج آکے  
 لمی، طبل، زرق نام  
 ستھیں پیریں پوے آسار  
 دانگ خمیر بدن پُھل جاے  
 ٹوا پوے ورم تے جھب  
 ہندی دج سپمو دہر نام  
 دج شکم دے بھرے ہما  
 کم کتھو دھر ہندی دج  
 دانگوں ڈھوں آوازہ آکے  
 کرے قبض دی بہت شکایت  
 دانگ شک ہو جاے آب  
 دانگ مشک دے چھلکے پانی

ساجد استقا دا چار  
 قے، منہج، سہل اعداد

لمج  
 جب  
 بت  
 جیکر  
 پانی  
 غرض  
 ہے ایہ  
 شکوہ  
 نصف  
 استقا  
 جن  
 قسم انما  
 رسی شر  
 غرض پانی  
 عرق سوا  
 سائیں بخم  
 مجرب  
 کسے ریا  
 ہندی  
 شرت  
 عرق سوا

طبع موافق کر تلمیخیں  
 حب ریوند کر استعمال  
 بنت پلا ڈاچی دا بشیر  
 جیکر تاپ نہ ہووے تال  
 پانی آن نہ دیوے مول  
 عوض غذا پانی دے دودھ  
 ہے ایہ نسخہ بڑا لافانی  
 شکوں مادہ مرض نکال  
 نصف رقی کوئین پلا  
 استسقا جے خاص ریاجی  
 جن کتھو دھر استسقا  
 قسم المچ نہ ہرگز کھادے  
 لسی شربت مول نہ پیوے  
 عوض پانی جے سونف دا عرق  
 عرق سونف دا بہت پلا  
 سائیں بخش اُس نوں آزمایا  
 مجرب کل بابونہ تیل  
 کرے ریاضت دیندے رات  
 بندری شربت یا دیہ ورد  
 شربت افستہیں اکیر  
 عرق سونف دا تال ملا  
 ہر ہفتہ یک تال یقین  
 دیوے مادہ مرض نکال  
 لمبی نوں رڈٹھا اکیر  
 شیر شتر دا کر استعمال  
 پاوے تال اوہ صحت رنجیل  
 دیہ ہر روز جے ہووے بدھ  
 بخرہ حکمت دج یونانی  
 ہر ہفتہ بعد ملین تال  
 عرق سونف دا بنت پلا  
 کرے نہ ٹرکے ذرہ تباہی  
 دیوے شکوں تخم اکھا  
 سرد پانی دے راہ نہ جاوے  
 تال اوہ روگی چنگا تھیوے  
 پیوے پلوے شتباہی فرق  
 سرد چیزوں پرہیز کرا  
 ہرگز کدے خلا نہیں پایا  
 مل دج تک تھوڑا جیہا میل  
 استہیں بہت ہووے دکھات  
 طبع موافق گرم یا سرد  
 وچ آزمائش ایس فقیر  
 روگی نوں ہر روز پلا

خوار  
 پانی  
 فساد  
 پتھری  
 ماق قبل  
 دج آکے  
 قی نام  
 آس  
 بل جادے  
 جحب  
 دہر نام  
 ہرے ہما  
 دج  
 دواڑہ آئے  
 بہت شکایت  
 جادے آب  
 چھلکے پانی



جے پیوے شربت دینار  
 جیکر زتی استسقا  
 پانی نشتر نال نکال  
 حَب ریوندی کرو تیار  
 حاذق حکماواں آزمایا  
 کھائے ہر ہفتہ یک دار  
 ریوندہ گوگل، غاریقون  
 رب السوس سقمونیا گھت  
 تروی توے چار پلا  
 برابر مانہ دے دانے نال  
 کھاوے ہر ہفتہ یک دار  
 جیکر ہووے مرد جوان  
 لمبی بلفنی استسقا  
 دساں نسخہ ہووے آزمودہ  
 جادے مرض پرانی ہو  
 استسقا طبعی نول نفع  
 دار چینی مک مرچ سیاہ  
 کالی نیری سنڈھ اجوین  
 کٹ چھان کے داد سب  
 یک یک رتی دا مقدار  
 سونف منقہ بنت جوشا

جائے استسقاء آزار  
 کرے خراب کسے نول آ  
 کل کلاخ کر استعمال  
 استسقا دے ہے درکار  
 فائدہ بہت نہایت پایا  
 گویاں نو ماشے مقدار  
 ایارج فیقرا ہندی لون  
 یک یک تولہ داروست  
 عرق سونف دچ حَب بنا  
 گویاں بنھوں عقل سمہال  
 چھ ست ماشے دا مقدار  
 کھاوے نو ماشے بھر آن  
 دیوے جسموں تخم اٹھا  
 کامل حاذق دا فرمودہ  
 رہے جسم دے دچ کھلو  
 دیوے نفع کرے سب دفع  
 گوگل تخم کرفس ہمراہ  
 دارو وزن برابر بین  
 دچ منقہ بنھوں حَب  
 وزن روزانہ ماشے چار  
 پچھوں ماگوں ڈال پلا

ہر  
 کر  
 ش  
 نہ  
 دیو  
 پانی  
 رد  
 ہر  
 نکل  
 دچ  
 پہلے  
 سو  
 بین  
 پانی  
 سرکہ  
 دچ  
 گرم  
 است  
 کس  
 است  
 نسخہ

ہر ہفتہ یک کرد جلاب  
 کرے جیکر صفرا بگاڑ  
 شیرہ کا سنی دیوے نفع  
 نسخہ یک لکھاں ادرار  
 دیوے دم جگر نون سود  
 پانی مولی دا کٹھوا  
 ردگی نون ہر روز پلا  
 ہر ہفتہ یک قے کروا  
 نکل مادہ موزی سب جاے  
 دج جینے دو دو بار  
 پہلے ہفتے قے کروا  
 سوئے تخم مولی دے یا  
 مین چل ڈوڈہ یک ڈال  
 پانی ڈال پیالے ترے  
 سرکہ یک پختہ کی گھت  
 دج حلق دے کھنپ پھرا  
 گرم پانی دی کر اماد  
 استسقا سبب طحال  
 کہ مواد سودا کرخت  
 استسقا جین اس نام  
 نسخہ یک عجیب ہستہ آیا

جادے استسقا خراب  
 دیوے جگر دج دائم ساڑ  
 کرے بگاڑ جگر دا دفع  
 رہے نہ استسقا آزار  
 استسقا نون کرے نابود  
 شورہ تھوڑا جیہا ملا  
 دیوے اس نون رب شفا  
 قانوپہ دج لکھیا حکماء  
 مرض زمر کے شکل دکھاے  
 تے جلاب کراویں چار  
 دوجے دج جلاب دیوا  
 تور تور وزن تولا  
 کٹ سب پانی دج اوبال  
 ترے واری اس نون پی لے  
 میلو کھنڈ تولے دج سٹت  
 نال عقل دے قے کروا  
 ہووے خارج خوب مواد  
 جیکر کرے کسے بد حال  
 کرے شکمے پر دے سخت  
 کہن حکیم یونان تمام  
 بہت دفعہ میرا آزمایا



اس نون کرو تیار ضرور	کرے مرض جن سب دور
تیزاب گندھک منگوا	ماخے بیخ بوتل وچ پا
نوشتا در سوہاگر شورہ لے	تور تور داد ترے
ہک تور وچ ڈال کیس	ڈال بوتل وچ چائے پیس
ترے پا عرق لے کے بادیاں	بوتل وچ ملاؤ آن
تور تور رت پلاؤ	شیرہ کاسنی نال ملاؤ
پہلاں ایہ سفوف پھکا	ڈکھ جن دا رہے د کا
نغم کر بخورہ تولے دو	بد تولے ست ڈال مگھو
تور میل اورڈ کونین	ہک ماشہ کھائے دن رین
پچھوں اودہ دوا پلا	دفع کرے جن استقا
جن تے استقا ریاجی	نعل شکم تھیں ہون راہی
ڈاچی دا رت پیوے شیر	حق اس دے وچ ہے اکیر
بکریاں دا پیوے دودھ	تازہ رت جے ہودس بدھ
طبی جیکر استقا	دیوے قلع شکم نون آ
نسخہ کراں بیان لاثانی	تجربہ کیتا ہویا دہتالی
اودہ پاؤک دا دودھ چوا	آٹا کک اس وچ ملا
چوہارے ترے اس بچ رکھا	گور ہتھان نال بنا
جگ حکمت پھر اس نون کر	وچ تنور گرم لے دھر
جہ گولہ ہو جاوے لال	جلدی اس نون باہر نکال
چوہارے کونڈے وچ پیس	گولیاں اس دیاں بنھ کیس
ہک ہک گولی رت کھوا	عرق سونف دا نال بلا

کے  
نہ  
عمر  
کے  
نغم  
سب  
دار  
ستقا  
کٹ  
پانی  
مویا  
غرفہ  
نور  
ایہ  
است  
درم  
ہودہ  
توت  
نغم  
جیکر  
جیکر

ہک پائے روئی کنک پکا  
 نسخہ ایہہ آزمودہ کار  
 گوگل خالص بھینسیا آن  
 ہک دو ماشے بے نت کھاٹے  
 تخم کرفس تے زیری سیاہ  
 بلب صفرا یا بلغم شور  
 دارد دیہہ اس نون اورار  
 سفید زیرہ ریوند جو کھار  
 گٹ چھان کے کرد سفوف  
 پانی مولی کٹ کڈھا  
 مویاں اس نون بہت کھوا  
 فردہ کاسنی تخم خیار  
 نوشادر ریوند پیلک یا  
 ایہ نسخہ آزمودہ کار  
 استقنا مال بہے تاپ  
 درم جگر ہودے ہمراہ  
 ہودے خاص روئی ادہ ماڈ  
 قوت بہت بدن گھٹ جاتے  
 لازم تاپ اس رہے دما  
 جیکر مادہ سالم ہو  
 جیکر تاپ نہ ہوئے مال

تیل ریشا گھٹ شکم بٹھا  
 دو ترے ہوئے شفا بیمار  
 بھولے دھج کر بریان  
 طبل استقا و نجادے  
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا  
 استقا جے دیوے زور  
 کرے جگر دا دفع جگاڑ  
 شورہ وزن برابر چار  
 ترے ماشے کھا دن مال ہون  
 ادہ پا پکا نت پلا  
 مرچاں کایاں نمک لگا  
 ریشہ پیوے نت نہار  
 گھوٹ سر کے دچ یپ کرا  
 سائیں بخش کیتی کئی بار  
 مال اہل ادہ کرے ملاپ  
 کرے روگی دا حال تباہ  
 ہوندی جائے مرض زیادہ  
 رنج شکل چہرہ بدلائے  
 کرے جیانی ختم تمام  
 جائے مرض پڑانی ہو  
 مادہ سالم کریں خیال



جد کد اُس نون خیر ہو جائے طبل استسقا ریاحی عرق پودنہ سونف اجوین ہک رتی ہر روز کونین جھڑا لمبی استسقا گرم زرقی نون دیون لفع کل کلاخ تے شربت ورد	رحمت رب تھیں صحت پادے پادے عرقاں نال رانی ترے ایہ پنج پنج تو لے لیں کر کے حل پلاون رین حب ریوند جیہا نہیں دوا کرن بگاڑ جگر دا دفع ایہ مجرب نسخے سرد
--	---

### نسخہ استسقا زرقی مجربہ

چھل درخت شریہہ کچنال عوض پانی دے بت پلا تے جلاب شامل رکھ نال	پنج پنج تو لے کٹ ادبال عرق سونف دا نال پلا ناصلے نال کر استعمال
--	---

### نسخہ کل کلاخ سرد

کل کلاخ کر سرد تیار کاسنی اصل چھل گلاب رب انوس تے مغز خیار میل عصارہ فستقین زرد ہریڈال دی چھل گھت ماذریوں مدتر ڈال ترجیبیں کھنڈ انبتاس گول پانی دچ صاف کرا	زرقی گرم نہ رہے آزار نال ملٹھی میل شتاب ہر ہک دو تو لے مقدار تو لے ترے کر بہت مین وزن قدر اس تو لے ست کر کے تو لے پنج خیال میلو ایہ ترے بے دواس دیگی دے دچ گھت پکا
---	---

ماکھ  
چھ  
گرم  
سایہ  
ماذر  
سرکیو

شربت  
استسقا  
معدیول  
سرکے  
نجرے  
ادھ  
دو ترے

گھت من  
صاف  
اندر بہت  
صاف جگر

<p>ماکھوں دانگ پکے جد قوام چھ ست ماشے نت کھوا گرم زتی بے استسقا سائیں بخش اس نوں آزیایا ماذریوں مد تبر کر سریوں ہفتے بعد کڈھا</p>	<p>کٹ ملاڈ دوا تمام پچھوں شربت ورد پلا دیوے اس دی بیخ اٹھا بہت نہایت نفع اٹھایا ست روز سر کے دچہ دھر دھویکے دھتے رکھ سوکھا</p>
---	--

### شربت ورد

<p>شربت ورد بنا طیب استسقا نوں دیوے نفع معدیوں خارج کرے مواد سرہک پکا پھل گلاب نجرے دیگی دچ جوش اودھ سیر پکا مصری گھت دو ترے تو لے نت پلا</p>	<p>ہے ایہ نسخہ بڑا عجیب کرے شکم دیاں مضاں دفع دفع جگر دا کرے فساد رات پوسا رکھ اندر آب کل کے پن کے صاف کرا شربت دانگ پکا دیں پت عرق سوئے دا نال پلا</p>
---	---

### بیان ورم الطحال

<p>مخت مند اڈکھ ورم طحال دفع ہضم دے پوے فتور لاغر بہت بدن ہو جاوے ضعف جگر ہووے ہمراہ</p>	<p>حالت بہت کرے بد حال طاقت جسموں ہووے دور چہرہ زردی رنگ دھماوے کرے بدن دا رنگ تباہ</p>
--	---



چلے حرکت یا کرے کار  
 دن دن قوت گھٹ دی جاوے  
 جلدی اس دا کرو دوا  
 مویاں چار سبز منگوا  
 ٹولی چیر بھانڈے وچ ڈال  
 سفید زیرہ تے مرچ سیاہ  
 نمک گھوڑا جیہا وچ گھت  
 وزن پھٹا نمک ادھ پانت کھاوے  
 رائی سرکے وچ گھوڑا  
 بھلو ادر پر پوسے طحال  
 چار دفعہ کر ایہو کار  
 ساڑ گوا گھوڑا نت لگا  
 پنج توے بٹو دا ست  
 دو توے ہر روز یلا  
 ترے توے مصری چھ ڈال  
 سرک خالص مٹھا تیل  
 مکھن ادھ یا فوری کھاوے  
 کھر شو پانی گھت پیوے  
 کھر ادھ پا دا مقدار  
 ایہ بھی نسخہ دہستانی  
 سائیں بخش حکیم فقیر

دل نون بہت پوسے دھڑکا  
 روگی فکر کرے غم کھاوے  
 مت ہو جاوے استقا  
 دھو پانی وچ صاف کرا  
 سرکہ ادھ سیر میلو تال  
 دو دو توے کر ہمراہ  
 کھاوے روگی ہفتے ست  
 درم طحال دفع ہو جاوے  
 پلستر اوپر تلی لگا  
 کترو قینچی تال سمہال  
 یک مہینے وچ یک بار  
 دیوے جھیدے زخم چھوڑا  
 سرکے وچ بوتل گھت  
 بشیرہ کاسنی تال با  
 ترے ماہ نمک استعمال  
 طو تلی تے دونوں میل  
 کرڈے سخت طحال وچھاوے  
 پچ ماہ تیک تا چنگا تھوے  
 پیوے پانی فجر نتار  
 جگر کینا ہویا لانی  
 ایہ نسخہ مکھ اکیر

مرض  
 زرد  
 مرض  
 یرقان  
 ہود  
 اکو  
 فرہ  
 انار  
 چرا  
 زچھل  
 بھرے

چالی دا  
 ادھ پا  
 چار تولہ  
 رائیں پا  
 اک دن  
 ہر اسہال

## بیان مرض یرقان

مرض جلدوں ہووے یرقان زرد کارورہ زرد زبان مرض یرقان قسم ہے ترے یرقان جے ہووے ننگ سفید ہووے زرد چہرہ یرقان اکو انہلی ترشش انار خونہ کاسنی خوب گھوٹا انار دانہ آلمہ کشنیز چراستہ پا پڑا آفستین تر پھل تور، نال ملا خجے تل پن صاف کرا	سیلا رنگ ہووے انسان اکھیں چہرہ زرد دہان اصفر - اسود - ابیض ہے ابیض اس نوں اکھن دید ترش نقوع پلاؤ آن نقوع کر کے دیہ رت نہار وقت فجر دیہ مصری پا نقوع کر کے دیہ نال تمیز ہر راک ہوون ماشہ تین رات پانی دج رکھ پوسا مصری ڈال اس رت پلا
---	---

## نقوع ملین

چالی دانہ آلو سیاه ادھ پا پتھا پھل گلاب چار تور پھل ہرڈ کھا رائیں پانی دج پوسا اک دن دے دج دو ترے در جد اسہال اس ہوون جاری	ادھ پا انہلی کر ہراہ چھٹاکی کاسنی میل شتاب اک تور دج میل سنا خجے تل پن صاف کرا پیوے مصری ڈال نہار قطع ہووے یرقان بیماری
---	--



ہر ہفتہ ایہہ دیہہ تلین در ترے دفعے تے کراویں سکجین بزوری نہار	جاوے نس یرقان لعین فائدہ جلدی نال اٹھاویں پیوس رہے نہ ذرہ آزار
---	--

### بیان بوا سیر

بوا سیر ہک مرض زبون موہکے آگن سفرے دج ست قساں موہکیاں دیاں ہن نخل - تری - عنبی - تینی نخلی دانگوں بڑھ کھجور تری موہکا مثل چولے عنبی موہکے مثل انگور تینی موہکا مثل انجیر توٹی موہکے دانگ شہتوت ٹولول موہکے سمجھ مشال عمی موہکا بہت کرخت خون نہ اس توں آوے مول جد ہو جاوے گندہ خون سفرے نال چااون جنگ رہے شکم دج قبض مدام جے مدت تک ہے بیماری	موہکیاں وچول آوے خون کرن روگی نوں ڈاڈا نہج بہت حکیم سیانے کمن توٹی - ٹولول - عینی سخت قسم موہکا مشہور سفرے دج تراٹاں مائے پااون سفرے دج فتور چلے خون اس تھیں جیوں سیر لے دانگوں نرم جیوں سوت جیونکر دانے مرچ چرال طرف باہر دی کرڑہ سخت اوکھا ہووے بہت رنجول موہکے پیدا ہون زبون ضرباں سوزش مادن ڈنگ آوے کسی نہ وقت آرام پاوے سفرے وچہ خواری
---	--

دار

نسخہ

صدر

تیزار

ترے

دارچا

کرکے

کھرن

ذرہ

جد موہکا

ہک ہفتہ

بے دار

پھل

جد موہکا

جیس کن

گھوٹ

بے موہکیاں

مردہ

ہور دسا

سکجیاں

دارو اس دا کرد شتاب	مت زندگانی کرے خراب
نسخہ مجربہ سائیں بخش سنیا سی	
نسخہ بیان کراں عجیب صدری بصدری رُپا آیا تیزاب گندھک منگول ترے ماشے گھت سم الفا دار چکنا ورقہ ہر تان کر کے جمع بوتل دج گھت کھل دے وچہ خوب پہا ذره ہک دارو سرچو نال جد موکیاں تے دارو لاؤ ہک ہفتہ جے دارو لافے جے دیوے تکلیف دوا پُھل کے ہودن موہکے لال جد موہکے مردار ہو جاوَن ہیں کنڈی دے نال کھچا گھوٹ بھنگ مڑ پڑ بنھ جے موکیاں نوں زخم ہو جاوے رُودہ سنگ سفیدہ رال ہور دساں نسخہ اکسیر سنگیبا دھاگے نال لگا	قطع کرے موکیاں نوں جھب دج کتاباں کے نہ پایا ہک تولے دا مقدار تولا رِس کپور تولہ مقدار ترے ترے ماشے لے دج ڈال وچے رکھ دہاڑے ست شیشی دے دج رکھ ٹیکا موکیاں اُتے لا سمہال اوسے ویلے سیک دیواڈ جڑھاں تیک موہکے سب کھاوے پلٹس گھت پنیر بنھا اکھویں دسویں دیون کمال خود بوڈے ہو کے گر جاوَن قیچی نال اس نوں کترا ذرا زخم دا مہے نہ سنھ اس مرہم دے نال چھڑاوے نت لگا مکھن دے نال تجربہ سائیں بخش فقیر پانی تھوڑا جیہا ملا



اوہ دھاگا سوئی وچ ڈال دھاگے نوں ہر روز کھیا دھونی گوگل روز دیوا جے اُس نوں ہووے تکلیف سُکے موکے مردار ہو جاون گندھی گھٹ کچ سمہاں بچھوں نگدہ بھنگ بنھا تیزاب گندھک منگوا کچ مدت موکھیاں تے لافے گھيو دودھ بہتا کریں غذا موکے تے بھہ ریشم دی تار	میکے دھنہ سوئی دے نال جاوے سب موکھیاں نوں کھا دانے حمرل نال بلا پٹنٹس بنہ پنیر کشیف درد پیڑ پتہ ذرا مناوَن کٹ اس قینچی استرے نال دیوے بھدے زخم چھڑا زنک لوشن وچ حل کرا ایہ بھی موکھیاں نوں کھا جاوے خشک چیزوں پر ہیز کرا موکھ ہو جاوے مردار
--	---

### نسخہ بوا سیر

لے پک تول جت سڑا چھ چھ ماشے دا مقدار پانی دے وچ نرم کرا نت لگاؤ صبح تے شام	پھٹکڑی لون بار دت بلا میل کھل کر دارو چار مے اوپر کرے طلا خشک مے ہو گرں تمام
---	---

### نسخہ مجربہ بوا سیر سائین بخش

شورہ قلی کتہ سفید رسکپور، توتیا بیان	سڑیا جت بڑتال لے دید ہر یک تہے تہے ماشے آن
---	---

دس کنوار دچ حب بنا موہکے تے جد کریں طلا	لا بنت لب دے نال گھسا ہک ساعت تک سیک دیوا
--	--

### نسخہ بوا سیر

رسکپور - ورقہ ہر تال جست ساڑیا کتھ سفید تیزاب گندھک دچ ڈال ہفتے بعد اس کھری کرنا	توتیا شورہ دے دچ ڈال وزن برابر دارو دپید بوتل دے دچ رکھ سہال مرد بوتل دچ رکھ ریکا
---	--

### نسخہ بوا سیر

شورہ پھٹکری آملہ سار دودھ اک دے دچ ترکرنا پیہہ کے ڈبی دے دچ ڈال تھوڑا لب دے نال رملہ ترے ہفتے جے بنت لگا دن	توتیا وزن برابر چار چھاویں اس نوں رکھ سوکھا ریکھیں خوب حفاظت نال تخمیاں اوتے کرو طلا سب مسے گل کے جھڑ جادون
---	---

### نسخہ بوا سیر

جڑے ہوئے سب لے منگوا گڑے دچ گل حکمت کر مرد ہودے جھبے نکال تھوڑا لب دے نال گھسا	اُتے پیٹھ نوشادر پا دچ انگیتھی اک دے دھر پیہہ کے ڈبی دے دچ ڈال موہکیاں اُتے کرو طلا
---	--



## نسخہ بوا سیر

ماچو پھٹکڑی کچلے	گھس لب دے وچہ دارد ترے
موکیاں تے نت کرد طلا	دیوے فائدہ نرت دکھا

## نسخہ بوا سیر

رسکپور تے کتھ سفید	کر بریان طوطیا دید
وزن برابر ترے دوا	پیہ کے مکھن نال لگا
جد موکیاں تے دارد لاڈ	پچھل جلدی سیک دیواؤ
دو ترے ہفتے نت لگا دن	سب سے گل خشک ہو جاوے
جے دیوے تکلیف دوا	پریش گھت پیہر بنھا

## نسخہ بوا سیر

گداختہ کر کے جست شتاب	ڈال دیو اُتے سیماب
کر کے کھل ڈبی دین پا	لا نت لب دے نال گھسا

## نسخہ بوا سیر

توتیا پارہ پھٹکڑی سے	ترے ترے مائے دائد ترے
توتیا پارے نال طلا	نے توں اڈل کھل کرے
چھ مائے جست ساڑیا ڈال	سب دارد کر کھل کمال
تھوڑا لب دے نال گھسا	موکیاں تے نت کرد طلا

نیلا  
دو  
توتیا  
بھانڈ  
جد سفر  
کتھ مرد

کوکر چھٹ  
دائے ہر  
دھونی اس  
گل اس  
دھونی دی  
نار پست  
دھونی چھٹ  
دھونی کھل  
دھونی بھٹک

# نسخہ بوا سیر دہستانی

نیلا تھو تھا پھٹکڑی ساڑ دو سیر پکٹا کلر شور توتیا پھٹکڑی کر باریک بھانڈے مٹی بے دج بھر جد سفرے نوں زخم ہو جائے کتھ مردہ سنگ سفیدہ رال	ایک ایک نوے دا مقدار دیہ سیر پانی سے دج کھول اوس پانی دج میلو ٹھیک نت اس نال استنجا کر اس مرہم دے نال چھڑا دے نت لگا مکھن دے نال
--	---

## نسخہ دھونی بوا سیر

کرک چھڑی بوٹی لیس دانے ہر مل بھنگ ملا دھونی اس دی دیوے سود گوگل اس دے نال ملا دھونی دیہ پیرانا چم خارپشت جے دھونی دیویں دیہ دھونی چھل اک دی جڑھ دھونی کچلے دی اکیر دھونی بھنگ جوین خراسانی	اجوین خراسانی دج پاء گھوٹ سبھ یک جان کرا مورکے سب ہو جان تابود دھونی اس نوں نت دیوا زور متے داہورے کم بخٹے فیض متے نوں ادویں متے خنک ہو جادین جھٹ تجربہ سائیں بخش فیر دیہ متے ہو جادین ظلی
--	--

جے دانے حبل نال ملاویں  
زیادہ اس تھیں فیض اٹھاویں



## نسخہ خوراکي بوا سیر

آٹا تخم بکین کڈھا  
 کوکڑ چھڈی بونی پیوے  
 بوا سیر دا جیسکر خون  
 دساں نسخہ فائدہ مند  
 بناؤ اُس نوں نال وقوف  
 پا آٹا تخم بکین کڈھا  
 چاکسو ڈال ترے وچ چار  
 آب کوکڑ چھڈی کڈھوا  
 پت رخم دا پانی کڈھوا  
 مڑ پاپڑے دا پانی پا  
 یا رسوت چھٹاکی تول  
 میل وچ رسوت سفوف  
 چنے برابر جب بنا  
 ترے حب وقت فجر کھا  
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا  
 ایہ نسخہ کیتا آزمائشی  
 کوکڑ چھڈی رنت گھوٹا  
 کر کے صاف شیشی دچھت  
 بوا سیر نوں دیوے سود

چھ ست مائے رنت پھکا  
 فضل خدا تھیں چنگا قیوس  
 کرے نہایت خوار زبون  
 جلدی خون ہو جائے بند  
 کرے شکایت خون موٹوں  
 تیج توے کالی ہرڑ ملا  
 ٹھوٹ کونڈے وچ خوب سنوا  
 ترے دھ تر خشک کرا  
 اس وچ تر کر خشک کرا  
 تر کر کے مڑ خشک کرا  
 تھوڑے جیسے پانی وچ گھول  
 گولیاں بنھو نال وقوف  
 ترے ترے دونوں وقت کھوا  
 گھیو دودھ گو کے نال لٹھا  
 پچھوں دونوں وقت ملا  
 سائیں بخش حکیم شناسی  
 کپڑے وچ گھت صاف کرا  
 لا موکیاں تے پتے ست  
 سب مٹے ہو جان نابود

تر دیکھ  
 ہک د

نسخہ  
 ستیاں  
 آٹا دس  
 تیل مٹھا  
 مڑ کر صا  
 مائے ترے  
 نال انگل  
 کر استہ  
 اول مو  
 اول سفر  
 نال انگشت

بوا سیر ہک  
 ہک دیا

تروٹک بوٹی گھوٹ پلا	دیوے اس نوں فیض پہنچا
ہک دو کالی مرج منگا	نمک کھوڑا جیہا دسج پا

### نسخہ بو اسیر یونانی

نسخہ ایہ بڑا لاثانی	لکھیا اندر طب یونانی
ستیاں تے جیکرنت لادیں	فائدہ بہت نہایت پادیں
اٹھ دس بچھو لے پکڑا	ڈال شیشی تے وچ رکھا
تیل مٹھا ہٹ تو لے چار	دھپے رکھ چاہیں دھار
مڑ کر صاف شیشی وچ پا	ترے ماشے تو تیا پس ملا
ماشے ترے در قیا ہڑتال	پہیہ کے میلو آسے نال
نال انگل دے نت لگا	جاوے سب مٹیاں نوں کھا
کر استعمال مہینے تیک	موہکے سب گل جاوے ٹھیک
اول موہکے باہر نکال	پھیر دوا کر استعمال
اول سفرہ تر کردا	روغن انگل نال لگا
نال انگشت لگا دوا	موہکیاں اُتے کرد طلا

### بیان رنج البواسیر

بواسیر ہک قسم ریاحی	پادے سفرے وچ تباہی
پھرے ریاح رد دیاں تے دھچ	درد کرے روگی نوں رنج

شامل نال آون اسمہاں	کرن روگی دا مندا حال
---------------------	----------------------



## حَبْ مَجْرَبِ ریح البواسیر حَبْ جو گجراج

کواں بیان مجرب حَبْ گوگل بھیسیا دس مثقال منقہ گھیتہ وچ کمر بریان ترے ماشے افیون ملا سوا لکھ اس سٹ لگائیں کھپ کھپ حَبْ دد قتی کھائے گولیاں جو گجراج اس نام	ریح البواسیر دنجائے حَبْ منقہ نصف وزن دج مثقال دانے سب نکالو آن حمام دستے دے وچ کوٹا گولیاں ماشہ قدر بنائیں پانی دے گھٹ نال لنگھائے ریح شکم دے آون کام
---	--

### نسخہ ریح البواسیر

لکھاں مجرب ہور ددا گوگل بھیسیاں زیری سیاہ اجمین پودہ ہرٹاں رنگ وزن برابر سب ددا چھ ماشے پانی نال پھکا ایہ نسخہ آزمودہ کار	دیوے ریح البواسیر دنجائے زیرہ سیاہ کرد ہمراہ ستویں نال ملاؤ بھنگ گٹ کے سچھے جمع کرا بواسیر ریح دے نہ کا سائیں بخش کیتا کئی بار
--	---

### نسخہ ریح البواسیر اطر یفل مقل

اطر یفل مقل ڈٹھا اکیر ریح رودہ لون دیوے نفع	دور کرے دکھ ریح البواسیر در دیر ہون سب دفع
--	---

چھل بھیرہ ہرڑاں سیاہ	آٹہ نال کرد ہمراہ
چھل ہرڑاں زرد ملا	دو دو توے چار دوا
گوگل ہک چھٹاکی آن	گھیو گوکے دج کر بریان
کٹ پھٹاکی سب دوا	ماکیوں خالص دج ملا
وزن چھ ماشے نت کھڑے	عرق سونف دے نال لنگھا دے
رتج جے ہودے ٹھنڈی تر	عرق پودنہ شامل کر
جوشے ہودے باد انگیز	بالکل کر اس تھیں پدہ ہیز

### بیان کا پچ نکلتا ✓

ماحت وقت جے کے بیمار	نکلتے کا پچ اُس باہر دار
ماسکہ قوت کم ہو جاوے	سُفرہ سارا باہر آوے
ہودے بہت طبیعت زنج	وقت حاجت دے لگے بھیج
اکثر نیچے بال نادان	ہودن اس دکھ نال حیران
لکھاں دوا ہک خاندہ مند	جس نوں کرن حکیم پسند
شاہ ارزانی دا فرمودہ	بہت بیماراں تے آزمودہ
سُرمہ ماجو پھل انار	پھٹکڑی نال ملاؤ ساڑ
چارے دارو کر بابیک	مثل خبار ہو جادون ٹھیک
گل روغن دے دج ملا	سُفرے اُتے رنت لگا
پانی دج جوشا نیپال	آدست کر اُس دے نال
پورانہ چمڑا لے سڑوا	چھڑک کا پچ گل روغن لا
ہور دساں ہک عجب دوا	کتر دے پت گھوٹ بنھا



## بیان پھوڑہ بھگندر

پھوڑہ ہک بھگندر نام  
 کہن حکیم اس قرعہ ناسور  
 ریم ہے نہت اس تھیں جاری  
 ہے ایہ مشکل سخت آزار  
 موذی قرعہ بڑا بد بخت  
 جاوے زخم پُرانہ ہو  
 بہت حکیم علاج کماون  
 قرعہ نہ اس نوں کرے قبول  
 نسخہ ہک لکھاں اکیر  
 بزرگ شناسی توں تہہ آیا  
 بھگندر پھوڑا قرعہ ناسور  
 سم گدوں دا تولے دو  
 تولہ بڑی گال دی ساڑ  
 گوشت خورہ مردہ سنگ  
 رسیپور ترے اشے گھت  
 تیل مٹھا ادھ پا مقدار  
 آگ تھیں لاء کے ہیٹھ رکھا  
 کر کے موم وانگ تیار  
 ہاکی مال آلودہ کر

رکھے سفرے پاس مقام  
 پاوے سفرے وچ فتور  
 ادا کھاوے بہت آزاری  
 بہت دیر تک کرے خواہ  
 دیوے دکھ نہایت سخت  
 کئی سالوں تک رہے کھلو  
 کر کر کے ہو جادون عاجز  
 رہے ہر دم سفرے وچ سول  
 بہت مجرب بے نظیر  
 کئی دفعہ اس نوں آزمایا  
 ہو جادون سب اس توں دوا  
 گل حکمت کر ساڑیا ہو  
 ماشے ترے ملاؤ بھنگار  
 ترے ترے ماشے میل سنگ  
 ہک سپ دی گنج داندست  
 سپ گنج نوں اُسے وچ ساڑ  
 پیہ کے دارو سب ملا  
 پھوڑا لادون وچ ہک بار  
 قرعہ ناسور اُسے رات دھر

دن

جد

جد

پھوڑ

مردہ

ترے

سب

ایہ

روغن

سم گدو

رسیپور

رال

نیلا

لے

دن

ایہ

نارنج

<p>دھڑے دھڑے ہک بار لگا دے          بد کندہ گوشت کھا جا دے          جدوں قرح ہو جائے صاف          پچھوں مرہم ایہہ لگا          مُردہ سنگ، موم کتھ رال          ترے تولے گوکا گھیو لیا          سب دارو پیہہ دھج ملا          ایہہ مرہم مدت تیک کما دے          روغن سم خرے نکال</p>	<p>اکھویں پہر پچھوں بد لا دے          ایہہ مرہم نہ پھیر لگا دے          کرے قصور خدا دند معاف          دیوے جھبے زخم چھڑا          چارے چائے چھ چھلشنے ڈال          گھت کر چھی دھج موم رلا          ایہہ مرہم اس نت لگا          گوشت تازہ نواں اگلے          بھگندرتے کر استعمال</p>
---	---

### نسخہ تجربہ بھگندرو ناسور و گھنیر

<p>سم گدوں دا تولے چار          رسکیور - شنگرف - سیماں          رال مُردا سنگ موم سفید          نیلا تھوٹھا کر بریان          لے دس تولے مٹھا تیل          دن دے دھج ہک بار لگا          ایہہ ہے نسخہ بہت اکیر</p>	<p>گل حکمت کر اس نوں ساڑ          ہک ہک تولہ میل شتاب          برابر وزن داخل کر دید          مافٹے ترے ملاؤ آن          بنا مرہم وارو سب میل          اکھویں پہر پچھوں بد لا          تجربہ سائیں بخش فقیر</p>
--	---

### بیان خارش شفرہ

خارش جیکر شفرے دھج	ہودے کے نہایت نفع
--------------------	-------------------



اس دا کرد معلوم سبب	موافق مرض معالجہ موجب
سبب کرم جے خارش ہووے	ناخن نال دیر نول کھووسے
کرم شکم دا کرد علاج	حکماواں دا جویں رواج
سبب جے ہووے گندہ خون	نال جوکاں کدھ خون زبون
خون جے ہووے بہت زیادہ	نصف نال کر خالص مادہ
جے ہووے مادہ صفرا	سوزش بہت کرے گھبرا
سنگی رومی جوکاں لا	مادہ موذی دفع کرا
گل روغن سرکے دھج ملا	سُفرے تے مالش کروا

### بیان ورم سُفرہ

جے سُفرے نول ہووے ورم	مادہ دموی ہووے گرم
باسلیق دا نصفہ کرا	ورم موذی تے جوکاں لا
جے صفرا دی ہووے مادہ	سُفرے دھج زیادہ
سفیدی اندا مُرخ لے آ	گل روغن دھج میل لگا
مشک کاذور تھوڑا جیہا ڈال	کر سُفرے تے استحال
در دجے ہووے شدت نال	انیم تھوڑی جیسی دھج ڈال
دھنیاں کاسنی پیگ لے	وزن برابر دارو ترے
گھوٹ پانی دھج لیپ کرا	دیوے سڑکن نرت دنجا
جیکر ہووے ورم زیادہ	بلغم خون مرکب مادہ
پش پنج ست روز لگا	بنھوں پلش خوب بکا
جد بن جادے مادہ ریم	چیرو نفتر نال حکیم

یا  
جد  
سبب  
محل  
کالی  
بابون  
میل

قرم  
ویم  
ناسور  
یا کوئی  
ماجو  
گورے

درد گرو  
سبب در  
کس سبب  
رنگ یا

یا اس تے اودہ دارو لا جدوں دم ہو جائے جاری سبب ورم دا جیکر رتج محلل اس تے کرد ضماد کالی زیری سر کے نال بابونہ اسی میتھی لیا میل پانی مڑ کر کے گرم	دیکے جیہڑا زخم بنا ہو دے زائل کل بیماری کر توں اس توں خوب صیغ ہو دے جلد تھیل مواد گھوٹ لپ کر استعمال ڈنڈے کونڈے گھت گھوٹا پٹہ پنھوں اوپر ورم
---	--

### بیان قرعہ سفرہ یعنی نواسیر

قرعہ جے سفرے دتج ہو ویم رہے نت اس تھیں جاری ناسور سفرے تھیں آئے ریم یا کوئی شخص موکے کٹوادے ماجو مائیں پھل انار گر کے کھن نال ملا	بہت دیر تک رہے کھلو ادکھا ہو دے بہت آزاری نواسیر اس گھن حکیم اس سبب ناسور ہو جائے پھٹکڑی نال ملاؤ ساڑ زخم قرعہ تے رت لگا
--	---

### بیان درد گردہ

درد گردہ جد پیدا ہو دے سبب درد دا کرد شناس کس سببوں ہو یا درد رتج یا ورم یا کنکر ہو	دوگی ڈھائیں مارے رو دے نال علامت کر کے قیاس گرم طبیعت ہے یا سرد گردے دے دتج رہے کھلو
--	---



کابو غرض ، تخم خیار  
 بذر البنج تور دج پاء  
 ہمراہ شربت پوست خشکاش  
 سبب درد دا جیکر درم  
 گرمی خشکی پادے زور  
 درد گردے داکرے لاپار  
 ہودے قبض نہایت سخت  
 جھاڑا بول نہ آوے بول  
 نظر بے آوے غلبہ خون  
 جھندے باہلیق رگ چھٹ  
 ظاہر درم بے نظری آ  
 جیکر تاب نہ ہوئے نال  
 بنفشہ خطمی خوب گھوٹا  
 آٹا دج جواں دا ڈال  
 گرم پانی دے کرے نطول  
 عرق سونف یا عرق گلاب  
 دس تولے خالص گافند  
 پنج تولے ترنجبین ملا  
 جھٹائی گودا انہتاس  
 تور ڈال روغن بادام  
 حصے اس دے تے چاکر

پنج پنج تولے دا مقدار  
 ماشہ یک انیم ملا  
 چھ ماشہ دیہ بے دسواس  
 مادہ تیز نہایت گرم  
 دیوے گردے دج مردہ  
 ترپے مچھی دانگ بیمار  
 گردہ جادے ہو کرخت  
 ادکھا ہووے بہت رنجول  
 کھول نصد کڈھ خون زبون  
 مابض صابن دی رت کڈھ  
 پشت کرتے جواں ملا  
 گھٹو دودھ بہت کر استعمال  
 پیلیک دھنیاں نال ملا  
 کر گردے تلیپ سہال  
 اوپر گردے درم نطول  
 ڈیرٹھ یک یا منگواشتاب  
 مل عرق دج کر د پیوند  
 کپڑے دج گھت صاف کرا  
 حل کر اس دج نال قیاس  
 فاصلے نال پلاؤ تمام  
 فخر پلا پیشی دیگر

جدا سہال ہوون اس جاری  
 ہو رہی ہو ٹوٹکے بہت عجیب  
 کسٹرائل لے تو لے چار  
 یاد یہ عرق سونف وچ گھول  
 آتش جواں دی منت پلا  
 جے گردے وچ ہووے رتخ  
 مادہ اس دا ہووے سرد  
 ہرگز ذرا آرام نہ آوے  
 رتخ گردے وچ مائے ڈنگ  
 مجرب کراں بیان دوا  
 ڈیڑھ چھٹ تک شراب منگا  
 دو ترے دفعہ پلا گھٹ گھٹ  
 رتخ گردے نوں کرے خواب  
 محل اوپر کرد ضمد  
 بابونہ میٹھی اسی گھت  
 گھوٹ پانی وچ گرم کرا  
 جیکر دیویں کھچ گلاس  
 سہنج تو لے زیرہ سیاہ  
 ترے داری سرکے وچ تر  
 مڑا اُس نوں کر کے بریان  
 دار چینی مگ مریج سیاہ

جلے قبض کھل ہک واری  
 دیوے نفع قبض نوں جھب  
 دودھ وچ گھول پیوے پیار  
 دیوے جھب قبض نوں گھول  
 روغن نال بادام ملا  
 کرد علامتاں نال صحیح  
 رتخ کرے گردے وچ درد  
 درد نال روگی کرلاوے  
 ہووے سخت آزاری تنگ  
 دیوے فوراً رتخ اڑا  
 عرق بوندہ سونف ملا  
 جڑاں رتخ دیاں پئے سٹ  
 اس دا خاص دوا شراب  
 ہووے رتخ دا دور فساد  
 ایلوا کٹھ سوئے تلست  
 تیل مٹھا گھت پیپ کرا  
 کرے درد رتخ دا ناس  
 پنج کلونجی کر ہمراہ  
 کر کے خشک مڑا اُس نوں کر  
 ماکھوں وچ ملاؤ آن  
 سندھ ہر اک تول ہمراہ



<p>زیر گم اس دج ملا مرچاں پودنہ سونف اجوین جو گراج بھی خوب دوا جے دکھ بہت پرانا ہو شدت پکڑے دور سے نال دستاں میں ہک نشہ ہو دار چینی گم مرچ سیاہ خونچاں انگل بابونہ گھت کر میحون ماکھوں وچہ ڈال جانورال دا کھائے ماس</p>	<p>چھ ماشے ہر روز کھوا پلا پچھوں اس نول دن رین دیوے رتج دی بیخ اٹھا رتج گرتے دج رہے کھلو حالت بہت کرے بد حال دیوے درد رتج دا توڑ پودنہ سنڈھ کرد ہمراہ وزن برابر دارو ست کرد ہمیشہ استعمال ڈال مصالح بے دوساس</p>
---	--

### نسخہ ریح شکن گردہ

<p>گم مرچاں سنڈھ لے شتاب دار چینی تے زیرہ سیاہ دو دو تولے دا مقدار چھ ماشے دا وزن پھکا بکھڑا کاسنی تخم خیار</p>	<p>پودنہ میل کرفس شتاب دیسی اجوین کرد ہمراہ گٹ پھان پھکی کر تیار سونف ملٹی کاہڑ پلا ہر ہک چھ ماشے مقدار</p>
---	---

### بیان مرض سنگریزہ

<p>سبب ریت یا کنکر روڑ ریت سرخ آدے یا زرد</p>	<p>ہووے گرتے دج مرد سخت ہووے گرتے وچہ درد</p>
---	---

کے  
ہے  
ش  
ک  
جا  
و  
را  
پ  
ک  
گ  
ج  
با  
ج  
ک  
س  
ش  
ج  
ج  
ا  
م  
ج  
ک  
ک

کنکر نکلے کدے کدائیں  
 آوے دورے نال آزار  
 ثقل گرانی گردے دج  
 شدت کرے جے درد نہایت  
 کسٹ اُل لے تولے چار  
 چار تولے دج کھنڈ ملا  
 وقت درد جے تے کرادیں  
 رائی مٹی بیج منگوا  
 پیالے ترے پانی دچ ڈال  
 یک چھٹائی کھنڈ ملا  
 گرم پانی دی کر امداد  
 جے اس ہودے سرد مزاج  
 بابونہ میسقی سوئے جوشا  
 جیکر بہت اس گرم مزاج  
 کاسنی خرفہ بکھڑا بیا  
 شیرہ پانی گھت کڈھا  
 چھ ماشے سنگ یہود پھکا  
 جد اُس نوں ہودے ادرار  
 مٹیاں دے پت خوب گھوما  
 جو کھار قدرے دچ گھت  
 کھاوے نت سجون یہود

روگی رووے مارے ڈھائیں  
 بہت دیر تک کرے خوار  
 ہودے کرے نہایت زنج  
 کرے قبض دی بہت شکایت  
 دودھ گوکا سیر یک مقدار  
 پیوسے ہودے قبض کشا  
 بہت نہایت فائدہ پاویں  
 تولہ تولہ کٹ جوشا  
 چار تولے سرکہ گھت نال  
 ترے پیالے ترے وار پلا  
 خارج کرے تمام مواد  
 اس دا ہے ایہ بڑا علاج  
 اوپر درد نطول کرا  
 کر توں اُس دا سرد علاج  
 چھ چھ ماشے وزن تولا  
 ترے ماشے شورہ نال ملا  
 پچھوں ایہ دوا پلا  
 کنکر کنکرے باہر وار  
 قلمی شورہ نال ملا  
 نت پلا دھاڑے نت  
 کنکرے ریت کرے نابود



<p>سونف لمٹھی کاسنی لیا چھ چھ ماشے سب دوا ترے ماشے سنگ یہود پھکا ہے اس خشکی غالب ہو کاسنی زیرہ سونف منگا ڈنڈے کونڈے وچہ کوٹا مصری کچھ قدرے وچہ ڈال بھٹیر جانوراں دا ماس گوشت پانی وچ پکا زیرہ نمک تھوڑا جیہا ڈال شورہ سنگ یہود جو کھار پنج چھ ماشے وزن پھکا جو کھار سوہاگ قلمی شورہ چارے وزن برابر لیا سنگ زیرہ کنکر پتھر روڑ معجون عقرب جیکر کوئی کھلے</p>	<p>تخم کھیرہ غریبوزہ لیا پیوے اس نوں ریت جوشا پچھوں اس نوں کاہڑ پلا گھٹیو دودھ جیہا دوا نہیں کو تخم بھکھڑا نال رطاب شیرہ کڈھ کے صاف کرا کرو ہمیشہ استعمال کنکر ریت کرے سب ناس گھٹیو گوکا دافر وچہ پا کر کچھ مدت استعمال کلنٹھی وزن برابر چار پچھوں زیرہ سونف پھکا کرن پتھر نوں جوہرہ بھورہ پچی سنی نال پھکا مٹانیوں گریوں کڈھن توڑ کنکر پتھر روڑ و نجاوے</p>
---	--

### معجون عقرب

<p>معجون عقرب ہے عجب دوا کر ریت اس نوں استعمال پکھاں بیدگ مرچاں لے</p>	<p>دیوے کنکر ریت اوڑا دیوے کنکر ریت نکال چھ چھ ماشے دارو ترے</p>
--	--

ساڑ اکھوئیں تولے چار سُنڈھ ترے ماشے دچہ پا کھادے چھ ریتی مقدار سولف کاسنی تخم خیار انیسوں تخم خربوزہ کھت رات پوسائیکے فجر ادبال چار تولے گوکا گھیٹو پاء	کاکج دو تولے مقدار ماکھوں دچہ معجون بنا پیوے نال جوشاندہ کاہر ہر ہک تولے دا مقدار کلمھی ہر ہک شے ست مل پن کے دچہ مصری ڈال پچھوں اس نول تری پلا
---	--

### معجون حجر الیہود

کرو تیار معجون یہود پاپک سنگ یہود منگا مغز تخم کھکھڑی دچہ ڈال کاکج دچہ کلمھی پاء کٹ چھان دچہ شہد پلا کاسنی بھکھڑا تخم خیار کئی دفعہ اس نول آزمایا جیکر پتھر بہت کرخت نے جا اس نول ہسپتال	ریت کنکرنوں کرے نابود کھل دے دچہ خوب پسا مغز تخم خربوزہ نال دو دو تولے سب دوا چھ ست ماشے نت کھوا پلا پچھوں ہودے ادرا بہت نہایت نفع اٹھایا کرڑہ بہت نہایت سخت کڈھن باہر آسانی نال
--	--

### ورم گردہ و مثانہ

شانے یا گردے دچہ درم	ہودے سوچ یا پھوڑہ گرم
----------------------	-----------------------



کرڑہ سخت ہووے تپ نال	نریاں درد کرے بد حال
جھاڑہ بول نہ آوے مول	ڈاڈا ہووے تنگ رنجول
جے ادہ ہووے ردی مادہ	ہوندی جادے مرض زیادہ
دیوے کسے نہ وقت آرام	کرے روگی دی عمر تمام
جیکر ہووے مادہ سالم	نال عقل دے کرتوں معلم
زنگ ورم جے ہووے لال	دموی مادہ کریں خیال
باسلیق یا صافن چھٹ	جوکاں نال گندہ لہو کڈھ
جے صفراوی ہووے مادہ	ہووے سوزش درد زیادہ
ملین و بھلتاس کرا	عرق سونف لے دج رطل
ترنجبین پنج توے گھت	مل گلفند توے دج ست
محل لیب اٹے کر ورم	گل و دغن دج کرے گرم
جیکر تاپ نہ ہرگز ہو	گھٹو دودھ جیہا دوانیں کو
بابونہ اسی مہتھی لیا	آما دج جواں دا پا
پانی گھت کونڈے گھٹوا	میل روغن گل لیب کرا
جیکر قبض طبیعت ہو	دیہہ ملین اس نوں کو
کسٹراکل لے توے چار	عرق سونف پا یک مقدار
گھٹ تھوڑی جیہی میل پلا	ہووے اس دی قبض کشا
جیکر سرد سوداوی ورم	کر استعمال دوا تر گرم
ماش تیل نطول مکور	تہیں کوئی مثل انہادی ہو
جیکر درد نہایت ہووے	روگی ہنجوں بھر بھر دے
ایہہ دوا اس کرو طلا	دیوے فوراً درد اڈا

کاہو کیسر گوند افیم جیکر درم پیپ کر جادے نال نشتر دے اس نون چیر لعاب بنفشہ نیلوفر مصری تھوڑی جیہی ملا لعاب بہیدانہ اسبغول لعاب تخم خطمی بے پیوے فرزہ کاسنی گھوٹ پلا	سفیدی مرغ ملا حکیم طرف باہر دی نظری آوے خارج کرد مواد شہریر ریشہ خطمی شامل کر روگی نون ہر روز پلا نت پلا مصری وچہ گھول حکم خدا تھیں چنگا تھیوے دھنیاں کاہو نال ملا
--	---

### بیان قروح گردہ و مشانہ

جیکر درم پیپ کر جادے جاری اس تھیں ہودے ریم ریم آفے دل نال پیشاب نال عقل دے کرد علاج جیکر مادہ دسوی ہو جیکر ہودے حاجت آ بے گرمی دی کرے شکایت ملین دیہہ اس انبلا س مشانے یا گردے وچہ ہودے ترنجبین خالص کھلند پھر اس نون دیویں ادوار	بہت گندہ ہوئی کے پھٹ جاتے آکھن اس نون قروح حکیم ہودے سوزش درد عذاب کر دریافت طبع مزاج باہجہ قصد نہیں دارو کو جو کال اس تے تریز لگا ہودے سرکن درد نہایت عرق سونف گھت نال قیاس وقت بول دے روگی ہودے کر کے اس دے نال پیوند کدے مادہ باہر دار
---	---



بھکھڑا تخم خیار گھوٹا  
 کچھ قدرے مصری دچ گھت  
 مواد موذی تھیں کرو صفائی  
 جدوں قرح ہو جاوے صاف  
 شفاف ابیض دی کرو پکاری  
 قرص کا کج جے او کھاوے  
 نال پیوے شربت خشخاش  
 گھیو دودھ گوکا ترے پلا  
 بھکھڑا کاسنی سونف گھوٹا  
 کر کے اس نوں کپڑ چھان  
 دو تولے دچ شہد پلا  
 ایہ بھی کرے قرح نوں صاف  
 نسخہ ہک عجب ہتھ آیا  
 جیکہ قرح پڑانا ہو  
 پاک ہے اس تھیں نت جاری  
 بول دیورا آدے بدبو  
 کرے جے اینوں استعمال  
 لوبان کوٹیا مکھہ سفید  
 روغن صندل نال پلا  
 کٹ چھان کے دارو سب  
 ہک ہک گولی نت کھوا

کاسنی خرفہ نال پلا  
 پیوے نت دھڑے ست  
 ہووے مرضوں جلد رہائی  
 کرے قصور خدا دند معاف  
 ہووے جلد دفع بیماری  
 درد قرح داترت دنجائے  
 کرے شتاب درد داتاس  
 دو تولے دچ شہد پلا  
 دیگی پانی گھت جوشا  
 چار تولے گھیو ڈالو آن  
 روگی نوں ہر روز پلا  
 کل تعمیر کرے رب معاف  
 بہت دفعہ اس نوں آئیایا  
 دنج مشانے رہے کھلو  
 اوکھا ہووے بہت آزاری  
 فائدہ کرے دوا نہ کو  
 ہووے قرح دفع فی الحال  
 خشک بیروزہ مابو دید  
 پنج پنج تولے کل دوا  
 چھ ماشے دی بھنوں حب  
 گھیو دودھ گوکا نال پلا

ذیاب  
 پیوے  
 کیڑیا  
 دن  
 اکثر  
 کرے  
 بھ  
 ایہ

کھانڈیاں گولی جادو بھاگ	قرص پُرانا دُکھ سوزاک
	قرص کا کنج
<p>مغرب حکمت وچ یونانی          فوراً درد کرے سب دفع          کا کنج چار تولے مقدار          بھنگ فراسانی اجوین          ہک ہک تولے سب دوا          چالی قرص بنا حکیم          نال عقل بنہ قرص شتاب          شیرہ خرفہ گھوٹ پلا</p>	<p>قرص کا کنج نسخہ لاثانی          دیوے قرص مٹیانہ نفع          مغز تولے دس تخم خیار          تخم کرفس ، دم الاغویں          رگل ارمنی رگلر گوند ملا          ترے ماشے وچ ڈال اہیم          ہمیدانہ دے وچ لعاب          ہک ہک قرص ہر روز کھوا</p>
	ذیابیطس
<p>بول چلے اس مثل نشار          آوے بول اس ہر ساعت          بیٹھن خاص حکیمان قول          لاغر بہت بدن ہو جادے          کرے روگ دا مندا حال          انبل دو تولے مقدار          مصری گھت نقوع پلا          شاہ ارزانی دا فرمودہ</p>	<p>ذیابیطس ہک سخت آزار          پیوے پانی بہت نہایت          کیڑیاں کھیاں اُپر بول          دن دن قوت گھڈی جاوے          اکثر بل جادے دق نال          ترے ماشے لے پھل انار          چھ ماشے دھنیاں وچ پا          اہر بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>



# نسخہ مجربہ ذیابیطس

نسخہ ایہ بنا ضرور  
 افیم کیس ، کچلہ کونین  
 وزن برابر دارو سب  
 بنھوں گویاں سب سنوار  
 ہک ہک گولی نت کھوا  
 گوشت گھیو گھت نت کھاے  
 روٹی کنک تھوڑی جہی نال  
 کرے حیوانی نت غذا  
 گوشت گھیو انڈے نت کھاے  
 ایہ نسخہ اعظم اکیر  
 مجرب ہک نسخہ لاثانی  
 قرص ذیابیطس اس نام  
 کا ہو حرفہ دو دو  
 دھنیاں صندل گلاب  
 گل ارمنی تے پھل انار  
 ترے ماشے گھت مشک کا فور  
 نو ماشے دا قرص بنا  
 کرے ذیابیطس دھ دوڑ  
 پکھاں بید دارو پنج مین  
 کٹ پانی دھج بھول حب  
 دو دو رتی دا مقدار  
 دونویں دیلے بعد غذا  
 نمک مصالح ذرہ نہ پائے  
 کرے گوشت نت استعمال  
 انڈے گھیو دھج پکا  
 ٹون مرچ دے راہ نہ جائے  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 تجربہ کیتا ہو یا یونانی  
 کرے استعمال صبح تے شام  
 پنج پنج تو لے وزن تولا  
 دو دو تو لے میل شتاب  
 چھ چھ ماشے دا مقدار  
 دھج دوا ملا ضرور  
 پانی ایسبھول ملا

کھاے قرص ہک نت بیمار  
 پیوے پانی ترش انار

## بیان بول الدم

بول الدم ہک مرض زبولن زخم مثانے گردے و ج سبب گرمی یا رگ پھٹ جانے غالب خون جے نظری آوے پا پڑا رنم ہندی کشنیز ہک دو ہفتہ رنت پلا جے گرمی دا ہووے زور نشانہ کلر گوند کتیرا چل انار پھٹکڑی خام پھکی چھ ماشے رنت کھاوے بکھڑا کاسنی فرہ لیا	راہ بول دے آوے خون ہو دے کرے نہایت زرج ہو دے سوزش درد اکا دے باسلیق دا قصہ کراوے ایہ نقوع عجائب چیز دیوے خون دا جوش بٹھا نسخہ عجیب دساں ہک ہور مغز تخم کھکھڑی کھیرا ہر ہک تول وزن تمام بول الدم دا دکھ و نجانے پچھوں شیرہ گھوٹ پلا
---	--

## نسخہ بول الدم

کربا گوند کلر گل انار خون سیاہ شاں کندر یا ترے ترے تولے کل دوا کٹ پھان سب جمع کرا	کتیرا مغزے تخم خیار طباشیر گل ارمنی پا ماشے ترے افیم ملا پنج چھ ماشے رنت پھکا
--	--

آملہ تخم انار پوسا  
پچھوں ایہ نقوع پلا



## نسخہ بول الدم

سفید زیرہ الاچی جو کھار گٹ چھان پھکی کر تیار پچھوں ایسہ نقوع پلا آملہ تولہ رات پوسا دو تولے مصری دچہ ڈال	بریوند وزن برابر چار پنج ماشے دیہہ نت تھار پاپڑا دھنیاں رنم حنا فجر گھوٹاٹیکے صاف کرا کر دو ہفتے استعمال
--	--

## بیان سلسل بول

سلسل بول یک مرض خراب پیوے پانی بہت زیادہ بول دگے ہر وقت مدام قوت گردیاں دی گھٹ جاوے استا لاغر بدن ضعیف دھنیاں مر کے دچ پوسا مٹا اس نول کر کے بریان لعاب بہیدانہ مصری ڈال پت رنم دا شیرہ کڈھوا ہینے دچ دو ہفتے کروا جسٹ الحید معجون جے کھاوے گوشت بکے دا دن رات	جاری ہے ہر وقت پیشاب بول آوے اس بے اندازہ آوے کسے نہ دقت آرام ضعف مٹانے دے دچ آوے ہودے جیونکر مرد ضعیف ترے دینہہ مٹا اس خشک کرا گھوٹ پھکی تولہ نت آن استعمال کر اس دے نال کر کے صاف اس نت پلا دیوے اس نول رب شفا سلسل بول دفع ہو جاوے کھلے دکھ ہو جاوے مات
---	---

شیرہ  
بیضہ  
نیم

چھل  
پنج  
ادھ

اکھیل  
ادھر  
ایہ

بہت  
ست

تقلیر  
تر پھل

پانی  
پت

نظرہ قطر  
سبب

شیرہ دھنیاں دج پکاوے بیضہ مرغی دا منگوا نیم بریاں اس نوں کردا	مرچ مصالح نمک نہ پاوے برابر گھیو اُس دے دج پا روٹی نال اس نت کھوا
---	---

### نسخہ معجون خبث الحذید

چھل ہریڑ بہیڑہ لیا پنج پنج تولے دا مقدار ادھ سیر ماریا ہو یا منور اکھیل دج معجون بنا ادھر ڈکرجے نت اُتوں پیوے ایہ نسخہ آہن اکسیر بہت مریضیاں تے آزمایا ست سال دا ایہ آزار تقطیر البول تسلسل دکھا تر پچھل پت بنم پچھل انار پانی دج نقوع کر پیوے پت بنم دے نت گھوٹ پلا	آملہ دی چھل نال ملا کٹ چھان کے رکھ سنوار میلو اُس دے دج ضرور چھ ست ماشے نت کھوا فائدہ بہت نہایت تھیوے تجربہ سائیں بخش فقیر اُس دے کہے خطا نہیں پایا ہو دے اس تھیں تر ت فرار زائل کرے ہوئے تن سکھ پنج پنج ماشے دا مقدار فائدہ بہت نہایت تھیوے دیوے مسلسل بول و بجا
---	--

### بیان تقطیر البول

قطرہ قطرہ بول جے آوے سبب جے سردی بلغم باد	تقطیر البول ادھ مرض سدا ہے کرے مثانے دج فساد
--	---



ماسکہ قوت سست ہو جاوے  
 دیہ نسخہ آہن اکسیر  
 بیضہ مرغی دا ہک آن  
 دو تولے دج شہد ملا  
 کالے تل گھوڑ گھٹ گھوٹا  
 دو ترے ہفتے جے نت کھاے  
 جو گراج دی کھاے حب  
 جے گرمی دا خاص نشان  
 ہودے رنگ قارورہ زرد  
 غرہ کاسنی تخم خیار  
 گھوٹ پانی دج صاف کرا  
 گوکا مکھن رنت نہار  
 بکری دا دودھ مصری ڈال

ضعف مٹانے دے دج آکے  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 گھیو گوکے دج کر بریان  
 روگی نول ہر روز کھوا  
 ہک چھٹاکی رنت کھوا  
 ضعف مٹائیوں دودھ ہو جائے  
 تقطیر البول دنجادے جھب  
 کوڑا ذائقہ خشک دمان  
 دج مٹانہ سوزش درد  
 چھ چھ ماشے دا مقدار  
 دقت شام دیہ مصری پا  
 کھاے ذرا نہ رہے آزار  
 دقت شام کر استعمال

### بیان بندش بول

بول جے بند کے دا ہودے  
 بول نہ اس نول آسے مول  
 کر تون چنگی طرح شناس  
 کس سبب تھیں ہویا آزار  
 سبب ریت یا منکر ورم  
 یا کوئی ضرب یا لگے سٹ

روگی ڈھائیں مارے روکے  
 دج مٹانے ہودے سول  
 نال عقل دے کر کے قیاس  
 کس مادے دا ہے بجاڑ  
 با کوئی رتج یا مادہ گرم  
 یا باطن وچہ ہوسے پھٹ

سبب  
 باسیو  
 عمل  
 ظاہر  
 سبب  
 سبب  
 مویاں  
 ہک ہر  
 شورہ  
 دیہ ترہ  
 مینگنی  
 مٹانے  
 جیکر ہو  
 دج مٹا  
 شورہ  
 پانی دج  
 رکھو ڈنڈ  
 لے ذرہ  
 شورہ کی  
 دج مٹا  
 بول نہ

سبب بندش دا جیکر درم  
 باسلیق رگ نوں جھب چھڈ  
 عمل روغن ماس کر دا  
 ظاہر درم جے ہووے لال  
 سبب مواد غلیظ یا گند  
 سبب ریت یا کنکر ہو  
 ٹولیاں دے پت خوب گھوٹا  
 ہک ہفتہ کر استعمال  
 شورہ قلمی تولے ترے  
 دیہ ترے وار پانی وچ گھول  
 مینگنی چوہاں دیاں گھوٹا  
 مٹانے اوپر کرد ضماد  
 جیکر ہووے درم کرخت  
 وچ مٹانے اٹھے سول  
 شورہ کالی مرچ کافور  
 پانی وچ شیاف بنا  
 رکھ ڈنڈی وچ ٹھنڈی آب  
 لے ذرہ ہک مشک کافور  
 شورہ کیسو پھل گھوٹا  
 وچ مٹانے جیکر ریح  
 بول نہ اس نوں آوے مول

ہووے دموی مادہ گرم  
 صافن تھیں گندہ ہو کڈھ  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 جوکاں لا اس تے فی الحال  
 جیکر بول ہو جاوے بند  
 وچ مٹانے رہے کھلو  
 تولہ شورہ گھت پلا  
 دیوے کنکر ریت نکال  
 حصے اس دے تولے کرے  
 دیوے جھب بول نوں کھول  
 قلمی شورہ مال رلا  
 بند بول نوں کرے کشاد  
 کرڈہ بہت نہایت سخت  
 گرم پانی دی کرد نطول  
 وزن برابر پیس ضرور  
 وچ سووارخ قضب چڑھا  
 آوے اوے دقت پیناب  
 رکھ ڈنڈی دے وچ ضرور  
 پانی دے وچ یسپ کرا  
 ہووے تیغ دیوے تصدیق  
 وچ مٹانے ہووے سول



انیسوں سونف کرفس اُبال  
 پودنہ الاچی دانہ گھت  
 ہر ایک ہودے ماشے چار  
 دو تولے ماکھوں وچہ گھت  
 گرم روغن دی ماش کر  
 جیکر دیویں کھچ گلاس  
 جانوراں دا ماس کھوا  
 بابونہ ہرمل سوئے اُبال  
 بابونہ روغن اکٹھ سداب  
 روغن بید انجیر پلا  
 تخم کرفس اجوین گھوٹا  
 پانی کچھ قدرے وچہ ڈال  
 پیٹھ توے دے اک ٹکڑا  
 تیل مٹھا گھت کرد ٹکور  
 گل بابونہ میتھی آن  
 کٹ جوشا کر کرد نطول  
 جیکر ہودے خشک مزاج  
 گھیب دودھ گوکا میل پلا  
 جے کھلے کسے نہ جیلے بول

دار چینی زیرہ وچ ڈال  
 کٹ ملا ایہہ داروست  
 کر کے صاف پلاڈ نہار  
 پیوسے نت دھارے ست  
 نال زورے ذرہ نہ ڈر  
 کرے درد متعہ داس  
 دار چینی زیرہ وچ پلا  
 درم سخت تے پانی ڈال  
 ماش کر ہر وقت شتاب  
 عرق سونف دے نال پلا  
 نمک سبھی کٹ نال پلا  
 پوٹلی بنھ دھاگے دے نال  
 رکھ پوٹلی گرم کرا  
 جاوے رتھ ٹھکانہ چھوڑ  
 حرمل تخم کرفس بادیان  
 پادے جھب شفا ربول  
 کراس دا مرطوب مزاج  
 گل روغن ماش کردا  
 نفع نہ دیوے کوئی ڈول

ہسپتال وچہ جلد لے جا  
 نال سوئے دے بول کرا

پیدا  
 خون یا  
 بول و  
 ڈنڈی  
 یا حیض  
 یا کوئی  
 یا کوئی  
 ڈنڈی  
 ہودے  
 اقل کر  
 پکھوں  
 جیکر  
 استعمال  
 نسخہ کرا  
 دیوے م  
 ریلوند  
 الچی  
 کٹ  
 چھا  
 ہوسے

## بیان سوزاک

<p>             پیدا ہووے دکھ سوزاک              خون یا پاک آوے راہ بول              بول وچوں آوے بدبو              ڈنڈی دے وچ پوندا ساڑ              یا حیض دالی عورت دے نال              یا کوئی پیوے بہت شراب              یا کوئی کھاوے گرم غذا              ڈنڈی دے وچ زخم ہو جاوے              ہووے ایس سبب آزار              اول کر اس اندری جھاڑ              پچھوں اس نول دیو دوا              جیکر قرعہ پرانا ہو              استعمال کرو پچکاری              نسخہ کراں بیان عجیب              دیوے مرض سوزاک و نجا              ریوند چینی شورہ دید              الہی خورد پھٹکڑی خام              کٹ چھان پھکی کر تیار              فجرے شام ہمراہ نقوع           </p>	<p>             اچانک ڈنگ مائے جیون ناگ              ہووے زخم قرعہ دی ڈول              سرکن درد نہایت ہو              سادہ گرمی کرے بگاڑ              ہووے بہت خراب کمال              تیزی کرے قضیب خراب              یا کوئی تیز یا سخت دوا              درد نال روٹی کر لاوے              بہت طبیعت کرے بیزار              دے کے کوئی دوا ادرار              دیوے گرمی جگر بوجھا              ڈنڈی دے وچ رہے کھلو              اس دے جیہ نہیں کوئی کاری              صاف کرے جھب قرعہ قضیب              جلدی رب اس کرے شفا              جو کھار زیرہ وچ ڈال سفید              یک یک تولہ وزن تمام              پنج چھ ماشے دا مقدار              رکھ دو ہفتے اس نول شروع           </p>
--	---



پا پڑہ پت ہم مندی لے  
 نقوع پانی دج کر کے تر  
 ادھ پا پکا گھیو پنکھار  
 گورکھ پان بوٹی اکیر  
 رات پانی دج رکھ پوسا  
 درد نہایت کرے جے تنگ  
 رسونت افیم کافور گھسا  
 ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا  
 مویاں دا پانی نت پیوے  
 ہم دے پت پیوے نت گھوٹ  
 بوٹی بھنگ اس نت پلا  
 نسخہ ہک نکھاں کرامات  
 کریں جے ایسوں استعمال  
 کباب چینی تے کتھ سفید  
 مٹھی میل گلو دا ست  
 سہاگ پھٹکڑی کر بریان  
 دو ماشہ دج ڈال افیم  
 ہر روز صاف کر کے دج گھت  
 چھ ماشے دا وزن بھکا

پنج پنج ماشے وزن ترے  
 شامل نال پھکی دے کر  
 پیوے مصری ڈال تھار  
 دج آزمائش ایس فقیر  
 مجھے مصری ڈال پلا  
 وانگ اٹھوئیں مارے ڈنگ  
 پانی دج نت کرد طلاہ  
 کھور لسی دج نت پلا  
 بہت شتابی چنگا تھیوے  
 رہے سوزاک دا ذرا نہ کھوٹ  
 برہم ڈنڈی دے نال طلا  
 دفع ہو جادے دکھ آفات  
 دیوے دکھ سوزاک نکال  
 تباشیر الچی ڈالو دید  
 آٹا پھل بکتر دا گھت  
 ہر ہک تول میلو آن  
 پھکی کٹ بنا حکیم  
 تول وزن دج تولے ست  
 خرفہ کاسنی گھوٹ پلا

ایہ بھی ہے نسخہ آزمایا  
 فائدہ بہت نہایت پایا

سفید  
 ہر  
 دن  
 کچی

جیکہ  
 سنگ  
 سکے  
 الچی  
 خرفہ  
 بھٹھا

نسخہ  
 بھٹھا  
 سنگ  
 سکے  
 نال

## نسخہ اندری جھاڑ

سفیدہ زیرہ ریوند جو کھار ہر ایک تولہ تولہ لیا دو دن پنج چھ دفعہ پھکا کچی لستی بے شمار	قلبی شوره دارو چار چارے کٹ کے جمع کرا کچی لستی بہت پلا پیوسے بہت ہووے ادرا
--	---

## نسخہ سوزاک مجرب

جیکر تینوں ہووے لوڑ سنگ جراحی توڑ گھت سکے لے مصری دج مار الچی خورد تولہ دج ڈال خرفہ کا سنی بھکھڑا لیا بٹھا مرچ نہ ہرگز کھاے	مجرب نسخہ دشاں ہوا خشک بیروزہ تولے ست دو تولے تولے دا مقدار چھ ماشے کر استعمال پکھوں شیرہ گھوٹ پلا گرم چیزے راہ نہ جادے
--	--

## نسخہ مجربہ سوزاک قروچی

نسخہ بیان کراں طلسم پھٹانکی روغن صندل لیا سنگ جراحی سرمہ سیاہ سکے لے مصری دج مار رال مابو لے کتہ سفید	کرے نابود قروح دا اکھ پھٹانکی خشک بیروزہ پا دو دو تولے کر ہمراہ ڈھائی تولے دا مقدار ہر ایک دو دو تولے دید
---	---



بھٹی اس دی لے بنا اتوں ادھ پا گھنڈ پلا ہودے دغ سوزاک آزار	سجے دارو جمع کرا چھ ست ماشے رنت پکا ہر ہفتہ دیہ اندری جھاڑ
---	--

### نسخہ آزمودہ سوزاک

پھل جڑ نیم کین کوٹا کک یک تور دامقدار شورہ چار ماشے دغ ڈال بہت کچی کرستی پیوے ہودے جد اس نوں ادرار	تم دے پت اس نال پلا نقوع کر پیوے رنت نہار ترے ہفتے کر استعمال فضل خدا تھیں چنگا تھیوے ہودے قرہ سوزاک فرار
--	---

### نسخہ سوزاک صدری

پھٹکڑی دو تولے بڑوا کک ماشہ دغ ڈال انیم گولی ترے ماشے مقدار اتوں کاسنی گھوٹ پلا	رسونت تولے دو نال پلا قوام پانی گھتہ کرد حکیم بنھوں کھادے رنت نہار کاہو غرہ نال پلا
--	--

### ٹوٹکہ صدری دہقانی

دستار نسخہ ہور دہقانی دزخت پیل دی چھال کما مجزل پٹ صاف کرا	بہت مدت دی پاس نشانی تازہ تور رات پوسا شورہ چار ماشے دغ پا
--	--

پیوے

پھٹکڑی

دو ماں

دھنیار

ترے ما

ایہ

اس نور

دو سنگ

تیل از

سیاہی

وقت

ص

ادھ پا

دو تولے

پیوے جے ہک ہفتہ دار	رہے نہ قرعہ سوزاک آزار
شناسی نسخہ سوزاک	
پھٹکڑی تولہ پھل کرے دوہاں نوں باریک کرا دھنیاں پا پڑا، رتم تقوع ترے ماشے پھٹکڑی پھل کرا	شورہ قلمی تولے ترے چار ماشے دا وزن پھکا پانی وچ رکھو رنت شروع کھور لسی وچ رنت پھلا
شناسی ٹوٹکہ سوزاک	
ایہہ نسخہ آزمودہ کار اُس نوں لے بنا ضرور دو سنگ گال دے لے منگوا تیل ازٹ دے وچ پاء سیاہی لاء ڈھکن دے نال وقت صبح اکھیں وچ پاء	سوزاک واسطے کرو تیار وچ شناساں دے مشور ریتی نال پورہ کروا بتیاں سب اس وچ جلا رکھ کھڑ وچ ڈبی ڈال دیوے مرض سوزاک و نجا
ٹوٹکہ سوزاک	
آدھ پا گوکا گھیو منگوا دو تولے وچ ڈال شراب	دو تولے وچ کھنڈ ملا پیوے رنت نہار شتاب
ہفتے بعد ہک اندری جھاڑ دیہہ اُس نوں ہودے اداوار	



ترے ہفتے تک کر اس طور مویاں اُس نوں رنت کھوا درا جونی برہم ڈنڈی لیا	قرہ سوزاک جاوے فی الفور جھوں تیک ادہ سکے کھا بونی بھنگ رنت گھوٹ پلا
---	---

### نسخہ پیکاری سوزاک کہنہ قروحی

جیکر قرہ سوزاک پُرانہ اُس نوں رنت کرے پیکاری کیس پھٹکڑی خام افیم باراں تولے پانی ڈال قرہ پُرانا دکھ سوزاک	رہے ڈنڈی دج تل لکانہ زائل ہووے قرہ بیماری ہراک رتی قدر حکیم کر پیکاری استعمال ست سالان دا جافے بھاگ
---	---

### نسخہ پیکاری سوزاک

سڑکن سوزش ڈنڈی دج پت نم پانی دج گھوٹا کیڑے دج گھت صاف کرا ترے ترے ملشے ڈال ضرور اس دی رنت کر د پیکاری کانور رسونت افیم ملا	جیکر کرے نہایت زج پانی ترے چھٹانک ملا کنٹھ سفید رسونت ملا رتی قدر افیم کانور زائل ہووے قرہ بیماری بشی دج سوراخ چڑھا
---	--

### نسخہ سوزاک قروح آتشکی

پارہ سکہ دونوں ملیا	تولہ تولہ تولہ	دزن تولہ
---------------------	----------------	----------

دو نویں آپس دینچ ملا کھانے مکھن دے دینچ گھت بہت شتابی چنگا تھیں	کھل دے دینچ گھت پسا دزن بنا ئیکے اُس دے سنت اُتوں گو کا گھیٹو جے پیوے
---	---

### نسخہ پچکاری سوزاک

چھ چھ مائے ہو دن ترے ترے چھٹانک پانی دینچ پا پھٹکڑی مُشک کا فربہ ملا پیہہ کے میلو خوب سنوار کر کے نال پلاؤ آن ہو دے زائل قرعہ بیماری ریم قرعہ تھیں صاف کرا قرعہ سوزاک ہو دے سب دوا	تر پہلہ مہندی دھنیاں لے رات چھتے دینچ رکھ پوسا فجرے مل پُن صاف کرا ہک ہک رتی دا مقدار نصف رتی طوطیا بریان نال عقل دے کر پچکاری ہر ہفتہ اندری جھاڑ کرا ایو یاد رکھیں دستور
---	--

### لوٹنک پچکاری

فجرے مل پُن صاف کرا میل کرو پچکاری آن گرم پانی گھت کر پچکاری	تر پہلہ پانی دینچ پوسا نصف رتی طوطیا بریان گوشت خورہ ماکھوں باری
--	--

### نسخہ پچکاری سوزاک کہنہ

رسونت پھٹکڑی کتھ سفید	تر پہلہ پھل سہاگہ دید
-----------------------	-----------------------



ہر یک ترے ترے مائے یا کر کے صاف کرو پچکاری دو ترے ہفتے کرو ضرور پچھوں ڈال روغن بادام	پانی ترے چھٹانک ملا دفع ہو جاوے قرح بیماری قرح پرانا ہووے دور پچکاری نال صبح تے شام
---	--

### آتشک

آتشک مرض مشہور باد فرنگ ہندی دین نام مرد گندی عورت داسنگ وقت صحبت عورت تھیں ہو نکلے چڑیاں دین بٹور زخم ضرور آلت تے ہو غیر حقیقی باد فرنگ بادی باد فرنگ اس نام نکلے سڑیا ہو یا مادہ طبع موافق کرو علاج خاص حقیقی باد فرنگ مغرب اس دا نکھال دوا نسخہ یک مخفی اسرار کئی دفعہ اس نون آزمایا باد فرنگ ہے بارہا سال	طبیبان دین جمہر مذکور آکھن ایس نون لوک تمام کرے اچانک مارے ڈنگ باد فرنگ حقیقی سو اڈ جاوے چہرے دا نور شکل قرح بن رہے کھلو ہووے باہجہ عورت لے سنگ کمن ہندی دین لوک عوام ہووے خارش بہت زیادہ گرمی سردی سمجھ مزاج کرے خراب نہایت تنگ دیوے باد فرنگ دجا بخشیا یک تجربہ کار ہرگز کدی خطا نہیں پایا ہووے دفع کرے فی الحال
---	--

رک  
چھ  
ادھ  
نال  
دون  
جد  
برگ  
برگ  
چھل  
دلیہ  
ہر ہفتہ  
ہووے  
باسلیہ

مغرب  
کری  
مردا  
سپاری  
نالا  
مقول

<p>             ترے اجوین ملا شتاب              کھل دے دج خوب لہا              چنے برابر بنھوں حب              گرم گوکا دودھ نال ملا              آشک دی نیخ اٹھا دے              ایہو رکھیں یاد وقوف              کرے غرارے نت ادبال              کرے غرارے نت نہار              کرے غرارے نت جوشا              گھید گوکا دافروچ پا              جادے باد فرنگ شتاب              خون بدن دچ بہت زیادہ              پچھوں دائرہ شروع کرا           </p>	<p>             رسکپور، شنگرف، سیما              چھ چھ ماشے سب دوا              ادھرک بے پانی دچ سب              نال ملائی حب کھوا              دونوں وقت گولی پک کھا دے              جد نہ آدے کرے موقوف              برگ چنبیلی پت کچنال              برگ مغیل یا برگ انار              چھل رگتر یا ہرٹ لہا              دلیہ گندم کرے غذا              ہر ہفتہ پک کرو جلاب              ہودے جیکر دوسری مادہ              باسیق دا فصد کرا           </p>
---	--

### مرہم باد فرنگ

<p>             زخم نہایت کرن بے تنگ              زائل مرض کرے فی الحال              رسکپور تے شنگرف دید              چھ چھ ماشے سب دوا              ماشے ترے ملاڈ آن              دھوتے مکھن نال لگا           </p>	<p>             مجرب مرہم باد فرنگ              کیس جے ایسنوں استعمال              مردا سنگ تے کتھ سفید              پیاری توے اپر سڑوا              نیلا تھوٹھا کرے بریان              کھل دے دج خوب پسا           </p>
--	--



ایک ہفتہ ہے مرہم لائے ایہ مرہم مثل طلسمات زخم پورانہ قرعہ ناسور	آتشکے زخم و نجا کرے زخم آتشک مات اس مرہم تھیں ہوں دوا
---	---

### دھونی باد فرنگ

لکھاں دھونی یک مثل تفنگ زخم ہے ہوں بہت نہایت پھٹ شتاب ہو جاؤں خشک شکر ف نیلا کھونٹہ لے قلعی چونہ ہو مرچ سیاہ ایک ایک تولہ سب دوا ٹوا دج زمین کڈھا دیہہ دھونی منہ ننگا رکھ دھونی دیہہ یک ہفتہ وار	دفع کرے تھب باد فرنگ کرے درد دی سخت شکایت رہے زخم دا ذرہ نہ مشک رسکیور ایہ دارو ترے ماجو عقرقرا، امراہ میل موم ست وزن بنا گویاں اُتے رکھ دوا نوراً فائدہ لیں پرکھ رہے نہ باد فرنگ آزار
--	--

### دھوڑہ باد فرنگ

کرن نہایت زخم ہے تنگ مغرب دھوڑہ خشک دوا سپاری کٹ توڑے ساڑ چھ ماشے کتہ ڈال سفید نیلا سوکھا کر مریان	دساں دھوڑہ باد فرنگ دیوے جھبے زخم چھڑا چھ ست ماشے دا مقدار کرو باریک کھل دج دید ترے ماشے دا وزن پچان
--	--

گرکا  
کھن  
ست

شکر  
تبا کو  
گھوٹ  
یکی گھن

حقہ پیو  
تجربہ  
عقرقرا  
گھوٹ  
اُتے  
ست

باد فرنگ  
ایہ نسخہ

گولا تازہ مکھن لیا	اک وہیہ پانی نال دھوا
مکھن نال زخم چوڑا	دھوڑا چٹکی نال دھوڑا
ست دھاڑے دھوڑہ دھوڑ	زخم تمام ہو جادن دور

### حقہ فرنگ

شنکرف تولہ کھل کرا	چار لونگ دوج پیس ملا
تبناکو کوڑا تولے چار	گوڑ گھت دو تولے مقدار
گھوٹ دوا سب خوب ملا	ٹکیاں اس دیاں چار کرا
رکلی گھت حقہ دوج پیسے	چار روز تک چنگا تھیوے

### حقہ فرنگ

حقہ پیون دا اک ڈھنگ	دساں ہے نہ باد فرنگ
تجربہ کاراں دا فرمودہ	بہت بیماراں تے آزمودہ
عقر قزح شنکرف تنکار	ہک ہک تولے دا مقدار
گھوٹ پانی دوج قرص بنا	حقہ اس دے ست کرا
اُتے ہیٹھ تبناکو دوج	گھت حقہ دوج پیسے بچ
ست روز کر استعمال	کرے شفا خدا فی الحال

### شناسی نسخہ باد فرنگ

باد فرنگ والا بیمار	جے ہوئے زخماں نال لاچار
ایہ نسخہ اعظم اکسیر	بخشیا ہک بزرگ کسیر



<p> رکپور شنگرف منگوا  گوگل چھ ماشے وچ گھت  بیضے مرنی دے وچ ڈال  گٹھ کے آٹا کنک لگا  نال مٹی رگل حکمت کر  جد گولہ ہو جائے لال  مٹی آٹا دور کرا  یا اس وچ کھل دے پیس  ہک ہک حب دو وقت کھاوے  اتوں پیوے گوکا دودھ  روز آون اس نوں اسہال  جیکر منہ اس داپک جائے  کرے غارے استعمال </p>	<p> چھ چھ ماشے دزن ٹولا  مغز جیپال دانے گھت ست  سب دوا عقل دے نال  بیضہ اس دے وچ لگا  وچ تنور گرم دے دھر  رگ تھیں اس نوں جلد نکال  ڈنڈے کوڈے وچ گھوٹا  گولیاں اس دیاں بنھ اکیس  وچ ملائی گھت لنگھاوے  کر کے گرم جے ہو دس بدھ  دیوے مادہ مرض نکال  پھیر دوانہ ہرگز کھاوے  کرے شفا رب ذوالجلال </p>
---	---

### نسخہ آتشک مجرب

<p> شنگرف رکپور منگوا  ترے ترے ماشہ دارو چار  چھ ماشے سیماں ملا  عرق نبتو وچ کھل کرا  ہک ہک حب دو وقت کھاوے  پچھوں پیوے گوکا دودھ </p>	<p> مصطفیٰ رومی عقر قمر  چار رتی گھت سم الفار  چھ ماشے گھت مرچ سیاہ  مونگ برابر حب بنا  گھت ملائی وچ لنگھاوے  ادھ سیر قدر جے ہوے بدھ </p>
--	---

دوسری نسخہ

تجربہ  
آتشک  
اس  
پھل  
ترے  
چار  
چنے  
دو  
بعضیا  
دو ترے  
گوکا  
چیزاں  
فرنی

دارچین  
رک  
چوتھائی  
دو ترے  
وچ

## نسخہ آتشک

نسخہ بخشیا اوس نشانی زخمهاں دے دینچ چلے شور کرے بگاڑ جسم دا دفع نیلا تھو تھہ کر ہمراہ نیلا تھو تھہ کر بریان نبتہ دا دینچ پانی پا نال عقل دے گویاں سب بعضیاں نوں استھیں تے آئے باد فرنگ جاے فی الحال باد فرنگ نہ شکل دکھاے دلیہ گندم وچ سنوار مرچ نوں دے راہ نہ جاے گوکا دودھ گھت کرے غذا	تجربہ کار ہک ہندوستانی آتشک جے دیوے زور اُس نوں بہت پہنچاے نفع پھل ہریٹاں زرد سیاہ ترے ایہہ تول تول آن چار پہر تک کھل کرا چنے برابر بنھوں حب دو حب پانی نال سنگھاے بعضیاں نوں آدن اسہالی دو ترے ہفتے جیکر کھاے گوکا گھیو کھا دے بسیار چیزاں خشک نہ ہرگز کھاے زنی چانول چرب پلا
--	--

## بشناسی نسخہ باد فرنگ

چھ چھ ماشے دا مقدار جوہر انہاں دا لیں اڑا استھیں زیادہ کرے ہلاک دیوے باد فرنگ اڑا اوتوں گوکا دودھ پلا	دار چکنا تے سم الفسار رسکپور تول دینچ پا چوتھائی چانول دی خوراک دو ترے ہفتے تیک کھوا دینچ ملائی گھت سنگھا
---	---



# شناسی نسخہ آتشک

جیکر باقی رہے قصور  
جاوے مرض پُرانی ہو  
کدی کداہیں دیوے زور  
ہووے خاص جے مادہ سرد  
شناسی نسخہ کراں بیان  
رہسکیورتے سم الفار  
اکھ پھر تک کھل کرا  
مُڑ زبوتو دا پانی وچ گھت  
مُڑ کوری ہانڈی دے وچ دھر  
دیوے وانگ جلاویں لاٹ  
ہک پھر تک آگ جلا  
پیالے تے ٹٹاکی رکھوا  
نال پانی پیالے رکھ تر  
دھوئیں دے نزدیک نہ جائیں  
جد ہو جاوے ہانڈی سرد  
جوہر کھرج عقل دے نال  
جو تھائی چاول دی خوراک  
گھت کھتن دے وچ لنگھاوے  
ہک ہفتہ تک نہ کھوا

کرے جسم دے وچ فتور  
رہے بدن دے وچ کھلو  
گھتے وچ جسم دے مشور  
رہے اعضاواں دے وچ درد  
رہے نہ یاد فرنگ نشان  
ہک ہک تویے دا مقدار  
کیلے دا پانی وچ پا  
ہک دن کھل کرا دیں وقت  
چار پڑچو لھے گل حکمت کر  
تیز آگ تھیں جاوے پاٹ  
جوہر دوہاں دا لے اڑا  
کیلے دا پانی کدھ پا  
مت جوہر جاوے سب سڑ  
مُڑ سر اکھیں جسم بجائیں  
ہیٹھ اتار چو لھے تھیں جلد  
ڈبی دے وچ رکھ سہال  
اس تھیں زیادہ کرے ہلاک  
آتل گوکا دودھ پلاوے  
مُڑ ہک ہفتہ بند کرا

مُڑ کھا  
نا طر  
جیڑا  
تھیو دو

رہسکیورتے  
لونگ  
چار پھر  
ہک ہک  
جد مٹھ آ

آتشک  
کوڑیاں  
تھیں  
کوڑیاں  
سبب  
دھما نہ  
پت کر  
کر

مڑ کھائے جے ہو دسے لوڑ نا طریقے پیر استاد جیڑا مادہ موزی باقی گھبو دودھ اس نوں بہت پلا	پھر یک ہفتہ دیوے چھوڑ ایہو قاعدہ رکھیں یاد رہے نہ دوج جسم دے عالی ہرگز ذرہ نہ کرے دساہ
---	---

### نسخہ یاد فرنگ

رسپور چھے ماشے لب لونگ یاراں گھت کھل کرا چار پرتک اس نوں پیس یک یک حب دو دقتی کھائے جد منہ آوے کرے موقوف	چھ ماشے کالی مرچ پلا ادھرک دا پانی دوج پا گولیاں اس دیاں بنو چائیس لکھن دے دوج گھت بنگھائے ایہو رکھیں یاد دوقوف
--	---

### نسخہ آتشک غیر حقیقی

آتشک جے غیر حقیقی کوڑیاں چیزاں کرد نقوع تیقے تال طبع کر صاف کوڑیاں چیزاں کرد نقوع سبب جے ہوئے گندہ خون دہمانہ کوئی گھوٹ نت پیوے پت کر نچوہ پیوے گھوٹ نخم کر نچوہ گھوٹ پلا	مادہ تھیں ہووے حقیقی ماکھیوں ڈال رکھونٹ شروع موافق طبع کرے رب معاف ماکھیوں ڈال رکھونٹ شروع جلدی خارج کرو زبون فضل خدا تھیں چنگا تھیوے رہے نہ دوج جسم دے گھوٹ ماکھیوں خالص دوج پلا
--	--

فتور  
کھلو  
مشور  
دوج درد  
نشان  
مقدار  
پا  
وقت  
ت کر  
پاٹ  
لے مڑا  
پا  
سب سڑ  
سجائیں  
جلد  
سمال  
ہلاک  
پلا  
کرا



نیل کنٹھی ذرا بوٹی پیوے رسونت جے پیوے گھوٹ تیار کرے جے خون گندہ نقصان	برسم ڈنڈی جھب چکا تھیوے ہفتے ست نہ رہے آزار کر استعمال روغن کلیان
---	---

### روغن کلیان یعنی روغن انم

برگ انم دے لے منگوا گھول دیج پانی صاف کرا ڈال کرطاسی دیج پکا کر کے صاف بوتل وچ گھت خون گندہ سب کرے صفا	نگدہ کونڈے گھوٹ بنا گھیو گوکا اُس نال جلا ساڑ پانی سب ہیٹھ لہا ترے تو لے پیوے ہفتے ست پھوڑہ پھنسی رہے نہ کا
--	---

### بیان جریان منی

چلے دھات کے انسان غیر طبعی احتراقی مادہ قوت ماسکہ ہووے مات سبب حرص یا آدے جوش ہوے خرابی وچ خزانے جے گردے دا ہے جریان سرخ دھات یا ہووے زرد خاص علاج اس دا ادرا دودھ گھیو بہت کر استعمال	کس حکیم اُس نوں جریان دافع قوت کرے زیادہ تھمر نہ سکے، چلے دھات طرف منی وچ پوے خردش یا گردے یا وچ مٹانے اس دا ہے ایہہ خاص نشان لازم ہے گریے وچ درد کہ توں ہووے دفع آزار گردہ صاف کرے فی الحال
--	--

برہم ڈنڈی، بوٹی گورکھ پان  
 گھوٹ چھان مصری دج گھت  
 ایہ بوٹیاں چارے اکیر  
 کاسنی بھکھڑا تخم خیار  
 خزانوں دھات بے آکے وید  
 مڑیا گرمی نال خزانہ  
 ہووے مادہ منی رقیق  
 دساں نسیم، مثل کند  
 موصل ہک جھانک سفید  
 گوند رگر دی نال پلا  
 طباشیر الاچی پھل امار  
 سکے لے مصری دج مار  
 چھ ست ماشے نت پھکا  
 برہم ڈنڈی جے نال ملا دیں  
 کاسنی خرفہ تخم خیار  
 استعمال کر ہفتے ست  
 غلبہ خون جے نظری آ  
 نسخہ کمال ہک بہت پسند  
 سکے لے مصری دج مار  
 طباشیر سفید الاچی گھت  
 پنج چھ ماشے نت کھوا

بو پھلی بوٹی تے بھنگ بریان  
 پیوے دھات نہ آکے دت  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 شامل کر ہووے ادراہ  
 ہووے اس دارنگ سفید  
 جھیرا ظرف منی دا خانہ  
 آکے وقت پیشاب تحقیق  
 کرے تروت دھات لوں بند  
 سکے نصف چھٹانکی دثید  
 آٹا پھلی رگر دا پا  
 ہر ہک دو تولے مقدار  
 گھٹ چھان کر پھکی تیار  
 اونوں بوٹی بھنگ پلا  
 دو چند اس تھیں نفع اٹھا دیں  
 شامل کر ہووے ادراہ  
 مڑکے دھات نہ آکے دت  
 اول باسلیق پھڑا  
 کرے تروت دھات لوں بند  
 ڈھائی تولے دا مقدار  
 ہر اک ہوون ماشے ست  
 گوکا کھن نال پلا



نسخہ ہور یک کراں بیان  
 ثعلب موصلی لے سفید  
 پنج پنج تولے دا مقدار  
 چھ ست ماشے نت پھکا  
 گوند کیترا رات پوسا  
 مرچاں ٹون نہ ہرگز کھاکے  
 مغز تخم اہلی لے  
 مورچس اتا مکھانہ لیا  
 یک یک تولہ دارو چار  
 چھ ست ماشے صبح کھوا  
 برہم ڈنڈی بوٹی جے پیوے  
 سپاری کٹ دو تولے آن  
 گوند لکڑے بھنگ پلا  
 پنج نال مکھانہ کلنار  
 کٹ پھان کے سب دوا  
 چھ ست ماشے نت کھوا  
 آٹا پھل لکڑے دا لیا  
 پنج تولے مصری دچہ گھت  
 آٹوں بوٹی بھنگ جے پیوے  
 برہم ڈنڈی کر استعمال  
 سکتے مصری دچہ مار

بہت شفا ہونے انسان  
 ایسبغول دا چھلکا دید  
 مصری میل تولے پنج چار  
 پچھوں گوکا دودھ پلا  
 دودھ بکری گھت فجر پلا  
 گرم چیزے راہ نہ جاوے  
 بیروزہ ہر یک تولے ترے  
 ثعلب گوند لکڑے دا پاد  
 مصری دس تولہ مقدار  
 ہو پھل بوٹی نت گھوٹ پلا  
 فضل خدا تھیں چنگا تھیوے  
 گھیو گوکے دچہ کر بیان  
 سفید موصلی لے پنج پا  
 ہر یک دو تولے مقدار  
 گھیو گوکے دچہ چرب کرا  
 ہو پھل بوٹی بھنگ گھوٹ پلا  
 پنج تولے دا قند تولا  
 کھاوے فجرے ماشے ست  
 بہت شتابی چنگا تھیوے  
 مصری قنوری جیہی دچہ ڈال  
 دو ترے تولے دا مقدار

گو

دودھ

نال

گوند

چھلکا

پنج

چھ

کیترا

ضعف

وقت

یا اسر

سبب

یا کوئی

مادہ

یا پتلی

گو کے مکھن نال رطل  
دقت صبح دے نت چٹا

## نسخہ جربان

ڈوڈے پوست لے منگوا  
نال رطل خشکاش سفید  
گوند رکر دھاوہ گلنار  
چھلکا ایسبول رطل  
پنج پنج تولے وزن تولا  
پچھ ست ماشے وزن پھکا  
کتیرا پانی دج پوسا  
دھنیاں خشک اس دے دج پا  
ہر ہک ترے ترے تولے وید  
ہر ہک تولے دا مقدار  
سفید موصلی لے دچہ پاہ  
ادھ پا مصری کٹ رطل  
پچھوں ایہ دوا پلا  
پیوسے فجرے دودھ رطل

## بیان ضعف باہ

ضعف باہ جے ہووے پیدا  
قوت باہ دے دج زیان  
یا اس معدہ بدن ضعیف  
سبب یا خوف یا دہم یا غم  
یا کوئی گرم قوت دا ساڑ  
مادہ باہ جو رتج روج خون  
یا پتلی ہو جاوے دھات  
کریں معلوم سبب اس ویدا  
کس سبب ہو یا نقصان  
یا گردے دل جگر خیف  
قوت باہ گئی ہو کم  
قوت باہ دج کرے بگاڑ  
ہووے کم یا سست زبون  
قوت ماسکے ہووے مات

یا چم گوشت رگاں اعصاب  
آلت دے ہو جان خراب



یا عورت باہنچہ ہے کئی سال  
 یا دل وچ بد دہم خیال  
 گرمی سردی سمجھ مزاج  
 جو ہووے غم دا اسباب  
 سبب ہے ڈر یا دہم خیال  
 رنگ برنگ پہنا لباس  
 رنگ برنگ سنا اس راگ  
 صورت خوب دکھا تصویر  
 نازک بدن جو شکل کمال  
 انوشدارو اس نت کھوا  
 ہے اس معدہ بدن ضعیف  
 یا مادہ باہ روضہ رخ خون  
 اطریفل خبث الحمید بنا  
 یا نت کھوا لبوب کبیر  
 شناسی نسخہ یک لاثانی  
 کشتہ سونا - قلعی - عقیق  
 کشتہ مونگا سکے سیم  
 پاک مصری کٹ ملا  
 سبب ہے گرم غلط دا ساڑ  
 دھات ہو جائے بہت رقیق  
 اول اس نوں کر تبرید

قوت باہ نہ ہے برمال  
 یا بزدل یا شرم کمال  
 کرتوں نال قیاس ملج  
 ہر جیلے کر دور شتاب  
 پکڑے قوت باہ زوال  
 اتے چھڑک عطر دی باس  
 دل نوں چھوڑ جائے غم جاگ  
 نس جاوے غم گھٹ دہیر  
 کر شادی ہووے خوشحال  
 دیوے دل دا ضعف و نجا  
 یا گرے دل جگر نحیف  
 کم ہووے یا سست زبون  
 چھ ست ماشے نت کھوا  
 حق اس دے وچ ہے اکیر  
 تازہ پیدا کرے جوانی  
 خالص اصل فولاد تحقیق  
 ترے ترے ماشے وزن حکیم  
 ترے ترے ماشے مکھن نال کھوا  
 قوت باہ وچ کرے بگاڑ  
 باہ وچ کم ہووے توفیق  
 شربت شیرہ سرد مفید

مغل

مور

ن

طبا

بار

دند

جے

جے

جے

جے

تازہ

تعلب

چار

رنگاں

۲

پتھر

مالش

سرد

گھٹ

اول

دو

خشب

مغلف نسخہ لکھنا لاثانی موصلی یک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاہ طباشیر سفید الاچی لے باراں تولے مصری ڈال وزن تولہ یک زنت کھوا جے گرمی دا بہت سبب	مجزب حکمت مع یونانی چھلکا ایسبول پنج وید گوند لکر پنج کر ہمراہ ہر یک ہودن تولے ترے کر کچھ مدت استعمال پچھوں گوکا دودھ پلا شریت سرد شامل کر جب
--	---

### نسخہ مغلف منی

تازہ دودھ ادھ سیر منگا ثعلب موی لے سفید چار تولے گوکا گھی ڈال رنگاں پٹھے جے ہودن سست لے کے دار چینی داتیل چربی مرغا مع ملا مالش اوپر کرو اخیل سرد مواد جے بلغم باد گھٹ بدن مع ہوسے خون اول اس نوں کرا سہال دوترے دفع خارج کر مادہ جنت الحدید کھوا معجون	دو تولے دج شہد ملا چھ چھ ماشے پیہ کے وید پیوے اونٹ سرکیاں مال مل ایہ روغن ہودن چست پیہ کے عقر قرا وچ میل اہلت اُتے کرو طلا ہووے غیر مواد تحلیل قوت باہ دج کرے فساد یشا لاغر بدن بدن زبون تنقے حب ایا راج مال ہووے قوت باہ زیادہ پیدا کرے بدن دج خون
--	--



<p>معجون لبوب کر استعمال          دیر غذا اُس نوں مقویات          کھوا گشتہ اُس نوں ذوالاد          شراب کباب گوشت بریان          مطجن سیویاں چرب پلا          سبب جے سردی وچہ مشائہ          کم ہو جاوے باہ نہایت          بیضہ مرغی دا منگوا          ڈیڑھ چھٹا کی گھیو دج ڈال          معجون زرعوئی عجب دوا          فلاسفہ تے بر شعثا دونویں</p>	<p>سستی دفع ہووے فی الحال          کھویر گھیو گھٹ کے مغزیات          کرے ضعف دا دفع فساد          بیضہ مرغی، مغز حیوان          مکھن دودھ مصری وچہ پا          پیدا ہووے ضعف خزانہ          کرے بول دی بہت شکایت          دو تولے دج شہد ملا          پکا حلوا کر استعمال          کرے نہایت قوت باہ          کرن زیادہ باہ نوں ادویں</p>
--	---

### معجون زرعوئی

<p>زرعوئی کر تیار حکیم          قوت باہ نوں دیوے نفع          دونویں بہن مرغ سفید          اندر جوتے، بوزی دان          لونگ جعفر سنڈھ کالی چھڑ          دار چینی گک مرچ سیاہ          ہر یک تولہ قدر منگوا          مرتبان دج رکھ سمہال</p>	<p>سنڈھ ۱ بہن حکماء قدیم          بلغم یاد کرے سب دفع          تودریاں موصلیاں گھٹ دید          ہر یک تے تولے اوزان          خونجاں خرقہ شامل کر          مٹھی کھٹ کرد، ہمراہ          مکھوں دج معجون بنا          وزن اُس دا ہے دو مثقال</p>
--	---

بک  
صد  
دار  
مد  
تر  
جام  
بک  
جے  
ہے  
ہو  
ہو  
بہت  
سائیں  
بہت

بیضہ  
دار  
چھ  
بک

## نسخہ مُسک

<p>بک نسخہ مُسک لانا          صدر بصدری مثل اسرار          دار چینی بک مرچ سیاہ          مدبر آملہ کچھ ڈال          ترے ماشے افیون ملا          حمام دستے دج کٹ کے سب          بک بک گولی بنت کھوا          بے گھٹ شراب کریں ہمراہ          ہے ایہ نسخہ مثل طلسم          ہووے قوت باہ بے سُست          ہووے منی بے بہت رقیق          بہت دیر تک رہے امساک          سائیں بخش حکیم فقیر          بہت دفعہ ایسوں آزمایا</p>	<p>مجزب میرے پاس نشانی          کر دیواں اس نول اظہار          عقر قرعہ سنڈھ کر ہمراہ          ہر بک تول وزن سہماں          دج منقہ حب بنا          چنے برابر بھوں حب          ہرگز سُستی رہے نہ کا          کرے زیادہ قوت باہ          دافع ضعف باہ ہر قسم          کرے شتابی نال درست          دیوے شہوت دج توفیق          سُست مرد نوں کرے چالاک          ایہ نسخہ مُسک اکسیر          ہرگز کدے خطا نہیں پایا</p>
--	--

## نسخہ طلسمی قوت باہ

<p>بہت دفعہ ایسوں آزمایا          بھید مرغی دا منگوا          دار چینی ترے ماشے گھت          آٹا بک چھٹا نکی آن</p>	<p>دو تولے آب پیاز ملا          ماکھیوں میل تولے دج ست          ادھ پاگھیو دج کر بریان</p>
---	--



عبد آٹا ہو جادے لال کر کے حلوے دانگ تیار شراب دو گھٹ پیوے ہمراہ	پکڑ دوا سب دینے ڈال وقت شام کھاوے بیمار کرے زیادہ قوت باہ
---	---

### لشخہ قوت باہ

جھفل لونگ مصطکی لیا خونجیاں دارچینی وچ ڈال ہر ہک تولہ قدر دوا دینے منقے بنھوں حب وقت شام ہک گولی کھاوے	جلوتری عقرقرا وچ پاء کیاب چینی بابونہ نال ماشے ترے ایفیم ملا ترے ترے ماشے گولیاں سب دودھ گھیو ماکھیوں میل کھاوے
--	---

### روغن طلا سستی قضیب

ماہل سنگنی جھفل لیا ہک ہک تولہ سب دوا لے کے خالص مٹھاتیل دو گھٹ پارچہ لے سفید اس نول بٹی دانگ بنا پیالہ چینی پیٹھ رکھا عبد ساری بٹی جل جا	دارچینی لونگ عاقرقرا گوئڈے گھت باریک کرا دارو سب اس دے دینے میل کر آلودہ نال اس دھید مال ادھے دے پکڑ جلا روغن اس دے دینے چوا روغن شیشی گھت رکھا
---	---

سبب ہے سستی بلغم باد  
پیشے اس دی بنیاد

## نسخہ طلا

رائی خراسانی اجوین دو دو رتی دا مقدار تیل بمشے دے وچ طلا	خم حرم کوڑی کھٹ لین کٹ پیس ایہہ داد چار ذکر اُتے نت کرو طلا
--	---

## نسخہ طلا

چھ ماشے پیہہ روں دا لیا رکھ دھپے اُس لے سکھا گھيو گوکے وچ تر کردا روغن شیشی نال چواء لاڈ سپاری سیون چھوڑ	اک دے دودھ وچ تر کردا بٹی اُس ذی لے بنا سیخ مال اس نوں لٹکاء حاجت وقت آلت تے لا روغن اس دے جیہا نہ ہو
--	---

## روغن طلا

برد بیاج یا بلغم باد روغن کراں بیسان طلا چڑا پھٹے رنگاں جوشت عقر قرقا ماہل سنگنی لیا دارچینی خراسانی اجوین دو دو تولے سب دوا ترے بیضے زردی دچہ میل	جے آلت وچ کرے فساد دیوے سستی ذکر دنیا مالش تمیں ہو جان درست جھفل لونگ جلوتری پا خم حرم داد آٹھ دن کھٹے کر درڑہ کردا پتال جنتر نال کدھو تیل
--	--

ڈال  
بیمار  
پاہ

پاہ  
مال

ملا

سب

کھلا

ماقر قرقا

یک کرا

دچ میل

دبید

پڑ جلا

چچوا

ت رکھا



یا آتشی شیشی دج ڈال ہک قطرہ آلت تے بیس جے چرنی مرقا کریں آمیز	تیل کڈھ رگل حکمت نال شستی نس جاوے چھڈ دیس بہت قوت ہو عا دے تیز
---	--

### بیان پٹہ قضیب

ہور دساں ہک عجب دوا بند مواد رگاں دج ہو کسے سبب نہ ہووے حل ذکر اُتے کر استعمال ہوونے سست مرض بابوس پٹھے رگاں ہو جاوے صاف	ہرگز کدے نہ پوے خطا یا چمڑے دج رہے کھلو پاوے شہوت دج خلل دیوے غیر مواد نکال شہوت آدس مثل خروس کرے قصور خداوند معاف
---	---

### روغن مجربہ طلا

ماہل کنگنی مغز جیپال عقر قرحا دج لونگ طلا دو دو تولے دارو ست درلہ کر دارو سب میل یا تیل مٹھا دج چرب کرا رکھو شیشی دے دج ڈال روغن طرف اولہ دے لا کر کے اوپر ذکر طلا	کچھ پھل تراش کے ڈال دار جینی جعفر دج پا نم ارنب چھٹا کی گھت کڈھ آتشی شیشی دج تیل پتال جتر دے نال کڈھا وقت حاجت کر استعمال حشفہ سیون لٹیں بجا اُتے پٹی پان بنھا
---	---

پتر  
دوتا  
روغن  
مجربہ

ملذذ  
عور  
دارو  
منہ  
صحبت

کے  
وزن  
میل  
صحبت

دارو  
وزن

پترپان جے ہتھ نہ آوے دو تہے روز گزر جد جادو روغن پھیر نہ ہرگز لائیں مغرب روغن ایہہ طلا	پت بیری دے توڑ بھٹاکے پنفسیاں جسم آتے نکل آون گوکا گھیو لا زخم چھڑائیں دیوے سستی جلد دجا
---	---

## نسخہ ملذذ

ملذذ نسخہ آیا یاد عورت مرد آون دھج جوش دارچینی سنڈھ عقرقرھا منہ دھج چتھ نکال لعاب صحبت وقت ذکر تے لا	صحبت وقت کرے دلشاد ہوون لذت نال بے ہوش ترے کٹ کے درڑھ کرا وقت دخول لگاؤ شتاب دیوے لذت لطف دیکھا
--	---

## نسخہ ملذذ

لے سنڈھ کیسر لونگ ایتم وزن برابر سب دوا میل تھوڑا جیہا دھج شراب صحبت کرے عورت دے نال	دارچینی عاقرقرھا حکیم پیہ سے ڈبی دھج رکھا صحبت وقت لگاؤ شتاب عورت بہت ہوئے خوشحال
---	--

## نسخہ ملذذ

دارچینی سنڈھ عاقرقرھا وزن برابر چار دوا	باب چینی بھی کر ہمراہ چربی بکرا نال طلا
--	--



وقت صحبت آلت تے لادے	لذت نال مست ہو جائے
----------------------	---------------------

## نسخہ ملذذ

سو گہ عقہ قرچھا کافور پیہہ پاکھیوں دیوچ ملا ایسا لذت لطف دکھائے	ترے برابر لے ضرور لیپ کر دنت جماع لذت نال بے ہوش ہو جائے
---	--

## سرعت انزال

سرعت انزال مرض مادہ جان جد شہوت دا کرے خیال جد نر دیک عورت دے جائے خوشی نہ اس نون آدے ٹول سبب ڈر خوف یا وہم خیال دل نون ضعیف ہووے یا غم قوت دافع ہووے تیز یا گرمی اس وج خزانے یا اس گزر گئے کئی سال ظرف منی مارے جوش یا اس ضعیف جگر تحقیق حبش الحدید اکھوا معجون اول اوس دی شادی کر	ہووے جھب جھب خلاص انسان جلدی نال ہووے انزال لذت لطف نہ ہرگز آوے رہے طبیعت بہت ملول آوے دل وج سوچ کمال قوت ماسکہ ہووے کم ہووے ماہ منی گریز یا گڑے یا وج مٹانے عورت نال نہ ہو یا دصال آوے شہوت وج خروش سبب صفرا یا خون رقیق کاہڑہ کرے بدن وج خون دل تھوں دور ہووے غم ڈر
---	---

سرعت انزال

روح اُس دافرحت وچ آوے اول اُس دا کر کے سیاہ رہے ہمیشہ عورت پاس چیزاں گرم نہ ہرگز کھاوے کرے زنا نہ ہرگز دت	دل تھوں وہم خیال و نجاوے پچھوں دارد شروع کرا دل تھوں دور ہوئے دسواس غیر عورت ہے راہ نہ جاوے ایہ رکھ یاد نصیحت مت
---	--

### شناسی مجرب نسخہ قوت باہ ✓

شناسی نسخہ کراں بیان نشہ سونا رسیم فولاد مونا رسکہ قلعی عقیق ترے ترے مافے سب دوا موصلی ہک چھٹانک سفید ستاور ثعلب موصلی سیاہ ترے ترے تولے دارد آن سبھے دارد جمع کرا کھیر پکاٹیکے مانندے نال کراں بیان اُس دی ترکیب ہک چھٹانکی ماہاں دی دال نہرے دھو چھل دور کرا وانگوں کھیر جیدوں پک جاوے گھنڈ چھٹانکی اس وچ ڈال	مڈھے تائیں کرے جوان ماسکہ قوت کرن زیاد ہودے شامل نال تحقیق پاء مصری گٹ کے وچ پا موچرس ڈال یکر کس دید گوند کیکر تیج کر ہمراہ گٹ کے نال ملا ڈچھان پھلکی اُس دی لے بنا ڈیرھ تولہ کھاوے وچ ڈال نال عقل دے سمجھ طیب رات پوسا رکھ پانی ڈال سیر گوکے دودھ وچ پا ڈیرھ تولہ دارد وچ پادے کرد ہمیشہ استعمال
--	--



ایہ نسخہ مخفی اسرار کرے خزانوں دفع آزار

## نسخہ مجربہ سرعت انزال

نسخہ ہور آزمودہ کار  
سنگ جراثحت سرمہ سیاہ  
سنگ یہود تے کتھ سفید  
طباشیر الاچی بھنگ بریان  
کباب چینی ماجو گلنار  
حمام دستے دے دج کوٹا  
پا پکا مصری دج ڈال  
چھ ماشے دا وزن مدام  
بہت جے گرمی دج خزانے  
شامل نال رکھو ادرار  
کاہو ، خرفہ تخم خیار  
گرم نہ کھاوے کوئی چیز

ہوئے بہت شفا بیمار  
قلمی شورہ کہ ہمراہ  
آٹا پھلی بکری دا دید  
خشک بہروزہ میلو آن  
کندر سب متقالاں چار  
گھبگو کے دج چرب کرا  
کھاوے دودھ بکری دے نال  
کھاوے نت صبح تے شام  
سوزش سرکن دج شانے  
ہوئے جلدی دفع آزار  
بھکڑا کاسنی ایہ ادرار  
ایہو رکھیں یاد تیز

## نسخہ مجربہ سائیں بخش حکیم

ایہ نسخہ میرا آزمایا  
کرے جے ایس نوں استعمال  
سپاری چکنی تولے پیس  
موصلی پھلکا ایسغول

صدری بصدری تریا آیا  
دفع ہوئے سرعت انزال  
حمام دستے لوہے دج پیس  
دونوں پنج پنج تولے تول

الاجی خرد ستاور لیا داہڑی بوہڑ موصلی سیاہ دو دو تولے دانہ ست پنج سیر گوکا دودھ منگا سیر پکا گوکا گھی ڈال کھویا لال جودوں ہو جا مصری سیر پکا دینچ پیت لڈو بندھ چھٹا کی تول ہک ہک لڈو جے نت کھا کے	آٹا پھل بکڑ دا پا گوند بکڑ پنج کر ہمراہ مٹک کا ذرا ماشے ترے گھت کڑا ہی گھت کھویہ پکوا کھویا کر اس دے دچ لال جلدی نال کڑا ہی لاه کھویا میل دوا سب گھت ہے ایہ نسخہ بڑا امول کرے قوت امساک دھاکے
--	---

### ۷ نسخہ قوت باہ صدری

ہے ایہ نسخہ صدری آزمائشی جیکر ضعف قوت دینچ آوے قوت شہوت ہووے مست ادھ سیر پکا مانہ دی دال گھوٹ ڈنڈے دینچ آن دار چینی مغز نار جیل چارے مغز تے مغز بادام سیر ہک آب پیاز کڈھا گاہڑہ جودوں ہو جاوے قوام دو ترے تولے فخر کھوا	بخشیا ہک فقیر شناسی منی خزانہوں خشک ہو جاتے کر استقبال ہو جاتے چست رات پوسا فخرے دھو ڈال ادھ سیر گھیو دینچ کر بریان مغز پستہ چلغوزہ میل پنج پنج تولے وزن تمام سیر ہک ماکھیوں گھت پکا کٹ ملا دوا تمام گھیو دودھ پچھوں گھول پلا
--	--



تسے تولے سوتے وقت کھوا

ہک چھٹانک شراب پلا

### نسخہ قوت باہ صدری

صدری نسخہ کراں بیان  
دیوے جسموں مرض نکال  
دار چینی پنج تولے وٹید  
شقاقل مغز چلغوزہ عام  
مغز اخروٹ، فندق وچ میل  
ہر ہک قدر چھٹانک دوا  
گوند رگ گردی کر ہمراہ  
دو دو تولے چار دوا  
تینوں ہک ہک سیر حساب  
کٹ ملاؤ دوا تمام  
کھائے دونوں وقت نہار  
کھٹی چیز نہ کھائے کو

جے قوت باہ دوج نقصان  
کریں جے اس نون استعمال  
موصلی تولے پنج سفید  
ستادور ثعلب مغز بادام  
پستہ مغز، مغز نابجل  
چار مغز لے کے دوج پیا  
موجرس موصلی ڈال سیاہ  
الاجی دانہ نال پلا  
ماکھیوں گوکا گھیو شراب  
ڈال کڑا ہی دوج کر توام  
کر اس دا معجون تیار  
دزن اس دا ہے تولے دو

### نسخہ ماء اللحم دوا آتشہ

قوت باہ جے ہودے مات  
تھوڑا جہا شراب پلا  
کرے ضعیف شہوت دافد  
درتن کل امیر کبیر

سبب ڈر یا غم یا دہمات  
دو آتشہ ماء اللحم پلا  
ماء اللحم عرق مشہود  
دو آتشہ عرق ایہ دوا کبیر

عرق مثل ایہ آب حیات  
 کرن طیب اس نول مرغوب  
 پنج تولے اس وزن اندازہ  
 پنج سیر گوشت بکرا یا  
 گوشت سیر مرغ دا ڈال  
 دہ سیر اس درج پانی پا  
 عرق کیوڑہ، عرق گلاب  
 عرق سونف دا نال ملا  
 بڑہ صندل سترخ سفید  
 دار چینی تے پھل گلاب  
 دونوں الاچیاں کالی چھڑ  
 چوب چینی گٹ وچ گھت  
 درڑہ کرکے سب دوا  
 بجری سارے عرق ملا  
 عرق دوا سب کرد اکٹھ  
 نال سچ دے عرق نکال  
 مٹھی مٹھی آگ جلا میں  
 بہت شتابی مول نہ کر  
 کرے کوئی اس نول استعمال

کردا صُغف قوت دامت  
 قوت بخشنے جگر قلوب  
 پیندیاں سار ہوتے روح تازہ  
 جزئی ساری دور کرا  
 تھوڑا گھیو گھت بھن کر لال  
 چھ ست بوتل عرق کھینچا  
 بید مشک درج میل شتاب  
 ہر ہک ہودے سیر چکا  
 بنفشہ نیلوفر گھت وید  
 گاؤ زبان درج میل شتاب  
 دو دو تولے وزن قدر  
 تول وزن وچ تولے ست  
 اٹھ سیر پانی درج پوسا  
 مڑ دوا دو آتشہ کھینچا  
 عرق نکالو بوتل اٹھ  
 دوترے دفعہ بھانڈی وچ ڈال  
 یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں  
 مت عرق کچھ جادے سڑ  
 پیدا کرے شہوت فی الحال

کرے نہایت قوت باہ  
 دیوے سستی صُغف و بجا



# خارش خصیہ

جیکر خارش خصیاں وچ  
 بلغم شور احتراق مواد  
 سڑیا مادہ بلغم شور  
 سہاگہ آملہ سار کیسیں  
 نیلا تھوٹھا کر بریان  
 دو ماشے وچ دہی ملا  
 بعد دو ساعت استعمال  
 پچھوں گل روغن لکوا  
 سنب جیکر صفرا دا ساڑ  
 پھوڑے پھنسیاں ہون ظہور  
 سرکن سوزش مارے ڈنگ  
 نکلے خون یا پانی زرد  
 مردہ سنگ کتہ پھل انار  
 گل روغن سرکے وچ ملا  
 جے سرکن دا بہت تصور  
 پچھوں تخم کرفس جو شا  
 سبب جے ہودے خون زیادہ

ہودے کرے نہایت زنج  
 خصیاں دے وچ کرے فساد  
 نکلے خارش دیوے زور  
 ہرک چھ ماشے میں  
 ماشہ ہکا ملاؤ آن  
 خصیاں اُتے کرو طلا  
 دھویں گرم پانی دے نال  
 سرک تھوڑا جیہا ملا  
 خصیاں دے وچ کرے گاڑ  
 خصیاں دے وچ کرن تھو  
 خارش کرے نہایت تنگ  
 بعد خارش دے ہودے درد  
 ہندی وزن برابر چار  
 خصیاں اُتے کرو طلا  
 میل تھوڑا جیہا مشک کاٹو  
 نھیں اس دے نال دھوا  
 رلیا نال سوداوی مادہ

نال قصہ کر خارج خون  
 جیکر گندہ بہت زبوں

# درم تخصیص

جے خضیاں دھج ہووے درم  
 کر معلوم علامتاں نال  
 جے صفرا دی ہووے مادہ  
 کاسنی دھنیاں مُشک کافور  
 گھوٹ کوندے گھت عرق گلاب  
 پیلاک پانی دھج جوہا  
 گل روغن گھت مُشک کافور  
 سبب درم دا جیکر خون  
 صافن باسلیق چھڑا  
 جیکر قبض شکم وچہ ہو  
 جیکر کوئی سرد مواد  
 ازل تے پچھل اسہال  
 جوارش کندر دیوے نفع  
 جیکر ہووے درم کزخت  
 اوکھا ہووے بہت رنجول  
 قتل ادبہ کرد ضماد  
 مالش روغن گرم کرا  
 بابونہ میتھی سوئے یا  
 تیل مٹھا گھت یب کرا

مادہ سرد ہووے یا گرم  
 کر کے چنگی طرح خیال  
 سوزش سڑکن درد زیادہ  
 نال ملاؤ صندل بور  
 خضیاں تے کر لپ شتاب  
 خضیے اس دے نال دھوا  
 مل سڑکن ہو جادے دور  
 ہووے گندہ بہت زبون  
 پشت کرتے جوکاں لا  
 دیہ ملتین اس نوں کو  
 خضیاں دے دھج کرے فادہ  
 دیوے اس نوں فاضل نال  
 کوئی کرے دکھ سب دفع  
 کرڑہ بہت نہایت سخت  
 گرم پانی دی کرد نطول  
 ہووے جھبے دور فساد  
 روغن کھڑا ارنڈ ملا  
 گھوٹ پانی دھج گرم کرا  
 کس نگوٹ خوب بنھا



## بیان فتن

فتن مؤذی ہک برما آزار  
 بھارے نل ہوون جیوں دم  
 پردہ شکم جو نام صفاق  
 رودہ نکل اس راہ شکاف  
 پانی رتج یا سخت مواد  
 جیکر پانی خضیاں وچ  
 جھلکے خضیاں دے وچ پانی  
 خضیاں وچ پانی بھر جاوے  
 یا اس دیویں داغ یا دیویں گل  
 یا پانی نشتر نال نکال  
 نال عقل دے نشتر لا  
 ہر ہفتہ ہک کرو جلاب  
 پودہ کھڑا حرم زعفران  
 سکینج ، مصطکی ، گوگل پا  
 ہک ہک تولہ سب دوا  
 عرق سونف وچ جھوٹو حب  
 گولیاں چارینج نت کھاوے  
 قیل الماء نل دیوے نفع  
 کندرا شق صبر مڑ لیا

ہندی وچ آکھن نل بھار  
 کرڑے سخت یا پوے نرم  
 کسے سبب ہو جاوے چاق  
 گرے نلاں دے وچ غلاف  
 وچ نلاں دے کرے فساد  
 اترے کرے نہایت زنج  
 زرقی استسقاء نشانی  
 قیل الماء وچ فتن سداوے  
 نہیں دوا کوئی اس دے تل  
 خضیاں دی کر بہت سہال  
 خضیے اوپر طرف جھڑا  
 حب ایارج نال شتاب  
 تخم کرفس انیسول آن  
 چھل ہریٹاں زرد ملا  
 کٹ چھان سب جمع کرا  
 چنے برابر گولیاں سب  
 خضیوں استسقا وچ جاوے  
 قیل الرتج ہو جاوے دفع  
 دندے کرڑے وچ گھوٹا

یا  
 فتن  
 دیو  
 را  
 ہو  
 دست  
 کرف  
 دار  
 الا  
 حمام  
 کھاد  
 ماء  
 بہت  
 زیری  
 زرد  
 کرڑہ  
 نل  
 قروا  
 خشک  
 مالش  
 روحن

پانی تھوڑا جیہا ملا  
 نفع ہے ہودے خاص ریاضی  
 دیوے نفع نہایت زور  
 دائم رہے نالوں وچ سول  
 ہودن خُصیے پھل عظیم  
 دتاں پک عجیب دوا  
 کرفس انیسوں زیرہ سیاہ  
 دارچینی لک مرچ خولجاں  
 الاچی دانہ نال ملا  
 حمام دستے دے وچہ کوٹا  
 کھاوے نت پک دو متقال  
 ماء الاصول دوا ہے نال  
 بہت نہایت دیوے نفع  
 زیری سیاہ اجوین سداب  
 زردی بیضہ وچ ملا  
 کرہ خشک غلیظ مواد  
 نل ہو جاوے بہت کرخت  
 قرۃ العین اس دا نام  
 خشک مواد ہے ہودے سرد  
 مالش کرد ازہ دا تیل  
 روغن بیضہ کرد ملا

پٹہ خُصیاں تے بنھوا  
 خُصیاں تے وچ کرے تباہی  
 ہودے خُصیاں وچ مروڑ  
 اوکھا ہودے بہت رنجول  
 قیل الریح اس کمن حکیم  
 دیوے خُصیوں ریح اڑا  
 پودنہ سُنڈھ کرد ہمراہ  
 گل بابونہ میل سورجاں  
 دو دو تو لے سب دوا  
 تگناں ماکھیوں نال ملا  
 دیوے خُصیوں ریح نکال  
 کرے جیکر نت استعمال  
 بلغم باد کرے ریح دفع  
 مصبر نال ملا شتاب  
 خُصیاں اُتے پیپ کرا  
 جے خُصیاں وچ کرے فدا  
 کرڑے دانگ پتھرے سخت  
 کہن حکیم طیب تمام  
 شامل رہے ہمیشہ درد  
 ردغن نال بابونہ میل  
 چربی مرغا نال ملا

بھار  
 نرم  
 چاق  
 ملا  
 فساد  
 زنج  
 نشانی  
 یارے  
 تل  
 منہاں  
 جھڑا  
 شتاب  
 آن  
 د  
 جمع کرا  
 سب  
 بجاوے  
 دفع  
 ہودا



<p>             روغن گل یا روغن گرم              بہت نلاں وچ جیکر سول              ترے تو لے کالے تل لے آ              تیل مٹھا گھت گرم کرا              اُتوں کس لنگوٹ بہت              جے خُصیاں ہے وچ غلاف              نام اس دا قیل الامعاء              سخت قسم ایہ فتنق خدید              مشکل بکڑے جدوں مزاج              مصلک صبر کنڈر گلنار              گھوٹ مکوٹے پانی وچ              ہرگز حرکت کرے نہ کام              رحمت کرے جیکر رب شافی              پٹہ اوپر بہن شکاف              جادے دکھ پُرانا ہو              باہجھ کرے کوئی نہیں علاج           </p>	<p>             ہو ر قیر و طی کرے جو نرم              گرم پانی دی کرو نطول              پانی گھت کونڈے گھٹوا              پٹہ خُصیاں تے بنھوا              استعمال کرو دو چن              اُترے رودہ راہ شکاف              طبّاں وچ آکھن حکماء              بہت دیر تک رہے پلید              شروع مرض دا کہاں علاج              ماجو سبز پھسکڑی ساڑ              بنھوں کس لنگوٹ کھچ              ترے روز تک کرے آرام              دو ترے پٹے ہوون کافی              جتھوں رودہ نکلے صاف              بہت مدت جے رہے کھلو              بنھوں اس نوں جیویں راج           </p>
--	---

### نسخہ نل بھار طفل

<p>             خشک بہروزہ تولہ لیا              کنڈر کتھ ہے ماجو بریان              کٹ کے سبھے کرو باریک           </p>	<p>             ماشے ترے اینیم ملا              ہر یک چھ چھ ماشے آن              میدے وانگ ہو جاول ٹھیک           </p>
--	--

لٹا  
 آدا  
 جے  
 نال  
 کالی  
 تھو  
 اسر  
 جس  
 بختن  
 طبع  
 کر  
 جے  
 سرد  
 دار  
 رنج

لے پانی نال پوسا آول خصیہ لے جڑھا	دارو چھڑک خصیہ تے لا روغن بالونہ کلواء
--------------------------------------	---

### نسخہ نل بھارا طفل

جے لڑکے دانل ودھ جائے نال درد دے ہوئے نہج کالی زیری لے منگوا تھوڑا جیہا مصبر میل اُس نوں پٹش وانگ بنا	سبب یخ دے یا پھل جائے لگے بہت نلاں نوں کھج پانی گھت خوب گھوٹا اگ تے رکھ مٹھا گھت تیل خصیاں تے پٹ بنھوا
---	--

### بیان عسر الولادت

جس عورت نوں ہوئے عادت جمن وقت نہایت پیڑ طبع مزاج اس کر مطلوب کر کچھ مدت استعمال جے اس ہووے شکم کشیف سرد خشک اس بہت مزاج دار چینی چھ ماشے لیا دج منقہ دارو سب	مشکل جننا وقت دلادت اوکھا ہووے بہت سریر تا حاصل ہووے مطلوب عادت دفع ہوئے فی الحال جمن وقت پہنچے تکلیف کر توں اس دا ایہ علاج چار چوہارے کٹ پلا چار حقے کر بنھوں حب
---	--

چار دفعہ دن دج کھوا  
گھیو دودھ گوکا کاہڑ پلا



چار دفعہ دن دج کھوا  
 ریشہ روغن مغز بادام  
 فرج نہانی دج ملا  
 ایسے طرح کر استعمال  
 جیکر تینوں ہوئے لوڑ  
 لئے تل یک چھٹانکی سیاہ  
 دار چینی ترے ماشے ڈال  
 منقہ پندراں دانے گھت  
 پانی دے دج گھت جوشا  
 پیوے عورت اکھ نہار  
 ہفتہ کرے بے استعمال  
 تازہ آدھ سیر دودھ منگا  
 زردی بیضہ نال ملا  
 پیوے عورت سرکیاں نال  
 یک بیضے دی زردی بیا  
 آدھ پا پکا گھیو لے آن  
 کھنڈ تھوڑی نال ملا  
 اسی میتھی خوب گھوٹا  
 تیل مٹھا گھت گرم کرا  
 پیرو جدوں گرم ہو جا  
 چھٹانکی اہلتاس منگا

گھیو دودھ گوکا کاہڑ پلا  
 بابونہ روغن میل تمام  
 شکم پیرو نوں تر کرا  
 بچہ جتنے آسانی نال  
 ٹوٹکہ بیان کراں یک ہو  
 چھٹانک پُرانا گڑ ہمراہ  
 چار چوہارے ہوون نال  
 سونف ملا کٹ ماشے ست  
 کل کے پن کے صاف کرا  
 آوے بچہ باہر دار  
 دیوے سچی حمل نکال  
 چھٹانکی گھیو گھت گرم کرا  
 چار تولے ماکھیوں دج پا  
 بچہ جتنے آسانی نال  
 دار چینی پنج ماشے پا  
 زردی اس دج کر بریان  
 عورت نوں دو دقت کھوا  
 پانی تھوڑا جیہا ملا  
 پیرو اتے یب کرا  
 مشکل کرے آسان خدا  
 گرم دودھ دج گھول پلا

قدرے لے گھیر دج ڈال

بچہ بنے آسانی نال

## بیان ادویہ ساقط حمل و جنین

دقت ولادت عورت تائیں  
لے بہتیرے جھاڑ کلاوے  
دج شکم دے ہوئے درد  
کدنی ٹالیوں میتھی یا  
نم گاجر دے لے دج گھت  
کٹ پانی دج گھت ادیال  
کل پن اس نوں صاف کرا  
دو ترے دفعہ کرا استعمال  
کڑی کھٹ تماں سداب  
پیرو اُتے لیپ کرا  
تھلی شورہ زیت نہار  
پانی تازے نال لنگھاوے  
چھ ست ماشے خشک سداب  
سقمونیا اصلی ماشے ترے  
بر ہفتہ کر کے اس طور  
کر شاذ رُود اس دج جھول  
نم گدوں دا کرو بخور  
بڑھتے دی چھل گھوٹا

پنچے تنگی مارے ڈھائیں  
ہرگز بچہ باہر نہ آوے  
ہتھ پیر ہو جادوں سرد  
سونف اجوین کرفس ملا  
ترے ترے ماشے دارو ست  
پورا نہ پنچ تو لے ڈال  
عورت تائیں ترے پلاء  
بچہ باہر آوے فی الحال  
گھوٹ پلاء دج شہد شتاب  
بچہ مُردہ کرے جدا  
چھ ست ماشے دا مقدار  
کچا پکا حمل گراوے  
گھوٹ پانی دے دج شتاب  
اس پانی دج حل کرے  
پیوے حمل کرے فی القو  
موتہہ رحم دا دیوے کھول  
حمل شکم تھیں ہو دے دور  
پانی اُس دا صاف کرا



<p>مصبر تھوڑا جیہا ملا یا پشیم نوں کر کے تر زندہ مردہ پکا کچا اٹ سٹ دی جڑھ لگھوٹا شافہ کر نمک دج کھور دھونی آدمیاں دے وال پودنہ پانی وچ گھوٹا شافہ کر شورہ وچ گھت ہک ہفتہ ایہ عمل کما دے</p>	<p>رؤں آلودہ فرج رکھا موتہ رحم دے اگے دھر کرے شکم بھین خارج بچہ تھوڑا جیہا مصبر یا بچہ گرے شکم نوں چھوڑ دیوے بچہ ثرت نکال ترے ماشے دا وزن ملا دیوے رن حمل نوں سٹ کچا حمل باہر جھب آدے</p>
--	---

### بیان استقاط حمل

<p>جس عورت نوں آدے حیض جاری خون ہو جائے عام ہو جاوے اس عادت دلم دو بجے تریجے چوتھے ماہ گرم مواد جد دیوے زور زہریلا مادہ مارے ڈنگ شامل تاپ چڑھے جے نال اول اس نوں کر تبرید سرد نقوع پلایا کر گوند کتیرا رات پوسا</p>	<p>اندر حمل نہ دیوے فیض خارج حمل ہو جائے عام رہے نہ حمل شکم دج قائم ہو دے کچا حمل تباہ ہو دے اندر رحم مردہ ہو دے عورت ڈاڈی تنگ عورت بہت ہو دے بد حال ظاہر باطن نال تاکید دھنیاں عطی نیلوں فجر پلا دودھ بکری پا</p>
---	--

دھنیاں بھکھڑا خوب گھوٹا شیرہ کوندے گھوٹ نال بہیدانہ ریشہ خطمی لیا ایسبغول دا کڈھ لعاب کر شاذہ اس دیوے فیض ماجو کتھ گلنار کافور دھنیے دے پانی دچہ گھول حب آلاس ماجو گلنار کاسنی دھنیاں صندل پورہ ترے مائے مشک کافور ملا	کاہو خرفہ نال ملا پیوے عورت مصری ڈال مصری ڈال لعاب پلا مصری ڈال پلاؤ شتاب فوراً بند ہو جائے حیض دو دو مائے پیس ضرور کر شاذہ ایہ بڑا اصول سفید پھٹکری چھل انار ہر یک چھ مائے پورہ ختم پیڑو تے لیپ کرا
---	---

### احتباس طمث

گھٹ یا بالکل بند ہو جائے احتباس مرض دا نام ضعف یا غلظت خشک یا آب سڈہ ورم قروح یا پھٹ کر توں اس نوں خوب یخ جھبے اس دی کراہی عادت وقت نہایت درد پیڑو تے مالش کردا استعمال حکیم یونان	جس عورت نوں حیض نہ آئے جے ہو جاوے بند تمام کر معلوم اس دا اسباب یا اس خون بدن وچ گھٹ یا کج باد یا بلغم رتخ جیکر ہوس سبب ریاخ دائم رہے مٹانہ سرد روغن کٹھ دا آپ بٹا محرّب نسخہ کراں بیان
--	---



سونف تخم خربوزہ لیا  
 اجوین کرفس پودنہ لے  
 کٹ جوشاندہ کر کے تیار  
 نسخہ کراں بیان ہک ہور  
 دار چینی مگ مرغ سیاہ  
 خونجاں زیرہ کالا ڈال  
 کالی چھڑ بابونہ گل  
 ترے پاپکا شہد منگا  
 فخرے نت چھ ماشے چٹ  
 جوشاندہ جیکر پھلاناں  
 محرب نسخہ بہت لاثانی  
 کریں جے ایسنوں استعمال  
 پودنہ آہو بیر سداب  
 ترے تہے ماشے دارد آن  
 وزن چھ ماشے کھائے تول  
 لے تل ہک چھٹانک سیاہ  
 پورا نہ گڑ پنچ تولے ڈال  
 کاہڑ جوشاندہ کر کے تیار  
 دار چینی ترے ماشے کھول  
 گوگل دا جے کرے بخور  
 تخم خربوزہ میٹھی لے  
 ہک ہک تول وزن تول  
 ترے ترے ماشے دارد آن  
 پیوسے ماکھیوں ڈال نہار  
 رتج مشانیوں دیوسے تول  
 سندھ سداب کرد ہوا  
 الاچی دانہ بھی گھت نال  
 دو دو تولے دارد کل  
 کٹ تمام معجون بنا  
 جڑاں رتج دیاں سے پٹ  
 پیوسے فائدہ کرے کمال  
 لکھیا اندر طب یونانی  
 کھولے حیض بند ست سال  
 بول مویزہ منقہ ڈال  
 کٹ باریک کپڑے دی چھان  
 دیوسے جھب حیض نول کھول  
 منقہ پنچ تولے ہمراہ  
 پنچ چوارے ہورون نال  
 پیوسے ماکھیوں ڈال نہار  
 دیوسے بند حیض نول کھول  
 رہے نہ بندن حیض قصور  
 سونف ہر ہک ماشے تہے

پود  
 دار  
 پور  
 دو  
 پنہ  
 پورا  
 چھ  
 پیوسے  
 مغز  
 ہک  
 دو  
 جے  
 جے  
 چھٹا

حدود  
 غلبہ پا  
 لاغریہ  
 بہت  
 ایہ

دودھ زیرہ پے سفید  
 دار چینی تے تخم خیار  
 پورا نہ گڑ گھٹ تولے چار  
 دو ہفتے کر استعمال  
 پیہہ دانہ تولے ترے  
 پورا نہ گڑ گھٹ تولے چار  
 چھ ماہے ثنابت اجوین  
 پیوے نال جوشاندہ کاہڑ  
 مغز پیہہ دانے لے آ  
 یک یک تولے دامقدا  
 دو ترے ماہے وزن قدر  
 جے گھٹ بدن چھوے خون  
 جے خشکی دا ہووے زور  
 چھٹا کی مکھن فجر کھوا

کرس اجوین دامیسل کر دید  
 ہر یک ترے ماہے مقدار  
 پیوے کاہڑ ایہہ نت نہار  
 کھولے حیض بند فی الحال  
 کٹ جوشا پانی دج لے  
 پیوے عورت رت نہار  
 جے کھاوے عورت دن میں  
 بند حیض ہووے ادوار  
 تخم خروارہ کٹ ملا  
 پلا پکھوں پانی دج کاہڑ  
 قلمی شوره داخل کر  
 کھوا خبث الحید معجون  
 نال طرادت خشکی توڑ  
 گھیو دودھ اس نول شام پلا

### بیان کثرت طمث

جودوں دافر حیض جے آوے  
 غلبہ پاوے جودوں آزار  
 لاغر بہت جسم ہو جاوے  
 بہت دیر جے رہے آزار  
 ایہہ ہے موزی مرض خراب

کثرت طمث اوہ مرض سدکے  
 چلے خون اس مثل شارب  
 خون دیکھ عورت گھبراوے  
 کرے طبیعت بہت خوار  
 دارو اس دا کردشتاب

تولہ  
 دترے  
 ہمار  
 توڑ  
 ہمار  
 نال  
 کل  
 بنا  
 پٹ  
 کمال  
 یونانی  
 سال  
 ڈال  
 جچھان  
 زں کھول  
 ہمار  
 نال  
 ال نہار  
 دل کھول  
 من قصور  
 شے تے



سبب ہے ہودے غوثی ماہ  
اول باسلیق چھڑا  
پچھوں شربت سرد نقوع  
بفشہ شربت نیلوفر  
سرد نقوع شربت عناب  
جے صفرا کر جائے زور  
ہر حیلے اس کر تبرید  
بکری دا دودھ نت پلا  
پاپڑا دھنیاں نیلوفر  
کر کے پانی دھج نقوع  
شربت نال پلاؤ عناب  
شیاف دساں ہک مثل کشد  
سفید سہاگ پھٹکری ساڑ  
کندر کتھ ماجھ بریان  
کٹ دوا سب جمع کرا  
پوست پانی کر کے صاف  
رکھ رخم دھج بنھ شیاف  
پاپڑا سنیاں نیلوفر  
جیکر مرض پُرانی ہو  
مجرب نسخہ آکھ سناواں  
ہے میرا آزمودہ کار

ہووے گندہ خون زیادہ  
 خون گندہ سب دور کر  
 مصفا خون کراؤ شروع  
 ریت اٹھ فخر پلایا کر  
 کرن صاف سب خون خراب  
 دیوے طرف رحم دے زور  
 شربت شیرہ سرد مفید  
 نال کتیرا گوند رلا  
 آنو انبلی شامل کر  
 رکھ ترے ہفتے اس نوں شروع  
 جاوے موزی مرض خراب  
 کرے شتاب حیض نوں بند  
 سرمہ کالا پھل انار  
 ہر یک ترے ترے ماشے آن  
 پوست ڈوڈے چار جو شا  
 ستوالا اس دج بنھ سفیان  
 کرے قصور خداوند معاف  
 نفور کر ریت پلایا کر  
 رہے جسم دے دج کھلو  
 لکھیا طبیاں دج حکماواں  
 ہوئے بہت شفا بیمار

نشاستہ لکڑی گوند کثیرا  
 بنلوچن مصطکی بریان  
 خشک بہروزہ مائیں رال  
 سنگ جراح دھالیاں بے پھل  
 کیسر خشک کافور افیم  
 گھوٹ لعاب بہیدانہ ڈال  
 ہک ہک قرص دو وقت کھوا  
 دساں شربت دمی ترکیب  
 کاسنی دھنیاں نیلو فر  
 حب آلاس لکڑی انجبار  
 گٹ پوسا پانی وچہ ڈال  
 نل کے پین کے صاف کرا  
 شربت دانگ پکاؤ قوام  
 جے شربت پوست خشک خاس  
 ہر ہفتہ کروا تلمشیں  
 دانہ ہک مابو دا لے  
 پھسکڑی پھل ماشہ وچ پاء  
 پانی ہک تور مقدار  
 کر شاد سرمہ نال آلود  
 ہور ہک شادہ عجب دوا  
 پھسکڑی چھ ماشہ سڑوا

کلنار مغز کلکھڑی کھیرا  
 جفت بلوط سواہ سرطان  
 سپاری کتھ موجس ڈال  
 خسرو ہر ہک تور نکل  
 ماشہ ماشہ ڈال حکیم  
 قرص بنا ہک ہک مشقال  
 پچھوں شربت ایسہ پلا  
 کر ہمراہ اس نال طبیب  
 بورہ صندل شامل کر  
 ہر ہک چار تولے مقدار  
 فخرے دیگی وچ اوبال  
 سیر پکا معری وچ پا  
 شامل رکھ صبح تے شام  
 پیوے رہے نہ حیض خناس  
 دو ترے داری نال یقین  
 پھل انارال ماشہ ترے  
 گٹ پانی بے وچ جوشا  
 رہے جدول اس ہیٹھ اوتار  
 زخم زخم دا کرے نابود  
 دیوے حیض دا زخم اٹھا  
 پھل انار چھ ماشہ پاء



چھ ماشے کتھ ملاڈ آن  
 رتی چار کافر حکیم  
 کر کے کھل باریک کرا  
 بنھ اس دے دھج اٹھ شیان  
 کر شافہ روں اس دھج بوڑ  
 مڑ کے حیض نہ شکل دکھاے  
 ساری عمر نہ آوے حیض  
 بکری دا دودھ شام پلا  
 دیوے بختے دھج مروڑ  
 ایہو رکھیں یاد تمیز  
 پھل انار ماجو دھج ڈال  
 پیہہ کے خوب باریک کرا  
 ڈوڈے پوست نال ملا  
 آبدست اس رنت کرا  
 ہووے جلدی دفع فساد  
 یک یک رتی قدر حکیم  
 ترے چھٹانک پانی دھج ڈال  
 ہر ہفتے دھج یک دو داری  
 تجربہ ساتیں بخش فقیر  
 آہا پھل رکر دا دیند  
 گوند رکر تچ کر ہمراہ

چھ ماشے دارد بریان  
 چار رتی دھج ڈال انیم  
 سبے دارد جمع کرا  
 مہندی دا پانی کر صاف  
 دھنیے دے پانی دھج کھور  
 عورت ایہہ شیان کماوے  
 بہت نہایت دیوے فیض  
 مکھن گوکا رنت کھوا  
 مت خشکی کر جاوے زور  
 گرم خشک کوئی دیہہ نہ چیز  
 پھٹکڑی پھل مائیں نیپال  
 وزن برابر سب دوا  
 دھج پانی دھج جوش  
 کپڑے دھج گھت صاف کرا  
 جے پیڈ دتے کریں ضماد  
 کیس پھٹکڑی میل انیم  
 ترے ماشے پیہہ گھت نیپال  
 کرے عورت اس دی پکاری  
 ایہہ بھی ہے نسخہ اکسیر  
 پھل دھاواتے کتھ سفید  
 حب آلاس تے سرمہ سیاہ

پھل انار تے صندل بُو رہ	ہر ایک دو دو تولے پورہ
کھربا گل ارمنی تے نسیال	ایک ایک تولے دچ ڈال
کٹ پھان کے سب دوا	پھل اُس دی تے بنا
گھیٹو گو کے دچ چرب کرا	مصری تھوڑی جیسی ملا
چھ ست ماشے نت پھکا	اُتوں گو کا دودھ پلا
کاہو خرفہ کاسنی لے	گھوٹ پلا ایہ داند ترے
گورکھ پان بوٹی نت پیوسے	حیض اس بند شنبالی تھیوسے
پت نم برہم ڈنڈی لے آ	دھنیاں گھت کے گھوٹ پلا
آلو بخارا دانے ست	نقور نت پیوسے مصری گھت
شیرہ دھنیاں گھوٹ پلا	کاہو خرفہ نال ملا
انار دانہ آملہ لے آ	زرشک سماق ایہ چار دوا
رات پانی دچ کرو نقور	فجرے نت رکھو اس شروع
انبلی پانی دچ کر تر	مصری ڈال پلایا کر
گوکی لستی بہت پلا	طباشیر کچھ نال ملا

### بیان عقر عقیمہ

جیکر بچہ جنے نہ زٹ	کس ہندی دچ اُس نوں سنڈ
عقر عقیمہ آکھن نام	طباں دچ حکیم تمام
دچ رحم دے پوسے فساد	پیدا ہوسے نہ اولاد
عقر مرض دے بہت اسباب	آون ناہیں دچ حساب
طبع موافق کرو علاج	چنگی طرح پہچان مزاج



مارے جوش یا دموی مادہ	دفع قوت کرے زیادہ
قوت ماسکہ ہووے سست	کرے نہ اپنا فعل درست
ہووے نطفہ جلد فرار	اندر رحم نہ پھڑے قرار
یا اس ہووے بندش حیض	یا آوے حدوں باہر بے فیض
یا مادہ صفرا دا ساڑ	کرے رحم دے دچ بگاڑ
یا سودا احتراقی سخت	کرے رحم دا جسم کرخت
یا کوئی ریح یا بلغم باد	پاوے اندر رحم فساد
یا اس خون جسم وچہ گھٹ	موہکے قرعہ ورم یا پھٹ
یا کوئی موزی مرض آفات	کرے قوت رحم دی مات
دچ رحم دے گرے مواد	سبب اوس ہووے بے اولاد
چنگی طرح پکھان مزاج	طبع موافق کرو علاج
مارے جوش بے خون زیادہ	فصد نال کر خارج مادہ
یا سلیق دا فصد کرا	صافن گلیوں ناڑ چھڑا
جیکر بلغم دیوے زور	حب ایارج نال پخوڑ
دے کے دو تڑے چار جلاب	بلغم خارج کرو شتاب
سبب جیکر غالب صفرا	دیویں ٹھنڈی سرد دوا
جیکر خشکی کرے مغلوب	گھنٹو دودھ نال کر مرطوب
کھن تازہ نت کھوا	گوکا دودھ مصری وچہ پا
ہر ہفتہ دے کے تلین	مادہ خارج کرو لعین
جیکر گھٹ بدن وچہ خون	کھوا خبث الحدید معجون
سبب جے ہووے حیض زیادہ	دفع کرو جو موزی مادہ

ج  
م  
ا  
ع  
خا  
د  
ب  
ا  
ج  
ن  
ع  
خا  
پ  
ج  
م  
ج  
ک  
ب

سبب ہے ہودے حیض زیادہ  
 نمک شاذ فائدہ مند  
 سبب قروح درم یا پھٹ  
 جس سبب ہے ہودن مرض  
 نطق اس دا کہاں علاج  
 اڈل اس نوں مسہل کر  
 عقرقرعا دارچینی لیا  
 خالص کیسر اصل افیم  
 وچ منقے حب بنا  
 بعد حیض ہک ہفتہ کھاوے  
 اول ہر ماہ کرے جلاب  
 جے عورت دا سرد مزاج  
 نسخہ کراں بیان مجرب  
 عقرقرعا دارچینی چھڑ  
 خالص وچ شراب گھوٹا  
 پشم یا پنہ رول تر کر  
 جاوے عورت خاوند پاس  
 حمل اس حکم خدا دے نال  
 طبع موافق کرو جلاب  
 ہک سال کر استعمال  
 بورہ ہمتی دند منگا

دفع کرو جو موذی مادہ  
 کرے جو جھب خون نول بند  
 کرو معالجہ اس دا جھٹ  
 کرنا داند اس دا فرض  
 کر فاسد مادیوں صاف مزاج  
 بعد حیض دے ذرہ نہ ڈر  
 بھنگ لونگ جعفر وچ پا  
 ترے ترے ماشے ڈال عکیم  
 برابر داند مرچ سیاہ  
 حکم خدا تھیں حمل ہو جائے  
 مٹ کھٹے ہک ہک حسب شتاب  
 اس دا ہے ایہ خوب علاج  
 کیتا بہتی دفعہ مجرب  
 ہک ہک ماشہ وزن قدر  
 کپڑے دے وچ صاف کرا  
 منہ رجم دے آگے دھر  
 ہک ہفتہ کر بے وسواس  
 ہودے کرے جے استعمال  
 بعد فراغت حیض شتاب  
 ہودے سنڈ حل دے نال  
 ہک چھٹانکی وزن تولا

الذی



گھوٹ زیرہ وچ میسل سفید  
 مصری گٹ چھٹانک ملا  
 ہر ماہ اندر ہک جلاب  
 بعد جلابوں ایہہ دوا  
 مٹ دو ہفتے دیوے چھوڑ  
 کر اں بیان شدفے دا عمل  
 کرتوں بعد فراغت حیض  
 پھل دھاواتے پھل انار  
 پھل کڑی پھل ترے ماشہ ڈال  
 ہک ماشہ وچ میسل انیم  
 ترے ماشے وچ گھول شراب  
 ہک ہفتے تک شاذہ کر  
 بعد حیض ہک ہفتے تیک  
 جس عورت دا گرم مزاج  
 اس طرح علاج کر دہک سال  
 بہت بدن وچ خون زیادہ  
 اول اُس دا قصد کرا  
 مازو زیرہ لے سفید  
 عقر قوما دار چینی لیا  
 ترے ماشے دا وزن قدر  
 بعد حیض ہک ہفتہ تیک

ہووے وزن چھٹانکی دید  
 چھ ماشے دودھ نال پھکا  
 بعد فراغت کرو شتاب  
 چوداں روزاں تیک کھوا  
 بعد دو ہفتے کھا کے ہو  
 فضل خدا تھیں ہوئے حمل  
 بہت شتاب پہنچا دے فیض  
 چھ ماشے دا مقدار  
 ہک دانہ مابھوگت نال  
 کر باریک تمام حکیم  
 عورت شاذہ کرے شتاب  
 جاوے عورت خاوند گھر  
 استعمال کرا دیں ٹھیک  
 اس واسے ایہہ ٹھیک علاج  
 ہووے سندھ حمل قے نال  
 ہووے گندہ دھوی مادہ  
 صافن باسلیق چھوڑا  
 کالی زیری میلو دیند  
 برابر وزن باریک کرا  
 دارو وچ شراب کر تر  
 شانہ اوس کرا دیں ٹھیک

مر

رحم

سبب

مضر

یا کو

سبب

جو ہو

بے

بعد

منفعہ

نسخہ

کیسر

سندھ

زردی

کرو

شدت

دودھ

اجرائی

بر کجہ مدت استعمال فضل کرے رب ذوالجلال

## درد رحم

<p>             رحم اندر جے ہووے درد              سبب درد یا زخم گھنیر              صفرا خون یا خشک مواد              یا کوئی باد یا بطن رنج              سبب جے ہووے بندش عیض              جو ہووے معلوم سبب              بے وقت ولادت لگے زور              بعد ولادت جیکر درد              منقہ پودن سونہ جوشا              نسخہ کراں بیان طلسم              کیسر زہر البغج . افیم              سترہ مصبر مالوں لیا              زردی بیضہ وچ ملا              کرو طلا بروقت ضرور              شدت درد جے کرے عیض              دودھ وچ گھول پکھری              اجرائ خراسا منگوا              درد رحم تے کرو طلا           </p>	<p>             مادہ گرم ہووے یا سرد              وچ رحم تے ہووے پیڑ              وچ رحم دے کرے فساد              وچ رحم دیوے تصدیح              یا عدول باہر پٹے فیض              کرے تعالجہ اس دا حجب              آوے رحم توں سخت مروڑ              ہووے سخت نہایت درد              پیوے شہد مقوڑا جیہا یا              درد رحم دا رہے نہ آسم              دو دو ماشے وزن حکیم              تے تے ماشے لے دھپا              درد رحم تے کرو طلا              جلدی درد ہو جائے دور              لے ادھ رتی قند افیم              ہووے جلد خفیف بیماری              پوت پانی گھت گھوٹا              دیوے جلدی درد دھپا           </p>
---	---



چوتھائی رقی قدر افیم  
 نت کھوا صبح تے شام  
 شاستہ ترے تو لے بریان  
 تو لے دو میتھی کٹ پا  
 جد دونیں ہو چاون لال  
 علوا کر کے اس دا طیار  
 سبب جے ہووے دد ریاچ  
 پودنہ زیرہ سونف منگا  
 ترے ترے لہنے داد سب  
 کاہڑ جوشاندہ مشہد ملا  
 ہرمل ہالوں سنڈھ لیا  
 گھوٹ پانی دج گرم کرا  
 سبب رتج یا بلغم سرد  
 دو ترے روزا یہ لپ کرا  
 سبب درد جے ورم گرفت  
 محمل اوپر کرو خمداد  
 گل بالونہ، میتھی آن  
 گھوٹ پانی دج گرم کرا  
 جے ورم کر جاسے ریم  
 سبب جے ہووے بندل حیض  
 پودنہ آجو بیر مداب  
 منقہ دج کھوا حکیم  
 آوے اُسے وقت آرام  
 چار تو لے گھب دج کر آن  
 دونیں کڑھی نال ملا  
 چھٹا نکی کھنڈ شربت کر ڈال  
 کھاوے عورت نت نہار  
 جھبڈے کر اس دی اصلاح  
 منقہ دار چینی لگ پا  
 کٹ جوشا پانی دج سب  
 پیوے نت رہے نہ کا  
 جوین مصبر گوگل پا  
 درد رتج تے لپ کرا  
 ہووے اندر رحم جے درد  
 دیوے رتج دا دد آڑا  
 ہووے بہت نہایت سخت  
 ہووے جلد تحلیل مواد  
 سوئے زیری سیاہ کتان  
 نیل مٹھا گھت لپ کرا  
 داد اس دا کرد حکیم  
 ایہ شاذ اُس دیوے فیض  
 بول منقہ میل شتاب

تنہ  
 تھوڑا  
 کچھ  
 پوست  
 کٹ  
 پودانہ  
 گوگل  
 اقیمو  
 شدت  
 ہووے  
 بالوں  
 پانی  
 دد  
 درد  
 ج  
 گوگل  
 رتج  
 بخشہ  
 تازہ  
 سبب

ترے ترے ماشے دارد آن  
 کھوٹا جیہا پانی دج گھول  
 کچھ مدت کر استعمال  
 پوست دا ایک ڈوڈہ لے  
 کٹ سونف توالہ ایک ڈال  
 پو بانہ گرٹ پیوے گھت عام  
 گوگل بھنگ گھت کرو بخور  
 اقیموں پانی دج جوش  
 شدت سختی کرے بجے درد  
 ہودے ڈونگا درد غیبی  
 بالوں رائی سندھ ایلوا  
 پانی دے دج خوب گھوٹا  
 فوراً درد ہو جانے دود  
 درد جیکر صفراوی مادہ  
 شرکن سوزش ہوئے نال  
 گل روغن مالش کروا  
 بنفشہ روغن میلو فر  
 تازہ گوکا دودھ پلا  
 سبب ہے ہویے دموی مادہ

کٹ کے کر توں کپڑ چھان  
 شافہ حیض دیوے جھب کھول  
 کھولے حیض بند ست سال  
 دار چینی گھت ماشے ترے  
 دیکھی دے دج گھت اوبال  
 دیوے اوسے وقت آرام  
 فوراً درد ہو جانے دود  
 درد رحم جانے فی الحال  
 ہودے بہت نہایت سرد  
 ہودے سرد مزاج تحقیق  
 انیم دو ماشے نال طلا  
 درد رتج تے کرو طلا  
 رے نہ ہرگز ذرہ قصور  
 یا اس آدنے حیض زیادہ  
 سرد پیپ کر استعمال  
 شربت شیرہ سرد پلا  
 شکم پیڈ تے مالش کر  
 نت دھارے مصری پا  
 جوکاں لا خارج کر مادہ

سبب سودا ہے مادہ سخت  
 ہودے پتھر دانگ کرخت

ہم  
 ام  
 ان  
 پلا  
 ڈال  
 مار  
 صلاح  
 پا  
 سب  
 کا  
 پا  
 کرا  
 درد  
 آڑا  
 سخت  
 مواد  
 ستان  
 کرا  
 حکم  
 فیض  
 ب



بہت نہایت ہووے سرد سخت رحم دہج ہووے درد

## روغن مجربہ درد بلغمی

جاوے مرض پُرانی ہو  
مغرب روغن کراں بیان  
ماہل کنگنی زیری سیاہ  
چراستہ دانے ہرمل لے  
لونگ جھفل سُندھ ہالوں لیا  
آٹا کچلہ ترے اجوین  
گٹ تمام پانی رکھ ڈال  
تھوڑا پانی رہے تاں لاه  
ادھ سیر پکا مٹھا تیل  
منشی مٹھی آگ جلد  
جد سارا پانی جل جائے  
کرکے صاف بوتل دھج ڈال  
کنٹھیا سرد لقمہ ادھر تک  
گزارہ تمدد کرے ظہیر  
ہووے سخت لک دھج درد  
مل اس نال ہتھانے جس  
ایہ روغن اسرار طلسم  
ہووے جس دا سرد مزاج

فائدہ کرے نہ دارد کو  
رہے نہ درد دا نام نشان  
کوڑی کھٹ کرد ہمراہ  
ہر یک ہوون توئے تنے  
عقرقرعہ دارچینی پا  
ہر یک یک تونہ بین  
ترے دن پچھوں جوش کباب  
مل کے پن کے صاف کرا  
گھٹ کرٹا ہی سے دھج سیل  
پانی سارا دور کرا  
باقی اصلی تیل رہ جاوے  
وقت حاجت کر استعمال  
پیڑاں درد کرن جس تنگ  
آکرٹ جاوے سب سرور  
ہووے بہت نہایت سرد  
چھوڑ بدن دکھ جاوے نس  
دور کرے درد ہر قسم  
اس دا ہے ایہ خاص علاج

رقم  
بہت  
عزم

بعد  
بدل  
مغرب  
پنج  
سیر  
سورنجا  
گٹ  
تسے

شکر  
جھفل  
کک  
خالص  
بار  
کک

اس دی جلدی کر اصلاح کر مالش دکھ ہووے دفع سخت ہے ہووے درد بخول	رم نشانے دج بریاح بہت شتاب پہنچاے نفع گرم پانی دی کرو نطول
---	--

### نسخہ درد پر سوتک

ہووے اوکھا بہت سر ہووے بہت نہایت تنگ دیوے سوتک درد و نجا کھویہ اس دا سے بنا کر کھنڈ سیر بلاڈ آن دس دس توے دائد ترے کھویا دے دج جلد مل دیوے سوتک داؤ و نجا	بعد ولادت جیکر پیڑ بدل چاوے عورت دارنگ مغرب کراں بیسان دوا پنج سیر پکا دودھ منگا سیر پکا گھیو دج بریان سورنجاں دار چینی سنڈھلے گٹ چھان کے تمے دوا ترے پنج دو وقت کھا
--	---

### نسخہ درد رحم پر سوتک

دار چینی مرچاں مک پا سورنجاں ترچیاں شامل مال گٹ چھان سب جمع کرا ترے تمے ماشے میل حکیم دج منقہ حب بنا جلد شفا کرے اس رب	شکاف عقر قرچا سنڈھلے جھان لوٹکے کے دج ڈال ہک ہک تولہ سب دوا مالص کیسر اصل انیم برابر دائد مرچ سیاہ ہک ہک دو دو کھائے جب
---	--



جوشانده دارچینی دے نال	ماکھوں دو تولے وچہ ڈال
گرم روغن کوئی مالش کر	کھٹ دا تیل بناٹیکے گھر

## بیان ورم رحم

پیدا رحم اندر جے ورم	ہووے مادہ سرد یا گرم
اکثر تپ ہووے اس نال	روٹی بہت ہووے بد مال
ضرباں چیکاں مارن ڈنگ	ہووے عورت ڈاٹری تنگ
وچہ رحم دے درد نہایت	کرے قبض دی بہت شکایت
نال علامت کریں پکھان	ورم مؤذی دا کل نشان
جیکر خونی ہووے ورم	مادہ تیز نہایت گرم
سرخی چہرہ رنگ زبان	ذائقہ ہٹھا رہے دمان
گاہرہ سرخ قارورہ لال	شامل تپ ہووے اس نال
صافن رگ دا فصد کرا	ورم ظاہر تے جوکاں لا
جے مؤذی صفرا دا ساڑ	اکرے رحم دے وچہ بگاڑ
زہر دار صفرا دی مادہ	سڑکن تلخی کرے زیادہ
زردی چہرہ رنگ زبان	کوڑا رہے سواد دمان
تپ چڑھے شدت دے نال	درداں ضرباں کرن بیان
اڈل اس نول کر تبرید	ظاہر باطن نال تمیز
گھوٹے دے دیویں تلین	دو ترے واری نال یقین
پکھوں اس نول دیہ ادبار	خوف کاسنی تخم خیار
سڑکن جیکر رحم دے وچہ	کرے طبیعت عورت زچہ

مش  
دھ  
جوا  
سب  
رو  
جیکر  
چڑھے  
محل  
میچ  
جیکر  
حب  
ک  
کرض  
ہر  
کڑھے  
گول

رم  
سوزش  
بل وچ

مشک کافور تے عرق گلاب  
 دھنیاں کاسنی صندل بور  
 جواں دا آٹا پیلک پا  
 سب سودا جے دریم کرخت  
 روغن گرم کرو تعمیل  
 جیکر رتخ یا بلغم باد  
 چڑھے نسخ رحم دے وچ  
 محلل اوپر کرو ضماد  
 میٹھی اسی کٹ او بال  
 جیکر تپ نہ ہوئے نال  
 حب ایارج دا جلاب  
 یک دو دفع جینے وچ  
 کرفس انیسوں سونف لیا  
 ہر یک چار ماشے مقدار  
 کپڑے وچ گھت صاف کرا  
 گوگل دا جے کرین بخور

سیل طہارت کرو شتاب  
 پھل گلاب تے مشک کافور  
 گھوٹ پانی وچ لیپ کرا  
 ہووے بہت نہایت سخت  
 ہووے موزی درم تحلیل  
 کرے رحم دے وچ فساد  
 درد کرے تے لگے کھج  
 ہووے جھب تحلیل مواد  
 داخل کر پکاری نال  
 ہووے سرد مزاج کمال  
 دو ترے واری کرو شتاب  
 کر بلغم بدنوں لے کھج  
 پود نہ دار چینی وچ پا  
 کٹ کے دیچی دے وچ کاہڑ  
 ماکھیوں ڈال ہر روز پلا  
 ہووے رتخ رحم بخین دور

### قرحہ رحم

قرحہ رحم اُس کس حکیم  
 درد نہایت کرے خراب  
 بہتہ دیر دکھ رہے کھلو

رحم وچوں آوے جس ریم  
 سوزش سرکس وچ پیشاب  
 بدل وچوں آوے بدبو

گرم  
 حال  
 سنگ  
 ہایت  
 شان  
 گرم  
 دمان  
 نال  
 لا  
 بگاڑ  
 زیادہ  
 دمان  
 بیجان  
 تیز  
 نال تقین  
 بخار  
 ات زچ



قرحہ رحمہ تے قرحہ مشیانہ  
 دوہاں بیماریاں داکہ قسم  
 نسخہ کریاں بیسان عجیب  
 کندر لکھ مابو گلزار  
 طباشیر الاچی لے سفید  
 سنگ جراح نشاستہ رال  
 پھٹکڑی ساڑ سہاگر پھل  
 روغن صندل تولے ست  
 چھ سات مانے رت پھکا  
 بھکڑا کاسنی تنم خیار  
 تازہ گوکا دودھ پلا  
 دسواں ہور عجیب پیکاری  
 پاپک پانی گرم کرا  
 گوشت خورہ گھت حنقال  
 جیکر قبض شکم وچ ہو  
 گل روغن پیکاری نال  
 جدوں قرحہ ہو جاوے صاف  
 خشک بیردہ بھکتہ رال  
 ایہ بھی ہے شافہ آرمودہ  
 درد بے ہودے شدت نال  
 کیس ایم پھٹکڑی گلزار

ملاج علامت وچ یگانہ  
 فرق بموجب عفرہ دواکم  
 بہت دنفہ ہو یا تجریب  
 کتاب چینی لے مغز خیار  
 رگدہ گوند ملٹھی وید  
 آٹا پھلی رگدہ دا ڈال  
 بک بک تولہ دارو کل  
 دارو کٹ چھان وچ گھت  
 کا ہو خرقہ گھوٹ پلا  
 شامل نال کرد ادمار  
 دو تولے وچ شہد پلا  
 زخموں ریم نکالے ساری  
 دو تولے وچ شہد پلا  
 کر پیکاری استعمال  
 دیہہ ملیں اس تولہ کو  
 دونویں وقت کر استعمال  
 کرے قصود خداوند معاف  
 کر شافہ چربی گان لے نال  
 قرحہ رحمہ داکرے نابود  
 ایہ پیکاری کر استعمال  
 بک بک رتی دارو چار

پا  
 نا  
 رس  
 تن  
 کر  
 بی

سوز  
 پاؤد  
 کٹ  
 ماکھی  
 عرق  
 کر فسر  
 خوب  
 روغن

ورج  
 بھکڑا  
 وھنیا

پانی گرم کرا نال عقل دے کر پچکاری رسوت تر پھل چھل انار ترے ترے ماشے سب دوا کر پچکاری استعمال بیکر ہووے ہووے طلب	پیسہ کے اس دے دے دے اس دے مثل نہیں کوئی کاری کتھ سفید پھنگڑی ساڑ پا پانی گھت تر کردا ہو دے دفع قرعہ ست سال قرعہ مٹائیوں دیکھیں جھب
--	---

### بیان نفخ رحم

سونف ہک تولے منگوا ہو دے چھ ماشے دے گھت کٹ جوشائیکے صاف کرا ماکھیوں دے جوشاندے کھو عرق پودنہ سونف اجوین کرس پودنہ پت سدات خوب پانی دے دے دے رگڑا ردغن کٹھ بنائیکے گھر	دار چینی چھ ماشے پاء ہک مگ لے متقہ ست شہد دو تولے دے دے نفخ رحم دی دیوے تولے شہد ڈال پیوے دن رین سفید زیرہ دے دے ڈال شتاب کر کے صاف حمل کرا پیڈو تے بت مالش کر
--	---

### سوزش رحم

دے دے سوزش ہووے بھکڑا کاشنی تخم خیار دھنیاں مشک کافور	سرکن نال عورت بت دے خرفہ تھوٹ پلا ایہ چار پیڈو ۱ تر کردا
---	--

گنگا نہ  
اسم  
جرب  
خیار  
وید  
ڈال  
وکل  
گھت  
پلا  
ادمار  
ہمد  
سای  
شہد  
استعمال  
نوں کو  
استعمال  
معاف  
دے نال  
سے نابود  
استعمال  
چار



کاسنی نال ملا شتاب  
گھوٹ پانی دوج بیس کرا

بوره صندل پھل گلاب  
اگلے پچھلے دوا

### سیلان الرحم

سیلان رحم اس نام بیماری  
جامہ رہے ہمیش خراب  
سوجھیں مکرکس دوج پا  
پھل دھاوہ گوند لکڑی ہمراہ  
ہر ایک دو دو تولے پورہ  
مصری سولہ تولے دیکھ  
چھ ست ماشے رت کھوا  
پلا پچھوں مصری دودھ پا  
دار چینی سندھ شامل کر  
پیہ کے کپڑ چھان کرا  
شانہ کر دوج رحم شتاب  
ماچو بکتہ باریک کرا  
شانہ پوٹلی بنھ چڑھا  
ہور چڑھا پوٹلی دوج ڈال  
شانہ اس سے جیہا نہ کو  
کرے مرض دی دفع شکایت  
سرد فلفے دا کر د علاج

رحم تھیں رہے رطوبت جاری  
دگے رحم تھیں گندہ آب  
منز تخم انبلی بیا  
تخلیب مصری موصلی سیاہ  
مجیٹھ سفید صندل دا بوره  
چھٹا کی موصلی میل سفید  
کٹ چھان سب جمع کرا  
کتیرا پانی دوج بوسا  
موتھا عقرقرھا لے پھر  
وزن برابر سب دوا  
گھول بخور اچھا دوج شراب  
خراسانی اجوین منگوا  
وزن برابر ترے دوا  
چار پہر دے بعد نکال  
سرد طبیعت جیکر ہو  
لذت پیدا کرے نہایت  
جس عورت دا گرم مزاج

کراں بیان شافے دا ذکر پھٹکڑی کتھ ماجو گلنار پیہ کے کپڑ چھان کرا چٹکی بھر شراب دج کھور عورت ایہہ شیان کماے تقیہ طبع موافق کر فاصلے کے ہفتہ وار	عورت مثل ہو جائے بکر وزن برابر دارو چار ڈبی دے دج بکھڑکا شافے کر دوں اس دج بور تنگ رحم اس دا ہو جائے دو ترے دفعہ ہرگز نہ ڈر کر تنقیہ دو ترے چار
---	---

### بیان اختناق الرحم

اختناق الرحم یک عجب آزار عورت مردے وانگ نموش پر مرگی وانگ نہ لگ کھج رحم بھیں موزی اٹھ بخار بے اود عورت زور آور شہوت اُس نوں پایا زور نوبت وقت بھنوں ہتھ پیر خافہ اُس نوں جلد کرا دھنیاں کٹ گھٹ مشک کاو ہم بستر کر خاوند تال سبب ہے ہودے بندش حیض چٹکی طرح پچھان مزاج	عورت تائیں کرے خوار ہودے مرگی وانگ بیہوش ہودے بہت طبیعت زور ہوش حواس کرے بے کار بھیج شتاب اُس خاوند گھر ہوش حواس گئے منہ موڑ ہودے بہت شتابی خیر سرکے دج گلاب ملا نال ملاؤ صندل بور جادے مرض اُس دی فی الحال کر دارو اس پہنچے فیض طبع موافق کر د ملاج
---	---



جے غالب ہووے صفرا جیکر سر یا خشک مواد بنفشہ روغن نیلوفر نکھن مصری فجر چٹا سبب جے بلغم بہت زیادہ جے فم معدے وچ فساد دیہ اس نوں کوئی نسوار دو ترکے دفع دے کے یلین خالی ہنگیاں موراں وچ جے اُس بہت لہو دا زور معدل بورہ نیلوفر رات پانی وچ کرو نقوع	شریت شیرہ سرد پلا وچ طبیعت کرے فساد سر پیراں نوں مالش کر گوکا دودھ اس شام پلا نال جلاب خارج کر مادہ خارج کرتے نال مواد منغزوں خارج کرے بخار کٹھو باہر مواد لعین یا پلپیاں وچ دیویں کھج رمو خشکی نال پٹوٹ عذاب بنفشہ شامل کر مصری ڈال کر اس شروع
---	--

### خارش رحم

اندر رحم جے خارش ہووے کیس مہندی کتھ لے نیپاں سہاگر پھل انار کیس تھوڑا وزن پانی وچ ڈال کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق دو تو لے ناکیوں وچ ڈال خم کرفس جوشا کٹ ڈال	عورت دکھ خارش تھیں رووے پیہ کے لائیل کوڑے نال ترے ایہ وزن برابر پیس کر استنجا اُس دے نال پیوے ہوس رشتاں فرق بجھ مدت کر استعمال پانی دیگی گھت ادبال
--	--

آبدست کر اس دے نال کھاوے گرم نہ خشک نہ تیز	نفع عارض توں کرے کمال مرجون ٹوڑوں کرے پرہیز
سرطان رحم	
<p>پیدا درم ہووے سرطان ہووے بہت نہایت سخت شدت درم کرے سرطان شامل تاپ جے ہووے نال موذی سخت جے ردی مادہ اکثر درم ایہہ لاعلاج جیکر مرض پرانی ہو نال عقل دے کرتوں معلم شریا سخت سودا مواد یا سودا دل بلغم خون میٹھی اسی سوئے لیا ڈنڈے کونڈے دھج گھوٹا مٹھاتیل گرم کر گھست حرل کالی زیری لے برکے دے دھج گھوٹ لگا جد مادہ ہووے تحلیل جد مادہ پک ہووے یم</p>	<p>اندر رحم کرے نقصان کرڑہ پتھر دا بگ کرخت درداں ضرباں کرن حیران عورت بہت ہووے بد حال ہوندا جادے درم زیادہ دیوے سخت بگاڑ مزاج رہے رحم دے دھج کھلو جیکر مادہ ہووے سالم دھج رحم دے کرے فساد کرن پیدا نثر ورم زبون گل بالونہ نال رطا تھوڑا تھوڑا پانی پا پٹہ بندھ دھڑے ست اسی تول تول ترے ترج درمیں تحلیل ہو جا بادے جھب شفا حیل بقول جادے پخت حکیم</p>



<p>جے اوہ درم گرم کر بن جائے ظاہر درم جے مثل گھنیر پٹہ زیت بنھوں ترہ گرم جیکر مادہ فاسد خون سرد خشک جے ہووے درم گرم جیکر ہووے سرطان پیلک دھنیاں خوب گھوٹا دھنیاں دا پانی کڈھوا درم گرم تے کرو غلا جد ہووے ضرورت استعمال بنفشہ نطلی نیلوفر</p>	<p>مرہم شافہ نال چھڑاوے ہووے کر اس دی تدبیر درم سخت ہو جائے نرم لا جوکاں کڈھ خون زبوں روغن مالش کر ترہ گرم نال علامت کریں پکھان درم گرم تے تیپ کرا سکہ اس تے وج گھسا دیوے گرمی درم دجا درم والی مرضاں وج بحال بوتش نطول کرایا کر</p>
---	--

### بیان مرض رجاء

<p>عورت تائیں رجا بیماری مثل حمل پیٹ پھل جائے جد میعاد حمل لنگھ جاوے بعضے کہن رحم وج بچہ بعد ترہیوں سالان یا چار جد رب دا سوکے فرمان باہر حکم خدا دے نال جے عورت نول مرض سبب</p>	<p>پادے اندر رحم خواری عورت حمل امید جتاوے سند آزار معلوم کراوے باہجہ تدبیر تے رہندا کچھ ہووے اس دی خلق تیار داخل رُوح اس ہووے آن آوے جیویں ولادت چال پہنچے دکھ دوا کر جھب</p>
--	--

نال  
جیت  
فلک  
لے  
لوند  
چھ  
شام  
سبب  
سبب  
حیض  
یا وج  
رہے  
سرد  
جاوے  
نستہ کر  
پاؤں اس  
کم کر قس  
بندہ  
دوا  
چھ ماٹھے  
کم سونہ

نال علامت کریں معلوم  
 جیکر بچہ دج زامدان  
 شکل کزننگ بن سہے کھلو  
 لے مالتی دے دند دا پورہ  
 لوندے کوندے دج گھوٹا  
 چھ ماشے دو وقت کھوا  
 شام زیرہ دیر گھوٹ سفید  
 سبب جے ہووے بلغم باد  
 سبب مواد کثافت گند  
 حیض نہ اُس نوں آوے مول  
 یا دج رحم دے ہووے رتج  
 رہے نفخ رحم دے دج  
 سرد چیز اس ضرر پہنچاوے  
 باوے مرض پیرانی ہو  
 نسخہ کراں بیان عجب  
 اول اُس نوں کرد جلاب  
 تخم کرفس زیرہ سنڈھلے  
 بودنہ دارچینی اجمین  
 کٹ دوا چھاننی دج چھان  
 پچھ ماشے نت کاہرے نال  
 تخم سونف خر بوزہ لیا

سبب مریض دا جیوہی رسوم  
 معلوم بچتہ ہون نشان  
 سرگز حرکت کیے نہ کر  
 ادھ یا پکا ہووے پورہ  
 برابر مصری نال رطا  
 گھیو دودھ پچھوں فجر پلا  
 مصری گھت اس دے دج دید  
 پاوے اندر رحم فساد  
 مونہ رحم دا ہووے بند  
 لازم رہے گوکھ دج سول  
 کرو علامت نال صبح  
 درد لگے تے لگے کچھ  
 گرم غذاؤں نفع اٹھاوے  
 دو تے سال جے رہے کھلو  
 بلغم رتج و نجاوے محب  
 جب ایار ج نال شتاب  
 ہر یک ہوون نوں تے تے  
 ترے ایہ دودھ توں لین  
 برابر کھنڈ ملاؤ آن  
 نت نہار کر استعمال  
 انیسوں تخم کاسنی پا



ہر یک تولے دا مقدار  
 چار تولہ خالص گلقد  
 تخم کرفس لے یک مثقال  
 سولفت انیسوں تخم خیبار  
 کاہڑ جو شانده کر کے تیار  
 شافہ کرو جو لیاوے حیض  
 احتباس حیض دے وجہ  
 جے فاسد مادہ خونی گرم  
 جو کاں اُس نے تیرت لگا  
 جے مادہ صفرا سودا  
 کاسنی بھکھڑا تخم خیبار  
 گھوٹ پانی وجہ صاف کرا  
 کچھ مدت کر استعمال  
 سخت سودا کثیف یا گند  
 بنفشہ روغن دی پچکاری  
 کرو طبع اس دی مرطوب  
 روغن گل دی مالش کر

کاہڑ جو شانده کرو تیار  
 نال جو شانده کرے پیوند  
 میتھی دو تولے وجہ ڈال  
 ہر یک تولے دا مقدار  
 پیوے حیض ہووے ادرار  
 بہت شتابی پہنچے فیض  
 دیکھیں جانہ ہوویں نہج  
 پیدا کرے رحم وجہ درم  
 گٹیوں صافن ناڑ چھڑا  
 کرے بگاڑ رحم وجہ جا  
 خرفہ چھ چھ مالشے چار  
 تے مالشے شورہ گھول پلا  
 دیوے سب آلود نکال  
 کرے سورخ رحم دا بند  
 کر یک دن وجہ دوترے واری  
 گھیو دودھ اوس پلاؤ خوب  
 دن وجہ دوترے دفع نہ در

### بیان وجع المفارصل

مفارصل ہندی وجہ زبان  
 اوکھا ہووے بہت سرخ

وجع مفارصل کس زبان  
 بند بندے وجہ ہووے پیڑ

نال  
 گٹھیا  
 منہج  
 مالش  
 ہر ہفتہ  
 رات کھ  
 بر شمشا  
 جوڑیں  
 بھانس  
 جے مع  
 جب کچھ  
 مالش کر  
 سفوف  
 روغن کا  
 روغن  
 سورنجا  
 گھوٹ پا  
 پٹی دا  
 تخم ہرمل  
 مہر کیس  
 گھوٹ پانی

سردی گرمی کر کے دھیان  
 کل جوڑاں دچ ہوئے درد  
 ہر ہفتہ ہک کرد جلاب  
 سخت جوڑ ہو جاون نرم  
 بکل مار ننگا رکھ سانس  
 پیڑاں درد دچاے رخ  
 گنٹھیا داؤ دا بڑا علاج  
 دفع ہو جائے گنٹھیا داؤ  
 اس دی شل نہیں کوئی کاری  
 مارے دچ نشانہ تیر  
 دفع کرن گنٹھیا دا رخ  
 گنٹھیا داؤ دا ہے تریاق  
 دیوے گنٹھیا داؤ دچا  
 بجزہ سائیں بخش فقیر  
 سردرداں دچ مارن تیر  
 لالوں سندھ کرفس طلا  
 دفع ہو جادے سرد مواد  
 دیوے پیڑاں درد دچا  
 گھوٹ پکا بھو دن زین  
 تہے ترے ماشے وزن حکیم  
 دیوے فوراً درد اٹا

نال علامت لے پچان  
 گنٹھیا مرض ہے ہووے سرد  
 منفع نال پکاؤ مواد  
 مالش کر نت روغن گرم  
 ہر ہفتہ دیوے ہک بھانس  
 نت کھوا معجون سورنج  
 بر شغشائے حب جو گراج  
 جوڑیں مٹھا پیچہ جواؤ  
 بھانس دیوہ حرمل کنڈیاری  
 ہے معجون کھوادیں سیر  
 حب کچلہ تے حب سورنج  
 مالش کرد روغن ادراک  
 سفوف سورنجاں عجب دوا  
 روغن کانپھل دا اکسیر  
 روغن کچلہ روغن سیر  
 سورنجاں کوڑی کھٹ ایوا  
 گھوٹ پانی دچ کرد ضماد  
 پٹی دا نت تیل دگا  
 نم ہرمل تینوں اجوین  
 مصبر کیسہ سندھ انیم  
 گھوٹ پانی دچ کرد طلا



پوست داگھٹ ہے بہت پیچھے  
 گندھیا داد ہے ہووے گرم  
 تاپوں بعد ہے کرے ظہور  
 یا اس تاپ رہے کچھ نال  
 گندہ سڑیا ہو یا مواد  
 گل روغن دی مالش کر  
 دو ترے دفع دے کے تلپین  
 پھرتوں اس نول کر تبرید  
 جیکر سڑیا مادہ خون  
 صافن باسلیق چھڑا  
 کوڑیاں چیزاں دا کدھ عرق  
 مالش روغن کریں حنا  
 دھج ملا کچھ مشک کا فور  
 انبرول دی دیویں بھانس  
 انبرول دا کرو نطول  
 انبرول دا کرو ضماد  
 سڑیا مادہ بہت کرخت  
 ظاہر باطن کر مطلوب  
 ہے صفراوی ہووے مادہ  
 دانے ایسغول منگا  
 درد گرم تے کرو طلا

بہت شتابی چمکا تھیوے  
 سڑکن درد جوڑاں دھج درم  
 پاوے جوڑاں دھج فتور  
 مواد بھران کرے انتقال  
 جوڑاں دھج کرے فساد  
 بنفشہ روغن شامل کر  
 خارج کرو مواد لعین  
 شربت شیرہ سرد مفید  
 ہووے گندہ بہت زبون  
 خون گندہ سب دور کرا  
 نیت پلا ہووے جھپ فرق  
 دیوے دیداں گرم دجا  
 ہووے درد دھک سب دور  
 بگل مار ننگا رکھ سانس  
 ہووے جلد شفا رنجول  
 زائل کرے شتاب فساد  
 کرے اعضاواں نول جے سخت  
 تان حاصل ہووے مطلوب  
 سڑکن سوزش بہت زیادہ  
 پوست پانی دھج پوسا  
 دیوے سڑکن شربت و نجا

گل روغن و بچ مشک کا نور دھنیاں پیلک صندل بور پانی دے و بچ خوب گھوٹا جیکر پیڑاں دھوی مادہ رمیاں سنگیاں جو کال لا پاپڑا دھنیاں افستین تحقیق ہے ہودے خشک سبب گو کا گھیو اُس بہت کھوا ادھ پا گو کا گھیو پنکار	میل مالش اس کرد ضرور کاسنی پھل گلاب کا نور درد گرم تے یب کرا اوسے نظر بے خون زیادہ خون گندہ سب دور کرا نقص کر پیوسے داروتین کرو مرطوب طبیعت جھب فجر مصری نکھن پا وقت شام دیہہ نت نہار
---	---

### نسخہ روغن مجربہ سائیں بخش حکیم

مالش ہک عجیب اکسیر سک جاون ہے لنگ پران گوشت چم ہو جلف خشک یا کوئی اعضا جڑ جاوے حرکت جس ہوئے سب نشت ماہل کنگنی کٹھ لے آ کانچل میل اجونیاں چار رات پانی و بچ کٹ جو شا ک پین اُس نوں صاف کرا دوبارہ پھیر	تجربہ سائیں بخش فقیر پتی ارک یا باند ران رے رطوبت دانہ مشک سکلی لکڑ دانگ اکڑاے اس مالش تھیں ہون درست بابونہ دانے حرمل پا دو دو تولے دا مقدار فجر کڑا ہی و بچ جو شا تیل بیٹھا ادھ سیر بلا مٹھی مٹھی اگ جلا
--	--



جہ سارا پانی جل جاوے ہیٹھاں جلدی نال اوتار تیل ارنڈ گری دا تیل روغن کدو مغز بادام گوکا گھیو چھٹاکی ڈال چرنی سے تمام ایہہ تیل ہک دن دے دج پنج ست وار مالش کر چھ ماہ ہک سال ادھ پا گھیو گوکا رت پیوے	تیل اکلا خاص رہ جاوے رکھ بوتل دچہ صاف ستار روغن اسی دا دج میل پنج پنج تولے وزن تمام چھٹاکی چرنی بڑ گھت ڈھال گھت کر اہی دے دج میل کر مالش نہ رہے آزار تسکے لگ ہون بر حال فصل خدا تھیں چنگا تھیوے
--	---

### مجموع سورنجاں

ماہل کنگنی حرمل گوگل یا کٹ ملا ایہہ دارو چار عقرقارونگ سندھ ڈال دار چینی لگ مرچ سیاہ پپلاں مول اجویناں ترے خالص کیسر اصل افیم سب دوا کٹ جمع کرا دودھ جبدول ہو جائے خشک ترے ترے ماشے وزن بنا جوشاندے دار چینی دے نال	سورنجاں مٹھیاں لے دج پا دو دو تولے دا مقدار مدہ کچلہ اسگندہ نال جعقل لونگ کرد ہمراہ ہر ہک تولہ تولہ لے ترے ترے ماشے قدر حکیم ادھ سیر دودھ دج گھت پا رہے نہ پانی دا دج مشک ہک ہک دونوں وقت کھوا کرد دوا رت استعمال
--	--

شام وقت تک وزن کھوا  
پنچول گھیو دودھ گرم پلا

### نسخہ حب سورنجاں

حب سورنجاں عجب دوا  
سورنجاں مصبر ترو دی لے  
پھل ہرڑ کرنش دج گھت  
عرق سولف دج پنچول حب  
وزن اُس دا ہے دو مثقال  
ست روز منضج کردا  
ہر ہفتے ایہہ کر اسہال  
جد اسہال ہوون اُس جاری  
ست روز منضج کردا  
ایسے طور کر استعمال  
بیضہ گوشت کرے غذا

دیوسے بلغمی درد و نجا  
ہر یک ہودن تولے ترے  
سقمونیا ہر یک ماشے ست  
دانے مانہ برابر سب  
کھادے تازے پانی مال  
ہفتے بعد تک وزن کھوا  
دیون سب مواد نکال  
زائل ہووے کل بیماری  
ہفتے بعد جلاب دیوا  
دیون بیڑاں درد نکال  
ادھرک گھیو مصالح پا

### نسخہ سفوف سورنجاں

سفوف سورنجاں دچ پونانی  
بہت نہایت دیوسے تفع  
سورنجاں مٹھیاں ترو دی لے  
سناکی دو تولے گھت  
کیسر دو ماشے گھت وید

مجرّب نسخہ بڑا لاتانی  
گنٹھیاں درد ہون سب دفع  
ہر یک ہودن تولے ترے  
سقمونیاں اصل ماشے ست  
برابر نسخہ کھنڈ سفید



ترے ماشے دا وزن تول	تازے پانی نال پھکا
---------------------	--------------------

### نسخہ حب کچلہ

محرَب نسخہ کچلہ حب ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ جادے مرض پُرانی ہو کرے جے اینوں استعمال گنٹھیا استرخا ادھرنگ ہر ہفتہ یک کرد جلاب مدبر کچلہ تولے دو دارچینی نگ مرچ سیاہ عقرقرعہ سنڈھے دچہ گھت حب ایارج مرچ سیاہ یک دو حب کر استعمال دارچینی چھ ماشے تول	گنٹھیا سرد و نجاوے جھب درداں پیڑاں کرے نابودہ بہت دیر تک ہے کھلو پیڑاں درد جادوں فی الحال رہن نہ یک ذرہ دچہ انگ حب ایارج نال شتاب شنگرف رومی تولہ ہو جعفل لونگ کرد ہمراہ چھ چھ ماشے دارو ست بند ادھرک پانی ہمراہ جوشاندے دارچینی نال ماکھیوں دو تولے دچہ گھول
---	--

### معجون محربہ حکیم سائین بخش

معجون محربہ کراں بیان بہت بیماریاں تے آزمایا دارچینی اسگند خونجاں زیرہ سیاہ مابل کنگنی لے	گنٹھیا دا نہ رہے نشان بہت نہایت فیض اٹھایا گل بابونہ سنڈھے سورنجاں ہر یک ہودن تولے ترے
--	---

<p>الاچی چھڑگ مرغ ایہہ چار کٹ سجے چھاننی دج چھان میل تمام معجون بنا دونوں وقت تولہ ہک کھافے ہے آزمودہ ایہہ معجون ہک مہینے دج جلاب مالش گرم روغن دی کر</p>	<p>ہر ہک تولے دا مقدار ماکھیوں سیر ملاؤ آن مرتبان دج رکھ ٹیکا گنٹھیا وار دی بنج اٹھا کے رہے نہ گنٹھیا وار منعون ترے داری اس کریں شتاب دن دج دوترے دفعہ نہ ڈر</p>
---	--

### نسخہ معجون السیر

<p>کس یونانی کل حکماء ایہہ نسخہ اعظم اکسیر کریہ وجج الورک ادھرنگ کے جے ایس نول استعمال مصطلی سندھ پاناں دی جڑھ چھل ہریاں مرغ سیاہ دارچینی جلو تری لے کیسر ہک تولہ دج ڈال لسن ترے تولے ملگوا سیر پکا تازہ دودھ لیا کھوئے وانگ ہووے جد آن سیر پکا ماکھوں دج گھت</p>	<p>معجون سیر جیہا نہیں دوا تجربہ سائیں بخش فقیر ہووے گنٹھیا نال چرنک جڑیا کھل جکے تت کال دیویں شامل الاچیاں کر جعفل لونگ کرد ہمراہ ہر ہک ہودن تولے ترے کٹ چھان سب رکھ سمہال کڈ گلیاں اس صاف کرا گلیاں مٹوم اس دج پکا ادھ پاگھو دج کر بریان چنگل طرح پکا دیں پت</p>
---	--



جلدی نال کڑا ہی لاه کھاے نت ہک قدر اکھروٹ ہر ہفتہ مسهل کروا	سب دارو دوج کٹ ملا رہے نہ جوڑاں دے دوج کھوٹ ست روز مڑ پھیر کھوا
---	---

### نسخہ گنٹھیا بلغمی

شکرک جعفر لونگ رنگا ترے ماشے دوج ڈال ایم گولیاں ماشہ وزن بنا جوشاندے دارچینی دے نال	ہک ہک تولے وزن تولا منقے دوج بنھ حب حکیم ہک حب اس نول نت کھوا کر حب نت ہک استعمال
--	--

### نسخہ درد بلغمی ہرتم

چھٹاکی چھل جڑھ اک لٹا کوزے دوج گل حکمت کر چار رتی اس وزن خوراک بعضیاں نول اس بقیں تے آوے دستے اس نول نال وقوف ضیق سینے نول جاوے چھوڑ	نصف چھٹاکی مرچ سیاہ سار اگلیٹی دے دوج دھر میل کھنڈ دوج دیہہ بیباک بلغمی پیڑاں درد و نجاوے گنٹھیا بلغمی کرے موقوف اس دے مثل دارو نہیں ہو
---	--

### نسخہ مطبوخ سورنجاں

دار چینی سنڈھ زیرہ سیاہ ترے ترے ماشے دامقدار	سورنجاں مٹھیاں کر ہمراہ کاہڑ پلا ایہہ دارو چار
---	---

دیوے پیڑاں درد و نجا	دو تولے وچ شہد ہلا
نسخہ روغن سداب	
<p>کر تول اس نول خوب صبح  ہوون پیڑاں درد فرار  ادھ سیر پکا وچ اندازہ  رائی مالوں عقرقرحا  ہر ہک دو دو تولے لین  پانی وچ سداب پوسا  کل پُن کپڑے وچ چھنا</p>	<p>مرمواد ہے ہووے دتھ  روغن کرد سداب تیار  پانی کڈھ سداب دا تازہ  کانپھل دانے ہر مل لیا  کوڑی کھٹ ترے اجوین  دارد سب درڑا کردا  نجرے دیگی وچ جوشا</p>
روغن فرقیون	
<p>بلنگی درداں شے درکار  بچ بچ تولے قدر تول  دارقینی بھی ہووے نال  کٹ کے سجے جمع کرا  فجر جو شامل صاف کرا  دوبی داری پھیر پکا  چھٹاکی فرقیون پیہ میل  مالش کردن رات شباب  شاہ ارزانی دا فرمودہ</p>	<p>روغن فرقیون کر تیار  کوڑی کانپھل کھٹ منگوا  پودنہ عقرقرحا وچ ڈال  دو دو تولے ترے ددا  رات پانی وچ رکھ پوسا  ادھ سیر ہٹھا تیل ہلا  سڑ پانی ہک جاوے تیل  ادھ یا پکا میل شراب  ایہ بھی ہے نسخہ آزمودہ</p>



## نسخہ لیپ مخدرد درد ہر قسم

پوست خراسانی اجوین مصبر کا ہو ڈال انیم گھوٹ دوا سب دج شراب کرایہ اس نول لیپ ضرور	دونوں ہک ہک تول لیں دو دو ماشے قدر حکیم درد آتے کر لیپ شتاب فورا درد ہو جاوے دور
---	---

## بیان روغن اوراق

کراں بیان روغن اوراق ضرباں چیکاں پیڑاں درد سوباخنے حرمل برگ ارنڈ پتر اک سنبھالو گھت ست قسم ایہہ ہک ہک مٹھ رات پانی دج کٹ پوسا سیر پکا لے مٹھا تیل جد پانی سارا سڑ جائے اک تھیں اس نول جلد آنا پیڑاں درد جو جوڑاں دج	گنٹھیا داو دا ہے تریاق جاون چھوڑے ہوون سرد برگ دھتورہ برگ اک مٹھ ہک ہک مٹھ ایہہ ست ادھ پا پکا کوری کٹھ نجر کرٹا ہی دج جوشا کر کے صاف دیویں دج میل باقی تیل خالص رہ جائے گھت بوتل دج صاف تیار مالش اس دی لے سب کچ
--	---

## نسخہ روغن کچلہ

روغن کچلہ خوب دوا	دیوسے کٹھ دبد آڑا
-------------------	-------------------

ادھ پا پکا کچھ لیا تراش اس نوں چاقو نال سیرک پانی دے دج گھت گھت کڑا ہی دج جوشا ادھ سیر مٹھا لے تیل منٹھی منٹھی آگ جلا جد سارا پانی جل جادے آگ تھیں جلدی نال اوتار لقوہ استرخاء کل پیڑ کمریہ گنٹھیا واد ادھ رنگ	ڈال پانی دے دج جوشا کٹ حمام دستے دج ڈال رکھ پوسا دھاڑے ست نصف ہے تاں صاف کرا گھت کڑا ہی دے دج میل خوب طرح اس لے پکا خالص تیل باقی رہ جادے رکھ بوتل دج صاف نتار کر مالش ہو جان دپیر مڑ کے پھیر نہ مارن ڈنگ
---	--

### نسخہ روغن کانپھل

روغن کانپھل دا اکیر کمریہ گنٹھیا پیڑاں درد کانپھل کوڑی کھٹ منگا کٹ درڑہ کر دارد چار سیر پانی گھت رات پوسا نصف رہے لاه بیٹھ رکھا سیر پکا گھت مٹھا تیل خوب طرح اس لے پکا جد پانی سارا جل جا	تجزیہ سائیں بخش فقیر زائل کرے جے ہوون درد حمل ترے اجوین رطا ادھ ادھ پا پکا مقدار فجر کڑا ہی دج جوشا کل کے کپڑ چھان کرا دونویں دج کڑا ہی میل پانی سارا جذب کرا کر کے صاف بوتل دج پا
---	--



دیہے پیڑاں درد نکال

وقت حاجت مگر استعمال

## نسخہ حب شنگرف

پیڑاں درداں کرن جس تنگ  
فائدہ کرے دوا نہ کو  
ہودن لین نہ دین آرام  
داخل ہوئی کے کردا زنج  
دار چینی سنڈھ عقرقا  
ہر یک ہووے ماشے ست  
ادرک دے دج پانی سب  
پچھوں گھیسو دودھ گرم پلا  
ایہو رکھیں یاد وقوف

سبب ہے مادہ باد فرنگ  
جادے مرض پُرانی ہو  
درداں جوڑاں دج تمام  
مادہ موذی جوڑاں دج  
کیسر لونگ جعفر لے آ  
شنگرف رسکپور دچہ گھت  
قدر مریج دے بنھوں حب  
ہک ہک حب اس بت کھوا  
جد ٹوٹھ آدے کرے موقوف

## بیان درد پشت

رہے کر دے دج کھلو  
اٹھدا بہند اکے شکایت  
ادکھا ہووے بہت سرے  
ٹھہرے دج کر دے جا  
کرے گوشت پشت مریج درم  
کرے کر دے دج بجاڑ  
پٹھے کرے کر دے سخت

درد کرے پیدا ہو  
ہودے روٹی تنگ نہایت  
دج کر دے ہووے پیڑ  
سبب یا ہووے باد ہوا  
یا فاسد مادہ دموی گرم  
یا موذی صفرا دا ساڑ  
یا مادہ سودا کرخت

<p>کٹھ سنگی رمی نال زبون کٹھری دج کرے جا لیپ بلین سرد مفید پٹھے کمر کرن اکڑا سُنڈھ سورج مصبر میل پیہ دارو بندوق لگا ہو دے کمروں درد فرار کمروں جلد نکالے پیڑ دفع ہو جاوے درد کمر کٹھری دج کرے درد پانی تھوڑا جیہا رلاء دارو لکڑی نال ہلا کرو پشت تے لیپ شتاب ترے ترے ماشے وزن لولا درد کرتے کرد طلاء کر شامل ماشے ترے ایم فائدہ کرے دوا نہ کو</p>	<p>سبب درد ہے فاسد خون ہے مادہ موذی صفرا ظاہر باطن کر تبرید سبب جیکر داخل سودا مالش کر نت مٹھا تیل رمی سنگی پچھ لگا دو ترے دفع کر ابھوکار ایہ بھی ٹوکھ ہے اکیر روغن کٹھ دی مالش کر سبب ہے باد یا بلغم سرد حرمل سُنڈھ اجوین گھوٹا تیل مٹھا گھت گرم کرا جدوں جذب ہو جاوے آب رائی مالوں سُنڈھ ایلوا نردی بیضہ دج رلاء شدت حدوں ہے کرے حکیم ہے جاوے مرض پُرانی ہو</p>
---	---

### مجرّیہ شناسی نسخہ

درد کمر دا جاوے جھب  
دار چینی سُنڈھ عقرقرما

بہت مجرب دساں ج  
کیسر لونگ جعفر لے آ



چھ چھ ماشے وزن حکیم  
 دج منقہ بنھوں حب  
 یک یک گولی جے نت کھلے  
 مانس کریں جے روغن سیر  
 کر روغن سچلہ استعمال  
 گولیاں جو گراج جے کھلے  
 نسخہ یک لکھاں دہقانی  
 کہ دیواں اُس نوں اظہار  
 میتھی اسی گری چوہارے  
 دار چینی اسگندے آ  
 کٹ پیس ایہہ دارو چار  
 ممویاں تخم کنڈیاری پیس  
 بہت پُرانا گرگڑ منگوا  
 پانی دج گوڈ گھیسو کر پت  
 یک چھٹانکی جے نت کھلے  
 تریہوں اجونیاں دا کڈھ تیل  
 میل روغن دچہ بید انجیر  
 جے لادیں روغن جیپال  
 جاوے دُکھ پُرانا ہو  
 گنڈی مٹھا تیل یا  
 یا اس داغ یا دیویں گل

ترے ماشے دج ڈال انیم  
 قدر چنے دے گولیاں سب  
 درد پشت دچوں نس جاے  
 درد کمر سرمارے تیر  
 درد کمر جاوے فی الحال  
 درد کمر دا ترت دنجائے  
 مجرب میرے پاس نشانی  
 دو ترے ہوئے شفا بیمار  
 پا پا پکا لے ایہہ چاے  
 سُندھ سورنجاں نال بلا  
 پنج پنج تولے دا مقدار  
 کٹ ڈال دج تولے بیس  
 گھیسو یک یک ادھ سیر پکا  
 کٹ پیس دارو سب گھت  
 درد پشت دج پھیر نہ آوے  
 روغن دار چینی دج میل  
 مانس اس دی ہے اکسیر  
 دیوے کمروں درد نکال  
 فائدہ کرے دوا نہ کو  
 کاغذی پچھ ترے وار لگا  
 نیکے مادہ موذی کل

درد کمر

درد کمر

ادھ

ادھ

کرے

مالش

لے

گھت

وقت

روغن

دو ڈیلا

رات

تے چا

درد ہے ہووے وچ کنگر دڑ کپڑا ہو جائے انسان منکے باہر آون نکل!	دیوے طرف باہر دی چھوڑ خدیہ اس دا نام کھان دارو اس دا ہے مشکل
--	--

### روغن سیر

روغن سیر بنا ضرور ادھک سیر مٹھالے تیل ادھ سیر گلیاں تھوم کڈھا کر کے صاف بوتل وچ ڈال مالش روغن خوب کرا	کرے درد رتخ دا دور ڈال کڑا ہی چولھے میل تیل مٹھے دے وچ جلا وقت حاجت کر استعمال بہت ہتھان دا زور لگا
---	---

### روغن حب الملوک

لے دو تو لے حب جیپال گھت کڑا ہی وچ جلا وقت حاجت دے کرو طلا	مٹھا تیل چھٹانکی ڈال کر کے صاف شیشی وچ پا روغن نال ارزندہ طلا
--	---

### روغن خنظل

روغن خنظل کرو تیار ڈوڈیاں حرمل شمم دھتور رات پانی وچ کٹ پوسا نئے چار چیر وچ ڈال	ہووے درد ہر قسم فرار ادھ ادھ پا پکا لے پورہ خیر کڑا ہی وچ جوشا دیویں دو ترے ہو راوبال
--	--



<p>مل کے پُپن کے صاف کرا مڑ کے دھج کڑا ہی پا جد پانی سارا سڑ جاوے کر کے صاف شیشی دھج ڈال ہے ایہہ روغن مثل طلسم</p>	<p>سیر ہک ہٹھا تیل ملا چاہڑ اگ تے خوب پکا کڑا ہی اگ تھیں پیٹھ لہا کر کچھ مدت استعمال درد موقوف کرے ہر قسم</p>
--	---

## وجج الورک

<p>درد چتر دھج ٹھہرے آ چتر دھج اٹھ گڑے تک جاوے جے چتر دھج ہووے دم رگ صافن دا فصد کرا موذی مادہ ہووے دور کوڑیاں چیزاں رت پلا جیکر چتر دے دھج درد چتر اُتے گل لگا روغن دھاتورہ کلو اجوین نوشادر مالوں رائی گھوٹ پانی دھج لپ کرا کچا ہٹھا تیل یا لیا</p>	<p>دھج الورک کس حکا درد نال روگی کر لادے خونی فاسد مادہ گرم رُمی سنگی جوکال لاء بہے نہ چتر دھج قصور نقوع کر رب کرے شفا ہووے بہت نہایت سرد دیوے اس نوں رب شفا دیوے بلغمی درد دنیا ترے ترے ماشے چار دوائی دیوے فائدہ بڑت پہنچا ایلو نال انیم گھسا</p>
---	---

پچھ کے کاندی وانگ لگا  
نوراً دیوے درد اڑا

## روغن دھتورہ

<p>ہوون پیڑاں سرد فرار سبز ڈوڈیاں حریل پا تسے اجونیاں تولے ترے خجری دیگی رچ جوشاء ادھ سیر مٹھا تیل بلا کر کے صاف شیشی رچ پا ہوون درد پیڑاں سب دور رہن نہ یک ذرہ رچ انگ</p>	<p>روغن دھتورہ کر تیار ڈوڈے دھاتورہ منگوا ادھ ادھ پا پکا کٹ لے کٹ سب پانی رچ پوسا نل پن اس نوں صاف کرا مر دو بارہ خوب پکا مالش اس دی کرو ضرور گنٹھیا استرخا ادھرنگ</p>
--	--

## تدبیر گل

<p>بہت دیر تک رہے کھار ڈونگھا چنگی طرح پکا نخستہ صحت رب کریم گوتر وچ جیپال گھسا سل پتھر اُتے گھس لے نوں پوئنج کے اُتے دھر سٹ اٹھ روز نہ جادیں بھل مر گھیبو لاء نہ ہرگز ڈر بلغم خارج کرو شتاب</p>	<p>جیکر مرض پُرانی ہو درد چٹڑتے گل لگا نکلے مادہ بن کے ریم درد اُتے پچھ خوب لگا موٹے تازے دانے ترے زوندے نال آلودہ کر پتلی طرح پکاؤ گل ست روز لب لا رکھ تر دے کے دو ترے چار جلاب</p>
--	--



## بیان عرق النساء ہندی رنگین

<p>عام لوگ آگن اوترنی  دھج رگ لت دے کہے قور  سخت نہایت رنج پہنچاے  لنگا ہو جادے انسان  بہت سخت دیوے تصدیق  وجے چوکنے دھج تراٹ  لک چوکنے گئے تیک  گندہ ہوٹیکے کرے فساد  درد کرے تے گئے کچھ  آدے کہے نہ وقت آرام  ہرگز کدے آرام نہ آئے  دست - قصد - گل - دین ناڑ  مکو موافق طبع مزاج  پہلاں گوہے نال ادچھا  گھس کے لاگو تر دے نال  کناریاں تے گوگل گھس لا  پنجویں کاغذی نہیں اوتار  دیوے جھدے زخم چھڑا  کرتوں قصد عقل دے نال</p>	<p>عرق النساء سخت ہک رنج  ہندی دھج رنگین مشہور  چتر دوں درد گئے یک جادے  درد ہووے دھج پتی ران  پھرے نسا رگ دے دھج رنج  پوسے لت دے دھج بھرنٹ  عرق النساء جو رگ باریک  داخل رہے اس دھج مواد  پھر مواد یا رنج اس دھج  چیر پوسے دھج لت تمام  جب تک ادہ نہ نکل جاوے  خاص علاج رنگین دے چار  مالش دارو ہور علاج  مڈھ چیمپی دے گل لگا  ادہ دانہ حب جیپال  اوپر رتوں دا پھاٹا لگا  تھک لگا گل تے دینہ چار  گوکا گھیو رت ساڑ لگا  چیمپی دے مڈھ رت کے نال</p>
--	---

جد نکلی خون چچی دی ناڑ جے بلغم دا خاص سبب تنقیہ حب ایارج کر مالش کر بنت مٹھا تیل مالش اس دینہ رات کرا نت کھوا معجون سورج مالش کر ہر روز مدام کن دھواؤ سوئی نال کرے ترے مہینے دیر رینگن سچی طرف جے ہو کھتے طرف جے ہو دے پڑ معتبر رتی کھادے چار پچھوں گھیسو دودھ میل پلا تارا میرا تلی لگا دے ایہ بھی ٹوکھ ہے آزمودہ صابن تولے دو منگوا اجوائن خراسانی وچ پام خاص درد تے یپ کرا	ہو دے فوراً درد فرار کر بلغم نول خارج جھب دو ترے دفعہ نہ ہرگز دز روغن نال انڈی میل خوب استھاں دا زور لگا دفع ہو جادے جھب دے رنج جب تک آوے نہ آرام ناڑ پا پڑی کن دج بھال دھاگا دج کن دے پھیر کھتا کن دھادے سو سٹھا کن روغن اکیر روز نہ ہرگز رہے آزاد دور ہو جادے رینگن دا پانی دے گھٹ نال لنگھا دے فقیر شناسی دا فرمودہ سورنجاں تول نال رلا خالص دج شراب گھوٹا دیوے فائدہ تر ت پہنچا
--	--

### بیان فقرس

درم ہو دے تے لکے رکھ

جے ہستھاں دے گناں دج



<p> گٹیاں پیراں دج آماس  اونٹلاں ہتھ کر جاون ڈنگ  آکھن نقرس اس دانام  اکثر مادہ اس دا گرم  جسہ جدوں طیش دج آسے  اونٹھوں پیدا ہووے مرض  بادہ مرض دیوے جد زور  جیکر ہووے خون زیادہ  صافن باسلیق چھڑا  فاسد مادہ ہووے دور  جیکر بلغم یا ریح سرد  دج مفاصل وانگ علاج  جیکر مرض مرکب ہو  جاوے دکھ پُرانا ہو  گولیاں سم الفار کھوا  کوڑیاں چیزاں اکڈھ عرق  روغن رنم دا آپ بنا  نام اس دا روغن کلیان  پانی دج پت رنم گھوٹا </p>	<p> ہووے کرے پیراں داناس  جیویں گاں بھینس دانگ  طبناں دج حکماء تمام  گٹے گٹ جاون کر گرم  پانی سرد نال کوئی نہادے  یا تپ بعد ہووے بالفرض  طرف انگشتاں گھتے شور  گندہ سڑیا ہو یا مادہ  سنگیاں رمیاں جوکاں لا  رہے نہ چتے دج قصور  کرے ہتھیاں پیراں دج درد  کر توں اس دا سمجھ مزاج  کرد علاج مرکب جو  فائدہ کرے دوا نہ کو  دیوے نقرس مرض دج  انت پلا ہووے جھب فرق  روگی نوں ہر روز پلا  شہر سارے دج جہان  کر کے صاف گوکا گھیکو پا </p>
--	---

دیکھی دے دج گھت پکا  
ساڑ پانی سب ہیٹھ لٹا

## نسخہ حب سہم الفار

<p>مجرّب نسخہ سہم الفار          طبیب شیر الہی کتبہ سفید          ہک ماشہ گھٹ سہم الفار          عرق یسوں گھٹ بنھوں حب          ہک ہک حب دو وقت کھاوے          پچھوں گھیو دودھ پیوے گرم          ہر ہفتہ ہک مسہل کر          ہک ہفتہ مٹ دیوے چھوڑ          ایسے طور دوا کماوے          ہفتہ چھوڑ ہفتہ مٹ کھاوے          جیکر ہووے سرد ہوا          مالش کر اس روغن گرم          جس نقرس دا خشک علاج          گھیو مکھن اُس بہت کھوا          بنفشہ روغن رنت ملا          مالش تے کر بہتا زور          جے کوئی کھاوے خشک غذا</p>	<p>ہوئے کئی شفا بیمار          ہر ہک تے ترے مافے دید          ڈال کھل دج پیس سنوار          موٹہ برابر گولیاں سب          خشک چیزے راہ نہ جاوے          دُور ہو جادون درداں دم          طبع موافق مول نہ ڈر          مٹ کھاوے جے ہو دس لوڑ          خشک چیزے راہ نہ جاوے          نقرس داؤ دی بیخ اڈلے          کاغذی ہٹھا تیلیہ لا          رہن اعضا وال دج نہ دم          کر اس دا مرطوب علاج          جھتھوں تیک سکے اوہ کھا          کل روغن اُس نال ملا          ہتھان نوں ہر وقت مروڑ          سمیات یا سخت دوا</p>
---	---

اوتھوں جادے بگڑ مزاج  
 اُس دا ہے ایہ خوب علاج



## بیان مرض زانو واؤ

<p> جو جگر کوئی سخت مواد  گوڑے جڑ جاوے اس نال  درم ہووے گوڑیاں رُج جا  دستاں ہک عجیب مکور  گوڑے جڑے ہوئے ست سال  ہلدی بھی کون ریا  کڑھی بیٹھ انگار رکھا  پوٹلی گرم تیل وچ بوڑ  سارا دینہ کر ایہو کار  کر کے اک ویہ روز مکور  یا گوڑے تے جوکاں لا  کر ایہو دین رات تعمیل  جیکر باقی رہے تصور  ایسے طرح کر یک دو بار  کچھ مدت کر مالش گرم  ہر ہر قسم ریاضت کر  جیکر باد فرنگ آزار  جھب کھوا حب سم الغار  جیکر بلغم باد یا رتج </p>	<p> گوڑیاں دے وچ کرے فساد  بہت بیمار ہووے بد حال  آکھن اس نال زانو واؤ  جس دے مثل علاج نہیں ہو  کھلن حکم خدا دے نال  درڑہ کر پوٹلی بنھوا  تیل مٹھا تھوڑا جیہا پا  گوڑے اُتے کرو مکور  ہو ہوشیار نہ بہت ہار  رگٹیوں صافن رگ نون چھوڑ  فاسد مادہ دور کرا  ہووے سخت مواد تحلیل  ایہو یاد رکھیں دستور  ہووے موذی دفع آزار  پٹھے سخت ہو جادن نرم  اسواری گھوڑا چتر فر  زانو دے وچ کرے جگاڑ  موذی مادہ کرے فرار  گوڑیاں نون دیوے تصدیق </p>
--	---

کاغذی مٹھا تیلیہ لا  
 دو ترے اس نوں کرد جلاب  
 جیکر مرض زانو دی خشک  
 پٹھیاں نوں لگ جادے کچ  
 جو روغن ہوتے مذکور  
 گرم پانی دج رنت نہا  
 سامیں بخش کیتی ایہ کار  
 سبب جے بلغم خالص سرد  
 مالش کر رنت مٹھا تیل  
 سندھ سورج دار چینی لے  
 کٹ پھان دج شہد ملا  
 ہر ہفتے دج ہک جلاب  
 حمل ترے اجوین گھوٹا  
 تیل مٹھا گھت گرم کرا  
 مالش روغن گرم کرا  
 تیل مٹی دا رنت لگا  
 چار تولے گلقد منگا  
 کھاے اس نوں جدوں بیمار  
 کرے جے ایسوں استعمال

دو ترے دفعہ نہ ہے ہوا  
 خارج مادہ کرو غراب  
 ہے رطوبت دا نہ مُشک  
 ہووے سخت نہایت زنج  
 مالش کر چھ ماہ ضرور  
 دیگ عظیم حمام کراہ  
 ہوتے کئی شفا بیمار  
 ہووے گوڈیاں لے فوج درد  
 پیہہ کے نال سورنجاں میل  
 پنج پنج تولے دارد ترے  
 چھ ست ماشے رنت کھوا  
 حب ایارج دیہ شتاب  
 پانی تھوڑا جیہ ملا  
 گوڈیاں تے پرہ بنخوا  
 دیوے اس نوں رب شفا  
 روغن نال ارند ملا  
 سقمونیا ماشہ ہک ملا  
 ہوون درداں جلد فرار  
 شروع ہوون اس نوں اسہال

درد جیکر دیوے تکلیف  
 شدت اس دی کرے خفیف



## وَجَعُ الْكَتِفِ

معدوم

<p>             پورے سارے بازو دھج چیر              درد نال روگی کر لائے              ہودے بہت طبیعت تنگ              گو تر دھج جے پال گھسا              رگوں آلودہ کر چڑا              کاغذی چنگی طرح پکا              پھیر لگا گو کا گھیو ساڑ              نہیں دوا کوئی اس داثانی              کر کے صاف نطول کرا              بنگل مار ننگا مکھ سانس              گھوٹ پانی دھج خوب پکا              ہودے پیڑ شتاب موقوف              روغن نال ازندھی میل              دیوے مونڈھیوں درد نکال              مادہ اس دا ہودے سرد              تیل مٹھا گھت گرم کرا              دو ہفتہ کر استعمال              تیل مٹھا گھت گرم کرا              زائل کرے جے ہودے سرد           </p>	<p>             مونڈھے دے دھج ہودے پیڑ              راتیں دینہ آرام نہ آئے              درد بازو دھج مارے ڈنگ              مونڈھے اُتے گل لگا              نال استرے پچھ لوار              ست دھاڑے ٹھک لگا              اٹھویں کاغذی لٹیں اتار              ٹوٹکے کراں بیان لاثانی              انبرول کٹ لے جوشا              انبرول دی دیو بھانس              پیڑ انبرول بٹھا              سرد دوا ایہ نال وقوف              مالش کر نت کھٹ داتیل              چال روز کر استعمال              مونڈھے دھج جے ہودے درد              پانی دھج اجوین گھوٹا              پیڑ بٹھ عقل لے نال              سورنجاں مٹھیاں خوب گھوٹا              مالش کر نت اوپر درد           </p>
---	--

دھج بازو

باب  
 تیل  
 فرا  
 حالہ  
 ویک  
 مایل  
 روغن  
 نت  
 سایہ  
 شدہ  
 درد  
 باد  
 مقرو  
 زخم  
 سیٹ  
 دودہ  
 جد  
 زخم  
 سبب  
 قصد  
 کار

بابونہ اسی میسقی لیا  
 تیل میٹھا گھت گرم کرا  
 خراسانی اجوین منگا  
 خالص دج شراب گھوٹا  
 ٹوٹکے ہے ایہ دانگ طلسم  
 ماہل کنگنی ترے اجوین  
 روغن دار بھانڈے دج پا  
 نت اس نوں مالش کروا  
 سائیں بخش ایسنوں آزمایا  
 شدت درد جے کرے حکیم  
 درد اُتے جھب کرے طلا  
 جادے درد پرانہ ہو  
 مقروضی دارو اس تے لا  
 زخم جودں ہو جائے جاری  
 بیٹ کبوتر دی لے رائی  
 دودھ انجیر دے دج گھوٹا  
 جد اُس جگہ زخم ہو جائے  
 زخم دیر تک رکھو جاری  
 سبب جے ہووے خونی ادہ  
 فصد نال کر خارج خونی  
 جوکاں رنگیاں اس تے لا

پانی ڈال کونڈے رگڑا  
 درد اُتے پٹہ بنھوا  
 دانے حرمل نال ملا  
 سخت درد تے لیپ کرا  
 دیوے فیض درد ہر قسم  
 حرمل ادھ ادھ پاسب لین  
 پتال جنتر نال تیل کڈھا  
 روغن نال ارند ملا  
 بہت نہایت فیض اُٹھایا  
 دودھ دج اک لے گھس ایم  
 دیوے جلدی نفع پہنچا  
 نفع نہ بخشے داند کو  
 دیویں اس تے زخم بنا  
 خارج ہووے کل بیماری  
 ہک ہک تولہ دو دوائی  
 درد موندھے تے لیپ کرا  
 گھیو ساڑ کے نت لگاے  
 زائل ہووے کل بیماری  
 ہووے گندہ خون زیادہ  
 جیڑا گندہ بہت زبون  
 دو ترے دفعہ نہ دیر لگا



گندہ خون جد ہودے دفع دردوں جلد ہو جائے دفع

### لوٹکہ دہتقانی

لوٹکہ کراں بیان دہتقانی  
مریض جیکر ہودے مسکین  
بول کھیرے چھترے دایا  
پاک دودھ بھیڑ دج گھت  
کرے جے ایس نوں استعمال  
بقرہ پیڑاں دج لاثانی  
دیہہ اس نوں ہودے مسکین  
پک چھٹانگی وزن تولا  
پیوے نت دھاڑے ست  
فضل کرے رب ذوالجلال

### دج العقب

جیکر پب یا اڈی دج  
پتر اک دے توڑے آ  
تھلے جوتی ہے دج گھت  
یا اک دے پت گھت پخوڑ  
آٹھ دس دینہ کر استعمال  
جیکر درد پیراں نوں دم  
صافن رگ دا فصد کرا  
جیکر سوزش پیراں دج  
کوڑیاں چیزاں گھوٹ پلا  
یا کوڑے دارو کرد فقوع  
آٹو اہلی ترشش انار  
کرے کسے نوں درد جے نزع  
تیل مٹھا لا گرم کرا  
جاوے درد نہ آوے نت  
تیل مٹھا گھت کرو ٹکور  
دیوے اڈیوں درد نکال  
سبب خون دے مادہ گرم  
گل روغن سرکہ نت پلا  
کرے نہایت ڈاڈا نزع  
دو تولے نت لکھوں پا  
مصری ڈال رکھو نت شروع  
فقوع کر پیوے نت نہار

کبجہ  
نوشا  
کھاد

داعا  
بھار  
ہے  
کر مع

سبب  
سبب

پک  
معمون

میون

ہر ماہ

عق سو

مالش

لکھن گھ

جد ہودے

میں

طبع

سو

شیر کاسنی نال پلا	کنجین اس رنت پلا
وزن برابر دارو پیس	نوشادر آملہ سار کسین
گوکے مکھن نال نہار	کھاوے ہک رتی مقدار

### داء الفیل

ہاتھی وانگ ہو جان پران	داء الفیل مرض ادہ جان
ہوون اس دکھ نال علیل	بھارے موٹے قدم جیوں فیل
کرے روگی نوں بہت لاچار	ہے ایہ مشکل سخت آزار
کس سبب دکھ ہو یا پیدا	کر معلوم علامت ویدا
کر خارج سب خون زبون	سبب ہے ہووے گندہ خون
کر توں چنگی طرح صیغ	سبب ہے ہووے بلغم ریح
تنقیہ اس نوں دیوے نفع	ہک مہینے وچ ترے دفع
پچھوں سوئف دا عرق پلا	میعون پگودنہ رنت کھوا
کونی کوے مرض نوں دفع	میعون فلاسفہ دیوے نفع
ہووے موزی دفع پلا	ہر ماہ وچ دو قے کردا
سرد پانیوں پرہیز کردا	عرق سوئف دا بہت پلا
روغن نال انڈی میل	مالش کرد بالونہ نیل
مت خشکی اس جاے دھا	مکھن گھیو نہار کھوا
مادہ موزی کر اخراج	جد ہووے مرطوب مزاج
کر تنقیہ استعمال	چھ مہینے تا ہک سال
تان ہووے مادہ خفیل	طبع موافق کرد تعدیل

دفع

ثانی

کین

تولا

ست

جلال

نفع

کرا

دفع

مکھور

کمال

گرم

پلا

زج

پا

شروع

نہار



## دَوَالی

مرض دوالی پلبیاں دوج کنڈل مار ناٹاں پھل جان گرمی سردی سمجھ مزاج موافق اس دے طبع مزاج مالش مسهل یب نطول داء الفیل دا جو دستور مالش گل ردغن کردا جوشانت پبیک کرو نطول ہینے دوج دو ترے جلاب سمجھ علامت موزی مادہ	آن کرے ناٹاں نوں زنج وانگ سپولیاں نظری آون کرتوں اس دا خوب علاج مادہ موزی کر اخراج طبع موافق کرو رنجول اوہو مس دا کرو ضرور بابونہ روغن نال بلا محلل کرو ضداد رنجول طبع موافق کرو شتاب کہ اخراج جے خون زیادہ
--	--

## بیان حمیات

تا پاں دی ترے قسم پکھان جئے یوم ہورے جد شروع اسلی جئے یومی تاپ کہ دو روز ترے یا چار ہو دھویں روز یا ہویں دور جیکر اس تھیں دوسے زیادہ	جئی یوم - حطی - دق جان رکھے نال تعلق روح ٹٹ جاوے مہلت تے آپ یا آوے یک ہفتہ دار ہے نہ جئے دوج تصور کرے بگاڑ خلط دا مادہ
---	---

ادہ تب غلطی کن حکما جد غلطاں دج پوے قصور تب دے نال تعلق دل حرارت غریبہ شعلہ مار جلی یوم دے قسم پچیس دو قسماں تب دق پچیان	کھڑے دج جسم دے آ جلی غلطی کرے قصور رکھ دے پھیر دے دج بل دیوے دل دی طبع بگاڑ غلطی تب بے قسم پینیس حقیقی غیر حقیقی جان
---	---

### بیان نام و سبب حمی یوم

و کھو دکھ سناواں نام استضافہ اس دا نام بھکھ ترپہ تھیں پیدا ہو دیوے ضعف کرے کم طاقت تعبیہ رنج کرے مے کو پاؤے اندر عقل زوال غضبیبہ غضبوں کرے ہویدا سبب بے خواب ہووے بیمار فرعیہ خوف کسے نوں آوے آوے خواب اس بار بھ حساب دج جسم دے آن کھلوے یا کوئی تیز یا سخت دوا نال جان دے کرن ملای	حمی یوم پچیس اقسام سبب تاپ جے بند سام جو عیبہ عطشہ ایہ تب دو استفراغیہ بعد فراغت غیمہ بد ہضمی تھیں ہو وہمیہ وہم جو کرے کمال غیمہ غم تھیں ہووے پیدا سہریہ تاپ جو رہے بیدار سیدیہ سدہ تھیں ہو جائے نرمیہ بہت کرے جو خواب حریرہ جدوں حرارت ہووے پوے مخالف جدوں غذا غذائیہ دوائیہ ایہ دو تاپ
---	--

دل زج  
لری آدن  
ب علاج  
اخراج  
و رنجول  
کرو ضرور  
نال بلا  
و رنجول  
و شتاب  
خون زیادہ

- دق جان  
تعلق روح  
ہلت لے آپ  
ہفتہ دار  
دج قصور  
غلط دا مادہ



بہتا فکر کرے انسان  
 غشیہ غش تھیں کرے ظہور  
 جد کوئی پیوے بہت شراب  
 نزلیہ شدت وقت زکام  
 درمیدہ تاپ ہووے جد ورم  
 جد سردی بہت لگے انسان  
 وجعیہ سخت درد جد ہووے  
 تشفیہ ترک جو کرے ریاضت  
 جے کوئی کرے ریاضت سخت  
 جٹی یوم پیچیس اقسام  
 بہتا گرم ہووے جد رُوح  
 یا نہو جاوے بند مسام  
 یا کوئی سخت دوا غذا  
 یا دھپ سخت یا آگ داساڑ  
 سبب ہوا یا پالا سخت  
 سبب درد یا پھوڑا ورم  
 سبب ترہیر یا زیادہ بھکھ  
 سبب خواب یا بہت بخوابی  
 سبب یا ریش نزہ خام  
 سبب خوب فکر یا غم  
 سبب رنج یا وہم خیال

فکریہ پیدا ہووے آن  
 اڈ جادے چہرے دا نور  
 چڑھے خمریہ تاپ شتاپ  
 آن جسم دوج کرے مقام  
 کردا بہت جسم نوں گرم  
 سرمیدہ حاضر ہووے آن  
 آن جسم دے دوج کھلوے  
 ایہو اس دی خاص شناخت  
 چڑھے ریاضیہ تاپ یکھنت  
 رگن کے سب سنائے نام  
 جٹی یوم ہووے تد شروع  
 یا لگ جاوے سخت زکام  
 کرے بگاڑ معدے دوج جا  
 کرے جسم دے دوج بگاڑ  
 سردی اثر کرے یک سخت  
 کرے تاپ رُوح نوں گرم  
 دیوے تاپ جسم نوں دکھ  
 کرے تاپ دوج بدن خرابی  
 کرے تاپ دوج جسم مقام  
 دیوے رُوح نوں تاپ الم  
 رُوح نوں تاپ کرے بد حال

یا حدود زیادہ استفراغ سبب یا غش یا ضعف نہایت پیوستہ یا کوئی بہت شراب سبب یا بدھمی تھیں تاپ یا طاعون یا تاپ دہائی جو ہووے معلوم سبب نال طریقے پیر استاد ادل کرد پچھان مزاج گرمی سردی کر کے دھیان نبض قارورہ کر و شناخت	ضعف دیوے دل بگڑ دماغ ہووے تپ دی سخت شکایت یا غصیوں تپ چڑھے شتاب اکوے روگی کرے درلاپ پاؤے روح دے دج تباہی کہ توں اس دادار و جہب قاعدہ کلیہ رکھیں یاد طبع موافق کرو علاج نال علامتاں لے پچھان حال حقیقت کر دریافت
--	--

### علاج حمی یوم

حمی یوم ایہ سادہ تاپ عاجت نہیں اس بہت علاج سبب ہے ہووے بند مسام بھانس دیو پانی کر گرم گرم جگہ دے دج بہا گلقد تازہ اس بت کھوا جیکر کھنگ نہ ہووے نال	دفع ہووے منزل تے آپ جائز مدد کرن مزاج مل گوگا گھیو بدن تمام سخت مسام ہو جاد نزم جتنے ذرا نہ لگے دوا الچی دانہ نال ملا سکھیں کر استعمال
بنفشہ شربت نیلوفر وقت تریہ پلایا کر	

ہے آن  
را نور  
شتاب  
مقام  
گرم  
آن  
دے  
شناخت  
مخت  
نام  
نوع  
زکام  
جج جا  
جگاڑ  
مخت  
وز گرم  
س دکھ  
ن خرابی  
مقام  
الم



## نسخہ عرق آور

نوشادر ماشہ یک منگہ	شورہ ماشہ چار رطل
پانی پندراں تولے ڈال	سرکہ دو تولے گھت نال
تھتے اس دے ترے کروا	یک یک گھنٹے بعد پلا
مڑھکا جلدوں پھوے اس جاری	ہووے تپ دی رفع بیماری
دیہہ اس نوں اینٹی فیبرین	نال پانی دے رتی تین
مڑھکا بہت نہایت آفے	جلدی بہت بخار و نجاسے
پاشویہ اس نوں کرو ضرور	سر دا درد پھوے اس دور
گل روغن بابونہ گل	جان مسام شتابی کھل
سبب دھپ یا آگ داساٹ	گرمی تھیں تپ کرے جگاڑ
آلو انبلی کرد نقود	مصری ڈال کراؤ شروع
پنڈے گل روغن ملوا	گوکا مکھن نال رطل
دھنیاں صندل مشک کاٹو	گھوٹ بدن تے ملو ضرور
تاپ بے چڑھے زکام	گرے سینے تے نزلہ خام
پچی ریزش کھانسی نال	نکھے بہت کرے بد حال
ریزش کا ہڑے نال پکا	بنفشہ سونف ملٹھ جوشا
گھاؤ زبان گل نیلوفر	نال جوشاندے شامل کر
کھنڈ سفید تھوڑی جیہی ڈال	کر کچھ مدت استعمال
سبب بے سردی باد ہوا	ہووے تاپ کے نوں آ
سونف منقہ دیہوا دیال	ماکھوں دو تولے دے ڈال

عرق

دیہو

کچھ

عرق

گرم

بد

مضی

انار

ترش

قبض

غش

تھیر

شریت

ہ

بد

مشک

ریہ

بھی

سبب

سر

بیکر

تاپ

بعض

کیہ

کے

منہ

کلف

جیہ

کر

ہو

عرق سونف دا شہد پلا  
 بدھمی تھیں جیکر تاپ  
 نفخ شکم نوں دیوے کھج  
 دیو پودنہ سونف اوبال  
 کچھ قدرے تازہ گلقد  
 عرق پودنہ سونف اجوین  
 گرم شکم نوں کر مکور  
 بدھمی جے گرمی نال  
 انار دانہ آملہ منگوا  
 ترش انبلی ترش انار  
 قبض شکم دچ کرے خرابی  
 غش تھیں تاپ کے نوں آدے  
 شربت صندل عرق گلاب  
 بید مشک دا عرق پلا  
 ربہ ہی تے سیب کھوا  
 سبب سردی دا جیکر غش  
 جیکر تاپ نہ ہووے نال  
 جفضل کیسر لونگ پسا  
 پیہہ کے منہ اس دے دچ ڈال  
 مخالف جیکر پوے غذا  
 جے کر ہووے گرم سبب

عوض پانی دے اوس پلا  
 ہووے کرے روگی درلاپ  
 ہووے بہت طبیعت زچ  
 زیرہ دارچینی دچ ڈال  
 نال جو شانڈے کرو پیوند  
 سکنجیس گھت دیہہ دن رین  
 دیوے رتج شتابی توڑ  
 ترش دوا کر استعمال  
 نقوع کر کے اس روز پلا  
 سکنجیس دیہہ رت نہار  
 دیہہ اس نوں تلین شتاب  
 ضعف ہووے دل گوے کھاوے  
 روح کیوڑہ پیہے گھت آب  
 مصری کوزہ نال پلا  
 ورق چاندی دے نال پلا  
 آوے ہوش جاوے اس نس  
 گرم دوا کر استعمال  
 دو دو رتی وزن تلا  
 دیہہ منقہ سونف اوبال  
 گرم یا سرد پلا تیز دوا  
 سکنجیس گلاب پلا و جھب



جیکر سرد دیوے تپ زور	پاؤے دھج بدن دے شود
خونف پودنہ زیرہ ڈال	منقہ شامل کر کے تال
چھ چھ ماسے ترے دوا	منقہ دو تولے دچہ پاء
دیگی دے دھج گھت او بال	کر کے صاف ماکھوں چھ ڈال
روگنوں ایہ روزہ پلا	دیوے گھنڈا تابچہ اوڑا
تپ بے ہووے سرد ریاچ	عرق سونف دیوے اصلح
تاپ سبب جے استفراغ	ضعف دیوے دل جگر دماغ
مقوی جگر اس کریں دوا	مقوی دل بت دیوہ غذا
مرتبہ بھی دیہ اُس سبب	نال ورق چاندی کر زیب
مرتبہ آملہ دیہہ گلقد	ورق طلا کر نال پیوند
عرق کیوڑہ عرق گلاب	شربت صندل میل شتاب
سبب تاپ دا وہم یا غم	یا کچھ غصہ سخت الم
شربت صندل نت پلا	گادو زبان دا عرق پلا
سبب تاپ دا جیکر ورم	سخت گھنیر یا پھوڑہ گرم
یا ترہیہ جھکھ یا نیند بے خوابی	پاؤے اندر جسم خرابی
جس سبب تھیں پوے خور	کر اس نول ہر چیلے دور
درد پیڑ یا موزی مرض	تاپ ہووے جس دکھ دا عرض
یا طاعون یا تاپ و بائی	پاؤے اندر جسم تباہی
یا ماما خسرہ کرے ظہور	پاؤے تپ اس نال فتور
اصلی مرض دا کرو علاج	تاں ہووے تند رست مزاج
جد اصلی مرض رفع ہو جائے	مرض عارضی نظر نہ آدے

و  
ق  
ج  
دا  
رہ  
لاز  
سید  
مطب  
بلغی  
عقرا  
جے  
دوب  
تاپ

## بیان تب خلطی

خلطی تپ قسم ہے چار  
 فعلوں موجب پینتی نام  
 دائرہ آوے دورے نال  
 باہر رگال جے تپ دامادہ  
 وچ اعضاواں کرے بگاڑ  
 قوت بدن اس کرے تحلیل  
 جد پھر مادہ جمع ہو جائے  
 داخل رگال لے وچ مواد  
 رہے لزومت تپ دی دلم  
 لازم بخوردا رہے مدام  
 سبب تپ دا جیکر خون  
 مطبقہ ہے اس تپ دا نام  
 بلغمی تپ رہے لازم دلم  
 صفراوی ہر قسم دا تپ  
 جے خالص صفراوی مادہ  
 دوہے دن مڑ نظر آوے  
 تپ ترشیا اس دا نام

چونہ خلطیں تھیں کرے بگاڑ  
 دائرہ لازم حسب مقام  
 لازم رہے دلم ہر حال  
 کرے نقص بہت زیادہ  
 دیوے دورہ شعلہ مار  
 ہو جاوے تسکین علیل  
 مڑ نوبت دورے دی آئے  
 گندہ ہوئی کے کرے فساد  
 وچ جسم دے ہر دم قائم  
 نوبت شدت کرے تمام  
 ہووے گندہ بہت زبون  
 کرے عفونت خوں تمام  
 وچ بدن لے ہر دم قائم  
 نال رعب لے کرے ملاپ  
 یک دن آوے بہت زیادہ  
 تریجے مڑ حاضر ہو جائے  
 اکھن ہندی لوک تمام

جے بلغم نال مرکب ہو  
 بہت دیر تپ رہے کھلے



لازم رہے شامل ہر حال جد صفراوی ہووے حدت غیر طبعی سبب سودا تاپ ربع اس نام شناس تاپ ربع دو قسم جان ہک دن چڑھے دو روز نہ آئے ربع دائرہ اس دا اسم ربع لازم قائم ہر حال	نوبت شدت کرے کمال کرے وقت نوبت دے شدت ہووے تاپ شروع جد آ چوتھیکہ کن عوام الناس دائرہ لازم کریں پچھان مڑ چوتھے دن بدن تپائے بہت دیر تک ہے وجہ جسم چڑھے چوتھے دن شدت نال
---	---

### بیان تب مطبقہ دموی

مطبقہ تب ہک سخت آفات جدوں عفونت پائے خون ایہ تب شروع ہووے تب آ خون گندہ جد کرے بگاڑ چہرہ سُرخ نہایت گاہڑہ پہلاں لے کے نام خدا پچھوں دیہ شربت عذاب آلو انبل رات پوسا جیکر قبض شکم دج ہو	ہکوجیہا رہے دن رات ہووے گندہ بہت نزلوں داخل دج عروقن ساڑ پوے جسم سائے دج ساڑ اکھیں سُرخ ہوون سر بھارا باسلیق دا فصد کرا نال بلا نت عرق گلاب فجر پلا نت مصری پاء دیہ ملیں اس نول کو
--	--

جیکر کھنگ نہ ہووے نال  
ترش چیزاں کر استعمال

بہت کھوا سنگترہ انار  
 جیکر کھانسی شامل ہو  
 دیہ توں اس نوں اوہ دوا  
 بنفشہ صندل بور عناب  
 جے بلغم نال مرکب ہو  
 کراں بیان عجیب دوا  
 چراتہ پا پڑا افسنتین  
 گلو تازہ ترے ماشے ڈال  
 نظر جے آوے خون زیادہ  
 جیکر ہووے لڑکا یا ل  
 دموی تاپ جان دو قسم  
 جیکر خون عفونت پائے  
 جے باہجہ عفونت کے فروش  
 سو خوش اس تپ دانام  
 دموی مادہ مارے جوش  
 علامتاں دموی ہون ظہور  
 شربت رنت انار پلا  
 آلو انبلی کرو نقوع  
 شربت آلو کر کے تیار  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 قے نال صفرا اخراج

زنبو گاجراں دا آچار  
 چیزاں ترش نہیڑے ڈھو  
 خون گندہ جو کرے صفا  
 کر کے دیہ نقوع شتاب  
 بہت مدت تپ پے کھلو  
 دیوے تپ دی بیخ اٹھا  
 دو دو ماشے دارو تین  
 نقوع کر کے استعمال  
 فصد نال کر خارج مادہ  
 نال جوکاں مے خون نکال  
 کرے بگاڑ بہت دھج جسم  
 مطبقتہ تپ اوہ نام رکھکے  
 خون بدن دھج مارے جوش  
 کہن حکیم طبیب تمام  
 سو خوش تپ کرے بیوش  
 باہجہ عفونت کرے فتور  
 سنگجیں پانی دھج پا  
 مصری ڈال کراؤ شروع  
 اس نوں رنت پلاڈ نہار  
 روغن کرو ماش کر  
 کر ایہ عمدہ بڑا علاج



گرم پانی دے نال دلا  
رکھ ہمیشہ اس نوں شروع

سکنجییں دی قے کردا  
ہور شربت شیرہ سرنقوع

## بیان تپ غب دائرہ خالص

دساں اس دے خاص نشان  
مُط تریجے دن بدن تپا دے  
بہت پیاس لگے اس آب  
نوبت وقت طبع گھبرا دے  
آون کرن سخت بد حال  
سرنوں درد دیوے نقصان  
دج بے ہوشی کرے بکا  
کرے تعفن دج اعضا  
پاون رنج عفونت نال  
کرے تعفن دج اعضا  
ٹٹ جاوے منزل تے آپ  
یا آوے نوبت ست دار  
ہووے تپ دی رفع شکایت  
پاوے سخت نہایت شور  
فجر پلا رنت مصری پاو  
خارج کر موزی صفرا  
دفع کرن صفرا دا سار

دائرہ غب دا کراں بیان  
ہک دن چڑھے دو بجے نہ آوے  
سرکن تلخی زرد پیشاب  
اوبت آون تے جی متلا دے  
زرد رنگ دی قے اسہال  
مُونہ کوڑا تے خشک زبان  
دل نوں بہت ہووے گھبرا  
غیر طبعی موزی صفرا  
جیونکر معدہ جگر طحال  
ایہ مادہ مفرد صفرا  
غِب دائرہ خالص تاپ  
ترے نوبت آوے یا چار  
مدت نوبت باراں ساعت  
دورہ غب جے دیوے زو  
آو انبلی رات پوسا  
سکنجییں دی قے کردا  
شرش زہتو سنگترے انار

<p>سکنجین تازیہ تے گلقد          خرد کاسنی تخم لے کھیرہ          جیکر ہووے قبض نہایت          گھوٹے والی دیہہ تیلیں          بنفشہ کدو مغز لے آ          گھوٹ پانی وچ داو چار          شیرہ اس دا صاف کرا          دو ترے داری ایہہ تیلیں          جیکر خواہش کرے غذا          گاجر لیموں دا آچار          کھجور دی دیہہ مونگی دی مال          گوشت بھی مرغ نہ دیہہ</p>	<p>دائرہ غیب وچ فائدہ مند          گھوٹ پلا مصری گھت شیرہ          وچ شکم دے درد شکایت          خارج کر صفرا لعین          کاسنی پھل گلاب ملا          دو دو تولے دا مقدار          مصری ڈال اس تری پلا          دیہہ توں اس نوں نال یقین          دیہہ ترشی کر کے ہمراہ          غلغل آملہ دا ہر بار          یا چاول اس دیہہ اوبال          رکھیں یاد نصیحت ایہہ</p>
---	--

### بیان غیب لازمہ

<p>لازمہ غیب جے کرے ظہور          بلغم نال لے صفرا          تعفن کرے رگاں دے وچ          داخل وچ عرقاں مادہ          دو جے دن کچھ رہے زودمت          وقت چڑھائی لگے پالا          جیکر بلغم ہووے شور</p>	<p>کر معلوم جیویں دستور          داخل ہون عرقاں جا          نوبت وقت کرے تپ زچ          یک دن ہووے بہت زیادہ          تریکے دن مڑ کرے نصیحت          شدت وقت ہووے دل کاہلا          دیہے دورہ سخت مروڑ</p>
--	--



بلغم شور حکم صفرا  
 جے غالب ہووے صفرا  
 اچریں بدن رنگین پیشاب  
 بدنوں سرنوں چڑھے بخار  
 جے بلغم دا ہووے زور  
 گھولی بہت اس خواب  
 رے جیکر کچھ بلغم خام  
 شروع نوبت دج لرزہ آوے  
 غلبہ جیٹری کرے کیفیت  
 کیفیت موجب کرو علاج  
 اٹھتالی ساعت نوبت تاپ  
 بلغم نال جے کرے مٹاپ  
 جب تک بلغم نفع نہ کھاوے  
 جیکر حکم خدا دے نال  
 یا نکسیر آوے یا عرق  
 منضج دے کے کر تیلیں  
 تپ غب نال جے ہووے کھنگ  
 بنفشہ سونف ملٹھ جو شا  
 ترش نہ دیویں کوئی چیز  
 چراتہ کرٹو گلو جو شا  
 ترے ترے ماشے دامقدا

رکھے اکھن کل حکماء  
 تلخی بہت ہووے گھبرا  
 آدن سُفنے بہت خراب  
 سرنوں درد ہووے بیار  
 دورہ بہت ہووے کمزور  
 پھیکا ذائقہ بہت خراب  
 ہوون درداں جسم تمام  
 دل نون دھوپ نہایت بھاکے  
 معلم اس دی کرد ماہیت  
 موافق جیٹرا طبع مزاج  
 مُڑ ہولا ہو جادے آپ  
 بہت دیر تک ہے غب تاپ  
 ہرگز بدنوں تاپ نہ جائے  
 بحران ہووے تے یا اسہال  
 تپ غب تھیں جھب ہوئے فرق  
 دیہہ مُڑ شربت افسنین  
 بلغم نکالے چٹے رنگ  
 نت پلا مصری دج پا  
 ایو رکھیں یاد تیز  
 پیوے نت دج کھنڈ ملا  
 پیوے کر کے صاف تار

سبب ہے ہودے بلغم شور  
 رنگ چہرے دا پیلا زرد  
 شربت لیموں رنت پلا  
 بہت صفرا جے کرے لاچار  
 جیکر اس نول قے کراویں  
 سکنجیں کر استعمال  
 ترش انار دانہ کھوا  
 بہت دیر غیب ہے جے تاپ  
 ہک ہک رتی قدر کونین  
 ایہ نسخہ آزمودہ کار  
 بہت نہایت فیض اٹھایا  
 کوڑیاں چیزاں رنت جوشا  
 جے اوس ہتھیں پیرس دم  
 یا دیویں شربت دینار  
 عرق سونف دا بہت پلا  
 ہر ہفتہ دے کے تلین  
 بلغم منضج نال پکا  
 جاوے دکھ پُرانا ہو  
 ایہ کر اس دی تدبیر

یا ہودے صفرا دا زور  
 شربت دیہہ بزوری سرد  
 کٹ سٹے موزی صفرا  
 رنت کھوا سنگترے انار  
 فائدہ جلدی نال اٹھاویں  
 آلو انہلی پانی ڈال  
 روگی نول ہر روز چٹا  
 کرے جے بلغم نال ملاپ  
 عرق سونف وچ دیہہ دن یں  
 سائیں بخش کیتا کئی بار  
 ہرگز کدے خطا نہیں پایا  
 دیہہ اس نول وچ شہد بلا  
 شربت دیہہ بزوری گرم  
 یا دیہہ درد نہ رہے آزار  
 سرد پانیوں بہہ بہر کردا  
 خارج کرد ہواد لعین  
 ہر ہفتہ شہل کردا  
 بہت دیر جے رہے کھلو  
 حق اس دے دج ہے اکیر

دیہہ غذا اس نول بخود آب  
 چاول دیا یا کٹ کاب



## نسخہ تپ غیب لازمہ کہنہ

تپ غیب جیکر بہت پُرانا نسخہ مجرب کراں بیان گشتہ ابرک مُشک کافور ترے ترے ماشے دامقدار ترے ترے رقی دامقدار وزن خوراک ایہ مرد جوان ایہ نسخہ آزمودہ کار	رہے بدن وچ مل ٹکانہ رہے نہ تپ دا نام نشان کونین ست گلو ڈال ضرور لے کے میل دوا میں چار کھاوے فجرے نت نہار عمر موافق بال نادان ہوئے بہت شفا بیمار
---	---

## بیان شرط الغیب

جے دونویں غیاں مل جاوَن نظر الغیب اس تپ دا نام ایہ تپ چڑھے جدول انسان اوکھا اس دا سمجھ قیاس پہلاں کر کے خوب دھیان غلبہ جس دا نظری آ جے مادہ لائق اخراج جے مادہ لائق تبدیل نخیف مواد جے لائق عرق جے مادہ وچ جگر جگاڑ	آپو اپنا ضرر پہچا دَن دائر لازم حسب انتظام مشکل آوے وچ پہچان کرے طبیب دا ناشناس غالب لے مواد پہچان طبع موافق کرو علاج منضج مُسہل قے علاج طبع موافق کرو تعدیل کر تدبیر ہووے حجب فرق کر کے دیویں اس نوں ادوار
--	--

بکھ کیفیت طبع مزاج ہودے تاپ پورا نہ ہو	غیب لازمہ وانگو کرو علاج شریت دیوس رنت بزور
---	--

## نسخہ مجربہ صدری سائین بخش حکیم

رہے نہ تپ دا ذرہ قصو پنج تولے اک دا دودھ ٹال اک دا دودھ سب جذب کرا گول فاولہ پکڑ بت سرتے کوئد اک رکھا جھتے اس نہ لگے داؤ پیہ کے ڈبی وچ رکھا قدرے کھنڈ اس وچ پلا تاپ پورا نہ ہو چاھے کاہڑ پلا ایہ دارو تین پانی تھیں پرہیز کرا	ہک صدری نسخہ لکھاں ضرور تولہ ورقیہ نے ہڑتال کھل دے وچ کھل کرا جد اوہ ہودے کرڑہ آ سوتر تولے چار ولا گول پیالی وچ رکھاؤ جد اوہ گول سرد ہو جا ریج رتی دا وزن کھوا بہت نہایت نفع دکھاھے کڑو چرائتہ افستین عرق سونف دا رنت پلا
---	---

## بیان تپ محرقہ

پیدا آن ہودے یک سخت جگر معدے وچ کرے بگاڑ کرے قوت بدن دی مات ترپے پھٹی وانگ بیمار	محرقہ تاپ بڑا ہک سخت گرم تیز صفرا دا ساڑ محرقہ تپ ایہ بڑی آفات زور دیوے جد بہت بخار
---	--



<p>             پھرے بدن دج نہری مادہ              عقل ہوش دج پوے فساد              تے دست ہو جادون جاری              گھوکی دانگ ہوئے سرسام              پوے جگر دل دے دج ساڑ              سرکن ترہیہ تلخی گھبراے              کوڑا ذائقہ زرد دھان              زردی رنگ قارورہ آے              رنگ اکھیں چہرے دا زرد              جیکر پوے ردی بحران              جیکر دسواں روزہ لنگھاے              تے دست اس بند نہ کر              ایس تاپ تھیں رب رحمان              محرقہ موذی تاپ خراب              سنجبیں کی تے کروا              شربت ہیمنوں ترش انار              جیکر آدن بہت اسہال              زرشک آملہ دانے آنار              قابض کوئی نہ دیویں چیز              سنجبیں جے پیوے سادہ              خرد کاسنی تنم خیسار           </p>	<p>             ہووے تلخی طیش زیادہ              باتاں بہت کولے بکواد              پوے طبیعت دچ خواری              آدے کسے نہ وقت آرام              اوکھا ہووے بہت بیمار              دل نوں طیش پہنچے کر لکے              سکے تالو حلق زبان              ضعف پوے دل گھانا کھٹے              چڑھے بخار ہووے سرد              اکھویں دسویں کدھے جان              فضل خدا تھیں صحت پافے              بند کرن دج بہت خطر              بخشے رحمت نال امان              دارو اس دا کرو شتاب              انبلی آلو بہت پلاء              بہت مفید پون درکار              ہووے قوت جسم نہ حال              دیو نقدع کر صاف تیار              نال ہوش رکھ یاد تمیز              کسے معدیوں خارج مادہ              جگر دل کرے مواد اदार           </p>
---	--

دو  
 جیکر  
 غلغلا  
 کاغی  
 گرم  
 جیکر  
 دانگ

<p>             ترش لیموں سنگترے انار              شربت لیموں آلو سیاه              شربت صندل قرص کافور              بید مشک تے کیوڑہ عرق              بنفشہ شربت نیلووفر              بہت بے ہووے حال تباہ              دھنیاں کاسنی صندل بور              گھوٹ پانی رچ کرو طلا              تے اسہال بے آون زرد              دیہ گھوٹے والی تلپین              بنفشہ کاسنی پھل گلاب              دو دو تولے پیوے گھوٹ              جیکر خواہش کرے غذا              غنفل زیتو دا آچار              کاغی گاجر دی بے پیوے              گرم خشک کوئی چیز نہ کھاوے              جیکر سر وچ درد بخار              وانگ غیب سے محرقہ تاپ           </p>	<p>             خارج کرن بدن دا ساڑ              دیوے محرقہ تاپ ونجا              دیہ بنت ذرہ نہ رہے قصو              میل گلاب ہووے جھب فرق              پانی ڈال پلایا کر              دیویں اوہ ترے عرق طلا              پھل گلاب تے مشک کافور              دیوے سڑکن جسم ونجا              ہووے قبض شکم وچ درد              دو ترے داری نال یقین              مغز کرد وچ ڈال شتاب              دفع ہووے جسموں سب گھوٹ              دیویں ترشی نال طلا              کھاوے نال غذا ہر بار              بہت شتابی چنگا تھیوے              مت مڑ تاپ عود کر آوے              کرو پاشویہ دو ترے وار              دفع ہووے منزل تے آپ           </p>
--	---

پر مدد طبع دی کرن ضرور  
 مت کوئی پاوے ہو رقتور



## بیان تب بلغمی

<p>             آوے مدت بہت دراز              موجب ضرر سداون نام              داخل ہوں اعضائیں جا              تاب مرکب شروع ہو جاؤں              نوبت وقت کرن بد حال              کدے تاب تے کدے آرام              مڑ نوبت تے چڑھے بعین              دج مشہور عوام الناس              اوہ تب بلی سداوے              بند مسام ہوون سر بھارا              آکھن اُس نول تاب نہاری              چڑھے بخار ہووے سرد              کن حکیم طعیب تمام              رہے تاب جسم تے نرم              دیکھو طبیاں دج بیان              بادلہ داخلہ نام سداوے              جیونکر معدہ جگر لمحال              داخل ہوئی کے کرے فاد              مثل دق تشبیہ تمام              کہو جیہا ہمیشہ قائم           </p>	<p>             بلغمی تب جد کرے آغاز              بلغمی تب دے بہت اقسام              جے بلغم نال بے صفرا              دو مادے فاسد دل جاؤں              دائم آون دورے نال              جے دورہ کرن صبح یا شام              اُتر جاوے ہووے تسکین              نائبہ مواظبہ نام شناس              رات چڑھے دینہ نظر نہ آئے              چڑھیا تاب رہے دن سارا              بچیا رات رہے جے ساری              باطن گرم جے باہر سرد              تاب لیفور یا اس دا نام              باطن سرد جے ظاہر گرم              انفیالوس تب نام بچیان              یک اُترے دوجا چڑھ جائے              شرکیہ چڑھے شراکت نال              دج رگاں جے سرد مواد              دائمی تب تشقہ اس نام              لازم رہے جسم دج دائم           </p>
--	--

ج  
 تہ  
 ف  
 بلغم  
 جے  
 کا  
 دو  
 بنفہ  
 گاؤ  
 نل  
 دو  
 جیکر  
 جیکر

خاص حقیقی تپ دق عاده  
 فرق دوہاں وچ اتنا جان  
 بلغمی تپ دی خاص علامت  
 بھاویں دائر لازم ہووے  
 نایہ نوبت دیوے دائم  
 تپ دے نال جے کھانسی ہو  
 ریزش خام جے ہووے نال  
 ریزش سرد جے ہووے خام  
 جب تک بلغم نفع نہ کھاوے  
 تپ وچ ریزش پختہ آوے  
 فاسد مواد جے بہت خراب  
 بلغمی تپ ہر قسم پورا نا  
 جے کھانسی ہووے تپ نال  
 کاہڑ جوشاندہ روز پلا  
 دو انجیر منقہ چار  
 بنفشہ ماشے پنج منقہ  
 گاؤ زبان پنج ماشے ڈال  
 کل پن اس وچ کھنڈ ملا  
 دو ترے ہفتے استعمال  
 جیکر حاجت ہو س جلاب  
 جیکر شامل گرم بخار

ہووے بعد غذا زیادہ  
 کبے طیب دانا پہچان  
 وچ جسم بہت کرے اقامت  
 وچ بدن دے آن کھاوے  
 لازم رہے ہمیشہ قائم  
 چیزاں ترش نہ نیڑے ڈھو  
 کرو جوشاندے استعمال  
 منفع نال پکاؤ تمام  
 تپ بدن نوں چھوڑ نہ جاوے  
 شربت فائدہ بہت پہنچاوے  
 دیہہ کوئی اس نوں نرم جلاب  
 بیٹھے جیکر کل ٹھکانا  
 ریزش خام کرے بد حال  
 دیوے ریزش خام پکا  
 سونف ہک تولے دا مقدار  
 چار عناب سوڑیاں آٹھ  
 رات پوسائیکے فجر اوبال  
 دیوے ریزش خام پکا  
 کرو جاوے تپ کھنگ فی الحال  
 کاہڑ جوشائیکے دیہہ شتاب  
 آدے کھانسی پک کھنگار



اعجاز شربت اس دیوے نفع  
 بیفوریاتپ جے بہت پُرانا  
 باطن گرم تے ظاہر سرد  
 کر کچھ مدت استعمال  
 لشقہ تاپ والا بیمار  
 دیو شربت رنت بزور  
 پیوے شربت روز اصول  
 مرکب تپ نول نال یقین  
 مرکب تپ جے تائبہ ہو  
 صفرا تپ وچ جے ہوئے تیز  
 ہر ہفتہ یک قے کروا  
 غشیہ تاپ کرے بد حال  
 انقیالوس نول قے کروا  
 ہر ہفتہ دے وچ یک بار  
 ہتھیں پیریں جے کر درم  
 شربت رنت پلاؤ بزور  
 شربہ تپ نول دیوے نفع  
 جے پیوے شربت دیناری  
 سبب جے ہووے بلغم شور  
 غالب جیکر بہت صفرا  
 رنگ جے ہوئے پیلا زرد

کرے کھنگ تاپ سب دفع  
 رہے باطن وچ مل ٹھکانا  
 رنت پلاؤ اس شربت درد  
 دیوے جسموں تاپ نکال  
 پیوے شربت روز دینار  
 نہا ر یہ بیلہ ہووے دور  
 مواظبہ بلغمی رہے نہ مول  
 دیو رنت شربت افسنتین  
 شربت قاندہ کرے گلہ  
 ہووے جلدی نال گریز  
 مواظبہ نائبہ رہے نہ کا  
 کر شربت صندل استعمال  
 نہیں کوئی اس دے جیادوا  
 ہووے انقیالوس قرار  
 شربت دیو بزوری گرم  
 کرے مبادلہ داخلہ دور  
 کرے مواد جگر دا دفع  
 جاوے بیلہ تاپ نہاری  
 دیوے تاپ مرکب زور  
 سنگبین گلقد کھوا  
 شربت دیو بزوری سرد

بنفشہ شربت زیت پلا  
 تپ وچہ لگے تریہ نہایت  
 شربت اُس نول دیہہ انار  
 لعاب بہیدانہ اسبغول  
 یا دیہہ شربت ترش انار  
 خالص بلغمی تاپ جے دائم  
 غالب ہووے مادہ سرد  
 بلغم خام جے کرے بگاڑ  
 سونف انیسوں افسنتین  
 کُٹ پانی وچ رات پوسا  
 پنج تو لے گلقد وچ ڈال  
 کل پُن کر کے صاف پلا  
 پلا زیت شربت افسنتین  
 ایہہ بھی شربت ہے مشہور  
 بلغمی تاپ جے کرے بیحال  
 بہت مدت آوے تپ طول  
 منقہ سونف انجیر جوشا  
 سرد نہ دیویں کوئی چیز  
 مرتب تاپ جے بہت پُرانا  
 رہے بدن دے وچ کھلو  
 دو ترے چار مینے آئے

نیلوفر دا نال پلا  
 سڑکن سوزش بدن شکایت  
 دو ترے تو لے دا مقدار  
 دیویں شربت لے وچ گھول  
 شیرہ کاسنی تخم خیار  
 رہے جسم وچ ہر دم قائم  
 وچ اعضا و اہ ہودے درد  
 دیویں ایہہ جوشاندہ کاہڑ  
 کرفس ہر یک ماشے تین  
 فخرے دیگی وچ جوشا  
 دیویں دو ترے ہووے ابال  
 دیوے بلغمی تاپ وچ  
 دیوے فائدہ نال یقین  
 ہووے تاپ پُرانا دود  
 پھل ماتا ہووے اس نال  
 اوکھا ہووے بہت رنجول  
 دیہہ زیت اس نول شہید ملا  
 ایہو رکھیں یاد تیز  
 کرے جسم لے وچ ٹھکانا  
 فائدہ کرے دوا نہ کو  
 ہرگز بلغم نفع نہ کھائے



کرے روگی دا مندا حال	دل سودا بلغم دے نال
کراں بیان اس دا اظہار	نسخہ ہک مخفی اسرار
فصل خدا تھیں فیض اٹھایا	کئی ہزار دفعہ آزمایا
ہک تولہ ست ڈال گلہ	تخم کر بخوہ تولے دو
میل ماشہ ہک دیہہ دن رین	ترے ماشے ہاؤڑ کونین
دیہہ ہک تولہ نال یقین	پچھوں خبرت افسنتین
سائیں بخش کیتا کئی بار	ایہ نسخہ آزمودہ کار
سر تپ دے وچ ماسے تیر	ڈٹھا ایس نوں مثل اکیر
مرکب رشقہ انقیالاس	یغوریا بلیہ تاپ دیوس
نس جاون کرے درلاپ	مواظبہ نائبہ دائمی تاپ
چھوڑ بدن تپ جاسے نس	کھائے نت دھاڑے دس
سے کٹ تاپ دا سیس	جے استعمال کرے دن میں
دفع کرے تپ دی پریشانی	یاد آیا نسخہ دہقانی
کر ایہہ نسخہ استعمال	کنہہ تاپ جے لڑکا بال
پیوے گھوٹ گلہ وچ پا	چا دل کڈھ اجوین پوسا
ہووے دائمی تاپ فراہ	تمرے ہفتے پیوے یا چار
شاہ ارزانی دا فرمایا	ٹوٹلہ یاد مینوں ہک آیا
ہووے بہت شتابی فرق	دفع کرے تپ نوں راہ عرق
کر کچھ مدت استعمال	کٹ اجوین شہد وچ ڈال

کنہہ تپ نوں دیوے دفع  
بلغم باد ہوون سب دفع

# نسخہ تپ مرکب

مرکب تپ دا عجب دوا گلو چرائیۂ افسنتین دو ماشے وچ کر دو ملا نجرے دیہہ نت کر کے صاف بے رنگ ہووے پیلا زرد بزدوری شربت کر کے تیار	دستال دیوے رب شفا دو دو ماشے دارو تین سات پانی وچ رکھ پوسا تا پلوں کرے خداوند معاف شام پلا نت شربت زرد پیویں دونویں وقت نہار
--	---

## شربت گلو

ہودے بال یا مرد جوان بہت دیر تک ہے کھلو گلو تازہ چھ تولے لیا افسنتین نیلوفر لے ترے پا مصری ڈال ضرور بے غلاب گرمی وچ جسم ایہ گہی ہے اے نسخہ آزمودہ	تاپ مرکب کرے حیران فائدہ شربت کرے گلو پھل گلاب بنفشہ پا ہر یک ہودن تولے ترے کہہ قوام جیویں دستور ہودے تاپ دفع ہر قسم شاہ ارزانی دا فرمودہ
---	---

## شناسی نسخہ تپ کمنہ

بے تپ چڑھے شراکت نال نسخہ ہک آزمودہ کار	جیونکر گرے جگر طحال دفع کرے تپ راہ ادرار
--	---



<p>شناسی نسخہ ایہ مشہور          قلمی شورہ مرغ سیاہ          شورہ کرچھی دے دج پا          مرچاں گھت گھت شورہ کاہڑ          جد مرچاں سرٹ جان تمام          جلدی پیالے دے دج ڈال          نوشادر چھ ماشے دج پا          وزن کھوانت رتی ست          گلو زیرہ چانول اجوین          کر ایہ نسخہ نال تاکید          جد اس نول ہووے ادرار          جے سردج اس ہووے پیر          جے کر خواہش کرے غذا          یا کدو پاک امونگی دال</p>	<p>تاپ پورا نہ ہووے دُور          ہر ہک دو دو تولے یا          چاہڑاگ تے خوب پکا          سیخ ہلا مرچاں سب ساڑ          یک جادے شورہ سب خام          کر مڑ اس نول کھل کمال          شیشے دے دج رکھ ٹکا          مڑ کے تاپ نہ آوے دت          پچھوں گھوٹ پلا دن رین          پوسے تاپ نول بہت مفید          ہووے تپ دا دفع انار          پاشویہ حق اس دے اکیر          کچھڑی دیہہ نخود آب پکا          یا چانول اس دیہہ اوبال</p>
---	--

### نسخہ تپ بمعہ اسہال

<p>جے تپ بعد آدن اسہال          دستان نسخہ بہت عجیب          جیکر کھنگ نہ ہووے نال          زرشک آملہ دانے انار          کر کے پانی دج نقوع</p>	<p>پکڑے قوت ضعف کمال          نفع پہنچاوے دستان جعب          کر ایہ نسخہ استعمال          سماق برابر دارو جاد          رکھ دو ہفتے تک ایہ شروع</p>
---	--

یا شربت اس حب آلاس مواد سبب ہے معدے دوج کر توں آدل اوہ علاج بنفشہ مغز کدو بادیان دس تولے خالص تھلقتند کپڑے دوج گھت صاف کرا بہت پہنچا دے نفع نہایت	نت پلاڈ بے دوسو اس وقت مردے لگے بھیج کرے مواد جہڑا افراج سنا تول تول سب آن گھوٹ پانی دوج کرو پیوند دن دوج ہک دو یار پلا کرے مرض دی رفع شکایت
---	--

### نسخہ لعوق تپ و سرفہ

ہے غالب صفرا طیب شروع مرکب تاپ ہو جائے ہووے ریزش نزلہ گرم دیویں اس لعوق بنا بہیدانہ خطمی نیلو فر دو دو تولے وزن تول رات پوسا پانی دوج ڈال مل کے پُن کے صاف کرا خوب طرح کر گاہرہ قوام نشاستہ رب السوس کتیرا مغز تخم کدو بادام دو تولے غشماش سفید	بلغم نال ہووے ترکیب کھانسی بہت نہایت آئے خشک مزاج ہووے یا نرم چٹے اس نول صبح دحشا بنفشہ اس لے شامل کر لسوڑیاں سو دانہ دوج پا فجرے دیچی دوج ادبال ادہ سیر مصری نال پلا ایہ دوا کٹ میل تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا ہک ہک تول وزن تمام نال ادنہاں کر شامل دید
--	---



چھ تو لے روغن بادام کرد ایہ چٹنی استعمال	کر چھپی نال ملا تمام دیوے ریش باہر نکال
---	--

## لعوق مجربہ تپ و سرفہ خونی

تپ لے دج جے آدے کھنگ خون آدے کھانسی لے نال لعوق دساں ہک فائدہ مند پوست پانی دج جوشا خوب طرح کل ہتھاں نال تریہ تو لے مصری دج گھت کر کے چنگی طرح توام نشاستہ حب السوس کتیرا مغز تخم کدو بادام ہک ہک تولہ نت چٹا	کرے خراب نہایت شنگ روگی بہت ہووے بد حال کھانسی خون کرے جھب بند ڈیڑھ چھٹانکی وزن تولا کر کے صاف کر اسی ڈال گاہری خوب پکاویں پت کٹ دوا ملاو تمام مغز تخم کھکھڑی کھیرا تولہ تولہ وزن تمام دیوے کھانسی خون دجا
--	---

## لعوق مسہل

جے تپ لے دج قبض نہایت کراں بیان لعوق جلاب جے پیوے پانی دج گھول ادھ پا گودا ابلتاس ادھ سیر عرق سونف لے تولہ	ہووے روگی کرے شکایت چٹے آدن دست شتاب دیوے قبض شکم دی گھول تازہ لے تولہ نال شناس کرے تولہ اس دے دج گھول
--	--

م  
بہ  
ش  
تخم  
بنف  
گاؤ  
ہک  
رات  
ہو  
۱۴

چاراں تولے مصری پا کٹ ایہ میل دوا تمام خوب گھوٹا کر نال پیوند ہک ہک تول وزن تمام ترے ترے ماشے تروی دول کٹ ملا دوا تمام مرتبان دج رکھ سہمال وزن خوراک تولے ترے چار	چھانسی دے دج صاف کرا دیگی گھٹ گاہڑہ کر قوام دس تولے خالص گلقد کتیرا مغز کدو بادام سقمونیا اصلی غاریقون تولے دو روغن بادام ریوند ترے ماشے دج ڈال ہر ہفتہ کھاے ہک بار
--	--

### نسخہ شربت برزور

ہے بدن دج کل ٹیکانا مواظبہ ناشہ تپ ہر قسم ہر دے تاپ پڑانا دور کاسنی تخم کسبہ آن دو دو تولے دا مقدار ملٹی فافشا کالی چھڑ ہک ہک تول داروست مصری میلو ترے پا پکا کرد قوام عقل دے نال دیوے بدنوں تاپ نکال دور کرے تپ گرم ہر قسم	مرگب جیکر تاپ پڑانا بہت دیر تک ہے دج جسم شربت کرو تیار برزور تخم خیزہ تخم بادیاں تخم کدو تے تخم خیار بنفشہ خطمی کاسنی جرہ گاؤ زبان خالص دج گھٹ ہک چھٹائی ڈال منقا رات پوسا پانی دج ڈال ہر دے بنت پانی دج ڈال ہے ایہ شربت مثل طلسم
---	---



جے تپ دے وچ صفرا دا زور	ہو دے کرے نہایت شور
اس نول بہت پہنچا دے نفع	کرے بگاڑ جگر دا دفع

## نسخہ شربت افسنتین مہل

جے تپ دے وچ ہو دے قبض	تیزی بہت ہو دے وچ قبض
شربت افسنتین بنا	مہل والا قبض کشا
لے توں پا پڑا افسنتین	ہر ہکا ہو دے تولے تین
تھر ہندی تے پھل گلاب	دس دس تولے ڈال شتاب
موزہ منقہ آلو سیاہ	ہر ہک دانے لے پنجاہ
مصری سٹھ تولے وچ ڈال	کرو قوام عقل دے نال
وزن اس دا تولے ترے چار	پیوے پانی ڈال نہار
ایہہ شربت مہل افسنتین	کرے خارج صفرا لعین
بزوری شربت سرد تیار	کرے پیوے رت نہار

## نسخہ شربت بزوری سرد

کاسنی تخم کھیرے لے آ	تخم کھکھڑی خربوزہ پاد
کٹ درڑہ کر دارو چار	ہر ہکا پنج تولے مقدار
چھل جڑہ کاسنی لے دچ گھت	تول قدر وچ تولے ست
رات پانی گھت تر کروا	نجر جوشا کر صاف کرا
ترے یا اس وچ مصری ڈال	کرے قوام کر استعمال

## نسخہ مہل صفرا

کراں بیان نقوع جلاب	کرے خارج صفرا شتاب
---------------------	--------------------

کراں  
بنفشہ  
انبل  
نقوع

شربت  
شابل  
انبل

<p>سبب تاپ ہے بلغم شور          پنج غناب، ویدہ آلو سیاہ          بنفشہ کاسنی پھل گلاب          تول تول وزن تول          تل کے پٹن کے صاف کرا          گودا انبتاس دا تازہ          حل کر چھانسی نال چھنا          بادام روغن چھ ماشے پائیں          جیکر قبض شکم دج ہو          صفرا معدیوں ہووے دور</p>	<p>اس دے جیہا جلاب نہ ہو          انہلی کرو چھٹانک ہمراہ          سنالکی پھل ہر شتاب          رات پانی دج رکھ پوسا          کھنڈ چھٹانکی نال ملا          کر کے تولے چار اندازہ          ریوند ماشے چار ملا          یک دن دچہ ترے وار پلائیں          اس دے جیہا جلاب نہ کو          رہے نہ تپ دی ذرا قصور</p>
--	---

### نقوع سرد

<p>کراں بیان یک ہو نقوع          بنفشہ دھنیاں نیلوفر          انہلی چار تولے ہمراہ          نقوع کر کے استعمال</p>	<p>رکھ ہمیشہ اس نوں شروع          چھ چھ ماشے شامل کر          پندراں دانے آلو سیاہ          دیوے تپ صفرا نکال</p>
--	---

### نسخہ شربت آلو بخارا

<p>شربت آلو عجیب دوا          شامل ہووے بلغم شور          انہلی پا پکا مشگوا</p>	<p>دیوے تپ صفرا اوڑا          شربت اس دے جیہا نہ ہو          چالی دانے آلو سیاہ</p>
--	---



آب سنگترہ تے آب انار ترے پاپکا مصری گھت صفراوی تپ نوں بہت لاثانی ایہ شربت اعظم الکیر صفراوی تپ دا ہونے زور	دیہ دیہ تو لے دا مقدار شربت وانگ پکاویں پت لکھیا رطبان دج یونانی آزمودہ سائیں بخش فقیر اس دے زہر دیوے سب توڑ
--	--

### ت ترکیب سکنجیس بزوری گرم

بنا سکنجیس بزوری گرم جڑھاں کرفس جڑھاں بادیان کٹ سب پانی دج پوسا نل پین اس نوں صاف کرا سرکہ دیہ تو لے دج ڈال جے سرکہ توں رکھیں دود سرد مزاج نوں دیوے نفع	دیوے فائدہ بلغمی درم ہر ہک پنج پنج تو لے آن جڑے دیگی گھت جوشا ماکھوں ادھ سیر نال ملا کرو قوام عقل دے نال ایہ شربت گرم بزور بلغم باد ہونے سب دور
---	---

### بیان چٹی راج

آکھن چٹی راج یونان چٹی راج قسم دو جان یک دن آئے دو دن راحت	چوتھیا ہندی دج زبان دارہ لازمہ نام پچھان چوتھے دورہ کے نہایت
ادھ چوتھیا تپ دارہ ہے نوبت پختی ساعت تک ہے	

<p>جے دائم لازم ہے دوج جسم          تھوڑا تھوڑا رہے ہر وقت          چوتھیہ تاپ سوداوی ساڑ          کئی سالوں تک ایہ تپ لے          مدت نوبت چوی ساعت          مجرب نسخہ کراں بیان          مشک کافور شورہ اجوین          ترے ترے ماشے دامقدار          ہک ہک رتی دو دقتی کھاے          دو ہفتے کر استعمال          دائرہ لازم ریع آزار          ایہ نسخہ اعظم اکسیر</p>	<p>ریع لازم اوس دا اسم          چوتھے دیسے دورہ سخت          چونہ غلطاں تھیں کرے جگاڑ          جلدی مادہ نفع نہ کھاے          مڑ ہو جائے دفع شکایت          رہے نہ تپ دا نام نشان          گلو دا ست اصلی کونین!          میل پوڑی بنہ رتی چار          مڑ کے تاپ نہ شکل دکھاے          دو نویں دقت دودھ گو کے مال          نسن بدنوں ڈھائیں مار          تجربہ سائیں بخش فقیر</p>
---	--

### شناسی نسخہ تپ ریع

<p>مجرب ہک نسخہ لاثانی          دو ترے چار دفعہ آزمایا          ریع تاپ ہو جائے دور          نوشادر شورہ مہج سیاہ          چار رتی بنت وزن کھوا          نظر جے آوے گندہ خون          تیز جیکر ہووے صفرا</p>	<p>بخشی ہک فقیر نشانی          فائدہ دوج خطا نہیں پایا          رہے نہ تپ دی ذرہ قصو          ترے ترے ماشے کر ہمراہ          آڑوں بوٹی بھنگ پلا          خالص کرد سب لو زبان          شربت شیرہ سرد پلاء</p>
--	--



طبیعت اس دی کر مرطوب گوشت اس نوں خوب کھوا	کر استعمال گھیو دودھ خوب گوکا گھیو وافر دج یا
--	--

### شناسی نسخہ مجربہ تپ راج

نوشادر شورہ صندل بُور تکے ترے ماشے دارو گھت سوچا کبیر اصل افیم پوست دے پانی دج سب ہک ہک حب دو دتی کھا دے ہور مرکب تاپ ہر قسم جیکر کھانسی ہو دے نال جلدی نال دکھا دے نفع	مرچاں دار چینی کا نور بھنگ مدبر ماشے ست ہک ہک ماشہ وزن حکیم چار رتی دی بنھوں حب راج مرکب تاپ دج دے دور ہو جاون وچوں جسم پیڑاں درد کرن بد حال پیڑاں درداں ہوون سب دفع
--	---

### نسخہ تپ کہنہ بلغمی و راج

نوشادر شورہ قلمی لیا دودھ اک دالے تولے چار بیج لوسے دی نال پلا جدوں راکھ اس دی بن جاوے پیہر کے شیشی دے دج ڈال کھنڈ تھوڑی جیہی نال پلا لکڑ پیپل دی سواک	دو دو تولے وزن تولہ میل بکھے دج کر چھی ساڑ چنگی طرح سواہ کرا دھواں نکلتا بند ہو جاوے دو رتی کر استعمال آلوں پانی گرم پلا تاپ راج تھیں کرے پیاں
--	--

ہے ایہہ ٹوٹکے عجب دوا	دیوے فائدہ تر ت وکھا
نسخہ تب واسہال و سرفہ اطفال	
جیکر ہووے لڑکا بال! ڈوڈے پوست ہنگ گھوٹا کر ہک چوندی استعمال ہے ایہہ ٹوٹکے بہت آزمودہ	تب تھوں بعد آون اسہال تھکے کپڑ چھان کرا دور ہوون تب تھنگ اسہال اسہال اطفال کرے نابودہ
نسخہ تاپ پر سوتک	
مغرب نسخہ کراں بیان بہت دیر تک رہے کھلو اس نول دیہہ ایہہ کا ہڑ پلا گلو چرائتہ افسنتین چار انجیر منقہ اکھ رات پوسائیکے فجر جوشا عوض پانی دے سونف دائع ایہہ نسخہ آزمودہ کار	رہے نہ تاپ داناہ نشان فائدہ کرے دوا نہ کو دیوے کھنہ تاپ دجا ترے ترے ماشہ داروتین سونف تولہ شقال ملٹھ دیہہ نت اس نول شہد بلا پیوے بہت ہووے مجب فرق ہوے کئی شفا بیمار
بیان حقی دق	
دق تاپ دو قسم بچان غیر حقیقی دق بالفرض	حقیقی غیر حقیقی جان ہوے بہت پرانی مرض



<p>             حقیقی دق دی خاص شناخت              رکھے نال تعلق دل              تعلق نہیں اس غلطاں نال              حرارت غریبہ دل دوج جا              داخل ہوئی کے دچ شریان              حرارت غریبہ ہے دچ زنج              رطوبت تیل چراغ مثال              لاغر بہت بدن ہو جاوے              شامل ہووے کھانسی نال              دن دن کھانا تھوڑا کھاوے              آخر دست ہوون جد جاری              جید خاص علامت اوس              درجے ترے دق دے ہیں              جدوں شروع تپ ہووے آن              دوجا درج نام ذبول              مختلف تریجا درج نام              پہلے دچ علاج آسان              تریجے درجے لا دوا              دہیہ تقویت نال غذا              شورہ گوشت دھنیاں نال              نمک تھوڑا جیہا دچ ڈال           </p>	<p>             ہووے پیدا باہم شراکت              دچ رگاں دے جاوے بل              لازم تاپ رہے ہر حال              پیدا کرے تاپ دق آ              کرے رطوبت دانقصان              لے بیوست دل کھچ              حرارت لاٹ جیوں بتی لال              چمڑا گوشت بڑ سوکاوے              ہووے قوت ضعف کمال              طاقت بہت جسم گھٹ جاوے              ہووے اس دی موت تیاری              بعد غذا تپ مارے جوش              دق ذبول - مختلف کہن              اوہ پہلا درج دق جان              گھٹ جاوے طاقت رنجول              رطوبت کرے فنا تمام              دوجے درجے مشکل جان              ہووے پیش نہ جاوے کا              تازہ گوکا دودھ پلا              مرغ مصالحو ذرہ نہ ڈال              کھائے چانول روٹی نال           </p>
---	--

د  
 س  
 طب  
 چھ  
 کٹ  
 پچھو  
 قرص  
 دھنیہ  
 عرق  
 بنور  
 خرفہ  
 ایہہ

عرق  
 ایہہ  
 دھنیاں  
 گاؤ زیا  
 کم خطمی  
 کے پا  
 سیر پا

دھنیاں صندل مُشک کا قوط سرد جگہ سے دوج بیٹھا طباشیر سفید الائچی گھت چھ چھ ماشے چار دوا کٹ پیس کر پھکی تیار پچھوں شربت نیلوفر قرص سرد اس بت کھوا دھنیا صندل نیلوفر عرق شیر نسخہ اکیر بزوری شربت افسنتین خرفہ چارے مغز گھوٹا ایہ بھی ٹوکنڈ ہے لاثانی	سینے تے کر لیپ ضرور صندل عرق گلاب سونگھا رب السوس گلو دست مصری تولے ترے منگا کھاوے چار ماشے مقدار دونوں وقت پلایا کر شیرہ خرفہ نال پلا نقوع کر بت پلایا کر دوج آزمائش ایس فقیر فائدہ بخش نال یقین پیوے گوکا دودھ پلا بجربہ کیتا ہویا دہقانی
---	--

### نسخہ عرق شیر

عرق شیر نوں کر دتیار ایہ ہے عرق بڑا اکیر دھنیاں صندل شرب سفید گاؤ زبان گل نیلوفر تخم عظمی تے تخم خیار ترے پا چھل کدو گھت نال بنج سیر پانی گھت پوسا	اوسے تپ دق سے درکار بخنڈے فائدہ بے نظیر لے پھل گاؤ زبان سے وید تخم کاسنی شارل کر بنج بنج تولے دا مقدار ویہ تولے چھل پیٹھا ڈال ست سیر دودھ گھت عرق کچھا
--	--



دودھ داری بھانڈے وچ ڈال عرق خیر اس کن حکیم گرم غذاؤں کر پر ہیز	پنج چھ بوتل عرق نکال پیوے رحمت کرے کریم سخت چیز تھیں کرے گریز
--	---

### نسخہ قرص بارہ

نشاستہ بکر گوند کتیرا لے دھنیاں دے مغز کدھا طباشیر الاچی چھوٹی ڈال مغز تخم خربوزہ تر خیازی لے خشکاش سفید تخم خطمی تے صندل بورہ لعاب گھت دج ایبغول ہک قرص ہر روز کھوا	مغز تخم کھکھڑی کھیرا گل ارمنی رب السوس ملا کاہو خرفہ شاذنج نال مغز بہیدانہ شامل کر چھلکا ایبغول گھت دید ہر ہک وزن برابر پورہ قرص بنا چھ ماشے تول شیرہ خرفہ گھوٹ ملا
---	--

### بیان تب جذری و حصبہ

جذری حصبہ تب دو قسم ماتا خسرہ والا تاپ اس تب نال ایانے بال شرخ اکھتیں سر پڑھے بخار بہت ایانے بال نادان ہودے دودھ کمر دج کار	ماتا خسرہ ہندی اسم ٹٹ جاٹے منزل تے آپ اکثر بہت ہودن بد حال سرتوں درد ہودے بسیار ڈر ڈر جاگن ہو حیران بہت طبیعت کرے بیزار
--	--

<p>             کرے عفونت فاسد مادہ              دو ترمے دن آفے یا چار              جے رنگ دانے سرخ سفید              جے رنگ دانے زرد سیاہ              گول گول دانے باریک              دانے سرخ سفیدی رنگ              یا جیوں دانے مڑھراں              گندہ مادہ مارے خوش              سب تھیں پہلے فصد کرا              جے کوئی ہوئے منع ربیب              شربت نت پلاؤ عذاب              مسام جیکر اس ہوون بند              بنقہ سونف انجیر جوشا              دیویں سرد نہ کوئی دوا              یا دیہ نت اس سونف داعرق              رکھیں اس نون اوس مکان           </p>	<p>             ہوندا جاوے تاپ زیادہ              نیکون دانے باہر وار              اس نون نیک اکھن سب وید              کرن نہایت حال تباہ              اوہ دانے خسرے دھیک              جیونکر پستوں پچھڑ رنگ              ماما دہی ایہ خاص مثال              کرے بدن سے وچ فروش              گندہ مادہ دور کرا              جوکاں نال کڈھو لمو جھب              عرق سونف دا ڈال شتاب              دسان نسیم فائدہ مند              دیہ نت اس نون شہد بلا              مت اس پوسے خالف جا              شہد بلا جھب ہووے فرق              جتھے داؤ نہ لے آن           </p>
--	--

### بیان تاپ و بائی

<p>             چلے گندی جودں ہوا              کرے عفونت بدن تمام              گرم بخار باطن نون جاوے           </p>	<p>             شروع ہو چلے تاپ و با              بند ہو جادون کل مسام              فعل اعضا دوا بدلائے           </p>
--	--

اسم  
 آپ  
 حال  
 بیمار  
 حیران  
 بیزار



پہونچے روح نون طیش تباہی  
 تھے دست ہو جادون جاری  
 غیر طبعی مودی عفو  
 اوبت آون تے جی متلاشے  
 کوڑا ذائقہ ترہیہ نہایت  
 بلغم سب ہو جادے شور  
 ہستھیں پیریں پون کوڑل  
 فاسد گریم تیز صفرا  
 زردی اٹھیں رنگ زبان  
 فاسد مادہ مارے جوش  
 آوے زردی رنگ پیشاب  
 محرقہ دانگ ہووے حالات  
 بے گندہ ہو جائے خون  
 بعضیاں نون آون اسہال  
 بعضیاں نون ہووے سرسام  
 تپ و بائی کرے خراب  
 سکنجبین دی تھے کردا  
 گھوٹے والی دیر تبیین  
 گاہے تھے گاہے اسہال  
 جدوں بدن ہو جائے صاف  
 قابض کوئی نہ دیویں چیز

شروع ہو جائے تپ و بائی  
 پوے طبیعت وچ خوری  
 دیوے آتش بدن لگا  
 رنگ زرد پیلہ ہو جائے  
 خشک موندہ دی کرے شکایت  
 دیوے وچ اعصاب دا زور  
 عقل ہوش وچ پوے نعل  
 تلخی بہت کرے گھبرا  
 خشک ہو جائے خلق دہان  
 کرے جسم وچ خروش  
 نظر کن اچویں کرے غراب  
 کرے قوت بدن دی مات  
 پیدا کرے مودی طاعون  
 ہیندہ ڈاکی کرے بے حال  
 کرن بے ہودہ بات کلام  
 دارو اس دا کرد شتاب  
 گرم پانی دے نال ملا  
 خارج کر صفرا لعین  
 کل مادہ صفرا نکال  
 کرے تصور خداوند معاف  
 ایہو رکھیں یاد تمیز

جیکر  
 آلو  
 سنگ  
 بنفشہ  
 سرد  
 خرفہ  
 بید  
 شریہ  
 طبع  
 کاسنی  
 گھوٹ  
 روغن  
 بنفشہ

جیکر  
 جیکر  
 شریہ  
 باسیق  
 دھنیا  
 کرکے

جیکر کھنگ نہ ہووے نال آلو انبلی کرو نقوع سنگترہ نبو رب ترش انار بنفشہ شربت نیلو فر سرد پانی گھت روز پلا خرفہ کاسنی تخم خیاں بید مشک تے عرق کلاب شربت الیموں رب انار طبع ہے اس دی کرے رجوع کاسنی دھنیاں صندل بور گھوٹ پانی وچ یسپ کرا روغن کدو مالش کر بنفشہ روغن رنت پلا	ترش چیزاں کر استعمال شام صبح رکھ اس نوں شروع دیہ توں اس نوں بہتی دار عرق کیوڑہ شامل کر دیوے اس نوں رب شفا دیہ اس نوں ہووے ادرار مصری ڈال پلاؤ شتاب شربت انبلی دیہ نہار دیہ توں اس نوں ترش نقوع پھل کلاب تے مشک کاؤ دیوے سڑکن بدن وچا گوکا مکھن شامل کر گھو گوکے دے نال پلا
--	--

### بیان ورم ہر قسم

جیکر ورم ہووے کوئی پیدا جیکر ہووے دموی ورم سرخ ورم دا ہووے رنگ باسینق دا قصہ کرا دھنیا پا پڑا نم چنا کر کے پانی وچ نقوع	کر معلوم علامت دیدا خون غلیظ نہایت گرم بہت کرے روگی نوں تنگ ورم اُتے جوکاں لگوا صندل بور عناب پلا مصری ڈال کراڈ شروع
--	---



پتر نم دے لے گھوٹا  
 جے بلغم خون مرکب ہو  
 بٹہ بنھ جوا ری باٹ  
 یا اس پولش نت بنھا  
 بنھوں کر کے گرم کنوار  
 جدول درم کر جاوے ریم  
 ریم جدول ہو جاوے جاری  
 صابن منہ زخم دھو رکھ  
 مونہ زخم دا جاوے کھل  
 چار تو لے گو کا گھیو لیا  
 مردا سنگ موم کتھ رال  
 کر کے مرہم وانگ تیار  
 ٹاکی ملل نال لگا  
 مادا درم جے کر صفرا  
 سڑکن بہت درم دے دھج  
 رنگ درم دا ہووے زرد  
 سخت درم دھج ہووے ساڑ  
 پیسک دھنیاں مشک کا فود  
 گھوٹ پانی دھج لپیپ کرا  
 لپیپ کردا اس ایسٹول  
 جیکر درم کرے اکڑا

درم گرم تے کرو بٹلا  
 درم دیر تک ہے کھلو  
 پک درم جھٹ جاوے پاٹ  
 دیوے جلدی درم پکا  
 دیوے جھب درم نوں پاڑ  
 نشتر نال اس چیر حکیم  
 ہووے دور بیماری ساری  
 پٹہ پولش بنھوں دھکھ  
 لا ایہ مرہم جاوے کھل  
 نم دے پت گھت ساڑ پونا  
 چھ چھ ماشے میل نال  
 پک دن دھج لا دو ترے بار  
 دیوے جھب دے زخم چھڑا  
 تلخی بہت کرے گھبرا  
 ہووے کرے نہایت زنج  
 نارے ضرب تراٹان درد  
 اوکھا ہووے بہت بیمار  
 جواں دا آٹا صندل بور  
 دیوے سڑکن درم دجا  
 مشک کا فود پانی دھج گھول  
 اس تے ایہ قیر دلی لا

گھل  
 خط  
 بنف  
 لعا  
 گل  
 سفید  
 ٹاکی  
 جیکر  
 یا او  
 رہے  
 ختم  
 منقہ  
 سیستہ  
 کجہ ق  
 دیوے  
 رات  
 درم  
 کال  
 جلد  
 کجہ  
 جیکر

گل روغن وچ موم لگا  
 خطمی دا دج میل لعاب  
 بنفشہ روغن کرو طلا  
 لعاب کڈھ کے ایسبغول  
 گل روغن لے تولے چار  
 سفیدی بیضہ مشک کافور  
 ٹاکی ملل نال سفید  
 جیکر بلغمی ہووے ورم  
 یا اوہ ہووے ورم ریاحی  
 رہے ورم دج دائم درد  
 تخم کرفس حرمل اجوین  
 منقہ رتل ایسی انجیر  
 میتھی ایسی گھوٹ بنا  
 کچھ قدرے پانی دج ڈال  
 دیوے بہت نہایت نفع  
 اٹ سٹ دی جڑھ خوب گھوٹا  
 ورم سرد تے کرو ضماد  
 کالی زیری گھوٹ لگا  
 جلد ورم نوں کرے تحلیل  
 کچھ کے جیکر ملیں برود  
 جیکر ہووے درد غظیم

پیہہ کے مُشک کافور بلا  
 ورم گرم تے لاؤ شتاب  
 موم سفید کافور بلا  
 دیہہ قیزوطی دے دج گھول  
 یک تولہ دج موم پٹھار  
 کچھ قدرے دج میل ضرور  
 ورم گرم تے لانت دید  
 پولہ بہت نہایت نرم  
 کرے جسم دے دج تباہی  
 طبع مزاج ہووے اس سرد  
 گھوٹ پانی دج لا دن زین  
 تیل مٹھا گھت بنھ اکیر  
 بابونہ تیل مٹھا دج پا  
 پکا پلٹس بنھ پٹی نال  
 درد ورم رتج ہووے دفع  
 تیل مٹھا گھت گرم کرا  
 ہووے جلد تحلیل مواد  
 سرکہ اس دے نال بلا  
 ہووے جمب شفا علیل  
 ورم رتج نوں دیوے سود  
 ہالوں رائی صبر افیم



گھوٹ پانی دھج کرو طلا  
مل کے بلغم نال سودا  
ہودے مادا اس داسرد  
تاپ نہ ہودے ہرگز نال  
پوٹلی سچی ٹون بنھا  
ہیٹھ انگاری اگ ٹکا  
گرم گرم نت کرو ٹکور  
صابن پانی نال گھسا  
ایلو پیس اس دے دھج ڈال  
جے سبب بلغم تے خون  
پولٹس اُس تے نت بنھا  
جدوں درم ریم کر آئے  
چیرو نشتر نال شتاب  
نشتر تھیں جیکر غم کھا آئے  
گراں بیان ہک لیپ اسرا  
سچی چونہ صابن لیا  
گھوٹ ماکھوں دھج کرو ضماد  
دیٹ کبوتر مرغ لے آ  
چوک نیلہ تھوٹھا دھج میل  
ایہ درم دیوے جھب پاڑ  
بہت زخم دھج جیکر ریم

دیوے فوراً درد اڈا  
پیدا کرے درم جے آ  
لازم ہے درم دھج درد  
کر ٹکور ایہ استعمال  
مٹھا تیل توڑے تے پا  
پوٹلی اس دھج گرم کرا  
اس دے جیہا علاج نہ ہو  
گوگل مین پھل نال ملا  
دو ترے لیپ کر استعمال  
ہودے پیدا ورم زبون  
کچا خوب مواد پکا  
ہک مواد نرم ہو جائے  
خارج کرو مواد خراب  
ریم ورم دھج نظری آئے  
دیوے جھب درم نہل پھاڑ  
نک نوشادر نال ملا  
کڈھے گندہ پاڑ مواد  
خالص چونہ نال ملا  
پہرے کے لاسٹھے دھج تیل  
درموں کرے مواد ادرار  
ایہ مرہم نت لاڈ حکیم

دیم ورم تھیں کرے صفا  
 سفیدہ قلعی تولہ ہک لپٹا  
 رکھ آگ تے خوب جوشا  
 موم تولہ اس لے وچ ڈال  
 سفید کتھ مردہ سنگ رال  
 مرہم گھوٹ مار بنا  
 غیر طبعی سبب سودا  
 ہووے اس دا رنگ سیاہ  
 ہووے ورم نہایت سخت  
 جیکر ورم ہووے سرطانی  
 اکثر تپاں رہے اس نال  
 ہووے اس دا ردی مادہ  
 نیڑے اس لے مول نہ جا  
 سخت ورم جے بہت پیمانہ  
 مادہ اس دا سالم ہو  
 کر تشخیص اس طبع مزاج  
 طبع مزاج جے ہووے سرد  
 جیکر تپاں نہ ہووے نال  
 پٹہ بندھ اس تے تر گرم  
 گوگل بھینسیا زیری سیاہ  
 ورم سخت لے کرو ضماد

دیوے جھیدے زخم چھڑا  
 تیل مٹھا پنج تولے پا  
 جد ہو جاوے تیل سیاہ  
 ہیٹھ اتارو جلدی نال  
 چھ چھ ماشے میلو نال  
 مرہم ٹاکی نال لگا  
 پیدا ہووے ورم جے آ  
 کرے روگ دا حال تباہ  
 کر ڈھ پتھر وانگ کرخت  
 وانگ پشت سرطان نشانی  
 ہلک اس نوں کریں خیال  
 ہوندا جاوے ورم زیادہ  
 ورے اس تے رب رضا  
 رہے جسم وچ نل ٹھکانا  
 بہت دیر تک بے کھلو  
 داخل خارج کرو علاج  
 وچ ورم لے ہووے درد  
 کر دوا انت استعمال  
 مادہ سخت ہو جاوے نرم  
 گھوٹ سرک گھت ہمراہ  
 ہووے جلد تحلیل مواد



منقہ کالے تل انجیر پانی کھوڑا جیہا رطل کسٹرائل وائل نت تیل چربی بکرا موم سفید جیکر سڑکن وچ سرطان مادہ موذی دیونے رنج گولی سکتے دیئے آ مٹک کافور کھوڑا جیہا رطل مادہ موذی ہے احتراقی شامل نال جیکر کچھ خون جوکاں اس تے تر ت لگا اوبال پیلک نت کر بل حارا تخم اسی بالونہ گل گھوٹ پانی صج کرو ضماد کر کھوڑا کھوڑا فصہ خفیف دوترے اس نوں دیتلیں پیلک دھنیاں صندل بور گھوٹ پانی وچ کرو طلا	گھوٹ پٹہ بندہ وانگ اکیر تیل مٹھا گھت گرم کرا ردغن نال بنفشہ میل نال انہاں کر شامل دید ہووے بہت کسے انہاں ہووے طبع نہایت زنج شیرہ دھنیاں وچ گھسا کرو طلا نت استعمال ہووے وچ ورم ہے عاتی نظر ہے آدے بہت زبول دوترے دفع نہ دیر لگا کھائے سخت مواد بھنگارہ میتھی سوئے بنفشہ پھل ہووے سخت تحلیل مواد نال ہو جاوے ورم ضعیف سرد چیزاں دی نال یقین بنفشہ نخلی مٹک کافور ہووس اس نوں تر ت شفا
--	---

### بیان دتل یعنی پھوڑہ

دتل نام پھوڑہ مشہور	ہووے چمڑے وچ ظہور
---------------------	-------------------

دھوی پھوٹے دارنگ لال  
 رت کڈھ پھوڑے کے جے تنگ  
 جے صفرا دی ہووے مادہ  
 رنگ پھوڑے دا ہووے زرد  
 پیک دھنیاں خوب گھوٹا  
 پھوڑے اُتے کرو طلا  
 جے بلغم نال مرکب ہو  
 انسی آٹا لون طلا  
 پٹہ پنج ست روز بنھا  
 جے پھوڑہ ریم کر آوے  
 چیرو جلدی نشتر نال  
 جدوں ریم ہو جائے جاری  
 نشتر تھوں جیکر ڈرکھاوے  
 کبوتر بیٹ چوڑا اشتخا  
 شہد میل لا دو ترے دار  
 جاری جد ہو جاوے ریم

ہووے اس درج درد کمال  
 جوکاں اس تے لاف تنگ  
 سوزش سرکن کرے زیادہ  
 مارے ضرباں تراناں درد  
 صندل مشک کا فور ملا  
 دیوے سرکن تریت دجا  
 چمڑے تے وچ رہے کھنڈ  
 پانی گھت پولش پکوا  
 دیوے خام مواد پکا  
 پولا بہت نرم ہو جاوے  
 ریم گندہ سب دیو نکال  
 ہووے دفع شکایت ساری  
 تال پھر ایہ دوا لگاوے  
 صابن ٹکٹ دوا ایہ چار  
 پھوڑا درم دیوے چھب پاڑ  
 فضل کرے اس رب کریم

### مرہم سندھور

چھ چھ ہاتے میلو نال  
 ہاتے ترے ملاؤ آن  
 مٹھا تیل چھٹا نکی دھید

مرد اسنگ سندھو کتھ لال  
 طوطیا سبز کرو بریان  
 تور ڈالو موم سفید



توہ ساڑ زپسی وچ ساڑ پورا نے پھوڑے تے نت لٹے	مرہم اس دی کرد تیار حکم خداے نال چھڑا دے
مرہم دتل	
لے گل روغن توہے چار جدوں نیل ہو جاوے سیاہ کر چھپی لاه شتابی نال مردا سنگ سفید کتھ رال	سفید قلعی توہ وچ کاہڑ موم توہ ہک کر ہمراہ ایہ دوا پیہ کے وچ ڈال چھ چھ ماشے میلو نال
بیان مرہم رنگاری	
پھوڑہ جیکر بہت پُرانا مرہم اُس تے لا رنگاری خشک بہروزہ درماں چار سفیدہ قلعی موم کتھ رال چھ چھ ماشے سب دوا گوکا گھیسو چھٹاکی ڈال	رہے چمڑے وچ کل ٹھکانا زخموں ریم نکالے ساری چھ ماشے وچ میل رنگار بکتر گوند ملاؤ نال کوٹ پیس کر جمع کرا بنا مرہم کر استعمال
مرہم دتل کمنہ	
جیکر پھوڑا بہت پُرانا مصطکی کتھ صابون لیا ہر ہک توہے دا مقدار	رہے جسم وچ کل ٹھکانا رال سفیدہ قلعی لیا خشک بہروزہ توہے چار

نیلا تھوٹھا کر بریان ماشے ترے زنگار ملا دو تولے گھت موم سفید پہلاں گھیو تولے گرم کرا پچھوں سب دوا ملا مرہم ٹانگی نال لگا	ماشے چار ملاؤ آن دارو سبھے کھل کرا گھیو گوا دس تولے دید سابن موم سفیدہ پا مرہم گھوٹ مار بنا پھوڑے دے اُتے نت لا
---	--

### بیان مرہم مجربہ دمل کمنہ

مرہم کراں بیان غجب مردہ سنگ کندر کتھ رال ہک ہک تولے سب دوا نیلا تھوٹھا کر بریان سفید پھٹکڑی مشک کا فور موم سفید تولے دو گھت ایہ مرہم اس نت لگا کر کچھ مدت استعمال	پھوڑا زخم دجاوے جھب سفیدہ قلعی بہرزدہ ڈال کھل دے دج خوب پسا ماشہ ہک ملاؤ آن ترے ترے ماشے میل ضرور ڈال گوا گھیو تولے ست دیوے جلدی زخم چھڑا زخم جاوے بھر جلدی نال
--	--

### بیان کچھالی

بغلاں دج ہک درم عظیم کچھالی اکھن ہندی دج پشہ بنہ نت باٹ جوار	درم مغا بن کمن حکیم کرے بغل نول ڈالڈا پنج پا بنہ کر کے گرم کنوار
--	--



<p> یہ اس تے پلٹس بنھوا  اسی آسم میل گھوٹا  پانی گھیو گھت خوب پکا  جدوں درم ریم کر آوے  نظر آوے اس دے وچ ریم  یا مقرومی دارو نال  سہاگہ نمک چوندہ اشخار  گوڈے آتے رکھ کنوار  مڑ مریم اوس اوہ لگا  سوزش جیکر بہت وچ درم  کراں بیان ضماد یک سرد  ایسبغول دا لیپ کرا  گھوڑا جیہا مشک کافور  مخرب ہے ایہ بہت عجب  بنفشہ خطمی اسی لیا  آسم وچ جواں دا ڈال  گھوٹ پانی وچ کرد تعیل  تیل میٹھا گھت گرم کرا </p>	<p> خوب طرح نئے ورم پکا  گودا کنوار دا گرم کرا  نمک سوہاگہ ڈال بنھا  پولا بہت نرم ہو جائے  چیروہ نشتر نال حکیم  پھاڑ زخم نوں ریم نکال  وزن برابر دارو چار  بنھ دیوے کچھالی پھاڑ  دیوے جلدی زخم پھڑا  ہووے بہت نہایت گرم  سوزش سخت ونجائے درد  پانی دھنیاں پیلک پا  اس دے نال بلا ضرور  سرکھن درد ونجائے جھب  میتھی گل بابونہ پا  بنھ پڑ کر استعمال  کرے ورم نوں جلد تحلیل  ورم آتے رت بیپ کرا </p>
---	--

### بیان مہورات

پھنیاں پٹے ہون غلہ	اس نوں کن حکیم مہور
--------------------	---------------------

رنگ آنہاں دا لجینر لال  
 باسلیق دا قصد کرا  
 پا پڑا دھنیاں برگ حنا  
 ترے ترے ماشے سب دوا  
 رات پوسا رکھ اندر آب  
 جیکر سرکن پھنسیاں دھج  
 ادھ مادھ صفراوی جان  
 گل روغن سرکہ مشک کافور  
 بھس کتھ چھل آمار ملا  
 گل ارمنی سرکہ دھج ملا  
 شربت نیلوفر آمار  
 ماجو مائیں کتھ نیپال  
 پیہ کے مکھن نال لگا  
 جیکر خارش ہووے نال  
 پیلک دھنیاں گھوٹ لگا  
 سوزش بدنوں ہووے ددر  
 جیکر بلغم ہووے شور  
 صندل بور کیس گھوٹا  
 شربت انبلی نت تھار  
 کوڑیاں چیزاں نت پلا  
 رات پانی دھج کرد نقوع

ہووے دھوئی کریں خیال  
 مادھ کندھ ددر کرا  
 منڈی صندل بور ملا  
 دانے پنج عناب ملا  
 صبح پیوے گھت شہد شہاب  
 ہووے کرے نہایت دھج  
 چمڑے دھج کرے نقصان  
 گل ارمنی ماجو صندل بور  
 بدن اُتے مالش کرا  
 نت بدن تے کرد ملا  
 پیوے پانی ڈاں تھار  
 مشک کافور ملا ڈال  
 دیوے سرکن ترے دھج  
 کیس تھوڑی جیہے دھج ڈال  
 صندل مشک کافور ملا  
 رہے نہ چمڑے دھج تصور  
 خارش نال دیوے کھد ددر  
 گل روغن سرکہ گھت ملا  
 پیوے ہووے ددر آزار  
 پا پڑا منڈی رخم حنا  
 ماکھوں ڈال کراؤ شروع



## بیان بَنَاتِ اللَّیْلِ

بَنَاتِ اللَّیْلِ دھپڑ مشہور وقت رات یا سرد ہوا بند ہو جاوے موزی مادہ بند ہو جاوے کل مسام تخم کر فس اجوین گھوٹا دیہہ دھونی اس نوں اجوین ہک دو اُس نوں کر دجلاب پھنسیاں وچوں پانی زرد تنقیہ اس دا خوب علاج کوڑیاں چیزاں نت پلا چرائتہ ہرڑاں زرد سیاہ درا جوئی دیوین نت گھوٹ	ہوون سردی وقت ظہور پیدا ہون بدن دج آ ہووے خارش بہت زیادہ نکلن دھپڑ بدن تمام کل روغن ڈال پلا ایہ دوا فائدہ مند ہیں مطبوع ہلیہ زرد شتاب نکے شامل ہووے درد موافق جیڑا طبع مزاج دھنیاں پاڑا غم حنا نقور کر دیہہ ماکھوں ہمراہ ہل کنٹھی دیہہ رہے نہ گھوٹ
---	---

## جلاب مطبوخ ہلیہ زرد

پھل گلاب لے تولے چار بنفشہ پاڑا سونف سنا کاسنی تولے دو دج پا فجی دجی دے دج ڈال تل کے پن کے صاف کرا	سنا برچھل ہریڑ اذکار ہک ہک تولہ وزن تولہ رات پانی دج رکھ پوسا اس نوں چنگی طرح ادبال پنج تولے مغز فوس پلا
--	--

اس  
صفحہ  
ہیون

سخت

اصلی

موزی

جسم

باڑا

جھڑ جا

سن

دل

فاسد

جائے

غیر

کرت

جلدی

دج

کوڑیاں

کیو کوکا

اُس نوں چھاننی دچہ نکال حقے اس دنے کر کے ترے پیون وقت گوکا گھبو گھت	چار توے کھنڈ اس دچہ ڈال ضلع پیشی دیگرہانی لے ماشے چھ یا ہووے ست
---	---

### بیان مرض جذام

سخت مرض ہک نام جذام اصلی شکل جسم دی ڈیل موزی مرض دیوے جد زور جسم دچون آوے بد بو بگڑے چہرے دی تصویر جھڑ جاوے ابرو دے وال سُن ہو جاوے ہتھ تے پیر رل سودا خون دے نال فاسد خشک مواد کھلوتے جاوے بگڑ خلق دا سار غیر طبعی سودا اخراقی کرے جسم دا حال تباہ جلدی اس دا کرد علاج دچ مہینے دو جلاب کوڑیاں چیزاں دا کڈھ عرق گھبو گوکا ادھ پانت پیوے	جادے بگڑ سریر تمام ساری ہو جادے تبدیل ہتھیں پیریں چلے شور نیرے ڈھک نہ بیٹھے کو روگی بہت ہووے دلگیر سرخ سفید بدن تے خال رہے ہمیش اکھیں دچ گھیر حالت سخت کرے بد حال چوہنڈی دڈھیاں درد نہوے نکلے بہت خراب آواز ہووے دچ جسم دے حاتی دیوے استھوں رب پناہ نہیں سب جاوے بگڑ مزاج طبع موافق کرد شباب پیوے ہوس شتابی فرق فضل خدا تھیں چنگا تھیوے
---	--



رت نہوا وچ گرم حمام  
 بدن اُتے مالش رت کر  
 یا رت ملو ارنڈھی تیل  
 طاہر باطن کر تر طیب  
 مکھن تازہ نت کھوا  
 ہک دو دفعہ مہینے وچ  
 چھپوئیں مہینے فصد کرا  
 کئی دفعہ اس فصد کرا  
 بادام روغن دی دیہہ نسوار  
 خشک مواد آدوے جدو  
 بادام روغن وچ گھیو ملا  
 اطر فیض دیہہ شاہترہ ملا  
 کوڑے عرق رکھے ہمراہ  
 دو تولے ماکھوں وچ ڈال  
 مرچاں نمک نہ ہرگز کھاوے  
 کشتہ سیم سونا اکسیر  
 کھاوے کچھ مکھن دے نال  
 ماء الجبن والی ترکیب  
 دھماں بونی دے کوئی پوے  
 کہ خوا کریں جے استعمال  
 ماکھوں خالص نال ملا

چادون اس دے کھل مسام  
 بنفشہ روغن نیلو فر  
 گوکا گھینو اس دے وچ میل  
 نال دوا غذا طیب  
 بکری دا دودھ شام پلا  
 کرو جلاب مادہ لے کھج  
 گندہ مادہ دُور کرا  
 موافق قوت سن ہوا  
 خشکی مغزوں کرے ذرا  
 رہے نہ جھتے وچ قصور  
 سرتے مالش زیت کرا  
 کھاوے اس نوں صبح عشاء  
 گھینو دودھ دا نہ کرے وساء  
 کرے سال دو استعمال  
 خشک چیز دے راہ نہ چاے  
 تجربہ سائیں بخش فقیر  
 یک دو سال کر استعمال  
 رکھ اس شامل نال طیب  
 جوش خرم تھیں چگا تھیوے  
 پھل پت کھوٹ پیوے ہر سال  
 دیوے دکھ جذام و بجا

مسبب آزار دهنی

# نسخہ نقوع مُصفا خون

ایہ نقوع پلا ضرور پا پڑا مونڈی برگ حنا ہر یک دارو ماشے چار کچھ مدت کر استعمال	کرے جوش خون دا دور افقیموں تر پھلہ ہرڈ سیاہ نقوع کر پیوے بت نہار ماکھیوں دو تولے دھج ڈال
--	---

## نسخہ عرق مُصفا خون

نسخہ ایہ مصفا خون بانسہ افستین گلو مونڈی بوٹی برگ حنا دھماں تر پھلہ ہرڈ سیاہ بورہ صندل سُرخ سفید کاسنی دھنیاں نال ملا چھل درخت نم دی لا پاک پکا ڈال غلاب تو دس بوتل عرق نکال دو تولے دھج شہد ملا خون گندہ سب کرے صفا	کرے صفا سب خون زبون چراستہ پا پڑا شامل کڑو کر نجوہ نال ملا یت نم انبر دل ہمراہ چھل گلاب سونف گھت وید بیج بیج تولے سب دوا ادھ سیر پکا نال ملا کدھ او نہاندا عرق شتاب کہ روگاں تے استعمال پیوے فجری وقت عشا زوگ خون دا رہے نہ کا
--	--

نقوع کر ماکھوں ڈال بے پیوے  
گندہ خون صاف سب تھیوے



## نسخہ اطریفیل شاہترہ

چھل کابی زرد ہریٹ کہا چھل بیڑہ ہریٹ سیاہ دو تولے تروی میل سفید تولے دو گھت پھل گلاب پاپڑا یا پکا کٹ پا اطریفیل پکشمش وچ تیار عنا ب اقیموں لیا	دس دس تولے وزن تولہ آملہ پنج پنج تولے پا سنا کی دو تولے وٹید کٹ چھان کر جمع شتاب کٹ سب گھیو وچ چرب کرا تولہ کھا دے رت نہار پچھوں اس نوں کا ہڑ پلا
---	---

## نسخہ عرق عشبہ مصفا خون

عرق عشبہ کر تیار شتاب عشبہ مغزی لے منگوا خالص چوب چینی دا پورہ دھنیاں دار چینی بادیاں پاک پاک پکا ڈال عنا ب دو دو تولے رت پلا نسخہ ایہ مصفا خون	صاف کرے سب خون خواب سرخ رنگ ہو دے پاک پا ادھ پا پکا میلہ پورہ پنج پنج تولے ہریٹ آن چار بوتل کھچ عرق شتاب شام صبح ماکھوں وچ پلا صاف کرے سب خون زبون
---	--

## بیان مرض خنازیر یعنی ہنجیراں

طباں وچ آکھن خنازیر	ہندی وچ مشہور ہنجیر
---------------------	---------------------

اکثر  
ایس  
محمد دن  
گوشت  
کرڑی  
رل  
لازم تا  
ادھوں  
جے لازم  
جیکر  
مادہ  
گوڑیاں  
حب  
اجوین  
گندیاں  
نم  
بھست  
مردی

داند  
ج

اکثر گہ دن وچ خنزیریاں  
 ایس سبب اس دیکھ نام  
 گہ دن بغلاں وچ انسان  
 گوشت چمڑے دے وچکار  
 کرڑی دانگ غلود انجیر  
 رل سودا بلغم دے نال  
 لازم تاپ رہے جے نال  
 اوتھوں کھٹیاں ہوون پیدا  
 جے لازم تاپ ہے ہر حال  
 جیکر اوہ تپ دائرہ ہو  
 مادہ اس دا سالم ہو  
 کوڑیاں چیزاں عرق پلا  
 حب ایارج دا جلاب  
 اجوین مصبر زیری سیاہ  
 گنڈیاں ہو جاون تحلیل  
 تخم شریہ نہ باریک کرا  
 چھ ست ماشے نت کھوا  
 مقرومی دارو ہس تے لا

ہوون گنڈھاں مثل انجیراں  
 آکھن کل حکیم تمام  
 ایہ دودھ پیدا ہوون آن  
 مادہ موزی کرے بگاڑ  
 رنگ سفید اس مثل پیر  
 گنڈیاں کرے پیدا ہر سال  
 بحرانی مادہ کرے اختال  
 گردن بغلاں وچ ہویدا  
 اکثر بل جاوے دق نال  
 نہیں خطرہ اس دے وچ کو  
 بہت دیر دیکھ ہے کھلو  
 نصف رقی کونین پلا  
 ہر ماہ وچ دو کردشتاب  
 گھوٹ سرے وچ کروطلا  
 ہووے جلد شفا علیل  
 دوگناں اس وچ ماکھوں پا  
 دیوے اس نوب رب شفا  
 جاوے سب گنڈیاں نول کھا

### نسخہ مقرومی

بول دھپی دے دج گھسا

دانہ جیو لوٹہ یا

دلا  
پا  
سید  
ب  
کرا  
نہار  
رپلا

ن نواب  
ہک پا  
پورہ  
آن  
ناب  
چ پا  
ن زبون



کچھ قدرے گھس سم الفار رُوں دے نال آلودہ کر کناریاں تے گوگل گھس لا پھیر بچا وچھتی دا بول سر تیلی تے رُوں لگا جدوں کاغذی خشک ہو جاوے گوترہ پنج چھ روز لگا جدوں ماس اتوں گل جاوے گھت کنڈی کھج باہر نکال یا گوکا گھیو ساڑ لگا	ہک دو چانول دا مقدار پچھ انجیر اُتے چا دھر گل نون چنگی طرح پکا رکھ ٹکائیے اندر کول گوترہ دے دج تر کر دا گوترہ تیلی نال لگا دے کاغذی چنگی طرح گڑا انجیر سفید ننگی ہو جاوے زخم چھڑا مرہم دے نال دیوبے جلدی زخم چھڑا
--	--

### نسخہ مفروغی خورندہ گوشت فاسد

لے پنج تولے مٹھا تیل نیلو تھو تھو تھا حب جے پال ان بچھا چونا صابن اشجار اگ تھقیں لاه کر اسی تیل کر کے مرہم دانگ تیار استرا چنگا تیز منگا رُوں دے نال آلودہ کر جد چھڑا اتوں گل جاوے نال سرچو باہر نکال	سب کچھ ساڑ اس دج ہک میل ترے ترے ماشے میلو نال ہک ہک تولے دا مقدار پیہہ کے سب دوا میں میل لاویں تریجے دن ہک بار پہلے روز اس پچھ کرا مرہم گنڈیاں تے نت دھر گنڈ انجیر ننگی ہو جاوے زخم چھوڑا مرہم دے نال
---	---

ایسے طور کر استعمال  
گنڈیاں سب نکالو ڈال

### نسخہ مرہم خورندہ انجیر

مارچوما، کوزے وچ پا  
نم گدوں دا تولے چار  
سنگ بھینس دا تولے دو  
تیل مٹھالے تولے چار  
دج تیل دارو سب ڈال  
ایہ مرہم گنڈیاں تے لائے  
دیوے جد گنڈیاں نوں گال  
پھر استعمال مرہم ادہ کر

گل حکمت دے نال سٹرا  
گل حکمت کر اس نوں ساڑ  
گل حکمت کر ساڑیا ہو  
ہک سپ دی کنج اس چہ ساڑ  
بنا مرہم کر استعمال  
گنڈیاں نوں پھینک کھا جائے  
نال موچنے باہر نکال  
جیڑی زخم نوں دیوے بھر

### نسخہ مجربہ مرہم خورندہ انجیر وغیرہ

صابن دیسی تولے  
دکھو دکھی کھل کرا  
کر کے مرہم دانگ تیار  
اڈلے انجیر پچھا  
تیکے روز پچھوں بدلا  
جدوں انجیر ننگی ہو جاوے  
گنڈی گھت انجیر نکال  
یا ادہ مرہم لے بنا

سفید سنگھیا ماشے ترے  
دو تولے گوکا گھیو ملا  
ڈبئی دے دج گھت سنوا  
روں آلودہ کر چمڑا  
تازہ تازہ ہوو لگا  
چنگی طرح ماس گل جاوے  
زخم چھڑا گوکے گھیو نال  
دیوے جیڑی زخم چھڑا



# بیان سُرخ بادہ

سُرخ بادہ ہندی دج نام  
 بہت سُرخ سورج دارنگ  
 ہووے بدن نہایت لال  
 مارے خون بے ہوش نہایت  
 نال خون جیکر صفرا  
 زرد سُرخ سورج دارنگ  
 حمّہ خالص اس ردا نام  
 جیکر نال مرکب خون  
 پہلاں اس دا قصہ گوا  
 دیہہ مطلبون بلیہ زرد  
 پا پڑہ دھنیاں صندل گور  
 چھل زرد ہریڑاں ہریڑیاہ  
 کر کے پانی دج نقوع  
 جے غالب ہووے صفرا  
 آلو انہلی خیلوفر  
 دھنیاں کاسنی میل عتاب  
 فہرے تل پن صاف کرا  
 شاہترے داشربت جے پیوے  
 دونویں وقت کرا استعمال

حمّہ کسن حکیم تمام  
 بادہ موزی مارے ڈنگ  
 سڑکن سوزش بہت کمال  
 ہووے تپ دی سخت شکایت  
 ملے ہووے تلخی گھبرا  
 ہووے کورے نہایت تنگ  
 سوسے جلدی بدن تمام  
 ہووے موزی درم زبولن  
 پچھوں کر خارج صفرا  
 یا کوئی ہووے جلاب جو سرد  
 غلاب موزی دج ڈال ضرور  
 گلو انقیمول کر ہمراہ  
 مصری ڈال کرا د شروع  
 ایہہ نقوع اس ریت پلا  
 نال بنفشہ شامل کر  
 رات یوسا رکھ اندر آب  
 مصری اس دج ڈال پلا  
 بہت شتابی چٹکا پیوے  
 سُرخ بادہ جادے فی الحال

پندرہ سال  
 سپاری  
 گھوٹ

ملین  
 دھنیاں  
 گھوٹ  
 عرق گ  
 جے حاج  
 شربت  
 کوریاں  
 مرتبہ ز

چنبیل  
 ہموون د  
 جو کال د  
 دو تکر  
 کوریاں  
 دو ماہ

پندواں تو لے پا پڑا لیا سپاری صندل پھل گلاب گھوٹ لیمپ کر چائے تھوک ملین نال بدن کر صاف دھنیاں کاسنی خوب گھوٹا گھوٹ پانی وچ کرو طلا عرق گلاب بے کریں پیوند بے حاجت اس نوں تبرید شربت آلو اتے عذاب کوڑیاں چیزاں دا بے عرق مرتبہ زرد ہریٹاں کھائے	اُدھ سیر مصری ڈال پکا نخم کاسنی میل شتاب دیوے سرخ بادہ نوں روک کرے تصور خداوند معاف صندل بوند کا فور طلا دیوے سرکن ترت و نجا ہووے زیادہ فائدہ مند شربت امبلی بہت مفید نت پلا گھت عرق گلاب پیوے ہوس شتابی فرق سرخ بادے نوں نفع پہنچائے
--	---

### بیان مرض جنبیل یعنی اکوتہ

جنبیل ہک مشہور آزاد ہوون دھدر بہت نہایت جو کال دو ترے دفعہ لگا دو ترے اوس تنقیہ کر کوڑیاں چیزاں نت پلا دو ماہ تک استعمال	پیراں اُتے کرے بھاڑ کرے خارش دی سخت شکایت گندہ مادہ دور کرا طبع موافق ذرہ نہ ڈر نفوق کر کے ماکھیوں وچ پا ہووے جنبیل دفع چندال
---	--

نسخہ مجربہ جنبیل



شنگرف پارہ تے ہڑتال  
نوشادر گندھک آملہ سار  
نیلم حقو تھہ کرہ بریان  
کھل دے دج کرد باریک  
اودھ پالے کے مٹھاتیل  
دو تولے چرنی بکرا میل  
تھوڑا سرکے دج ملا  
ایسے طور کر استعمال  
مڑ اس تے گل روغن لا  
مڑ ایہہ مرہم پھر لگائیں  
بہت چنبیل نوں دیسے نفع

سبز کیس سہاگہ ڈال  
بابچی سب تولہ مقدار  
مانشے چار ملاؤ آن  
وانگ غبار ہودن جد ٹیک  
دارو سب اس دے دج میل  
کر کے گرم گھتو دج تیل  
چنبیل اُتے کرد ملا  
دھویں گرم پانی دے نال  
سرک تھوڑا جیہا ملا  
گرم پانی دے نال دھوئیں  
خارش دھدر کرے تابود

### نسخہ چنبیل

لے پنج تولے مٹھاتیل  
گھت کر اہی دج سڑا  
ٹکڑا ساڑ پُرانی چھٹ  
کر اہی اگ تھیں ہیٹھ لہا  
نوشادر سہاگہ آملہ سار  
پیہہ سب اس دے دج ملا  
چنبیل اُتے رنت لگا  
کر کچھ مدت استعمال

دو تولے دودھ اک دامیل  
مٹھی مٹھی اگ جلا  
خالص جو بکرے دی جت  
خوب طرح اس سرد کرا  
ہک ہک تولے دا مقدار  
مرہم تھوڑا مار بنا  
دیوے اُس نوں رب شفا  
دھوویں گرم پانی دے نال

دوسرا نسخہ

ہے  
اکوتہ  
ڈنڈ  
کر کے  
گندھ

نوشادر  
مردا  
نیلم  
پاک  
کر کے

سیر  
سیر  
نیلا

## ٹوٹکے مجر بہ چنیل

مجر بہ میرے پاس نشانی	ہے اک ٹوٹکے بڑا لاثانی
رہے نہ چمڑے دھج قصور	اکوتہ چنیل ہودے دور
تیل مٹھے دے دھج مٹرا	ڈنڈہ تھوہر ہک گٹھ منگا
لا چنیل تے روز ہک بار	کر کے مریم دانگ تیار
نہیں کوئی اس دے جیہاد دا	گندھک دا تیزاب لگا

## نسخہ چنیل

باپچی پارہ تخم پنوار	نوشادر سوہاگہ آملہ سار
ہک ہک تولہ دارو ست	مردا سنگ اس دیوچ گھت
ماشے چھ ملاؤ آن	نیلا تھوتھا کر بریان
دارو پیہہ اس دھج رلا	پاک مٹھا تیل منگا
ہک دن دھج لادیں دوبار	کر کے مریم دانگ تیار

## نسخہ روغن چنیل

سیر پکا دھج کنک ملا	سیر ہک چھوڑے ٹاہلی بیا
پتال جنترنال تیل نکال	سیر لیڈے اوتھاندے ڈال
ماشے چار ملاؤ آن	نیلا تھوتھا کر بریان

چنیل دھدر نے نت لا  
دیوے جسموں تخم اوتھار



## نسخہ چنبیل

آملہ ساڑ پاپڑا ہرنال	نوشادر سہاگہ لے دھ ڈال
ست زنبو دا نال ملا	ہک ہک تولہ سب دوا
نیلا تھوٹھا کر بریان	ماشے چار ملاؤ آن
سرکے دیونج کھل کرا	اس دے لے شلیاف بنا
گھس پانی دھ رنت لگاے	چنبیل دھدری دھ ہوجاے

## نسخہ چنبیل

نوشادر مالوں اسی رائی	بج مولی دے پنج دوائی
وزن برابر سب دوا	کھل کرائے کے جمع کرا
تھوڑا سرکے دھ ملا	چنبیل دھدرتے رنت ملا

## نسخہ چنبیل

نوشادر ورقیہ لے ہرنال	بھن نیلہ تھوٹھا دھ ڈال
نیپال سہاگہ بھس کتھ رال	ایہہ بھی چارے ہودن نال
وزن برابر سب دوا	تیل کوڑے دھ پیس لگا

## نسخہ چنبیل

نیلا تھوٹھا کر بریان	کچلہ سار ملاؤ آن
مردانگ کتھ آملہ سار	ہر ہک پھ ماشے مقدار

پہہ دارو سب اس دچگت	تیل مٹھائے تے سنت
لائت ہودے دنج آزار	کر کے مرہم دانگ تیار

### بیان قویا

آکھن اس نون مرض قہہا	دھدر پیدا ہودے آ
چمڑے دے دنج آن کھلوے	جدوں رطوبت گندی ہودے
خارش کرے نہایت زور	جے اوہ مادہ ہودے شور
کرتوں اس دا جلد دوا	دھدر ہودے شروع جد آ
پاوے چمڑے دنج خواری	خارش نال ہودے پوجاری
دھدریاں تے جوکاں لا	اول اس دا قصد کرا
ایہہ دارد نیت اس تے لا	کر کے گندہ خون صفا
سرکہ ڈال لگاؤ سنگ	ہرڑ ہندی کتھ مروا سنگ
خارش مڑکن کرے زیادہ	جے دھدر صفراوی مادہ
خارش پچھوں ہودے درد	نکے دچوں پانی زرد
دیوے دھدر تریت دغا	مغرب اس دا لکھاں دوا
مروا سنگ کتھ چھل انار	نوشادر سہلگہ آمد سار
لا دھدر تے سرکہ گھت	کیس برابر دارد سنت
خارش دھدر کرے حیران	جیکر روکا بال نادان
ویہہ کے لا سرکہ دے نال	ماجو ہندی کتھ نیال
سرکہ دنج دھدر تے لا	یا رس پھٹکڑی ہرڑ قہسا
تھوڑا جیہا سہاگہ میل	یاعت لا گندم دا تیل



<p> بلغم نال جے رمل سودا  فاسد مادہ کرے فساد  دو ترے چار جلاب کر  جیکر دھدر سخت نہایت  مغرب نسخہ کراں تحریر  پھٹکڑی رائی زرد ہر نال  آملہ سار برابر ست  ہر ہفتہ ہک دیہہ جلاب  جے مادہ دموی سودا  ایہہ نسخہ آزمودہ کار </p>	<p> ٹھہرے دوج چمڑے دے جا  نکلن دوج بدن دے داد  فاسد مادہ ددر کرا  کرے خارش دی بہت شکایت  دھدر چنبیل نوں اکیر  نوشادر سہاگہ توتیا ڈال  کرد طلا سر کے دوج گھت  مادہ خارج کرو شتاب  جوکاں دد ترے وار لگا  سائیں بخش کیتے کئی بار </p>
--	--

### نسخہ دھدری یعنی داد

<p> جے بلغم سودا مواد  دھدر بہت نہایت سخت  خارش اس دوج رہے مدام  نسخہ کراں بیان اکیر  اک دا دودھ تولے دو چو  اک دا دودھ تیل دوج ساڈ  مروا سنگ شکر ہر نال  نوشادر سہاگہ آملہ سار  ایہہ سب تیل دیلج ملا </p>	<p> پیدا کرن بدن تے داد  بودے پتھر دانگ کرخت  آدے کسے نہ وقت آرام  تجربہ کیتا ایس فقیر  مٹھا تیل تولے ست ہو  اک نقیب لاه تیل نوں ٹھار  یا پچی پارہ توتیا ڈال  چھ چھ ماشے کل مقدار  مرہم گھوڑ مار بنا </p>
--	---

کر کے گرم گھتو دیچ تیل دھدریاں تے بت لگا کرے چلیہ استعمال	تولہ چربی بکرا میل سرکہ تھوڑا جیہا ملا نقوع کوڑیاں چیزاں دانال
---	--

### نسخہ داد مجربہ مصنف خود

چمڑے دیونج کرے ٹکانہ رہے چمڑے دیونج کھلو کرے جسم دیونج فساد جاندی دھدر نظر نہ آدے ہری لکڑ پلچھی ہمراہ ڈال بھانڈے دیچ خوب سنوا پنج پنج تولے وزن تولہ دانے گندم تخم بکین تیل کڈھو گل حکمت نال دھدر چنبیل رہے نہ کا	دھدر چنبیل بہت پرانہ مادہ موذی عاتی ہو ہو دے سرد اس خشک مواد جے کوئی ایہہ دوا کماوے لے چھوڑے ٹاہلی دے سیاہ ادھ ادھ سیر پکا مقدار ہاتھی دانے حرمل لیا تخم کرفس دانے اجوین ادھ ادھ پا پکا دیچ ڈال سخت دھدر تے کرو طلا
---	--

### ✓ عرق دافع داد چنبیل کہنہ مصنف خون

جادے بگڑ سریر تمام گرم موسم دیچ جادن چھوڑ لوٹاں دھدر مارن ڈنگ نال تعفن ہو دے شور	جے دھدر لوٹاں ہون عام سرد موسم دیچ دیونج زور کھڑے چم سیاہی رنگ بوش خون یا دیوے زور
---	---



جاوے مرض پرانی ہو	چمڑے دیوچ رہے کھنکھو
جرب عرق رکھاں اکسیر	نہیں کوئی اس دی مثل نظیر
ہلماں اس دا فصد کرا	کر کے اس دا خون صفا
پتھوں اس نوں شروع کرا	جلدی بخشے صحت خدا
کڈھ عرق ایہہ نال تاکید	بہت دکھاں نوں پوسے مفید
دھدر چنیل جرب جذام	پوسے جادن چھوڑ مقام
تاپ پرانے ہوون دور	بھوڑے پھنسیاں چکنا چور
سائیں بخش ایہہ عرق آزمایا	بہت دکھاں دج نفع اٹھایا
منڈی بوٹی برگ حنا	چھل ہریٹاں زرد ملا
افسنتین پانسہ دج گھت	چراشتہ میل نرم دے پت
انہرول ہریٹاں سیاہ	پاڑا کر دے رگھو ہمراہ
بورہ صندل سرخ سفید	پھل گلاب سونف لے دید
کاسنی چھل بھیرہ ڈال	آنولہ دھنیاں پادیں نال
پنج پنج توئے یا شتاب	پا پکا دج ڈال عناب
چھل درخت نم دی لا	آدھ سیرپکا نال ملا
رات پانی دج رکھ پوسا	فجرے اس دا عرق کھینچا
نو دس بوتل کڈھو عرق	پوسے پوسے شابی فرق
خالص ماکھوں اس دج ڈال	شام صبح کر استعمال
ایہہ نسخہ صدی کرامات	کرے بگاڑ بدن دانات
دھدر چنیل ہوون دور	رہے د جئے دج قصور
ہور خرابی خون ہر قسم	دفع ہو جادے دھوں جسم

لے جا اس فوں دھج حمام ہر ہفتہ ہک دیہہ تیلین ما اجمین والی ترکیب گل روغن ہرکہ نال ملا	نہاویں نت صبح تے شام طبع موافق نال یقین چالی روز کریں ترتیب بدن اُتے مانس کردا
---	---

### نسخہ داد نصیبین

جیکر داد نلاں دھج ہوبے سبز کیس کافور انیم گل روغن ہرکہ دھج ملا کٹ کے تخم کرفس ادبال	خارش نال نلاں نوں کھوہے ہک ہک رتی قدر حکیم نصیبیاں اُتے لیب کرا دھو دیں اس دے پانی نال
--	---

### نسخہ داد انگریزی

چھٹانکی تارپین دا تیل داو موڈی تے کرد ملا اترے سگری اس توں عام	مشک کافور تھوڑا دھج میل دیہے فوراً نفع پہنچا آدے جلدی نال آرام
--	--

### نسخہ داد دہقانی

نسخہ کراں بیان دہقانی اس نے کہا میرا آزمایا ترسہ ڈوڈے تنیزد ہتورہے چھٹانکی تیل کوڑے دھج ساڑ	دقی ہک دہقان نشانی بوتربے وار خطا نہیں پایا تخم ارندے توئے ترے کڑا ہی اگ تھیں جلد آثار
--	---



مصبور توتیا آملہ سار پیہہ کے اس دے دج ملا کر کے مرہم دانگ تیار کر کچھ مدت استعمال	ہر ہک ہودن ماشے چار نال ڈنڈے دے خوب گھوٹا لاہک دن دج دوترے وار دھونٹ گرم پانی دینال
--	--

### نسخہ داد و چنبیل کمنہ

جیکر تینوں ہودے لوڑ تیزاب گندھک والا ایہہ بھی دج آزمائش آیا لوشادر سہاگہ آملہ سار پیہہ کے مکھن نال لگا	لکھاں مجرب نسخہ ہور دیوے دھدر نرت و نجا ناٹھ دوترے وار اٹھایا مغز ہریٹ دارو چار غارش دھدر وہے نہ کا
--	---

### نسخہ دھدری سر

سفید سمٹھ تخم پنواڈ تولہ تولہ سب دوا نیلا تھوٹھا کر بریان دس نو دج کھل کرا گھس سر کے دج نرت لگا	لوشادر سوداگہ آملہ سار پیہہ کے سارے جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن کر کے کھل شیاپ بنا دیوے دھدر غنج اٹا
---	---

### نسخہ دھدری آنشکی

سبب جے مادہ باد فرنگ دھدرکن بدن نوں تنگ

نسخہ عجیب آزمودہ کار میکور نے کتھ سفید چھ چھ ماشے چار دوا نیلا تھوٹھا کر بریان کھن گو کے دج ملا	کراں بیان نہ رہے آوار شگرف میل کنبد دید جدا جدا بہہ جمع کرا ماشے چار ملاڈ آن دھدریاں تے نت لگا
---	--

### نسخہ دھدری

نیلا تھوٹھا تول آن چار تولے آٹے دج ڈال نیکے تھوڑا جیہا دوا ست روز جیکر کوئی آدے	تولے آٹے کر کے بریان پہہ رکھ بوتل دج سہماں یشی پانی گھت پکا باندی دھدر نظر نہ آدے
--	--

### نسخہ دھدری مجربہ

کراں بیان عجیب دوائی روٹی دج تنز سرڈا سہاگ تولے دو سرڈا سبز توتیا کر بریان دکھو دکھی کھل کرا تھوڑا سر کے دج ڈال شگرف پارا تے ہر تال تول تول سب دوا	ہرگز دھدر رہے نہ کائی ڈنڈے کونڈے دج گھوٹا کنبد تولے تولے ملا تولہ پک ملاڈ آن چامے دارد جمع کرا کر دھدر تے استعمال آٹے سار سہاگ ڈال حرق نہتو دج کھل کرا
---	---



نیلا تھوتھا کر بریان اس دے بھہ شیاں رکھا ہک دو ہفتے نت لگا	ماشے چار ملاڈ آن گھس پانی دہج نت لگا دیوے داد دی یزخ اڑا
--	--

### نسخہ دھدری و گنج سر

جھت مار یا تولے چار نیلہ تھوتھا کر بریان تولے ست گری دا تیل مریم گھوڑ مار بنا ہست دھدرنوں دیوے سؤد	دو تولے گھت آملہ سار ماشے چھ ملاڈ آن پیہہ کے سب دوا دہج میل دو ہفتے تک روزہ لگا گنج پنبل سب ہون نابود
--	---

### نسخہ دھدری سر گنج وغیرہ

سفید سہاگہ پھل کرا ناخن گھوڑے دے سنگو لے کے دال بکری دے ساڈ پیہہ کے چارے جمع کرا	ساڈ پرانہ چم ملا گل حکمت دینال سڑا دزن برابر دارو چار تیل یا سر کے نال لگا
---	---

### لوٹکہ مجربہ دھدر

آملہ سار یا شتاب پھٹکڑی میلو نال سفید سرکہ تھوڑا جیہا ملا	پلٹھ میل اس دہج شراب سفید سہاگہ ڈالو دھید دھدر اتے کر د ملا
---	---

ٹوٹک دھدر دہقانی	
نوشادر ہالوں اسی رائی دزن برابر سہا دوا تھوڑا سر کے دج ملا	بج مولی دے پنج دوائی کھول کرا کے جمع کرا دھدر چنبیل تے رت لا
ٹوٹک دھدری سرو گنج وغیرہ	
نیپال مسر آملہ آن نیلا تھوٹھا کر بریان کیلہ تولہ نال بلا تھوڑا تیل کوڑے دج ڈال	ہک ہک تولہ کر بریان ماٹھے چھ ملاڈ آن کھول دے دج خوب پیا کر دج گنج تے استعمال
بیان خارش	
خارش بہت خراب بیماری خارش دے دو قسم پہچان جس نوں لگی خارش ہو دے خشک خارش اس کہن عوام جے ہر جادے گندہ خون چمڑے دیمچ کرے فتور سبب جے ہر دے مادہ شور نکلے پانی زرد یا ریم	پاؤسے چمڑے دج خواری ہک خشک دومی تر جان ناخن مار بدن نوں کھو دے حک کہن حکیم تمام خارش پیدا کرے زبون پھنسیاں پنڈے ہون ظہور خارش کرے نہایت زور آکھن اس نوں جرب حکیم



خارش جیکر ہودے تر جیکر کھرک پُرانی ہو پہلاں نصہ جلاب کرا پھنسیاں ہودن جے بہت نہایت کراں بیان عجیب دوا پاپڑا مونڈی ہرڑ سیاہ برگ جتنا تے نم دے پت ماکھوں دد تو لے دج ڈال ہر ہفتہ ہک کرو جلاب مردا سنگ کتھ برگ حنا بہہ کے لائیل کوڑے نال نوشادر سہاگ آملہ سار ترے ترے ماشے چارے گھت دہی سرکے دے دج ملا کر کچھ مدت استعمال	نصہ جلابوں ذرہ نہ ڈر چڑے دے دج رہے کھلو مادہ موذی دُور کرا کرے کھرک دی سخت شکایت پھنسی خارش رہے نہ کا چرائتہ انبرول ہمراہ ترے ترے ماشے دارو ست نقوع کر کے استعمال جادے خارش دُکھ شباب چھل ہریڑ کیس ملا سرکے دج تھوڑا جیہا ڈال قلبی شورہ دارد چار نیلا تھوٹھا رقی ست بدن اُتے ماش کرا نہاوے گرم پانی دینال
--	---

### نسخہ خارش خشک

جیکر خارش خشک ریاحی بھوشیاں پھنسیاں ہودن سخت سوناگہ باپکی آملہ سار برابر مردا سنگ کتھ گھت	چڑے دیوچ کرے تباہی خارش بہت کرن بد بخت دودو تو لے دا مقدار نیلا تھوٹھا ماشے ست
--	---

دو تولے دج ڈال کیس	کر کے سب اکٹھے پیس
دہی سر کے دیوچ ملا	تھوڑا بیہا مالش کردا
گرم پانی دے مال نہوا	گل روغن سرکہ نت ملا

### نسخہ خارش کہنہ

سودا تھیں جیکر خارش پیدا	ہو دے چمڑے سورج ہو پیدا
سخت ہو جاوے چم سیاہ	کرے بدن دا رنگ تباہ
یا مادہ سودا احترازی	ہو دے دج بدن دے عانی
سوزش سرکن رہے مدام	خارش لین نہ دے آرام
ماء البمین کر استعمال	ملین ہر ہفتہ رکھ نال
جیکر چالی روز کما دے	مرط کے خارش نظر نہ آدے
گل روغن سرکہ نت ملا	گرم پانی دینا نہوا
مغز تخم کدو تل سیاہ	دودھ دج گھوٹ بدن ملوا
مکھن مصری نت چٹا	خشکی جسموں دور کرا
ظاہر باطن کر مرطوب	تانا حاصل ہو دے مطوب

### نسخہ خارش دموی

جیکر خارش دموی ہو	رہے جسم دے دج کھلو
اول اس دا قصد کرا	پچھوں دادو شروع کرا
پیرا افسنتین سنا	بک بک تولے وزن تولا
پار تولے چھل ہرٹاں ڈال	دیچی دے دج گت اوبال



نل کے چُن کے صاف کرا چکی طرح پکاؤ توام جے کر باقی رہے قصور	دیوہ تویے دج ماکھوں پار پیوے صبح تے شام پھیرنا اس طور ضرور
--	--

### نسخہ خارش اطفال

جیکر لڑکا بال نادان نم دے پتر خوب گھوٹا گھیو گوکا کو شامل نال جد ساما پانی جل جاوے دیہہ روم کے نوں پسی نال اوہو گھیو پھنسیاں نے لا	پھنسیاں خارش کرن حیران گھول پانی دج صاف کرا پکاؤ کرٹا ہی دیوچ ڈال گھیو تنہا باقی رہ جاوے پھنسیاں دنع ہودن فی الحال پیوے اس نوں تر ت شفا
---	--

### نسخہ خارش گرم

قلعی شورہ گندھک یا دُنڈے کونڈے دج گھوٹا ہندی دے پتر خوب گھوٹا	ہندی دے پتر نال ملا گل روغن سرکہ گھت ملا تیل کوڑے دج گھت ملا
---	--

### نسخہ خارش سرد

جیکر خارش خاص ریاحی سودی وقت جے ہودے پیدا دیسی لے اجوین منگا	چمڑے دیوچ کرے تباہی سرد خارش اس سمجھیں ویدا تیل مٹھے دج گھت مرٹا
--	--

کر کے صاف بوتل دج گھت اجوین پانی دے دج گھوٹا دوترے گھنٹے کر کے جال گندھک تے اجوین گھوٹا جد دو گھنٹے گزرن آ	ماش کرد دھاڑے ست جسم اُتے ماش کردا نہادے گرم پانی دینال تیل مٹھے دج گھت ملا گرم پانی دینال نہوا
--	---

### بیان چھپاکی یعنی شری

آن ظہور ہووے یکلفت خارش دھپڑ بدن تمام اوکھا بہت ہووے انسان بعضیاں نول معدیوں تے آوے کھن کھرک ہووے بیار نکلن دھپڑ جسم تمام کھاوے پوے مخالف جا ہوون دھپڑ آن ہویدا دیہر دھونی اجوین دھوکھا ہووے بہت شتابی فرق بہت دیر تک رہے آزار فصد نال کر خارج مادہ انہول سونڈی دج گھت اس دینال ملاؤ ضرور	شری مرض ایہہ ہے بد بخت چھپاکی دج ہندی اس نام ایمانک پیدا ہووے آن مرگن تلخی دل گھبراوے پھرے بدن دیوچ بخار بند بدن ہو جان مسام یا کوئی گرم غذا دوا اوس سبب چھپاکی پیدا سرکہ گل روغن ملوا جد اُس نول آجاوے عرق جیکر مرض ایہہ کرے بگاڑ جیکر ہووے خون زیادہ پاپڑا نم ہندی دے پت عناں ہر میاں صندل بود
--	---



<p>             تیرے ترے ماشے سب دوا              بحر مل کر کپڑ پھان              کر کچھ مدت استعمال              برہم ڈنڈی دہا جوئی گھوٹ              اطریفل دیہہ اس نون کشنیر              جے غالب ہووے صفرا              دو ترے چار دیکے تلین              جیکر مادہ خاص ریاحی              تخم کرنس اجوین گھوٹا              تر پھلہ کٹ ماکھوں چوگمت           </p>	<p>             رات پانی دھج رکھ پوسا              دو تولے شہد ملاؤ آن              ہووے دفع شوکی بد حال              نیل کنٹھی دیہہ رہے نہ کھوٹ              اس دے جیہی نہیں کوئی چیز              آلو انبلی شروع کرا              خالص کرد مواد لعین              چمڑے دیوچ کرے تنباہی              تیل مٹھا گھت بدن ملا              چھتے نت ہارے صفت           </p>
---	---

### بیان درم طاعونی

<p>             مشکل مرض تک درم طاعون              جدوں خدا داد آوے قہر              پھیل جادے دھج ملک جہان              درم ران یا بغلا لویج              اچانک درم کرے آتنگ              سرگرم بہت کرے گھبرا              بعضیاں نون ہووے سرسام              ایہہ موذی بد مرض طاعون              کرے ملک دا حال تنباہ           </p>	<p>             کل درماں تھیں بد ملعون              پیدا کرے طاعونی زہر              زائل کرے بہت انسان              یا گردن دھج دیوے کچھ              جیونکر سب چلا دن ڈنگ              دیوے ہوش حواس بھلا              کرن بے ہووے بات کلام              بہت نہایت سخت زبون              ہووے آدم بہت فتنہ           </p>
--	---

ہے طاعون بلا آسمانی  
 جہدوں زیادہ کرے فساد  
 موزی مرض ایسہ سخت بلا  
 شامل ہووے تاپ دہائی  
 ایسہ بد بخت بیماری چھوٹ  
 ایس مرض دی مارے بو  
 ایس دکھ نوں ویکھ سیانے  
 اس آفت تھیں رب رحمان  
 جیکر ہووے ردی مادہ  
 ذہر جسم وچ جادے دھا  
 جیکر مادہ سالم ہو  
 جد تک اس نوں خیر ہو جائے  
 رنگ ورم جے زرد سیاہ  
 جیکر سرخ سفیدی رنگ  
 دو چار دے کے تیلیں  
 پنڈے تے مالش کردا  
 ورم اُتے پلٹس بنھوا  
 ایسہ بھی ہے ضما د آزموہ  
 تقویت دل دماغ پہنچا  
 ورم موزی تے پچھ لگا  
 مار ڈنگھی پچھ خوب نکال

نازل تھر خدا نشانی  
 آدم بہت ہووے برباد  
 ہووے موسم وچ وبا  
 دیوے مشکل نال ربانی  
 جائے لگ جیویں جن بھوت  
 نیڑے ڈھک نہ بیٹھے کو  
 اکھ اکھ سن پھڈ کھکانے  
 بخشے رحمت نال امان  
 ہوتی جائے مرض زیادہ  
 ہرگز پیش نہ جائے کا  
 ورم دیو تک رہے کھلو  
 شانی رب تھیں صحت پاوے  
 کرے ردگی دا حال تباہ  
 دارد اس دا کرونگ  
 خارج کرو مواد لعین  
 مکھن تازہ گوکا یا  
 پانی آٹا گھیو ملا  
 ہوئے بہت بیمار آسودہ  
 شربت مندل بہت پلا  
 مادہ زہری دفع کرا  
 دھوویں گرم پانی دے نال



دھنیاں صندل بور گھوٹا  
 رگد درم لے کر دھما د  
 تازہ گوکا مکھن لیا  
 گوکا مکھن بہت کھوا  
 بنفشہ شربت نیلوفر  
 بید مشک تے عرق گلاب  
 رب سیب تے رب انار  
 صندل مشک کافور گھسا  
 جیکر کھنگ نہ ہووے نال  
 شربت لیموں ترش انار  
 آو انہی دیہہ ننگ  
 زرشک انار دانہ وچ ڈال  
 سکنجبین اس بہت پلا  
 ظاہر باطن کر تر طیب  
 بنفشہ روغن نیلوفر  
 روغن مغز کدو بادام  
 سکنجبین دی تے کروا  
 بچے کر نال ہووے سرسام  
 دو ترے چار ملین کر  
 گاہے تے گاہے استہال  
 جیکر ہے ورم اوہ سرد

آٹا وچ جوال دا پا  
 ہووے سرکن دور فساد  
 رگد ورم ہر وقت لگا  
 مصری تھوڑی جیہی پلا  
 روح کیوڑہ وچ شامل کر  
 پیوے ڈال تازہ وچ آب  
 ڈال پانی دیہہ رت نہار  
 سینہ اُتے کرو پلا  
 ترش چیزاں کر استعمال  
 سرد بنوری دیہہ نہار  
 جیکر ذرہ نہ ہووے کھنگ  
 مصری گھت کر استعمال  
 تازہ پانی سرد پلا  
 شامل رکھ تبرید طیب  
 گوکا مکھن شامل کر  
 ماش کر د صبح تے شام  
 نہیں کوئی اس لے جیہا دوا  
 کسے بے ہودہ بات کلام  
 تے دیون تھیں ذرہ نہ ڈر  
 دیون جسموں زہر نکال  
 رنگ سفید نہ ہووے زرد

ہرگز  
 چونہ  
 چیمہ  
 لا ایم  
 جد م  
 بہت  
 دیو  
 جلدی

دلغ  
 ڈیرہ  
 ہندی  
 برص  
 چھڑے  
 غیر طبعی  
 چھڑے  
 دلغ  
 دلغ  
 دلغ  
 دلغ

<p>برگز تا پ نہ ہووے نال  چو نہ سبھی حب جیپال  پیہہ ماکھوں نے نال جلا  لا ایس نوں تے دفع یا چار  جد مواد ہو جائے جاری  بہت زور جے ہووے خون  دیوے زور کرے نقصان  جلدی اس دا قصد کرا</p>	<p>کہ مقروح دوا دے نال  صابن نیلا تھوٹھا ڈال  پچھ کے دم اُتے جھب نا  دیوے مُنہ ورم دا پاڑ  ہووے دُور بیماری ساری  ہووے گندہ بہت زبُون  اوتھے جائز قصد پچھان  حکیم قدیم گئے دُرا</p>
--	---

### بیان برص

<p>ولغ سفید بدن تے پین  ڈبہ ہو جاوے انسان  بہندی وچ پھلہری نام  برص بیماری سخت بلا  چمڑے دے وچ گرے مواد  غیر طبعی خلطائ تھیں پیدا  چمڑے ہوون داغ سفید  داغ سفید جو سُرخ رنگ  نوشت در سہاگہ کو باریک  دلغ برص تے کرو طلا  ماشد نت نوشت در کھائے</p>	<p>برص آزار حکیم اس کہن  صورت وچ پوے نقصان  آکھن اس نوں لوک تمام  صورت شکل دیوے بدلا  بہت مدت تک کرے فساد  ہوون چمڑے وچ ہویدا  ہون علاجون عاتی دید  دارو اس دا کرو سنگ  دانگ غبار ہو جائے ٹھیک  گل روغن سرکے نال رلا  برص مرض نوں فیض پہنچا دے</p>
--	--



<p>ہور طلا ہک کراں تحریر          کلونجی باپکی بیج پنواڑ          دیہن سرکے دے دج بلا          گرم پانی دے نال دھوا          کھا دے دی جڑ گھوٹ جے پیوے          کوڑیاں چیزاں دا جے عرق</p>	<p>مجزب دانگ طلسم اکسیر          نوشادر وزن برابر چار          داغ برص تے کرد طلا          پچھوں گل روغن ملوا          بہت شتابی پتنگا تھیوے          پیوے ہوس شتابی فرق</p>
--	--

### نسخہ برص خوراک

<p>پا ہک ہدی چواں منگا          آٹا گھیو سرکے بریان          سیر پکا اس وجہ گھیو گھت          لٹو ہنہ چھٹانکی تول          کشتہ سم الفار اکسیر          کچھ مدت کر استعمال          گڑکے کھٹن نال لنگھا دے          ایسے طور دوا کما دے          جیکر ہو دے برص سیاہ          ہڑتال درقہ لے دج ڈال</p>	<p>گٹ بہت باریک چھٹنا          ہک ہک سیر پکالے آن          گا ہڑی خوب پکاویں پت          کھا ہک ریت دوا انول          تجربہ سائیں بخش فقیر          نصف چادل دا قدر سہال          ہفتہ چھوڑے ہفتہ کھا دے          برص مرض مٹ فطرز آوے          پھٹکڑی آملہ سارا یا          سرک گھت کر استعمال</p>
--	--

### بیان مرض بہق

پیدا ہون چھب سفید	بہق برص آکھن اس وید
-------------------	---------------------

سخت کثیف ہو جان مسام  
 بہت مدت تک ہے بیماری  
 ہوں جدوں مسام کثیف  
 جد آ جاوے موسم گرم  
 ہووے پوست بدن لطیف  
 مخفی نسخہ کراں ظہور  
 نوشادر سہاگہ بابچی نے  
 دہی ہر کے سے وچ ملا  
 دو ترے گھنٹے کر کے جال  
 کچھ مدت کر استعمال  
 میں اس نسخے دی تریواری  
 نہیں اس سے وچ ذرا خطا  
 کراں بیان یک ہو ردوا  
 گندھک گھیو گھوٹ ملا  
 شامل کریں جے مغز اخروٹ  
 جے ہو جاون چھنب پڑنے  
 بہت مدت ہو جائے طول  
 نسخہ یاد آیا آنانشی  
 سرسوں بیج مولی دے یا  
 نوشادر سہاگہ نال ملا  
 انشی کر کے سب دوا

چنگاں مارے بدن تمام  
 پاوے چمڑے وچ خواری  
 ایہہ آزار دیوے تکلیف  
 مسام بدن ہو جاون نرم  
 ہو جاوے ایہہ دکھ خفیف  
 ہوون چھنب بدن سے دور  
 پیہہ باریک دوا ترے  
 بدن اتے مالش کروا  
 نہاٹے گرم پانی سے نال  
 ہوون دفع ہنق سے نال  
 کیتی آپ تجزیہ کاری  
 کیتی شانی رب شفا  
 مجرب اس نوں لے آزما  
 گرم پانی سے نال نہوا  
 رہے نہ ذرہ تھماں دا گھوٹ  
 چمڑے سے وچ کرن ٹھکانے  
 اوکھا ہووے بہت رنجول  
 آزمودہ راست دیہی شناسی  
 بیج پنج تولے وزن تولہ  
 بابچی دو دو تولے یا  
 دندے کوندے وچ گھوٹا



دہی سر کے دے وچ ملا دو ترے ساعت کر کے دیر بے نوشادر جے کر پیس نہاے گرم پانی دے نال	بدن اُتے مالش کردا گرم پانی وچ نہا دے پھیر گل روغن وچ روز اکیس رہے نہ کوئی بھتم داخال
---	--

### بیان عرق مدنی یعنی ناروا

عرق مدنی درم دا قسم شہر مدینہ وچ آزار ایس سبب عرق مدنی نام پک درم جد ہودے زیادہ رنگ درم دا جیکر لال جے کر درم کرے اکڑا مواد درم دا جیکر خام مہتر سہاگہ صابن لے کٹھ گودا وچ میل کنوار مادہ درم جیکر احتراقی رنگ درم دا ہودے زرد گودا اس تے بھنہ کنوار ادھا زبٹو چیر بنھا ایسی آٹا کنک ملا پلٹس کر پھیں وچ پکا	ناروا اس دا ہندی اسم بہت آدم نوں کرے خوار کن حکیم طبیب تمام رگ دے دانگوں نکلے مادہ نال جوکاں دے خون نکال لا گل روغن موم ملا پلٹس لا پکا تمام کٹ ملا دوا ترے رنت بھنہ ناروا دیوے پاڑ ہودے وچ بدن دے عاق مارے ضرب تراٹاں درد دیوے منہ درم دا پاڑ طوطیا سبز اوپر چھڑکا پانی گھت کنوار گھوٹا ناروے اوپر رنت بھنھا
--	---

نے کے خالص مٹھا تیل  
 مرہم گھوٹا مار بنا  
 لٹ لٹ دا پٹہ بٹھوا  
 برگ اک دا بڑا مفید  
 سہاگہ پیٹ کبوتر لیا  
 ناروا آتے نت لگا  
 مصتر یک ماشہ نت کھائے  
 جیکر وچ بدن امتلا  
 یک ورم جد ہووے تیار  
 پیٹ سکے تے باہر نکال  
 نکلے رشتہ جدوں تمام  
 جے باقی ہووے کچھ مادہ  
 اوپر آسے مرہم لا  
 مرد اسنگ سندھو کتھ رال  
 یک یک تول سب دوا  
 مرہم ٹما کی نال لگا  
 تنقیہ کرنا اس وچ فرض

کر کے گرم صابن وچ میل  
 ناروا آتے نت لگا  
 دیوے ناروا نرت ونجا  
 نت بٹھاس نوں نال تاکید  
 گو ترے وچ گھت پکا  
 دیوے ناروا جلد ونجا  
 ناروا نکل باہر سب آسے  
 دو ترے چار جلاب کرا  
 نکلے رشتہ باہر وار  
 ٹٹ جاون دا رکھ خیال  
 آدے اُسے وقت آرام  
 زخم ہو جائے بہت کشادہ  
 دیوے جھبڈے زخم چھڑا  
 بنا مرہم موم گہو ڈال  
 گھیو پھٹا کی نال ملا  
 دن وچ دو ترے وار لگا  
 مرٹ کے عود کرے نہ مرض

### بیان چند راناخن

چندرا آکھن لوگ عوام  
 پاوے انگل وچ فتور

داخ وچ یونانی نام  
 جڑھ ناخن وچ کرے ظہور

کرو  
 پھیر  
 کیس  
 قال

اسم  
 خوار  
 تمام  
 مادہ  
 کال  
 ملا  
 نام

پاڑ  
 غاٹی  
 درد  
 پاڑ  
 کا  
 بٹھا



سخت نہایت کرڑہ درم  
 مارے ضرباں درد تراٹ  
 نال زور چڑھ جائے تاپ  
 اول فصد جلاب کرا  
 طبع موافق کرو علاج  
 سرکہ ایسیغول ملا  
 چھان کنک دانت بنھا  
 جے کر درد کرے اس زور  
 انیم گھسا انگل تے لا  
 کرڑہ خشک جے ہوئے درم  
 کر کے گرم مٹھا کچھ تیل  
 تال اوہ مادہ موزی درم  
 درم اُتے میٹلس بنھوا  
 اسی آٹا نمک ملا  
 مادہ موزی جیڑا خام  
 جد اوہ درم ریم کر آئے  
 چیرو جلدی نشتر نال  
 مغز بادام مغز نار جیل  
 ڈنڈے کوڈے وچ گھوٹا  
 جیکر درم نہایت سخت  
 جاوے بہت پُرانا ہو

اکثر مادہ ہووے گرم  
 سٹرن وانگ اگ دی ٹاٹ  
 روگی بہت کرے درلاپ  
 درم موزی تے جوکاں لا  
 دیہو معتدل حسب مزاج  
 درم اُتے جھب لپ کرا  
 پانی پوست وچ رکھا  
 دیوے مادہ کھچ مروڑ  
 اُتے نگدہ بھنگ بنھا  
 روغن نال ملاویں نرم  
 رکھ انگل اس دے وچ میل  
 حل ہو جائے ہوئیے نرم  
 کچا سب مواد پکا  
 پانی گھیو گھت کے پکوا  
 جائے جھبے پک تمام  
 پھل سفید رنگ ہو جائے  
 گندہ سب مواد نکال  
 جو تارہ نال منقہ نال  
 پڑے انگل تے بنھوا  
 ہووے کرڑہ بہت کرخت  
 رہے ناخن دے وچ کھلو

<p>کراں بیان دوا یک ہو  نوشادر صابن کنگن کھار  تھوڑا جیہا نمک ملا  بٹھ دیہاڑے ترے یا چار  کر کچھ مدت استعمال  جیکر ورم اودہ ہووے سرد  بینگن کر کے گرم بنھا</p>	<p>جادے مرض ناخن نوں چھوڑ  نیلا تھوٹھا مغز کنوار  ورم ناخن تے نت بنھا  دیوے سخت ورم نوں پھاڑ  دیوے کل جڑھ سب نکال  تھوڑا تھوڑا ہووے درد  بٹھ پیاز کٹ نمک ملا</p>
--	--

### بیان مرض بال خورہ

<p>بال چر ہندی دج زبان  یا داہڑی سے خارش نال  بال اکھڑے سے کے زور  دیوے صحت شافی رب  رائی وزن برابر چار  دام الثعلب رہے نہ کا  اس مقام قرہ بن جائے  دیوے جھبڈے زخم چھڑا  گندھک سنگراحت میل  نت زخم تے کرو ملا  اکھڑے ہوئے بال اگائے  لاوے بال اگن مڑ پھیر</p>	<p>دَاءُ الثَّعْلَبِ کمن یونان  اکھڑ جاون سرے دال  مواد احتراقی فاسد شور  نسخہ کہاں یک بہت عجیب  نوشادر بالوں آٹھ سار  پیہہ کے سر کے دج لگا  جتنے ایہہ دوا لگاوے  مڑ اس نوں ایہہ مرہم لا  بھس کتھ ہندی مٹھاتیل  موم تھوڑا جیہا دج ملا  گھوٹ جے کوئی تھوم لگاوے  سرک مکھیاں دی لاگیر</p>
---	---



سپ گنج گھیو گو کے دھج ساڑ	لا نت ذرہ نہ رہے آزار
نوشادر پیہ کے نت لگا	گل روغن سر کے نال ملا
کہ کچھ مدت استعمال	دھویں گرم پانی سے نال
مرغی سے بیضے دا تیل	نت لگا نشادر میل
سم خر بکری دا سڑوا	پیہ سر کے دھج نت لگا
گل روغن کچھ نال ملا	بال خورہ تے نت لگا
نوشادر گو کے مکھن نال	پیہ کے نت کر استعمال

### نسخہ مجربہ بال خورہ

نسخہ یک صدی آزمائشی	آکھیا راست دین شناسی
میرے ایس بیماری نال	اکھڑ گئے ابرو سے دال
اس نسخے یقین سخت پائی	دقی شافی رب ربائی
ذرا رت نوشادر تے ہڑتال	لایا پیہ کے سر کے نال
ایسا دوا کیتا مقروح	گھیو لگانا کیتا شروع
اُگے سب ابرو سے دال	سارے حکم خدا سے نال

### نسخہ وال چہر

ساڑ لوہی بکری سے دال	فریوں کندش ہڑتال
وزن برابر چار دوا	پیہ کے سر کے نال لگا
ایہ بھی ہے نسخہ لاثانی	
لکھیا اندر طب یونانی	

سرد  
گرم  
قیروم  
گرم  
ایسے  
نوش  
گرم پا

آکھن  
پیدا  
جے چہر  
سڑیا  
چمڑے  
جرب

نوشادر  
گل روغن  
اروانہ  
دہی سر

## بیان شقوق الاطراف ہندی جہانجن

سرد موسم دج ہے ہنہ پیر گرم موسم دج رہن درست قیرو ملی اس تے نت لگا گرم پانی دج پیر دھوا ایسے طور کر استعمال نوشادر تیل مٹھے دج میں گرم پانی لے نال دھوا	پھٹ جاو ن ہے عادت ٹھہر پاٹ سیال جاو ن یکمشت نخل روغن چرنی موسم بلا نمک صابن اس دج جوشا سرد پانی تھیں رکھ سہماں نت لگا دھاڑے بیس سرد پانی دے راہ نہ جا
--	---

## بیان کلف

آکھن کلف حکیم یونان پیدا ہون داغ سیاہ جے چہرے دج ہون ٹھو سڑیا ہو یا سودا احتراقی چمڑے دج ٹھکانہ مل مغرب کراں بیان دوا نوشادر سوہاگہ پھٹکڑی لیا گل روغن سرکے دج بلا اروانہ دا آٹا کوڑا نیل دہی سرکے دے دج بلا	چھائیاں ہندی دج زبان کرن بدن دا حال تباہ اڈ جاوے چہرے دا اند ہو جاوے چمڑے دج عاتی بیٹھے مول نہ ہووے حل ہودن چھائیاں اڈ ہوا پیس باریک توے دوا چھائیاں اُتے کرد طلا نوشادر پیہہ اس دیو میل چھائیاں اُتے کرد طلا
---	--



ہم چلیہ کرد طیب	ماء الجبن والی ترتیب
طبع موافق کرو شتاب	ہر ہفتے دج ہک جلاب
گل روغن سرکہ ڈال بلا	نوشادر سوہاگہ خوب گھوٹا
گرم پانی دے نال دھوا	صابن تھوڑا جیہا لگا
لا سرخے دج ہے نہ چھائی	نخم مولی تے داسے رائی
گرم پانی دے نال دھوا	جیکہ تیزی کرے دوا
گل روغن لا شتابی نال	دھوئی کے گرم پانی دے نال
مت اس دیوے زخم بنا	جلدی نال اتار دوا
اس مرہم دے نال چھڑا	سبب دوا ہے زخم ہو جاوے
دو دو تولے وزن تولا	مردا سنگ سفیدہ لیا
کافور بلا وچ ماشے ست	روغن گل پنج تولے گھست
نال تیل دے میل وید	تورے کے موم سفید
مرہم بنت زخم تے لا	دال تورہ ہک پیس ملا
گھوٹ سرکہ وچ یسپ کرا	کوڑے مغز بادام لیا
بنت لگا دھاڑے بیس	نمک پانی مولی وچ پیس

### بیان حرق النار

سڑکن بہت کرے بد حال	سڑے جیکوئی آتش نال
دھوئی کے میل نکالو ٹھیک	لے کے کپڑا بہت باریک
بدن آتے دم دم رکھوا	نال پانی دے سرد کرا
سڑے بدن تے لا ضرور	سفیدی بیضہ مشک کافور

گل  
گوکا  
گل  
پیسہ  
جیکر  
دھنیار  
سفیدی  
بے سطر

مرہم  
گل روغن  
ہونہ قلع  
پتھر کن  
پانی  
سڑا دوج  
سڑا تازے  
پیسہ  
گل اور مٹی

<p>گل ارمنی کافور ملا گوکا دہی دودھ وچ ملا گل ارمنی تے کتھ سفید پہیہ کے گھیو گوکے وچ ڈال جیکر سرکن سخت نہایت دھنیاں دا پانی کڈھوا سفیدی بیضہ دے وچ ڈال جے سڑ جاوے بدن تمام</p>	<p>پانی دھنیاں نال لگا سڑے بدن تے ترے لگا رال کافور ملاؤ دیکھ بنا مرہم کر استعمال کرے درد دی بہت شکایت رسونت کافور افیم ملا کرد درد تے استعمال سرکن لین نہ دے آرام</p>
--	--

### نسخہ مرہم سفیدہ

<p>مرہم سفیدہ اج بنا گل روغن تولے اٹھ لیا چونہ قلعی چھٹا نکی تولہ پتھر کنکر کر سب دور چونہ پانی دے وچ پا سڑ دو بجے پانی وچ ڈال سڑ تازے پانی وچ گھت سڑ پھیر اس نوں خشک کرا گل ارمنی تے مشک کافور</p>	<p>زخم آگ تے رت لگا مرہم تولے دو نال ملا پوٹلی بنھ پانی وچ نال دھوا رہے نہ اس وچ ذرا قصور نتار تیزی اس دور کرا رفع کرد تیزی فی الحال ست دفعہ دھویں اس وت گل روغن دے وچ ملا ہک ہک تولہ میل ضرور</p>
---	--

مرہم سفیدہ اس دا تمام  
میلے آگ دے زخم تمام



سڑے جے کوئی پانی نال  
 لے کے جو توے پر ساڑ  
 جو ساڑ کے خوب گھوٹا  
 مشک کا فور گل ارمنی میل  
 سپیدی بیضہ مشک کا فور  
 تھوڑی جیسی افیم ملا  
 سرکن درد جے کرے خراب  
 یا تھوڑی جیسی دیہہ انیم

یا گھیو نال ہووے بد حال  
 جتنا قدر ہوون دیکار  
 سواہ ہندی دھنیاں نال ملا  
 لانت گل روغن وچ ٹھیل  
 گل روغن وچ میل ضرور  
 سخت درد تے کرد ملا  
 یک دو گھٹ پلاؤ شراب  
 آدے اس نل نیند حکیم

### بیان ضربہ و سقطہ

لگے سٹ جے نال قضا  
 سٹ تے پانی سرد وگا  
 گل ارمنی پھل انار منگا  
 سرکے دے وچ خوب گھوٹا  
 پھل گلاب تے پھل انار  
 سرکے دے وچ خوب پکا  
 جے تھوڑا جیہا میل شراب  
 میدہ لکڑی ہلد گھوٹا  
 پانی دے وچ گھوٹ لگے  
 میدہ سک ہلدی اشخار  
 گھوٹ اسی میتھی تل سیاہ

پوے پیم گوشت وچ گھا  
 پچھوں دارو گھوٹ لگا  
 آٹا ماہاں دا نال ملا  
 سخت سٹ تے کرد ملا  
 گل ارمنی سرکندر گلنار  
 سردی سٹ تے لیپ کر  
 لاویں جلد آدے اس خواب  
 آٹا چھولیاں دا وچ پکا  
 سٹ نون نامدہ بہت پہنچا  
 گھوٹ پانی وچ لاترے دا  
 پانی گھٹ پلٹس پکوا

تیل  
 سب  
 پیلکا  
 زخم  
 ماس  
 زخم  
 جیکر  
 میدہ  
 پکا  
 پٹ  
 زخم  
 بد نال

کے  
 کٹی  
 خون  
 دیر  
 سرد  
 سرک  
 سنگ

<p>تیل مٹھا اس روچ ملا  سبب سٹ دی جیکر ورم  پیلک دھنیاں خوب گھوٹا  زخم سٹ روچ پلوے ریم  ما سوزہ ماکھوں منج گھت  زخم ریم تھیں صاف ہو جائے  جیکر سٹ دا ورم کرخت  میدہ لکڑی ہلدی لیا  پکا پلش گھت مٹھا تیل  پٹہ گرما میل مٹھا  زخم یا سٹ قدم روچ ہو  جدناڑاں روچ پانی جاے</p>	<p>پٹہ اس دا نت بنھوا  درد کرے تے ہووے گرم  ورم گرم تے یسپ کرا  ایہہ دوا لگا حکیم  مرہم دانگ لگا دینہ سنت  ساڑ گھیولا زخم چھڑا دے  ہووے بہت پڑنا سخت  بکی میدہ کنک ملا  پانی روچ تھوڑا جیہا میل  دو ہنٹے رب کرے شفا  پانی مول تہہ نیڑے ڈھو  روچ پیردے ورم ہو جائے</p>
--	---

### بیان جراحت یعنی زخم

<p>کے سبب جے لگے سٹ  کٹی جاوے یا کوئی ناڑی  خون زخم دا بند کرا  دیر کرن روچ بہت خطر  سرد پانی دی کرو مکور  سرکہ عرق گلاب لیا  سنگ جراحت پیہہ کے دھو</p>	<p>یا کوئی ضرب ہو جائے پھٹ  ہووے خون زخم تھیں جاری  بہت شنبالی دیر نہ لا  خون دگے مت جاوے مر  اس دے جیہا علاج نہ ہو  سرد پانی گھت خوب دھوا  اُتے پٹی بٹھ ضرور</p>
---	---



پورانی نے دریائی ساڑ  
 سواہ بانس دی فائدہ مند  
 مائیں کتھ ماجو بریان  
 چارے ہیں زخم تے سٹ  
 کھڑیا مٹی نال سریش  
 پیٹی بند رکھ ست دھاڑے  
 دگدا خون جے بند نہ ہو  
 سہاگہ پھٹکڑی کر بریان  
 پھل انار تے سرمہ سیاہ  
 وزن برابر سب دوا  
 کر باریک زخم تے دھوڑ  
 پاوے رگ نون خوب کند  
 اُتے رُون رکھ گھٹ بنھا  
 خون جدوں بند ہو جائے  
 بنا مرہم ایہ پھٹ تے لاوے  
 ادھ پاگل روغن منگوا  
 کر کے صاف کپڑے دھتیل  
 مال مرہم سنگ کتھ سندھ  
 ہک ہک تولہ قدر دوا  
 اس مرہم نون بت لگاوے  
 نال سفید ٹاکلے لا

دوج زخم تے بھر ہک وار  
 کرے خون زخم دا بند  
 سپاری ساڑ ملاؤ آن  
 دیوے میل زخم دا پھٹ  
 خوب ملا بند اُتے ریش  
 زخم پھٹ بل جاون سائے  
 نال سرد پانی دے دھو  
 نال کیس ملاؤ آن  
 سپال ماجو کر کے ہمراہ  
 جدا جدا سب کھرل کرا  
 اک دا زخم ہووے جھبڈوڑ  
 فوراً جان ہو جائے بند  
 مڑکے خون نہ نظری آ  
 زخم پھٹ باقی رہ جائے  
 بہت شتابی زخم چھوڑا  
 مٹھ ہک پت نیم گھوٹ ٹرا  
 پیہ کے ایہ دوا سب میل  
 سنگ جراحت موم کافور  
 پیہ تل روغن دوج ملا  
 بہت شتابی زخم چھوڑا  
 دن دوج دو تہے وار لگا

<p>جیکر زخم قدم وچ ہو جد نائراں وچ پانی جاوے گھیو دے وچ پیاز سٹرا زخم پیر نوں گھیو اکیر رُوں گھیو نال آلودہ کر دن وچ دو ترے وار لگا پانی والی کوئی دوا نمت کر جائے زخم بگاڑ پانی والی کوئی چیز</p>	<p>پانی ذرا نہ پیرے ڈھو وچ پیرے ورم ہو جائے زخم پیرتے نت لگا وچ آزمائش ایس فقیر زخم پیر اُتے نت دھر دیوے جلدی زخم چھوڑا زخم پیرتے کدی نہ لا بہت دیر تک کرے خوار استعمال نہ کریں عزیز</p>
--	--

### بیان قروحات

<p>جدوں زخم وچ ہوتے ریم پیپ رہے استھیں نت جاری دارو اس دا کرو شتاب ماء العسل نوں گرم کرا یا سرکہ کچھ میل خراب مٹ پانی کچھ گرم کرا گل روغن وچ کر کے تر پہلاں اس نوں خوب دھوا غوث خورہ بول منگا صابن صبر کنڈر رنگار</p>	<p>اسکھن اس نوں قرح حکیم پاؤے گوشت وچ خواری نمت گوشت سب کرے خراب زخم قرح دا صاف دھوا صاف کرو دیو قرح شتاب کرو قرح نوں صاف دھوا پنبہ رُوں زخم وچ دھر ایہ مرہم اس نوں نت لا خون سیاہ وشتاں لے وچ پا ہر ہک چھ ماشے مقدار</p>
---	---



<p>توتیا بھس کتھ زانچ ایم  ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل  موم کھوڑا جیہا نال بلا  جیکر قرح رطوبت دار  یا سرے وچ دانگوں گنج  اس مرہم نون کر کے تیار  کر کے قرح نون جلدی خشک  مندی مرداسنگ کتھ رال  سفیدہ پھٹکڑی پھل کرا  ماجو مائیں ڈال کیس  ڈیڑھ چھٹانک مٹھالے تیل  موم کافور کھوڑا جیہا پاء  ایہ مرہم جیکر نت لائے  قحر موہری دالاجے جاوے  شرخ رنگ بے ہووے گھا  دو ترے دفعہ کر ایہ کار</p>	<p>ہک ہک ماشہ وزن عکیم  پیہ سب دارو اس وچ میل  مرہم دانگ قرح تے لا  ہووے کرے نہایت خوار  بہت مدت تک دیئے رنج  ہک دن وچ لا دو ترے دار  رہے رطوبت دانہ مشک  چھل انار سفیدہ ڈال  ساڑ سہاگ نال ملا  ہروزہ ترے ماشے کٹ پیس  پیہ دوا سب اس وچ میل  مرہم گھوڑ مار بنا  قرح گنج سب دفع ہو جاوے  اس نون فائدہ بہت پہنچاوے  گرد زخم دے جوکان لا  ہووے خونی قرح فرار</p>
--	---

### مرہم مجربہ رنگاری

<p>جیکر پھوڑہ قرح ہو پڑانا  ریم رہے نت اس قحیں جاری  ہروزہ تو لے چار منگا</p>	<p>رہے بدن وچ تل ٹھکانا  لا اس تے مرہم رنگاری  تور پیس رنگار ملا</p>
---	--

<p>بہروزہ ہودے گلا تر نیلا تھوٹھ کر بریان سفیدہ قلعی چھ ماشہ ڈال موم تول کر گرم ملا ہک دن دھج ہک وار لگا ایہ مرہم کئی دفعہ آزمائی</p>	<p>خشک نہ ہرگز شامل کر ماشے ترے ملاؤ آن ترے ترے ماشہ جس کتہہ رال لا نت ٹاکی نال لگا انھویں پہر بچوں بدلا قرحہ پھوڑا تھیں کرے ربائی</p>
---	--

### مرہم قرحہ گنج سر

<p>جست ساڑیا تولے چار نیلا تھوٹھ کر بریان ڈیڑھ چھٹانک گری داتیل کر کے مرہم دانگ تیار قرحہ گنج دا ہودے دور</p>	<p>دو تولے گھت آملہ سار ماشے ترے ملاؤ آن پیہہ کے سب دوائیں میل لاویں دن دھج ہک دو بار رہے نہ بالکل ذرہ قصور</p>
---	---

### بیان قرحہ دھدری

<p>جیکر قرحہ دھدر دا ہو خارش بہت ہوئے اس دھج نسخہ کراں بیان دہتقانی کئی دفعہ اس نوں آزمایا ادھ پا گاچنی مٹی لیا نیلا تھوٹھ کر بریان</p>	<p>بہت دیر تک ہے کھلو بہت کرے روگی نوں زچ فائدے دھج عجب لاثانی بے نظیر فائدہ دھج پایا صابن تولے چار ملا ماشے ترے ملاؤ آن</p>
---	--



پچونہ پسی آملہ سار	ہک ہک تولے دا مقدار
نوشادر سہاگ پھل کر ساڑ	ہر ہک ہووے ماشے چار
کر کے مرہم دانگ تیار	لا ہک دن دینج دو ترے دار

### نسخہ قرعہ و دمل کہنہ

مردا سنگ تے کتھ سفید	پھٹکڑی تول تولہ دئید
نیلا تھو تھہ کر بریان	ماشے ترے ملاؤ آن
میلو چار تولے دینج رال	بمٹھا تیل ادھ پا دچہ ڈال
مرہم گھوڑ مار بنا	قرعہ پھوڑے آتے نت لا

### نسخہ قرعہ و دمل کہنہ

ساڑ پسی سہاگ بریان	پھٹکڑی وزن برابر آن
دارو ترے باریک کرا	گھینو گوکے دے دچہ ملا
قرعہ پھوڑے تے نت لگا	دیوے پھوڑا قرعہ ونجا

### بیان ناسور گھنیر

جیکر قرعہ ناسور گھنیر	ہووے پیدا دینج سریر
جادے بہت پرانا ہو	فائدہ کرے دوانہ کو
دسے ہمیش اس تھیں ریم	ملا جوں ہوں لاچار حکیم

طلسمی نسخہ دانگ اکیر  
تجربہ سائیں بخش فقیر

گھنیر بھگندر قرہ ناسور	ست سالان دا ہونے دور
سُم گدوں دا تولے چار	گل حکمت کراس نوں ساڑ
دو تولے ساڑ پُرانا چم	کوزے وچ بند کر کے دم
پسی تول ساڑ طلا	رہسپور تول وچ پا
تول مڑی گلاں دی ساڑ	کوڈیاں زرد سڑاڈ چار
نیلا تھوٹھا کر بریان	ماشے چار ملاؤ آن
ادھ پا مٹھا تیل مٹکا	سپ دی گنج ہک ڈال سڑا
اُتوں لاه کڑا ہی تیل	پیہہ دوا سب اس وچ میل
تول ساڑ بکری دے وال	ایہ بھی لے اس دے وچ ڈال
چرنی بکرا موم سفید	ہک ہک تول میل وٹید
گھونٹہ کر مرہم وانگ بنا	ٹٹاکی نال قرہ تے لاد
دن وچ ہک دو دفعہ لگاے	قرہ گھنیر ناسور و نجاوے
ایس نسخے تھیں بہت بیمار	کیتے شفا خداوند گار
سُم گھوڑے گدوں دا لیا	پتال جنت نال تیل کڈھا
ناسور اُتے جے لاویں تیل	دیوے زخم پُرانہ میل
سوراخ باریک ناسور بھگند	کتنا ڈونگھا ہووے اندر
نال بتی دے تیل لگا	وچ سوراخ ناسور چھوڑا
جے ایہ تیل بڑا اکیر	مارے وچ نشانہ تیر
جس قرہ تھیں گند یا ریم	وگدا رہے ہمیش حکیم
اوہ قرہ بل جادے جھب	دیوے صحت شانی رب
ہور ہک نوٹکہ بڑا عجیب	حکیم اجمل خاں دا تجربا



## بیان قرعہ تشکی

قرعہ سبب ہے باد فرنگ شنگرف مر داسنگ سندھو ہر یک چھ ماشے مقدار نیلا تھو تھو کر بریان ہک چھٹانک مٹھالے تیل کر کے مرہم وانگ تیار ایہ مرہم معفی اسرار	بہت کہے روگ نول تنگ کندر کتھ ملاؤ ضرور رسکیور گھٹ ماشے چار ماشے توے ملاؤ آن موم سفید تولہ دھج میل لاویں دن دھج ہک دوبار ہووے قرعہ فرنگ فرار
---	---

## قرعہ گھنیر و ناسور کمنہ

سُٹم گدوں دا تولے چار رسکیور شنگرف سیما ب رال مر داسنگ موم سفید لے دس تولے مٹھا تیل ہک دن دھج ہک بار لگا	گل حکمت کر اس نول ساڑ ہک ہک تولہ میل شتاب برابر وزن داخل کر دید بنا مرہم دارو سب میل اٹھویں پہر پچھوں بدلا
--	--

## نسخہ خضاب

تولے چار ہر پڑاں سیاہ نوشادر پھٹکڑی مر داسنگ ہک ہک تولے دا مقدار	چھ تولے سنگرا سخ ہمراہ کسبیں سبز دھج میل ننگ کٹ میل ایہ دارد چار
--	--

تو لے اٹھ ماجو لے آن کٹ پیس سب جمع کرا آنولیاں دا دج ڈالو آب دو ترے ساعت بنھ کھلا	گھيو گو کے دج کر بریان دو تو لے حاجت وقت لگا داہڑی اُتے کرد خضاب آملہ پانی نال دھوا
--	--

### نسخہ خضاب

بُورہ لوسے دا رگڑا ادھ ادھ سیر ترے دوا پت مندی تے ہرڈاں سیاہ چھل بیڑہ چھل آنار چو نہ پھنکڑی ڈال کیس بنج سیر دہی اس دیوچ پا بھانڈے مٹی دے دج ڈال ترے جینے رنت ملا تیل مٹھا گھت کے ہک سیر جد سارا پانی جل جاوے اگ تھیں اوس نوں جلد آنار نال کنگھی دے تیل لگا	آملہ پتر دسمہ پا ماجو تو لے پنج ملا چھل ہرڈاں زرد لیا ہر ہک پاؤ پاؤ مقدار ادھ ادھ پا ملا کٹ پیس سرکہ قند سیر ملا ترے جینے رکھ سمہال بعد میعادوں صاف کرا کڑا ہی گھت پکاویں پھیر تیل فقط تنہا رہ جاوے ڈال بوتل دج صاف نتار داہڑی نوں شانہ کرڈا
---	---

### نسخہ خضاب

سنگراخ لے تولہ آن	ماجو دو تو لے بریان
-------------------	---------------------



نوشادر چھ ماشے دج پا جدا جدا کٹ چار دوا آملہ دے پانی دے نال پکھوں ایہ خضاب لگا ہک پہر دے بعد کھولا	پھٹکڑی ماشے ترے ملا پانی آملہ دج ملا اول دھو داہڑی لے وال اوپر پتے بوہڑ بٹھا پانی آملہ نال دھوا
--	---

### بیان زہر خوردہ

جے کوئی زہر سنبھال کھاوے خاص زہر دے چار دوا پہلاں گھیو دودھ جلد پلا سکنجین ہک پا منگا رائی ماشے چار گھوٹا پانی گرم پیالے ترے پکھوں اس جلاب کرا کسٹرائیل لے تو لے ست پنبہ دانہ گھوٹ پلا گھیو دودھ بہت پلا بیباق زہر خوردہ کرے نہ خواب ستو پانی دے دج گھول جے کھاوے مغز اخروٹ جے زہر جگر دج پھڑے قرار	اس نوں تے نہایت آوے گھیو دودھ تے جلاب کرا پکھوں اس نوں تے کڑا سرک نال پھٹانک ملا سکنجین دے نال ملا ترے تھتے کر کے پی لے کسٹرائیل دودھ دج ملا گاہہ دودھ سیروچ گھت مجرّب کندے نے حکماء کل زہراں دا ہے تریاق مت اس زہر نہ کرے خواب پیوسے دارو ہے امول رہے نہ ذرہ زہر دا کھوٹ جلدی کر اس نوں ادرار
--	---

## بیان افیون خورہ

<p>جیکوئی کھاوے زہر افیم          سُرخ اکھیں سر چڑھے بخار          بھادیں کے قسم دی زہر          پہلاں اوس پلا گھيو دودھ          مڑ اس نول گھيو دودھ پلا          کرے بے خشکی بہت افیم          مڑ اس نول دیویں تلمیں          شیر فرقہ گھوٹ پلا          ہر چیلے کر خشکی دور          ترش نسی بہت اوس پلا          کھوا نتو دا ترش آچار          پُور زہر پانی بے پیوے          سفید سہاگر کر بریان          چھ چھ ماشے دا مقدار          ادھ پا گھيو دے دج ملا          اس تھیں اُس نول تھیں</p>	<p>گھوئی اوس نیند حکیم          جسم بے حس ہووے یکبار          کھاوے رہے جسم دج ٹھہر          تے کردا بے ہووے بدھ          رہے قصور تاتے کردا          گھيو دودھ میل پلا حکیم          خارج کرد سب زہر لہیں          شربت ترش انار پلا          رہے نہ جتے دج قصور          دو ترے دار اس تے گردا          کابخی ترش نہ رہے انار          بہت شتابی چنگا گھيوے          گھيو دج گھت پلا دُ آن          دیہ نول اس نول بہتی دار          زہر دالے نول جلد پلا          زہر جسم دے دج نہ رہے</p>
---	---

## نسخہ خمار شراب

کرے خمار اس بہت خراب	پیوے کئی بے بہت شراب
----------------------	----------------------



کھوا زبُو اس تُرش انار گوکا کھن انت کھوا	بسی تُرش نہ رہے آزار نجرے اُٹھ مصری دینچ پا
بیان زہر کزدم	
<p>بچھو جدوں چلا دے ڈنگ سخت ڈنگ دینچ ہووے پیڑ زور کرے جد زہری مادہ گل روغن سرکہ جلد ملا یا سرکے دا کرو طلا یا موم نوں گرم کرا یا ماکھوں نوں کرکے گرم گھوٹ بھنوں جے پت کپاس تھوڑا جیہا گھیو ملا درد بچھو تے مغز اخروٹ دیی کٹ اجوین جوشا ڈنگ تے لا زبُو دا عرق زیخ زبُو دے گھوٹ پلا گھتی مار ڈنگ تے لا پکڑ بچھو گھیو دینچ سٹرا سجی پانی دینچ گھوٹا ہک دو داری تے کردا</p>	<p>ہووے بہت طبیعت تنگ اوکھا ہووے بہت سریر ہونڈی جاوے سوچ زیادہ چونہ لسن گھوٹ لگا پیر منٹ اس دینچ ملا دو ترے قطرے ڈنگ تے لا لا درد ہو جاوے نرم ہووے درد بچھو دا ناس درد بچھو تے لیپ کرا لاؤ پانی دے دینچ گھوٹ ڈنگ بچھو دا تر ت دھوا ہووے بہت شتابی فرق نخم کر لیا لیپ کرا دیوے فائدہ تر ت دکھا ادھ ڈنگ بچھو تے لا ڈنگ اُتے جھب لیپ کرا دیوے اس نوں رب شفا</p>

## بیان مارگزیدہ

<p>             جس نوں سپ چلاوے ڈنگ              ہوس گھوکی نیند خماری              زور کرے جد زہری مادہ              کرے ڈنگ درد بسیار              سپ ہے ڈنگ گانج لافے              مونہہ تھیں خون ہوئے جد جاری              ہے ڈنگ دج لگے شریان              جیکر ڈنگ ملے دج چم              گھٹو دودھ اس نوں جلد پلا              جیکر پتے رنم چباوے              برگ رنم ہے پیوے گھوٹ              ڈنگ ایہہ اعظم اکسیر              گھول پیوے ہے مٹی کھیت              پانی زنبو دا کڈھوا              ڈنگ سپ دے اُپر دھر              مغز بنول گھوٹ پلا              دو ترے واری قے کروا              بکریاں دی مینگنی لے ساڑ              پلاک وار سرہول داتیل           </p>	<p>             بدل جافے چہرے دارنگ              جادے بگڑ طبیعت ساری              ہوندی جادے زور زیادہ              ہووے بہت طبع بیزار              جلدی زہر جگر وچ دھافے              پوے طبیعت دج خواری              کرے حیاتی دا نقصان              اثر زہر دا ہووے کم              ترے دن اس نوں قے کروا              اثر زہر دا ترے دنجافے              رہے نہ ذرہ زہر دا کھوٹ              تجربہ سائیں بخش فقیر              اثر زہر والے سمیٹ              پنبہ روں دا تر کروا              ہرگز زہر نہ کرے اثر              دیوے زہر دا اثر دنجا              دیوے زہروں رب رب              پیوے پانی گھوٹ نتار              تھک تھوڑا جیسا دج میل           </p>
---	---



جد اس نون اس تھیں تے آئے	دوبی داری پھر پلائے
ایہ بھی ہے زہر دا تریاق	اچانک مرگ تھیں کرے بیاق
پھر اس نون کوئی دیہ جلاب	خارج ہووے زہر شتاب
یا اس رمی سنگی لا	زہر باہر دی طرف کھیا
ڈنگ سپ تے پچھ لگا	دودھ اک جیپال گھسا
ڈنگ سپ تے اُتے دھر	ڈنگ پلائی کے جاری کر
جدوں ڈنگ ہو جائے جاری	نکلے زہر جسم تھیں ساری
گھبڑ ساڑ کے رنت لگا	دیوے جلدی زخم چھوڑا
بیچ ست دفعہ دھاڑی دج	لاؤ تمام زہر لے کج
گھبڑ گوکا اس بہت پلا	زہر سپ دا خوب ددا

### نسخہ فے آوز

مین پھل دا ڈوڈہ منگوا	گھوٹ پانی دج ترت پلا
ادسے وقت اس نون تے آئے	زہر جسم تھیں دج ہو جائے

### نسخہ فے آوز

ہک ہریشے دی پھل لا	کل پانی دے دج پلا
فور آتے اس نون آجائے	زہر جسم دی دج ہو جاوے

### نسخہ فے آوز

طوطیا ہک ماشہ یاریک	کر کے کل تہو دج ٹھیک
---------------------	----------------------

پانی لیموں چوس ٹکھاے	بہت شستائی ہے اس آفے
دو ترے دفعہ کرے اس طو	نہر نکل جاوے فی الفور
پہلاں گھیر دودھ میل پلا	پچھوں اس نول تے کردا

### نسخہ آدر

سکنجبین پا ہک منگوا	چھٹانکی سرکہ نال پلا
توے سیر پانی گرم گرا	نمک کھوڑے جلد کردا
میل ماشے توے رائی گھوٹ	ذره نہ رہے معدیہ کھوٹ

### نسخہ گزیدن زنبور

بے ڈیموں نمک کے نول دے	کوٹا تیل شتاب لگانے
یا سرکہ گھٹ نمک لگا	ہودے ادسے وقت شفا

### بیان گزیدن سگ دیوانہ

ہکا گتا نال قضا	مارے دند کے نول آ
چالی روز زخم رکھ جاری	زہر دفع ہو جاوے ساری
سرکہ گندا مھوم کوٹا	نمک نوشادر نال پلا
زخم دند تے کرد طلا	دیوے اس نول زخم بنا
جیکر تینوں ہودے لوڑ	مقدومی لا دوائیں ہود
بڈنہ سچی حب جے پال	طوطیا سبز شامل کر نل
مقام زخم دا خوب پچھا	میل شہد دھج کرد طلا



<p>دو ترے داری کرد شتاب مت خشکی اس جائے دھا رہے نہ کے جگہ دج ٹھہر زخم اُتے جھب کرو طلا دج ملائی گھت ملا دیوے جلدی سوچ اُڑا زخم اُتے نت کرد طلا زخم کئے تے تر ت نکا کدھو جسموں زہر شتاب مقدوحی دارد اس تے لا نال زہر جادے میت م رکھیں دل دج یاد نمیز بہنہ گولی اس نول نگلا جسموں زہر نکل سب جائے</p>	<p>ہک مہینے دج جلاب نکھن مصری بنت کھوا ہر چیلے کر خارج زہر سرخ مریج تے تھوم گھوٹا لے مرغی دی بیٹ منگا ورم اُتے بے کریں طلا کچلے گو تر دج گھسا ماکھوں گنڈھا نول گھسا ہر ماہ دج دو کرد جلاب زخم جاری اس دا رکھوا ہر چند زخم اس جاری کر ایو جیسی نہیں کوئی چیز مکھی گوڑ دے دج ملا ہر ہفتہ اس نول قے کئے</p>
---	--

نسخہ مجربہ زہر سگ دیوانہ

<p>کرے دفع سب زہر آفات ترے روزہ تک تہہ کرا گھینو گو کے دج کر بریان خوب باریک ہو جائے ٹیک چھ چھ ماشے کٹ ملا</p>	<p>نسخہ ہک لکھاں کرامات پچلے دو تولے منگوا تراش چاقو نال اُسول آن کھل دے دج کرد باریک مگ مریاں سُنڈھ ترے دوا</p>
--	--

ڈنڈ  
قد  
ہک  
جیکر  
ادپ  
ادپ  
پوللا  
مت  
نریہ  
رو  
بے  
تیل  
نسہ  
نسہ  
بیمار  
سوا  
دیوہ  
بنا

ڈنڈے کونڈے دھج گھوٹا قد چنے دی بنھوں جب ہک ہک گولی رت کھوا	پانی حقوڑا جیہا ملا نال عقل سے گویاں سب اثر زہر دا رہے نہ کا
--	--

### بیان شکستہ استخوان

جیکر ہڈی جاوے ٹٹ اوپر مٹھا تیل لگا اوپر تختیاں نوں رکھوا پولا پولا گرم بنھائیں مت اس نوں پہنچے تکلیف تزیجے روزہ کھول مرٹ بنھ روغن گدی پٹی لا جے ہودے لکڑی چوٹ تیل مٹھے دی کھل منگوا	ہتھال نال جوڑ جھب گھت گدی پٹی نال بنھا دھاگا بنھ مضبوط کرا ہرگز بہت زور نہ لائیں دیویں اس نوں گھوٹ تحیف میلو سب ہڈیاں واسنھ تختیاں نوں مضبوط کرا بنھ اس تے کالے تل گھوٹ بنھ رت پانی دھج پکا
---	---

### نسۂ معمول مطب حکیم جگ شیر خلف الرشید حکیم مائیں بخش

نسۂ کراں بیان عجیب بیماری نوں پیغام پہنچاے سول شکم نوں کرے نابود دیوے آن پیغام شفا بناو دی ہن دساں تمیز	فائدہ پادن لوگ طیب بیماری دیکھ کا فور ہو جاے درد دندان نوں دیوے سود درد شکم نوں کرے تباہ سمجھن نال عقل عزیز
---	---



نوشادر گرو مرغا سیاہ	تخم دھتورہ کر ہمراہ
تور تور تین دوا	تخم دھتورہ چھ ماشے پا
چارے خوب باریک کر آئیں	یاد رکھیں مت بھل نہ جائیں
رتی دو خوراک جوان	نصف خوراک بل نادان
جے اس دا مقدار بڑھاویں	فورا توں نقصان اٹھاویں
پانی سارہ نال لنگھا	خشک چیز دے راہ نہ جا
نل یقین کر استعمال	درد فرار کرے فی الحال
جیکر درد دندان فوٹے	روگی آہیں مارے رووے

تمت	رتی اک ملا دیں آن	بالنخیر
	فورا فائدہ ٹھیں پچھان	

۱۔ طب اکبر کامل	۱۰۔ کتنی المیہات کامل
۲۔ مرج البحرین	۱۱۔ کتنی المیہات
۳۔ کلید طب	۱۲۔ کتنی المیہات
۴۔ بیاتن کرینی	۱۳۔ کتنی المیہات
۵۔ مفردات غرضی	۱۴۔ کتنی المیہات
۶۔ استدعاری	۱۵۔ کتنی المیہات
۷۔ علم کشتہ جات	۱۶۔ کتنی المیہات
۸۔ فہرست الادویہ	۱۷۔ کتنی المیہات
۹۔ قانون طب	۱۸۔ کتنی المیہات
۱۰۔ تشریح الطب	۱۹۔ کتنی المیہات
	۲۰۔ کتنی المیہات

شیخ غلام حسین اینڈ سنز پبلشرز اردو بازار لاہور

محمد الحسن جان

گلو منڈی

ضلع وہاڑی

تحصیل پورے والا

~~محمد~~



طبی

نام کتاب

طب اکبر کامل

بستان المفردات

بیاض کریمی

کلید طب

علم کشفہ جات

تشریح الطب

دار الشفا (پنجابی)

تحفہ لقمان

بیاض کبیر کامل

حاذق اجمل خان

کنز الحیات کامل

ہندوپاک کی جڑی بوٹی

جڑی بوٹیوں کے عجیب و غریب فوائد

کتاب المفردات

کتاب مرکبات

مغز المفردات

60/-

60/-

60/-

49/-

13/50

35/-

10/-

100/-

78/-

132/-

84/-

96/-

85/-

55/-

75/-

اکبر

حکیم محمد نذیر کرشی

حکیم محمد نذیر کرشی

ڈاکٹر عبدالرشیدی

سائیں بخش

سائیں بخش

حکیم غلام قادر

کبیر الدین

اجمل خان

حکیم عبداللہ

حکیم عبداللہ

کرشن دت

منظر اعوان

منظر اعوان

غلام جیلانی

شیخ غلام حسین اینڈ سنز لاہور